

زیورهای زنان ایران

از دیرباز تا کنون

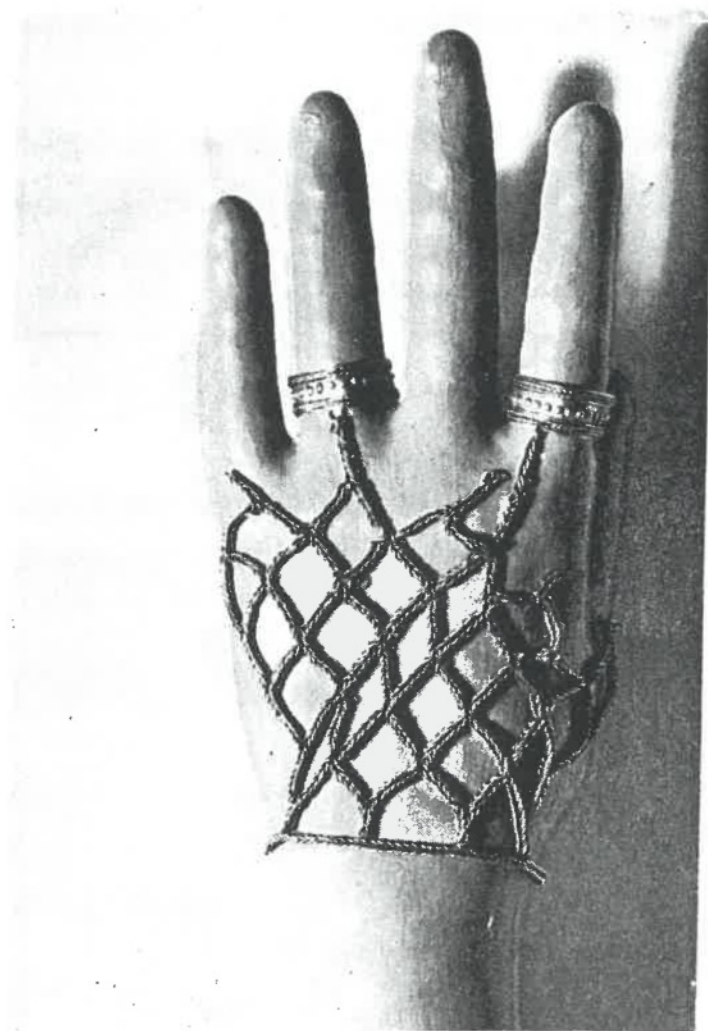
نوشته:

حلیل ضیاء پور

رئیس نوزه مردم شناسی

با آرزوی توفیق بی درنگ
دکتر عزیز

۴/۶۶
۷۸



(شکل ۱) دستکش زنجیری طلا . مکشوفه از زیویه کردستان .
منتسب به اواخر سده هفتم پیش از میلاد . موجود در موزه ایران باستان .

آگاهی از مطالب و مدارك این کتاب (که گزارشی از زیورهای گوناگون متداول میان زنان فلان ایران از گذشته دور تا کنون است) علاوه بر اینکه سلیقه زنان و چگونگی مهارت زیورسازان ما را طی دوره‌ها روشن میکند، برای علاقمندان و کنجکاوان، وسیله شناسایی شکل زیورهاست و برای اهل فن، مایه آفرینش طرح نو در زمینه زیورسازی است.

در این کتاب، علاوه بر ذکر گزارشهای مورخان، و محققان، و ارائه یافته‌های حفاران و باستانشناسان (تا حدود امکان) از نقش‌هایی نیز که زیورها و طرز استعمال آنها را مینمایانند برای آگاهی بیشتر، آورده شده است.

(گذشت روزگاران نشان داده است که خودآرایی زنان نه بدارایی و فقرشان بستگی داشته ، و نه در انحصار نژاد و قوم معینی بوده است . بلکه همگی آنان ، از هر طبقه و قومی که بوده‌اند برای جلوه‌گری هرچه بیشتر خود ، بهر چیزی که گمان برده‌اند مناسب خودآرایی است ، به آن مانند يك نیاز حتمی و حیاتی دست برده‌اند ، و در هر زمانی وسائل موجود را (از طلا و نقره ، مفرغ و آهن تا گچ و سنگ و صدف) بکار گرفته‌اند . این چنین سماجی در خودآرایی و جلوه‌گری ، شاید که ناشی از خوی نهادی باشد ، ولی از هر ریشه‌ای که باشد ، مردان همیشه اینکار را در زنان ستوده‌اند ، و از راه تهیه زیورها برای آنان ، هم زیورسازان را بکار خود دلگرم کرده‌اند ، و هم با دادن این قبیل پیشکشی‌ها به زنان ، رضایت خاطرشان را فراهم نموده‌اند .

بر مبنای مدارك فراوان میتوان توجه داشت که اینکار همچنان از دیرزمان تاکنون ادامه داشته است)

سرهنگ درو^۱ ویل نوشته است : اشتیاق زنان ایران به زیور و زر تا بحدی است که گمان نمی‌رود زنی در ایران بتوان یافت که فاقد آن

۱- سرهنگ درو ویل Drouville نویسنده سفرنامه‌ای بنام (مسافرت در ایران) است که مقارن اواخر دوره قاجاریه و زمان فتح‌الشاه در سالهای (۱۸۱۲ - ۱۸۱۳ میلادی) در ایران بوده است .

باشد. هر پیشه‌ور بی‌نوائی نیز برای ایجاد محیط آرام در خانه خود، ناگزیر است که تن بمحرومیت بدهد، و چیزی از زر و زیور برای زن خود فراهم سازد. زنان متمکن در اینکار راه افراط می‌پیمایند، و علاوه بر قطعات درشت جواهر، ده‌ها بازوبند بر بازو، و بهر انگشت دست حلقه‌ای و مرواریدهای درشتی برای زینت کلاه خود دارند! (صفحه ۵۶).

دروویل همچنین نوشته است: ایرانیان میکوشند تا زنانشان لباسهای فاخر دربر کنند و از تزئینات و جواهرات گرانبها استفاده نمایند. (صفحه ۴۲).



اینک بعلت نبودن نوشته‌هایی از مردم دوران پیش، نمی‌توانیم چگونگی دست به دست گشتن این همه زیورها را (که از دل خاک درآورده‌اند) بدانیم. شاید که فلان گردن‌بند عقیق یا گچی را فلان بی‌دل غارنشین فراهم کرده باشد که بنشانه دلباختگی به معشوقه برهنه‌اش (که تنها پوستی را برای ستر عورت با خود داشته) در نهانگاهی به او هدیه کرده بوده، و یا فلان سینه‌ریز گوش ماهی را، خواهانی از راه مبادله پایاپای (شاید بجای یک سبد بافته دست زنش) از زیورگری (که کارش ریشه کردن دندان وحوش و گوش ماهی و دیگر چیزها بوده) بدست آورده باشد.

اگرچه این چگونگی‌ها برای ما روشن نیست، ولی میدانیم که

بهر جهت علت وجودی و بازماندن آنها، برای جلوه‌گری و بخاطر تراضی میل و عقیده‌مندی به آنها بوده است.

گیرشمن R. Ghirshman در بخشی از کتاب خود بنام (ایران از آغاز تا اسلام) تحت عنوان نخستین ساکنان دشت، نوشته است: نخستین اشیاء کوچک مسی (که هنوز چکش کاری میشد) در پایان عهد حجر متأخر ظهور نمود.

انسان غار، در آغاز آشنائی با نخستین فلزی بود که میبایست بکار برد؛ و دریافته بود که مس، نرم و قابل تورق است. اما هنوز طرز آب کردن آنرا نمی‌دانست.

در این عهد، مرد و زن هر دو علاقه داشتند که خود را آرایش کنند. گردن‌بندهایی از صدف ترتیب میدادند، و حلقه انگشتری و دست بند را از صدفهای بزرگ یا سنگهای نرم میساختند. احتمالاً خالکوبی و یا لااقل بزک هم معمول بود، و مواد آنرا به کومک دسته‌هاون کوچکی در هاونی ظریف نرم میکردند. (صفحه ۱۰).

وسپس، گیرشمن در بخش (تمدن ماقبل تاریخی ایران در هزاره چهارم پیش از میلاد) نوشته است: صنعت فلز کاری نیز بترقی خود ادامه داد. مس را آب کرده ریخته‌گری نمودند. پیشه‌ور، بساختن لوازم آرایش آغاز کرده بود، و آئینه را (که صفحه‌ای هموار با اطراف اندک برآمده بود) ساخت، و سنجاقهای بزرگ با سر نیمکره‌ای شکل بوجود آورد. جواهر بیش از پیش تنوع یافت، و از حیث مواد، غنی‌تر شد، علاوه بر

صدف و عقیق و فیروزه، مهره‌ها و حلقه‌هایی از سنگ بلور و سنگ لاجورد و یشم سبز (که از نقاط دور حمل میشد) مورد استعمال یافت. (صفحه ۱۴) .

.....
 و سپس، دربخش (آغاز هزاره سوم پیش از میلاد در ایران) در چگونگی اوضاع سی‌یلك كاشان، نوشته است:

مرده را دولا در عمق ۲۵ سانتیمتری کف اطاق دفن میکردند. لوازم مختلف میت نیز همراه او بود. مرده را با جواهر بیشتری می‌آراستند و آنها عبارت بودند از زینت‌آلات نقره (که بوسیله قیر مرصع به لاجورد ساخته میشد) صدف، طلا و زیورهای دیگر (که مفضض بودند) گوشواره‌هایی که از طلا یا لاجورد ساخته میشد، دستبندهای نقره و گردن‌بندهای طویل (که با مهره‌های طلا، نقره، لاجورد، عقیق و سنگ سفید تهیه میشدند) (صفحه ۲۷) .

.....
 این آگاهیهای بدست آمده از طریق آثار حفاری شده، و توجه گیرشمن بزیورهای مدفون با مرده‌ها (چنانکه استنباط اغلب محققان است) میرساند که بهره‌جست زیورآلات از واجیات زندگی مردم اولیه و جزو لوازم حتمی شکوه‌مندی بوده، و میبایست که با هر کس در گور او (برای جلوه‌گری در جهان دیگرش) همراه باشد.

زیورآلات فراوان مکشوفه از گورها، نشان میدهند که مردم اولیه آنچنان به آنها پابند بوده‌اند که الاهی‌های خود را نیز (که برهنه‌تر از خودشان بوده‌اند) بزیورها می‌آراستند.

چنانکه در (شکل ۲) دیده میشود: الاهه مادری که بشوش منتسب است، و با دستهای خود پستانهایش را (بنشانه شیر خوراندن و پرورش دادن) گرفته است، دو رشته گردن‌بند به گردن دارد که بهریك، آویزی تعبیه شده است.

الاهه دیگری (که نیز بشوش منتسب است) طوقی دانه نشان دارد که آویزی مرکب از يك گردی در وسط و هشت گردی بدور آن دارد که هر يك بوسیله میله‌ای به گردی وسطی مربوطند.

النگوهائی بر مچ دست این مجسمه نمایان است، و بر بالای پیشانی او نیز پیشانی‌بندی دانه نشان مشاهده میشود. (شکل ۳).

در مجسمه سفالی دیگری که از مکشوفه‌های تورنگ تپه استرآباد (گرگان) است، شش رشته گردن‌بند با آویز در گردن او، و شش حلقه النگو بر هر يك از مچ دست دیده میشود. (شکل ۴).

بر گردن دو مجسمه سفالی دیگر مکشوف از شوش، طوقهائی بر رویهم چیده از زیر غبغب تا بجناق سینه‌هایشان دیده میشود. (شکل‌های ۵ و ۶).

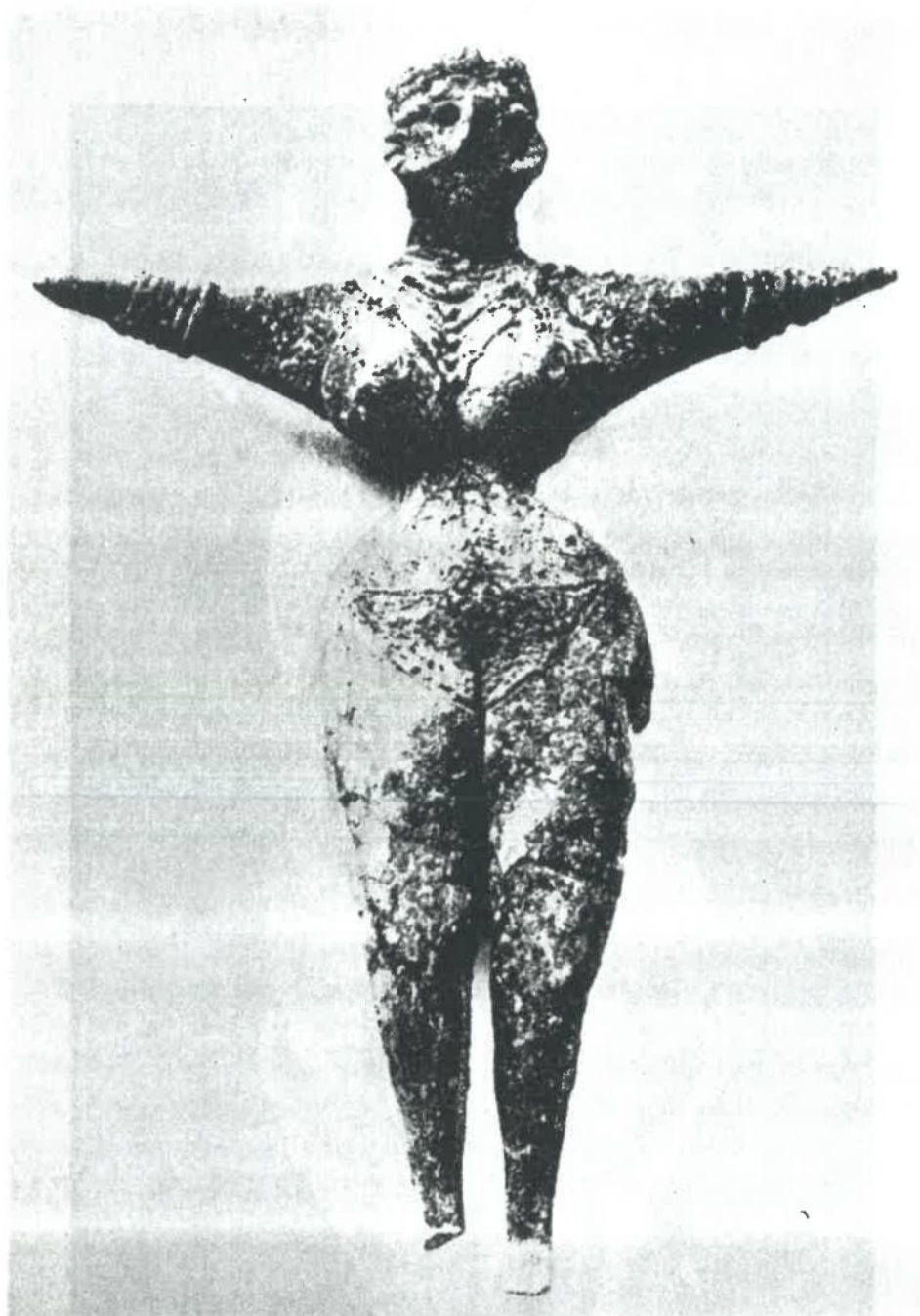
مجسمه سفالی دیگری نیز از شوش در دست است که گردن‌بند مرکب از دانه‌های درشت و مانند طوقی چسبیده به گردن دارد که آویزی گرد به آن وصل است. (شکل ۷).



(شکل ۳) مجسمه سفالی مکشوفه از شوش . منتسب به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد . این مجسمه در موزه لوور نگهداری میشود و بلندی آن ۱۶۵ سانتیمتر میباشد . برداشته از دائرةالمعارف هنر جهانی . مجلد دوازدهم .



(شکل ۳) مجسمه سفالی مکشوفه از شوش به بلندی ۱۶ سانتیمتر .



(شکل ۴) مجسمه سفالی مکشوفه از تورنگ تپه ، به بلندی ۱۸٫۳ سانتیمتر که درموزه دانشگاه فیادلفیا نگاهداری میشود . برداشته از مجلد هفتم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ .



(شکل ۵) مجسمه سفالی مکتوفه از شوش به بلندی (۷) سانتیمتر



(شکل ۶) مجسمه سفالی مکشوفه از شوش . برداشته از مجلد (۴۵) کتاب خاطرات هیئت فرانسوی .



(شکل ۷) مجسمه سفالی مکشوفه از شوش . به بلندی ۹٫۷ سانتیمتر .

نظیر چنین گردن‌بندی را بر گردن (لی شیر پیرعینی) نیز (که نقش برجسته او بر صخره حورین شیخان کردستان است) می‌بینیم. (شکل ۸). شاید این آویزهای گرد متصل بگردن‌بند (شکل‌های ۷ و ۸) نظیر آویزی بوده است که با سابقه چهارده قرن پیش از میلاد از ایلام بدست آمده است. (شکل ۹).

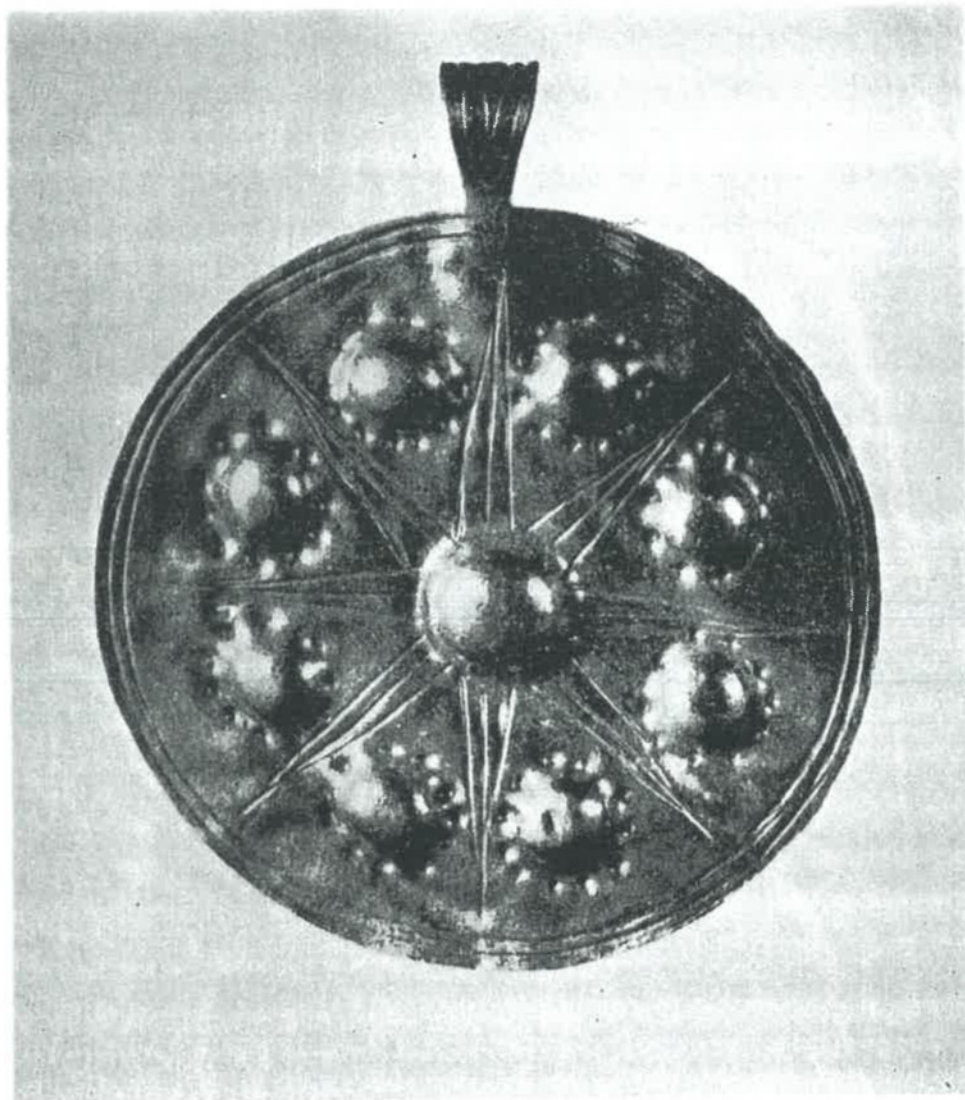
بر سر و سینه و گردن الاهگان فراوان دیگری نیز (که دمورگان آنها را در يك جا فراهم آورده و در مجلد اول کتاب خاطرات هیئت فرانسوی در شوش درج کرده است) میتوان زیورهای متنوعی را تشخیص داد. (شکل ۱۰).

نظایر این گردن‌بندها که در مجسمه‌های کوچک سفالی مکشوفه از شوش در (شکل ۱۰) دیده میشود در بسی از نقوش جاهای دیگر ایران موجود است. خاصه گردن‌بند مجسمه نفر دوم از سمت چپ ردیف دوم از پائین (شکل ۱۰) یادآور گردن‌بند طلای مکشوفه از امارلوی گیلان میباشد که با شماره (۱۱) برای مقایسه آورده میشود.

یا نظیر النگوهای این الاهگان را در دست شاه آنوبانی و الاله نی‌نی در نقش برجسته سر پل زهاب میتوان دید. (شکل ۱۲) و همین گونه النگو در مع دست کسی که به هیئت شاه آنوبانی در بند گور سلیمانیه بر صخره‌ای ساخته شده نیز مشهود است (شکل ۱۳).



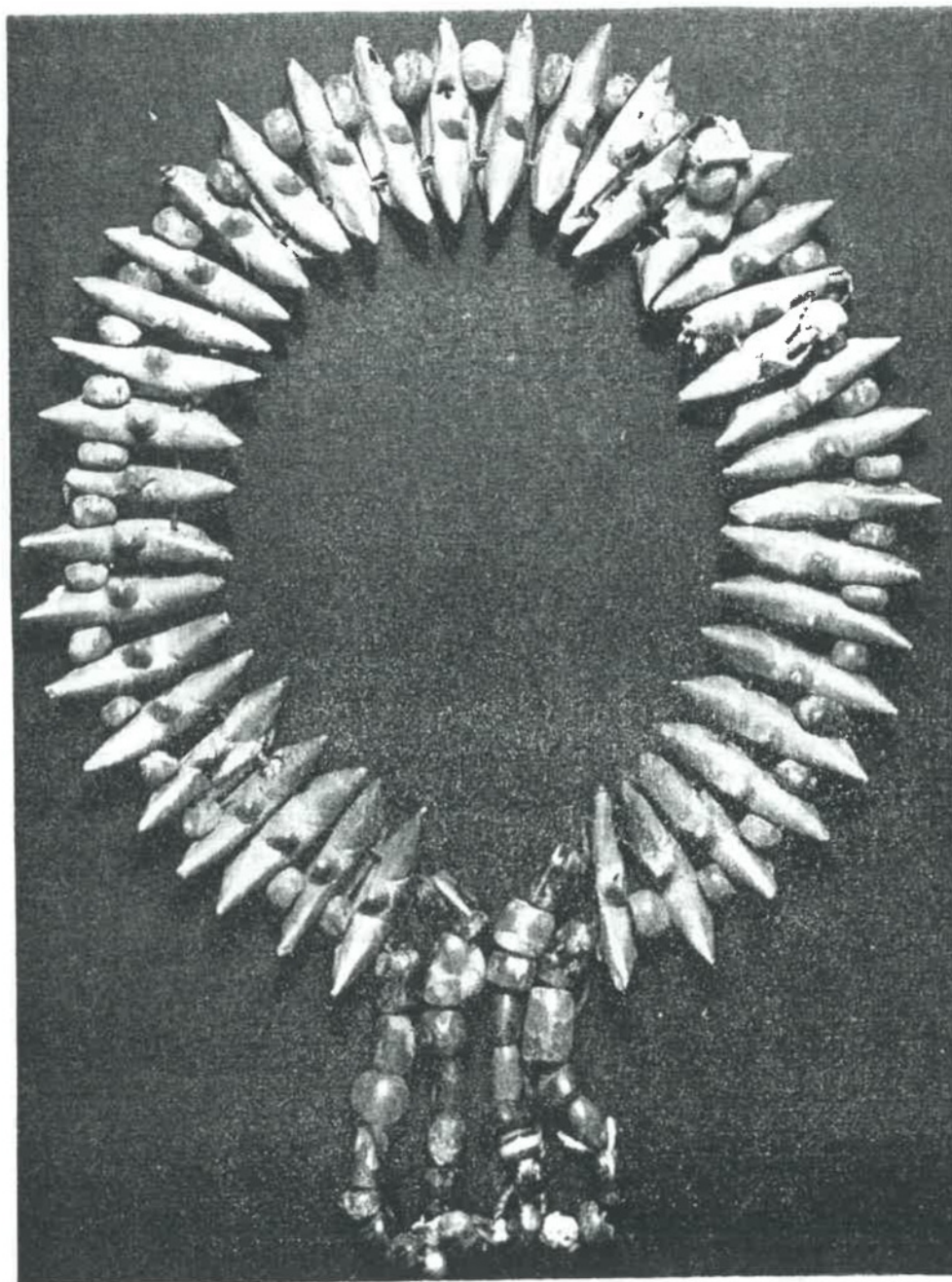
(شکل ۸) نقش برجسته «لی شیر - پیرعینی» واقع در صخره شیخان کردستان. دیاکونف قدمت این نقش را از روی سنگ‌نبشته آن بیش از دوهزار سال پیش از میلاد میداند.



(شکل ۹) آویز طلای مکشوفه از ایلام . منتسب به سده‌های (۱۳ - ۱۴ پیش از میلاد) . برداشته از کتاب موسوم به « ایلام » پی.یر آمیه Pierre Amiet



(شکل ۱۰) مجسمه‌های کوچک سفالی الاهیگان مکشوفه از شوش . برداشته از مجلد یکم کتاب (خاطرات هیئت فرانسوی) .



(شکل ۱۱) گردنبند طلای مکشوفه از امارلوی گیلان . منتسب به هزاره اول پیش از میلاد .
 موجود در موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۱۴) طرحی از نقش برجسته شاه آنوبانی و الاله نی نی در صخره پل زهاب . برداشته از کتاب (ایران در شرق قدیم) هرتسفلد .



(شکل ۱۳) طرحی از نقش برجسته صخره بندگور جنوب غربی سلیمانیه . برداشته از کتاب (ایران در شرق قدیم) هرتسفلد .

با توجه به اینکه زیورهای الاهگان برهنه (که هر يك تا پیش از دوهزار سال پیش از میلاد بستگی دارند) میتوان تا حدی به عطش خود آرائی مردم قدیم این فلات آگاهی یافت ، و با يك نگاه عمومی به جای زندگانی آنان در نیمدایره حد شمالی کرانه‌های دریای داخلی خشک شده فلات (که دامغان و ری و قم و کاشان در آن سامان قرار دارند) و ادامه این نیمدایره ، بسوی جنوب شرقی تا به بلوچستان و مکران ، و همچنین توجه به پشت این قوس بزرگ از شمال تا به جنوب (که انبوه جمعیت ساکن این نواحی وسیع کوهستانی ، دنیائی از زیورآلات بجای گذارده‌اند) و خطه ساحلی خزر نیز (از گرگان و مازندران تا به گیلان) که با مانده‌های فراوان خود همسلیقی و آمیختگی با دیگر مردم این فلات نشان میدهند ، همه این نقاط با گنجینه‌های خود عطش جلوه‌گری و خود آرائی فوق‌العاده ساکنان خود را بازگو میکنند .

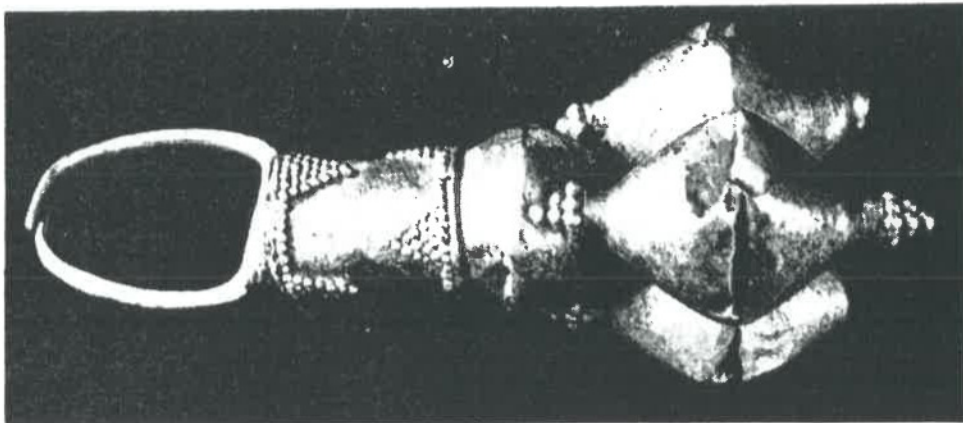
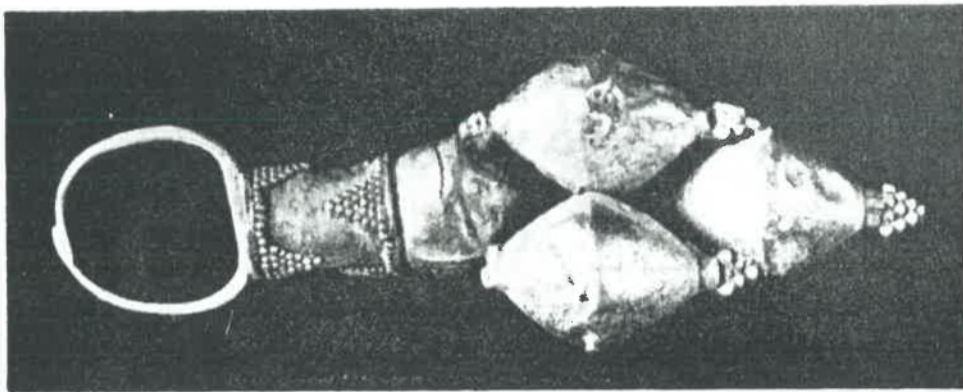
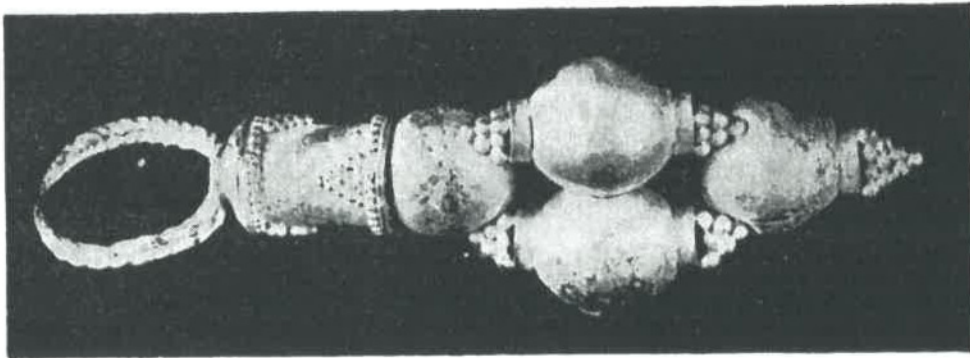
مجسمه برتری زنی از پیروند (ناحیه‌ای در حوالی کرمانشاه) را واندن برگ Vanden Berghe در کتاب (باستانشناسی ایران قدیم) خود عرضه کرده است که بمناسبت ارائه زیورهای منقوش صخره سر پل زهاب کرمانشاه ، از آن یاد میشود :

این زن ، کلاهی بر سر دارد که روی آن مانند سه شاخ (که بنظر میرسد علامت بزرگی باشد) تعبیه شده است ، و سه رج طوق به گردن دارد ، و بر دست راست وی النگوئی مشخص است . در پاهای او نیز طرح چند رج خلخال دیده میشود . گوشهای این زن چون حلقه‌ای ساخته شده که بنظر میرسد برای آویختن از زنجیری باشد (شاید که الاهه مادر است) زیرا که برهنه است و آلت تناسلی اش بعمد مجسم ساخته شده ، و امکان دارد که زنان آرزومند فرزند ، این مجسمه را چون تعویذی از گردن می‌آویخته‌اند .
(شکل ۱۴) .



(شکل ۱۴) مجسمه برنزی زنی (الالهه مادر ؟) مکشوفه از پیروند واقع در یکفرسخی شمال طاق بستان کرمانشاه . برداشته از کتاب (باستانشناسی ایران قدیم) واندن برگک .

دربارهٔ
زیورهای ایلام - شوش



(شکل‌های ۱۵) گوشواره‌های طلا (یا گوش‌آویز از موبند؟) خوشه‌ای شکل متناسب به ایلام متأخر (سده هفتم تا هشتم پیش از میلاد) که در موزه لوور نگهداری میشود . برداشته از کتاب (ایلام) پی‌یر آمیه .

اگر بدنباله آثار یافته از ایلام - شوش نظر کنیم ، نظایر زیورهای منقوش بر مجسمه‌های سفالی الاهگان و نقوش صخره‌های عرضه شده ، فراوان میتوان دید .

کریستی ویلسن Christie Willson در کتاب (تاریخ صنایع ایران) تحت عنوان صنایع ماقبل تاریخ ، نوشته است : اسلحه مسی و زینت آلات در بقایای اعصار ماقبل تاریخ ایران فراوان بدست آمده است ؛ زیرا فلز اول مرتبه در این قسمت دنیا کشف شده است .

و سپس در بخش مربوط به شوش (که سابقه آن به پنج تا چهار هزار سال پیش از میلاد میرسد) نوشته است : از جمله آلات زینت و آرایش که از طبقه شوش قسمت الف بدست آمده ، گردن‌بندی است که از گوش ماهی و سنگهای مختلف ساخته شده ، و نیز انگشتریهائی است که از گوش ماهی درست شده است .

مجسمه زنی از عاج در شوش کشف شده است که کف دستها را در هم کرده و بزیر پستانهایش نگاهداشته است . این زن ، انگوهائی درمیچ دست و چندین طوق در گردن دارد . (شکل ۱۶) .

نظیر انگوهای ساخته بر عاج را در دست ملکه ناپیرآزو (زن اونتاش گال - یا اونتاش هوبان که مجسمه‌ایست برنزی) ساخته‌اند ، و بعلاوه ، بر انگشت ناپیرآزو یک انگشتری نیز نمایان است . (شکل ۱۷) . در نقش برجسته‌ای که زنی بافنده را نشسته بر چهارپایه‌ای



(شکل‌های ۱۶) مجسمه عاجی زنی که واندن برگ آنرا از زمره هنر ایلامی نوشته و دموورگان آنرا درمجلد هفتم کتاب (خاطرات هیئت فرانسوی در شوش) نیز آورده است.

ساخته‌اند، النگوهای فراوانی بر میچ دست او دیده میشود. ندیمه او نیز (که در پشت سرش ایستاده و بادبزی را با دو دست گرفته) همینگونه النگو بردست دارد. (شکل ۱۸).



(شکل ۱۷) مجسمه برنزی ناپیرآزو. برداشته از مجلد هشتم کتاب (خاطرات هیئت فرانسوی در شوش).

.....
 جامی نقره منتسب به ایلامیها در مرودشت شیراز پیدا شده است که زنی را ایستاده و نشسته ، روی آن برجسته سازی کرده اند ، و نوشته‌ای دارد که او را کاهنهٔ پخش شراب معرفی میکند . نقش نشستهٔ زن ، سه ردیف طوق بزرگ بگردن و یک حلقه‌ی النگو در میچ دست دارد ؛ و مضافاً یک موبند تاپیده ، موی جلوی سرش را فرا گرفته است. در دیگری ، موبند ، نوار سادهٔ پهن میباشد . (شکلهای ۱۹ و ۲۰) .

.....
 بدیهی است که نقوش ارائه شده ، از لحاظ مدارک زیوری نهایت اهمیت را دارا میباشند ، و اگر آثاری اصلی از زیور مردم ساکن این نواحی در دست نبود ، خود اینها نمایندهٔ چگونگی زیورهای این سامان بودند . ولی خوشبختانه مقدار زیادی آثار اصیل از این سامان در دست است که آگاهی و آشنائی ما را نسبت بزیورهای معمول این نواحی بیشتر میکند .

 دموورگان مقداری از زیورهای طلای مکشوفهٔ این سامان را در کتاب موسوم به (خاطرات هیئت فرانسوی در شوش) فراهم آورده است . (شکل ۲۱) .

یکمقدار از آنها عبارتند : از حلقه‌های ریز زینتی و آویزها و حلقه‌های انگشتری .

انگشتری‌های مکشوفهٔ از شوش را دموورگان ، جداگانه ردیف کرده و در مجلد هفتم کتاب (خاطرات هیئت فرانسوی) آورده است (شکل ۲۲) ولی از چندتای آنهائیکه (پی‌یر آمیه) در کتاب خود



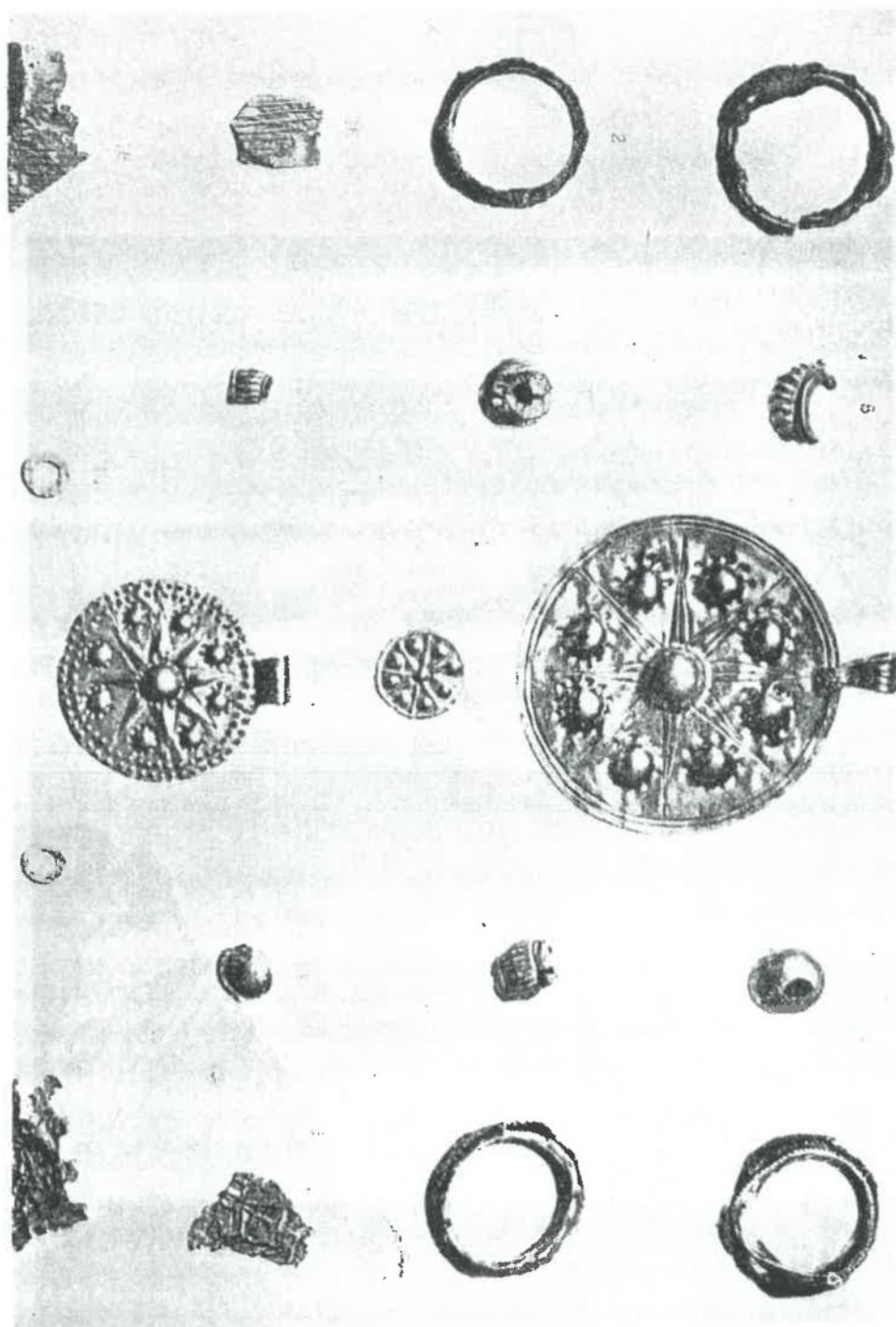
(شکل ۱۸) نقش برجسته زن بافنده ، به اندازه (۱۰×۱۳) سانتیمتر از هنر ایلامی . برداشته از مجلد اول کتاب (خاطرات هیئت فرانسوی) .



(شکل ۱۹) نقش برجسته زنی ایلامی (کاهنه مأمور پخش شراب) بر روی جامی نقره ، مکشوفه از جلال آباد مرودشت شیراز (در جنوب تخت جمشید) که در موزه ایران باستان نگهداری میشود .



(شکل ۴۰) روی دیگر جام نقره مرودشت . نقش برجسته زن کاهنه (مأمور پخش شراب) .



(شکل ۲۱) زیورهای طلای مکشوفه از شوش . برداشته از مجلد هفتم کتاب (خاطرات هیئت فرانسوی) .

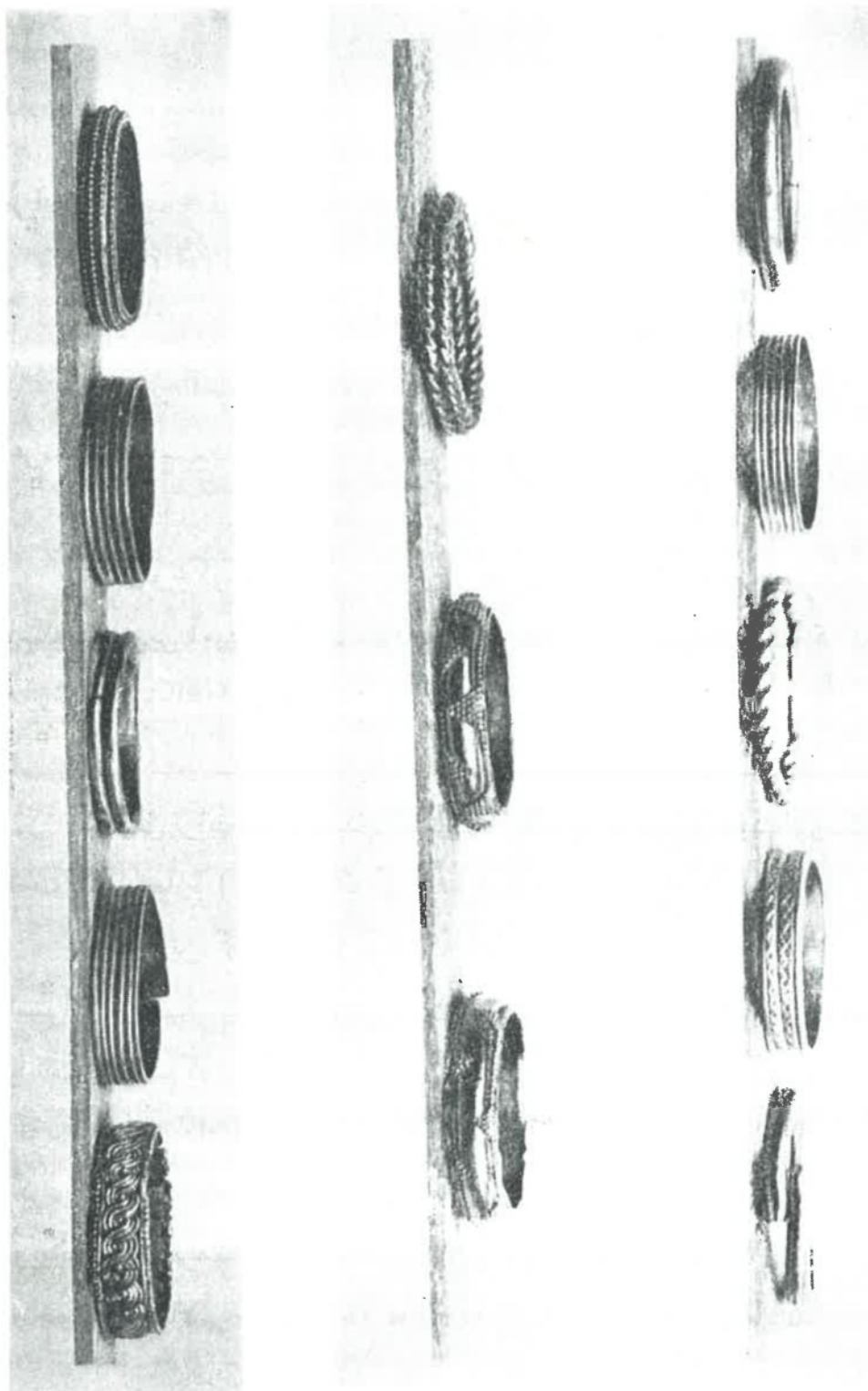
(ایلام) عرضه کرده است ، برای بهتر دیدن در اینجا با شماره‌های (۲۳ و ۲۴ و ۲۵) آورده میشود .

پی‌یر آمیه ، در همین کتاب خود (ایلام) مقداری گوشواره عرضه کرده است که از لحاظ شکل بی‌نظیر و بسیار باارزشند. (شکل ۲۶).

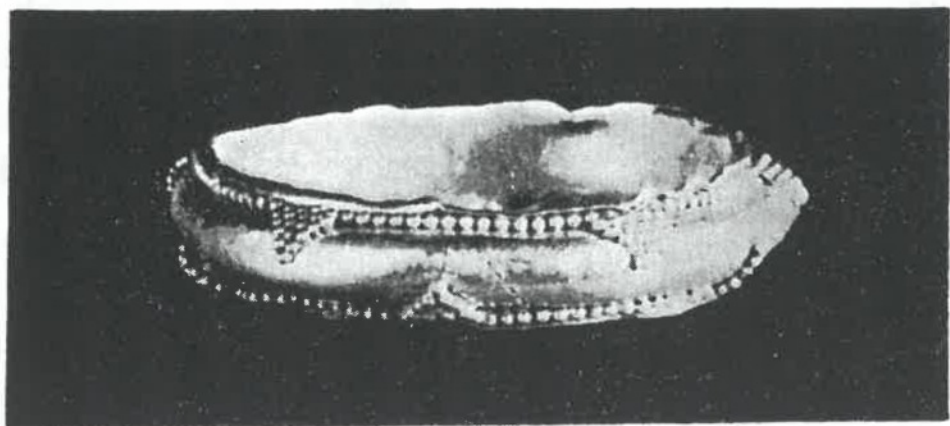
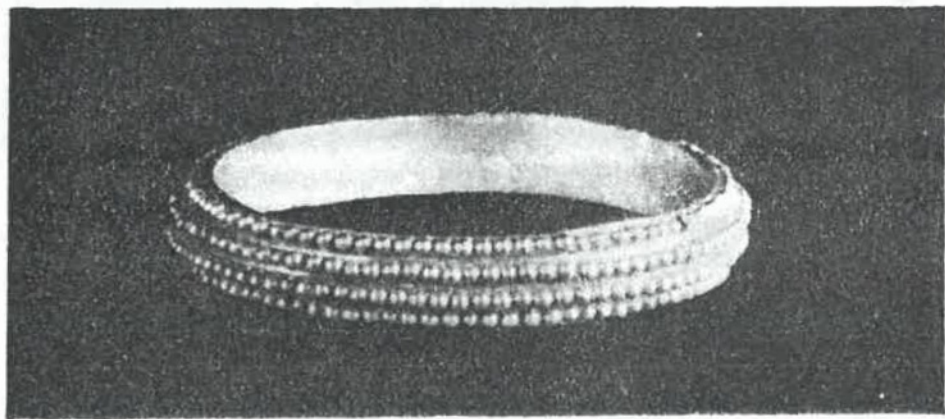
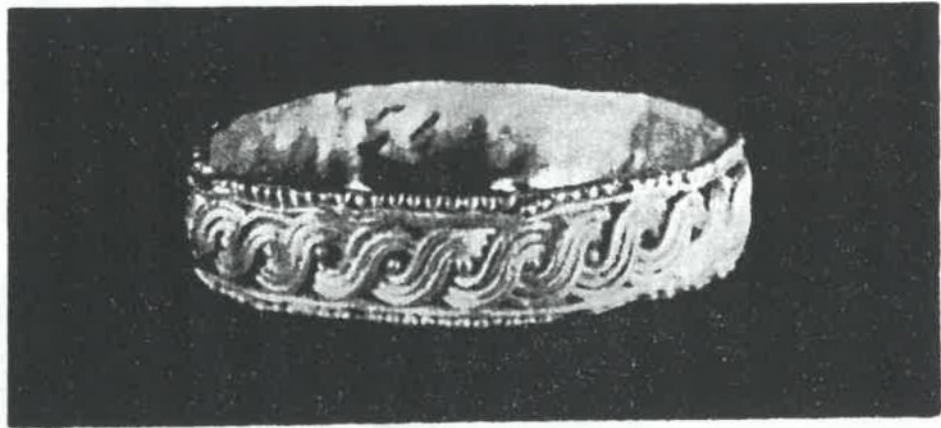
از نوع گوشواره‌های ساده و از جنس نقره نیز از ایلام بدست آمده است که پی‌یر آمیه در کتاب خود آنرا عرضه کرده و نوشته است که در موزه لوور نگهداری میشود . (شکل ۲۷) .

ولی پرابهت‌ترین شکل گوشواره ایلامی ، گوشواره خوشه‌ای شکل است که با شماره (۱۵) ارائه گردیده است :

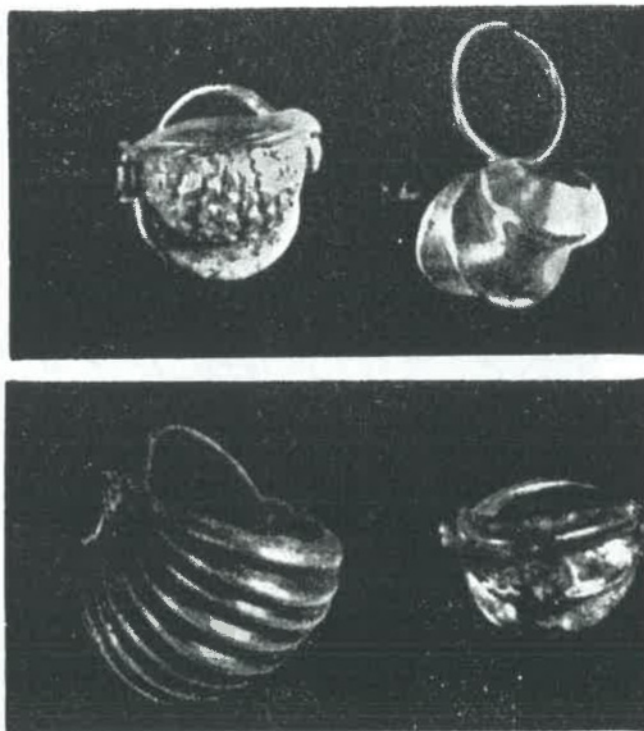
در این گوشواره (چنان که دیده میشود) بعد از حلقه آویز ، استوانه‌ای تعبیه شده که بخش بالا و پائین آنرا با دانه‌های ریز طلا با نقش‌های سه گوش گورزه نشان کرده‌اند ، و در زیر این استوانه ، يك گردی جوش داده‌اند و در زیر آن نیز سه گردی دو مخروطه با قاعده گرد ساخته‌اند که دو بدو ، قاعده آنها را بهم جوش داده‌اند . دانه بالا و پائین این هرمها را با دانه‌های طلای خوشه انگوری وصل کرده‌اند ، و خوشه‌های بالائی هرمهای بالا به گردی زیر استوانه جوش داده شده است . از گردن‌بندهای این سامان (که پی‌یر آمیه نوشته است متعلق به اوائل هزاره دوم قبل از میلاد است) گردن‌بندی مخلوط از طلا و نوع بدل چینی است که در زیر آن يك استوانه طلا بشکل آویز و بطور افقی



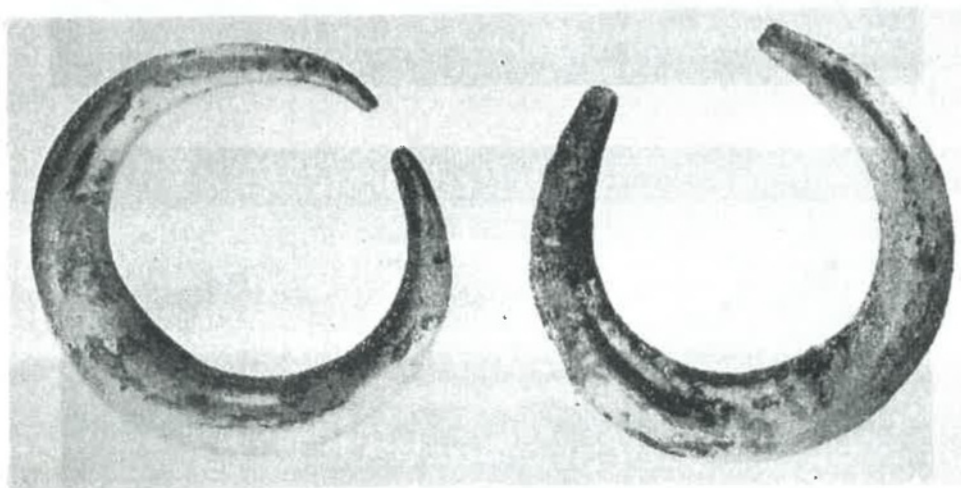
(شکل ۴۳) انگشتریهای طلای مکشوفه از شوش . برداشته از مجلد هفتم کتاب (خاطرات هیئت فرانسوی) .



(شکل‌های ۲۳ - ۲۴ و ۲۵) انگشتریهای مکشوفه از شوش . از معبد این‌شوشیناک که در موزه لوور
نگاهداری میشود . برداشته از کتاب (ایلام) پی‌ر آمیه .

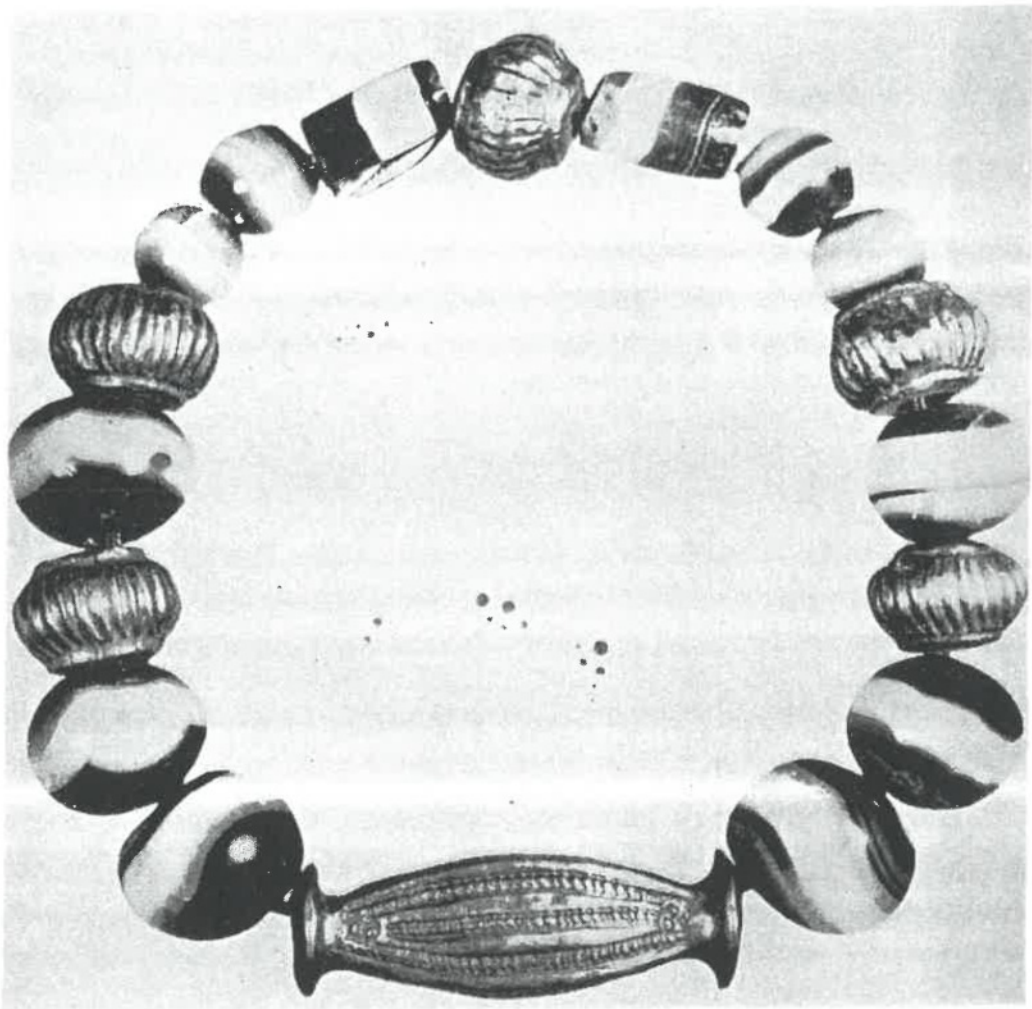


(شکل ۳۶) گوشواره‌های طلا و نقره ایلامی منتسب به اوائل هزاره دوم قبل از میلاد . برداشته از کتاب موسوم به (ایلام) پی‌یر آمیه .



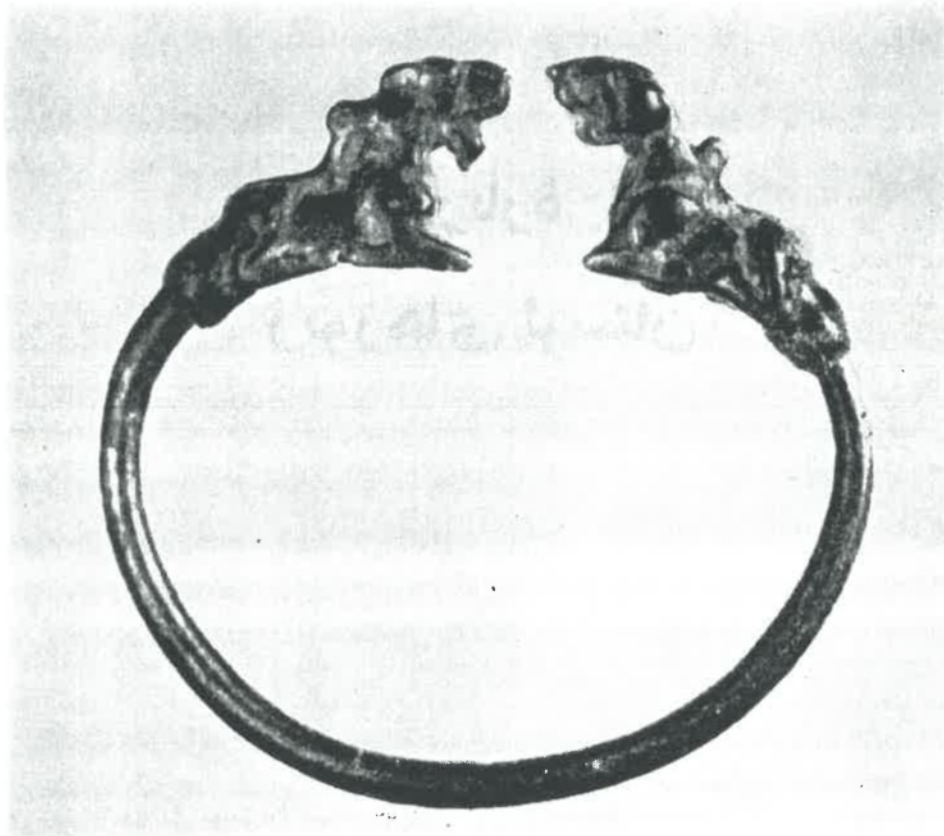
(شکل ۳۷) گوشواره نقره مکشوفه از ایلام . برداشته از کتاب (ایلام) پی‌یر آمیه

کار گذاشته شده است. دانه‌های درشت طلا و همچنین استوانه‌ای که بصورت آویز این گردن‌بند استفاده شده است، در میان آثار گیلان نظایری دارد. (شکل ۲۸).



(شکل ۲۸) گردن‌بند طلا و بدل‌چینی ایلامی منتسب به اوائل هزارهٔ دوم پیش از میلاد که در موزهٔ لوور نگهداری میشود. برداشته از کتاب (ایلام) .

درباره زیورهای لرستان



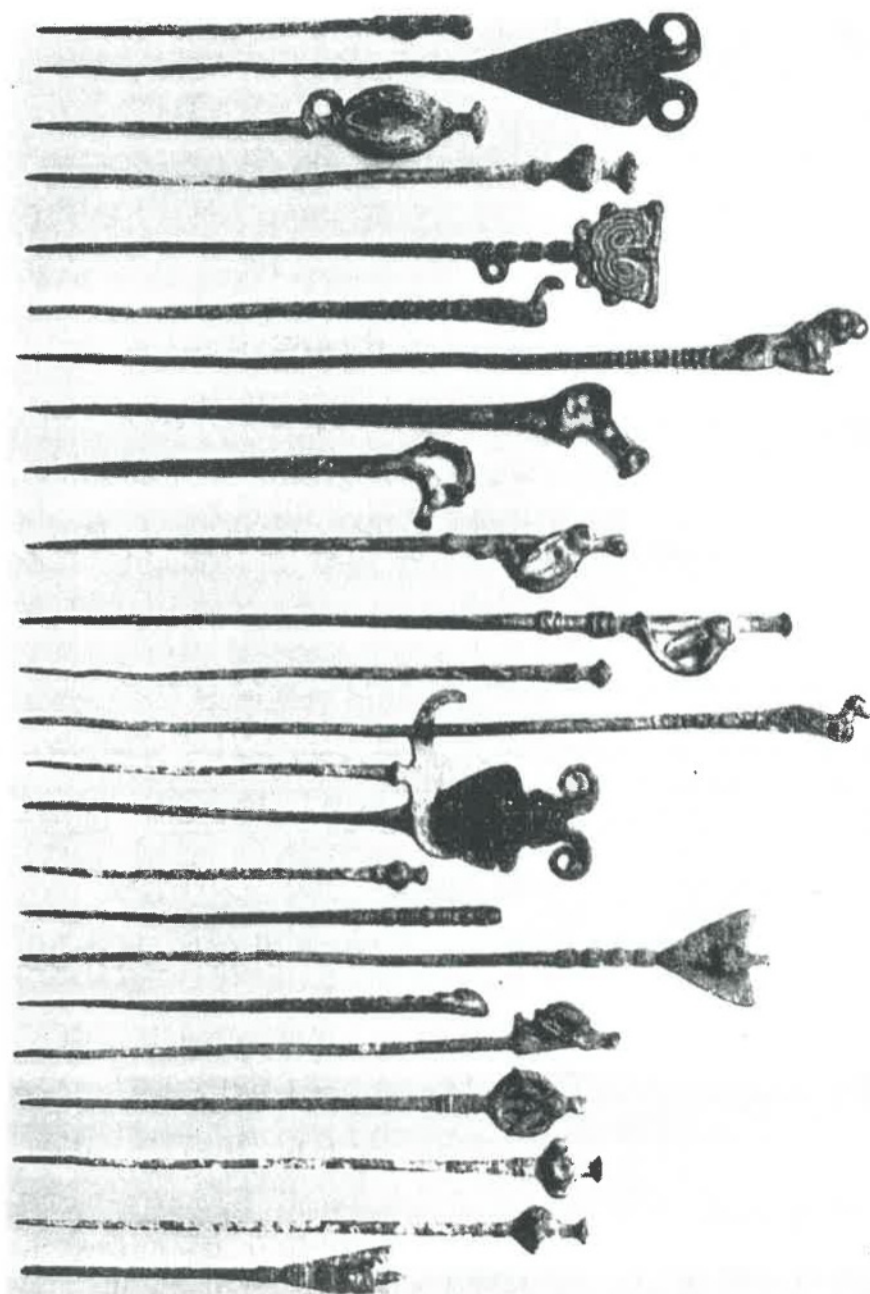
(شکل ۲۹) انگوی مکشوفه از لرستان . منتسب به نیمه دوم هزاره اول پیش از میلاد . برداشته از مجلد هفتم کتاب (نظری بهنرهای ایران) یوپ .

گیرشمن در کتاب (ایران از آغاز تا اسلام) خود در بخش مربوط به اشیاء مفرغی لرستان نوشته است : که در میان آنها لوازم آرایش بسیار دیده شده است . سر سنجاقها دارای تنوع بسیارند ، و بشکل سر جانوران و پرندگان یا حیوانات اهلی کامل میباشند (صفحه ۸۷) .

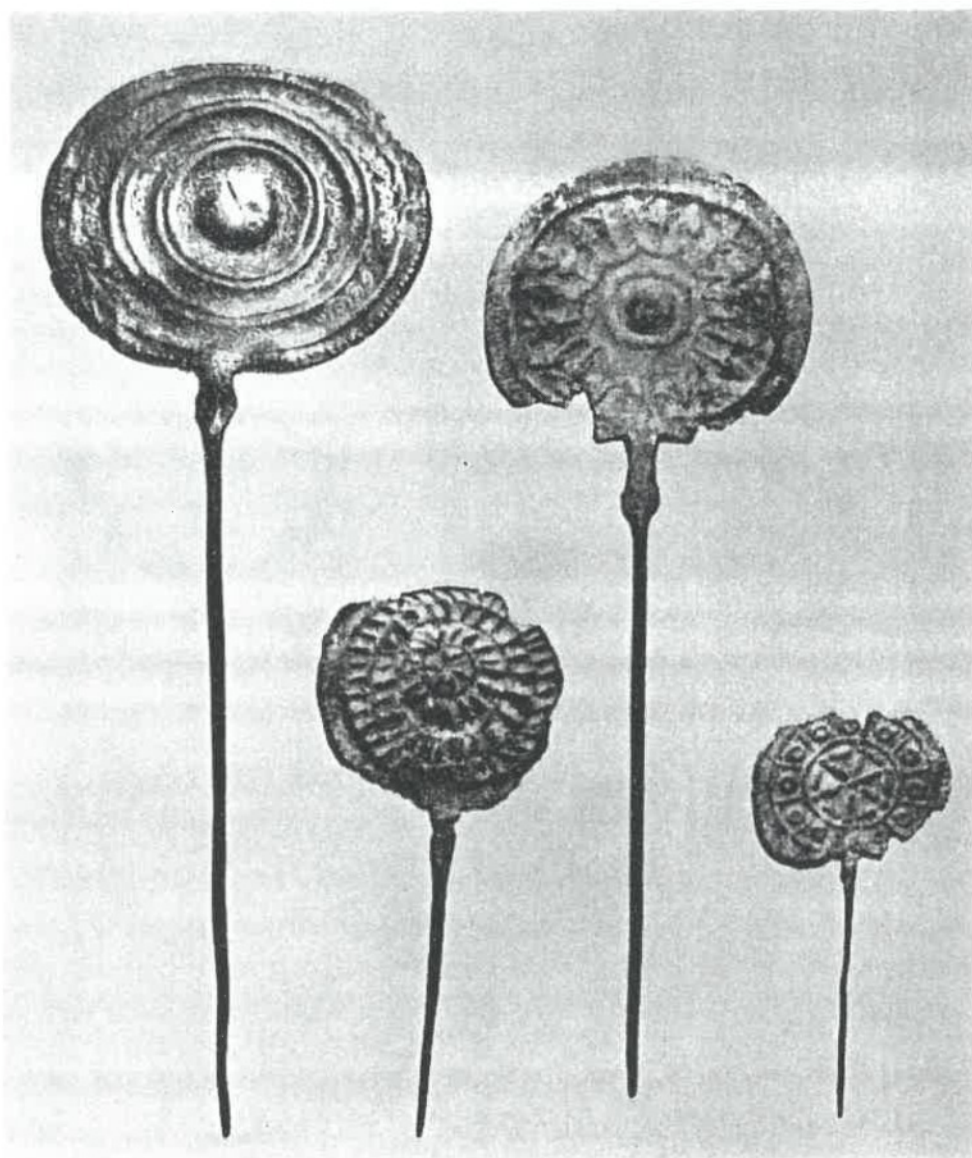
کریستی ویلسن دربارهٔ مفرغهای لرستان مطلب مختصری دارد و نوشته است که آلات زینتی شخصی زیادی مانند : گوشواره ، گردن بند ، انگشتری ، دستبند و سنجاقهای متعدد بدست آمده است . (صفحه ۴۴) . ولی آندره گدار André Godard در کتاب خود موسوم به (برنزه‌های لرستان) از مفرغها و زینت‌آلات این سامان بتفصیل نوشته است .

آنچه برای ما مهم است داشتن شکل این زیورها و یا نقوشی است که سبب آشنائی ما با زیورهای مردم این سامان باشد .

از سنجاقهای متنوع و فراوان لرستان که گیرشمن از آن سخن رانده مقدار زیادی از آنها را (آندره گدار) در کتاب خود (برنزه‌های لرستان) ارائه داده است . (شکل ۳۰) ولی برخی از این سنجاقها برای بهتر دیدن با شمارهٔ « ۳۱ » در اینجا آورده میشود ، و سر سنجاقهای جالبی را که ایضاً آندره گدار در کتاب خود آورده است در شمارهٔ « ۳۲ » میتوان دید .



(شکل ۳۰) مجموعه‌ای از سنجاقیهای مفرغی لرستان . برداشته از کتاب (برنزه‌های لرستان) اندره‌گدار .



(شکل ۳۱) چهار عدد از سنجاچه‌های مفرغی لرستان که چگونگی طرح سر آنها معلوم است . برداشته از کتاب (برنزه‌های لرستان) اندره‌گدار .



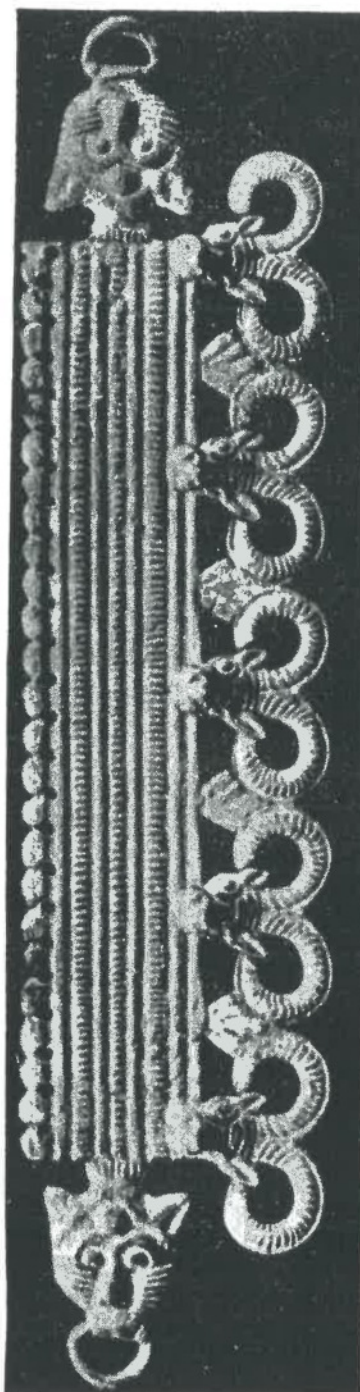
(شکل ۳۳) سر سنجاقهای مفرغی لرستان با شکل حیوانات و آدمی . برداشته از کتاب (برنزه‌های لرستان)
اندره گدار .

یکی از انواع بسیار جالب زیورهای منتسب به مردم لرستان پیشانی‌بندی است بشکل نوار پهن شیاردار که ردیف بالای آن از پنج سر قوچ ترکیب یافته و قسمت پائین نوار با گردیهائی پر شده است .

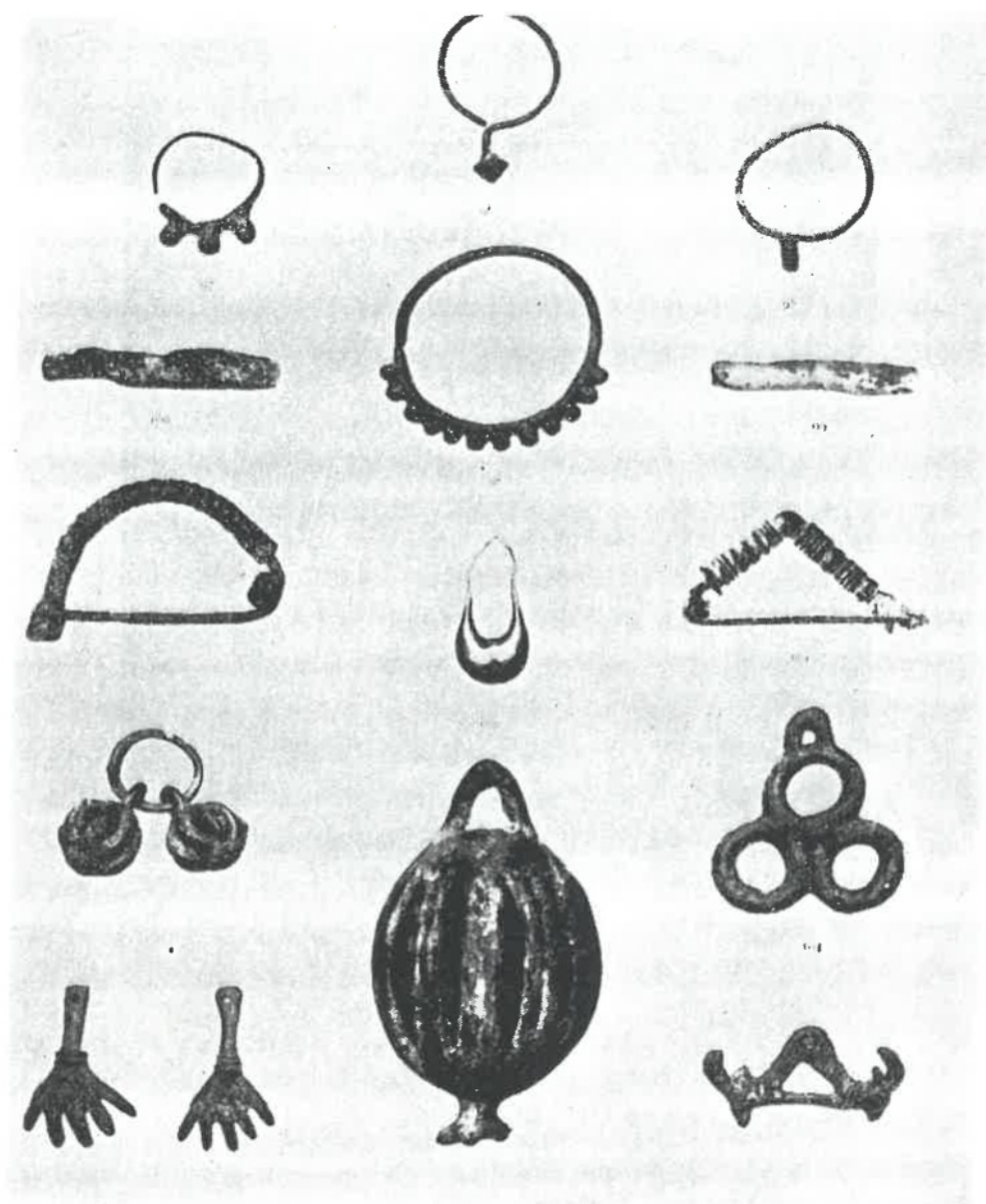
پوپ Arture Pope که آنرا در مجلد هفتم کتاب خود (نظری بهنرهای ایران) درج کرده ، اندازه‌اش را (۲۶) سانتیمتر داده و منتسب به نیمه دوم هزاره اول نموده است . این پیشانی‌بند ، دو گیره بر دو طرف انتهائی خود دارد که هر یک با سر شیر تعبیه شده و حلقه‌ای بمنظور بستن دو سر پیشانی‌بند در پشت سر ، بردهان هر یک از شیرها جوش داده‌اند .

پوپ ، این پیشانی‌بند را از مجموعه راینو معرفی نموده است . (شکل ۳۳) .

آندره گدار ، مقداری از انواع زیورهای زنان لرستان را (که بیشتر شامل گوشواره‌ها ، آویزها و سنجاقهای گیره‌دار است در صفحه‌ای از کتاب خود یکجا فراهم کرده ، درج نموده است . این نمونه‌ها تنوع زیورهای زنان آنسامان را بخوبی نشان میدهد . (شکل ۳۴) ولی گوشواره‌ای با شکل خاص و تازه‌ای از لرستان در دست است که گیرشمن آنرا در کتاب خود بنام (ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی) درج کرده است این گوشواره از سر و تنه حیوانی (که بیشتر به سگ شباهت دارد) تشکیل شده و برای آنکه شکل گوشواره بخود بگیرد به آن انحنای داده‌اند و حلقه گوشواره را در دهان و انتهای نیمه بدن حیوان جوش داده‌اند . (شکل ۳۵) . گیرشمن این گوشواره را از مجموعه‌های خصوصی در تهران معرفی کرده است .



(شکل ۳۳) پیشانی‌بند با سر قوچها . از مکتوفه‌های لرستان .
برداشته از مجلد هفتم کتاب (نظری بهرهای ایران) پوپ .



(شکل ۳۴) گوشواره‌ها ، آویزها و سنجاقهای گیره دار زنان لرستان . برداشته از کتاب (برنزه‌های لرستان) اندره گدار .



(شکل ۳۵) گوشواره مکشوفه از لرستان . منتسب به سده (۷ - ۸ پیش از میلاد) برداشته از کتاب
(ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی) گیرشمن .

یکی از بهترین آثار مکشوفه لرستان که باعث آشنائی ما بطرز آرایش زنان آن سامان است ، مجسمه برنزی زنی است که پیراهن بلند پوشیده و کمربندی بسته است که دو آویز بلند در جلوی بدن دارد . دست راست این زن بر روی پستان راست اوست ، و دست چپش در جلوی کمر بند تکیه داده شده است ، و پنج طوق دانه نشان بگردن دارد و همچنین ، النگوئی بر میج دست و گوشواره پهن کار شده‌ای در گوش او مشاهده میشود . گیسوی او بوضع مرتبی شانه شده و در پشت سرش آویزان است ، و کلاهی بر سر دارد که بخش پائین آن با چیزی تاییده محاط است . (شکل ۳۶) .

در مجسمه دیگری از همین زن ، بر روی کلاه او میله بلند و گره‌داری (مانند اینکه باخراطی انجام شده باشد) نصب است و در انتهای میله نیز کبوتری را ایستاده ساخته‌اند . بلندی این مجسمه (۹) سانتیمتر است ، و از مجموعه‌های فروغی در تهران معرفی شده است . (شکل ۳۷) .

از نمونه‌های بسیار جالب دستبندها یا النگوهای زنان لرستان ، قطعاتی است که آندره گدار در کتاب خود (برنزهای لرستان) عرضه کرده است : شش جور النگو را با هم آورده که از لحاظ شکل ، طرز کار و ضخامت باهم فرق دارند . (شکل ۳۸) .

چهار جور دیگر را عرضه کرده که انتهای سه تای آنها با سر حیوانات ترکیب شده است . (شکل ۳۹) .



(شکل ۳۶) مجسمه برنزی زنی از لرستان . منتسب به سده (۷ - ۸ پیش از میلاد) . برداشته از کتاب (ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی) گیرشمن .



(شکل ۳۷) مجسمه برنزی زنی از لرستان با کلاه میله دار و کبوتر . برداشته از کاتالوگ چاپ شده در واشنگتن بنام (هفت هزار سال هنر ایران)



(شکل ۳۸) انگوهای متنوع لرستان . برداشته از کتاب (برنزه‌های لرستان) اندره گدار .



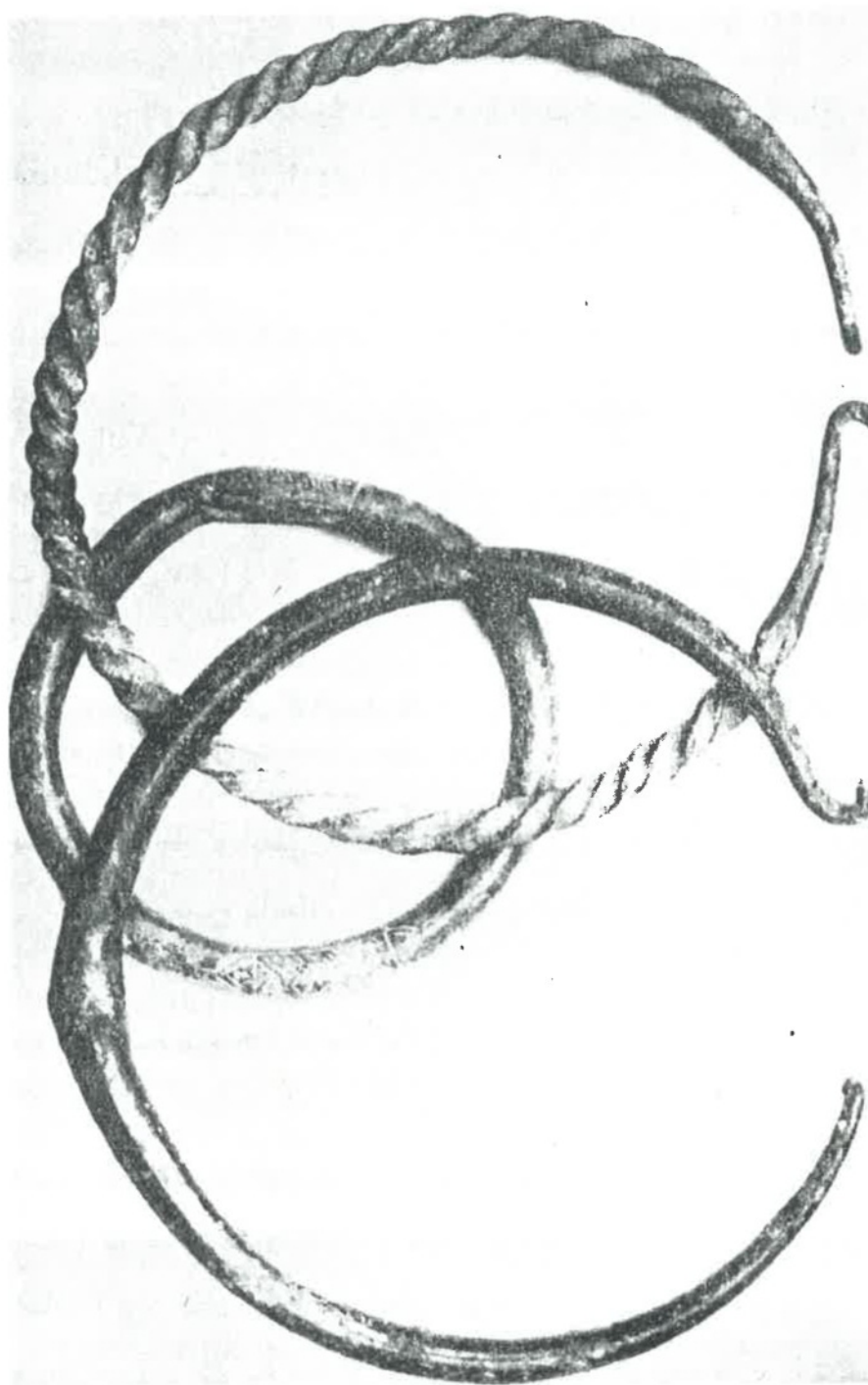
(شکل ۳۹) انگوهائی دیگر از لرستان . برداشته از کتاب (برنزه‌های لرستان) اندره گدار .

دو بازوبند ساده را نیز معرفی کرده است که از میله‌های توپر ساخته شده‌اند ولی یکی از آنها تاییده است، و این هر دو، از وسط بطرف انتهای خود تدریجاً نازکتر شده‌اند. الگوئی نیز از میله‌ی توپر با این دو بازوبند عرضه شده است. (شکل ۴۰).

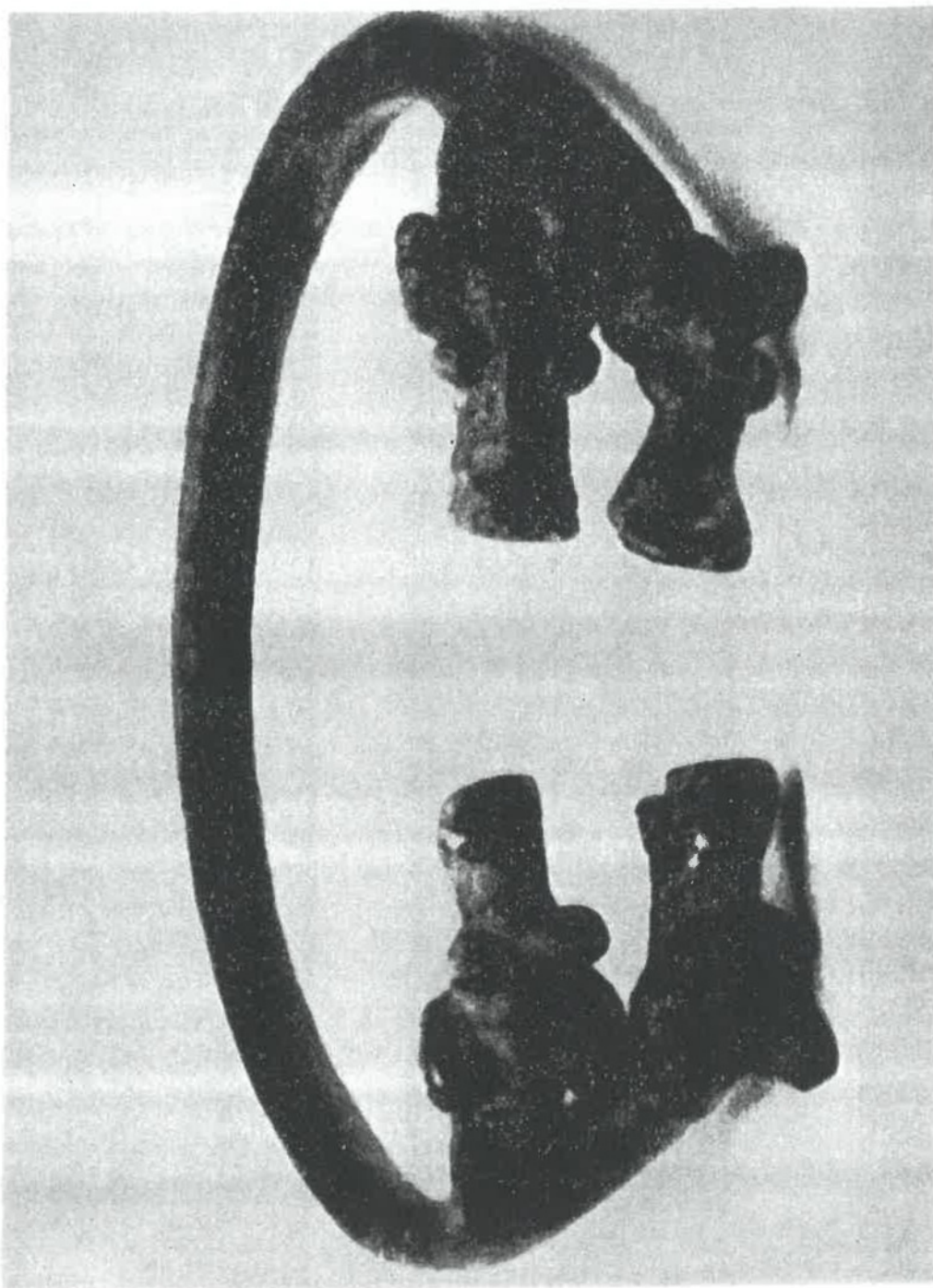
الگوئی را پوپ در مجلد هفتم کتاب خود (نظری بهنرهای ایران) درج کرده است که هر سه الگو با دو سر حیوانی ترکیب یافته است. (شکل ۴۱).

در مجلد هفتم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ، کمربندی پهن از لرستان درج شده است که روی آن صحنه‌های مفصل شکار و موضوعات اساطیری نقش کرده‌اند. گیرشمن و پوپ (هر دو) دربارهٔ این کمربند توضیح داده‌اند. این کمربند (۱۵) سانتیمتر بلندی دارد و نوشته‌اند که در موزهٔ لوور نگهداری میشود. پوپ قدمت این کمربند را نیمهٔ دوم هزارهٔ اول پیش از میلاد میداند. (شکل ۴۲).

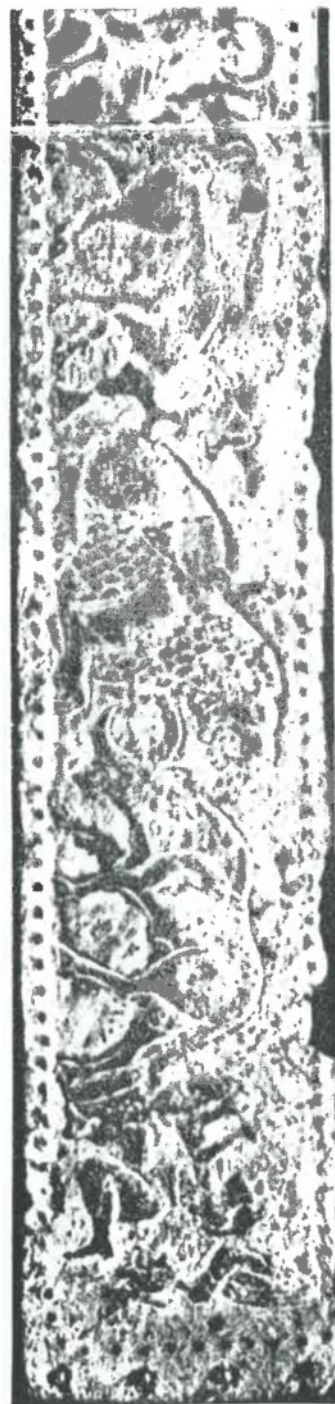
نمونه‌ای از بازوبند مکشوفه از لرستان (که دارای روکش طلا میباشد) در مجلد هفتم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ و همچنین در کتاب (برنرهای لرستان) آندره گدار، عرضه شده است که پهن است، و بر هر سر آن کلهٔ سه حیوان بطور برجسته ساخته شده است. بقیهٔ بدنهٔ بازوبند در امتداد دورهٔ آن شیاردار شده و در پهنای یکزاک دیده میشود. (شکل ۴۳) پوپ تاریخ این بازوبند را نیمهٔ دوم هزارهٔ اول پیش از میلاد داده است.



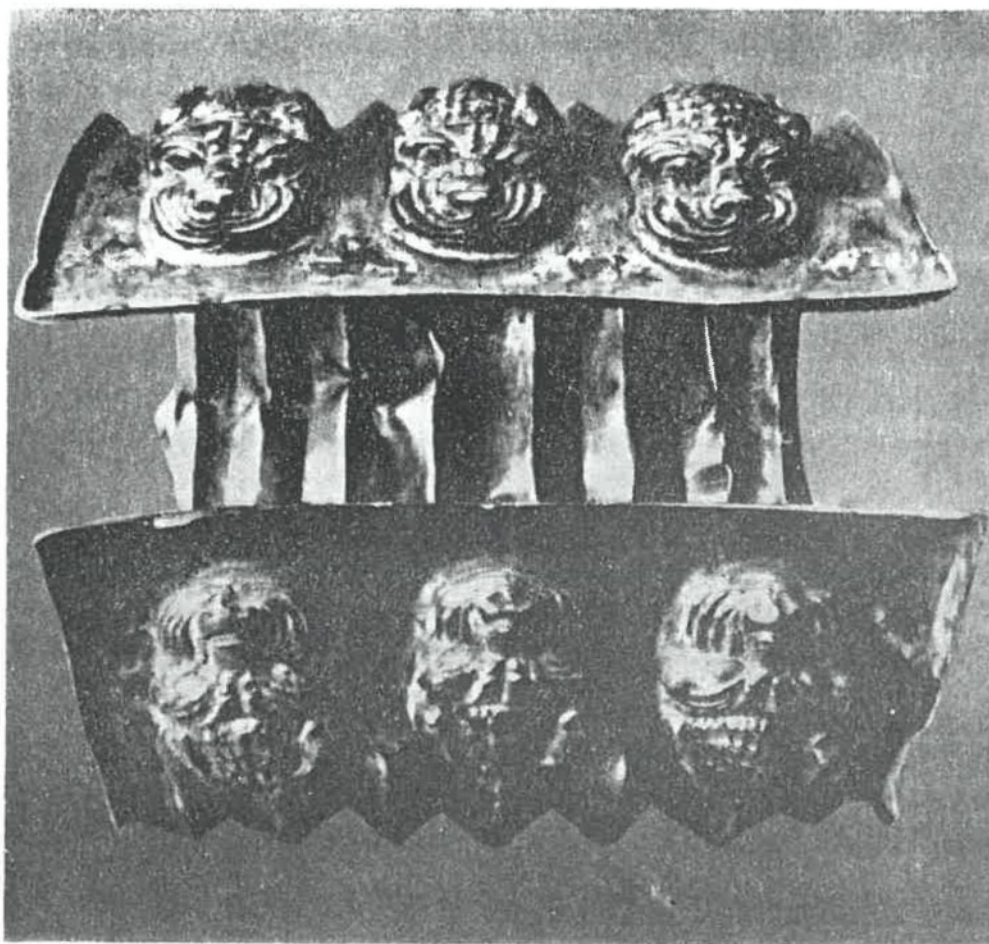
(شکل ۴۰) بازوبند و الگوئی از برنزه‌های لرستان . برداشته از کتاب (برنزه‌های لرستان) اندره گدار .



(شکل ۴۱) انگوئی برنزی از لرستان . برداشته از مجلد هفتم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ .



(شکل‌های ۴۳) دو نیمه کمر بند مکتوفه لرستان شامل صحنه شکار . برداشته از مجلد هفتم کتاب
 (نظریه‌های ایران) پوپ .



(شکل ۴۳) بازوبند پهن لرستان با کله‌های حیوان . برداشته از کتاب (برنزهای لرستان) اندره‌گدان .

دربارهٔ زیورهای زیویه



(شکل ۴۴) النگوی طلای زیویف کردستان . موجود در موزه ایران باستان تهران .

در کتاب شاهکارهای هنر ایران، پوپ تحت عنوان هنر آذربایجان، نکته‌ای درباره آثار مکشوفه از جنوب شرقی دریاچه اورمیه دارد و نوشته است که تکامل هنر آذربایجان در اوائل هزاره اول پیش از میلاد را از روی آثار گرانبهای طلا و نقره و عاجهای حکاکی شده‌ایکه برحسب اتفاق در سال ۱۹۴۷ در گوشه جنوب شرقی این دریاچه پیدا شده است میتوان دریافت. در این گنجینه یکرشته زیورهای زرین و سیمین وجود دارد که یا ریختگی است و یا کنده کاری و چکش کاری شده است. بعضی از آنها کاملاً بشیوه آشوری است، و در بعضی دیگر خصوصیات هنر سکائی دیده میشود. اگرچه در بعضی نکات و جزئیات آنها هر دو سبک هست، ولی پاره‌ای اشیاء نیز هست که ساختمان آنها باید کاملاً محلی بحساب آید.

این اکتشافات حائز اهمیت بسیار است؛ زیرا از یکطرف بسبب آنکه بستگی آثار مفرغی لرستان را بشمال غربی تأیید میکند و از طرف دیگر آنچه بسیار مهم است بدست دادن نمونه‌هایی از تمدن مادها است که در این ناحیه بوجود آمده بوده است. و بعلاوه، بسیاری از خصوصیات هنر زیویه در هنر هخامنشی نیز باقی مانده است. (صفحه ۱۹) .

.

ریچارد ن. فرای Richard N. Frye در فصل سوم کتاب میراث ایران باستان، تحت عنوان (میراث قرن‌ها صفحه ۹۱) نوشته است: قوم

مانا (که در کردستان کنونی میزیسته‌اند) اخیراً مورد توجه بسیار واقع شده‌اند؛ زیرا چیزهای زیبائی پیدا شده است که به ایشان نسبت می‌دهند. این چیزها، گویا از گنجینه‌ای بدست آمده است که مردم نزدیک روستای زیویه در کنار شهر سقز یافته‌اند. بسیاری چیزها از زر و سیم و مفرغ و عاج کشف شده است که برخی از آنها با دست روستائیانی که آنها را یافته‌اند شکسته یا تقسیم شده است.

گردن‌بندهای زر و الواح، و یک سینه‌ریز که بشیوه‌ی سکائی و آشوری و محلی است. ظروف سفالی و چیزهای نقره و مفرغی نیز همینگونه سبکها را نمایان می‌سازند.

یک مجموعه بسیار جالب، در مرز کشور مانا از قرن نهم تا اواسط قرن هفتم پیش از میلاد در دست داریم که شبیه به آثار مذکور است.

.
.

گیرشمن در کتاب (ایران از آغاز تا اسلام) خود تحت عنوان (گنجینه سفر صفحه ۹۴) مطالبی درباره مکشوفه‌های زیویه آورده و نوشته است: ما معتقدیم که این داستان سکائیان بوسیله کشف تصادفی ایکه، اخیراً توسط روستائیانی، در نزدیک شهر سقز (در جنوب دریاچه اورمیه) بعمل آمده مجسم شده است، و بنقل از هر و تودوس نوشته است: سالهائی که کیا کزار (پسر و جانشین فرورتیش - خشتریتنه) Phraorte-Kshatrita ملزم بشناختن سلطنت سکائیان بود، برای آینه نظامی ماد بی‌فایده نبود. کیا کزار، قشون خود را تحت نظمی جدید درآورد، سواره نظام.

و کمانداران و پیاده نظام را ترتیب داد ، و همچنین به احتمال ، قشون جنگی سواران سکائی را (که در جنگ متحرک مهارت داشتند) پذیرفت . ممکن است مدها بعضی سنن هنر سکائی را از آنان در این مدت بعاریت گرفته باشند . این پادشاه ، وضع سیاسی خود را بوسیله الحاق بعضی نواحی واقع در اطراف دریاچه اورمیه محکم کرد و عاقبت بقول هرودوتوس در جنگ با سکائیان مادی‌یس Madyès فتح قطعی و درخشان بدست آورد ، و مادی‌یس با اتباع خود احتمالاً سرزمین مانای را ترك گفت . حدس می‌زنیم که شاید این اشیاء ، متعلق به گنجی سلطنتی بوده باشد ، و احتمال می‌رود : وقتی به پارتاتوا Partatua یا پسر وی (مادی‌یس) تعلق داشته است . اما معلوم نیست که آنها از قبری یا نهانگاهی بدست آمده باشد .

بهر جهت ، مجموعه مزبور بچهار دسته کاملاً مشخص تقسیم میشود . نخستین آنها بدون شك از جهت الهام و طرز عمل ، آشوری است ، دسته دوم سکائی است ، دسته سوم از جهت الهام آشوری - سکائی است (که احتمالاً بوسیله هنرمندان آشوری ساخته شده است) دسته چهارم ، مصنوعات کارگاههای محلی (و شاید مانائی) میباشد .

آنچه بدسته اول بستگی مییابد : يك دستبند زرین فاخر و گشاده است که دو انتهای آن بشکل سر شیر است (یکی با فکین باز و دیگری با فکین بسته) . این دستبند را (برای قرار دادن در میچ) قابل جدا شدن ساخته‌اند ، و بوسیله سنجاقی باز و بسته میشود . دایره دستبند مرکب از چهار سطح هموار است که هرچه بطرف مرکز می‌رود عریضتر میشود ، و در عریضترین نقطه آن ، دو جفت بچه شیر (که خم شده و برجسته

سازی شده‌اند (ساخته‌اند . این دستبند شاهکاری از هنر حکاکان و جواهرسازان آشوری است . (شکل ۴۵)

برای بهتر دیدن این دستبند دو عکس دیگر از آن که از جهات دیگری آنرا مینمایانند ، برای مزید آشنائی با شماره‌های (۴۶ و ۴۷) ارائه میشود .

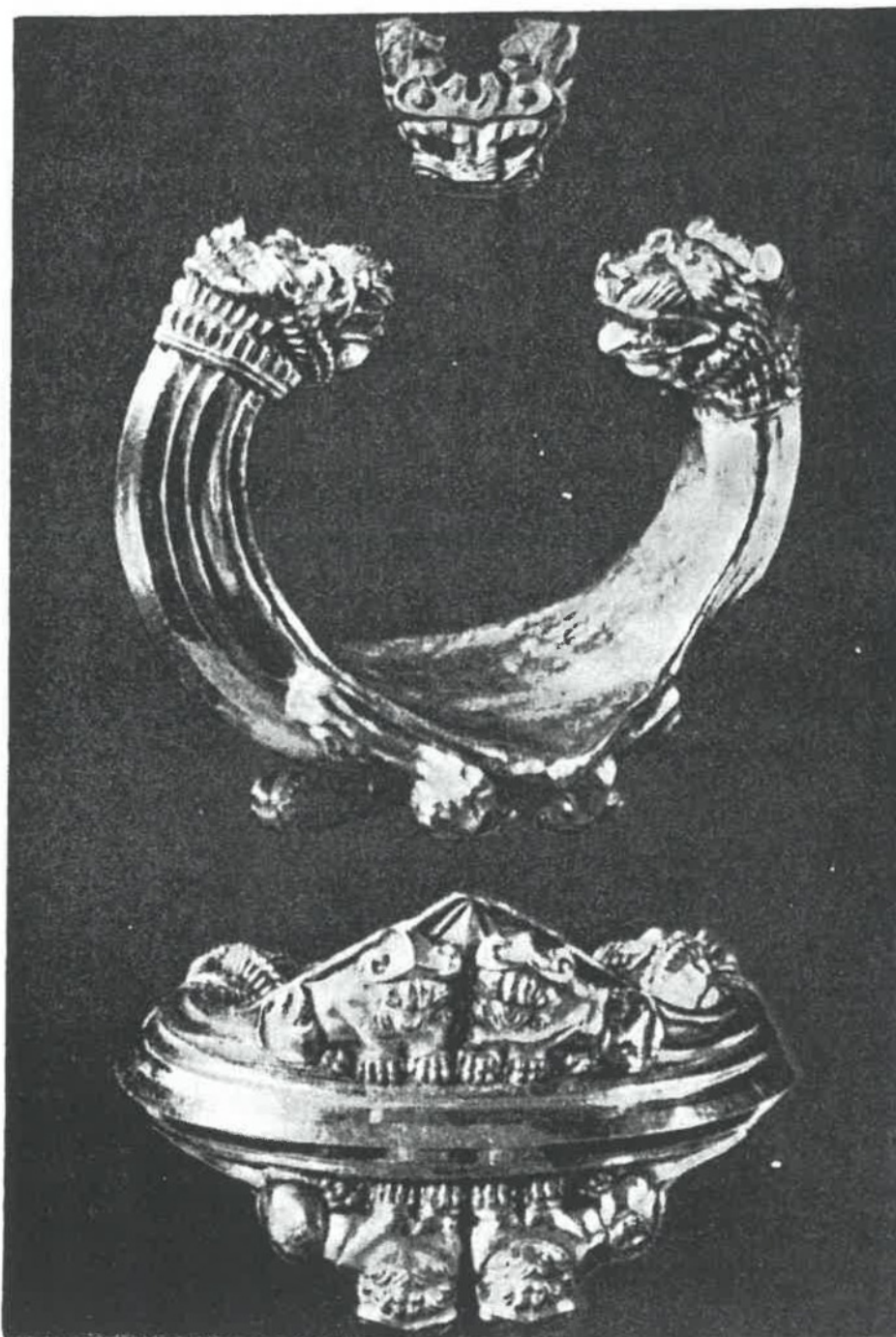
.....
از یافته‌های جالب دیگری از زیویه ، چندین دستبند دیگر است که یکی از آنها النگوئی ساده با دو سر مار است که بدقت روی آنها کار شده است (شکل ۴۸) .

.....
النگوئی دیگر با دو سر قوچ است که حلقه آن بشکل نی پیچ قلیان است و قبلاً با (شماره ۴۴) ارائه گردیده است .

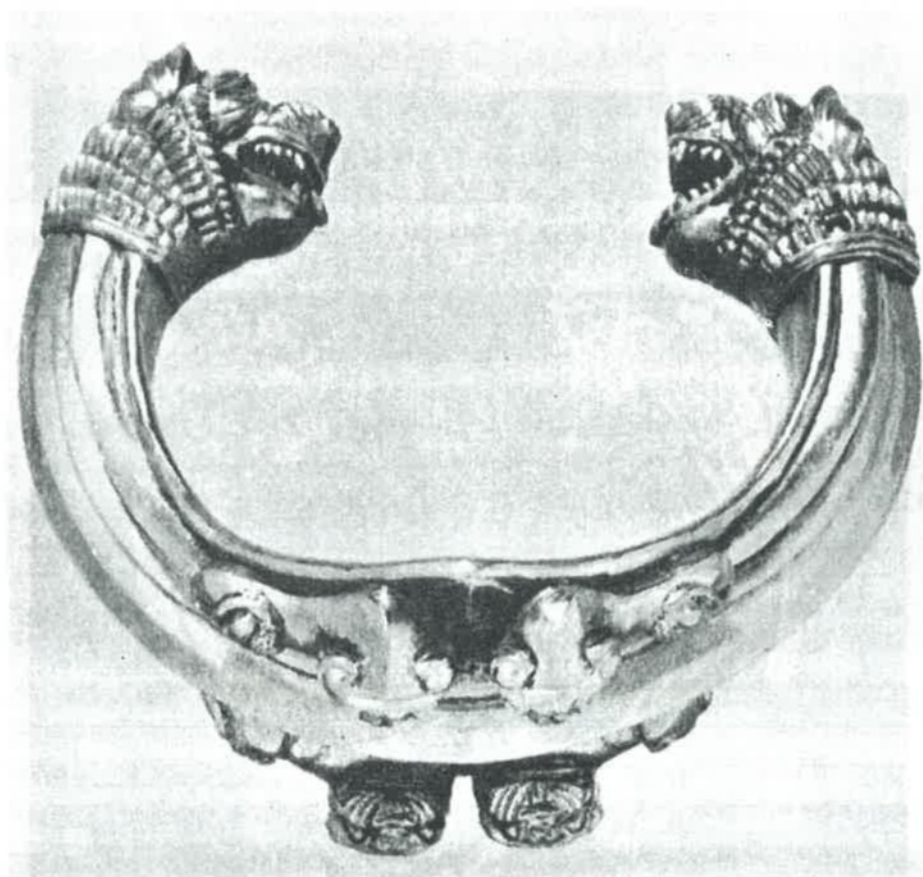
.....
از گردن‌بندهای مکشوفه زیویه ، گردن‌بندی طلا است که آویزی بشکل چشم دارد ، و از زیر آن نیز چهار زنجیره کوتاه آویزان است که در انتهای هر یک ، یک گردی تعبیه شده و در نوک این گردیها نیز طلای ریز گردی جوش داده شده است (شکل ۴۹) .

.....
همین گردن‌بند را ، گیرشمن در کتاب خود (ایرانیان قدیم) با (۹) عدد گوشواره از این سامان آورده است که آن نیز با شماره (۵۰) ارائه میگردد .

.....

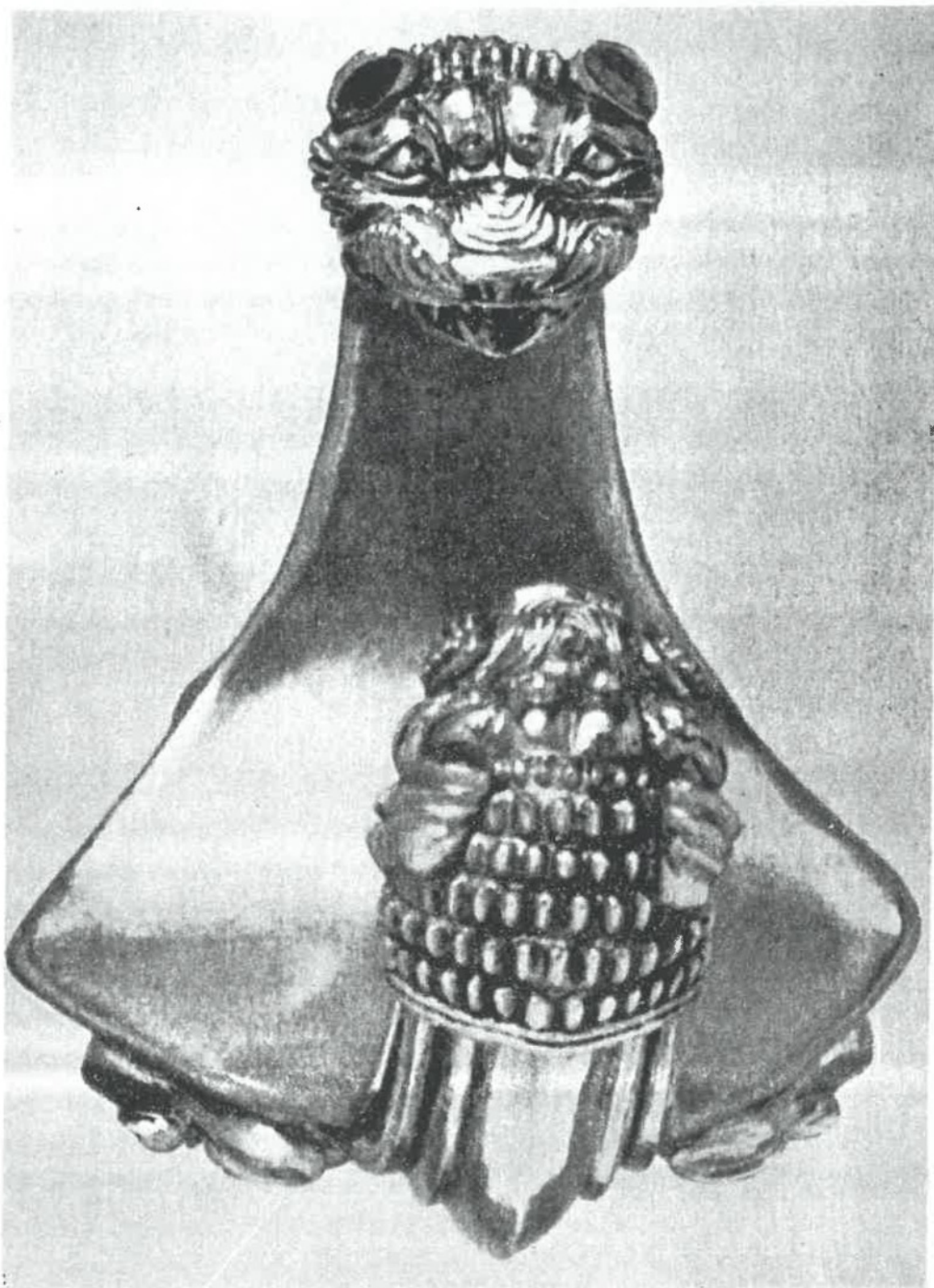


(شکل ۴۵) دستبند طلا با دو سر شیر مکشوفه از زیویه که در موزه متروپولیتن نگهداری میشود و منتسب به سده هفتم پیش از میلاد است. برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی » گیرشمن .



(شکل ۴۶) انگوی شماره « ۴۵ » که در این عکس از جهت دیگر نموده شده است . برداشته از مجلد هفتم دائرةالمعارف هنر جهانی .

از آثار زینتی دیگر زیویه ، یکی زنجیری است که در موزه ایران باستان تهران موجود است ، و دیگری گردن بندی است که گیرشمن آنرا بسده هفتم پیش از میلاد بستگی میدهد و نوشته است که از مجموعه های خصوصی در تهران است . این هر دو در این کتاب با شماره (۵۱) ارائه میگردد .



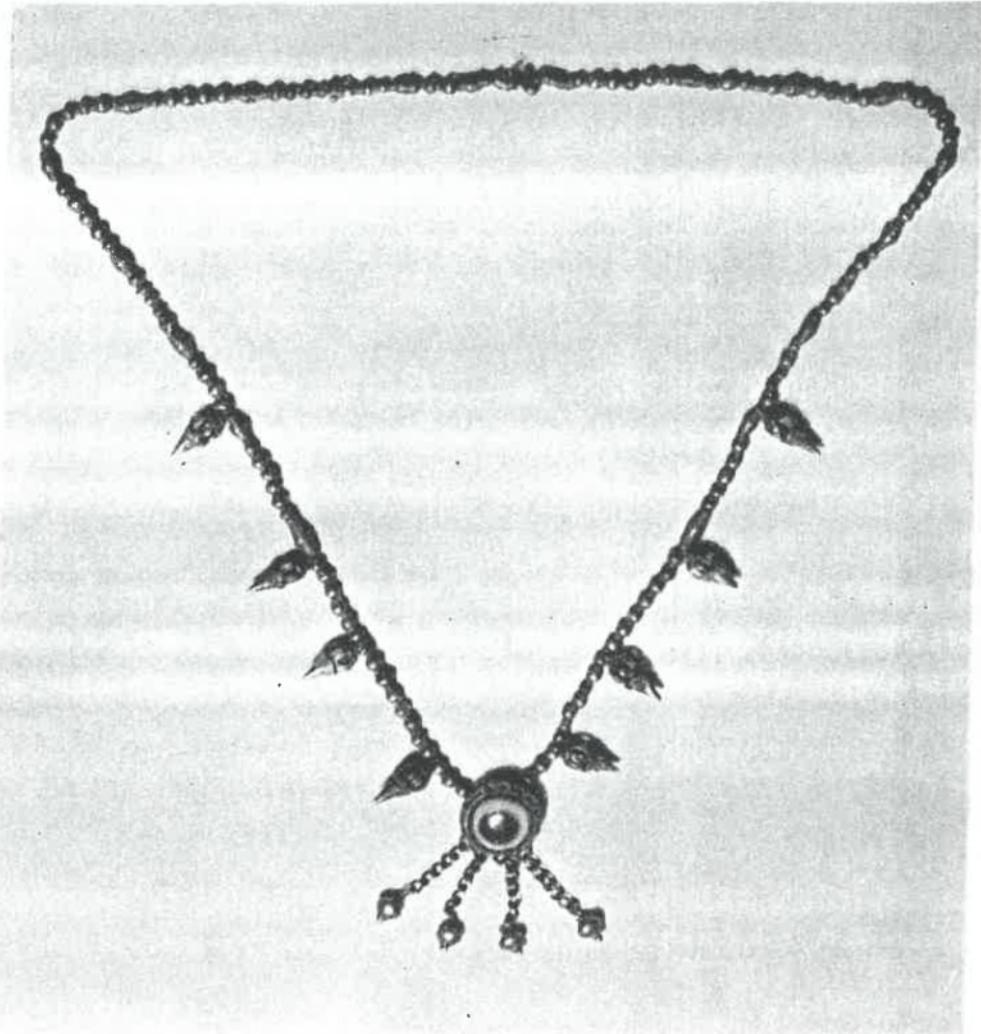
(شکل ۴۷) انگوی طلای شماره « ۴۵ » که صورت شیرها از روبرو و پشت سر نشان داده شده است .



(شکل ۴۸) الگوی ساده با دوسر مار . مکشوفه از زیویه و منتسب به سده هفتم پیش از میلاد . برداشته از کتاب « ایرانیان - ماد - هخامنشی » گیرشمن

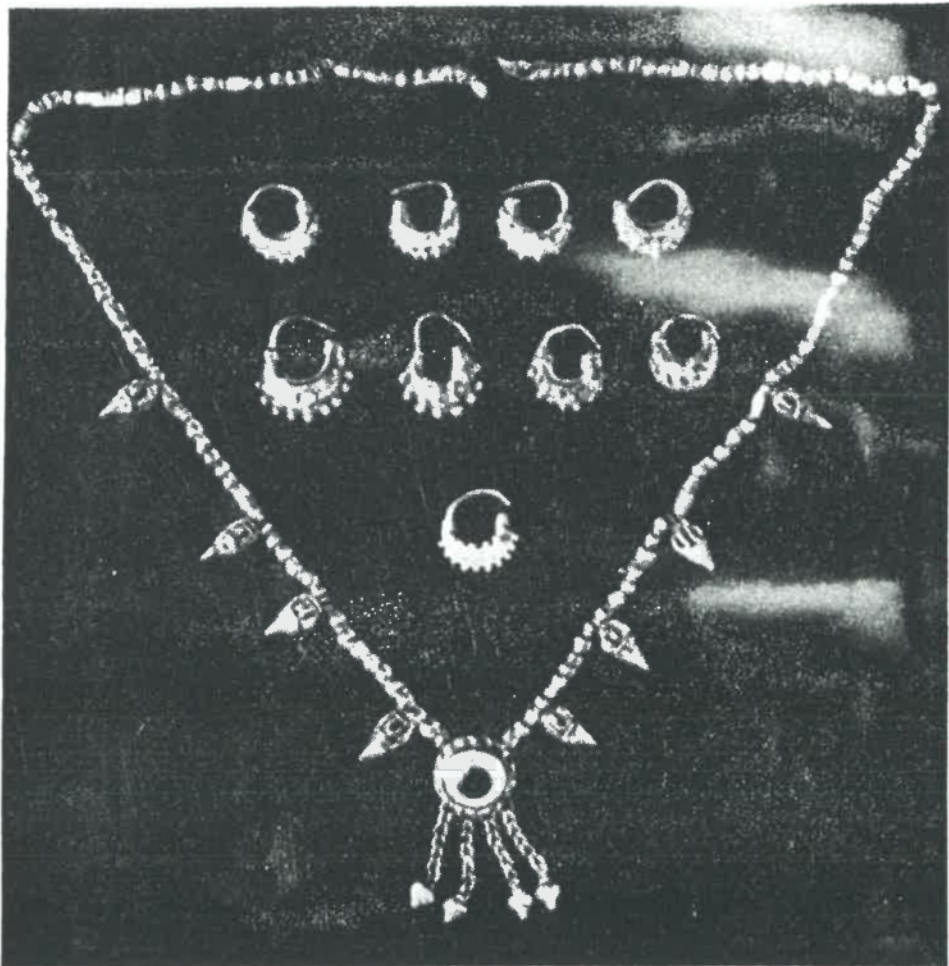
.....
 از وسائل زینتی دیگر منتسب به زیویه ، قسمتی از يك گردن‌بند طلاست که مرکب از سر قوچهای بر رویهم قرار گرفته‌ایست که گیرشمن آنرا از سده هفتم پیش از میلاد میداند (شکل ۵۲) .

.....
 قسمتی از يك کمر بند طلای زیویه در دست است که در متن آن طرح برجسته دوایری وجود دارد که (شاید در زمان خود ، دانه‌هایی در این محل نشانده شده بوده است) . در میان هر دو دایره از این دوایر ،



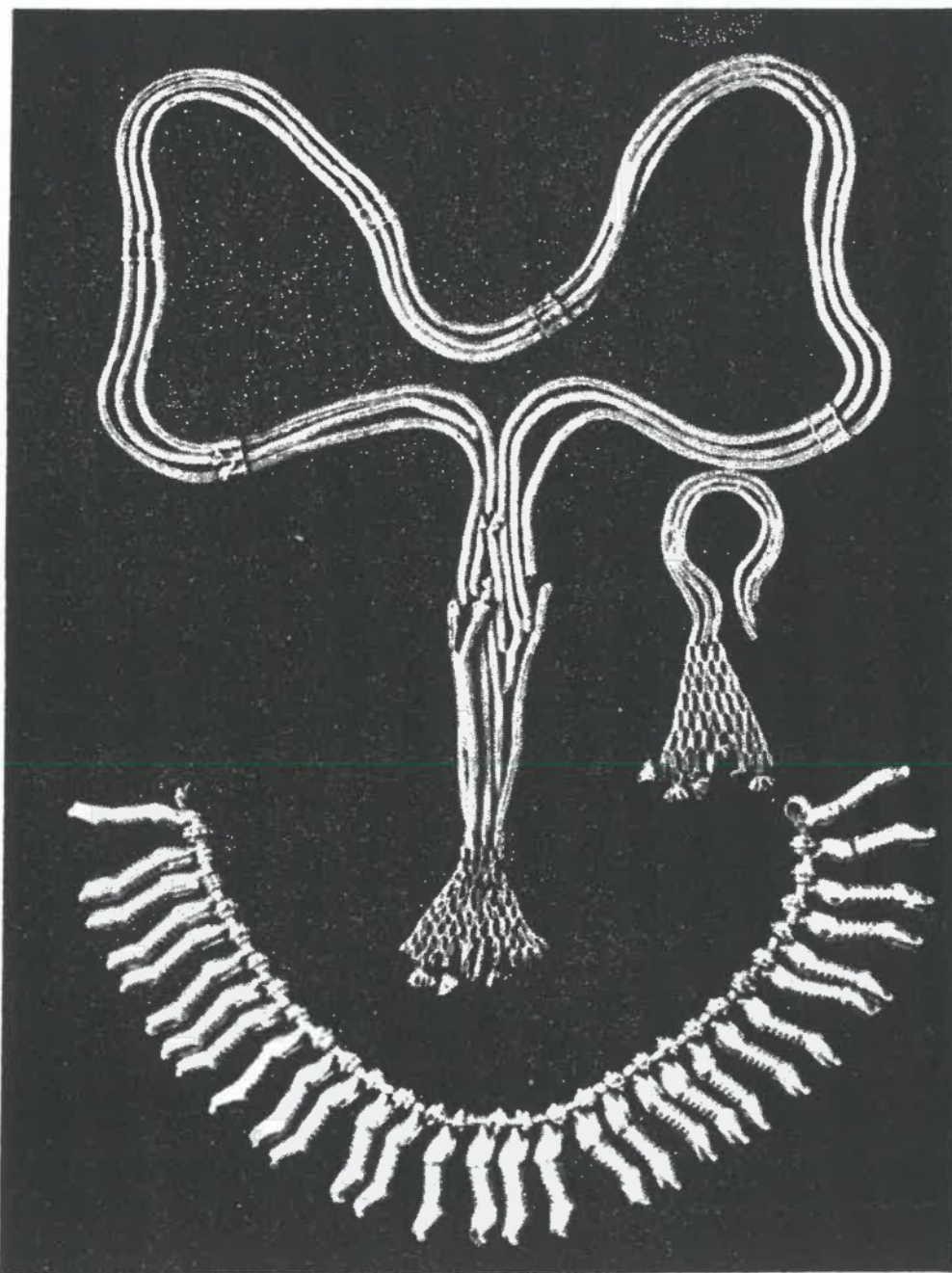
(شکل ۴۹) گردن بند طلای مکشوفه از زیویه با آویز چشمی شکل . موجود در موزه ایران باستان تهران .

حیوانی برجسته سازی شده که دو بدو ، مقابل هم یا معکوس (با بودن یک دایره در میان آنها) قرینه سازی شده اند . بر چشم و گوش یکی از حیوانات برنگک فیروزه دانه نشانی شده است (شاید در بقیه حیوانات این دانه نشانی انجام شده بود) .

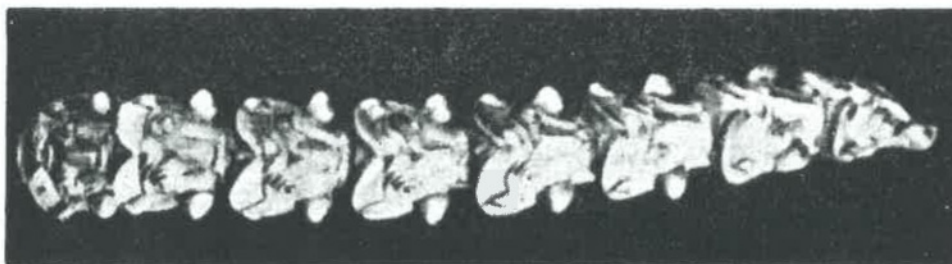


(شکل ۵۰) گردن‌بند شماره « ۴۹ » با « ۹۱ » عدد گوشواره از زیویه . برداشته از کتاب « ایران قدیم . ماد - هخامنشی » گیرشمن . این زیورها از نظر گیرشمن منتسب به سده هفتم پیش از میلاد است .

بر کناره‌های بیرونی متن کمر بند که دو خط برجسته موازی دارد ، با فاصله‌ای اندک دو سر عقاب (که به سر کرکس نیز مانند است) با پشت کله چسبیده بهم برجسته سازی شده . در چشم‌های یکی از این عقابها نیز برنگ فیروزه ، دانه نشانی شده است . (شاید که چشم بقیه عقابها نیز دانه نشانی شده بود) .



(شکل ۵۱) زنجیر و گردن‌بند مکشوفه از زیویه . برداشته از کتاب «ایرانیان قدیم . ماد - هخامنشی» گیرشمن .

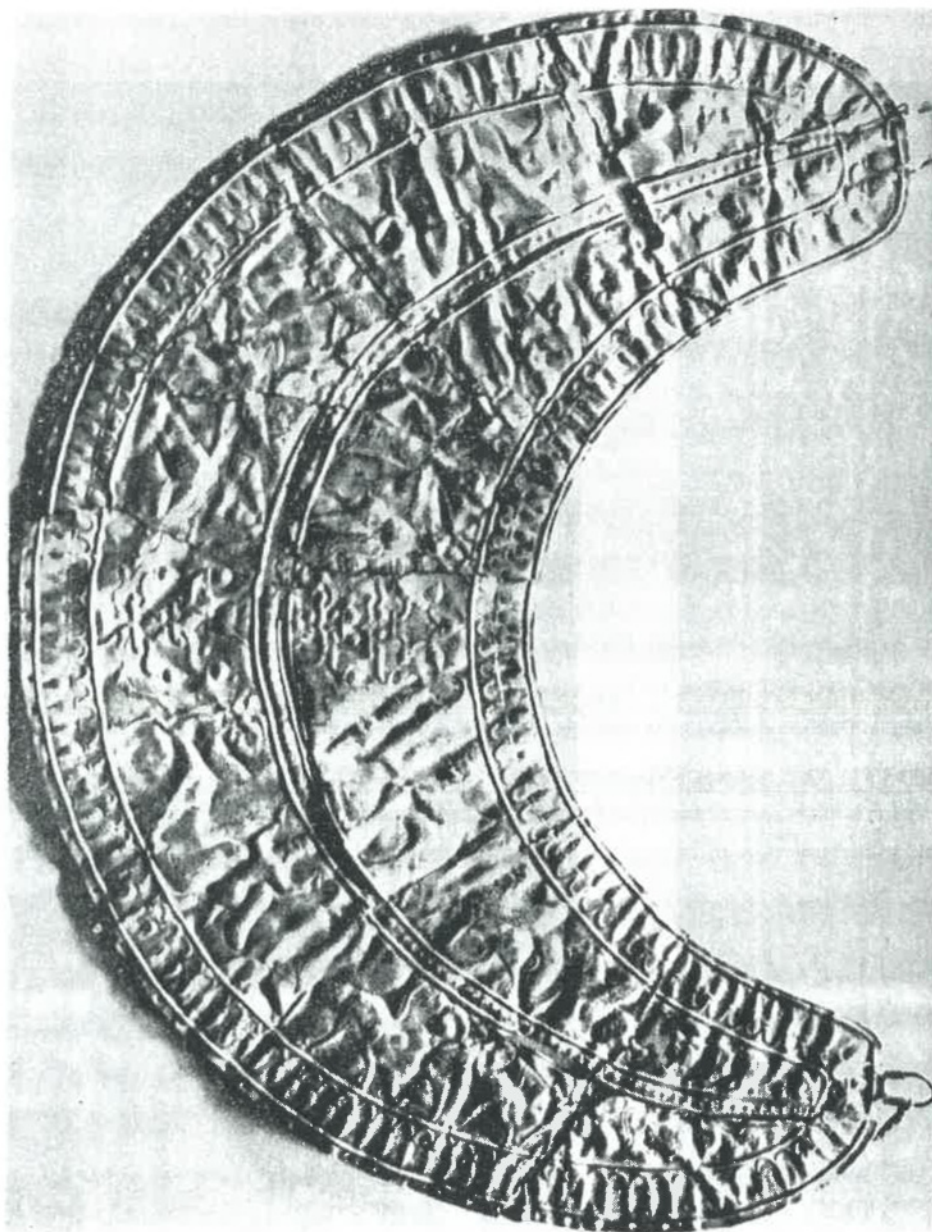


(شکل ۵۴) قسمتی از گردن بند طلای زیویه مرکب از سر قوچ ها که در موزه فیلادلفیا نگاهداری میشود .
برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم » گیرشمن .

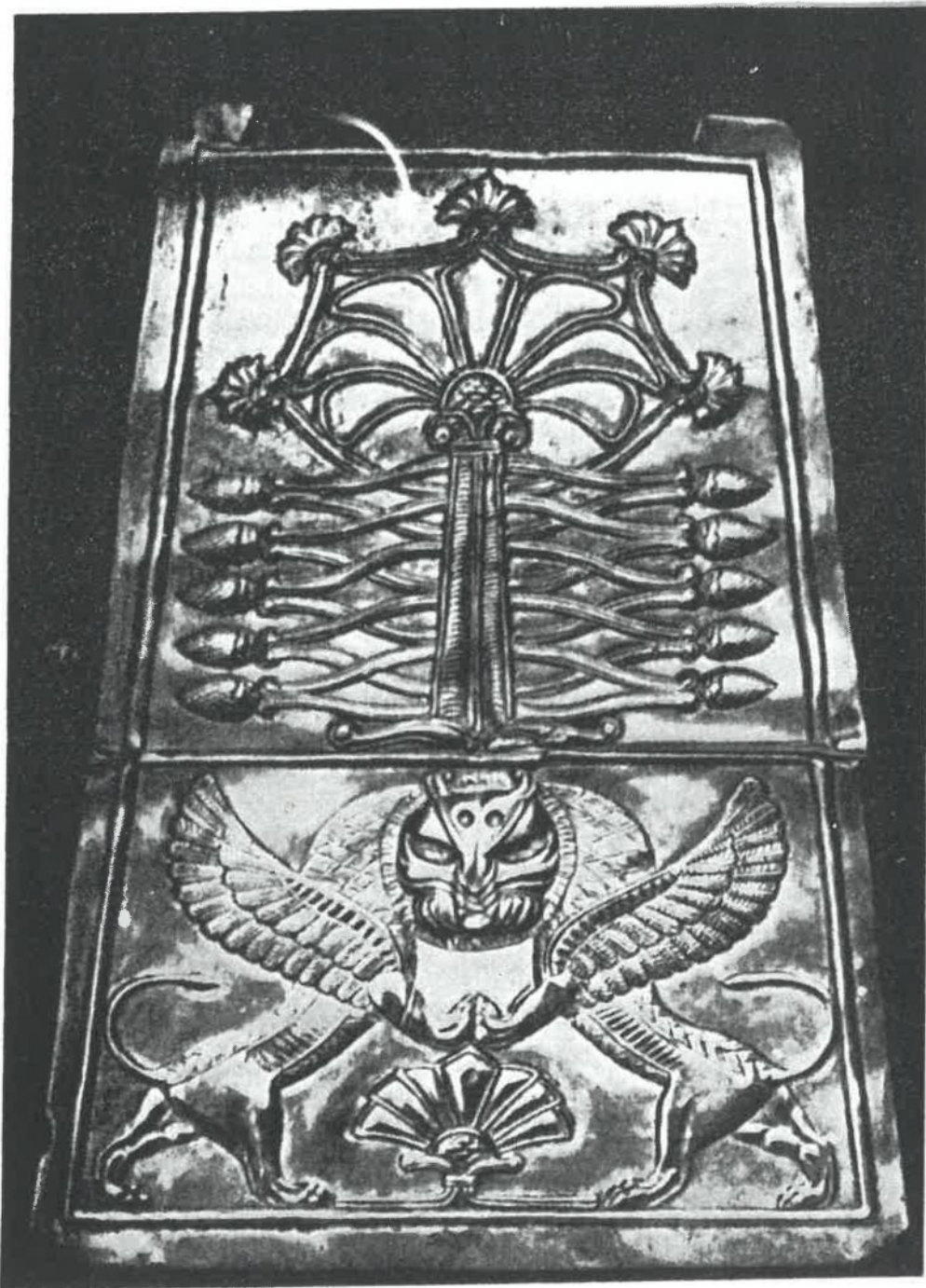
بهر جهت این کمر بند را گیرشمن به سده هفتم پیش از میلاد بستگی داده است . (شکل ۵۳) و بزرگشده آن با شماره (۵۴) ارائه شده است .
.....
از آثار زینتی زیویه ، دو آویز طلای سینه را نیز میتوان نام برد :
که یکی ، نشانی هلالی شکل است که در درازا و بشکل هلال دو قسمت شده ،
و در هر قسمت مناظری از حیوان و انسان بالدار برجسته سازی شده است ،
و پیرامون این نشان سینه ، نیز حاشیه بندی شده و در دو انتهای هلال ،
دو حلقه برای آویختن از زنجیر بگردن جوشکاری شده است . پهنای این
نشان (۱۳٫۵) سانتیمتر و طول انحنای (۳٫۳) سانتیمتر و وزنش ۲۷۵ گرم
داده شده است . این آویز منتسب بسده هفتم - هشتم پیش از میلاد است
و در موزه ایران باستان تهران نگاهداری میشود (شکل ۵۵) .
آویز دیگر ، نشانی است بلند و نودنقه ای شکل که بدو قسمت
شده است . در بخش بالا ، درختی زینتی ساخته شده و بخش پائین دوشیر
بالدار را نشان میدهد که هر دوی آنها دارای یکسر میباشند (شکل ۵۶) .
این پلاک ، منتسب بسده هفتم پیش از میلاد است ، و در موزه
متروپولیتن نیویورک نگاهداری میشود .



(شکلهای ۵۳ و ۵۴) قسمتی از کمر بند طلای مکشوفه از زیویه با نقش حیوانات و پرندگان بصورت قرینه .
موجود در موزه فیلادلفیا . برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم . ماد - هخامنشی » گیرشمن .

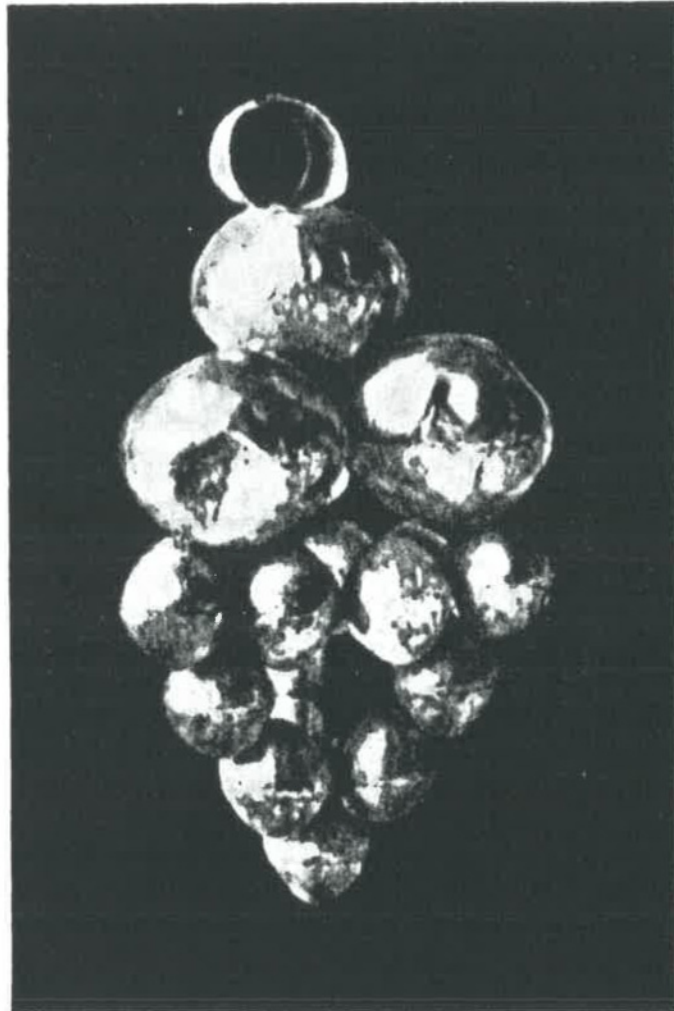


(شکل ۵۵) آویز سینه از طلای مکشوفه از زیویه با شکل هلالی . موجود در موزه ایران باستان تهران .
برداشته از کانالوگ واشنگتن (مخصوص هفت هزار سال هنر ایران) .



(شکل ۵۶) پلاک طلای مکشوفه از زیویه با نقش دو شیر بالدار با یکسر . موجود در موزه متروپولیتن .
برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم . ماد - هخامنشی »

درباره
آثار زینتی تپه حسنلو در آذربایجان



(شکل ۵۷) گوشواره طلای خوشه‌ای شکل مکشوفه از تپه حسنلو .
منتسب بسده هشتم - نهم پیش از میلاد . موجود در موزه ایران باستان
تهران . برداشته از کتاب « ایران قدیم . ماد - هخامنشی » گیرشمن .

در مجلد اول گزارش باستانشناسی ۱۳۲۹ شمسی اداره کل باستانشناسی ، درباره آثار بدست آمده از تپه حسنلو (سلدوز ، واقع در آذربایجان غربی) شرحی در صفحه ۷۳ درج شده است^۱ که طبق آن ، وسائل زینتی مکشوفه از این ناحیه ، عبارت بوده است از : بازوبند ، انگو ، انگشتری ، گوشواره ، دگمه‌های زینتی ، کمر بند ، پیشانی‌بند و مهره‌ها . درباره قدمت این آثار ، گزارش‌دهنده از روی قرائن ، حد بالای آنرا تا اواسط هزاره دوم پیش از میلاد احتمال میدهد .

طبق این گزارش ، بازوبندهای بدست آمده از گورها ، از دو نوع تجاوز نمی‌کند . بعضی‌ها توپر ، و برخی‌ها لوله‌ای شکل و توخالی میباشند . از نوع توپر (که میله‌ای هستند) میله آنها بعضاً گرد و برخی چهاربر میباشند ، و دوسر آنها اغلب دارای نقش حیوانی شبیه به مار است . بعضی از این بازوبندها از گلوله‌های کوچک مفرغی بهم چسبیده تعبیه شده است . بازوبندهای ساده‌ی بدون نقش (با قطرهای مختلف) نیز پیدا شده است که شبیه بازوبندهای مکشوفه در لرستان است . بازوبندهای توخالی از لوله‌های گرد با قطرهای (۲) سانتیمتر ساخته شده و سطح آن با شیارهای موازی عرضی ، زینت شده است .

۱ - قسمت عمده این گزارش علمی ، بر حسب مقدمه این مجله مذکور ، بوسیله باستانشناس (آقای مهندس علی حاتمی) تهیه شده است .

انگشتی‌های مکشوفه از گورهای تپه حسنلو، اغلب از حلقه‌های نازک ساده میباشند .

(از گوشواره‌های مفرغی هم که دارای حلقه‌های ساده میباشند چند تائی بدست آمده که فقط زوائد کوچکی بشکل مهره‌های مفرغی در وسط حلقه آن قرار داده بودند) ولی نمیتوان یقین داشت که کلیه اقوام ساکن قریه حسنلو به استعمال انگشتیهای مفرغی به این سادگی کفایت کرده باشند ، و ممکن است که کاوش‌های بعدی ، این قضیه را روشن کند .

.

در گزارش مربوط بحسنلو نوشته شده است : طلا از جمله اشیائی است که مقداری از آن ، در گورهای تپه شرقی حسنلو کشف شده است ، و بیشتر این اشیاء طلا ، بصورت گوشواره ، دستبند ، گردن‌بند ، یا دگمه‌های مختلف و پیشانی‌بند بدست آمده است .

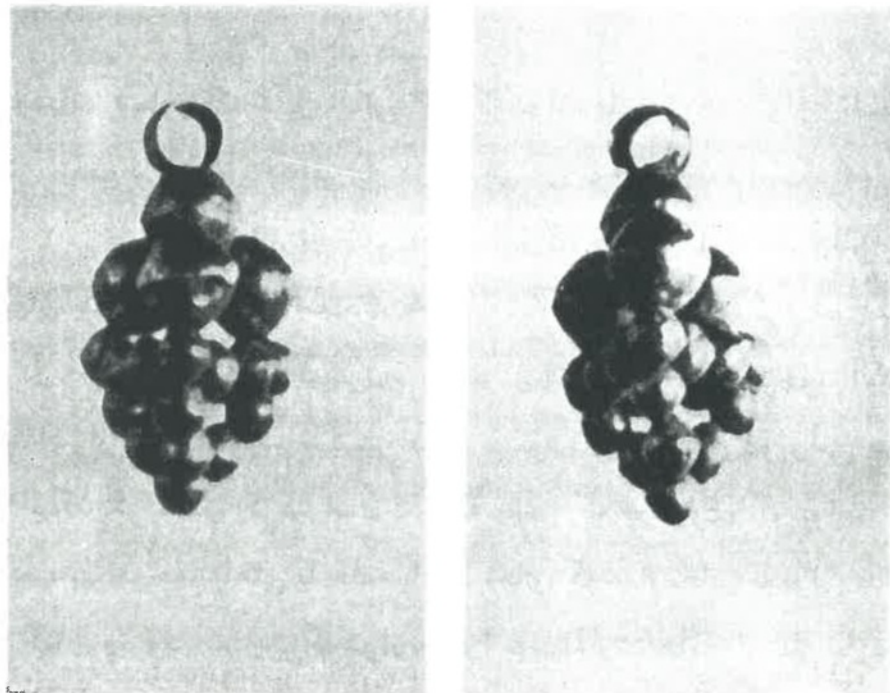
گرچه ، گوشواره‌های طلای حسنلو بیش از دوشکل نمی‌باشد ، ولی از حیث ساخت و شکل قابل ملاحظه‌اند .

گوشواره‌های مزبور که از طلای کاملاً خالص تهیه گردیده ، بشکل خوشه‌های انگور و انار ساخته شده‌اند .

از اینگونه گوشواره ، سه عدد به اندازه‌های مختلف به دست آمده است . هر يك از این گوشواره‌ها از چهار عدد گلوله طلای بزرگتر در بالا ، و پانزده عدد کوچکتر در پائین تشکیل شده است : به این طریق ، که هر يك از این دو نوع گلوله‌ها را ، بشکل هرم مثلث‌القاعده ، رویهم سوار کرده‌اند ، و سپس هرمهای مزبور را از طرف قاعده بیکدیگر وصل

نموده‌اند (بطوریکه شکل اصلی این گوشواره‌ها بصورت متوازی‌السطوح شش ضلعی درآمده و فضائی باز در داخل آن بوجود آمده است .) بر روی یکی از گلوله‌های بزرگ فوقانی (که در رأس هرم چهار گلوله‌ای واقع است) حلقه‌ی نسبتاً پهنی نصب گردیده است ، و در فضای باز داخل گوشواره (که از اتصال دو هرم بوجود آمده) میله‌ای از طلا بقطر دو میلیمتر دیده میشود که گلوله‌های دو رأس هرمها را بیکدیگر وصل کرده است . حلقه‌ی پهنی که در روی گوشواره نصب شده ، بهیچوجه شباهتی با حلقه یا گیره‌های گوشواره‌های معمولی ندارد ، و گمان میرود که این گوشواره‌ها را بوسیله‌ی رشته‌هایی از فلز یا نخ از گوش آویخته ، یا به موی و عرقچین زیر کلاه میدوخته‌اند . (ولی نظر اخیر بیشتر مورد قبول است . زیرا حلقه‌های این گوشواره برای آویختن بگوش ساخته نشده‌اند) (شکلها ۵۷ و ۵۸) .

نوع گوشواره‌ی اناری شکل که از مکشوفه‌های تپه شرقی حسنلو گزارشی شده ، گلوله‌هایش بشکل انار ساخته شده است . این گوشواره بطور کلی از سه انار چسبیده بهم تشکیل یافته ، و قطر هر یک در حدود (۱۶) میلیمتر میباشد . در فضای باز میان سه انار ، پیاله کوچکی از طلا نصب است که در داخل آن گلوله‌ی شیشه‌ای سبزرنگی به قطر (۲۰) میلیمتر قرار داده‌اند . سطح گلوله مزبور ، در نتیجه ماندن زیر خاک ، قدری تغییررنگ داده و به اصطلاح امروزی صدف گرفته است . در قسمت پائین سه انار مزبور ، گلوله کوچکی از طلا دیده میشود که سوراخی در طرفین آن جهت عبور نخ یا حلقه تعبیه شده است .



(شکل ۵۸) گوشواره طلای خوشه‌ای شکل مکشوفه از حسنلو . برداشته از کتاب « باستانشناسی ایران قدیم » واندن برگ .

در داخل هر گل انار ، مهره کوچک سنگی مخروطی شکل قرار داشته که حالیه فقط یکعدد آن باقیمانده است .

در گزارش مذکور ، دو نوع گردن بند طلا (که از تپه حسنلو بدست آمده) معرفی شده است .

یکی از گردن بندها (که توأم با مهره‌های عقیق و سنگی میباشد) قسمت طلای آن از سه ردیف طلای گلوله‌ای کوچک چسبیده بهم ساخته شده که جمعاً از (۹) عدد گلوله تشکیل گردیده است . دانه سوراخهای

گلوله‌های مذکور را (که جهت عبور نخ، مجوف است) طوری بیکدیگر وصل کرده‌اند که مشبك بنظر میرسد، و حد فاصل بین گلوله‌ها را با آب طلا لحیم کرده‌اند، و چنانست که تمام گلوله‌های مشبك یکپارچه و يك قطعه طلا بنظر میرسد؛ و بین هر دو قطعه از مجموعه را (که شامل سه رشته نخ است) با دو ردیف مهره عقیق و يك ردیف مهره سنگی پر نموده‌اند (شکل ۵۹).

گردن‌بند دیگری (که از گورهای تپه شرقی بدست آمده است) دارای يك آویز منفرد، و چهار قطعه طلا است که در فاصله آن مهره‌هائی از قبیل لاجورد، عقیق و سنگ قرار داده‌اند.

آویز گردن‌بند، از يك دنباله مسطح و منتهی به دو صفحه گرد چسبیده بهم تشکیل شده است. سر دنباله آویز، جهت عبور نخ، لوله‌ای شکل ساخته شده است، و روی دو صفحه آویز نیز دو عدد نیم‌گردی از طلا نصب است (که شباهت کاملی به پستان دارد).

در وسط هر يك از نیم‌گردیهای مزبور، دگمه كوچك برجسته‌ای قرار دارد که از اطراف آن، چهار خط برجسته عمود بهم منشعب شده بصفحه میرسد. قسمت مسطح آن را (همچنین فضای خالی اطراف نیم‌گردیها را) با دانه‌های ریز طلا بشکل خطوط مستقیم و منکسر پر کرده‌اند.

چهار قطعه طلای گردن‌بند (که مشابه هم میباشند) هر يك از لوله‌ای استوانه‌ای تشکیل شده و دور آنرا با سیمهای نازك طلا بشکل چهار دایره پیچی درآورده‌اند، و چنانست که در وسط آن فضای كوچك



(شکل ۵۹) گردن بند طلای مکتوفه از حسنلو . برداشته از کتاب « باستانشناسی ایران قدیم » واندن برگه .

مدوری مشاهده میگردد . (شکل ۶۰) که هر دو گردن بند را مینمایاند .

 در گزارش مذکور ، آمده است که النگوهای مفرغی انواع
 مختلف دارد ، و از حیث ارزش صنعتی نیز با یکدیگر تفاوت دارند .
 النگوهای پهن (بعرض ۳ سانتیمتر) بیضی شکل و یکپارچه
 و به اندازه میچ دست کشف شده ، که سطح خارجی آن با شیارهای طولی
 نقش شده است .

نوع دیگری بدست آمده است که مقطع آن چهار بر است ،
 و دو سر آن با نقوش برجسته حیوانی چون سر مار زینت شده است .
 النگوهای حلقه‌ای باریک مکشوفه از حسنلو از نوع دستبندهائی
 هستند که نسبت به انواع مشروحه ، قدمت بیشتری دارند ، و بزرگتر
 نیز ساخته شده‌اند . گرچه اغلب این دستبندها ساده میباشند ، ولی دو سر
 بعضی از آنها با نقش سر حیوانی زینت یافته است (شکل ۶۱) .

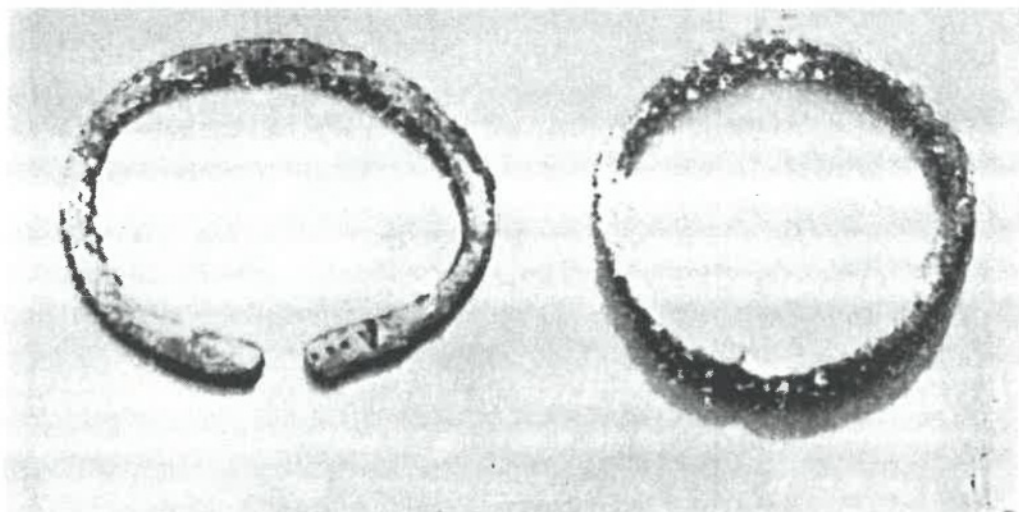
.
 شبیه النگوهای فوق در گورهای ماقبل تاریخی لرستان ، تپه‌سی‌پلک ،
 کاشان ، تپه حصار دامغان ، تپه گیان نهاوند و نواحی شمالی ایران
 (آذربایجان ، طالش ، مغان ، مازندران و گرگان) پیدا شده و با هم
 قابل مقایسه میباشند .

از النگوهای طلای مکشوفه از حسنلو ، النگوی ساده‌ایست که
 بدون نقش است و شکل آن بیضی میباشد و از میله توپر ساخته شده است .
 (شکل ۶۲) .



(شکل ۶۰) گردن بندهای طلای دوگانه مکشوفه از حسنلو. موجود در موزه ایران باستان تهران. منتسب بسده هشتم - نهم پیش از میلاد. برداشت از کتاب « ایرانیان قدیم. ماد - هخامنشی » گیرشمن.

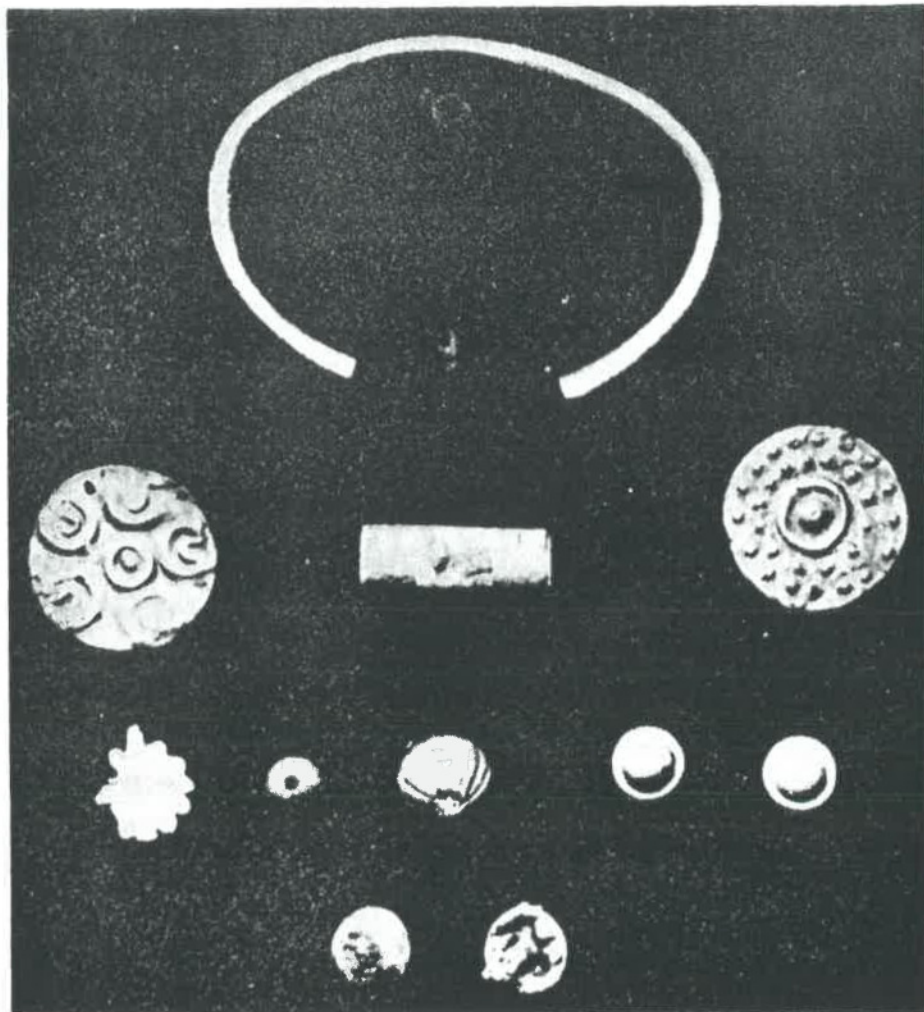
یکی دیگر از وسائل زینتی که در گزارش حسنلو شرح آن آمده، دگمه‌های مفرغی، طلا و استخوانی است. دگمه‌های کوچک مفرغی را نوشته‌اند که بمقدار فراوان بدست آمده، و دارای شکل‌های گرد و چهار گوش میباشند. قسمت داخل دگمه‌ها، حلقه‌های کوچکی دارد که برای دوختن به لباس بکار میرفته است (گزارش



(شکل ۶۱) انگوی مفرغی مکشوفه از حسنلو . برداشته از مجلد اول گزارشهای باستانشناسی

دهنده اظهار نظر کرده است: همانطوریکه امروزه زنهای قبایل چادر نشین ایران، پول و پولک به لباس و عرقچین خود میدوزند، در دوران قدیم هم این رسم بین اقوام مختلف معمول بوده است «چنانکه علاوه بر زنها، مردان نیز از وسائل زینتی حتی گوشواره، استفاده میکردند» .

بعضی از دگمه‌ها، شکل ستاره چهار پر دارد، و گاهی آنها را با منجوق‌های عقیق یا سنگ، رویهم گذارده مجموعاً روی لباس میدوختند. علاوه بر دگمه‌های کوچک مفرغی، دگمه‌های بزرگی بقطر (۶ تا ۷) سانتیمتر کشف شده است که در سطح داخلی آن حلقه نسبتاً ضخیمی نصب شده است (بطوریکه قسمت محدب دگمه کاملاً آنرا می‌پوشاند) . این دگمه‌های بزرگ که در نزدیکی شانه مرد قرار داشت شاید



(شکل ۶۴) انگو و دگمه های طلای مکشوفه از حسنلو . برداشته از مجلد اول گزارشهای باستانشناسی .

برای اتصال قسمت‌هایی از لباس (که در مجاورت شانه و سینه بیکدیگر مربوط می‌شده) بکار می‌رفته است . یا اینکه خود پارچه را از درون حلقه داخلی عبور میدادند تا به اینطریق چین‌های مرتبی در دو طرف دگمه پیدا شود و برزیبائی لباس بیفزاید .

.....

دگمه‌های طلای بدست آمده از حسنلو (که روی لباس برای زینت میدوخته‌اند) مسطح و نقشدار است و از صفحات نازک طلا ساخته شده ، و در داخل آن حلقه نازکی جهت دوختن آنها به لباس تعبیه کرده‌اند. این دگمه‌ها دارای انواع مختلف است : نوعی از آن از يك دایره مرکزی تشکیل شده ، و اطراف آنرا با پنج نیمدایره بشکل ماه و ستاره برجسته سازی کرده‌اند . در قسم دیگر ، از دگمه‌های مزبور ، دو دایره مرکزی برجسته دیده میشود که اطراف آنرا تا لبه دگمه با نقاط برجسته پر نموده‌اند (قطر این دگمه‌ها در حدود « ۳٫۱ سانتیمتر است) .

یکی دیگر از دگمه‌های مکشوفه ، بشکل گل‌های چندپر زمان هخامنشی بوده و دوایر مرکزی و گلبرگ‌های آن برجسته میباشد . در پشت این دگمه‌های مدور ، حلقه پهن کوچکی جهت دوختن بر روی لباس نصب است . قطر این دگمه‌ها در حدود (۲٫۴) سانتیمتر میباشد . (شکل ۶۲) .

از دگمه‌های استخوانی مکشوفه از حسنلو (که همچنان جهت دوختن بر روی لباسها بمنظور زینت بکار میرفته) در گزارش مربوطه ، آمده است که بمقدار زیاد و با نقوش متفاوت در گورهای حسنلو کشف شده است .

شکل آنها گرد و سطح آنها برآمده است ، و با نقوشی از قبیل دوایر کوچک و بزرگ ، خطوط و شیارهای موازی زینت شده است . و در وسط هر يك از آنها سوراخی وجود دارد که از آن ، میخهای کوچک مفرغی یا آهن عبور داده ، و انتهای میخهای مزبور را که در کف دگمه قرار دارد بشکل قلاب درآورده‌اند .

در گزارش حسنلو، آمده است که ضمن حفاری، چند عدد صفحه مستطیل شکل مفرغی شبیه به کمر بند پیدا شده است که در پهلوئی راست مرده قرار داشت. چون در یکی از گورها آثار و بقایای خطوط پارچه در سطح داخلی کمر بندی مشاهده شده، گمان می‌رود شیئی مزبور را بر روی لباس بجای کمر بند میدوخته‌اند.

کمر بندی در یکی از گورهای تپه شمال شرقی بدست آمد که آنرا مجزا از مرده (در پهلوئی راست او) بطور افقی چنبره کرده بودند. کمر بند مزبور، مستطیل شکل بوده و بچهار لبه خارجی آن، دو ردیف میخهای کوچک محدب مفرغی کوبیده بوده‌اند، و دنباله این میخها، از طرف دیگر بیرون آمده و بشکل حلقه‌های کوچک تعبیه شده بود. بنظر میرسد که این کمر بند با همان وضعی که به لباس مورد علاقه متوفی دوخته شده بود، هنگام دفن در کنار او قرار داده‌اند. عرض این کمر بند (۸۵) سانتیمتر است و طول آن بعلت پاشیدگی بوسیله زنگ، کاملاً معلوم نگردید.

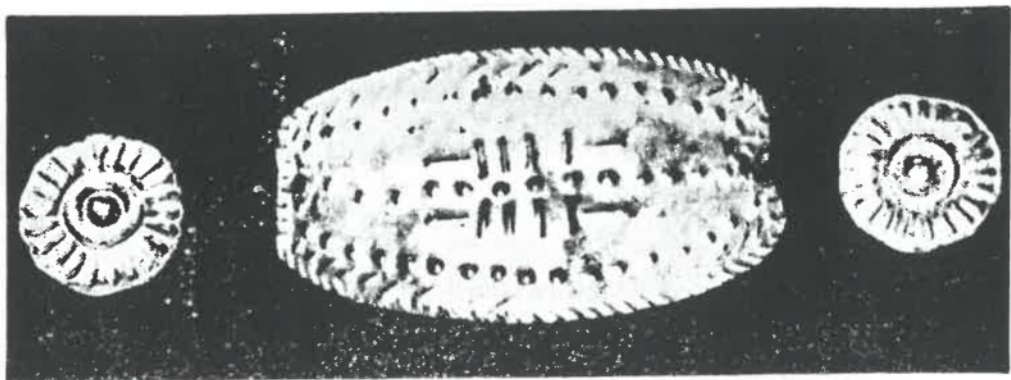
در برخی از گورهای حسنلو، زیور دیگری از طلا پیدا شد که در روی پیشانی یا جمجمه مرده قرار گرفته بود. شکل کلی این زیور شبیه بیضی ناقص است، و نقوش سطح آن از خطوط و نقاط برجسته تشکیل شده و در وسط، یک ردیف نقاط برجسته دارد که طرفین آن با چند خط برجسته موازی (عمودی و افقی) شکل گرفته است. در لبه آن نیز بهمان طریق، نقطه‌ها و خطوط جناقی برجسته دیده میشود و در دو طرف این زیور، دو سوراخ تعبیه شده که از آن بمنظور اتصال بکلاه یا عرقچین استفاده

میکرده اند . (شکل ۶۳) .

چند عدد از این زیورها در تپه شرقی حسنلو بدست آمده است که از حیث شکل تقریباً نظیر هم اند ولی طول و عرضشان با هم کمی اختلاف دارد .

در گوری از حسنلو چیزی شبیه به کمر بند پیدا شد که بر روی حجمه مرده قرار داشت . وسط این شیئی ، پهن تر از دو انتهایش بود ، و دو لبه آن نیز حلقه های مدوری داشت که موقع بستن بر سر ، این لبه ها را با نخ یا وسیله دیگری بیکدیگر نزدیک میکردند .

چون ، این شیئی بر روی سر مرده بدست آمد ، تصور میرود که



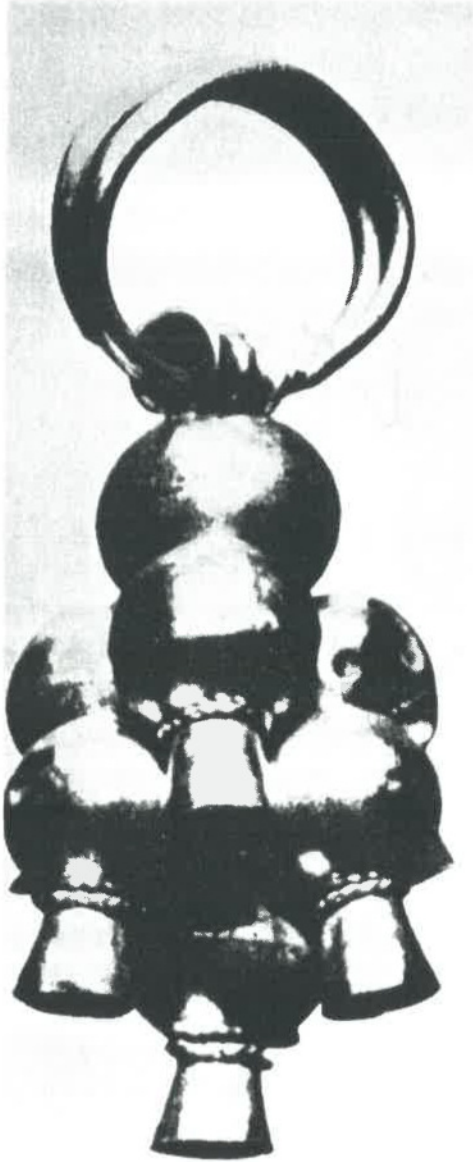
(شکل ۶۳) زیور طلای عرفچین . و دو دگمه طلای مکشوفه از حسنلو . برداشته از مجلد یکم گزارشهای باستانشناسی .

این حلقه پهن را روی سر قرار میداده‌اند، و میبایست از وسائل زینتی زنان آن دوره بوده باشد.

از اشیاء نقره‌ای (که تا بحال از حسنلو بدست آمده، و گزارش دهنده شرح آنها را آورده است) یکی، گوشواره کوچکی است که از يك میله منحنی و دو زائده قاشقی شکل ترکیب شده و عکس یکدیگر در انتهای دو سر میله قرار گرفته‌اند.

شبهه گوشواره‌های فوق، در تپه گیان نهاوند از مفرغ و طلا پیدا شده است، و کاملاً با هم قابل مقایسه میباشند.

درباره
زیورهای مکشوفه گیلان



(شکل ۶۴) گوشواره طلای خوشه اناری به درازای « ۵/۲ » سانتیمتر . از مکشوفه های تپه چراغعلی گیلان .
برداشته از گزارش مقدماتی حفاریات مارلیک .

سرزمین گیلان ، اخیراً به علت رو کردن زیورهای متنوع و زیاد خود در نقاطی چون مارلیک (چراغعلی تپه رودبار) آمارلو و رستم آباد (و نقاط دیگری که در آنها حفاری بعمل آمده است) تمدن قدیمی قومی از اقوام دیگر این فلات را (گیلها) روشنی غیرمنتظره بخشیده ، و با عرضه اشیاء سطح بالا و با ارزش خود حیرتی تازه برای محققان پیش آورده است .

در گزارش مقدماتی حفاریات مارلیک^۱ (چراغعلی تپه) شرحی درخور لزوم درباره مکشوفه‌های این ناحیه از گیلان دارد و نوشته شده است: که از جمله آلات زینتی (که این قوم به آن نهایت علاقه را نشان داده‌اند ، و در آرامگاههای آنان نیز به وفور دیده شده است) گردن بندهائی به شکلهای مختلف (از جنس گچ ، گوش ماهی ، صدف ، بدل چینی ، عقیق و طلا) است .

گردن بندهای گچی ، عموماً از گچ یا سنگ آهک نرم ساخته شده‌اند و بر اثر مرور زمان تا اندازه‌ای پوسیده و باید در نهایت دقت آنها را لمس نمود . مهره‌های این گردن بندها به شکلهای هندسی و استوانه‌ای

۱ - گزارش مارلیک بوسیله آقای عزت‌الله نگهبان رئیس هیئت کاوشهای علمی رودبار تهیه شده ، و بنام مارلیک بچاپ رسیده است .

و دو مخروطه میباشد. بعضی از گردن‌بندها نیز با مهره‌هایی که شکل میمون و قوچ دارند ساخته شده، و برخی، دارای شیارهای موازی هستند. این گونه گردن‌بندها را در (شکل ۶۵) که در متن عکس با شماره «۶۰» آمده است میتوان دید.

.....
 گوش ماهی، صدف و حلزون را نیز عموماً سوراخ نموده ریشه کرده‌اند. نظیر اینگونه گردن‌بندها را در (شکل ۶۶) که در متن عکس با شماره «۶۱» آمده است میتوان دید.

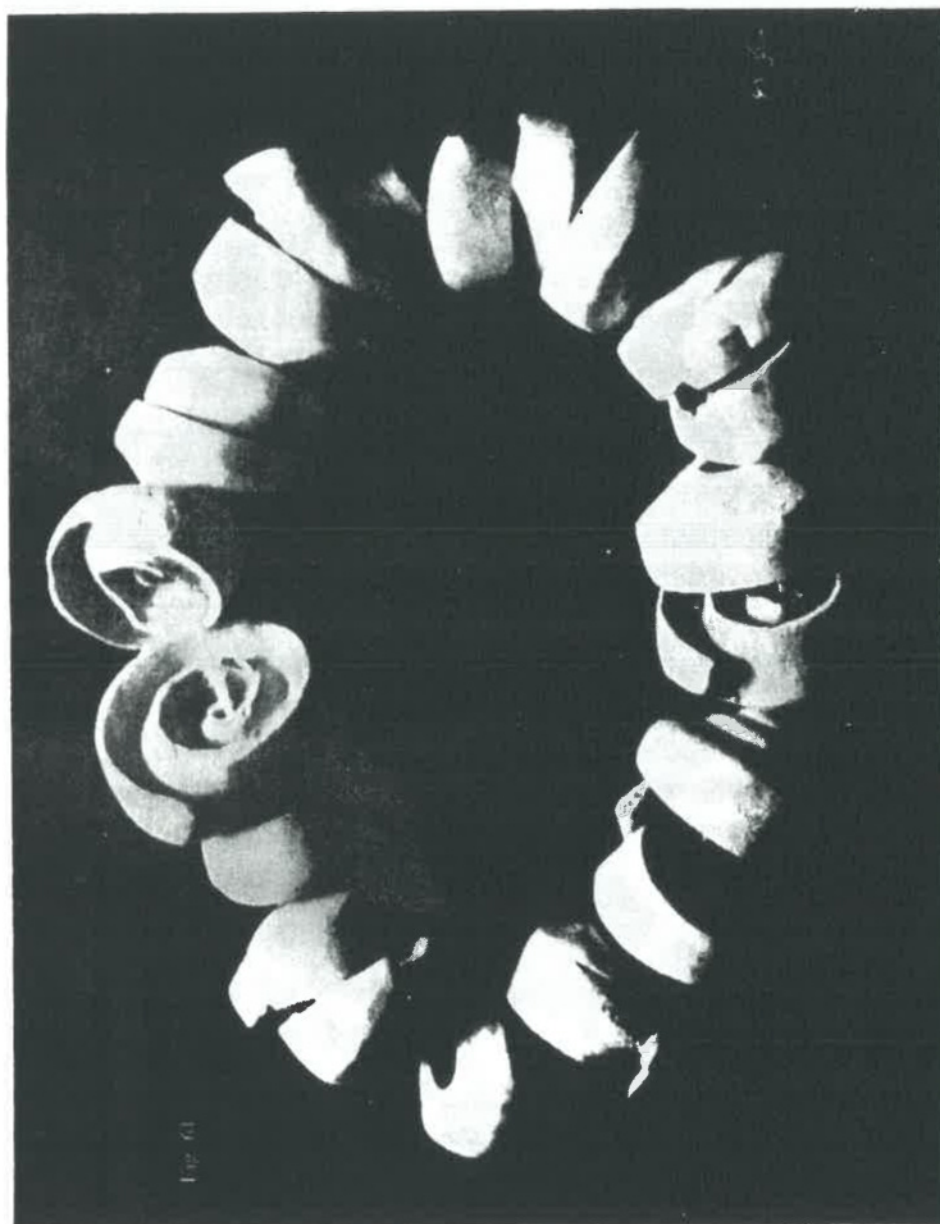
.....
 گردن‌بندهای بدل چینی بشکلهای استوانه‌ای و بشکه‌ای بارنگهای سفید، سفید بانقوش سیاه، آبی روشن، سبز خاکستری، سبز روشن بانقوش سیاه بدست آمده است. مهره‌های این قبیل گردن‌بندها عموماً دارای لعاب نازکی میباشد، و نقوش روی آنها بصورت زیگزاکهای موازی (که در سطح مهره‌ها فرونشسته) کنده کاری شده و دو سر بعضی از آنها بانوارهای طلائی زینت شده است (شکل ۶۷).

.....
 بر روی برخی از مهره‌های بدل چینی، نقوشی موجدار دیده میشود. این خطوط موج را با رنگ سیاه، و با نوار لعاب اضافی بوجود آورده‌اند.

.....
 نمونه این قبیل مهره‌ها را در (شکل ۶۸) که در متن عکس با شماره «۶۳» آمده است میتوان دید.



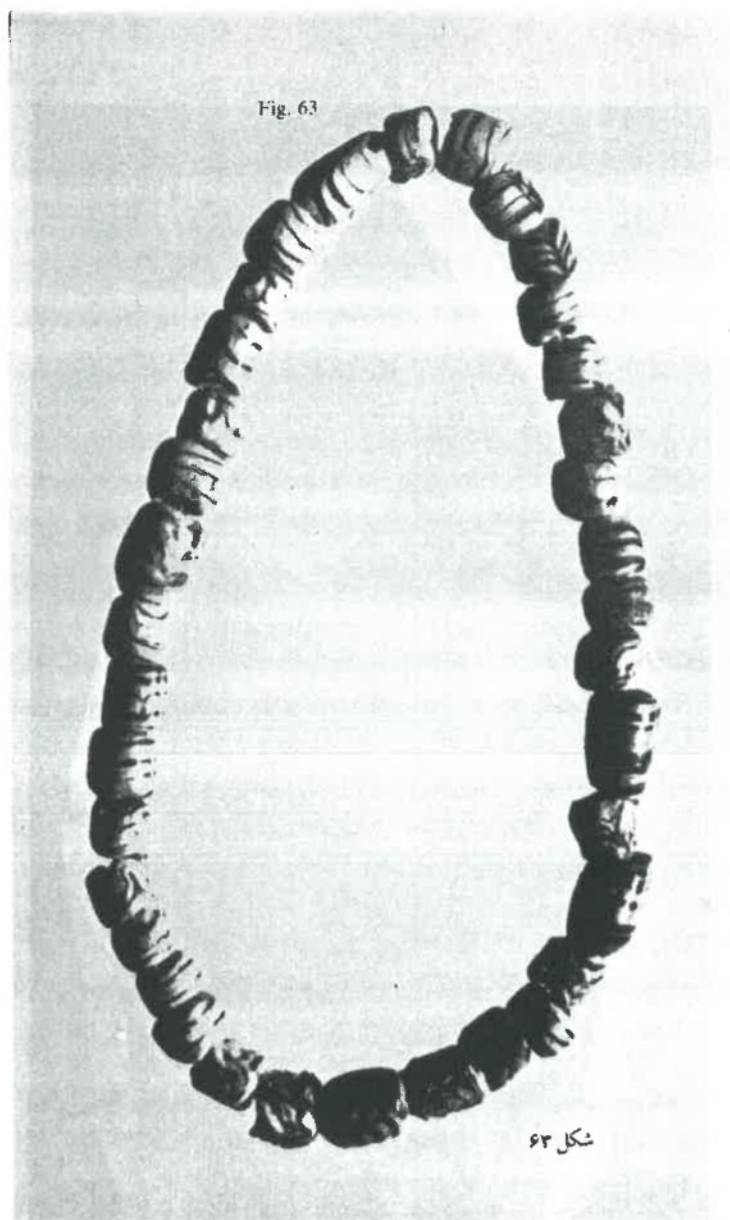
(شکل ۶۰) گردن بند گچی مکشوفه از گیلان . برداشته از گزارش مارلیک .



(شکل ۶۶) نمونه‌ای از گردن بندهای حلزونی مکشوفه از گیلان . برداشته از گزارش مارلیک .



(شکل ۶۷) گردن بندی از نوع بدل چینی با نقش زینکراک . برداشته از گزارش مارلیک .

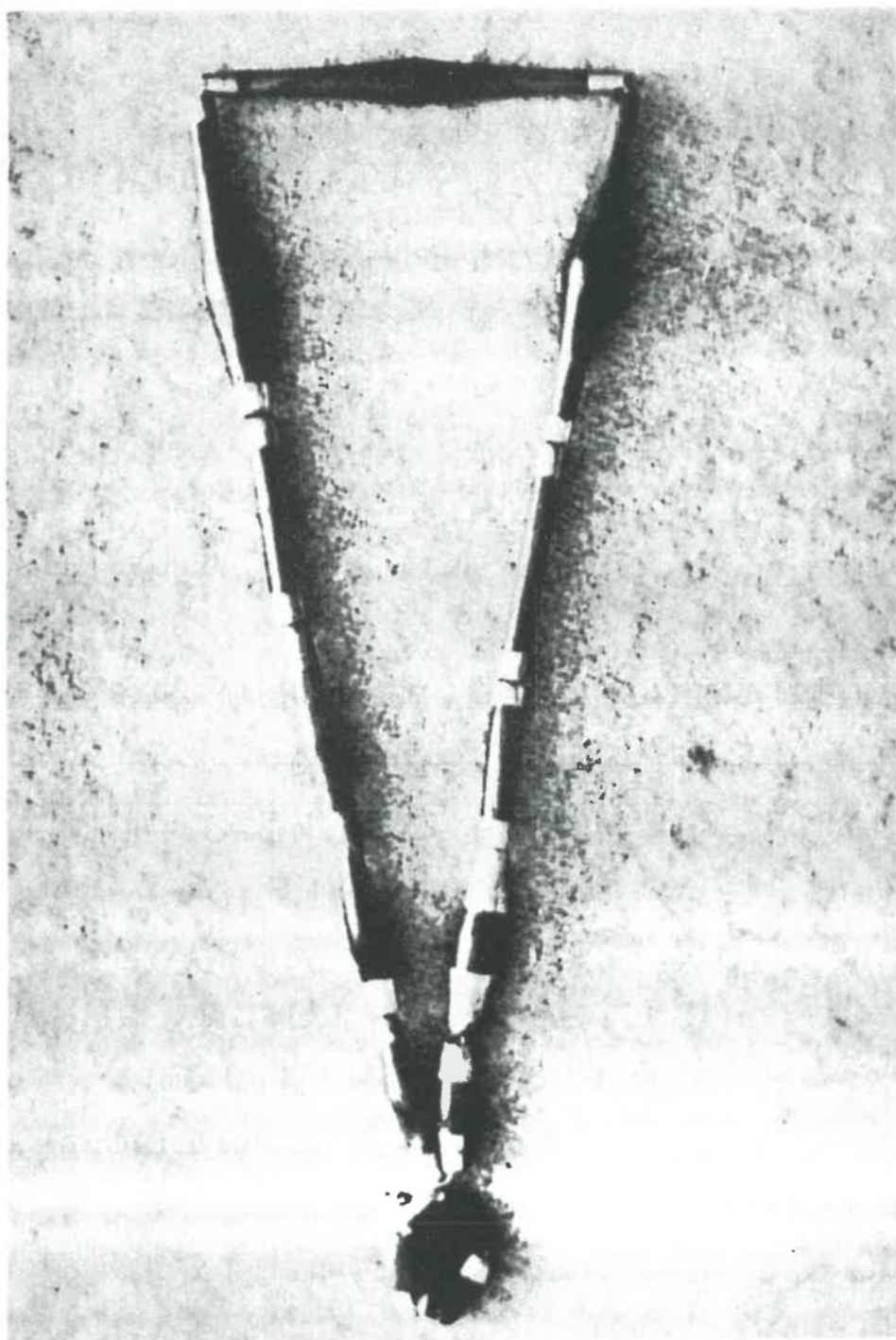


(شکل ۶۸) نوعی دیگر از گردن بندهای بدل چینی مکشوفه از گیلان با نقش‌های موجدار .
برداشته از گزارش مارلیک .

گردن بندهای عقیق ، یکی از انواع گردن بندهائی است که مهره‌های آنها با شکل‌های استوانه‌ای ، گرد ، بیضی و لوزی ساخته شده است . بعضی از آنها با نهایت دقت و ظرافت تراشیده شده‌اند . رنگ آنها عموماً سایه‌هایی از رنگ خرمائی تیره تا قهوه‌ای - قرمز روشن دارد . دو سر بعضی از این مهره‌ها نیز با نوار طلا زینت شده است ، و گاهی در پائین گردن‌بندها مهرهٔ زیبائی ، آویز آنها را تشکیل میدهد . مهره‌های عقیق ، در وسط مهره‌های طلا نیز بمنظور زینت بخشیدن به گردن‌بندها بکار رفته است . (شکل ۶۹) .

دربارهٔ گردن‌بندهای طلا ، در گزارش مقدماتی مارلیک نوشته شده است : که مهره‌های آن ، لوزی ، دومیخروطه ، استوانه‌ای ، گرد ، و بیضی میباشد ، و مهره‌هایی بشکل سر حیوانات بدست آمده که در انتهای آنها حلقهٔ کوچکی برای آویختن تعبیه شده است . این مهره‌ها ، عموماً از ماده‌ای مانند قیر طبیعی زیرسازی شده ، و روی آنها را با ورقه‌ای از طلا پوشانده‌اند . با اینکه این مهره‌ها بسیار کوچکند ، جزئیات صورت حیوانات در آنها با نهایت ظرافت و دقت انجام شده است .

در این گزارش ، از آویزهای گردن‌بندها و همچنین از گوشواره‌ها ، انگشتریها ، دستبندها ، پیشانی‌بندها و موی‌بندها ، و نیز از وسائل زینتی مختلف دیگری مانند دگمه‌ها ، سنجاقها و گلبرگهای زینتی شرحی مختصر آمده است .



(شکل ۶۹) گردن بندی از طلا و عقیق . مکشوفه از گیلان . برداشته از گزارش مارلیک .

همه این زیورها از لحاظ قدمت (با توجه به اینکه تاریخگذاری آنها بدرستی ، خالی از اشکال نیست) به بیش از هزاره اول پیش از میلاد نسبت داده شده است .

درباره آویز گردن بندها، نوشته شده است که عموماً در گردن بندهای عقیق ، مهره میانی بزرگتر ساخته شده ، و دارای تراش اعلا میباشند ، و در گردن بندهای بدل چینی (با اینکه مهره های میانی بزرگتر است) عموماً شکل ساده ای دارند و روی آنها برجسته کاری و کنده کاری شده است . ولی در گردن بندهای طلا ، آویزها متنوع است .

آویز بعضی از این گردن بندها ، خوشه انارهای ریزی است که با نهایت استادی بهم جوش داده شده اند . (شکل های ۷۰ و ۷۱) .

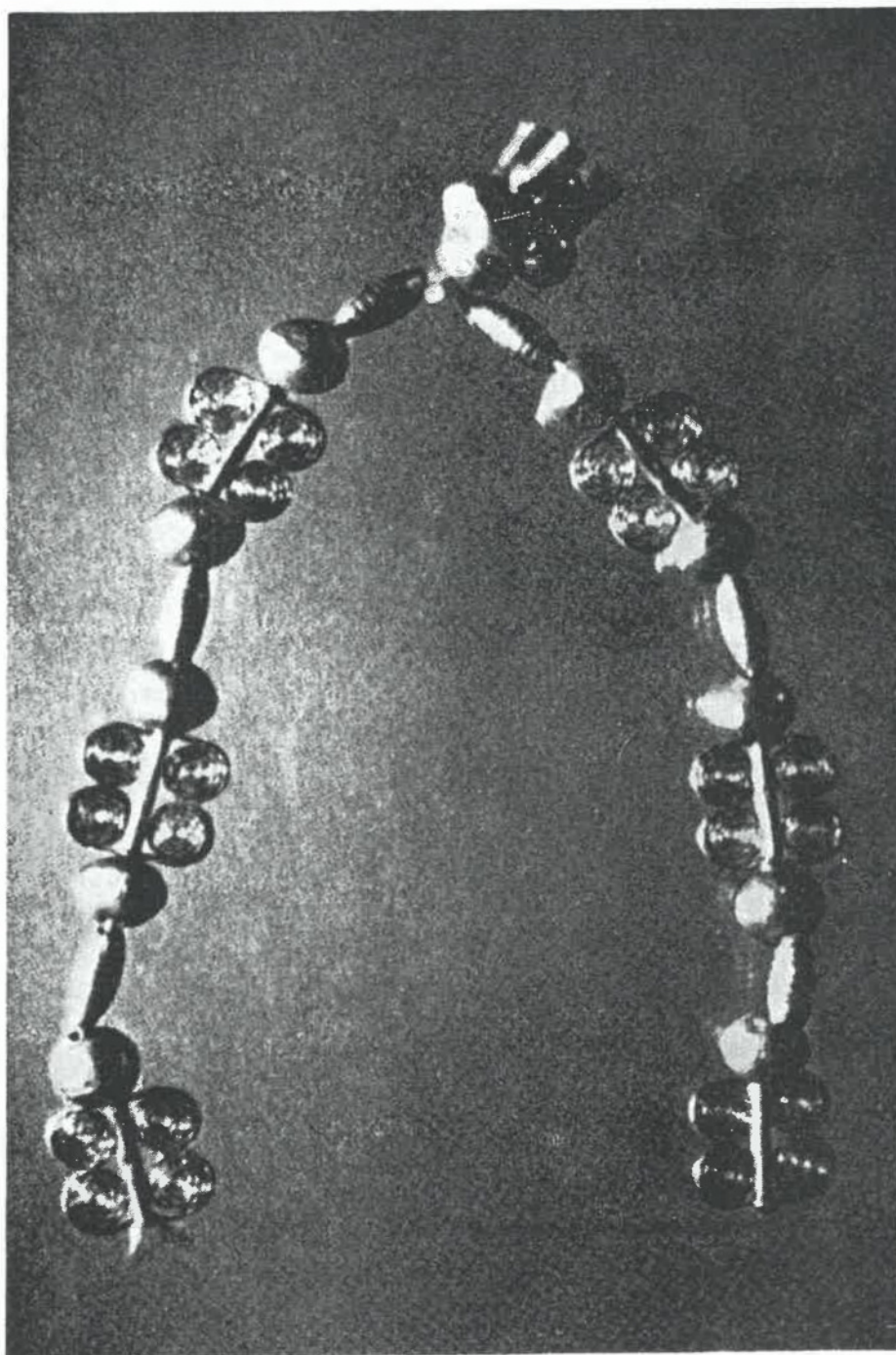
در بعضی ها ، آویز بشکل صفحه گردی است که روی آنرا با نوارهای طلای نازک (که بیش از یک میلیمتر پهنا ندارد) نقش بندی کرده و بشکل گل زیبای هندسی درآورده اند .

اتصال این نوار نازک بر روی صفحه طلا بقدری با مهارت و ظرافت انجام شده ، که تشخیص محل اتصال و جوشکاری آنها بوسیله چشم مشکل است . قطر این آویز (۵۷) سانتیمتر است . (شکل ۷۲) .

آویز دیگری (که از لحاظ مهارت زرگری کمال اهمیت را داراست) صفحه گردی است بقطر (۴۶) سانتیمتر که با جوش دادن



(شکل ۷۰) گردن بند بدل چینی با آویز طلای خوشه اناری . برداشته از گزارش مقدماتی مارلیک .



(شکل ۷۱) گردن بند دیگری مکشوفه از گیلان با آویز خوشه اناری از طلا (که یادآور گردن بند شماره « ۶۰ » مکشوفه از حسلو میباشد) . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۷۳) گردن بند طلا با آویز طلا و نقش گل با سیمای نازک بر روی آویز . منتسب بهزاره اول پیش از میلاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران .

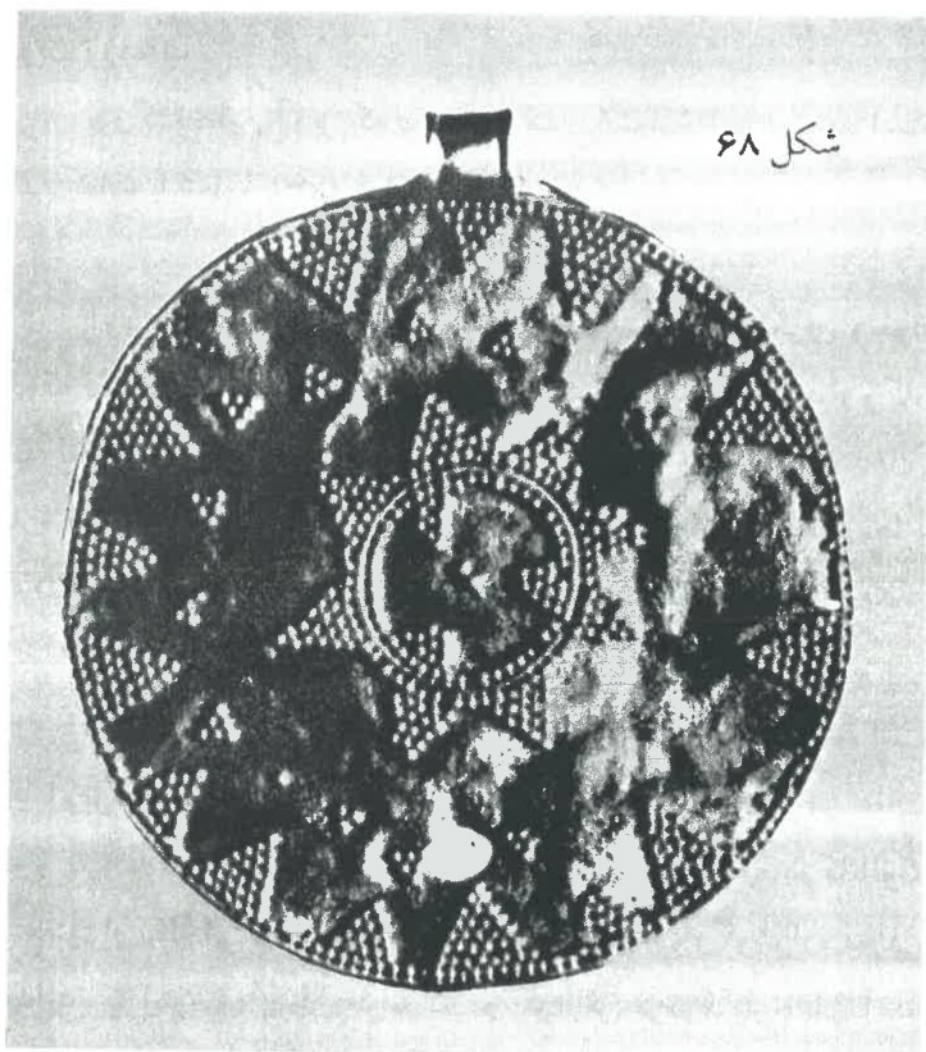
گردیهای ریز طلا در کنار هم بر روی آن ، شکل‌های هندسی سه گوشه‌ای بوجود آورده‌اند .

بزرگشده این آویز که در متن عکس با شماره (۶۸) آمده است در این کتاب با شماره (۷۳) ارائه میشود .

آویزهای دیگری در گردن‌بندهای طلا بشکلهای دیگری وجود دارد که نقش روی صفحات گرد آنها ، خورشید و ستاره میباشد ، و گاه بوسیله نقطه‌چین نیز شکل‌های مزبور را نشان داده‌اند : مانند گردن‌بندهای بشماره (۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ و ۷۸) که همه عکسهای این شماره‌ها ، از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران است .

در گزارش مقدماتی مارلیک ، آویزهای دیگری معرفی شده است که با آویزهای ارائه شده فرق بسیار دارد و بجز یکی (که دو سر عقاب است) بقیه به گوشواره مانند است . خاصه ، یکی از آنها را در کاتالوک هنر هفت هزار ساله ایران که در واشنگتن چاپ شده است ، گوشواره معرفی کرده‌اند . با اینوصف بهمان طریق که در گزارش مربوط شرحشان آمده عرضه خواهند شد :

آویزی طلا با میله‌ای چهاربر و تاب‌داده هست که به آن دو سر عقاب متصل بهم را آویخته‌اند . قطر حلقه را (۵ر۵) سانتیمتر داده‌اند . این آویز که در گزارش مارلیک با شماره (۷۰) ارائه شده است در این کتاب با شماره (۷۹) معرفی میشود .



(شکل ۷۳) گردن آویز طلای مکشوفه از گیلان . برداشته از گزارش مقدماتی مارلیک .



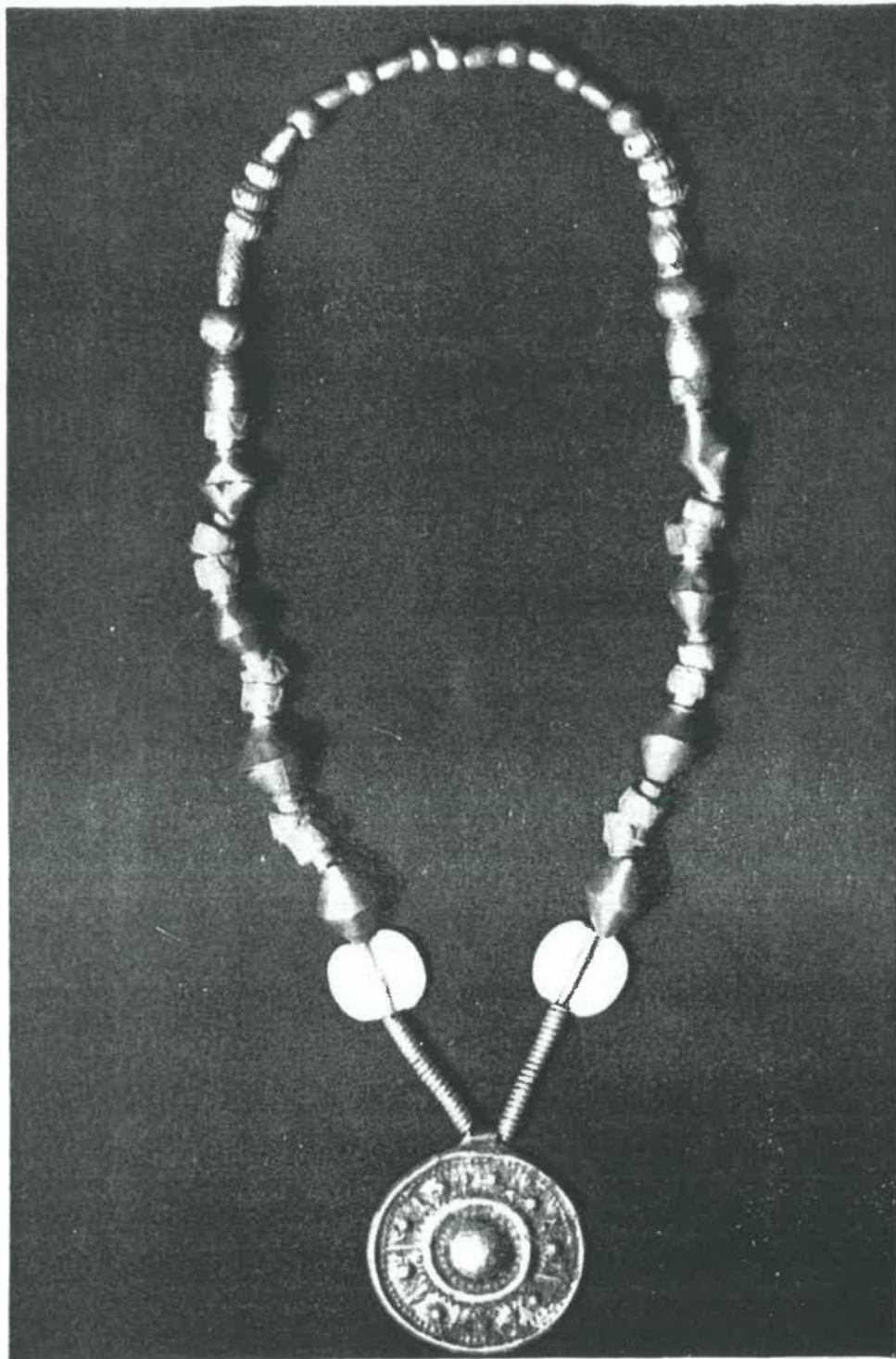
(شکل ۷۴) گردن بند طلای مکشوفه از گیلان (مارلیک) با آویز گرد شکسته و نقش خورشید - منتسب به هزاره اول پیش از میلاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان



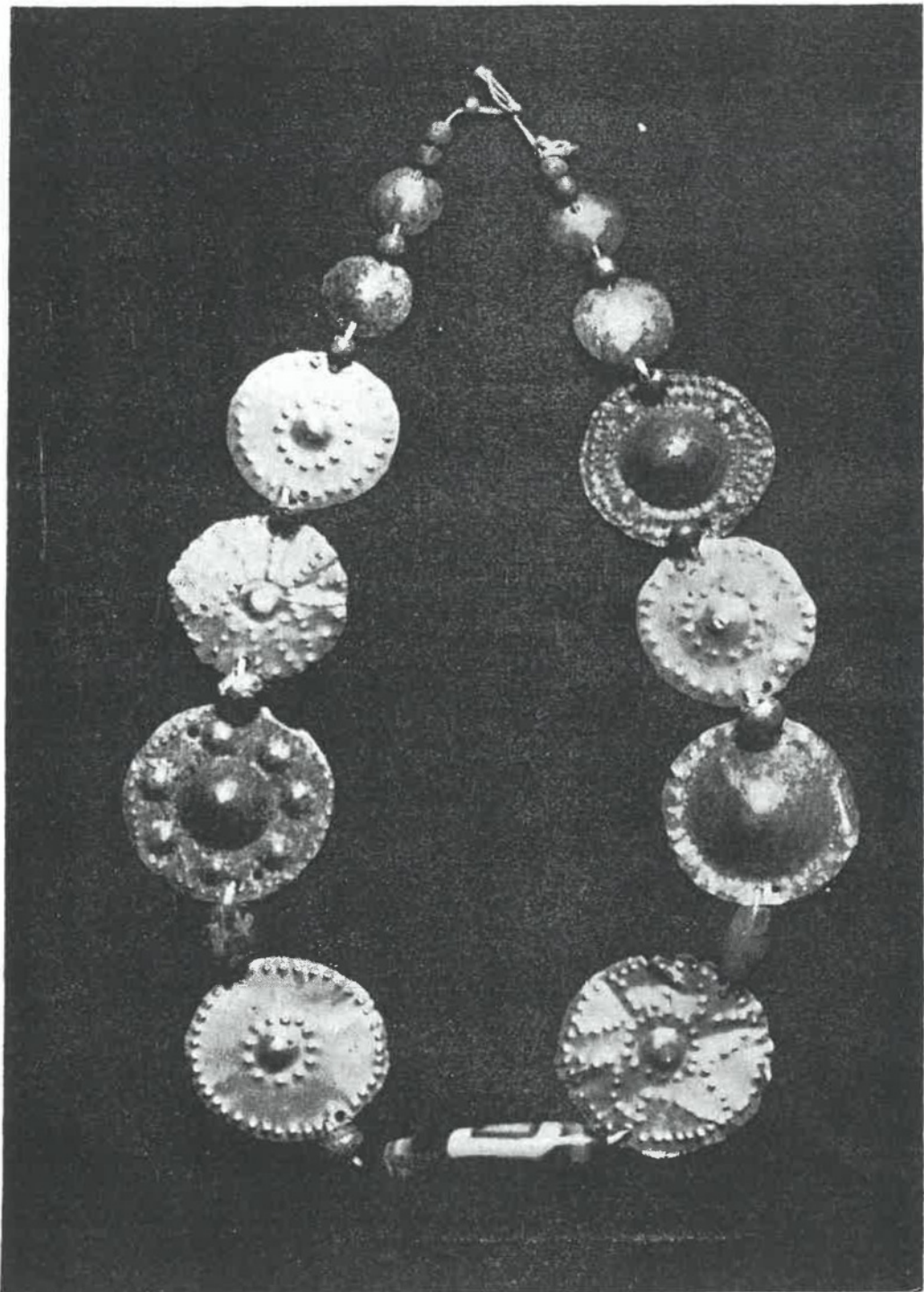
(شکل ۷۵) گردن بند طلای مکشوفه گیلان (مارلیک) . منتسب بهزارة اول . پیش از میلاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران . با چهار آویز کوچکتر در میان مهره ها .



(شکل ۷۶) گردن بند طلای مکشوفه گیلان (مارلیک) . منتسب بهزارة اول پیش از میلاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران . با آویز و شش آویز کوچکتر در میان مهره ها .



(شکل ۷۷) گردن بند طلای دیگری از گیلان (مارلیک) با مهره های دو مخروطه . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .



«شکل ۷۸» گردن بند طلای مکشوفه گیلان (مارلیک) با آویزهای نقطه چین . منتسب بهزاره اول پیش از میلاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .



شکل ۷۰

(شکل ۷۹) گردن آویز طلای مکشوفه از گیلان . برداشته از گزارش مقدماتی مارلیک .

آویز دیگری از طلا (که بشکل قفس ساخته شده) هست که مرکب از گردیهای کوچک طلا و نوارهای زنجیری شکلی است که بهم جوش داده شده‌اند .

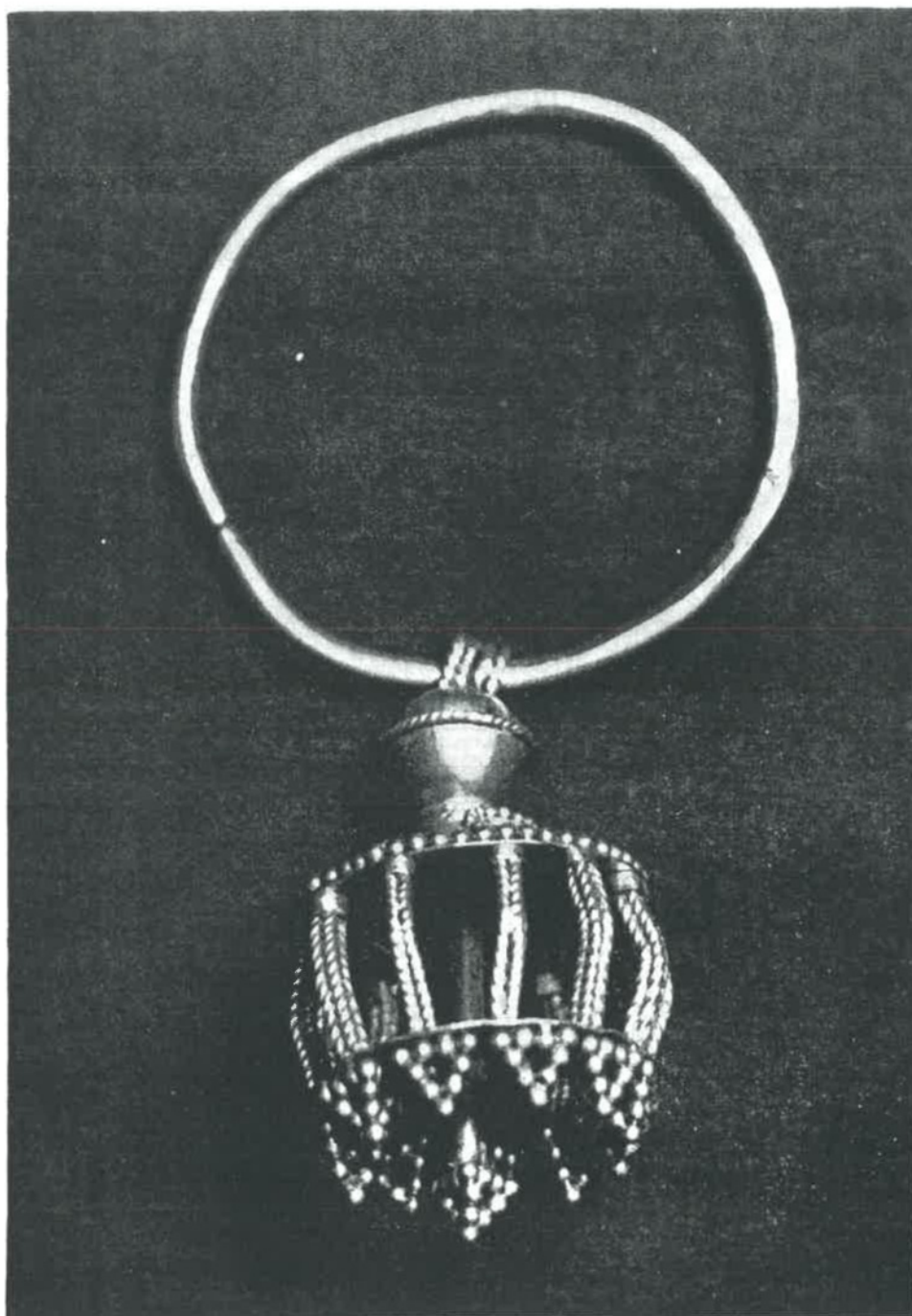
محل اتصال گردیها و نوارها در آزمایش میکروسکوپی نمایان است . در بالای گردن آویز محفظه‌ای قرار دارد که حلقه‌ای از طلا برای آویختن از وسط آن میگذرد . (شکل ۸۰) .

زیور دیگری از طلا (که باز ، گردن آویز معرفی شده ، ولی بیشتر مانند آن یکی هیئت گوشواره دارد ، و در کاتالوگ هنر هفت هزار ساله ایران ، چاپ واشنگتن نیز گوشواره معرفی شده است) شکل انار است که با گردیهای ریز طلا (بصورت سه گوشه‌ها در دو نیمگردی انار ، قرینه سازی کرده‌اند ، و حلقه‌ای برای آویختن به بن انار وصل نموده‌اند (شکل ۸۱) .

درباره گوشواره‌های مکشوفه از گیلان ، در گزارش مقدماتی مارلیک آمده است که عموماً از نوع مفرغ و طلا میباشند ، و گوشواره‌های مفرغی اکثراً بسیار ساده و از مفتولهای نازک میباشند .

گوشواره‌های طلای مفتولی نیز بدست آمده است . گاهی حلقه‌های این قبیل گوشواره‌ها چهار پهلوی تاب داده میباشند ، و نیز دو سر اینگونه حلقه‌ها را با کره طلایی ریز جوش داده‌اند .

از نوع گوشواره‌های حلقه‌ای طلا ، در گوش مجسمه نیم تنه



(شکل ۸۰) گردن‌آویز طلای قفسی شکل مکشوفه از گیلان . منتسب به‌زارهٔ اول پیش از میلاد .
از عکسهای اختصاصی موزهٔ ایران باستان تهران .



(شکل ۸۱) آویز طلای اناری شکل مکشوفه از گیلان . منتسب به هزاره اول پیش از میلاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران .

طلائی (که از مارلیک بدست آمده) موجود است (شکل ۸۲) .
 و در شرح آن نوشته شده : که سلطانی در لباس تشریفاتی نمایش
 داده شده است . دستهای او بطرز رسمی بر روی سینه قرار دارد و بر سرش
 تاجی حلقه‌ایست . در یکی از گوشهای او گوشواره حلقه‌ای ساده‌ای
 مشاهده میشود . لباس یا زره شاه با خطوط موجدار نمایش داده شده ،
 و بر روی سینه او دگمه‌های زینتی برجسته ساخته‌اند .
 بلندی این مجسمه (۱۱۷) سانتیمتر و وزن آن (۴۳۵)
 گرم است .

بمنظور آشنائی با دگمه‌های زینتی (که از آن در مجسمه
 سلطان نام برده شد) یکی از انواع دگمه‌های مکشوفه از گیلان (مارلیک)
 با شماره (۸۳) ارائه میشود . این دگمه از طلاست و قطر آن (۱۶۵)
 سانتیمتر داده شده است .

در شرح گوشواره‌ای دیگر (که بشکل لوزی ساخته شده)
 در گزارش مارلیک آمده است که آویز آن از دانه‌های کوچک طلا
 (که بیکدیگر جوش داده شده‌اند) تشکیل گردیده است . دانه‌های
 طلا در نوک پائین آویز ، ریزتر است ، و هرچه بالاتر میرود متناسب
 بزرگتر میشود .

این آویز را بیک حلقه طلا برای آویختن از گوش جوش
 داده‌اند . طول آن (۴) سانتیمتر و وزن یکجفت آن (۸۵) گرم
 نوشته شده است (شکل ۸۴) . این گوشواره ، یادآور آویزی است که



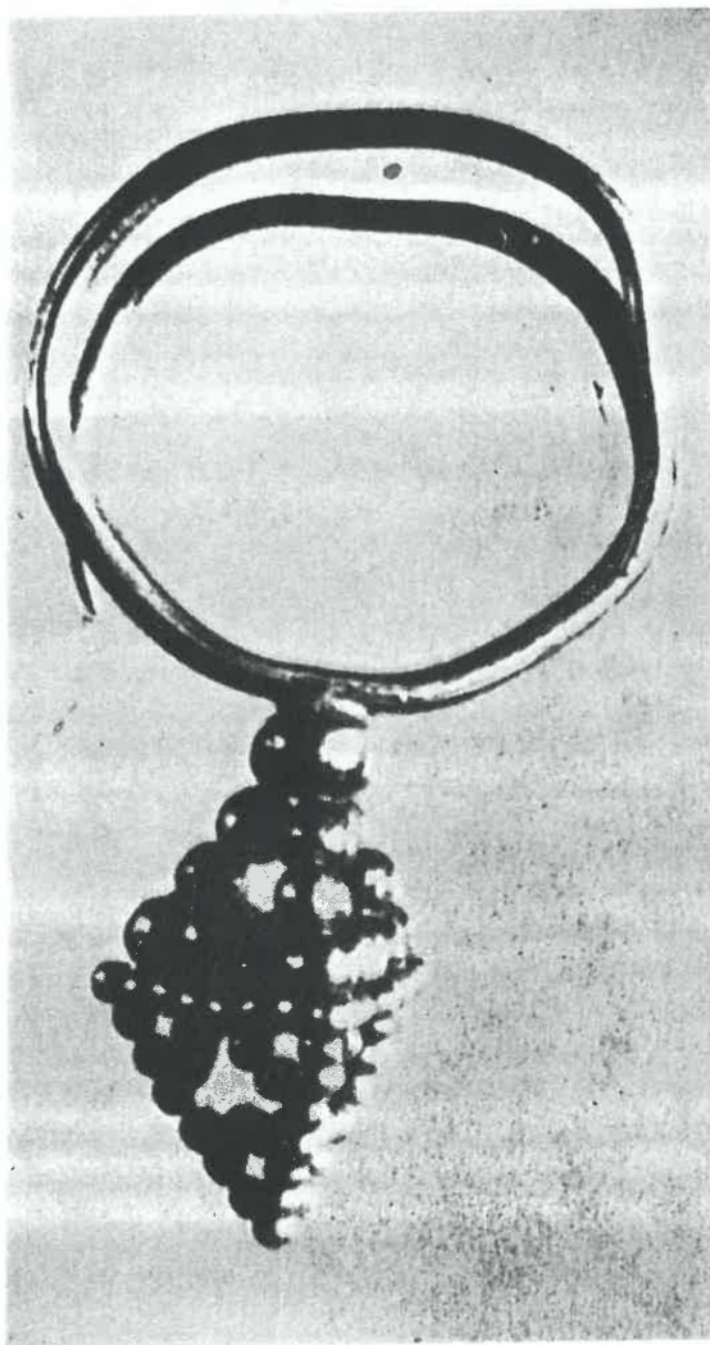
(شکل ۸۳) مجسمه نیم تنه طلائی سلطان . مکشوفه از گیلان . برداشته از گزارش مقدماتی مارلیک .



(شکل ۸۳) دگمه طلایی زینتی مکشوفه از گیلان .

دارای زنجیری ساده میباشد ، و آویزش (بحلقه‌ای نسبتاً بزرگ پیوسته است) ساختمان نظیر گوشواره شماره (۸۴) دارد (شکل ۸۵) .

گوشواره دیگری از طلا با آویز خوشه‌ای بشکل انار در دست است که در گزارش مقدماتی مارلیک شرح آن چنین آمده است : در محل اتصال گردن هر انار به بدنه آن ، یک نوار زنجیری شکل برجسته مشاهده میشود .



(شکل ۸۴) گوشواره طلای با آویز لوزی . مکشوفه از گیلان . برداشته از گزارش مقدماتی مارلیک .



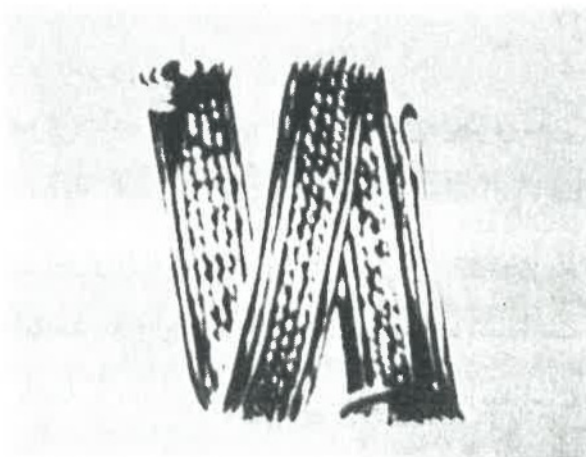
(شکل ۸۵) گردن بند طلای با آویز لوزی و زنجیر ساده . مکشوفه از گیلان . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان . منتسب به زاره اول پیش از میلاد .

این انارها بیکدیگر جوش داده شده‌اند، و در آزمایش میکروسکپی، محل جوش خوردگی بخوبی نمایان است. آویز گوشواره بحلقه‌ای وصل است که از وسط آن حلقه بزرگتری رد شده است.

طول آویز (۵ر۲) سانتیمتر و وزن آن (۶ر۸) گرم داده شده است. این گوشواره، قبلاً با شماره «۶۴» در این کتاب ارائه گردیده است.

درباره انگشتریهای مکشوفه از مارلیک، ذکر شده است که عموماً بصورت نوار پهن ساخته شده‌اند. بعضی از آنها کاملاً ساده، و برخی دیگر از طرف بیرونی انگشتری، پهن‌تر و قسمت داخلی نازک‌تر است. انگشتری‌های پهن، گاهی با نقطه‌های برجسته زینت یافته است. یکی از انگشتریها که از نظر ظرافت شایسته توجه است انگشتری‌ایست که از نوار مفتولهای ریز ساده و مارییج ساخته شده، و این نوارها، پهلوی همدیگر جوش داده شده‌اند. محل اتصال این مفتولها بقدری ظریف است که با چشم دیده نمیشود، ولی در آزمایش میکروسکپی بخوبی نمایان است. قطر این انگشتری را (۲ر۳) سانتیمتر داده‌اند (شکل ۸۶).

یک انگشتری دیگر از مارلیک، گزارش شده است که از حلقه ضخیم ساخته شده، و رویه آن، چنان پهن است که نقش حیوانات و پرندگان را بر روی آن (باید گفت) کوبیده کاری کرده‌اند. قسمت زیر این انگشتری نازک است. قطر آن (۲ر۸) سانتیمتر و وزن آنرا (۲۳ر۴) گرم داده‌اند. شکل بزرگشده این انگشتری با شماره (۸۷) ارائه میشود.



(شکلهای ۸۶ و ۸۷) انگشتریهای مکشوفه از گیلان . برداشته از گزارش مقدماتی مارلیک .

در گزارش مقدماتی مارلیک ، از دستبندهای مفرغی ، نقره‌ای و طلا ، شرحی دارد و نوشته شده است : که دستبندهای مفرغی عموماً ساده ساخته شده و بشکل حلقه‌ باز میباشند . نمونه این قبیل دستبندها (که در گزارش مزبور با شماره (۷۲) عرضه شده است ، در اینجا با شماره (۸۸) ارائه میشود .

نوعی دیگر از دستبندهای مفرغی کشف شده است که برحسب گزارش ، دو سر آن که بصورت شیر ساخته شده ، با ورقه طلا پوشانده شده است . این دستبند که در گزارش مارلیک با شماره (۷۳) عرضه شده ، در اینجا با شماره (۸۹) ارائه میشود .

درباره انواع دستبندهای نقره ، در گزارش مزبور آمده است که بعلت عدم مقاومت این جنس در مجاورت خاک (که بصورت خاکستر در می آید) معمولاً کمتر بدست می آید . با این وصف چند دستبند نقره در حفاری مارلیک کشف شده که لوله‌ای شکل و توخالی میباشند . این دستبندها را عموماً دو تکه ساخته و سپس بهم وصل کرده‌اند .

نمونه‌ای از دستبند نقره (که در گزارش مارلیک با شماره (۷۴) ارائه شده ، در اینجا با شماره (۹۰) معرفی میشود . قطر این دستبند (۸) سانتیمتر است .

از انواع دستبندهای طلا که بشکل و اندازه‌های مختلف بدست آمده ، و در گزارش مارلیک شرح آنها آمده است نوشته شده : که از



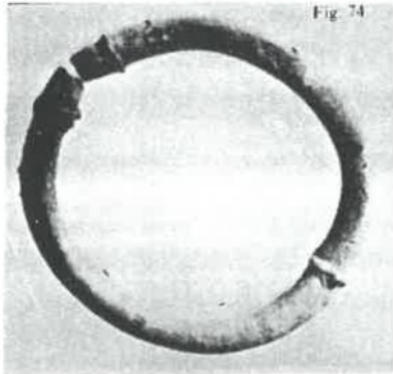
شکل ۷۲

(شکل ۸۸) دستبند مفرغی گیلان . (شکل ۸۹) دستبند مفرغی با سر دو شیر مطلا . مکشوفه از گیلان .

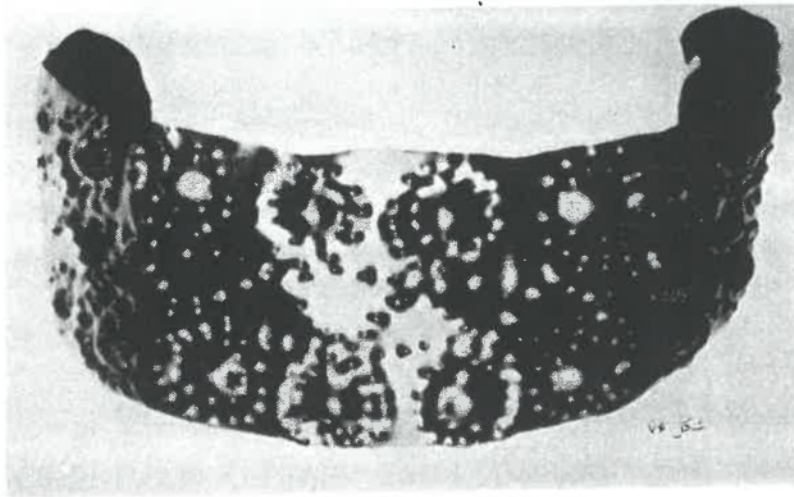
آرامگاه سلاطین کشف شده است . نوع ساده این دستبندها از مفتولهای ساده طلاست که بصورت حلقه در آورده اند . این مفتولها گاهی چهار پهلو و تاییده ساخته شده اند . نمونه دیگری از اینگونه دستبندها (چنانکه در گزارش مربوطه آمده است) مانند نوار پهنی است که سطح آنرا با ردیف دایره‌های نقطه چین ، برجسته سازی کرده اند . درازای این دستبند (۱۳) سانتیمتر و وزن آن (۹۳) گرم داده شده است . این دستبند (که در گزارش مقدماتی مارلیک با شماره (۷۶) عرضه شده ، در اینجا با شماره « ۹۱ » معرفی میشود .

.....

زیباترین دستبند طلای مکشوفه از مارلیک (که در گزارش مربوطه معرفی شده) دستبندی است که از یک لوله توخالی طلا ساخته

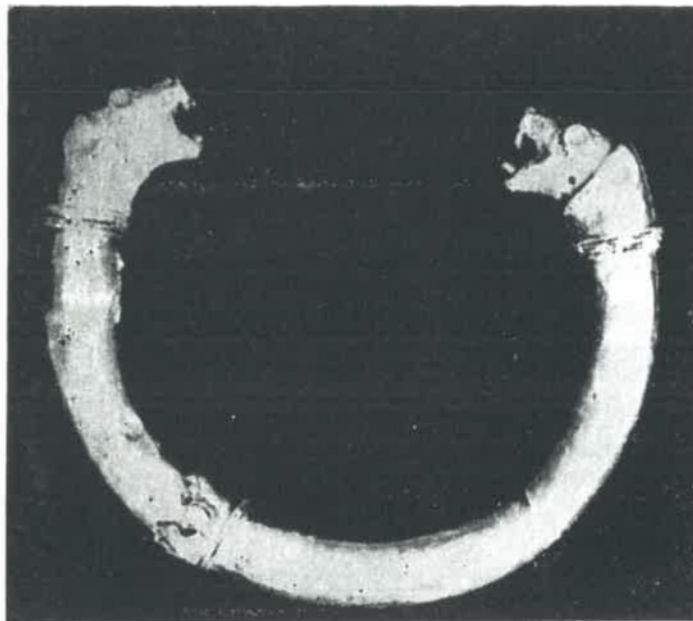


(شکل ۹۰) دستبند نقره . مکشوفه از مارلیک گیلان .



(شکل ۹۱) دستبند طلای مکشوفه از مارلیک گیلان .

شده و دو سر آن با دو سر شیر زینت شده است . در این سرها بسیار ریزکاری کرده و حالت حیوان را خوب نمایش داده‌اند . این دستبند از دو قطعه متصل بهم (که یکی داخل دیگری شده) تشکیل شده است ، و در محل اتصال سر شیر به لوله دستبند دو نوار زنجیری شکل ساخته‌اند (شکل ۹۲) .



(شکل ۹۴) النگوی طلای با سر شیر . مکشوفه از گیلان . برداشته از گزارش مقدماتی مارلیک .

.....

النگوی طلای دیگری از مارلیک بدست آمده است که متناسب
بهزاره اول پیش از میلاد است ، و عکس آن که از عکسهای اختصاصی موزه
ایران باستان است با شماره (۹۳) ارائه میشود .

.....

درباره دگمه‌های زینتی در گزارش مقدماتی مارلیک نوشته شده
است که این دگمه‌های زینتی طلای مکشوفه ، بنظر میرسد روی لباسهای
تشریفاتی دوخته میشده است . کلیه این دگمه‌ها دو سوراخ در بالا
و دو سوراخ در پایین دارند . این دگمه‌ها با اندازه‌های مختلف (از

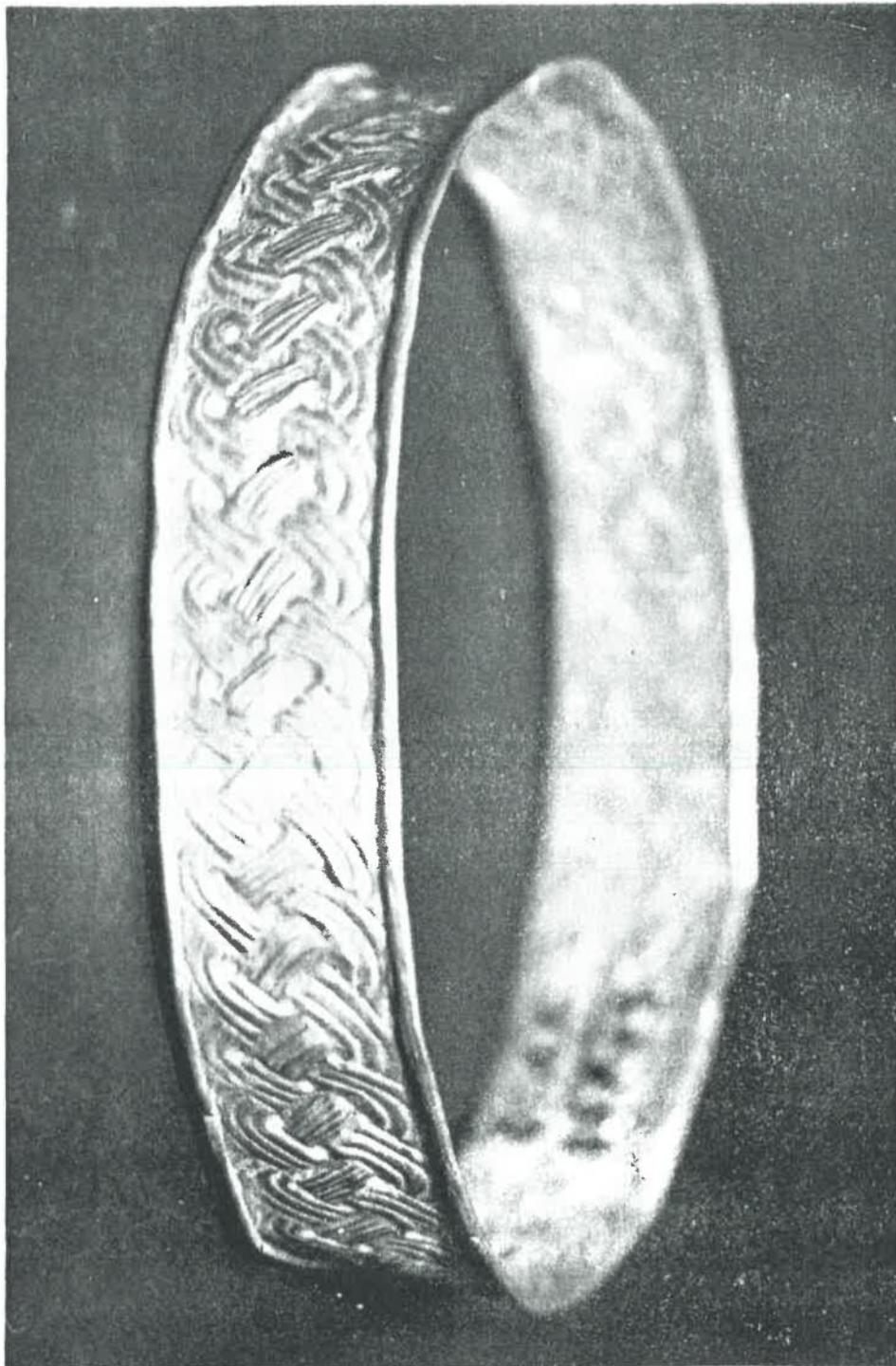
قطر ۲ سانتیمتر تا ۱۵ سانتیمتر) دیده شده است. سطح آنها عموماً از دایره‌ها و نقطه چین‌های برجسته زینت یافته، و قسمت وسط آنها بشکل مخروطی بالا آمده است. نمونه‌ی یکی از این دگمه‌های زینتی و جای استعمال آنها را در شکل‌های ارائه شده (۸۲ - ۸۳) میتوان دید.

در همین گزارش آمده است که سنجاق‌های زینتی طلا و مفرغی با شکل‌های مختلف در حفاری مارلیک بدست آمده، که بعضی از آنها بسیار ساده و بعضی دیگر کاملاً مجلل و زینتی هستند. مقداری از آنها با سر حیوانات و مقداری دیگر پهن ساخته شده‌اند.

از سنجاق‌های زینتی با سر حیوان نمونه‌ای با شماره (۹۴) معرفی میشود.

علاوه بر آثار فراوان معرفی شده از مارلیک گیلان، مقداری وسائل دیگر مانند دستبند چهار زنجیره نقره، زنگوله‌هایی با شکل‌های مختلف از مفرغ. موبند طلا بشکل فنر، برگ زینتی طلا و پیشانی‌بند طلا بصورت (نوار با نقش دواپیر برجسته و نقطه‌چین) در گزارش مقدماتی مارلیک از گیلان معرفی شده است که آنها را با شماره‌های (۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰) ارائه میدهم.

با توجه بمدارك متنوع و فراوان مكشوفه از مارلیك گیلان (که



(شکل ۹۳) انگوی طلای مکتوفه از مارلیک گیلان . منتسب بهزارهٔ اول پیش از میلاد . از عکسهای اختصاصی موزهٔ ایران باستان تهران .



(شکل ۹۴) نمونه‌ای از سنجاقهای زینتی طلای مکشوفه از مارلیک . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران .

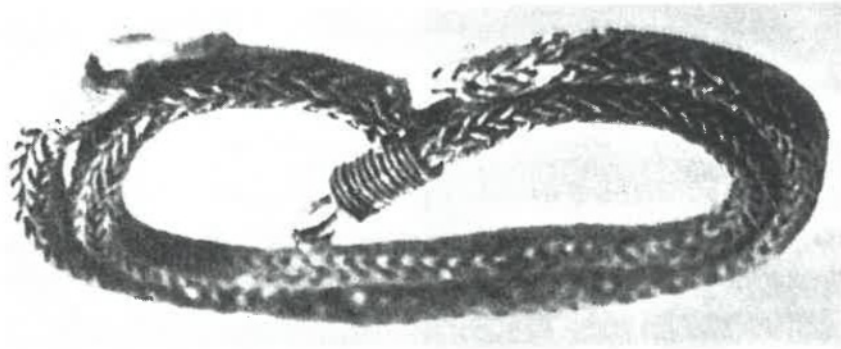
تمدن قدیمی قوم گیل را از میان تاریکی بیرون کشیده است (حفاری مارلیک را در عداد رویدادهای مهم باستانشناسی باید شمرد . زیرا با بدست آمدن این آثار ، تمدن قدیمی این قوم لااقل تا اواخر هزارهٔ دوم روشن گردیده است .

در گزارش مقدماتی حفاریات مارلیک مقایسه‌ای نیز پیش کشیده شده که سطح سلیقه و یا همسلیقگی قوم گیل را با دیگر اقوام این فلات معلوم میدارد . ازینرو برای مزید آگاهی و آشنائی ، مقایسهٔ مزبور را از گزارش مذکور (که مناسب و مفید بنظر میرسد) شمه‌ای در این کتاب می‌آوریم :

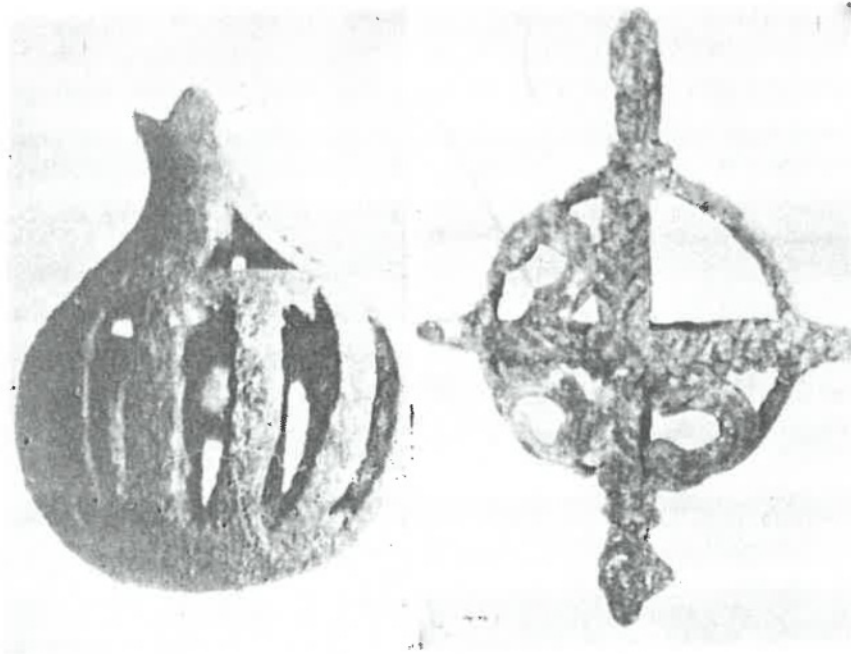
در میان آثار زینتی (که از آرامگاههای مختلف بدست آمده است) اشیائی وجود دارد که میتوان آنها را با آثار مکشوفه در تپه‌های دیگر باستانی مقایسه نمود . از آنجمله است آئینه‌های مفرغی (که با آئینه‌های مفرغی مکشوفه از قبرستان ب سی‌پلک کاشان ، و همچنین آئینه‌های بدست آمده از خورویین ، قابل قیاس میباشند) .

انواع زنجیرها با بافتهای مختلف از قبور این سلاطین بدست آمده که بعضی از آنها مانند زنجیرهائی که چهار لا بافته شده‌اند با زنجیره‌های مکشوفه از قبرستان ب تپهٔ سی‌پلک شباهت دارند .

سنجاقهای بلند زینتی‌ای که با سر حیوانات تعبیه شده‌اند



(شکل ۹۵) دستبند نقره چهار زنجیره .



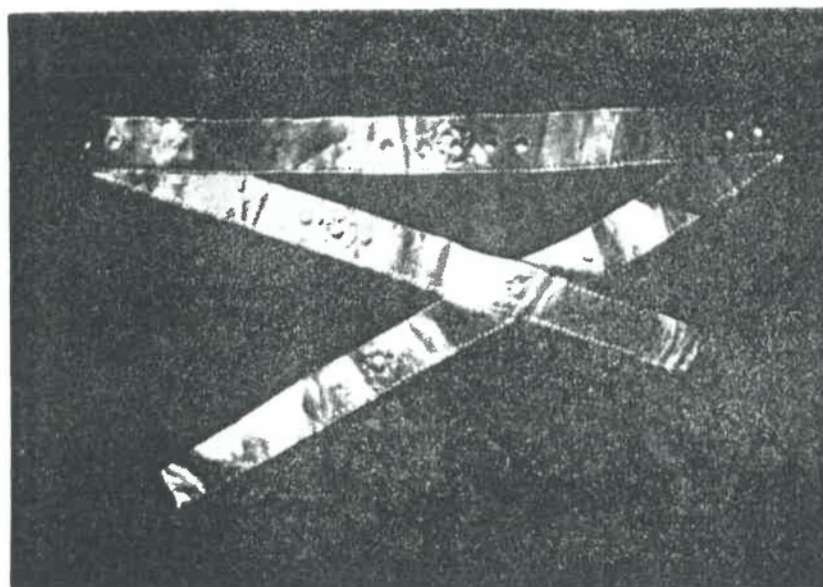
(شکلهای ۹۶ و ۹۷) زنگوله های مفرغی . مکشوفه از گیلان .
برداشته از گزارش مقدماتی مارلیک .



(شکل ۹۹) موی بند طلا .



(شکل ۹۸) برگ زینتی طلا .



(شکل ۱۰۰) پیشانی بند طلا . از مکشوفه‌های مارلیک گیلان . برداشته از گزارش مقدماتی مارلیک .

بسنجاقهای بلند بدست آمده از قبرستان ب تپه سی یلک شبیه میباشند .

.....
 نظیر مهره‌های بشکهای شکل طلا (که با خطوط نقطه چین موازی زینت شده‌اند ، در قبرستان ب تپه سی یلک و تپه حصار دامغان نیز مشاهده شده است (شکل‌های ۱۰۱ و ۱۰۲) .

.....
 برگهای زینتی که از ورق طلا ساخته شده ، و برای زینت روی لباس بکار میرفته ، با برگهای طلای مکشوفه از تپه حصار دامغان قابل مقایسه است .

.....
 از جمله دستبندهائی که قابل مقایسه با آثار مکشوفه نواحی دیگر است ، دستبندهائی است که دو طرف آن عموماً با دو سر حیوان تعبیه شده ، و نظیر آنها در شوش و قبرس دیده شده است .

.....
 زنگوله‌های مفرغی که عموماً بشکل انار ساخته شده ، و در بیشتر آرامگاهها کشف شده‌اند ، نظیر آنها در قبرستان ب تپه سی یلک کاشان نیز بدست آمده است . همچنین شکل‌های دیگر این زنگوله‌ها (که ساده ساخته شده‌اند) با زنگوله‌های مکشوفه تپه گیان نهاوند قابل مقایسه میباشند .

.....
 زیورهای گردی که مانند چشم ساخته شده ، و در وسط ، قهوه‌ای تیره ، و در لبه ، با سنگ سفید محدود شده‌اند قابل قیاس با مشابهشان از

مکشوفه‌های تپه حصار دامغان میباشند .

دربارهٔ این گردیهای بشکل چشم (که ذکر آن در گزارش
مقدماتی حفاریات مارلیک برای مقایسه آمده است) نمونهٔ جالبی از آنها
بر گل کمر مرصع طلای بدست آمده از مارلیک ارائه میشود . (شکل ۱۰۳)

نمونهٔ کامل این گل کمر مرصع ، با شمارهٔ (۱۰۴) عرضه میشود .

بعلاوهٔ این آثار ، سه نمونه از انواع گردن بندهای بدست آمده
از مارلیک با شماره‌های (۱۰۵ - ۱۰۶ و ۱۰۷) ارائه میشود .
نمونهٔ اول - گردن بندی است با مهره‌های طلا و نیز بشکل انار
و آویز انار (شکل ۱۰۵) .

نمونهٔ دوم - گردن بندی است با مهره‌های طلا (که مانند
گردن بند قبلی بر روی مهره‌ها برجستگی‌هایی نقطه نشان دارد) و یک
در میان نیز قورباغه‌هایی از طلا کار گذارده شده است (شکل ۱۰۶) .

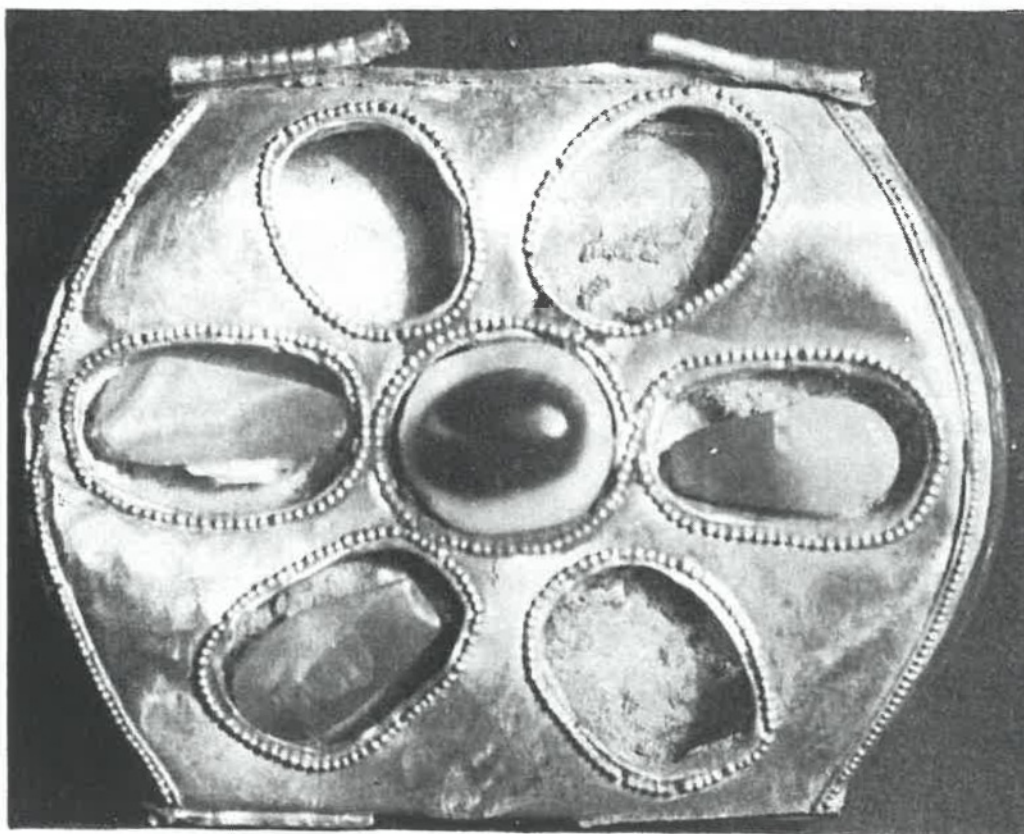
نمونهٔ سوم - گردن بندی است مرکب از مهره‌های شیار دار
و مهره‌ای درشت‌تر در پائین که بصورت آویز گردن بند بکار رفته است
(شکل ۱۰۷) .



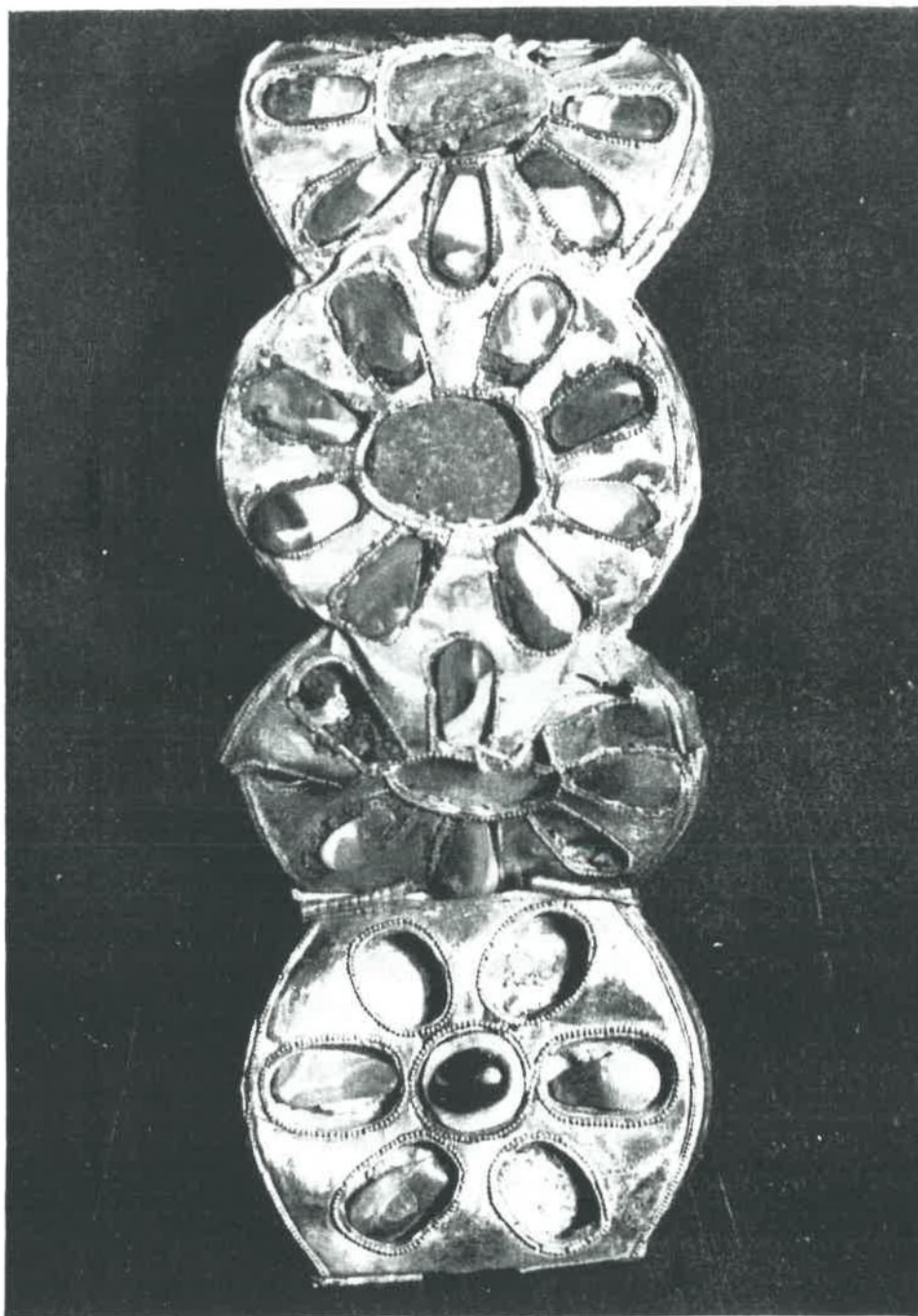
(شکل ۱۰۱) مهره بشکه‌ای شکل طلای مکشوفه از مارلیک گیلان .



(شکل ۱۰۲) مهره های بشکه‌ای شکل طلای مکشوفه از تپه سی‌یلك . برداشته از مجلد دوم کتاب « حفريات تپه سی‌یلك » گیرشمن .



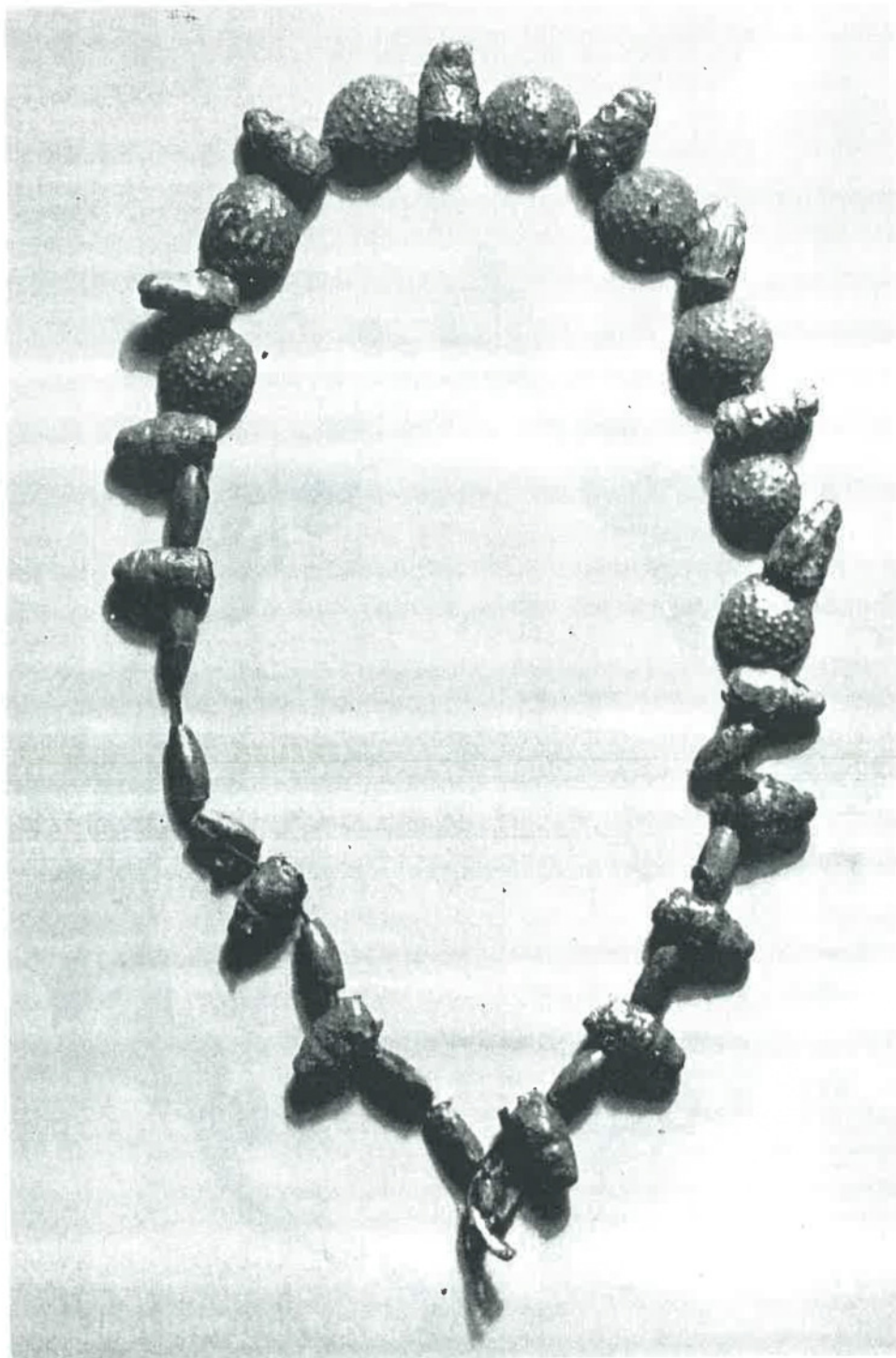
(شکل ۱۰۳) نمونه کمر بند طلای مرصع . مکشوفه از گیلان . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران .



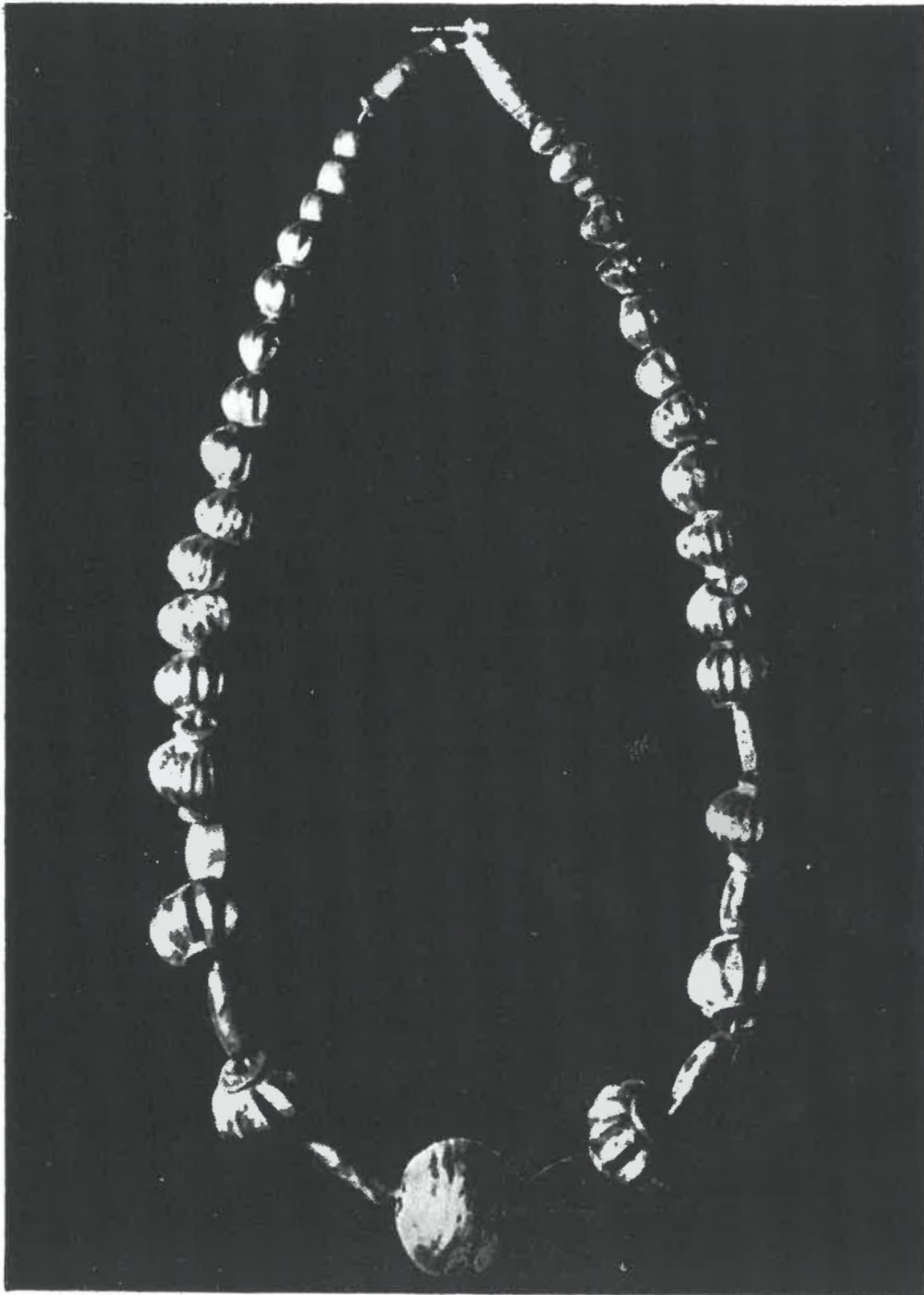
(شکل ۱۰۴) کمر بند طلای مرصع . مکشوفه از مارلیک گیلان . منتسب بهزاره اول پیش از میلاد .
از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۱۰۰) گردن بند طلا با مهره های طلا و آویز اناری شکل . مکشوفه از مارلیک گیلان . منتسب بهزارة اول پیش از میلاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .



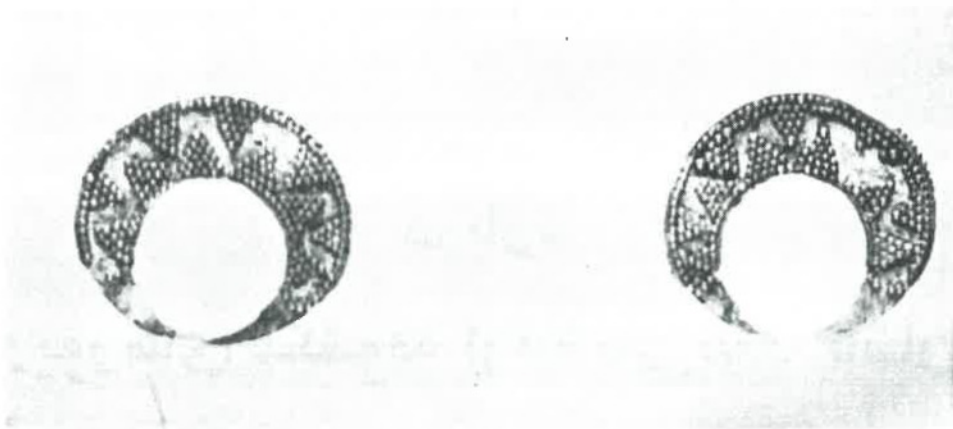
(شکل ۱۰۶) گردن بند با مهره‌های طلا و قورباغه . مکتشفه از مارلیک گیلان . منتسب بهزارة اول پیش از میلاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .



(شکل ۱۰۷) گردن بند طلا با مهره های گرد شیاردار . مکشوفه از گیلان . برداشته از کاتالوگ چاپ واشنگتن بنام « هفت هزار سال هنر ایران » .

درباره

زیورهای مکشوفه از تپه سیلک کاشان

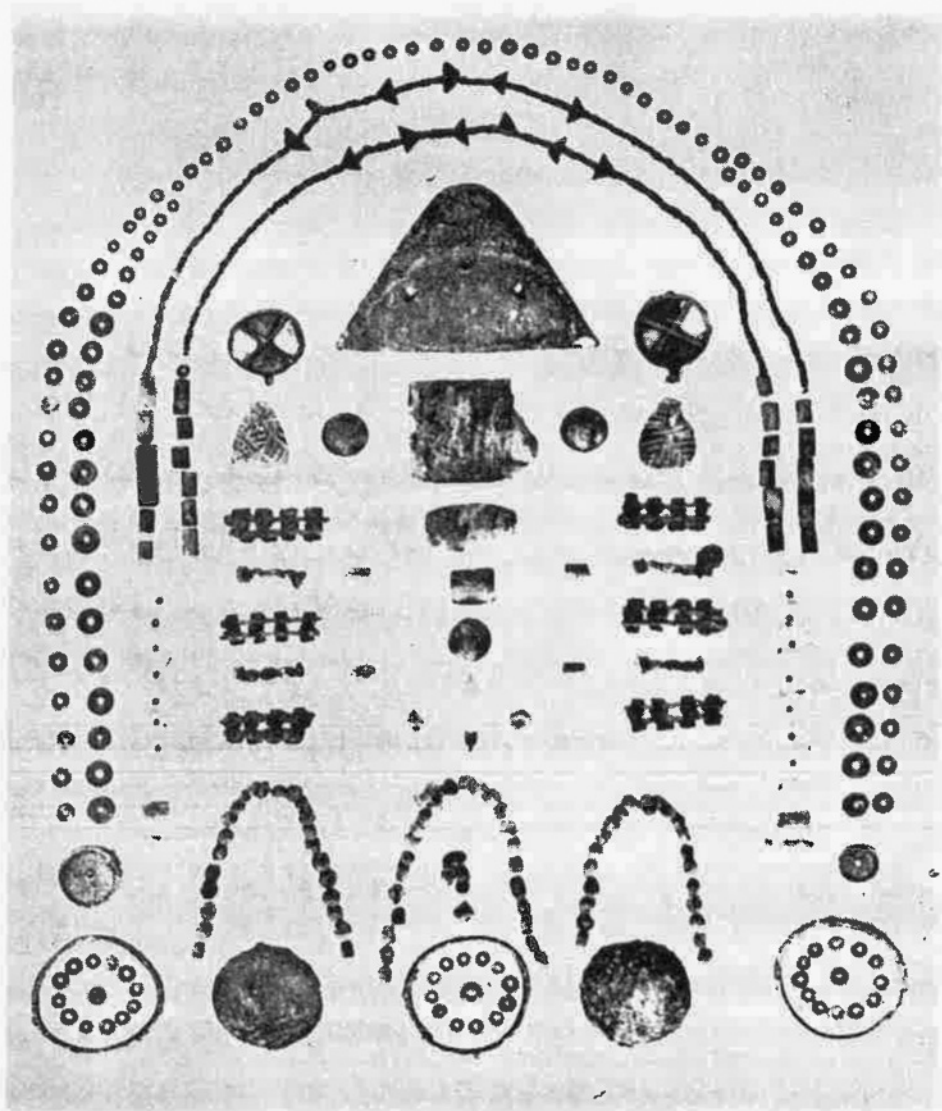


(شکل ۱۰۸) از زیورهای مکشوفه تپه سیلک کاشان . برداشته از مجلد دوم کتاب
« حفريات تپه سيلىك » گيرشمن .

درباره زیورآلات مکشوفه از سی یلک ، از نظریات گیرشمن در اوائل این کتاب آورده شد : که وی از روی دیده‌های خود در حفریات مقابر ساکنان این ناحیه ، شرح داده است که مردم قدیم این سامان مرده‌های خود را با جواهرات و زیورآلات بیشتری می‌آراستند ، و این زینت‌آلات که بوسیله قیر مرصع به لاجورد ساخته میشد ، صدف و طلا ، و زیورهای دیگر ، و گوشواره‌هایی که از طلا یا لاجورد تهیه میشد ، دستبندهای نقره و گردن بندهای طویل با مهره‌های طلا و لاجورد و عقیق و سنگ سفید ، همه اینها با تنوع موادی که بکار میرفت ، میرساند که این جواهرسازی که در شوش و شاید بین‌النهرین نیز معمول بوده است ، پیش‌آهنگ جواهرسازی‌ای بوده که در مقابر سلطنتی اور پیدا شده ، و آنهمه مورد اعجاب جهانیان قرار گرفته است .

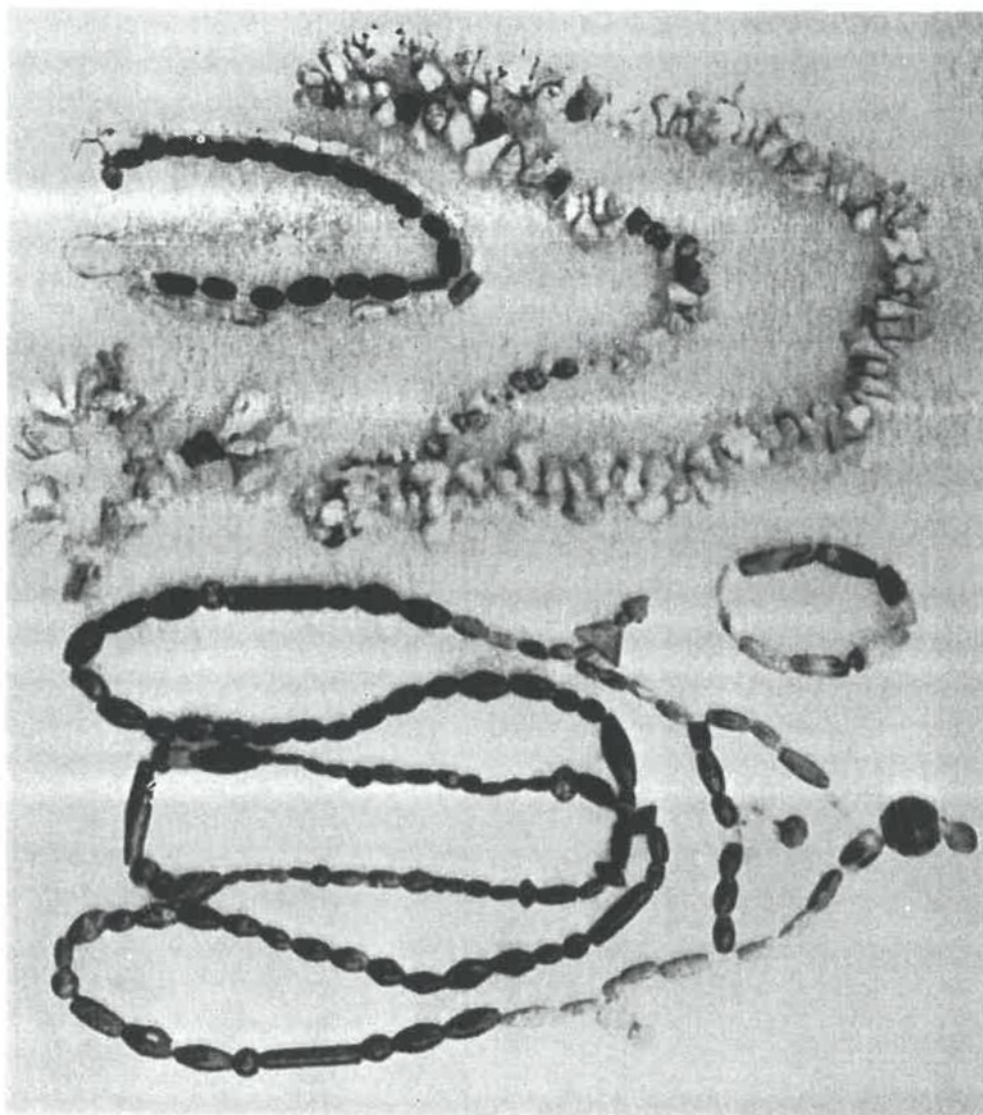
با این مقدمه ، از زیورهای مکشوفه سی یلک مقداری را از میان دو کتابی که گیرشمن بنام (حفریات تپه سی یلک) نوشته است برای مزید آگاهی و آشنائی در این کتاب می‌آوریم .

در مجلد اول کتاب (حفریات تپه سی یلک) مجموعه‌ای از مهره‌ها و حلقه‌ها و آویزها ، دگمه‌ها و زینتهای دیگر عرضه شده است که در اینجا آنها را با شماره (۱۰۹) ارائه می‌دهیم .



(شکل ۱۰۹) زیورهای متنوع ساکنان تپه سیلک کاشان . مربوط به دوره چهارم تپه جنوبی . برداشته از مجلد اول کتاب « حفريات تپه سیلک » گیرشمن .

چند رشته گردن بند مربوط به گورستان ب تپه سیلک با مهره‌ها و دانه‌های مختلف با شماره (۱۱۰) عرضه میشود .



(شکل ۱۱۰) گردن بندهای متنوع . منتسب به گورستان ب تپه سیلک . برداشته از مجلد دوم کتاب « حفريات تپه سیلک » گیرشمن .

چند مهره بشکه‌ای طلا (که مربوط به گردن بند میباشد و با شماره - ۱۰۲ عرضه گردید) و جفتی گوشواره مزین به دانه‌های ریز

طلا با نقوش سه‌گوشی (که با شماره ۱۰۸) ارائه شد، در مجلد دوم کتاب (حفریات تپه سی‌یلك) گیرشمن آورده شده است.

يك نشان گرد مسطح در مجلد دوم کتاب (حفریات تپه سی يك) معرفی شده است که پیرامون آن دارای دوایری متحدالمرکز است . در وسط این نشان دو نوار منقوش بشکل متقاطع ساخته‌اند . بر روی این نوارها گردیهائی توخالی نقش کرده‌اند که مرکز هر يك از گردیها مانند يك نقطه برجسته میباشد ، و گردی محل تقاطع دو نوار بزرگتر از سایر گردیها میباشد (شکل ۱۱۱) .

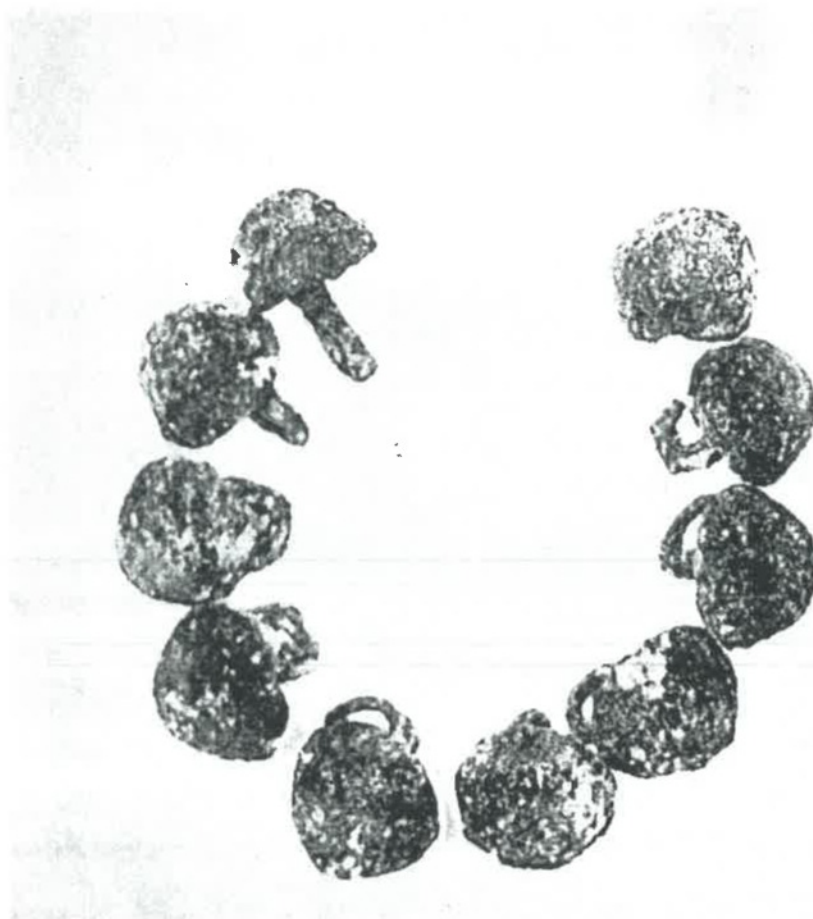
ده عدد دگمه محذب (که شباهت زیادی به دگمه‌های مفرغی یافته از رستم آباد گیلان دارد) نیز از گورستان ب سی يلك بدست آمده است .

در کف این دگمه‌ها ، حلقه‌ای برای دوخت و بست وجود دارد (شکل ۱۱۲) .

گیرشمن در مجلد اول کتاب (حفریات تپه سی يلك) خود ، مجموعه‌ای از الزنگوها و انگشتری‌ها را در یکجا درج کرده است که با شماره ۱۱۳) عرضه میگردد .



(شكل ۱۱۱) نشان منقوش با نوار متقاطع . . مكشوفه از گورستان ب تپه سي بلك . برداشته از مجلد دوم كتاب « حفريات تپه سي بلك » گيرشمن .



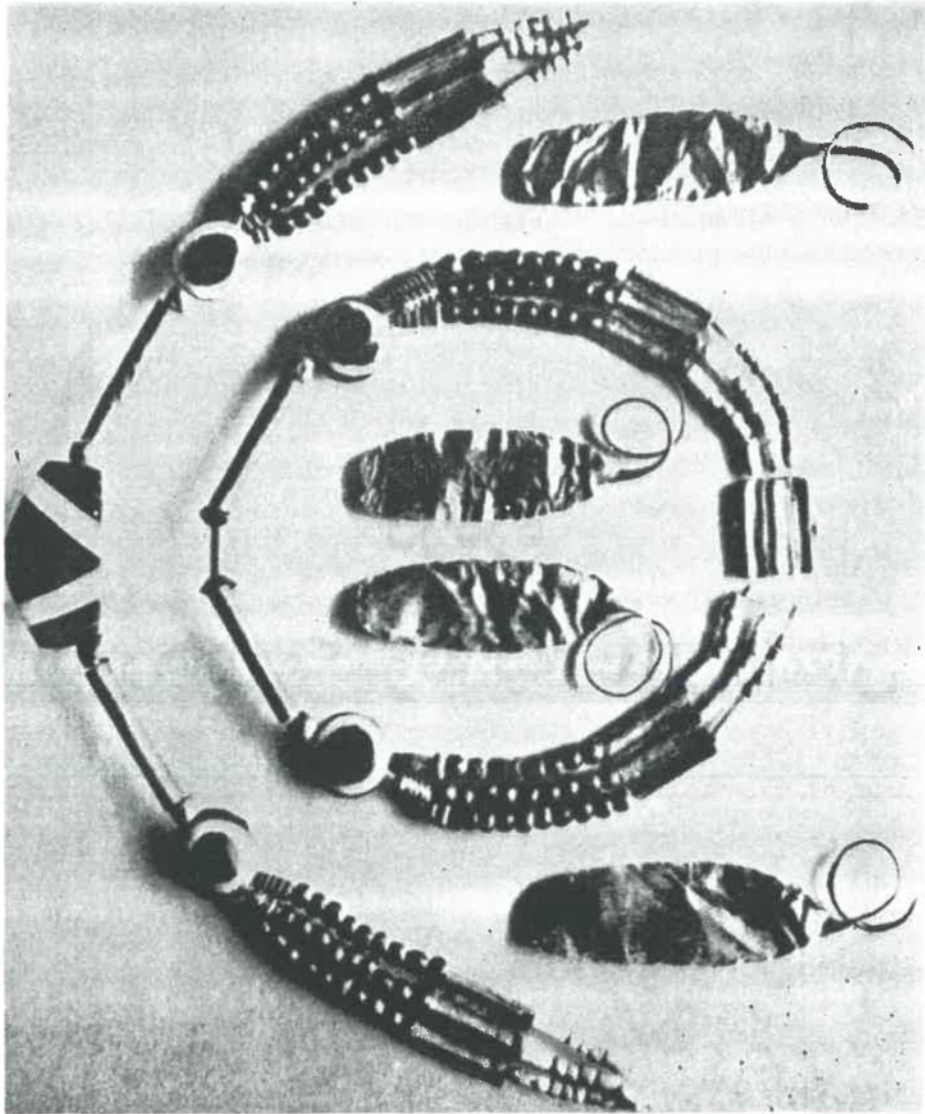
(شكل ۱۱۲) دگمه‌های محذب حلقه دار . مكشوفه از گورستان ب تپه سی‌يلك . برداشته از مجلد دوم كتاب « حفريات تپه سی‌يلك » گيرشمن .



(شکل ۱۱۳) مجموعه ای از زیورهای مکتوفه گورستان ب تپه سی‌بلك . برداشته از مجلد دوم کتاب « حفريات تپه سی‌بلك » گیرشمن .

درباره

زیورهای مکشوفه تپه حصار دامغان



(شکل ۱۱۴) گردن بندها و گوشواره های طلای مکشوفه از تپه حصار دامغان . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

در تپه حصار دامغان نیز آثار فراوانی از انواع زیورها به دست آورده‌اند. اشمیت Schmidt کتابی دربارهٔ حفريات تپه حصار نوشته و در آن زیورآلات مکشوفه را نیز عرضه کرده است، و بطوریکه شرح داده، این زیورها از طبقات مختلف بدست آمده، و از لحاظ شکل، شباهت نزدیک با آثار نقاط دیگر دارند.

کریستی ویلسن، تحت عنوان تپه حصار در صفحه ۳۱ کتاب (تاریخ صنایع ایران) نوشته است: که در تپه حصار I سنجاق مسی با سر گرد، خنجر و دستبند کشف شده و در حصار II ب بعلت زیاد شدن فلز، ادوات فلزی بتدریج زیاد شده است (ازخصایص این طبقه، سنجاقهائی است که سر آنها پیچ دارد).

در حصار طبقه III ب زینت‌آلات با طرحهای ساده ظاهر گردیده است (میل و سلیقه ساکنان این ناحیه از فلات بزیورآلات از روی این طبقه مشهود است). در این طبقه، هزاران شیء کوچک طلا، مهره، تسبیح عقیق (که برای زینت بکار میرفته) پیدا شده است.

کریستی ویلسن، سپس نوشته است: یکی از نکاتی که در حفريات تمام طبقات مختلف شایان توجه است، مجسمه‌های کوچکی است که از گل و استخوان، قیر و سنگ و مس (تا طلا و نقره) ساخته شده است، و بسیاری از این مجسمه‌ها، هیكل زنی را نشان میدهند که هم برهنه، و هم با لباس و جواهرات ساخته شده‌اند.

با این مقدمات ، مقداری از زیورهای مختلف تپه حصار را برای آگاهی و آشنائی با چگونگی شکل آنها ، در اینجا می آوریم .

در مجلد هفتم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ ، گردنبندها و گوشوارهائی از طلا عرضه شده است که در موزه ایران باستان تهران آنرا میتوان دید و عبارتند از دو گردن بند ، که هر یک آویزی دارند ، و دو زیور گرد بشکل چشم در هر یک موجود است (که قبلاً اینگونه زیورها را در زمره معرفی زیورهای مکشوفه مارلیک با شماره های (۱۰۳ و ۱۰۴) معرفی نموده و قیاس نیز شده بودند .

گوشواره ها ، از صفحات طلا و بشکل برگ ساخته شده است . جفتی از آن (۶) ساتیمتر و جفت دیگر (۸) ساتیمتر است . این زیورها با شماره (۱۱۴) معرفی شده است .

اشمیت در کتاب خود (حفریات تپه حصار) مقداری گردن بند عرضه کرده است که در این کتاب تحت شماره های (۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ و ۱۲۰) عرضه میشود .

در (شکل ۱۱۵) دو رشته گردن بند طلاست که از سنگهای استوانه ای نیز در آن استفاده شده است . این گردن بند از طبقه III تپه حصار بدست آمده است .

در (شکل ۱۱۶) گردن بندی است از سنگهای مختلف ، که



(شکل ۱۱۵) گردن بندهای طلا و يك صفحه زینتی طلا . مكشوفه از تپه حصار دامغان . برداشته از كتاب « حفريات تپه حصار » اشمیت .

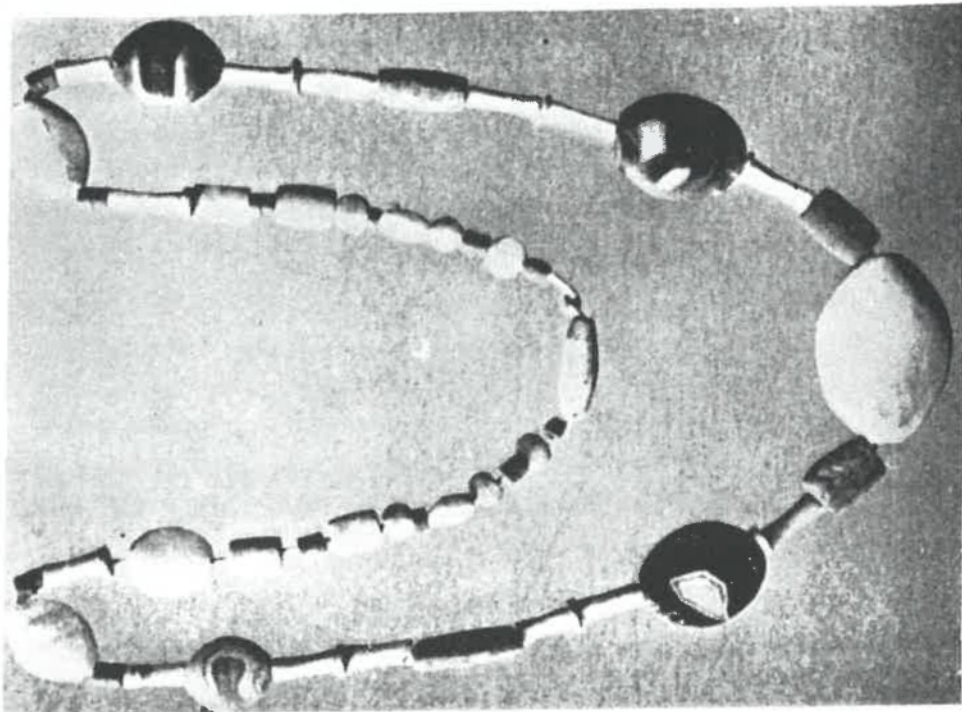
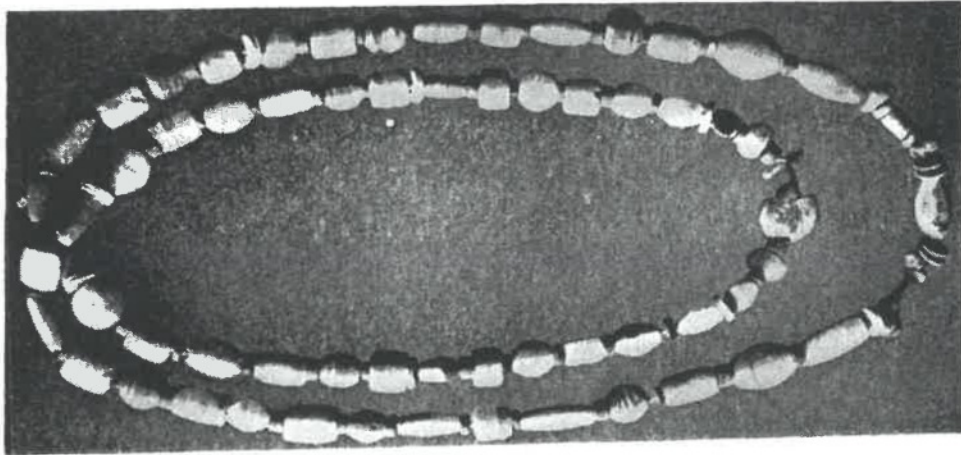
از يك سنگ درشت‌تر بمنزله آویز در آن ، استفاده شده است و شش مهره گرد و سیزده مهره استوانه‌ای دارد . این گردن‌بند از طبقه III تپه حصار ث بدست آمده است .

در (شکل ۱۱۷) گردن‌بند ، مرکب از دانه‌های بشکله‌ای شکل است . این گردن‌بند نیز از طبقه III تپه حصار ث کشف شده است .

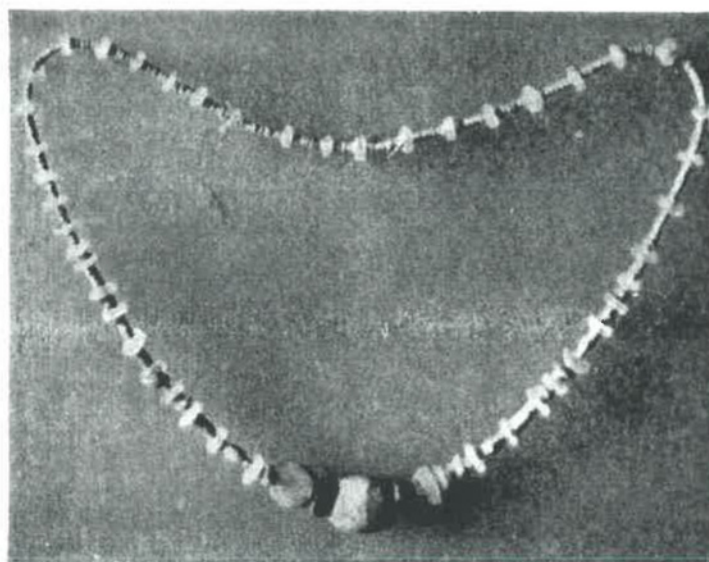
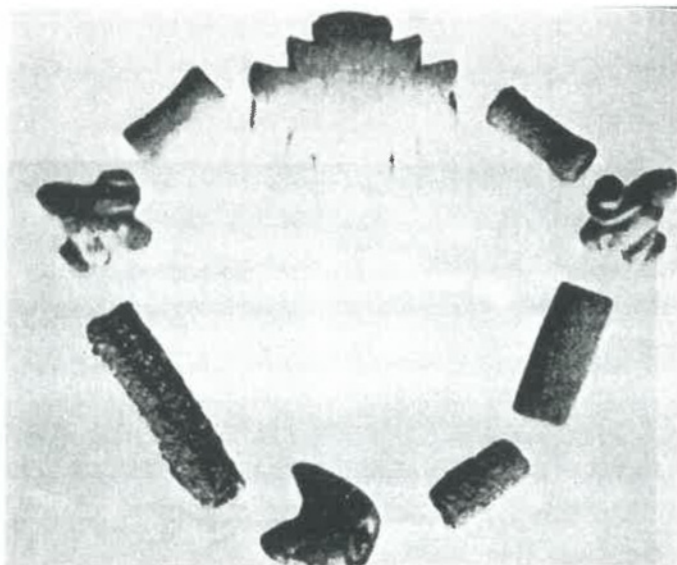
در (شکل ۱۱۸) گردن‌بند (که از دانه‌های ریز استوانه‌ای و حلقه‌ای ترکیب یافته) آویزی درشت از جنس بدل چینی در وسط دارد . این گردن‌بند را اشمیت از طبقه III تپه حصار (آ) با وضع مشکوک (?) معرفی کرده است .

در (شکل ۱۱۹) اشمیت مهره‌هایی مختلف را که (۹) قطعه میباشند بصورت (گردن‌بند ؟) یا دستبند مرتب کرده و ارائه داده است . سنگ وسط که بصورت آویز انتخاب شده دارای کنگره میباشد . (شاید مهره‌های زیادتر این گردن‌بند بدست نیامده باشد) . بهرجهت این‌ها را ، اشمیت از طبقه III تپه حصار ب معرفی کرده است .

در (شکل ۱۲۰) گردن‌بندی نشان داده شده است که مرکب از دو نوع مهره استوانه‌ای و بشکله‌ای بوده ، و اشمیت بطور مشکوک آنرا از طبقه III حصار (آ) معرفی کرده است .



(شکلهای ۱۱۶ و ۱۱۷) گردن بندهایی از مهره های گرد و استوانه ای . مکشوفه از تپه حصار دامغان .
برداشته از کتاب « حفريات تپه حصار » اشمیت .



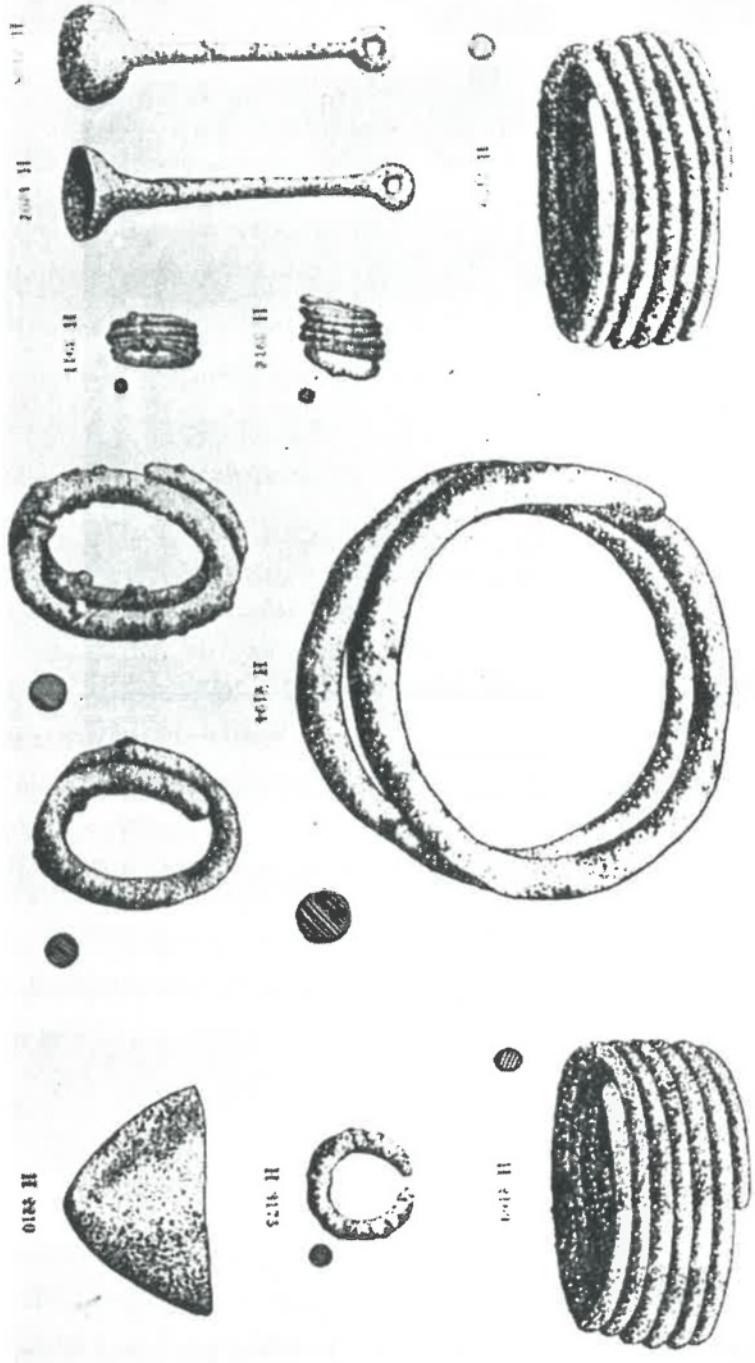
(شکل‌های ۱۱۸ و ۱۱۹) گردن‌بندهای مهره‌دار . مکتوفه از تپه حصار دامغان . برداشته از کتاب « حفريات تپه حصار » اشمیت .

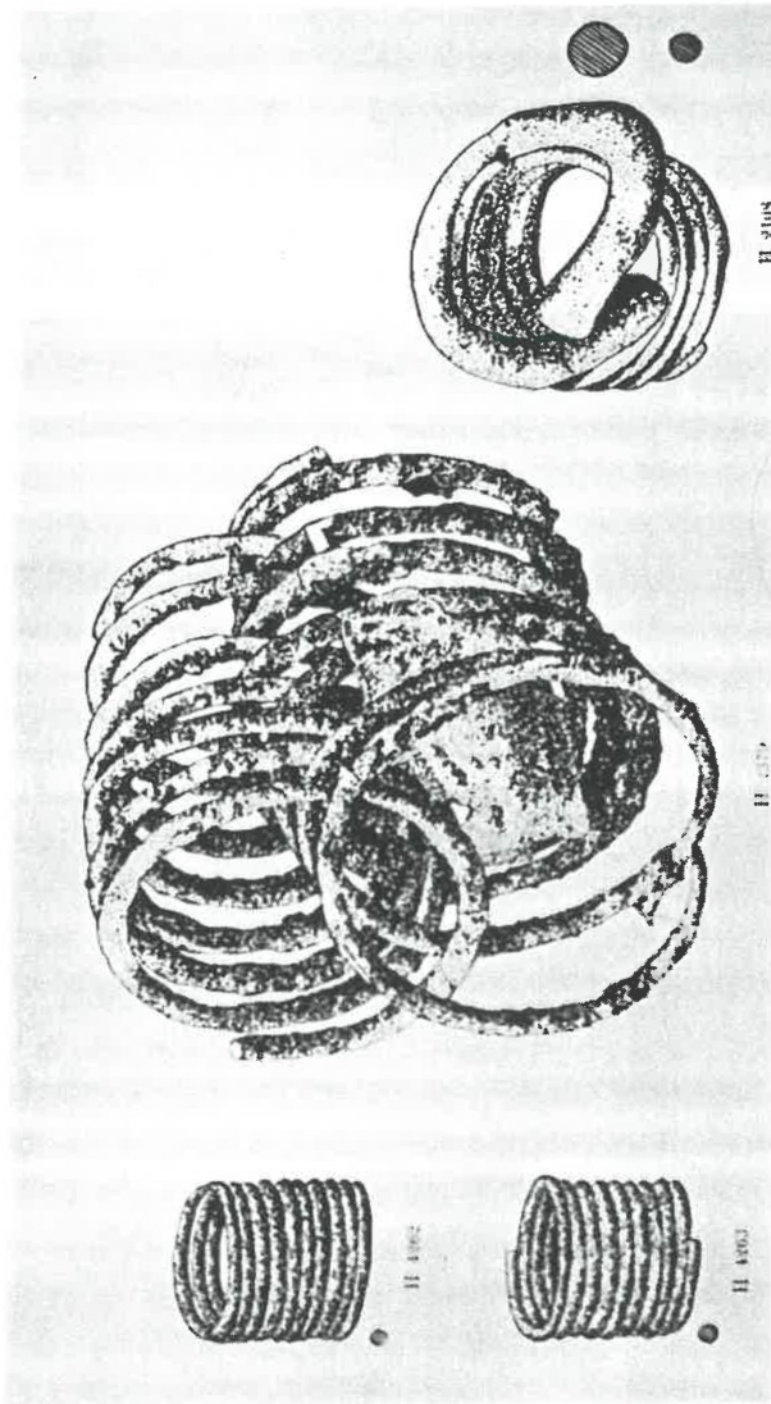


(شکل ۱۴۰) گردن بند مرجانی . مکشوفه از تپه حصار دامغان . برداشته از کتاب « حفريات تپه حصار » اشमित .

علاوه بر این زیورها ، اشमित مقداری اشیاء مفرغی در کتاب خود معرفی کرده است که مجموعه‌ای از انگشتریها ، انگوها ، دگمه‌ها و از نوع موی بندهایی است که از گیلان بدست آمده است . طرح این زیورآلات را عیناً از کتاب اشमित با شماره‌های (۱۲۱ و ۱۲۲) برای مزید آشنائی در اینجا می‌آوریم .

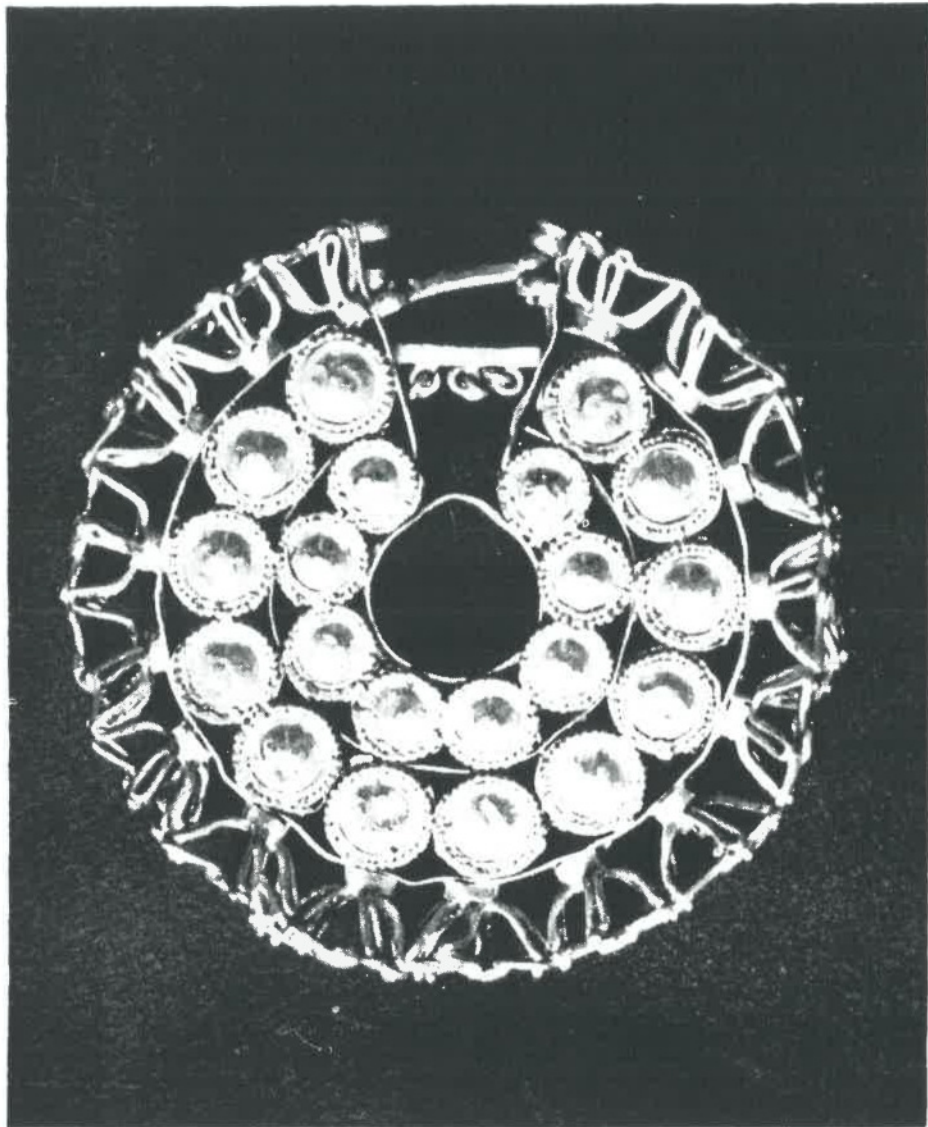
(شکل ۱۲۱) مجموعهای از زیورهای مفرغی . مکتوفه از طبقه II تپه حصار دامغان . برداشته از کتاب « حفريات تپه حصار » اشمیت .





(شکل ۱۳۴) مجموعه ای از زیور آلات . مکتوفه از طبقه III تپه حصار دامغان . برداشته از کتاب « حفريات تپه حصار » اشیت .

دربارهٔ زیورهای منتسب بدورهٔ هخامنشی



(شکل ۱۲۳) گوشواره طلای مکشوفه از پارساگاد منتسب بدوره هخامنشی . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران .

از روی نوشته‌های مورخان و باستانشناسان معلوم گردیده است که تا زمانهای درازی مردان و زنان ایران، هر دو در بکار بردن زیورآلات و زینت‌ها علاقه وافر نشان داده‌اند، و چه بسا که پوشاك آنان در برخی دوره‌ها با اختلاف کمی مشابه هم بوده است.

.....
 کسانی که در کار باستانشناسی هستند، یا که همراه باستانشناسان به یافته‌های قدیمی توجه دارند، میدانند که مردان نیز گوشواره‌ها، النگوها یا گردن‌بندها و دیگر زیورها را مورد استعمال قرار داده‌اند.

.....
 از نقوش زنهای دوره هخامنشی (که زیورها را نشان میدهند) فقط چند عددی موجود است .

.....
 اینک پیش از شروع به آشنائی با زیورهای زنان این دوره، نخست از وصف آنهایتا در یشت‌ها و سپس از گزارش مورخان درباره چگونگی زیورهای مورد استعمال مردم ایران دوره هخامنشی، و بعداً از آثار حفاری شده و نقوش موجود (که زیورها را نشان میدهند) كمك میگیریم .

در یشت‌ها (که استاد پور داود قدمت این نوشته‌ها را بیش از دوهزار و پانصد سال میداند) شرحی در صفحه (۱۶۶) این کتاب

تحت عنوان (توصیف اناهید از روی ابان یشت) دارد که طرز آرایش و زیورهای او را وصف میکند :

ناهید ، زنی است جوان و خوش اندام ، بلند بالا و برومند ، زیبا ، و چهر آزاد و نیکو سرشت ، و بازوان سفید وی بستبری شانه‌اسبی است .

با سینه برآمده ، و با کمر بند تنگ در میان بسته ، در پالایی گردونه خویش مهار چهار اسب یکرنگ و یک قد را در دست گرفته ، میراند . (اسبهای گردونه وی عبارتند از باد و ابر و باران و ژاله) . ناهید با جواهرات آراسته تاجی زرین بشکل چرخ که بر آن صد گوهر نورپاش نصب است بر سر دارد . از اطراف آن ، نوارهای پرچین آویخته . طوقی زرین دور گردن ، و گوشواره‌های چهار گوشه‌ای در گوش دارد . کفشهای درخشان را در پاهای خود با بندهای زرین محکم بسته ، جبه‌ای از پوست سی بَبَر^۱ که مانند سیم و زر میدرخشد دربر نموده . جامه زرین پرچین در بر کرده ، و در بلندترین طبقه آسمان آرام دارد .

بدیهی است که این وصف ، تا حدی طرز آرایش عالی زنان پارسی را در آن زمان برای ما روشن میکند .

در کتاب ایران از آغاز تا اسلام ، گیرشمن تحت عنوان (ورود

۱- بَبَر - بفتح اول و ثانی و سکون رای قَشْرَشْت = جانوری باشد صحرائی شبیه بگربه لیکن دم ندارد و از پوست آن پوستین سازند . برهان قاطع .

ایرانیان) در جایی که از گورستان این مردم در سی‌یلک گزارش میدهد (صفحهٔ ۶۵) نوشته است: در گورهای این مردم زینت‌آلات بیشتری وجود داشته است. مخصوصاً اشیاء سیمین و گوشواره، تزیینات سر، انگشتری و انواع کمربندها (که هم زنان و هم مردان آنها را بکار می‌بردند).

تعریفی که سرپرسی سایکس Sir P. Sykes در (ص ۱۷۱) کتاب خود - تاریخ ایران - از مادها میکند، منظره‌ای چون سراب از تجمل مادی‌ها برای ما مجسم می‌سازد. وی نوشته است:

تفصیلی که از دربار ماد نقل شده، و تشریفات مفصله و هزاران خادم و البسهٔ سرخ و ارغوانی درباریان، و زنجیرها و گردن‌بندهای طلا و تجملات وافر آنها، معلوم میدارد که تزییناتی بتقلید دربار آشوریان داشته‌اند.

یا در احوال ایرانیان (صفحهٔ ۲۲۴) نوشته است: در مقابل صفات حسنهٔ مزبور، معایبی که از ایشان باید ذکر کرد: خود گم‌کردن در اقبال یا ادبار و کبر و غرور بسیار و میل به تجمل و تفنن بود (اگرچه این صفت در میان تمام ملل ترقی یافته و خوشبخت پیدا میشود). و سپس، اشاره به نقوش تخت جمشید کرده، نوشته است: گوشواره، بازوبند، زنجیر و کمر بند (که جملگی از زر بوده) در این حجاریها دیده میشود.

سایکس، درجائیکه از کارهای زرگری هخامنشیان سخن رانده،

(صفحه ۲۴۳) نوشته است : خوشبختانه بر حسب تصادف قسمتی از کناره‌های سیحون^۱ فرو ریخته ، اشیائی کشف شدند که امروز به دفائن یا خزائن سیحون معروف میباشد (خزائن سیحون ، تألیف « ا - ام ، دالتون » است که از کمک ملاحظت آمیز او بسی ممنونم) .

این اشیاء ، به هند حمل شده ، و از آنجا بالاخره به موزه انگلستان رسیدند . از جملهٔ این گنجینه‌ها ، یکی ، ارابهٔ زرین ایران قدیم است که نهایت درجه قابل ملاحظه است (نه فقط از اینجهت که نمونه‌ای از شاهکار زرگری آندوره میباشد ، بلکه از اینجهت که آن ، شکل ارابه‌ای را که در ایران باستان معمول بوده ، بما نشان میدهد) .

دیگر ، يك دستبند طلاست که میناکاری شده است (نه با مینا ، بلکه با سنگهای آبی رنگ ، که معلوم میدارد با سنگهای لاجورد فام صورت گرفته است) و بسیار قابل توجه میباشد ، و میرساند که در آنزمان ، این هنر بدرجهٔ عالی رسیده بوده است .

علاوه بر این اطلاعات ، در صفحهٔ ۴۴ کتاب بفارسی گرداندهٔ تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (که او مستد Olmstead تألیف کرده است) بنقل از تاریخ آشور ، دربارهٔ شاهنشاهی مادی ، نوشته شده است :
 موی دسته شده روی گردن ، همه پرتاب و پرچین بوده ،
 و گوشواره و گردن بند ، به زیور آنها می‌افزود .

یا ، در (صفحهٔ ۹۱) همین کتاب ، بنقل از (اریستوبولوس)

۱ - شاید قصد ایشان چیحون یا (اوکوس) Oxus بوده است ؟

Aristobulus نوشته است: نسای کوروش را در تابوتی از زر (بر روی تختی که پایه‌های زر داشت) گذاشته بودند . میزی برای برات گذاشته شده بود که بر آن شمشیرهای کوتاه پارسی ، گردن‌بندها و گوشواره‌هایی (از سنگهای گرانبهای در زر نشانده) نهاده بودند .

در صفحهٔ (۱۱) کتاب اول کوروش نامهٔ گزنفون نوشته شده است :
چون کوروش او را (مقصود استیاک است) بنا بر رسم مادیها با موهای عاریه و چشمانی رنگ کرده و صورتی بزک کرده ، و غرق در جواهر دید ، خیره خیره به او نگریست و بانگ برآورد : مادر ، پدر بزرگ چقدر زیباست !

گزنفون ، سپس اظهار نظر کرده است : که در واقع ، مادی‌ها عادت داشتند که لباس ارغوانی بپوشند ، ردای بلندی بر تن کنند ، و گردن‌بندهای متعدد بر گردن ، و دستبندهای مزین به دست بیاویزند . در صورتیکه پارسی‌ها حتی امروز ، هنگامی که در خارج از کشور خویش نباشند ، دارای جامه‌های بغایت ساده هستند ، و در رسوم و آداب و صحبت خیلی ساده و عاری از این قبیل تجملات میباشند .

گزنفون با وصف این تعریف از سادگی پارسیها در زینت ، باز ، در فصل اول کتاب هشتم خود (صفحهٔ ۲۸۵ کورش‌نامه) نوشته است :
کوروش بعنوان تمهید و تدبیر و مردمداری ، علاوه بر بکار گرفتن خصوصیات زیادی از مادی‌ها ، استعمال وسمه را در چشم و همچنین مصرف بعضی روغن‌ها را برای جلای پوست مجاز دانست . زیرا چشم‌ها

زیباتر و لطافت پوست بهتر جلوه گر میشود .
 و نیز نوشته است : از جمله عطایای خاصه کوروش ، گردن بند ،
 دستبند جواهرنشان و اسبهای اصیل با مهار طلا بود .
 نکته جالب دیگری از نوشته گزنفون در مورد استفاده مردان
 از زیورها ، در داستان حضور نمایندگان هند در نزد کیاگزار و محاربه
 کوروش با اوست که در فصل چهارم کتاب دوم و در صفحه ۷۶ شرح
 آن چنین آمده است : کیاگزار از سرعت و نظم کوروش بسیار مسرور
 شد ولی از سادگی لباسش بهم برآمد ، و گفت : کوروش ! چرا با این
 جامه ساده نزد هندیان حاضر شدی ؟ من برای تو لباس فاخر فرستادم .
 برای من افتخاری است که پسر خواهرم در جامه فاخر و برازنده دیده
 شود . کوروش جواب داد : برای تو چه افتخاری داشت اگر من لباس
 زیبا بر تن ، و دستبند عالی در دست ، و طوق جواهرنشان بر گردن داشتم ،
 ولی خیلی دیر بحضورت می رسیدم ؟

.....
 در (صفحه ۱۰۰۲) مجلد دوم کتاب (ایران باستان) پیرنیا ،
 بنقل از گزنفون ، درباره کوروش صغیر (برادر اردشیر) مطلبی هست
 که زیورهای متداول ایرانیان زمان هخامنشی را ذکر میکند : بعد
 کوروش داخل مذاکره دوستانه با پادشاه کیلیکیه شد ، و در ملاقاتی که
 با هم کردند « سی ینه زیس » مبلغ زیادی به کوروش تقدیم کرد ، و او هم
 هدایائی (که مرسوم است شاهان ایران در مقام مرحمت به اشخاص
 میدهند) به پادشاه کیلیکیه داد . هدایای مزبور عبارت بودند از : اسبی
 که دهنه زرین داشت . يك طوق ، دو یاره ، يك قمه طلا و یکدست

لباس پارسی .

.....
 در (صفحه ۱۰۰۹) همین کتاب و باز بنقل از گزنفون ،
 در سفر جنگی کوروش صغیر ، آمده است : که کوروش سپاهیان
 ایرانی امر کرد ارابه‌ها را از گیل بیرون آورند ، و چون آنها با تانی
 کار میکردند ، کوروش به بزرگانی که با وی بودند امر کرد خودشان
 اینکار را بکنند ، و آنها لباس ارغوانی را کنده با قباهای عالی و شلوارهای
 زرد دوزی شده ، و بعضی‌ها با طوقها و یاره‌ها در گیل جستند و چنان
 با تندی و چابکی اینکار را انجام دادند که هیچ انتظار نمیرفت .

.....
 در (صفحه ۱۰۳۵) مجلد دوم کتاب ایران باستان ، بنقل
 از پلوتارک ، درباره اردشیر و رفتارش پس از جنگ با کوروش (برادر
 خود) نوشته شده است : وقتی که هدایای شاهی را با پیغامی (که
 اردشیر داده بود) به مهرداد رسانیدند ، وی بسیار اندوهناک شد ولی
 شکوه‌ای نکرد ، و چندی بعد بواسطه بی‌احتیاطی خود بهلاکت رسید .
 توضیح آنکه : روزی برای صرف غذا بخانه‌ای دعوت شد و خواجه‌های
 شاه و ملکه مادر (پروشات) هم در آنجا مدعو بودند .

مهرداد ، لباسی را که شاه به وی داده بود پوشیده و جواهرات
 اعطائی را نیز استعمال کرده بود . در پایان صرف غذا وقتی که میگساری
 شروع شد ، یکی از مقربترین خواجه‌های پروشات خطاب به مهرداد گفت :
 وه چه لباس خوبی شاه بتو داده است ! چه یاره و چه طوقها ، و چه قمه‌ای !

در (صفحه ۱۲۹۶) همین کتاب ، و بنقل از کنت کورث (درباره داریوش سوم و حرکت سپاهیان ایران از بابل بسوی فرات) نوشته است : که بعد ، سواره نظامها (که پارسیها آنرا جاویدان می نامیدند) با عده ده هزار نفری می آمد . تجملات هیچکدام از قسمتهای قشون ، بتجمل این قسمت نمی رسید . بعضی از این سوارها طوقهای زرین داشتند . برخیها ، جامه ای زربفت ، یا قباهائی که دارای آستینهای دراز و مزین به سنگهای قیمتی بود .

پس از چند قدم ، جنگی هائی می آمدند که عده شان به پانزده هزار میرسید ، و آنانرا عموزاده های شاه مینامیدند . اما تمام این جمعیت (که زینت هایشان شبیه زینت های زنان بود) از تجملاتشان میدرخشیدند نه از اسلحه هایشان .

بعد ، کنت کورث گوید : تزئینات داریوش ، زینت های دیگران را از خاطرها میزدود . قبای ارغوانی او در وسط با نقره مليله دوزی شده بود ، و ردای او که از زر میدرخشید به دو قرقی مزین بود (که یکی روی دیگری افتاده با منقار ضربتهائی به او میزد) و هردو را از زر بافته بودند . از کمر بند زرین او قمه ای آویخته بود که غلافش تماماً مرصع و خود کمر بند ، شبیه کمر بند زنان بود .

در (صفحه ۱۹۶) کتاب پلوتارخ Plutarx نیز بنقل از گزنفون مطلبی هست که وضع زیورهای دوره هخامنشی را روشن میکند : روزی در شکار ، تری بازوس^۱ به اردشیر دراز دست نزدیک

۱- تری بازوس Tribazus یکی از بزرگان دربار هخامنشی بوده است .

شده خاطر نشان میکند که جامه شاهانه او پاره شده است .
 پادشاه میپرسد : میخواهی که با این جامه چکنم ؟ وی پاسخ داد :
 اگر خواسته باشید ، جامه دیگری بر تن کرده این را بر من ببخشائید .
 پادشاه ، جامه را از تن درآورده به او بخشید . ولی گفت
 بشرطیکه آنرا بر تن خود نکنی .

تری بازوس (که مردی سبکسر و بی پروا بود) همینکه جامه
 را گرفت بیدرنگ پوشید ، و سپس ، گردن بند پادشاهی را به گردن
 آویخت و خویشان را با آرایشهای زنانه آراست .

ایضاً در (صفحه ۱۵۱۲) مجلد دوم کتاب (ایران باستان)
 در جائیکه از صنایع دوره هخامنشی نوشته شده است ، میخوانیم : از
 نوشتههای مورخان قدیم برمی آید که ایرانیان مخصوصاً مادیها و پارسیها
 بتجملات و تزئینات خیلی علاقه داشتند ، و مکرر از طوق و یاره زرین ،
 کرسی ، بستر ، میز نقره و طلا ، پارچههای فاخر ، قالیههای گرانبها ،
 زره طلا ، اثاث و گلدانهای مرمر ، جامها و کاسه بشقابها ، مجسمههای
 فلزی ، کاشیها و لوحههای زرین و سیمین (که با آنها دیوارهای
 اطاقها را می پوشیدند) و امثال این اشیاء ، ذکری کرده اند .

در هیچیک از آثار مورخان قدیم ، توضیح دقیقی در چگونگی
 شکل زیورهای دورهها (از جمله هخامنشیها) دیده نمیشود ، و فقط
 بنام بردن آنها کفایت شده است ، و ما ، ازینراه فقط بوجود این زیورها
 پی می بریم و چگونگی آنها را نمی دانیم ، و اگر برخی محققان توضیحی

داده‌اند گمان نمی‌رود از حدی که کریستی ویلسن پیش رفته جلوتر رفته باشند.

وی در صفحه (۷۹) کتاب تاریخ صنایع ایران خود تحت عنوان (صنایع دوره هخامنشی) نوشته است : که دستبند و بازوبندهای طلا از زمان هخامنشی بدست آمده است . اینها ، کاملاً مدور نیستند ، بلکه معمولاً در قسمت مقابل بست ، قدری فرورفتگی دارند . تصویر مرغ خیالی با شاخ و منقار روی این دستبندها و بازوبندها نقش شده است . و سپس ، نوشته است : در موقع ساختن کانال کورینت در یونان ، یکجفت بازوبند طلای خالص پیدا شده است که در دو سر آن ، سر قوچ و بز کوهی (در هر طرف) ساخته شده است ، و این بازوبند ، بدون شك از صنایع زمان هخامنشی‌هاست .

.....
با اینوصف ، برای ما ، دو سند معتبر میماند که شکل و خصوصیت آنها را روشن میکنند : یکی ، مکشوفه‌های این دوره ، و دیگری نقوش مانده از آن عهد (که پس از نقل يك مطلب بسیار مهم از گزارش زیورهای زنان و چگونگی وضع آنان در میان دشمن ، به آثار مکشوفه ایندوره می‌پردازیم .

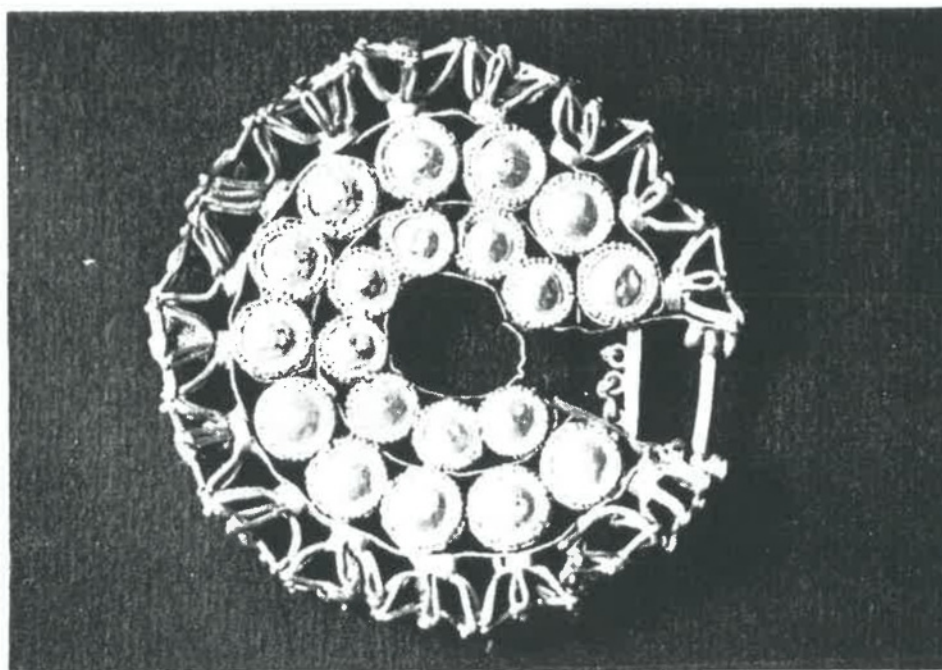
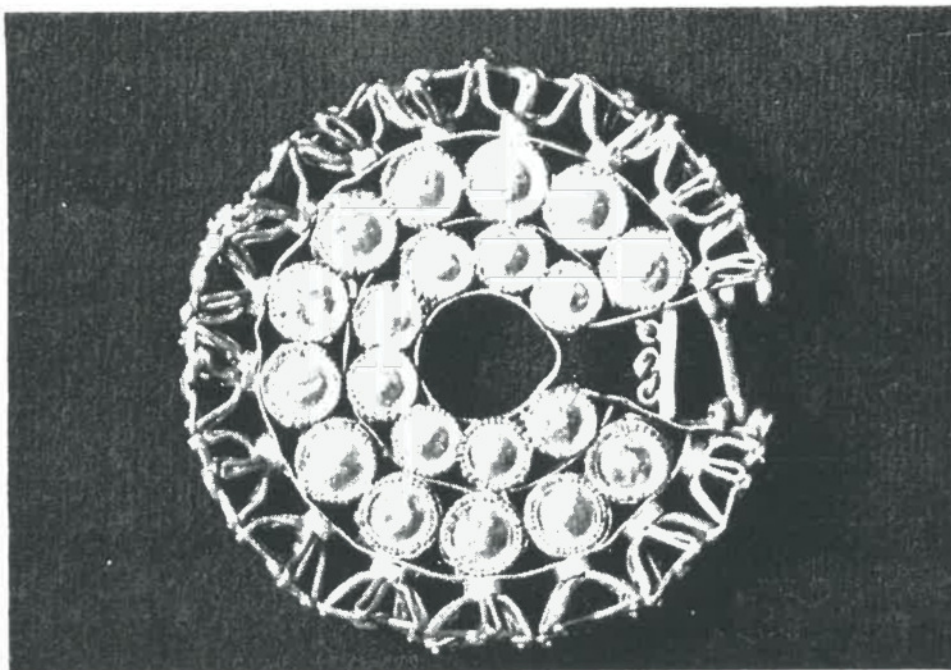
.....
در (صفحه ۱۳۱۳) مجلد دوم کتاب (ایران باستان) بنقل از آریان در جنگ ایسوس ، و غارت اردوی ایران ، نوشته شده است :
..... چون شب در رسید ، مقدونی‌ها دست از تعقیب دشمن برداشتند ، و بخیال غارت اردوی ایران (مخصوصاً خیمه‌ها و بارگاه داریوش)

بفاصله آنرا پر کرده است) دارد. این گوشواره با شماره (۱۲۵).
~~عرضه میشود و بزرگشده آن را در (شماره ۱۲۳) میتوان دید .~~

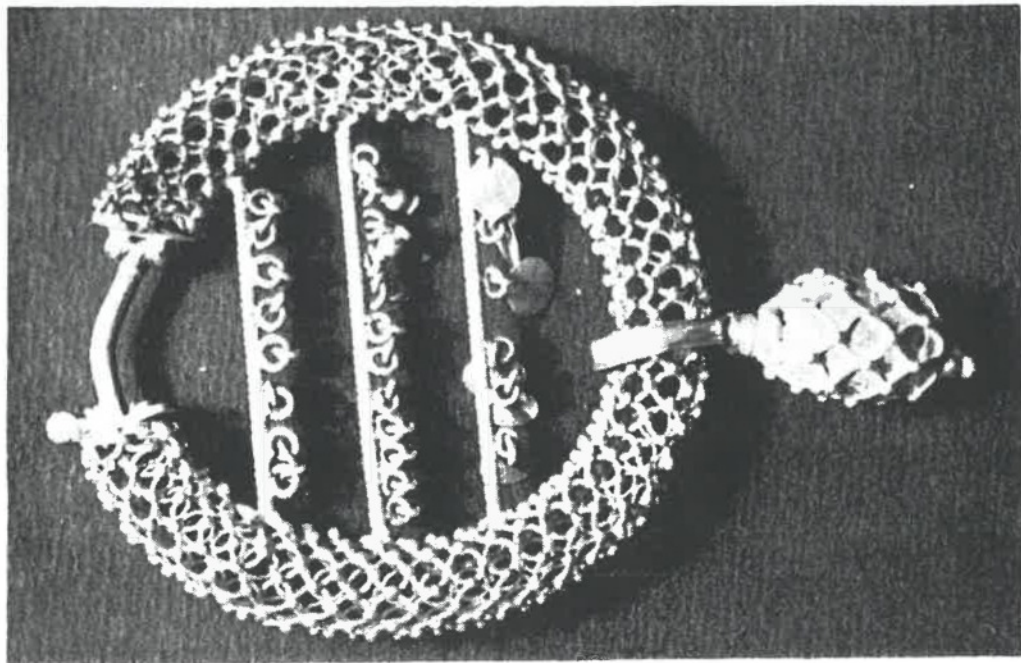
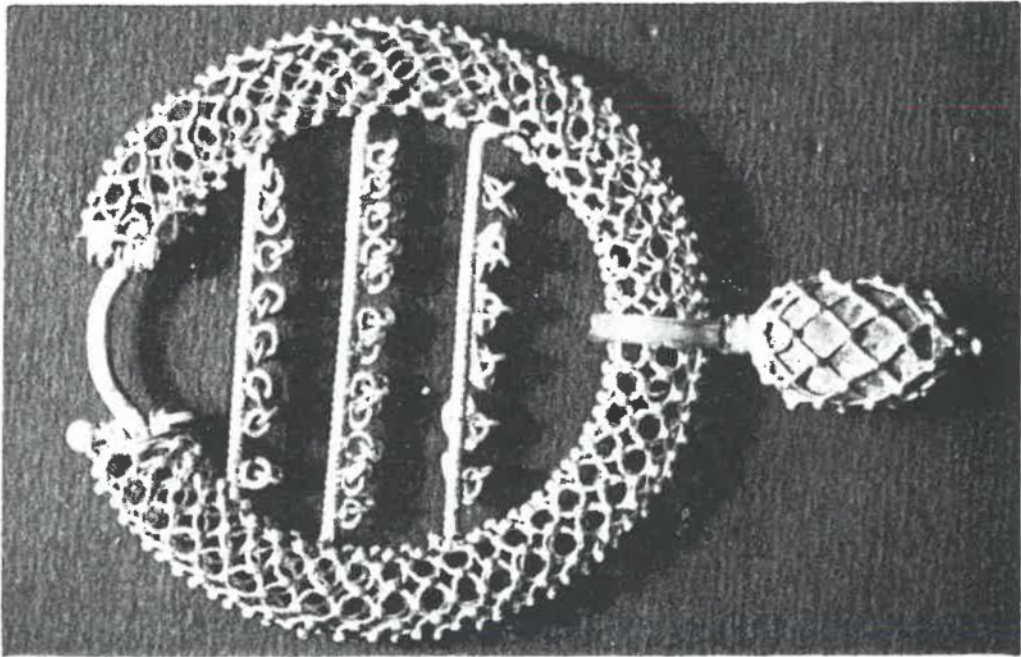
گوشواره دیگر، جفتی با آویز است (که آویزهای آن تقریباً
 بمیوه کاج شبیه میباشد) . خود گوشواره از يك نوار دایره شکل
 گرده ماهی ، دو رویه و مشبك ، پرکار و بسیار ظریف تشکیل شده ،
 و در وسط دایره نوار ، سه خط افقی با میله‌های تائیده موازی هم قرار
 دارد که بهر يك تعدادی پولکهای مسطح ساده آویزان است (شکل ۱۲۶) .

گوشواره‌ای منتسب بعهد هخامنشی است و تاریخ آن را سده
 چهارم پیش از میلاد داده‌اند . این گوشواره در قفقازیه پیدا شده ،
 و در موزه تفلیس نگاهداری میشود . شکل عمومی و خارجی آن نظیر
~~گوشواره شماره (۱۲۶) .~~ مکشوفه از پارساگاد است ، ولی دو زائده
 هلالی شکل در داخل دایره گوشواره دارد که روی آنها را با دانه‌های
 ریز بشکل سه گوشی‌ها درآورده‌اند این نقش‌های روی هلالی‌ها ، یادآور
 گوشواره‌های ماقبل تاریخی سی یلک و نیز نقش نشانهای است که از
 مارلیک گیلان بدست آمده است (شکل ۱۲۷) .

سه گوشواره دیگر از طلا را گیرشمن در کتاب خود بنام
 (ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی) آورده است : که یکی دارای نقش
 برجسته‌ای از زنی در وسط است ، و پیرامون گوشواره گرد ، دارای
 پولکهای برجسته‌ایست که در وسط فرورفتگی دارند ، و آویزی بشکل



(شکل ۱۳۵) گوشوارهٔ طلای مکشوفه از پارساگاد . با حاشیة ساقه‌دار . منتسب بدورهٔ هخامنشی .
از عکسهای اختصاصی موزهٔ ایران باستان تهران .



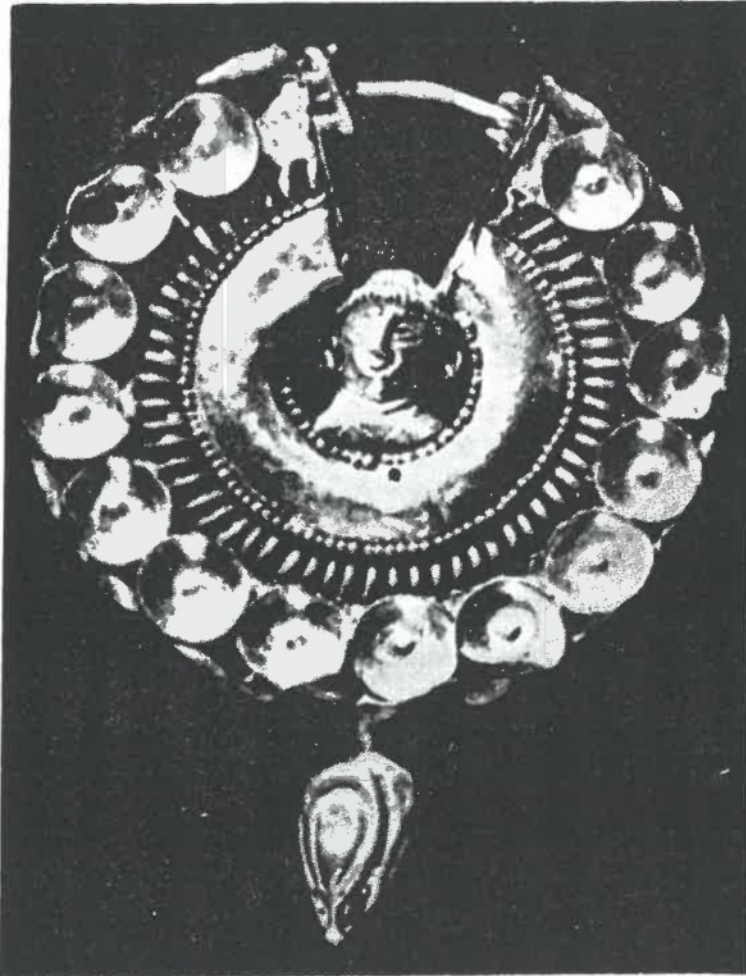
(شکل ۱۴۶) گوشواره طلای دیگری از پارساگاد با آویز میوه کاجی . منتسب بدوره هخامنشی .
از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۱۳۷) گوشوارهٔ طلای مکشوفه از قفقاز با دو هلال در داخل. منتسب بسدهٔ چهارم پیش از میلاد. از هنر هخامنشی‌ها. برداشته از کتاب «ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی» گیرشمن.

قورباغه در پائین گوشواره آویزان است. قدمت این گوشواره سدهٔ چهارم پیش از میلاد داده شده و از جملهٔ هنرهای هخامنشی (که در موزهٔ لوور نگاهداری میشود) معرفی شده است (شکل ۱۳۸).

گوشوارهٔ دیگر (که نیز گرد است) پهلوانی را که تاج شیاردار پارسی بر سر دارد نشان میدهد که میان دو حیوان شاخدار ایستاده و دستی بهر شاخ یکی از آنها دارد. بر بالای سر این دو حیوان دو پرنده بطور برجسته



(شکل ۱۴۸) گوشواره طلا با آویز قورباغه و نقش برجسته زنی از دوره هخامنشی که حلقه‌ای بگوش دارد. برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی » گیرشمن .

نقش شده است. در پیرامون این گوشواره پایه‌های کوتاهی تعبیه شده و بر روی هر پایه، یک گردی کار گذاشته شده است. تاریخ این گوشواره، سده چهارم - پنجم پیش از میلاد داده شده، و از جمله هنر هخامنشی شوش است که در موزه لوور نگهداری میشود (شکل ۱۴۹).

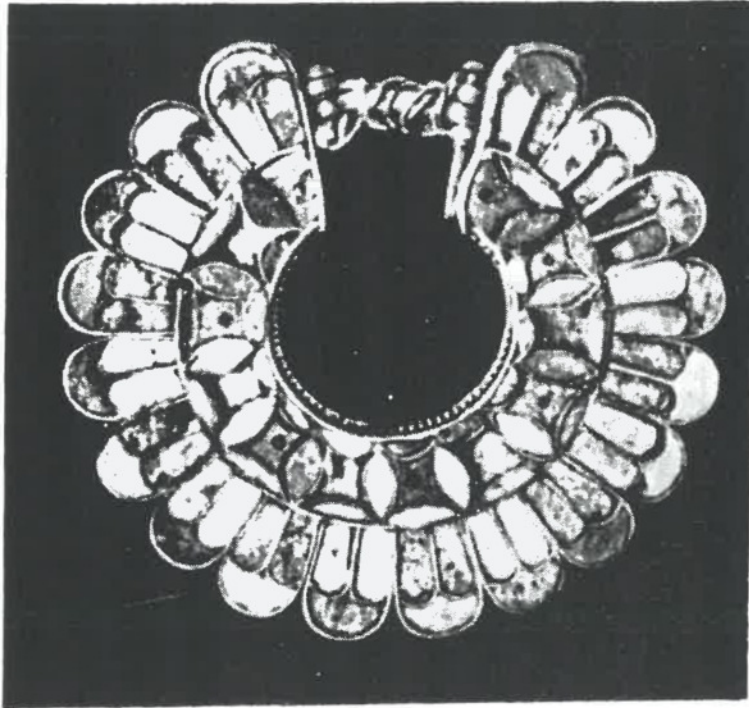
.....



(شکل ۱۳۹) گوشوارهٔ طلا با نقش یهلوان میان دو حیوان . برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی » گیرشمن .

گوشواره‌های دیگری است از طلای دانه نشان دورهٔ هخامنشی مکشوفه از شوش و منتسب بسدهٔ پنجم - ششم پیش از میلاد ، با نقش گلبرگهای ساده شدهٔ دورهٔ هخامنشی که در موزهٔ لوور نگهداری میشود (شکل ۱۳۰) .

.....
 کریستی ویلسن در کتاب خود (تاریخ صنایع ایران) جفتی

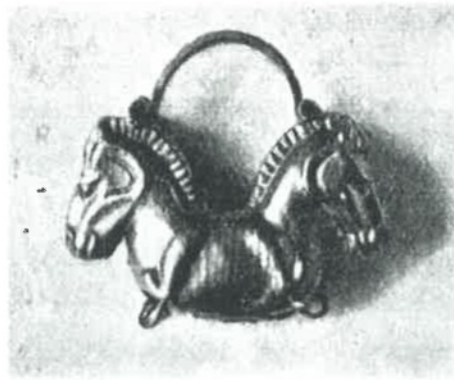


(شکل ۱۳۰) گوشواره گلبرگی طلای دانه نشان دوره هخامنشی . از کتاب « ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی » گیرشمن .

گوشواره عرضه کرده است که ترکیبی از دوسر اسب است و با گوشواره‌های دیگر هخامنشی تفاوت دارد (شکل ۱۳۱) .

از انواع گوشواره‌های ساده دوره هخامنشی ، پنج عدد در کتاب همگتانه^۱ چنین معرفی شده است : این گوشواره‌ها بشکل دایره و شبیه هلال ماه میباشند . يك انتهای آن باریک و آزاد است تا برای آویختن بگوش از آن استفاده شود . در انتهای دیگر ، مقداری مفتول تابیده از

۱ - مؤلف کتاب همگتانه ، جناب آقای محمدتقی مصطفوی (مدیرکل سابق اداره کل باستانشناسی) میباشد .

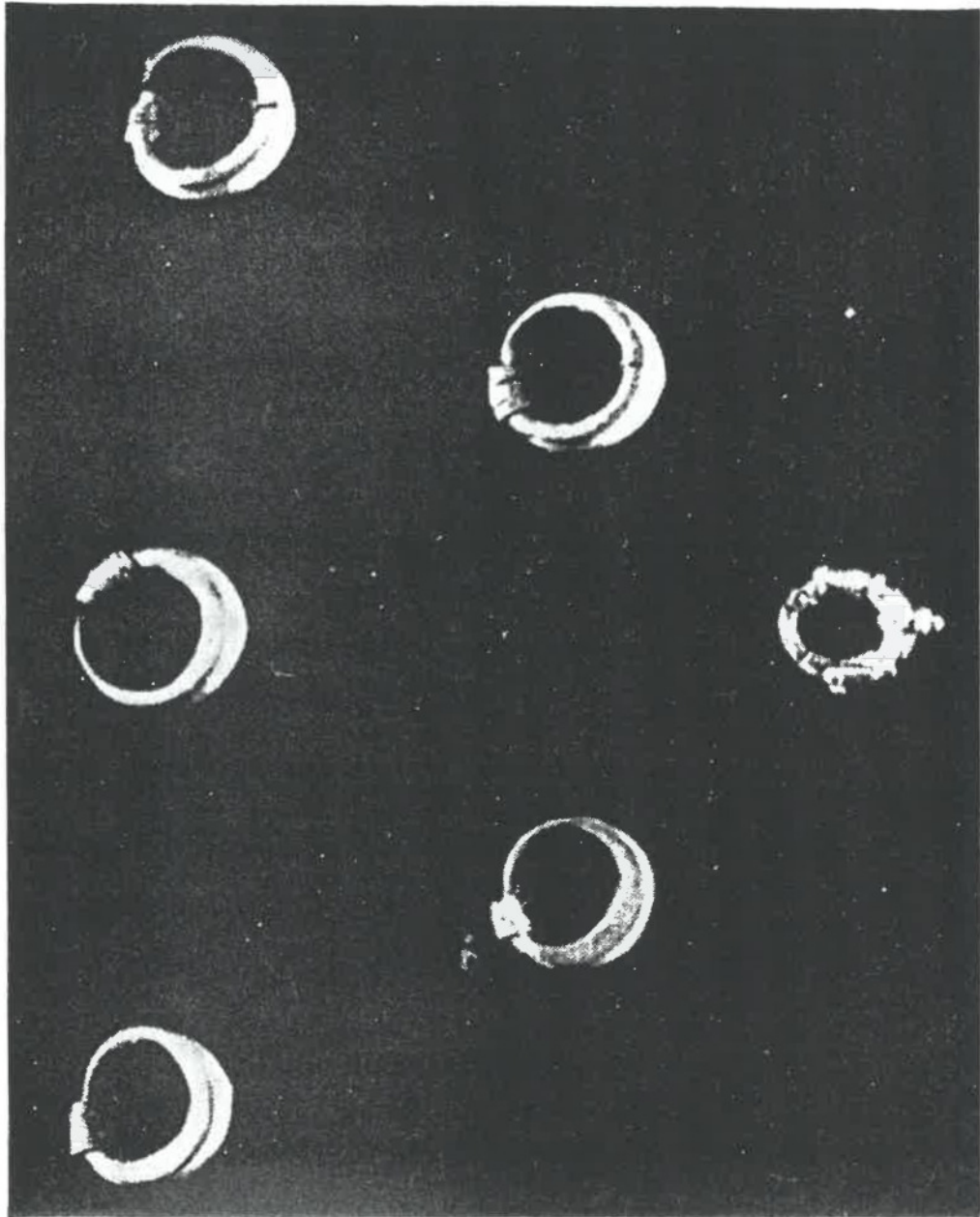


(شکل ۱۳۱) گوشواره های دو اسب هخامنشی . برداشته از کتاب « تاریخ صنایع ایران » کریستی ویلسن .

زر پیچیده بهم ، قرار دارد که پس از آویختن گوشواره به گوش ، بوسیله همین مفتولها ، انتهای آزاد گوشواره را هم ببوشانند . طول متوسط گوشواره ها (۱۸) میلیمتر و عرض متوسط آنها (۱۷) میلیمتر است (شکل ۱۳۲) .

از انواع گوشواره های ساده ای که در گوش زن منقوش بر گوشواره شماره (۱۲۸) دیده میشود (و به آن قبلاً اشاره گردید) در گوش شاهزاده خانمی از دوره هخامنشی نیز (که مجسمه طلای آن از مکشوفه های چیحون است) در (شکل ۱۳۳) دیده میشود .

از همین نوع گوشواره ، یکمرد پارسی نیزه بدست نیز بر گوش دارد (شکل ۱۳۴) .



(شکل ۱۳۲) پنج عدد گوشواره و یک عدد حلقه بست از طلاهای مکشوفه همدان . منتسب بدوره هخامنشی . موجود در موزه ایران باستان تهران . برداشته از کتاب « هگمتانه » .



(شکل ۱۳۳) مجسمه طلای شاهزاده خانم . دوره هخامنشی با گوشواره ساده اش . از گنجینه های جیحون که در موزه بریتانیا نگهداری میشود . برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی » گیرشمن .



(شکل ۱۳۴) نقش برجسته یکمرد پارسی نیزه بدست ، که نظیر گوشواره ساده شاهزاده خانم هخامنشی را در گوش دارد . از نقش برجسته های تالار شوری در تخت جمشید

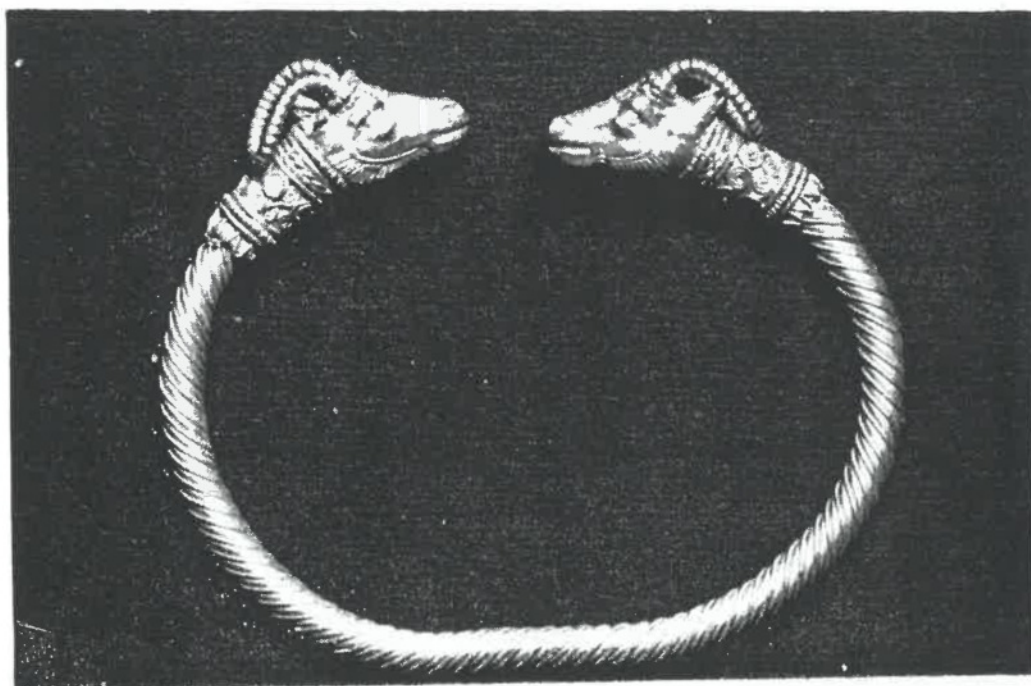
از النگوهای طلای دورهٔ هخامنشی، النگوئی با دو سر غزال (که از مفتول‌های طلای تاییده تعبیه شده) میباشد که با نهایت ظرافت و ریزه‌کاری ساخته شده است. این النگوها از پارساگاد بدست آمده، و با شماره (۱۳۵) ارائه میشود، و برای بهتر دیدن ساختمان سر غزالها عکس بزرگشده آنها با شماره (۱۳۶) عرضه میشود.

از النگوهای دیگر مکشوفه از پارساگاد مربوط بدورهٔ هخامنشی، النگوئی است از لولهٔ توخالی از طلا و دو تکه‌ای، که هر سر این النگو با سر شیری مزین شده است (شکل ۱۳۷).

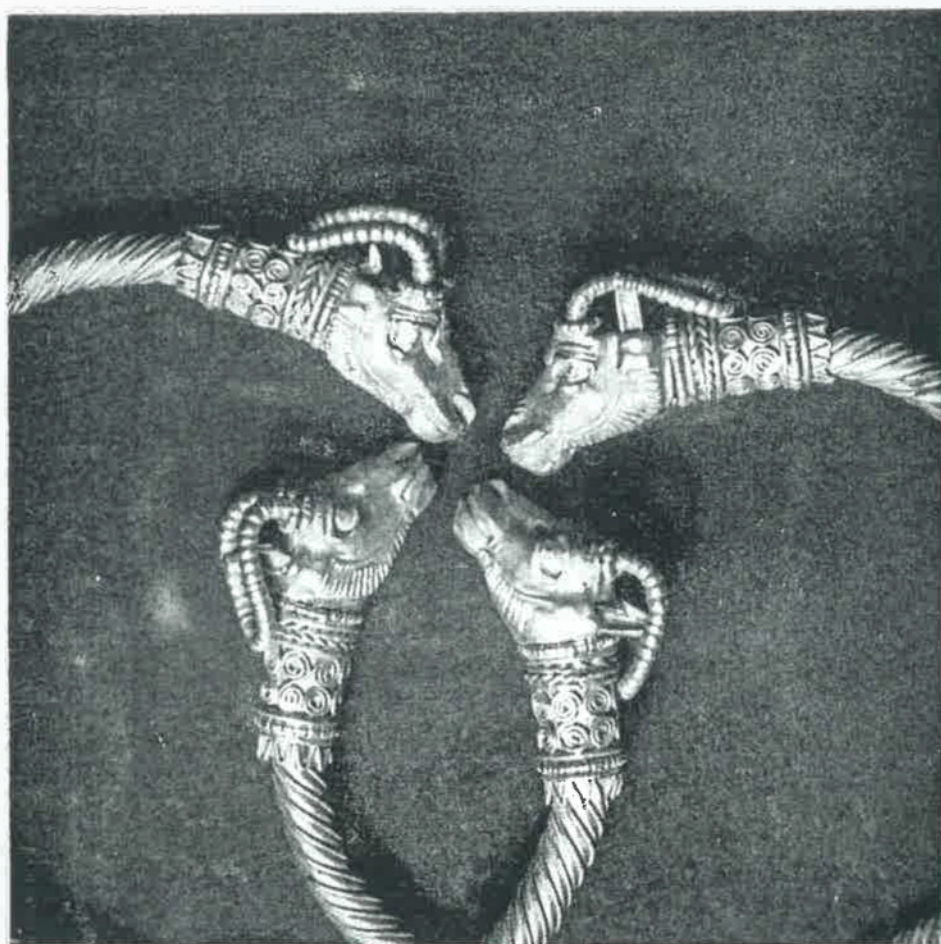
در همین زمینه النگو (که مزین به سر شیر باشد) النگوئی است طلا که از همدان بدست آمده، و دارای حلقهٔ توخالی تاییده میباشد (شکل ۱۳۸).

النگوهای دیگری را پوپ در مجلد هفتم کتاب خود (نظری بهنرهای ایران) از دورهٔ هخامنشی ارائه داده است که هر یک با سر حیوانی یا عموماً بشکل خاصی ساخته شده‌اند.

دستبندی از طلا با قطر (۶۳) سانتیمتر، منتسب بدورهٔ هخامنشی هست که در موزهٔ بریتانیا نگاهداری میشود. این دستبند دارای دو سر بزغاله بوده، و حلقهٔ آن ساده میباشد (شکل ۱۳۹).



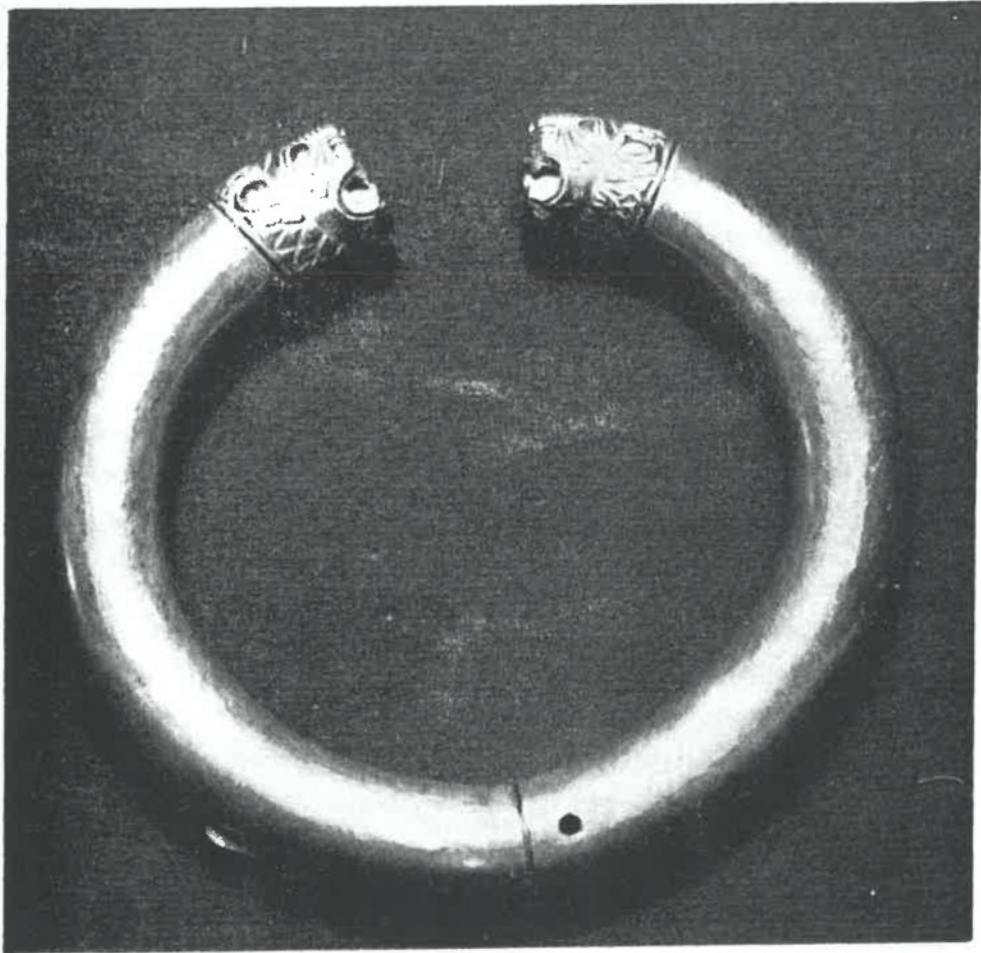
(شکل ۱۳۵) انگوی طلای تابیده با مجسمه سر غزال با زینت کردن حلقوی شکل . مکشوفه از پارساگاد .
از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .



(شکل ۱۳۶) بزرگشدهٔ سر غزالیهای النگوی شماره « ۱۳۵ » .

النگوئی دیگر از طلاست که حلقهٔ آن از میلهٔ سه‌بر تهیه شده و دارای دو سر اردک است . قطر آن (۷٫۶) سانتیمتر میباشد و در موزهٔ بریتانیا نگاهداری میشود (شکل ۱۴۰) .

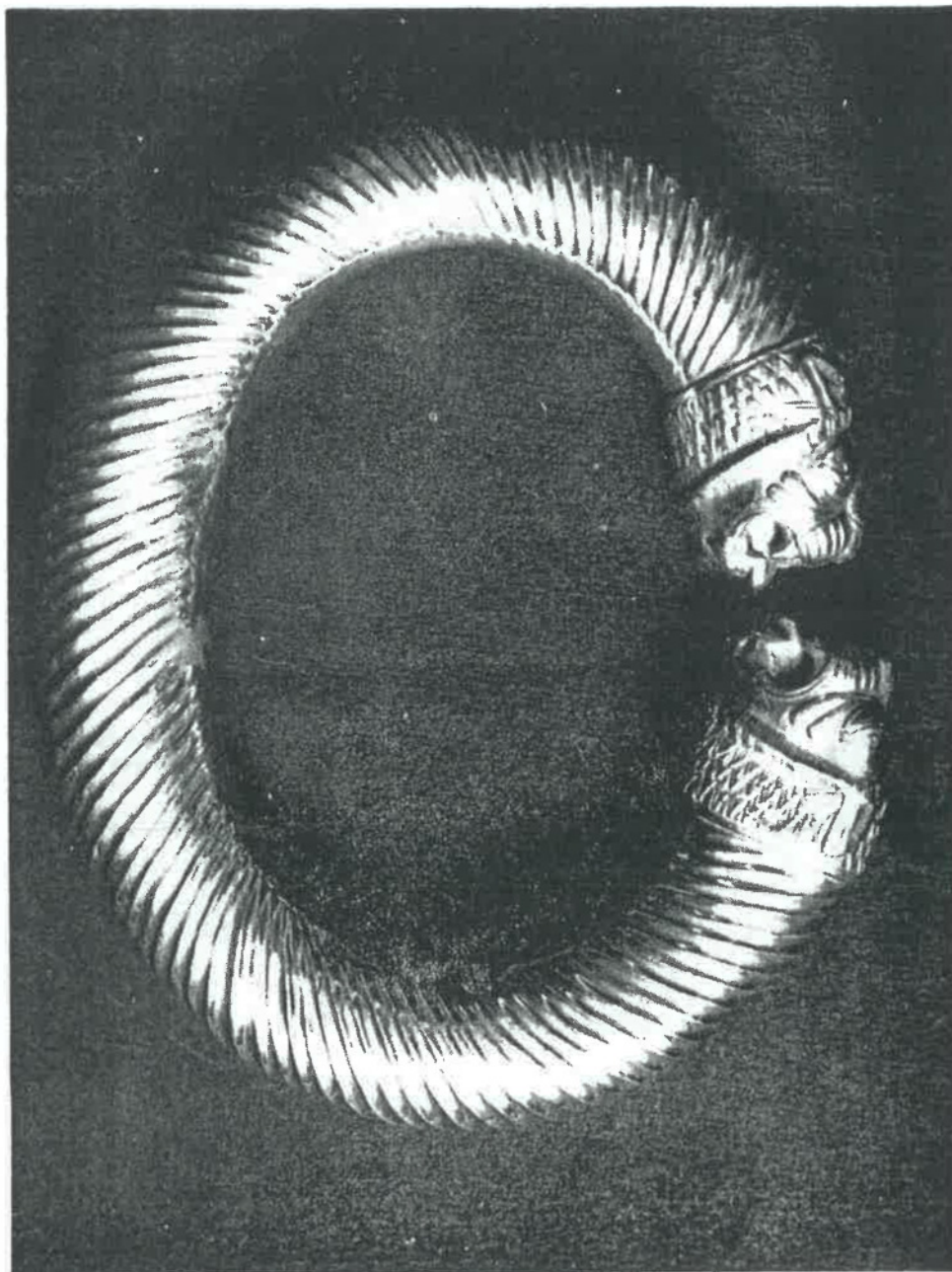
النگوی دیگری (که حلقهٔ آن تاییده است) دارای دو سر



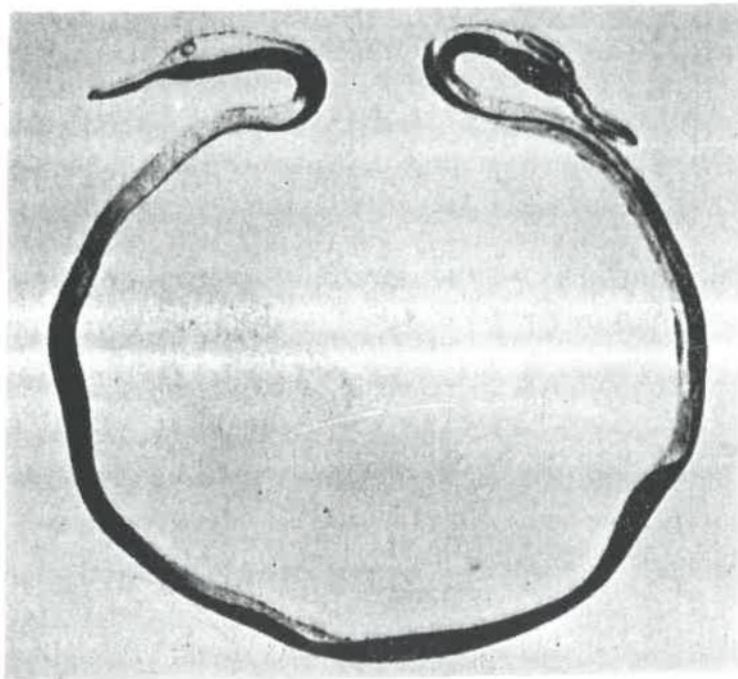
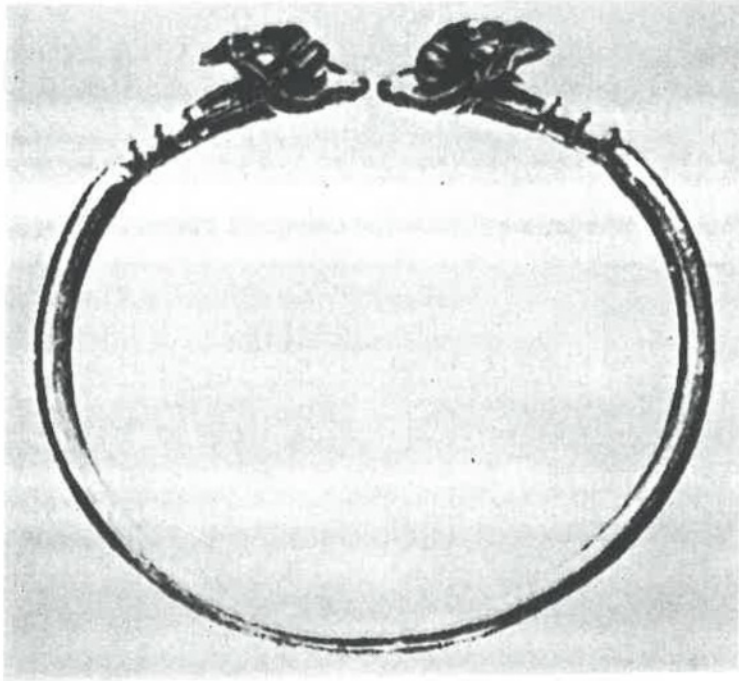
(شکل ۱۳۷) انگوی طلای ساده از لوله توخالی با سر شیرها . مکشوفه از پارساگاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان تهران .

حیوان شاخدار است . قطر آن (۶۳) سانتیمتر و منتسب بدوره هخامنشی است که درموزه بریتانیا نگاهداری میشود (شکل ۱۴۱) .

.



(شکل ۱۳۸) انگوی طلای با شیر و حلقهٔ تابیده ، مکشوفه از همدان ، از عکسهای اختصاصی موزهٔ ایران باستان تهران .



(شکل ۱۳۹) انگوی طلای با سر بزغاله و (شکل ۱۴۰) انگوی طلای با سر اردک . متعلق به دوره هخامنشی . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری به هنرهای ایران » پوپ .

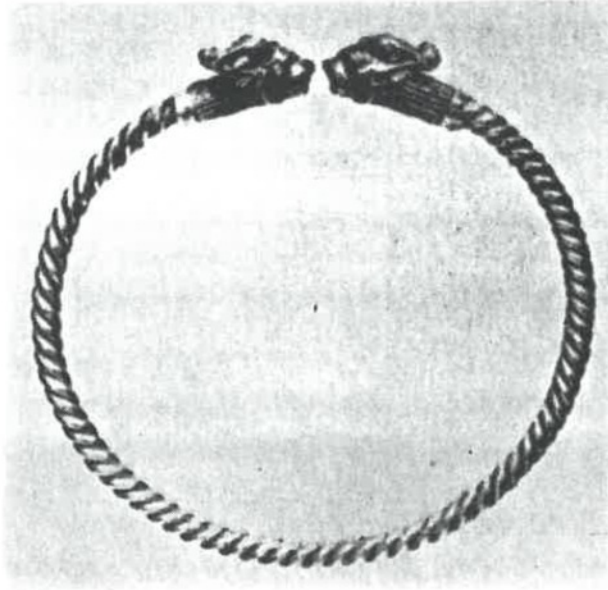
النگوئی است از طلا، و منتسب به دوره هخامنشی . با کنده کاری و برجسته‌سازی زیاد با دو سر سوسمار . قطر این دستبند (۷۶) سانتیمتر است ، و در موزه بریتانیا نگاهداری میشود (شکل ۱۴۲) .

النگوئی است با گیره‌های استوانه‌ای طلا و شیشه رنگی . قطر آن (۷۵) سانتیمتر است . دو سر این النگو دارای دو سر قوچ میباشد . پوپ نوشته است که این النگو در اختیار دکتر ج . اف روبر میباشد (شکل ۱۴۳) .

دو النگوی دیگر ، منتسب بدوره هخامنشی در مجلد هفتم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ عرضه شده است ، که یکی با حلقه ساده و از جنس نقره میباشد ، و طبق معمول دو سر آن دارای دو سر قوچ ؟ است . قطر این النگو (۸۵) سانتیمتر نوشته شده و از مجموعه دکتر ج . اف روبر میباشد (شکل ۱۴۴) .

دیگر النگوئی است با حلقه منحنی و دو سر غزال (که یادآور النگوی مکشوفه پارساگاد در شماره (۱۳۶) میباشد . قطر این النگو (۷) سانتیمتر است (شکل ۱۴۵) .

از نوع این دو النگوی اخیر را ، در برخی از نقوش تخت‌جمشید (خاصه در نقشی که سغدیها را در کاخ هدیش نشان میدهد) میتوان



(شکل ۱۴۱) انگوی تابیده طلا و (شکل ۱۴۲) انگوی طلای با سر سوسمار . متعلق به دوره هخامنشی . برداشته از مجلد هشتم کتاب « نظری به هنرهای ایران » پوپ .

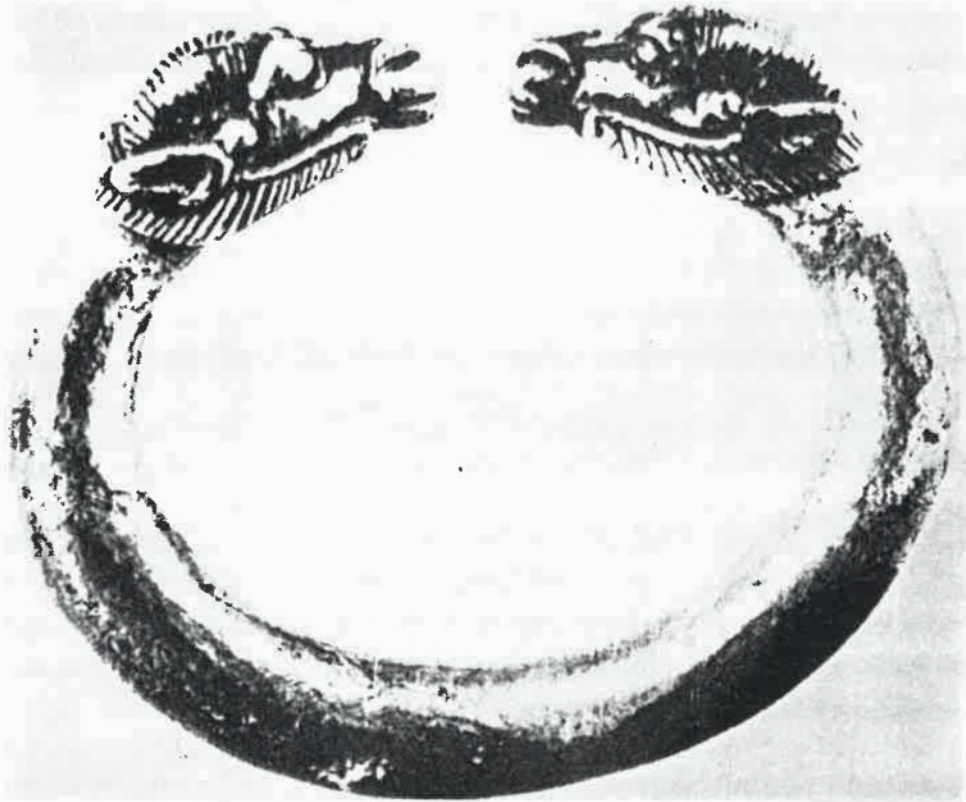


(شکل ۱۴۳) النگوی شیشه‌ای رنگی باگیره طلا. متعلق به دوره هخامنشی. برداشته از کتاب « نظری به هنرهای ایران » پوپ.

دید (شکل ۱۴۶) .

.....
 در این نقش ، مرد سغدی سمت راست عکس ، دو حلقه از نوع النگوهای معرفی شده در دست دارد که در مقایسه با مچ دست بیشتر باید تصور بازوبند برای آن داشت تا النگو . بهرجهت ، امکان دارد که از نوع النگوها برای بازوبندها ، زیورهای میساخته‌اند .

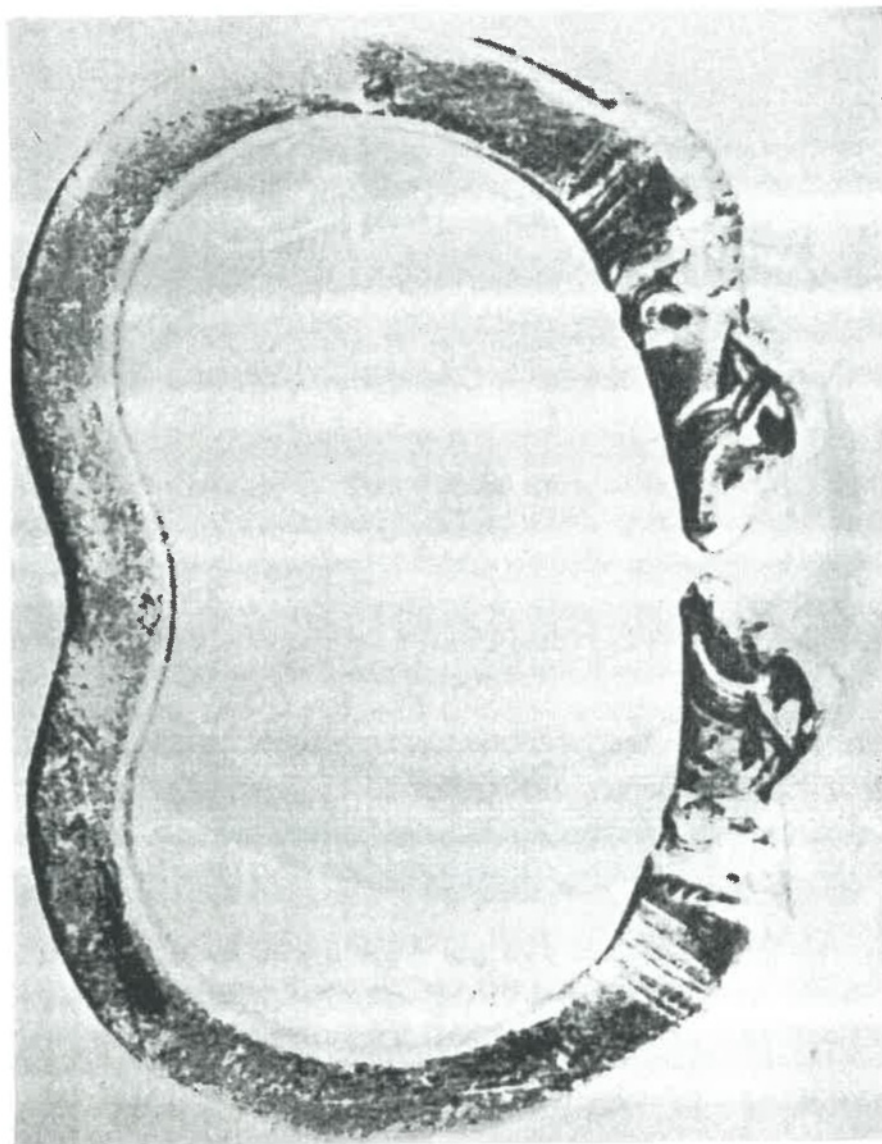
.....
 درباره النگوها (که اصولاً نقوشی آنها را تأیید میکنند) چند نقش هست که نقش النگو را نشان میدهد :
 نقش برجسته‌های ساخته بر صخره دور- شارو کین (خورسباد)



(شکل ۱۴۴) انگوی با حلقه ساده با سر قوچ از جنس نقره و منتسب بدوره هخامنشی با قطر (۸/۵) سانتیمتر . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » یوپ .

مادها را با انگوهائی در دست نشان میدهد (شکل ۱۴۷) .

.....
در نقش پارچه‌های دوره هخامنشی یافته از پازیریک (که شاهزاده خانمهای آندوره را نشان میدهد) دو شاهزاده خانم وسطی که روسری دارند ، بر مچ دستشان انگو مشاهده میشود (شکل ۱۴۸) .
.....



(شکل ۱۴۵) انگوی با دو سر غزال و حلقهٔ منحنی . منتسب بدورهٔ هخامنشی . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .



(شکل ۱۴۶) نقش برجسته سغدیها در تخت جمشید در حال عرضه پیشکشی « بازویند و جبه مادی - معمول آنزمان » .



(شکل ۱۴۷) نقش برجستهٔ مادهای منقوش بر صخرهٔ دور - شارو کین (خورسآباد) و النگوهای آنان (که بر میج دستشان نمایان است). از دائرةالمعارف هنر جهانی. مجلد نهم.

در نقش مهری منتسب بدوره هخامنشی (که شاهزاده خانم یا شهبانوئی را نشسته بر کرسی نشان میدهد و کبوتری بر کف دست چپ دارد) دو حلقه النگو بر میچ دستش نمایان است (شکل ۱۴۹) .

مقداری از انواع بازوبندهای دوره هخامنشی را (که پوپ و نیز دیگران در کتابهای خود عرضه کرده‌اند) برای مزید آشنائی بشکل آنها ، در اینجا می‌آوریم .

پوپ در مجلد هفتم کتاب خود (نظری به هنرهای ایران) بازوبندی از طلا را با قطر (۲۱٫۲) سانتیمتر ارائه داده است که دوتکه میباشد ، نوشته است که در موزه ارمیتاژ نگاهداری میشود .

این بازوبند از میله ساده نسبتاً باریکی درست شده و بر هر سر آن ، طبق معمول حیوانی (که بیشتر به افعی مانند است) تعبیه گردیده و بر گردن مارها زیورسازی شده و جاهائی برای نگین در آن مشاهده میشود (در میان این نیمه حلقه بازوبند ، دستبندی گنجانده است که از میله تائیده ساخته شده ، و نیز بر دو سر آن کله‌های مار نصب است) .

پوپ قطر دستبند را (۶٫۳) سانتیمتر نوشته و برای نمایش بازوبند و دستبند دو حرف B و G را بکار برده است . که حرف B از آن دستبند و G از آن بازوبند است (شکل ۱۵۰) .

همچنین بازوبند طلای دیگری را معرفی کرده است که حلقه آن از سیمهای طلا بصورت نی بیج قلیان تائیده شده ، و نیز طبق معمول ،

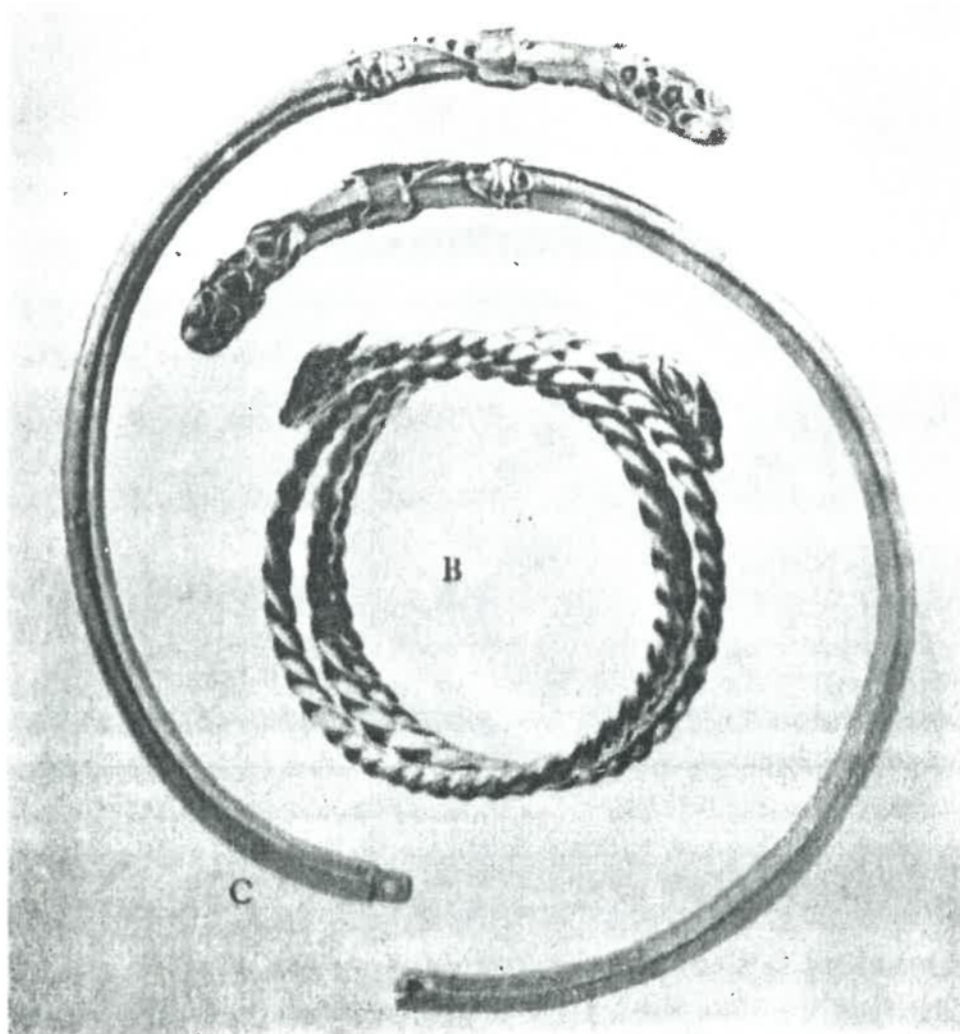


(شکل ۱۴۸) نقش شاهزاده خانمهای هخامنشی بر روی پارچه‌ای مکشوفه از پازیریک و نقش الگو بر مچ دستشان .

بر دو سر آن دو کلد شیر تعبیه شده (که گردن آنها را بمقدار زیادی زینت سازی کرده‌اند) . قطر این بازوبند را (۱۲) سانتیمتر داده و نوشته است که در موزهٔ بریتانیا نگهداری میشود (شکل ۱۵۱) .

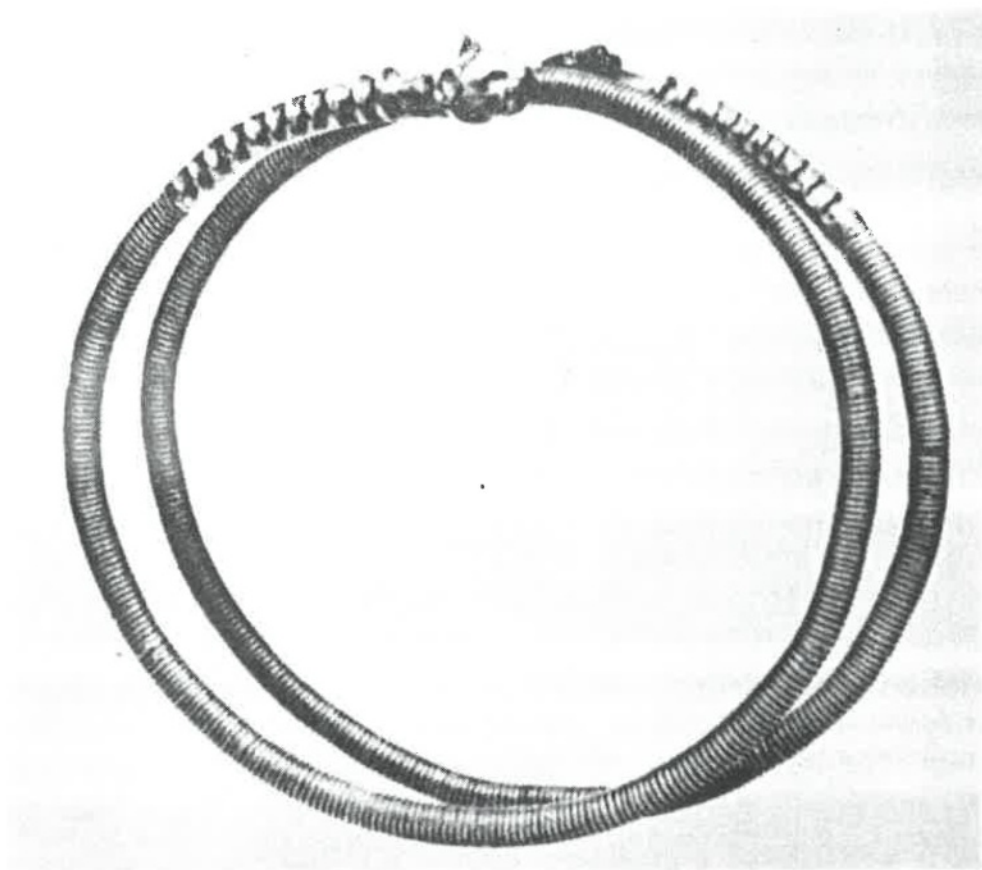


(شکل ۱۴۹) نقش شهبانوئی هخامنشی - پارسی بر مهر آندوره (که النگوهایش بر مچ دستش نمایان است) .
برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .



(شکل ۱۵۰) بازوبند و دستبند طلای دوره هخامنشی (که اولی با علامت C نشان داده شده و در موزه ارمیتاژ نگهداری میشود و دومی با علامت B ارائه شده و در موزه بریتانیا نگهداری میشود).

بازوبندی دیگر از طلا (که از گنجینه‌های جیحون است)
و منتسب به هنر هخامنشی میباشد ، پوپ و کریستی ویلسن و دیگر محققان
ارائه داده‌اند . دو سر این بازوبند (که قسمت پائین آن منحنی است)



(شکل ۱۵۱) بازوبند طلای دورهٔ هخامنشی (که در موزهٔ بریتانیا نگهداری میشود). برداشته از مجلد هفتم کتاب «نظری بپنرهای ایران» پوپ.

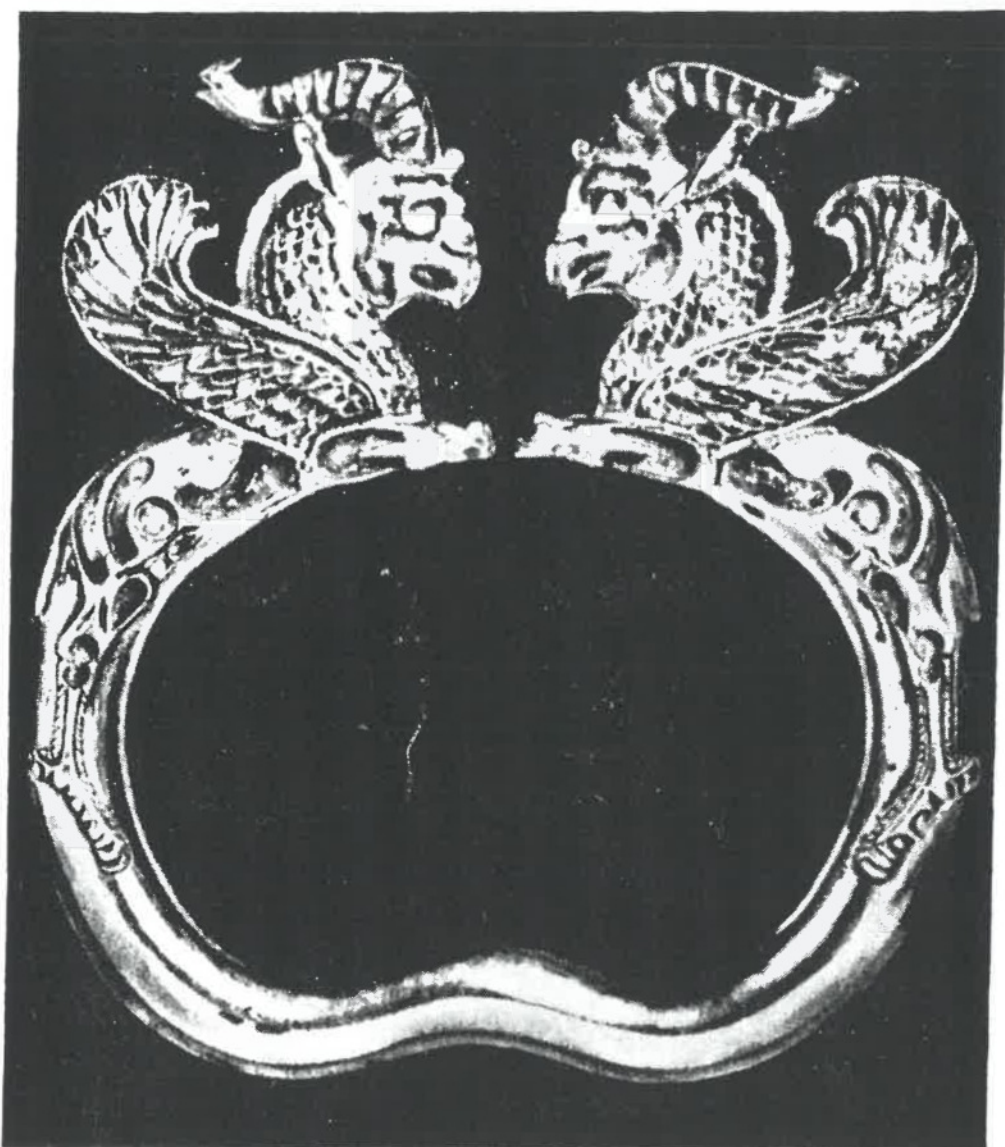
از دو حیوان افسانه‌ای (با صورت عقاب ولی شاخدار، و بدن حیوان بالدار ولی با پنجهٔ عقاب - که مقابل همدیگر ایستاده‌اند) ساخته شده، و دارای هیبت فوق‌العاده میباشند. پوپ، این بازوبند را در مجلد دوم کتاب (نظری بپنرهای ایران) خود، بسدهٔ پنجم پیش از میلاد بستگی داده و نوشته است که در موزهٔ ویکتوریا البرت نگهداری میشود. قطر این بازوبند (۱۲) سانتیمتر داده شده است (شکل ۱۵۲).

شبهه این بازوبند را (با اندکی اختلاف در وضع حیوان افسانه‌ای در نقش برجسته‌ای از تخت جمشید در ردیف پیشکش‌آوردگان ، در راه پله شرقی کاخ آپادانا ، در دست مرد آشوری میتوان دید (شکل ۱۵۳) .

گردن‌بندهای متعددی از همدان و پارساگاد کشف شده است که بعضی‌ها را محققان در کتاب خود عرضه کرده‌اند و مقداری نیز در موزه ایران باستان تهران موجود است ، و همه متناسب بدوره هخامنشی میباشند .

آنها که در موزه ایران باستان نگاهداری میشوند عبارتند از :
گردن‌بندی مرکب از شیشه و طلا (که طلاها بشکل مهره‌های بشکه‌ای بوده ، و مهره‌های بزرگتری از شیشه میان هر دو مهره طلا قرار دارد . (شکل ۱۵۴) . این گردن‌بند ، از همدان بدست آمده است .

گردن‌بندی دیگر (که نیز از طلا است) از پارساگاد بدست آمده و مرکب از چهار ردیف مهره‌های ریز بشکل دانه‌های تسبیح است که پهلوی هم قرار دارند ، و در هر فاصله‌ای بوسیله یک مفتول زنجیری این چهار ردیف بهم پیوند شده‌اند . در پایین‌ترین ردیف سرهای آدمی (با کلاه ، نیم‌رخ و روبرو) آویزان است ، و برای اتصال دو سر گردن‌بند در پشت گردن از دو سر دیگر آدمی (با ریشی پهن) استفاده شده است . بند چهار ردیف مهره‌ها در زیر ریش این سرها وصل است . (شکل ۱۵۵) .

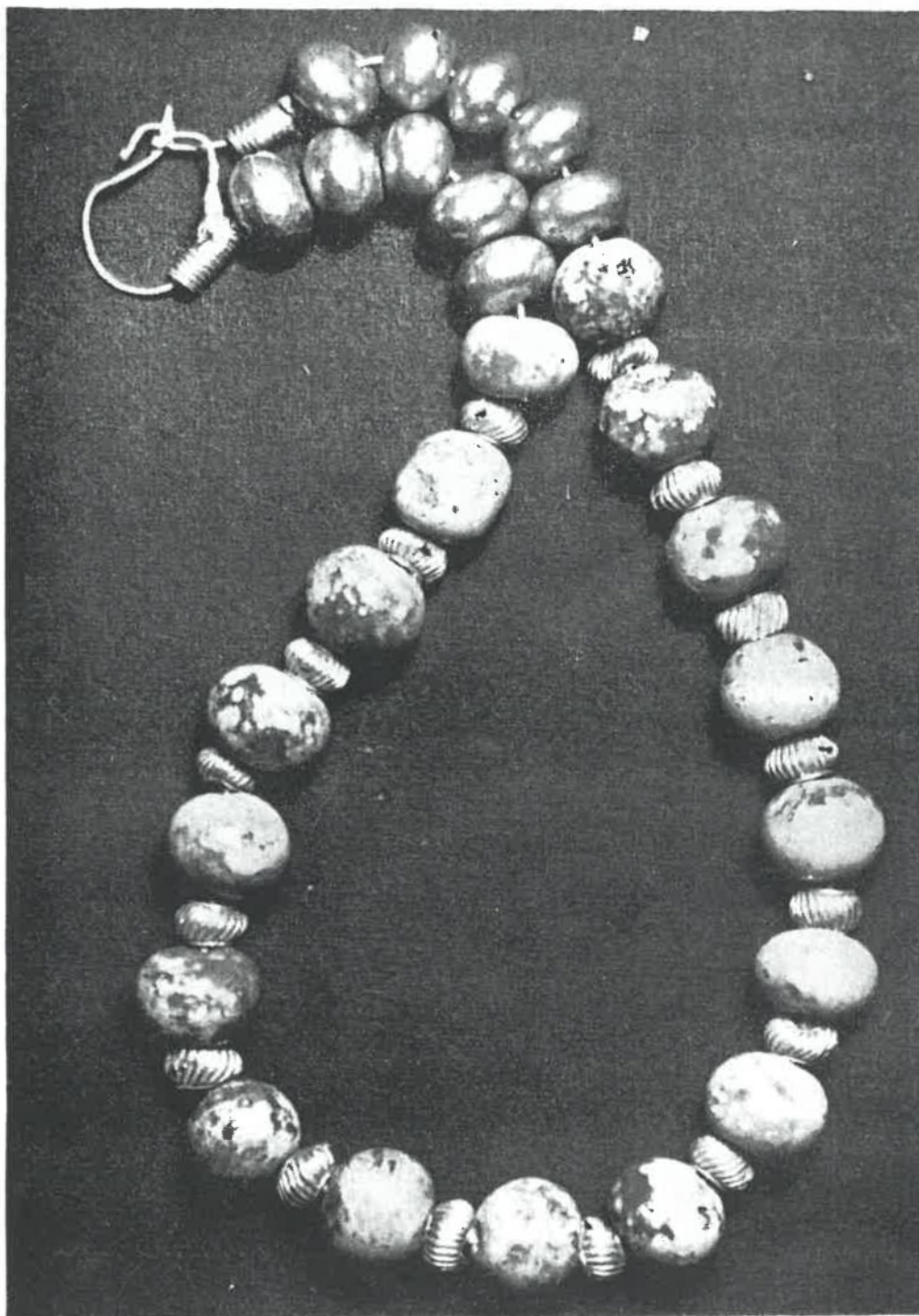


(شکل ۱۵۴) بازوبند طلای هخامنشی با قطر « ۱۴ » سانتیمتر. موجود در موزه ویکتوریا آلبرت .
برداشته از کتاب « تاریخ صنایع ایران » کریستی ویلسن .



(شکل ۱۵۳) نقش برجسته مردان آشوری در راه پله شرقی کاخ آپادانا در تخت جمشید، که بازوبندی مشابه بازوبند گنجینهٔ جیحون (در شکل ۱۵۲) را مرد وسطی در دست دارد.

.....
 گردنبندی از طلا، متشکل از ده نشان (که بفاصله در میان دانه‌های ریزی قرار دارد) از همدان بدست آمده است و، واندن برگ آنرا در کتاب خود (باستانشناسی ایران قدیم) عرضه کرده است.

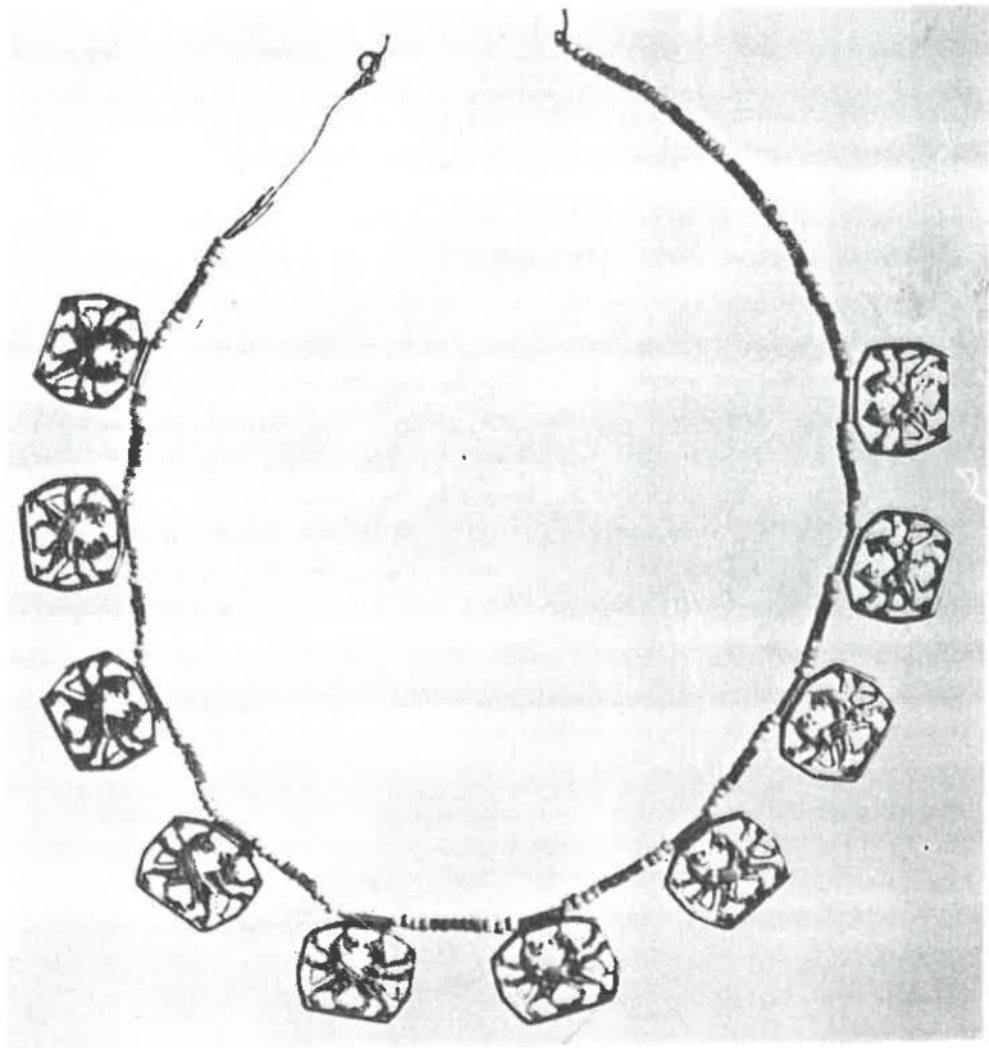


(شکل ۱۵۴) گردن بند طلا و شیشه مهره‌ای . مکشوفه از همدان . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .



(شکل ۱۵۵) گردن بند چهار ردیفه طلا (با سرهای آدمی) . مکشوفه از پارساگاد . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .

نشانه‌های این گردن‌بند ، دارای دو نقش شیر است که متقاطع ساخته شده‌اند و صورت آنها رو بروی هم است . این دو شیر ، در میان يك هشت ضلعی نامنظم جاسازی شده و زمینه آنها خالی میباشد . (شکل ۱۵۶) . بزرگشده این نشانها (که هم در کتاب هگمتانه و هم در کتاب (ایرانیان قدیم - ماد ، هخامنشی) آورده شده و در موزه



(شکل ۱۵۶) گردن بند طلای منتسب بهمدان . دوره هخامنشی . با ده نشان شیر . برداشته از کتاب « باستانشناسی ایران قدیم » واندن برگک .

ایران باستان تهران موجود است با شماره (۱۵۷) ارائه میشود . اندازه
این نشان در کتاب هگمتانه (۲۳×۲۱) میلیمتر داده شده است .

.



(شکل ۱۵۷) بزرگ‌شدهٔ نشان طلا با دو شیر متقاطع . برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی » گیرشمن .

قسمتی از يك گردن‌بند ، طلا ، در کتاب (ایران قدیم - ماد ، هخامنشی) گیرشمن ارائه شده است که سرشیرهایی با دهان باز چون آویز ، به اصل گردن‌بند وصل است . این وسیلهٔ اتصال ، حلقه‌ایست که روی آنرا با سه ردیف دانه‌های ریز طلا زینت‌سازی کرده‌اند ، و سر شیرها هر يك دارای دو شاخ است که بطرفین رفته است ، و در فاصلهٔ هر دو سر شیر ، روی رشتهٔ اصلی گردن‌بند ، دو نیمکره (که محل اتصال آنها با دانه‌های ریز جوشکاری شده) وجود دارد . گیرشمن این گردن‌بند را متعلق بسدهٔ چهارم - پنجم پیش از میلاد میداند و نسبت آنرا بهمدان با علامت ؟ آورده و نوشته است که در انستیتوی شرق شیکاگو نگاهداری

میشود (شکل ۱۵۸) .

دربارهٔ اینچنین گردن‌بندهائی ، در کتاب هگمتانه شرحی از گردن‌بندی داده شده است که از لحاظ ساختمان و شکل آویزها چنان شباهتی با گردن‌بند معرفی شده در (شکل ۱۵۸) دارد که ظاهراً بنظر میرسد در اصل ایندو گردن‌بند یکی بوده ، و این قسمت ، از گردن‌بند بزرگ و اصلی جدا شده است ؛ و بعلاوه ، گردن‌بند مشروحه در هگمتانه دارای آویز گردی در وسط میباشد :

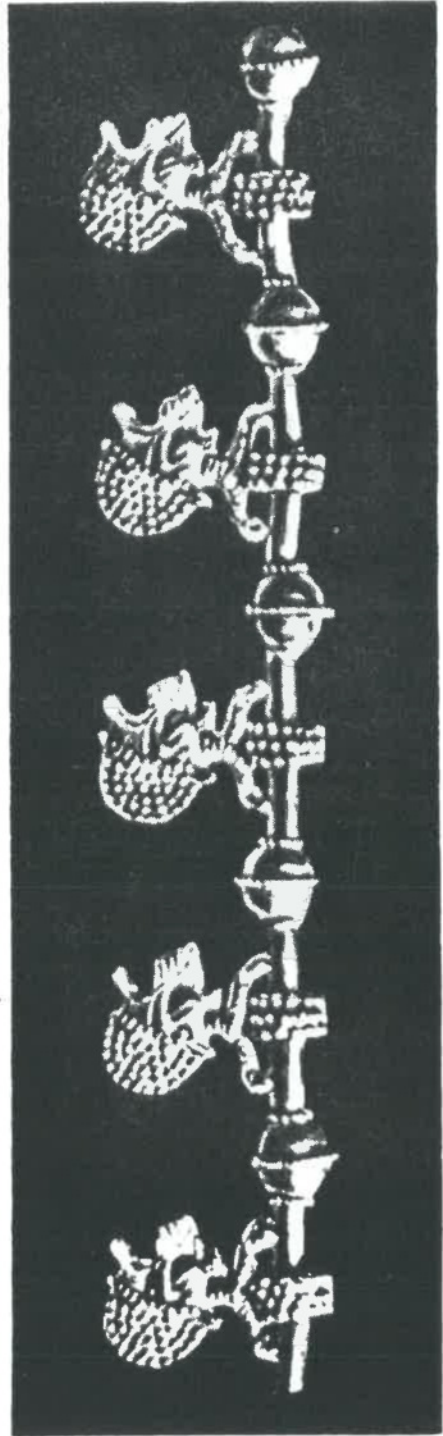
ایضاً در کتاب هگمتانه ، از دو گردن‌بند سخن رفته است که یکی ، دارای آویزهای گوناگون مرکب از : سر شیر ، بز کوهی و آویزهای گرد ، و گلابی‌شکل تو خالی (که جای دانه نشانی داشته) میباشد ، و دیگری (که دارای مهره‌های ریزی از سنگ نرم سفید است) زیورهای شبیه بشانه‌های چهار دنده دارد که خطوطی برجسته روی آنها نمایانست .

در فواصل این مهره‌ها و مهره‌های نرم مذکور ، مهره‌های کوچک گورزَه^۱ نشان از طلا قرار گرفته است .

از نشان‌ها و سنجاقهای منتسب به دوره هخامنشی ، نشانی هست که پوپ آنرا در کتاب خود (شاهکارهای هنر ایران) به آشوری -

۱ - گورزَه بر وزن بغمزَه : طبق نظر جناب آقای مصطفوی مؤلف کتاب هگمتانه اصطلاحی میان زرگران درکار قطره چکانی طلا بر روی فلزات و جوشکاری دانه‌های ریز است .

گوشن (شکل ۱۵۱) گردن بند طلای مکتوفه از همدان . با سر پنج شیر شاهسار . برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم - ماد - هخامنشی » گرشمن



هخامنشی و بصورت (یا پیش از آن) نسبت داده است ، و با اینکه قطر دایره آن (۵۷) سانتیمتر نوشته شده ، ریزه کاری ، پرکاری ، دقت و ظرافت عجیبی در آن بکار رفته است (شکل ۱۵۹) .

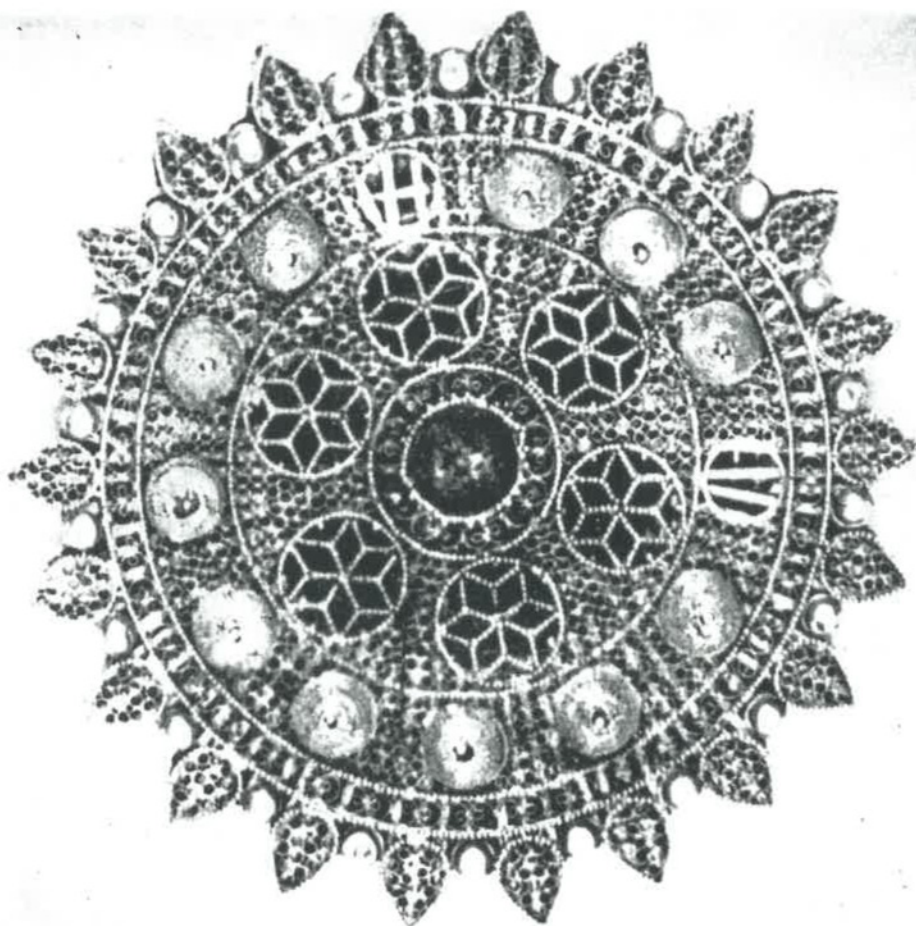
در کتاب هگمتانه نوشته شده است : که همراه با اشیاء گنجینه زر زیویه (خریداری موزه ایران باستان) ده عدد نشان وجود دارد که از آنها ، چهار نقش برجسته شیر است که پیکرشان را با نصب مفتولهای زر بر روی سطح صاف طلا طرح ریزی کرده اند .

درازی هر کدام (۳۷) میلیمتر و پهنای آنها (۲۵) میلیمتر است (شکل ۱۶۰) . گیرشمن نیز همین شیرهای طلائی را در کتاب خود (ایرانیان قدیم) عرضه نموده است .

توجه جالبی که در کتاب هگمتانه درباره این شیرها شده اینست که نوشته شده : این نقوش زر ، عموماً تزئینات حاشیه لباسهای شاهنشاهان و بانوان و بزرگان هخامنشی بوده است ، در نقوش برجسته تخت جمشید طرح همین شیرها ، بر حاشیه دامن لباس داریوش و خشیارشا مکرر ساخته شده است .

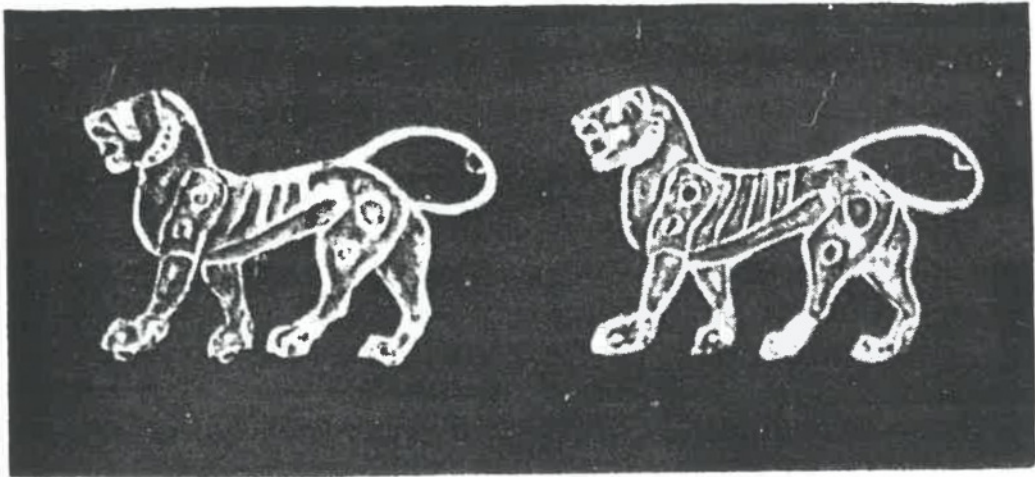
برای مزید آگاهی ، نقش شیرهای دامن لباس شاهنشاهان هخامنشی در تخت جمشید با شماره (۱۶۱) ارائه میشود .

بدنباله این گزارش ، سپس از نقش برجسته سر شیر (با این توضیح که : طرح و ساخت آن ، مانند نقوش فوق‌الذکر میباشد) شرحی



(شکل ۱۵۹) نشان طلای کنگره دار (آشوری - هخامنشی) با قطر (۵/۷) سانتیمتر. موجود در موزه هنری سین سیناتی. برداشته از کتاب « شاهکارهای هنر ایران » پوپ.

آمده ، و اندازه آن (۲۲×۲۰) میلیمتر داده شده است .
 نظایر این سر شیر مشروحه را (که در کاتالوک منتشره تالار هنر ملی واشنگتن ، بنام هفت هزار سال هنر ایران ، با اندازه « ۴۶ » سانتیمتر داده شده است) با شماره (۱۶۲) و از عکسهای اختصاصی



(شکل ۱۶۰) نشان (یا سنجاق) طلای شیر، مکشوفه از زیویه، موجود در موزه ایران باستان تهران. برداشته از کتاب «هگمتانه».

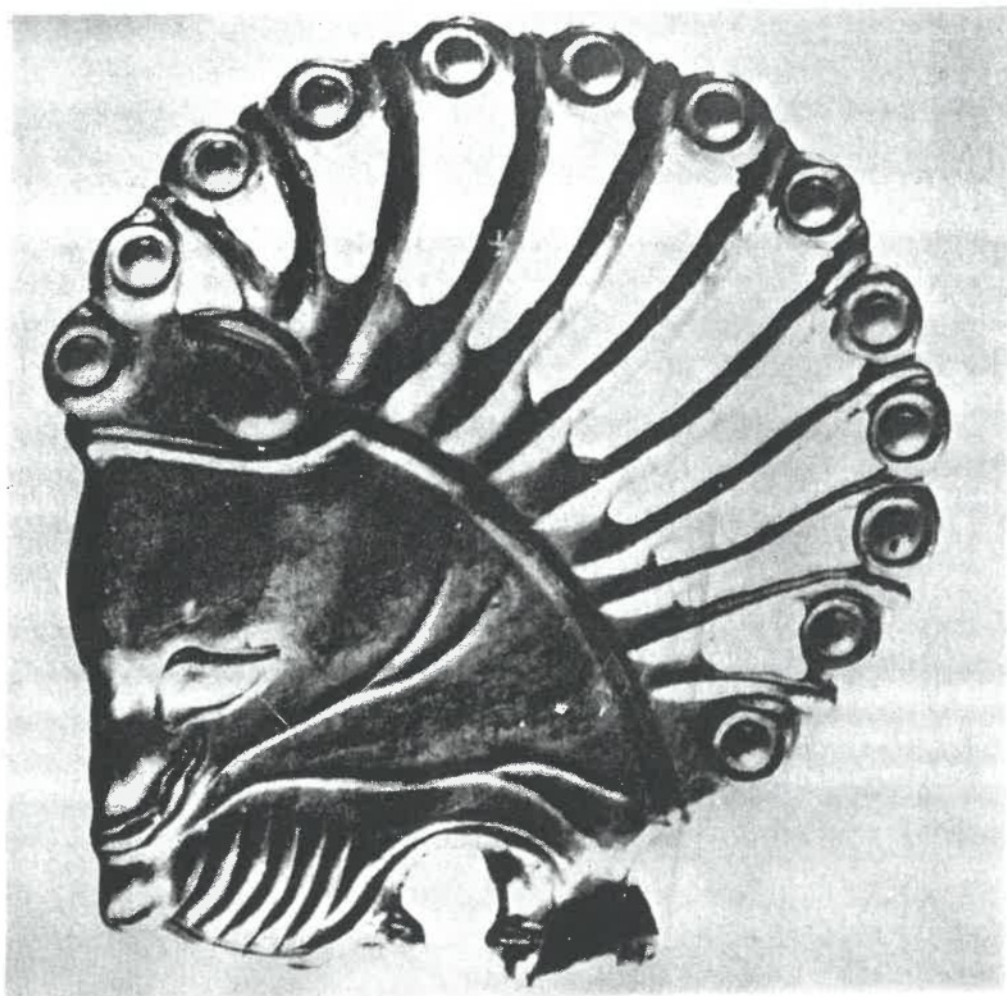
موزه ایران باستان (که دو تای آنها را با هم داده است) برای مزید آشنائی با شماره (۱۶۳) در اینجا می‌آوریم.

در موزه ایران باستان، ضمن این گنجینه‌ها دو نشان یا سنجاق گرد نیز موجود است که هر یک دوشیر پشت کرده بهم را نشان میدهد و هر دو دارای یک سر واحد میباشند، و یادآور نشان ذونقشه شکل زیویه در شماره (۵۶) است. (شکل ۱۶۴). یال شیرها (در این سر واحد) چون برگسازیه‌های دورهٔ هخامنشی، زینتی ساخته شده، و پیرامون این نشان را بشکل مفتولهای تاییده در آورده‌اند.

نشان یا سنجاق دیگری (که نیز دو شیر پشت بهم داده را نشان میدهد) در کتاب «ایرانیان قدیم» گیرشمن آورده شده است که

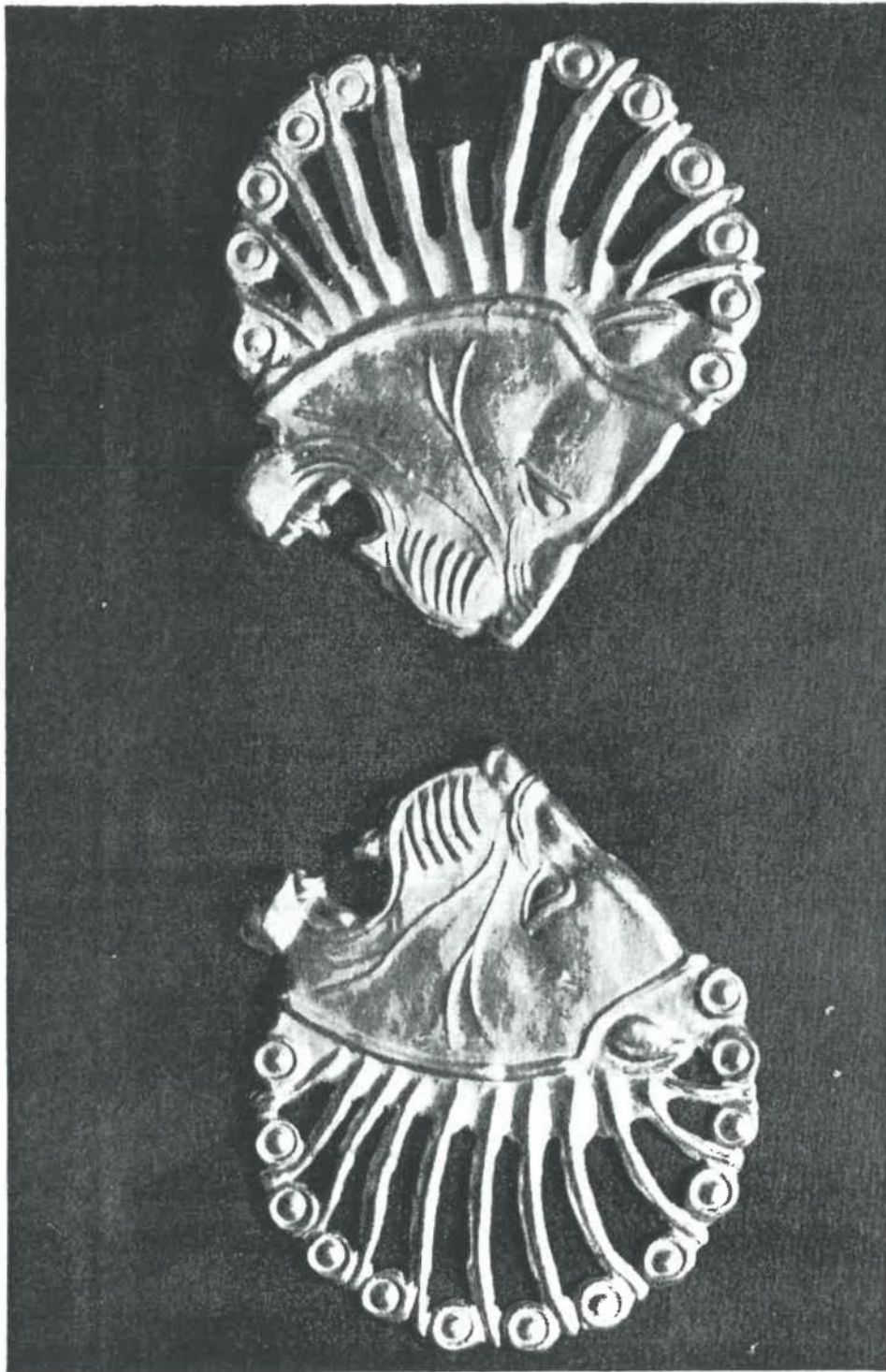


(شکل ۱۶۱) نقش شیرهای زینتی بر حاشیهٔ دامن سنقوش شاهنشاهان هخامنشی در تخت جمشید.

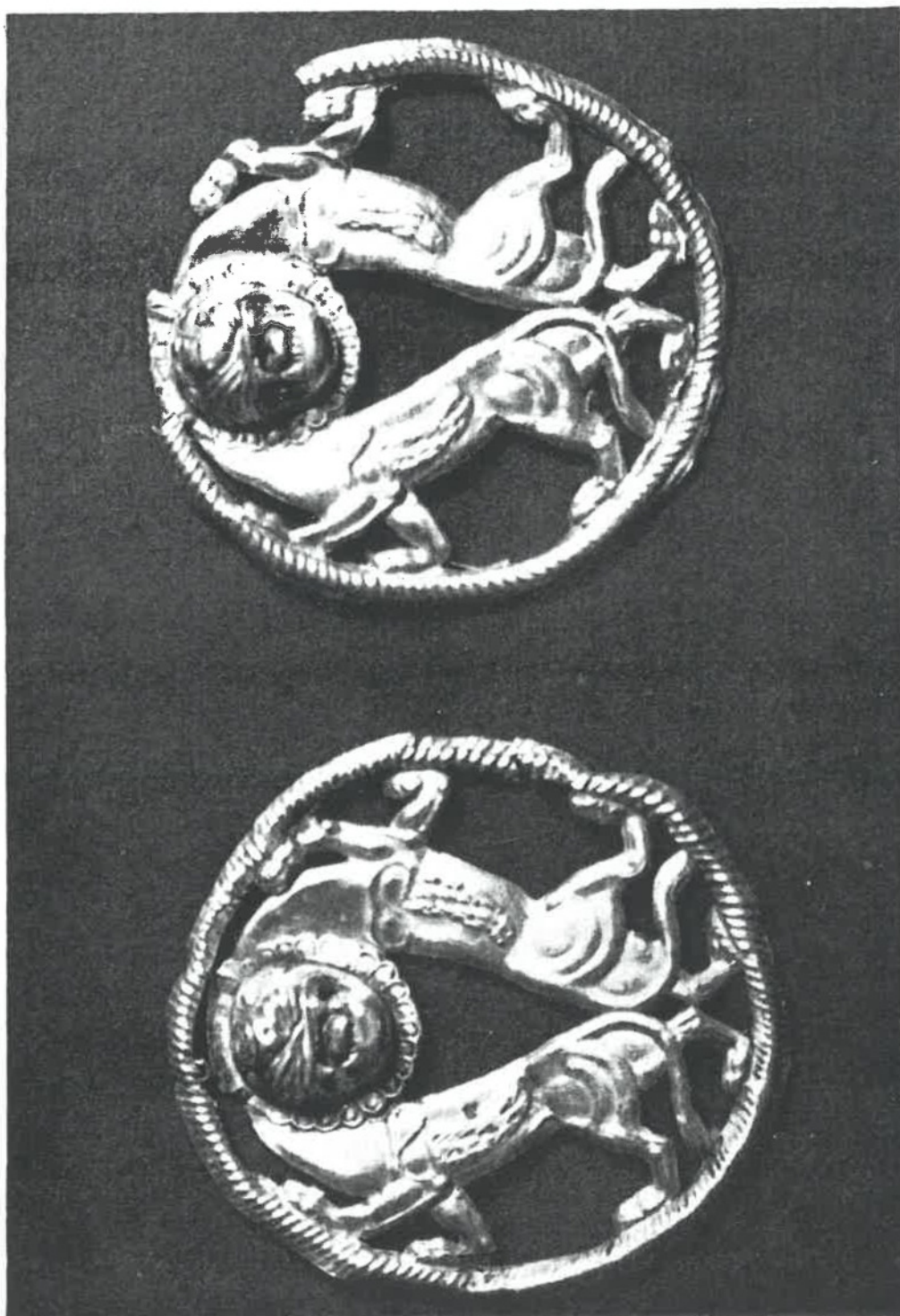


(شکل ۱۶۴) سر شیر از طلا . مکشوفه از همدان با اندازه « ۴/۶ » سانتیمتر . موجود در موزه ایران باستان تهران . برداشته از کاتالوگ منتشرهٔ تالار هنر ملی واشنگتن بنام هفت هزار سال هنر ایران .

منتسب به دورهٔ هخامنشی است . صورت این دو شیر ، مقابل هم است و دم آنها بشکل هشت لاتین (8) بهم پیوند است ، و وضع دست و پای شیرها بصورت جالبی در گردی نشان ، جا سازی شده ، و آنها را ایستاده نشان



(شکل ۱۶۳) سر شیرها از طلا . مکشوفه از همدان . موجود در موزه ایران باستان تهران . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .



(شکل ۱۶۴) سنجاق طلای مکشوفه از همدان با دو شیر (که يك سر مشترك دارند). از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .

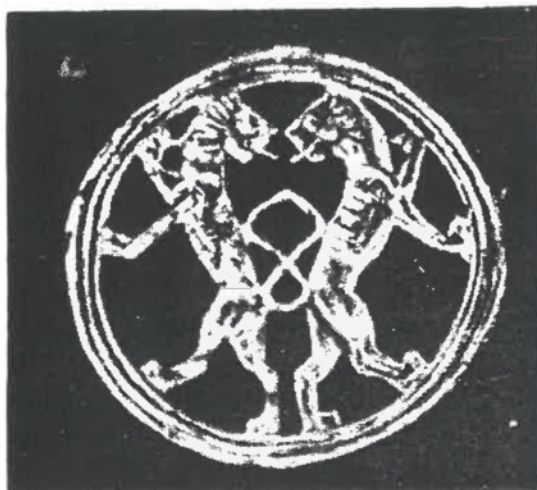
میدهد (شکل ۱۶۵) .

و بعلاوه ، در همین کتاب ، دو نشان یا سنجاق عرضه شده (که گرد است) یکی با نقشهای منحنی هندسی و مرتب زینت شده ، و دیگری ، چون سپری است که از مرکز دایرهٔ محدب آن (که چون گلی ساخته شده است) اشعه‌هایی شیاردار بسوی پیرامون کشیده شده است . شکل‌های (۱۶۶ و ۱۶۷) .

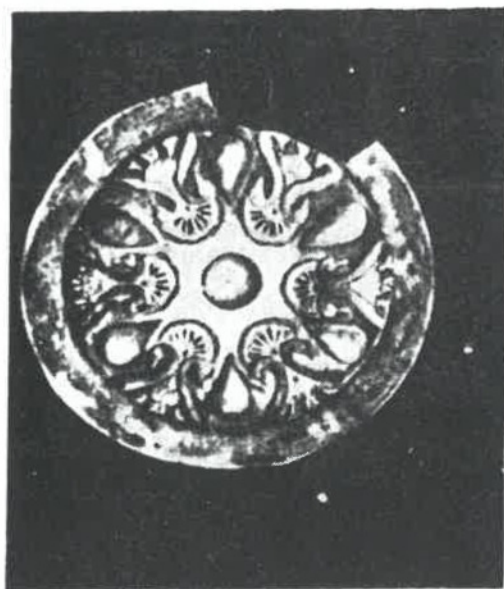
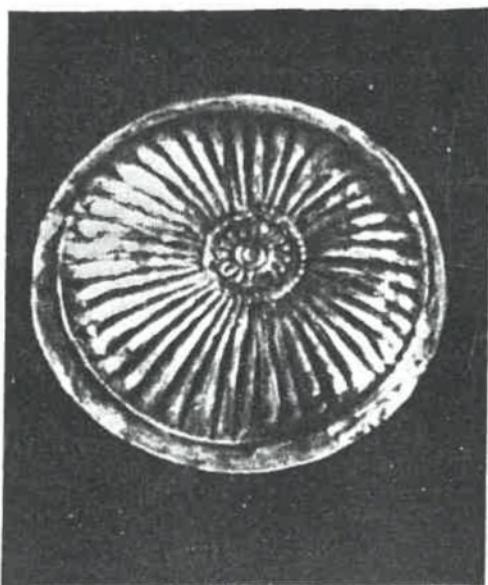
در مجلد هفتم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ ، دو نشان یا سنجاق طلا از دورهٔ هخامنشی ارائه شده است که هر دو در موزهٔ بریتانیا نگهداری میشود . یکی از آنها سنجاق گردی است که حاشیه‌ای نسبتاً پهن دارد و در امتداد اشعهٔ دایره ، شیارهایی به آن داده شده است . در وسط نشان ، شیری بالدار بطور برجسته ، جا سازی شده است که نشسته و سر و گردن را بسوی پشت نگاهداشته است . اندازهٔ این سنجاق را ، پوپ (۴۷) سانتیمتر داده است . (شکل ۱۶۸) .

سنجاق دیگر ، با همین هیئت است ولی سر حیوان بالدار بصورت انسانی است و بر انتهای بالش نیز شکل مخلوقهای افسانه‌ای تعبیه شده است .

زمینهٔ این نشان (بیرون طرح عمومی این حیوان) خالی است . اندازهٔ این سنجاق را ، پوپ (۵) سانتیمتر داده است . (شکل ۱۶۹) .



(شکل ۱۶۵) سنجاق طلای دو شیر دورهٔ هخامنشی با تم بشکل « ۸ » .



(شکل‌های ۱۶۶ و ۱۶۷) سنجاقهای طلای هخامنشی با شکل سپر و نقش و گل هندسی . برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم » گیرشمن .



(شکل ۱۶۸) سنجاق طلای « ۴/۷ » سانتیمتری دورهٔ هخامنشی با حاشیهٔ شیاردار و شیر بالدار. برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

سنجاق سینه‌ای از طلا را پوپ در مجلد هفتم کتاب (نظری بهنرهای ایران) خود عرضه کرده است که هیئت سر و کلهٔ عقاب دارد ، و گردیهای شیاردار و برجسته‌ای که در آن تعبیه کرده‌اند چون چشم بنظر میرسد ، و ساقه‌ای چون خرطوم فیل دارد که نیز شیاردار و مانند



(شکل ۱۶۹) سنجاق طلای عهد هخامنشی با شکل حیوان با سر انسان و اندازه « ۵ » سانتیمتر. برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

نی پیچ است ، و نوک این سر عقاب (که هیئت یک برگ را نیز دارد) بر روی ساقه خرطومی شکل وصل است . پهنای این سنجاق (۳) سانتیمتر داده شده ، و درموزه بریتانیا نگاهداری میشود ، و منتسب به دوره هخامنشی میباشد (شکل ۱۷۰) .

یکی از سنجاق سینه بسیار جالب دوره هخامنشی (که واندن برگ

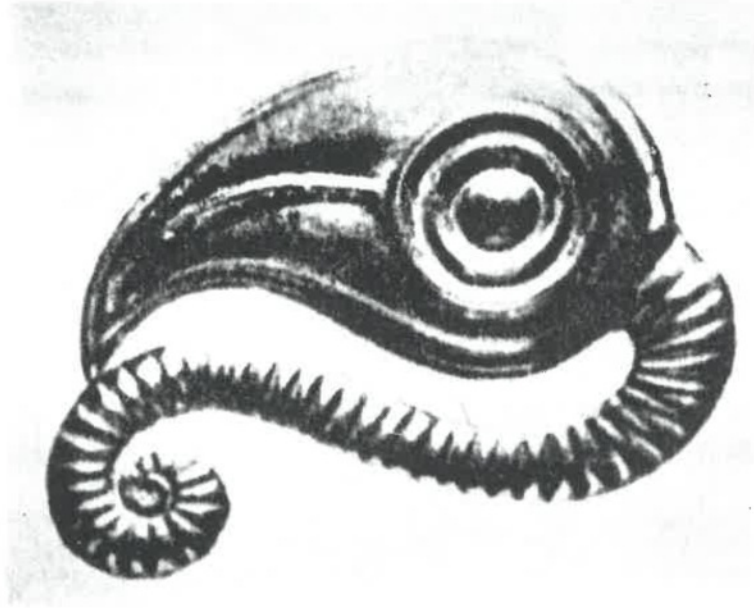
در کتاب « باستانشناسی ایران قدیم » خود ارائه داده است (سنجاقی است طلا و بشکل شاخه انار ، مکشوفه از همدان (که در کتاب هگمتانه در شرح آن آمده است که از مجموعه مارسل ویدال است و درازای آن « ۶۴ » میلیمتر میباشد) (شکل ۱۷۱) .

از مجموعه مارسل ویدال متعلق بدوره هخامنشی مقداری در کتاب هگمتانه عرضه شده است که از جمله : نشان یا سنجاق طلا ، سر بز کوهی و سر مرغی شاخدار است . همین زیورها را واندن برگ نیز در کتاب خود (باستانشناسی ایران قدیم) عرضه نموده است .

سنجاق طلای سر بز کوهی مکشوفه از همدان و منتسب به دوره هخامنشی دارای « ۲۵ » سانتیمتر بلندی میباشد (شکل ۱۷۲) .

و سنجاق طلای مرغ شاخدار نیز (که جای دانه نشانی دارد « ۱۴ » میلیمتر بلندی دارد (شکل ۱۷۳) .

در شرح نشان طلا در کتاب هگمتانه آمده است : که نشان گرد کوچکی با قطر « ۳۴ » میلیمتر است که تصویر شاهنشاه هخامنشی را در وسط نشان میدهد ، شاهنشاه ، بازوی راست خود را بالا نگاه داشته و در دست چپ گلی را گرفته ، و از میان هلال ماه برخاسته است .
حاشیه کنار نشان ، زنجیره‌ای بوده و یک‌رديف گل‌های شبیه زنبق Lotus آن را احاطه نموده است (شکل ۱۷۴) .



(شکل ۱۷۰) سنجاق طلائی با ساقه خرطومی . منتسب بدوره هخامنشی .
برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

مزیداً در توضیح این نشان آورده شده است : که در مقاله
پروفسور پوپ (مندرج در اطلاعات ماهیانه مهر ماه ۱۳۲۷) ضمن شرح
این نشان نوشته شده است که حلقه زرین ، علامت خورشید و ماه ، در وسط
شاهنشاه گل کاهو را (که علامت زندگی است) در دست داد . مفهوم
این ترکیب اینست که : شاه مرکز ثقل کائنات است .

.....

از میان طوقهای دوره هخامنشی ، طوقی را پوپ در مجلد
هفتم، کتاب خود (نظری بهنرهای ایران) عرضه کرده است که از

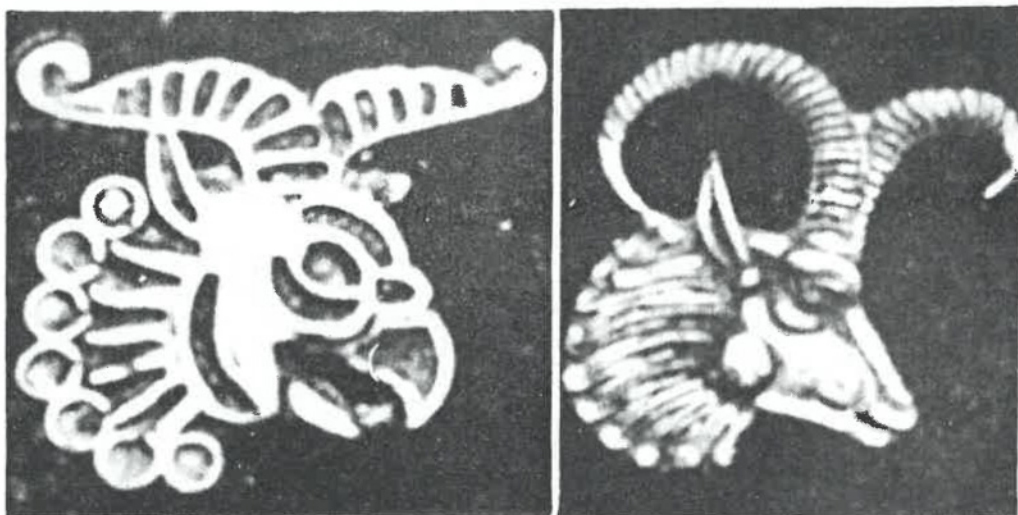


(شکل ۱۷۱) سنجاق طلای شاخه انار . مکئوفه ار همدان . منتسب بدوره هخامنشی . برداشته از کتاب « باستانشناسی ایران قدیم » واندنبرگ .

میلۀ طلا با دو سر حیوانی ترکیب یافته است . قطر این طوق « ۱۸ » سانتیمتر داده و نوشته است که در موزه ارمنیاز نگاهداری میشود . (شکل ۱۷۵) .

طوق طلای دیگری در مجلد هشتم سلسله کتاب (خاطرات هیئت فرانسوی) عرضه شده است که در میان آن مقداری زیورهای دیگر : چون (زنگوله ، دگمه و حلقه‌های کوچک زینتی ، کبوتر و سگ از طلا) نشان داده شده است . این طوق طبق معمول دارای دو سر حیوان است و تا مقداری از گردن این دو سر را با نقش‌هایی برجسته زینت کرده‌اند ، و خود حلقه طوق ، مانند نی‌پیچ قلیان ساخته شده است . (شکل ۱۷۶) .

از نوع طوق‌های نی‌پیچی (که ارائه گردید) در نقوش برجستۀ تخت جمشید بر گردن مردان مادی و پارسی (و بر مچ دست آنها نیز



(شکل‌های ۱۷۲ و ۱۷۳) سنجاق‌های سر بز کوهی و مرغ شاخدار . مکشوفه از همدان . برداشته از کتاب « باستانشناسی ایران قدیم » واندن برگ .

النگوهائی (دیده میشود . ازینرو دو نقش برجسته از تخت جمشید را برای مزید آشنائی و آگاهی در اینجا با شماره‌های (۱۷۷ و ۱۷۸) می‌آوریم .

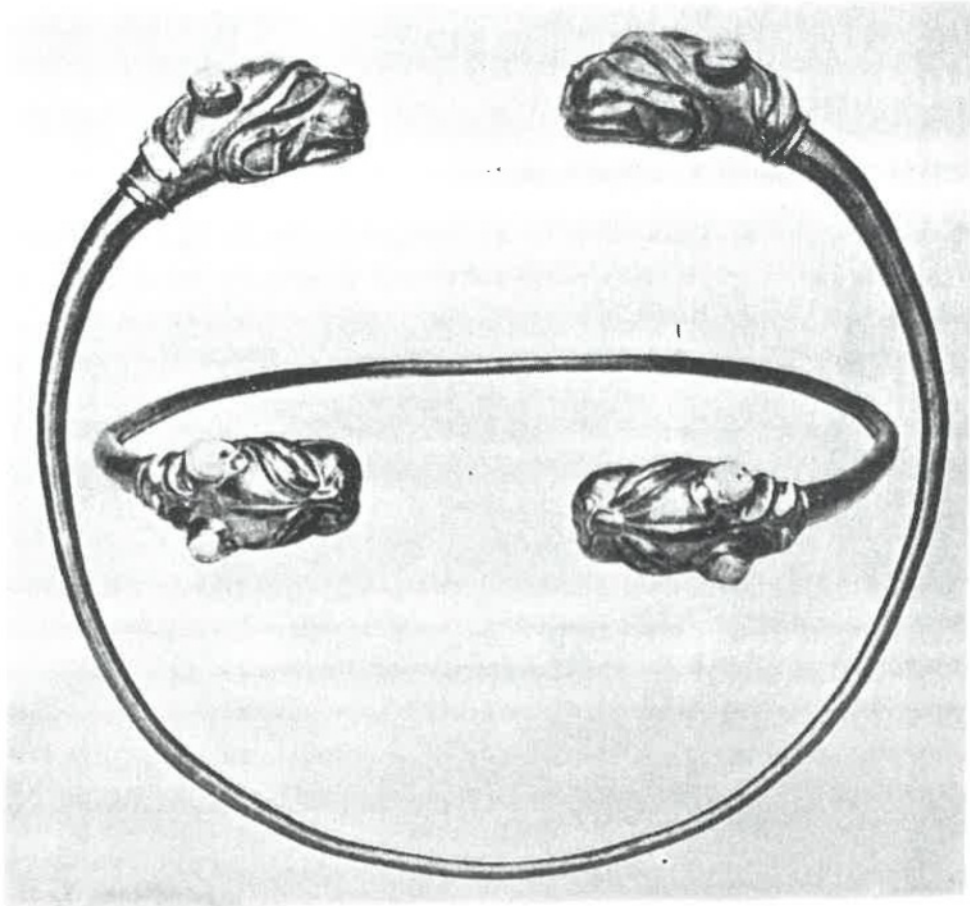
از میان زیورهای طلای دورهٔ هخامنشی ، مقداری زنگوله نیز هست که در کتاب هگمتانه مورد استعمال و مصرف آنها ذکر شده ، و در شرح دقیق آنها ، چنین نوشته شده است :

« ۳۳۳ » عدد زنگ کوچک طلا است که ظاهراً در طرف داخل و پائین دامن لباس یا در نزدیک لبهٔ شلوار یا در محل‌های دیگر لباس بانوان



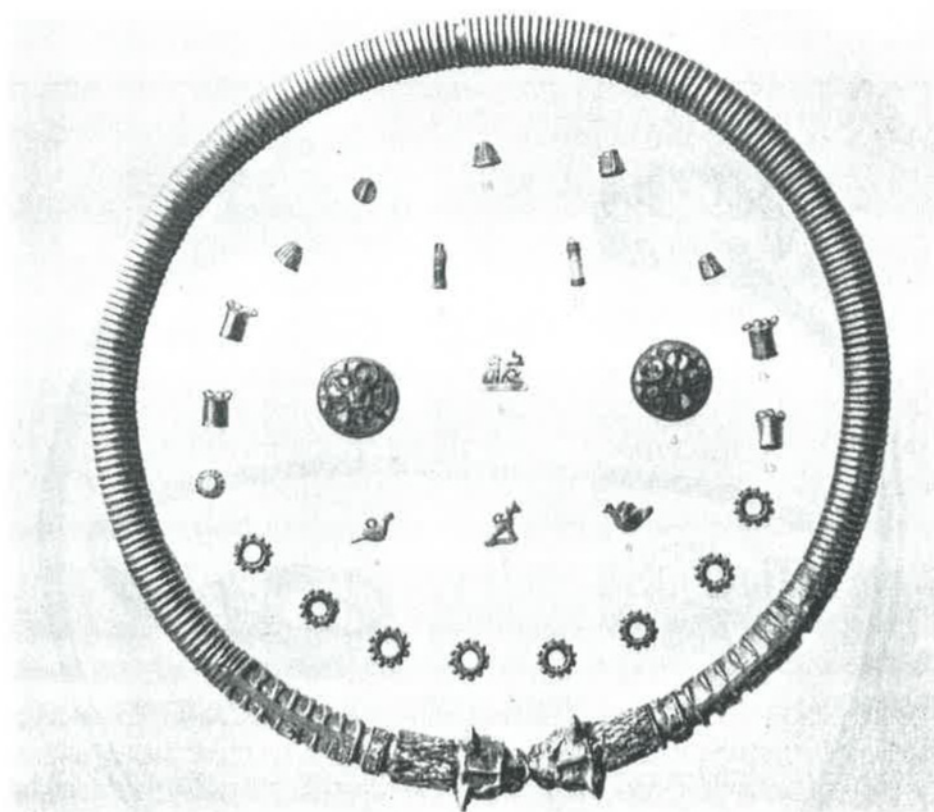
(شکل ۱۷۴) نشان طلای دورهٔ هخامنشی که شاهنشاه را برخاسته از ماه نشان میدهد. مکتوفه از همدان با قطر « ۳۴ » میلیمتر. برداشته از کتاب: « باستانشناسی ایران قدیم » واندن برگ.

میدوخته‌اند، و هنگام راه رفتن، صدای آهستهٔ آنها بر تجمل و زینت صاحبان لباس می‌افزوده است. تنها یکی از این « ۳۳ » زنگ دارای آویز است، و با حرکت دادن آن، صدای خفیف و مطبوعی شنیده میشود. بالای دو عدد آنها هم حلقهٔ کوچک (جای دوختن زنگ را به لباس) دارد. آویز و حلقهٔ بقیهٔ زنگها از بین رفته است. طول این زنگها مختلف است. طول آنکه آویز دارد « ۱۲ » میلیمتر و پهنای متوسط پائین آنها « ۷ » میلیمتر میباشد (شکل ۱۷۹).



(شکل ۱۷۵) طوق طلای دوره هخامنشی . با قطر « ۱۸ » سانتیمتر . با میله باریک و سر دو حیوان (شبه سگ) . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

علاوه بر زیورهای (که پوپ ارائه داده است ، دو زیور دیگر را نیز در کتابهای (نظری بهنرهای ایران و شاهکارهای هنر ایران) عرضه کرده است . یکی از آنها پیشانی بندی از طلا متعلق به دوره هخامنشی است ،



(شکل ۱۷۶) طوق طلای ماریچی با زیورهای متعدد عهد هخامنشی. برداشته از مجلد هفتم کتاب «خاطرات هیئت فرانسوی».

و دارای نقوش پرندگان است، و بخش بالای آن نیز کنگره دارد. اندازهٔ این پیشانی بند را پوپ در کتاب (نظری بهنرهای ایران. مجلد هفتم) ۱۱ سانتیمتر داده، و نوشته است که در موزهٔ بریتانیا نگاهداری میشود (شکل ۱۸۰).

زیور دیگر را پوپ در کتاب (شاهکارهای هنر ایران) گیره



(شکل ۱۷۷) نقش برجسته دو مرد پارسی و مادی در تخت جمشید با طوق و انگوهای آنان .

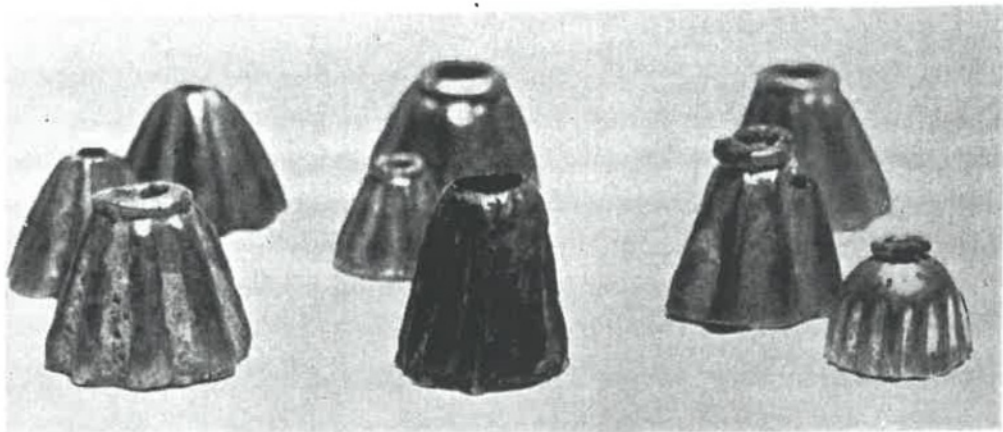
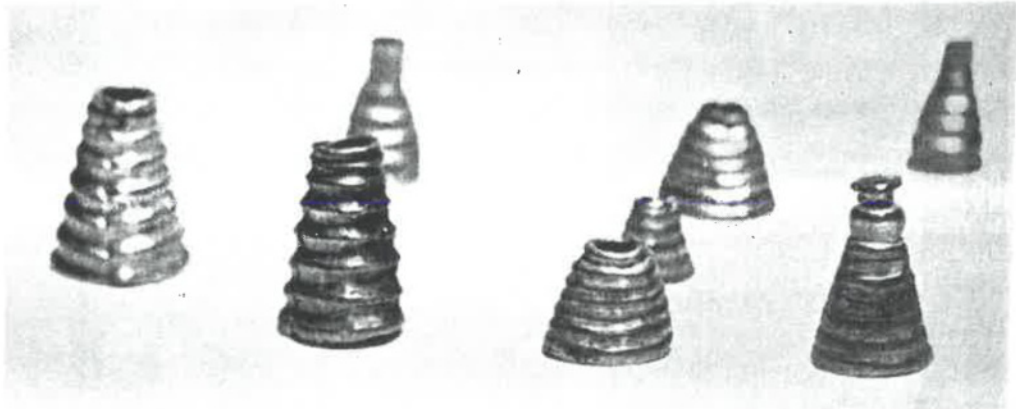
کمر بند کهنه کاری شده از دوره هخامنشی با طول (۲۰) سانتیمتر داده است . ولی گیرشمن آنرا يك پلاك پيشانی (يا پيشانی بند) نوشته و در کتاب (ایران قدیم - ماد ، هخامنشی) آنرا از زمرة مکشوفه های لرستان و متعلق به سده هفتم - هشتم پیش از میلاد معرفی کرده و از مجموعه خصوصی در نیویورک آورده است .

بهر جهت شکلی را که گیرشمن ارائه داده با شماره (۱۸۱)

آوردیم .



(شکل ۱۷۸) دو نقش برجستهٔ دیگر از مردان مادی و پارسی با طوق (و النگو بردست مرد مادی) در تخت جمشید. این مردان گوسواره نیز در گوش دارند.



(شکل ۱۷۹) زنگوله‌های طلای مکشوفه از همدان . موجود در موزهٔ ایران باستان . از عکسهای اختصاصی موزهٔ ایران باستان .



(شکل ۱۷۸۰) پستانی بند طلایی کنگره دار دوره هخامنشی . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بیژرهای ایران » یوب .



(شکل ۱۷۸۱) پستانی بند نقره‌ای و کهنه کاری شده با نقش حیوانات (سجده، بنگار) مکشوفه از لرستان . برداشته از کتاب « ایرانیان قدیم - یاد - هخامنشی » گریسن .

درباره زیورهای منتسب به دوره اشکانی



(شکل ۱۸۲) گوشواره طلای مکشوفه از نیپور (در بین‌النهرین) با دو آویز
بشکل هویج . منتسب بدوره اشکانی . متعلق بسده سوم پیش از میلاد . موجود
در موزه دانشگاه فیلادلفیا . برداشته از کتاب « اشکانی ساسانی » گیرشمن .

شمال ایران را دربر گرفته و جذب کرده است .

و سپس ، نوشته است : مجموعه صفحات كوچك استخوانی كنده کاری شده مكشوفه در « الویا » Olvia (مستعمره یونانی واقع در کنار دریای سیاه) و همچنین جواهرات و مهرها و مسكوكاتی را كه تصویر پادشاهان پارت بر آن منقوش است ، جزو آثار هنری بایدشان شمرد .

بهر جهت ، در بخش اشکانیان كتاب ایران باستان ، مطلبی درباره زیور ملکه نوشته شده است كه باعث مزید آگاهی در احوال زنان و نوع زیورهای مورد استفاده آنانست :

ملکه ، از حیث مقام خیلی پست تر از شاه نبوده است . تاج یا نیمتاجی بر سر میگذاشته ، و گردن بندهای متعدد بكار میبرده است . ولی اشیاء ملکه ، ظریفتر و قشنگتر از جواهرات شاه بوده است .

کریستی ویلسن ، در صفحه « ۹۷ » كتاب « تاریخ صنایع ایران » خود ، تحت عنوان (آرایش و زینت اشکانیان) نوشته است :
 كه اشکانیان ، مانند اسلاف خود در ایران ، بلباس مدی ملبس بوده ، و شلوار گشاد می پوشیده اند .

تصویر پادشاه و ملکه (كه روی دیوار كوه خواجه در سیستان نقش شده است) آنها را با زینت آلات زیادی نشان میدهد كه بعضی از طلا ساخته شده و با احجار کریمه زینت یافته است .
 در كاوشهای سلوكیه ، مقداری از این زینت آلات پیدا شده كه

نمونه‌های آنرا در موزه ملی بغداد میتوان دید .

.....

حال ، اگر مطالب کافی درباره زیورهای دوره اشکانی در دست نداریم ، مقداری زیور مکشوفه بوسیله محققان و باستانشناسان ، از این دوره ارائه شده است که برای مزید آگاهی و آشنائی در این کتاب می‌آوریم .

.....

از حفاری با ارزشی که بوسیله مهندس علی حاکمی (رئیس هیئت حفاری علمی باستانشناسی در گیلان) در سال ۱۳۴۶ بعمل آمد ، از ناحیه جوبن رستم‌آباد مقداری زیور منجمه گوشواره طلای دوره اشکانی بدست آمد که بسیار جالب و در نوع خود بی‌نظیر میباشند و « ۵ » عدد آنها در اینجا معرفی میشوند :

.....

گوشواره‌ایست هلالی شکل (با چفت و بست) که روی این هلال سه برجستگی بمنظور دانه نشانی تعبیه شده ، اطراف این برجستگی‌ها با دانه‌های گرد طلا زینت شده است . در پائین هلال سه گلوله بزرگ و در زیر آنها گلوله‌ای دیگر متصل بهم هست که هر یک دارای گلوله‌های کوچکی از طلا ، چون خوشه انگورند . آخرین خوشه که بمنزله آویز است بلندتر میباشد (شکل ۱۸۳) .

.....

گوشواره دیگری است ، با همین گونه هلال و بدون برجستگی‌های سه‌گانه که گلوله‌های پائین هلال ، کوچکتر و با خوشه‌انگوریهای کمتر



(شکل ۱۸۳) گوشواره طلای دوره اشکانی با سه گلوله بزرگ و گلوله های کوچک خوشه انگوری .
مکشوفه از جوین رستم آباد گیلان . موجود در موزه ایران باستان .



(شکل ۱۸۴) گوشواره طلای دوره اشکانی با آویزهای گلوله گرد و خوشه انگوری بدون سه برجستگی مذکور بر روی هلال . مکتوفه از جوین رستم آباد گیلان . موجود در موزه ایران باستان

است (شکل ۱۸۴) .

گوشواره‌ای دیگر (که نیز هلالی شکل است) دارای حلقه‌ای بلندتر است . در خط سراسر زیر هلال دانه‌های برجسته‌ای تعبیه شده و مضافاً در پهن‌ترین محل هلال نیز همین برجستگیها در امتداد خط عمود کار گذاشته شده است . در پائین هلال يك حلقه گرد ، و در پائین اين يك ، سه گلوله طلا و در پائین تر ، گلوله‌ای بزرگتر بمنزله آخرین آویز قرار دارد که در محور پائین آن ، گلوله کوچکی تعبیه شده است . (شکل ۱۸۵) .

گوشواره دیگری است با همان مشخصات (مگر که دانه‌های متصل بخط هلال پائینی ریزتر است و مضافاً در پائین‌ترین گلوله آویز سه گلوله ریزتر بعنوان آویز انتهائی تعبیه شده است) (شکل ۱۸۶) .

گوشواره پنجمی از سری مکشوفه‌های جوین (که با شماره ۱۸۷ عرضه میشود) با گوشواره ارائه شده از این محل در طرح و ساختمان فرق دارد ، و چنانکه در شکل مشاهده میشود ، بعد از محل چفت و بست با مفتولهایی پیچیده شده و شکل دیگری گرفته است ، و پیش از شروع آویز ، در دو طرف آن دو گوهر نصب است ، و گلوله‌های قبلی بخط عمود و متصل بهلال ، حفظ شده است و مضافاً آویز این گوشواره ، با اینگونه گلوله‌های ترکیب شده طرح دیگری یافته است .

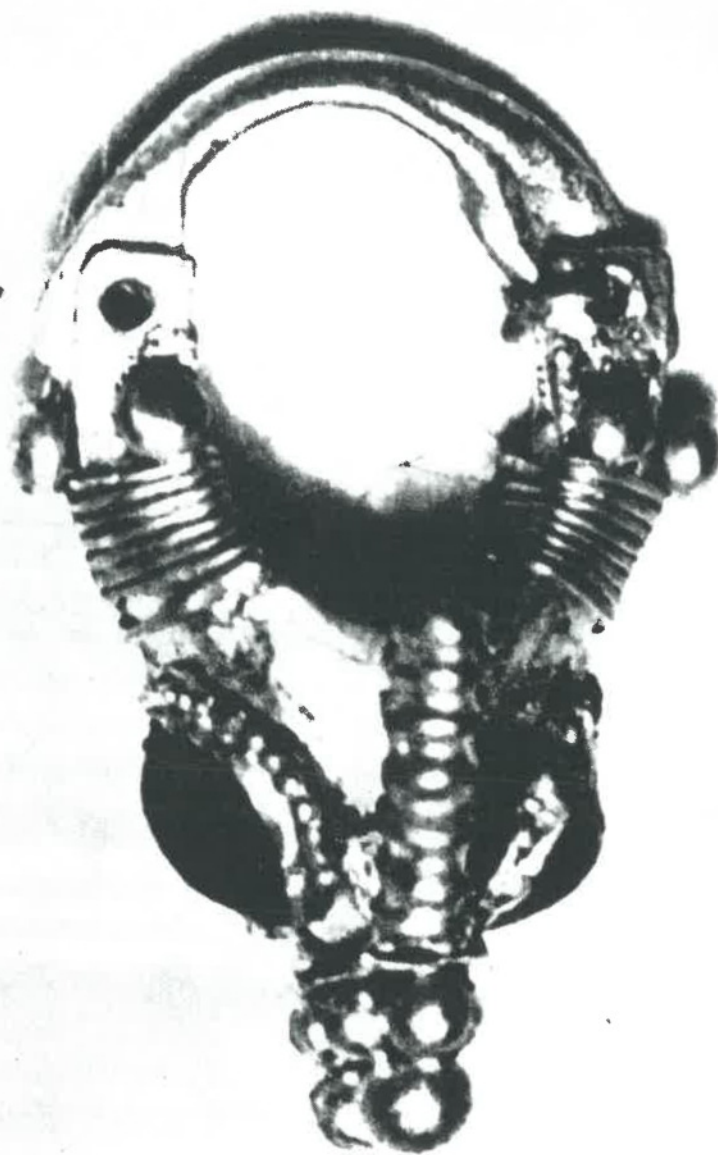
علاوه بر این آثار ، یکجفت گوشواره طلای دوره اشکانی ،



(شکل ۱۸۵) گوشواره طلای دوره اشکانی با برجستگی‌هایی بر روی خط منحنی پائین هلال و آویزی از گلوله‌های ریز و درشت. مکتوفه از جوین رستم‌آباد گیلان.



(شکل ۱۸۶) گوشواره طلای دوره اشکانی با سه گلوله کوچک در انتهای گلوله بزرگ آویز . مکشوفه
از جوین رستم‌آباد گیلان . موجود در موزه ایران باستان .



(شکل ۱۸۷) گوشواره طلای دوره اشکانی با قید مفتولی و دو گوهر بزرگ در طرفین بالای آویز .
مکشوفه از جوین رستم آباد گیلان . موجود در موزه ایران باستان .

با مساعی سیفالله کامبخش (رئیس هیئت کاوشهای علمی باستانشناسی در کنگاور) اخیراً بدست آمده است که محبت کرده قبل از انتشار ، عکس آنها را در اختیارم گذارده است ، و آن :

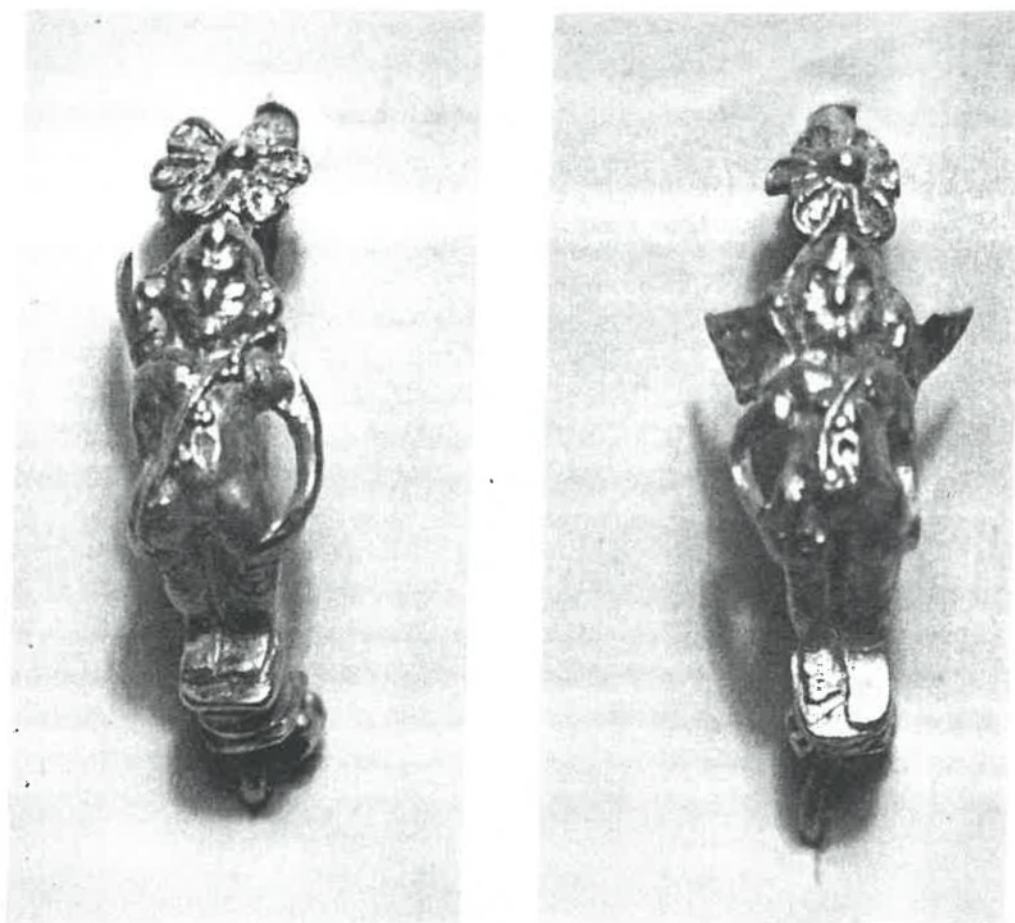
گوشواره ایست با يك حلقه ساده (که فرشته ایستاده ایرا از بالا و پائین فرا گرفته است) . این فرشتهها (چنانکه شکل رو بروی آنها نشان میدهد) دستها به پهلو زده اند و حمایلی باریک با آویزهایی از سه گردی در دو محل بر روی سینه برهنه خود دارند ، و گلی شش پر نیز بر بالای سر آنها بحلقه گوشواره متصل است . (شکل های ۱۸۸ - ۱۸۹ و ۱۹۰) .

از انواع گوشواره های این دوره ، سه جور گوشواره طلای مکتشفه از گرگان نیز هست که با شماره « ۱۹۱ » ارائه میگردد . در این شکل ، گوشواره ای با آویز دگمه ای یا سپری شکل است که پیرامون این سپر با دانه های ریز طلا زینت شده است (شکل سمت راست) . دیگری گوشواره ایست کروی مزین بدانه های ریز طلا که در پائین خود زائده ای محفظه ای و سوراخدار دارد ، و از آن نیز آویزی سه گوش (متشکل از دانه های ریز طلا) آویزان است . سوی راست حلقه این گوشواره را تا مقداری با مفتول طلا پیچانده اند (شکل میانی) .

گوشواره سومی ، عبارت از حلقه ایست که در زیر آن سه حلقه در هم افتاده تعبیه شده ، و از آخرین حلقه ، نیمکره ای وصل است که بر روی آن دانه های ریز طلا را جوش داده اند . این نیمکره با مفتولی زیکزاکی شکل به نیمکره دیگری وصل است که از حلقه های متصل به آن



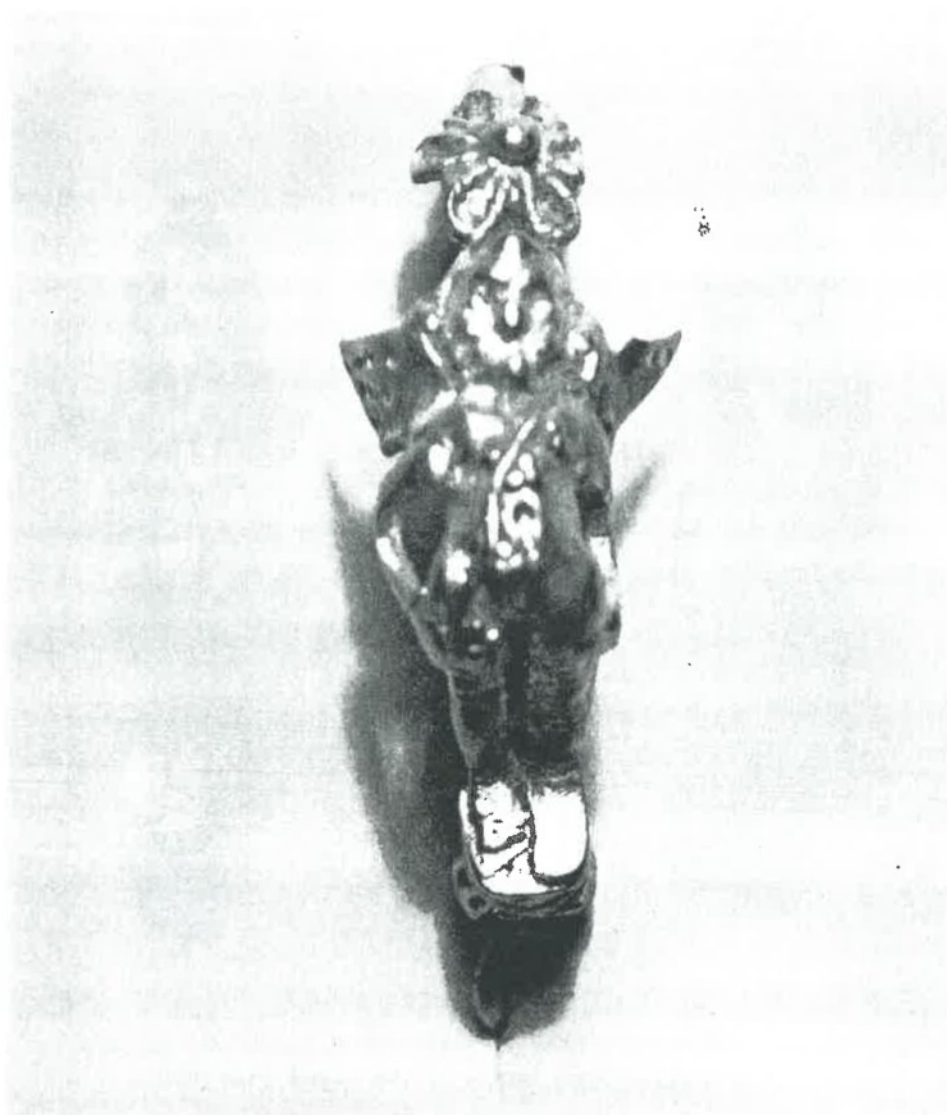
(شکل ۱۸۸) نیسرخ گوشواره طلای دوره اشکانی . با فرشته‌ایکه دست بر کمر دارد . مکشوفه از معبد آناهیتای کنکاور . موجود در موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۱۸۹) گوشواره طلای دوره اشکانی . (شکل ۱۸۸) از روبرو .

آویزهایی از صفحات کوچک طلا آویخته است (شکل سمت چپ).

پوپ ، مقداری از گوشواره‌های ایندوره را در کتاب خود
 (نظری بهنرهای ایران) آورده است که بترتیب ارائه میشوند :
 گوشواره‌ایست مکشوفه از دورا اوروپوس (حوالی بغداد)
 از جنس نقره و طلا منتسب بدوره اشکانی که در تالار هنرهای زیبای



(شکل ۱۹۰) گوشواره طلا بشماره « ۱۸۸ » که در اینجا برای بهتر دیده شدن مجسمه فرشته ، بزرگتر داده شده است .

دانشگاه یال نگاهداری میشود . اندازه این گوشواره را پوپ در مجلد هفتم کتاب خود « ۳×۵ » سانتیمتر داده است ، و چنانکه شکل آن در شماره « ۱۹۲ » نشان میدهد ، مرکب از حلقه ساده ایست که در بالا



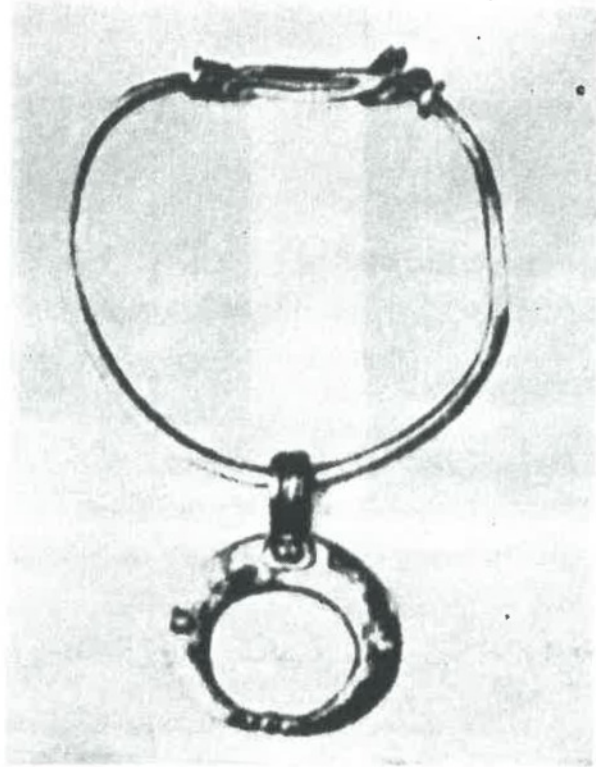
(شکل ۱۹۱) گوشواره‌های سه‌گانه مکشوفه از گرگان . منتسب به دوره اشکانیان . موجود در موزه ایران باستان تهران .

چفت و بست دارد و در پائینش حلقه‌ای هلالی شکل و مزین بوسیله نواری آویزان است .

گوشواره دیگری است مکشوفه از دورا اوروپوس که نیز در دانشگاه یال نگاهداری میشود حلقه نازکی با آویزگرد با زیوری در وسط و آویزهائی خوشه انگوری دارد که با شماره « ۱۹۳ » ارائه میگردد . (شکل ۱۹۲) گوشواره مکشوفه از دورا اوروپوس با آویز

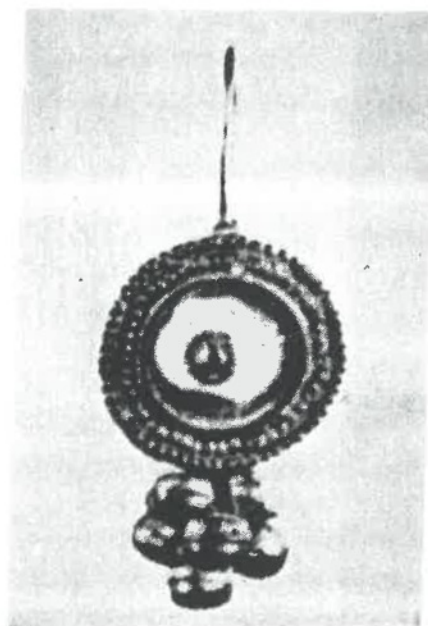
علاوه بر این گوشواره‌ها ، پوپ گوشواره‌هایی از این دوره را در مجلد هفتم همین کتاب خود ارائه داده است که همه آنها از سلوکیه بدست آمده است . از جمله آنها گوشواره‌های ظریفی است که آنها را با مقیاس چهار پنجم اصل ، در کتابش آورده و مزین به پرندگانی چون بوقلمون میباشند (شکل ۱۹۴) .

این گوشواره‌ها نقره میباشند و در موزه بغداد نگاهداری میشوند .



(شکل ۱۹۴) گوشواره مکشوفه از دورا اروپوس با آویز هلالی
شکل . برداشته از مجلد هفتم کتاب «نظری بهنرهای ایران» پوپ .

گوشواره‌های دیگر مکشوفه از سلوکیه و منتسب به دوره اشکانی عبارتند از : جفتی گوشواره طلا با اندازه « ۵٫۷ » سانتیمتر که در موزه بغداد نگهداری میشود . (شکل ۱۹۵) . این گوشواره ، بعد از حلقه گوش ، سه دگمه دارد و در پائین آنها يك بیضی بشکل دگمه برجسته دانه نشانده تعبیه شده ، و دو مهره نیز بر دو طرف این بیضی (در بخش گوشه آن) قرار دارد که بوسیله مهره‌های ریز استوانه‌ای بهم متصل‌اند . این قسمت بر روی نواری تخت قرار گرفته و چهار حلقه در زیر آن



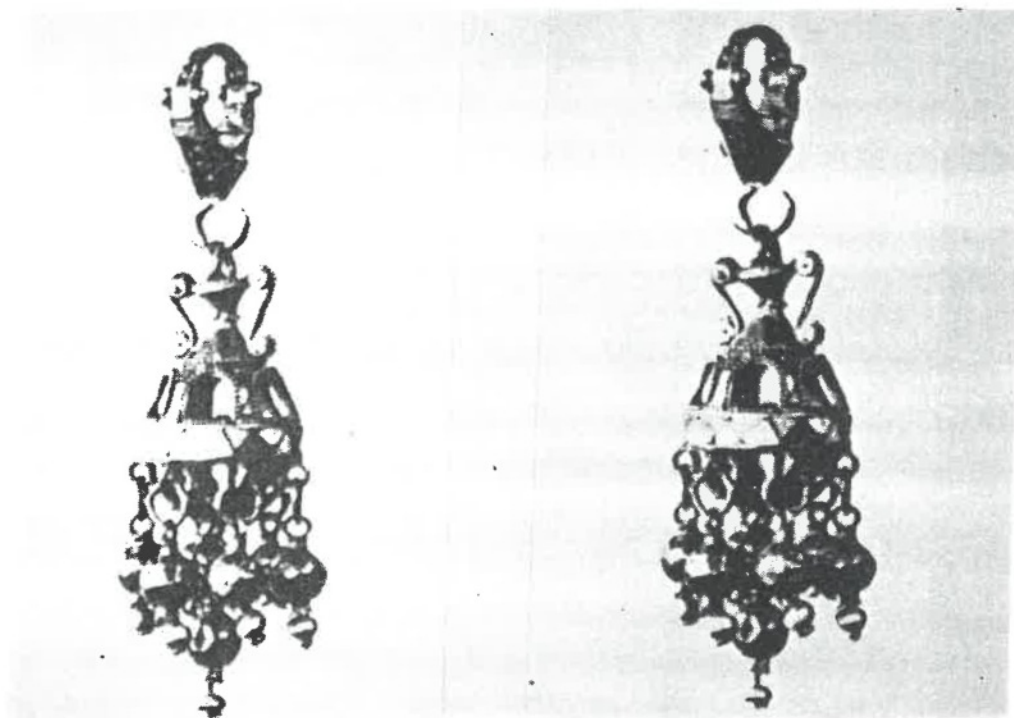
(شکل ۱۹۳) گوشواره . از مجلد هفتم یوپ . (شکل ۱۹۴) گوشواره دوره اشکانی - از سلوکیه .

ساخته‌اند که از هریک ، آویزی وصل است . این آویز ، خود میله‌ایست که تا مقداری از آن را مفتول پیچی نموده‌اند و سپس مهره‌ای در انتها قرار داده‌اند که در پائین آنها چند گلوله گرد خوشه انگوری جوش داده شده است . بزرگشده این گوشواره را بمنظور بهتر دیدن با شماره (۱۹۶) ارائه می‌دهیم .

گوشواره دیگری مکشوفه از سلوکیه و منتسب بدوره اشکانی ، گوشواره ایست با اندازه « ۶ر۵ » سانتیمتر ، که نیز در موزه بغداد ، نگاهداری میشود (شکل ۱۹۷) .



(شکلهای ۱۹۵ و ۱۹۶) گوشواره مکشوفه از سلوکیه با چهار آویز . موجود در موزه بغداد . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .



(شکل ۱۹۷) یکجفت گوشواره مکشوفه از سلوکیه . با آویزهای چنگکی . منتسب بدوره هخامنشی . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

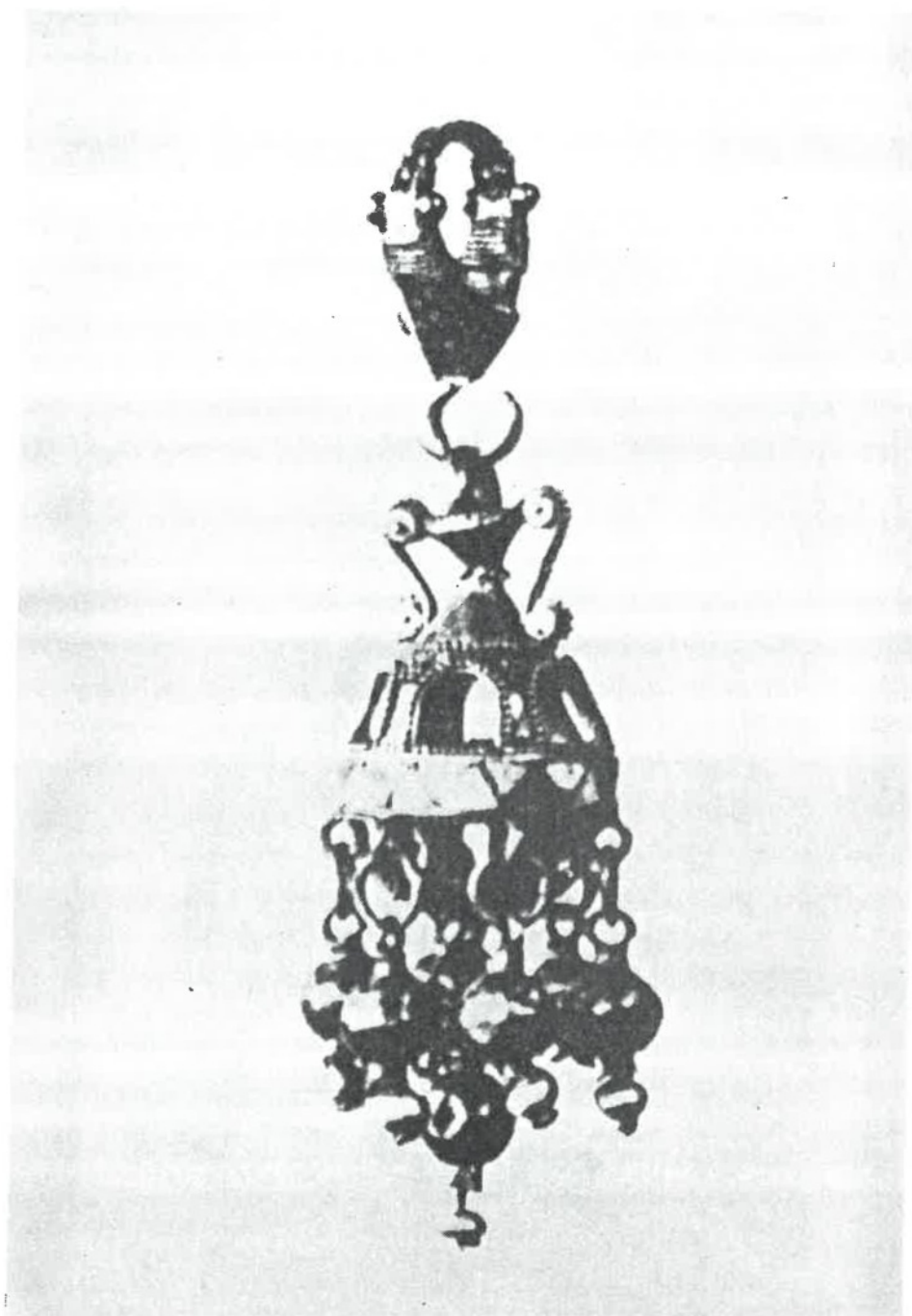
بطوریکه در عکس آن مشاهده میشود ، حلقه آن که بگوش
 آویخته میشود شباهت بسیاری به گوشواره شماره « ۱۸۷ » مکشوفه از
 جوین رستم آباد گیلان دارد .
 از بعد از حلقه دوم حلقه سومی به بدنه‌ای وصل است که بر دو طرف
 خود دو دسته دارد ، و سپس یک هیئت عمومی چون « کلاهخود » دیده میشود
 که پیرامون آن را بشکل طاق درآورده و خالی کرده‌اند ، و بعد از
 حاشیه پائین این کلاهخود مانند ، آویزهای فراوانی از حلقه‌ها و انارهای

زینتی آویخته و بر دهانه انارها نیز مهره‌هایی را نصب کرده‌اند که خود مهره‌ها، مهره‌های ریز دیگری را با خود دارند. برای بهتر دیدن شکل این گوشواره‌ها، بزرگشده آنرا با شماره « ۱۹۸ » می‌آوریم.

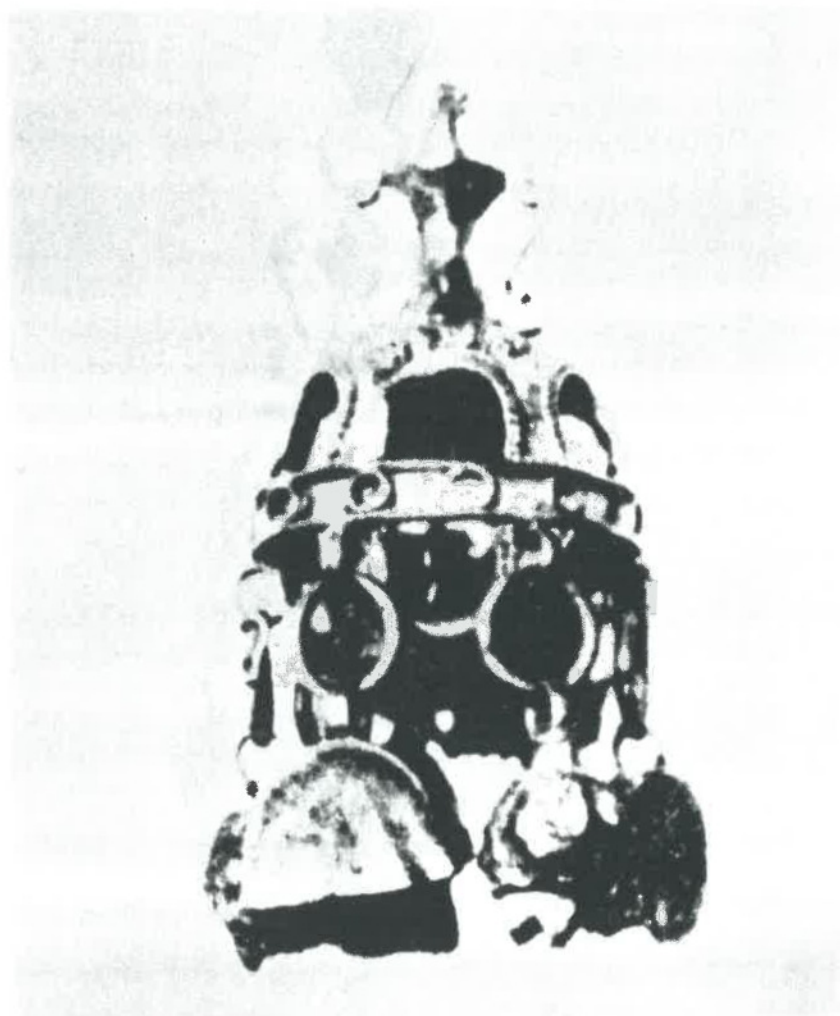
گوشواره دیگر مکشوفه از سلوکیه که در موزه بغداد نگاهداری میشود به اندازه « ۳۸ » سانتیمتر است که با شماره « ۱۹۹ » و بزرگشده آن با شماره « ۲۰۰ » ارائه میشود. این گوشواره نیز از لحاظ شباهت و شکل و شمایل، یادآور گوشواره قبلی است مگر که هیئتی کوتاهتر دارد و آویز این یک نیز (با داشتن شکل نیم بشقابی) با آن دیگری فرق دارد.

گوشواره دیگری که باید ذکری از آن بمیان آورد، همانست که با شماره « ۱۸۲ » عرضه شده است. این گوشواره طلا که از نیپور (بین‌النهرین) کشف شده و بشکل دایره میباشد، پیرامون آن از سر بیست آدمی نظیر هم ترکیب یافته که همه آنها بر پیرامون میله‌ای دایره شکل نصب میباشند، و محوطه داخلی این میله گرد با سر هشت پرند پر شد، که گردن آنها نیز بر روی گردی وسط وصل است. در بخش بالای گوشواره، بشکل یک سه گوشه جای خالی دارد که در بالا، حلقه گوشواره واقع است و سر پائین این سه گوشه بر پیرامون گردی داخلی تکیه دارد و به این طریق دو سر مرغهای بالائی را از هم جدا میکند. همچنین یک زینت گل، دوسر مرغهای پائینی را از هم جدا میسازد.

این گوشواره، دو آویز نیز بشکل هویج دارد که هر یک از



(شکل ۱۹۸) بزرگشده گوشواره مکشوفه سلوکیه . منتسب به اشکانی . در شماره « ۱۹۷ » .



(شکلهای ۱۹۹ و ۲۰۰) گوشواره مکشوفه از سلوکیه و منتسب به اشکانی باهیئت کلاهخودی
و آویز نیم بشقابی . برداشته از مجلد هفتم کتاب «نظری بهنرهای ایران» پوپ .

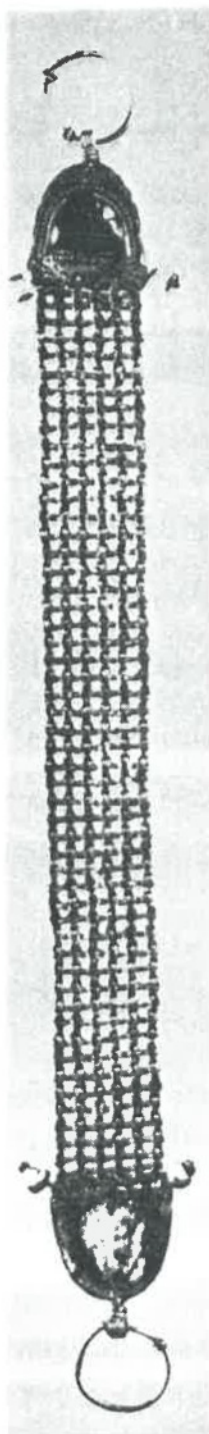
ته ، بوسیله حلقه‌ای بحلقه دیگری (که بسر دو آدمی متصل است) وصل میباشند .

این گوشواره که در موزه دانشگاه فیلادلفیا نگاهداری میشود ، منتسب بسده سوم پیش از میلاد است و اشکانی میباشد .

از دستبندهای منتسب بدوره اشکانی ، دستبندی است که از سلوکیه بدست آمده و در موزه بغداد نگاهداری میشود . این دستبند که از نوارهای بافته بهم تشکیل شده است ، در دو انتهای درازای خود (که ۱۸٫۷ سانتیمتر است) بوسیله صفحه نیمدایره‌ای بسته میشود و هر یک از اینها بر سر خود دارای حلقه‌ایست که حلقه‌ای مفتولی از میان آن گذشته است (شکل ۲۰۱) .

پوپ دستبند دیگری را در همین کتاب خود عرضه کرده است که حلقه آن از زنجیر ساده تشکیل شده و زینتی بشکل مخروط از دوسو بسر این زنجیر وصل است . این دستبند از دورا اوروپوس بدست آمده ، و در دانشگاه یال نگاهداری میشود (شکل ۲۰۲) .

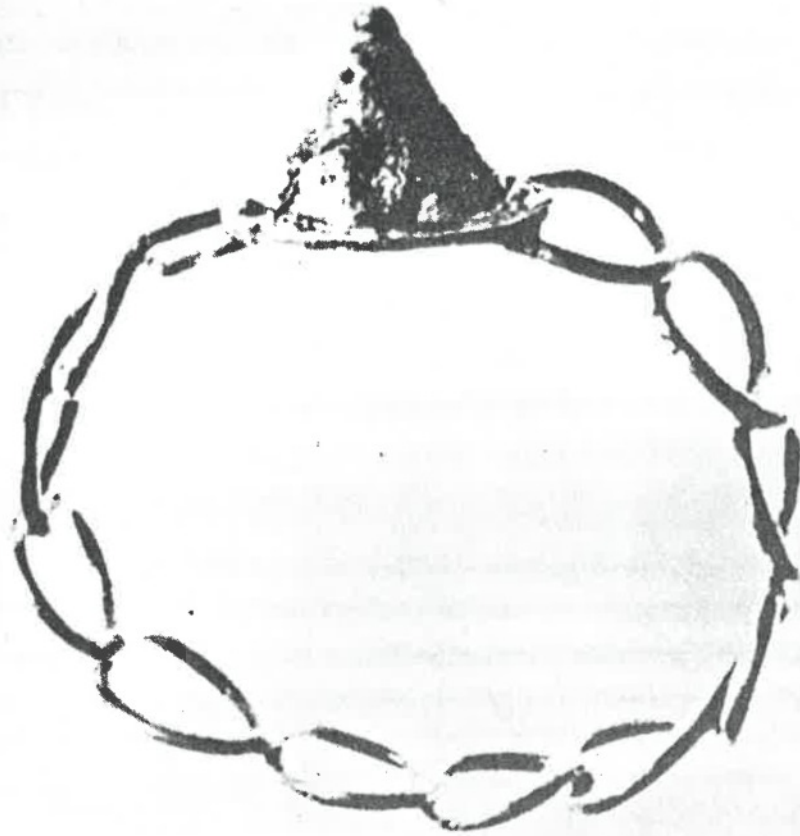
دستبند دیگر معرفی شده در مجلد هفتم کتاب پوپ نیز که از دورا اوروپوس کشف شده و ایضاً در دانشگاه یال نگاهداری میشود ، دستبندی است از میله تاییده که دو سر آن نازکتر شده و گیره‌ای چون حلقه دارند (شکل ۲۰۳) .



در مجلد هفتم کتاب پوپ ،
 دستبندی در میان يك گردن بند (که
 هردو متعلق به دوره اشکانی میباشد
 واز دورا اورویوس بدست آمده، ونیز
 در تالار هنرهای زیبای دانشگاه یال
 نگاهداری میشود) عرضه شده است
 که حلقه تاپیده دارد (شکل ۲۰۴) .

از گردن بندهایی که پوپ
 عرضه کرده است، جز آنکه در شماره
 «۲۰۴-» ارائه گردیده، گردن بندکی
 دیگری است که در مجلد اول کتاب
 خود طرح آنرا داده است، و از
 زنجیر بافته‌ای تشکیل شده که دارای
 آویزی بیضی شکل است و نقش
 ستاره‌ای هشت‌پر بر روی آن نموده
 شده است. دو سر این گردن بند که
 در پشت گردن باید بهم متصل

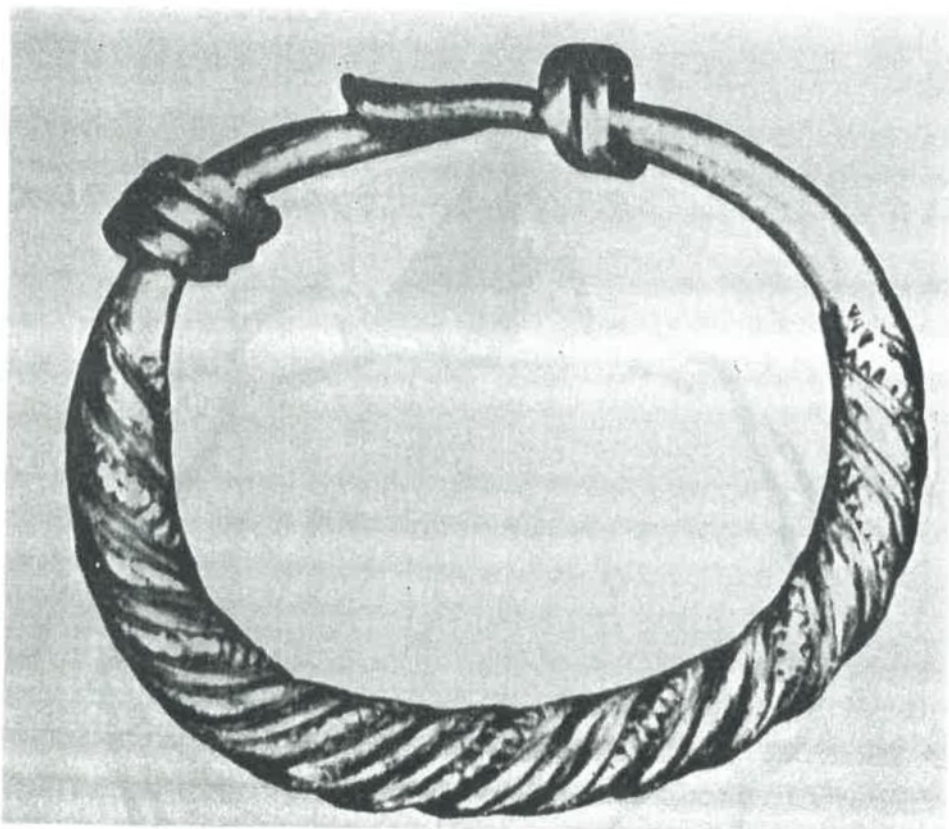
(شکل ۲۰۱) دستبند نواری با دو سر حلقه‌ای. مکشوفه از سلوکیه و منتسب
 به دوره اشکانی. برداشته از مجلد هفتم کتاب «نظری بهنرهای ایران» پوپ .



(شکل ۲۰۴) دستبند زنجیری با زیور مخروطی . مکشوفه از دورا اوروبوس . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

گردد دارای دو حلقه میباشد . (شکل ۲۰۵) .

از گردنبندهای مکشوفه دوره پارتی ، یکرشته گردن بند ازخمیر شیشه (یادآور لوبیای چشم بلبلی) است که از گران بدست آمده ، و در موزه ایران باستان تهران موجود است ، و چنانکه در شکل « ۲۰۶ »

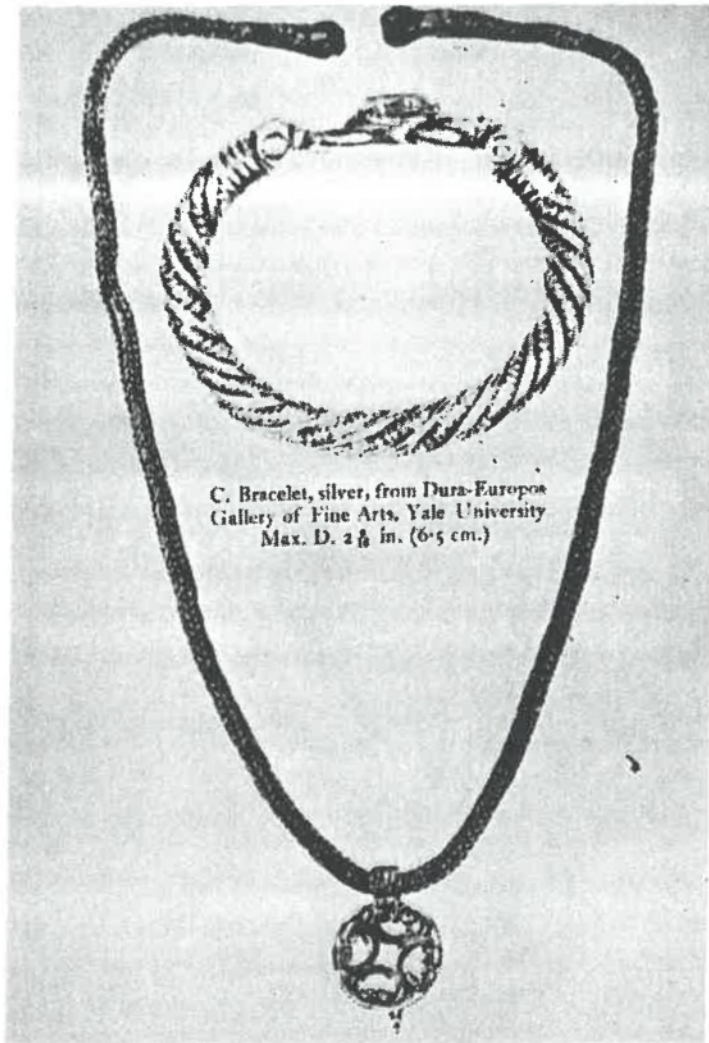


(شکل ۳۰۳) دستبند تاییده طلا - نقره مکشوفه از دورا اوروپوس با گیره حلقه‌ای . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری پهنهای ایران » پوپ .

دیده میشود ، از جاییکه در پشت گردن قرار میگیرد ریز شروع شده و در وسط (که بالای سینه قرار میگیرد) درشت‌تر شده است .

.....
 دو گردن‌بند دوره اشکانی را نیز گیرشمن در کتاب (اشکانی -

ساسانی) خود از مجموعه راینو عرضه کرده است که در شکل « ۲۰۷ » آنها را میتوان دید .



(شکل ۴۰۴) دستبند و گردن‌بند. مکشوفه از دورا اورویوس. منتسب به دوره اشکانی. برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ.

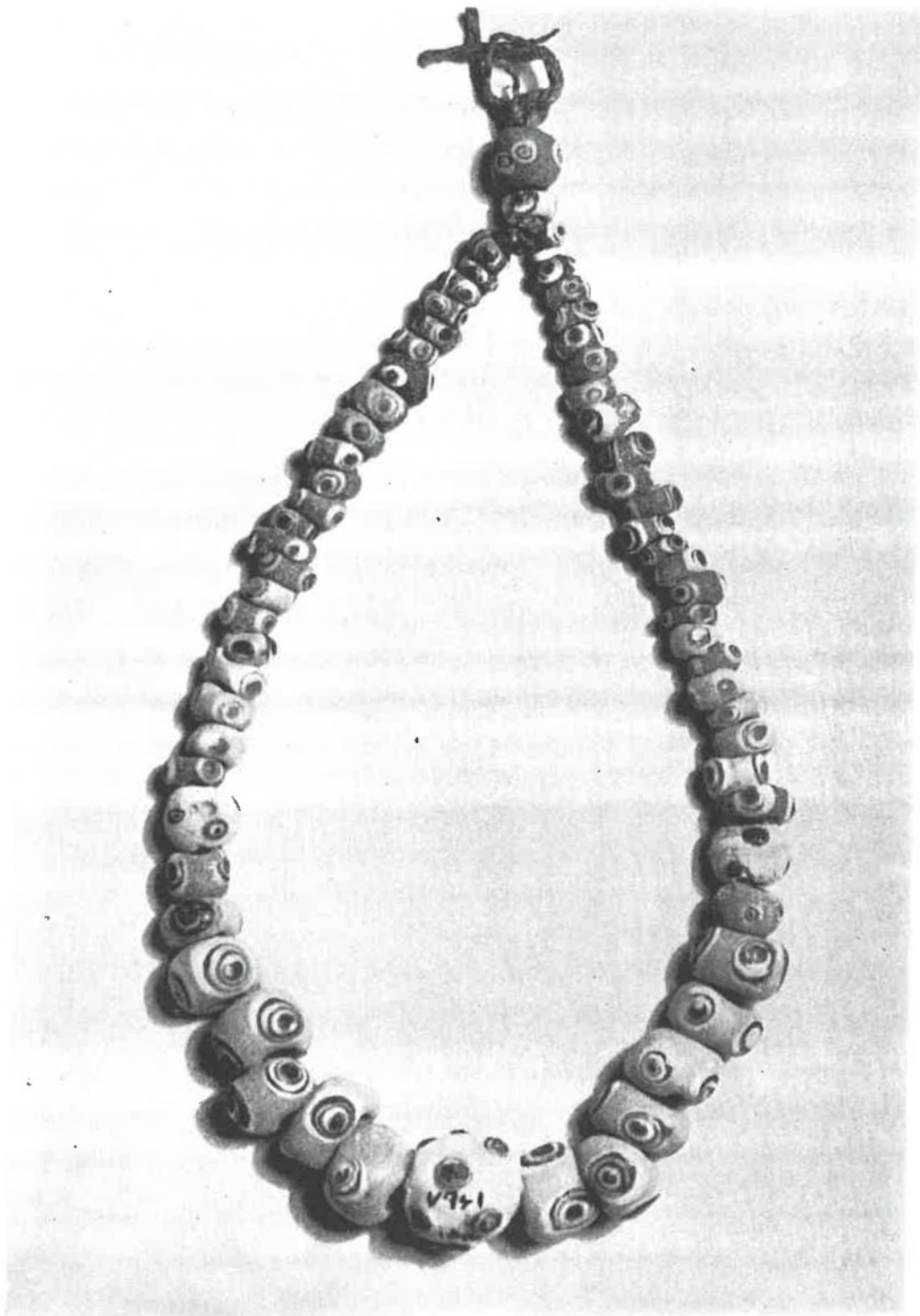
گردن‌بند بالائی منتسب بدیلمان و پائینی منسوب به نیپور است ،
و چنانکه دیده میشود ، بالائی در وسط خود زیوری بیضی‌شکل دارد که
دو سمت آنرا دو قورباغه با دهان نگاهداشته‌اند و قورباغه‌ها هر یک ،



(شکل ۲۰۵) طرح گردن بند . مکشوفه از دورا اوروپوس . منتسب بدوره اشکانی . برداشته از مجلد یکم کتاب « نظری بهنهای ایران » یوپ .

خود بزنجیر ریز بافته‌ای وصل‌اند .

گردن بند زیری دارای مقداری زیور بیضی شکل منقوش
و دانه نشان و یک زیور چهار گوش دراز است و بهمه آنها آویزی وصل
است که جای دانه نشانی دارند . فقط چهار عدد آنها بدون آویزند (که



(شکل ۲۰۶) گردن بند مکشوفه از گرگان . از جنس خمیر شیشه و منتسب بدوره اشکانی . بهیئت « لوبیان چشم بلبلی » . از عکسهای اختصاصی موزه ایران باستان .



(شکل ۲۰۷) گردن بندهای مکشوفه از دیلمان و نیپور، و گل کمر از نهاوند. منتسب بدوره اشکانی. برداشته از کتاب «اشکانی - ساسانی» گیرشمن.

گویا کنده شده‌اند) .

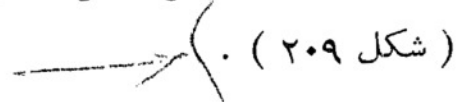
مضافاً در همین عکس ، گل کمری عرضه شده است که گیرشمن نوشته است از نهند بدست آمده ، و شکل بهتر آنرا با شماره « ۲۰۸ » می‌آوریم ، و چنانکه در این شکل مشاهده میشود . این گل کمر طلا بشکل گرد است که پیرامونش از سنگ‌های زینتی دانه نشانی شده ، و در وسط عقاب پر هیبتی برجسته سازی شده که بر گرده شکاری چنگ فرو برده است . اطراف عقاب خالی است . و در دوطرف این گل کمر دو دسته برای اتصال تسمه تعبیه شده است که نیز جای دانه نشانی دارد . این گل کمر که با شماره « ۲۰۸ » عرضه شده ، در موزه متروپولیتن نگاهداری میشود .

از زیورهای دیگر منتسب بدوره اشکانی ، پلاک یا نشانی است تقریباً بشکل ذوزنقه ، با حواشی‌ای مرکب از مفتولهای زنجیره‌ای در کناره داخلی ، و برجستگی‌هایی در بیرون (که از این برجستگیها در داخل ذوزنقه نیز بکار برده شده است) . این پلاک طولاً بدو قسمت و عرضاً سه قسمت شده و مجموعاً دارای شش خانه است که در هر يك ، جائی گرد برای دانه نشانی تعبیه شده است . در زیر ذوزنقه سه حلقه جوش داده‌اند که شاید روزی آویزهایی بخود داشته‌اند . بالای ذوزنقه حلقه بزرگی دارد (که نیز مانند پیرامون ذوزنقه با گردیهایی زینت یافته است) . این پلاک از مکشوفه‌های دورا اوروپوس است ، و پوپ در مجلد هفتم کتاب خود نوشته است که در تالار هنرهای زیبای دانشگاه



(شکل ۲۰۸) گل کمر طلای منتسب بدوره اشکانی . مکشوفه از نهاوند . برداشته از مجلد یازدهم
دائرةالمعارف هنر جهانی .

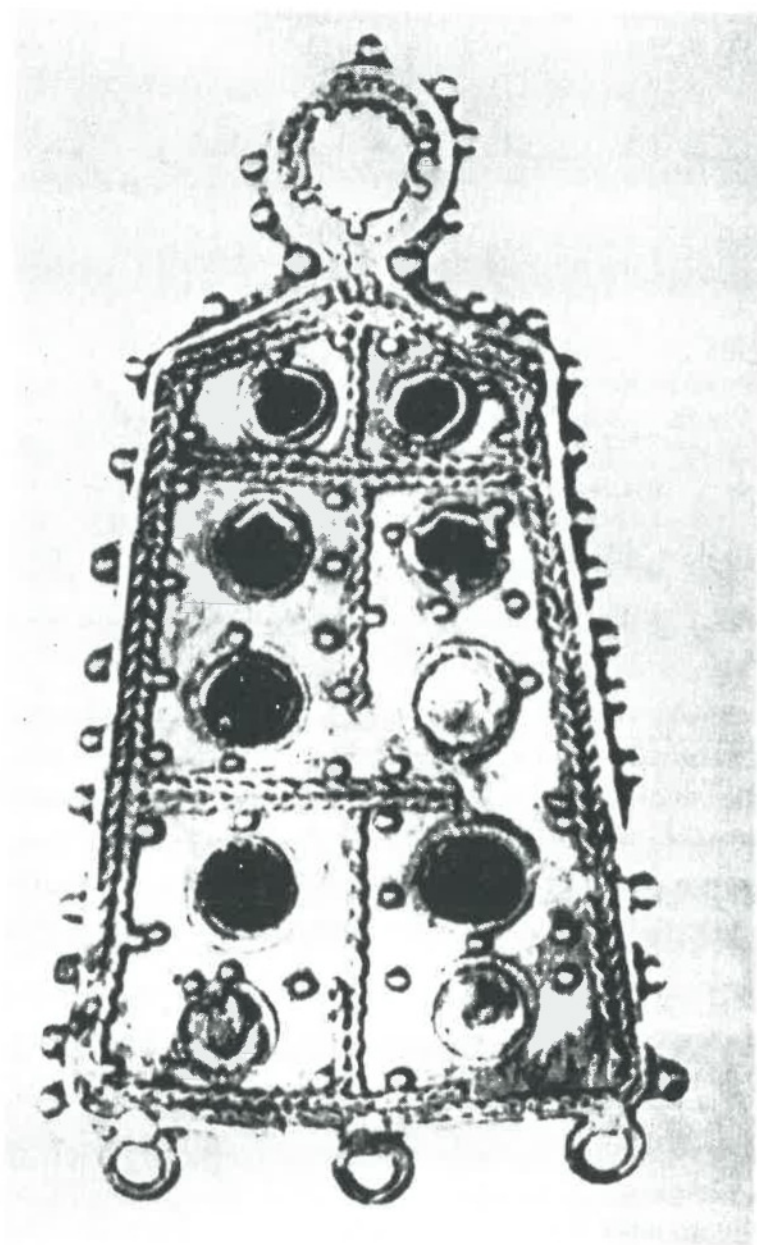
یال نگاهداری میشود ، و اندازه آنرا « ۹ » سانتیمتر داده است .



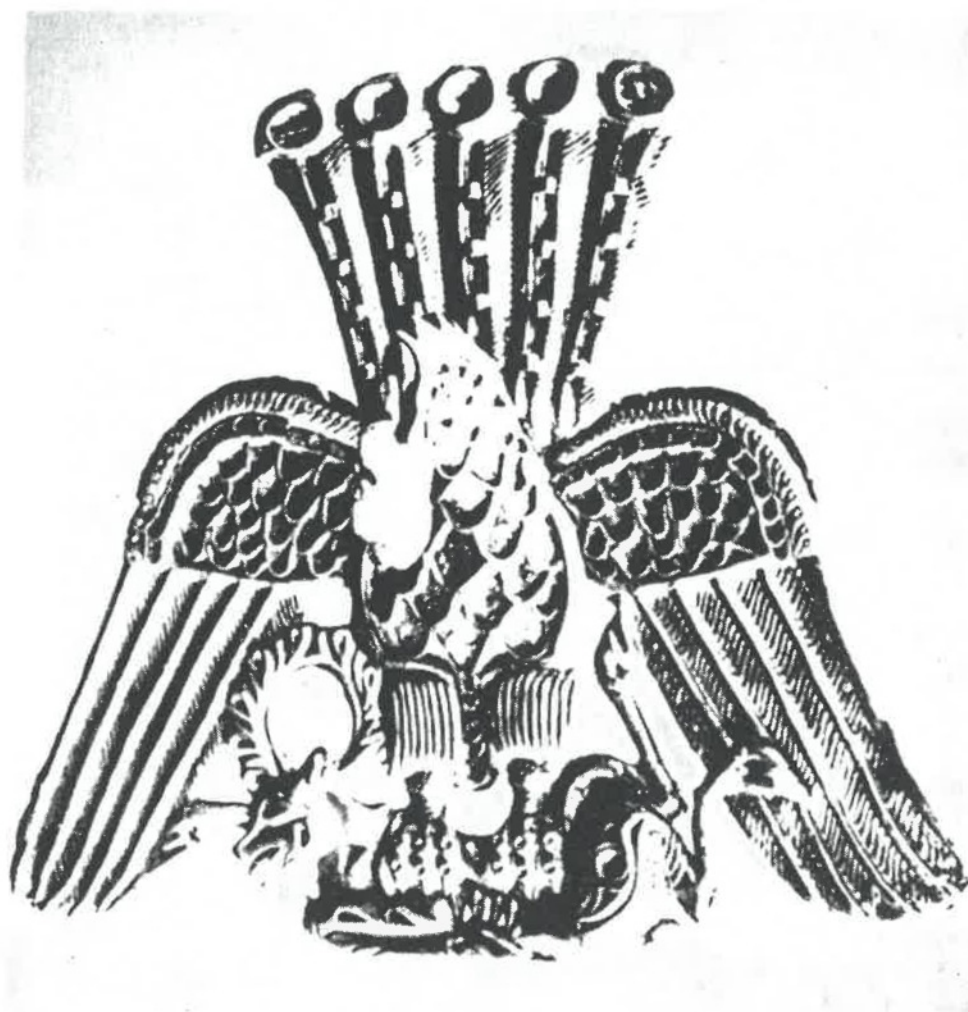
ایضاً نشانی از طلا و بشکل طاووس را پوپ در مجلد هفتم کتاب خود ارائه داده است که با بالهای نیمه گشاده بر روی حیوانی شاخدار چنگ نهاده است (شاید عقابی باشد که به این هیئت ساخته اند) دم این پرنده چون دم طاووس بیلا چتری شده و جای دانه نشانی دارد . پوپ نوشته است که این زیور در موزه ارمیناژ نگاهداری میشود و اندازه آن نیز « ۱۵٫۸ » سانتیمتر است (شکل ۲۱۰) .

با توجه بمدارك زیر خاکی (که نمونه های زیادی از آنها ارائه گردید) مقداری مجسمه و نقاشی از این دوره در موزه ها هست که خوشبختانه زنان دوره اشکانی را با زیور آنها نشان میدهند . ازینرو ، از میان این مدارك ، آنهایی را که زیورهای مشخص تر دارند برای مزید آشنائی در اینجا می آوریم .

مجسمه ای از دختر سناتروك اشکانی (اشك دهم) در موزه بغداد هست که به پرنسس واشفاری معروف است و شکل آن در کتاب (اشکانی - ساسانی) گیرشمن آورده شده است ، و چنانکه مجسمه خود نشان میدهد ، دستبندی از مهرها در میچ دست راستش (که آنرا



(شکل ۳۰۹) پلاک ذوزنقه‌ای با ده جای دانه‌نشانی. بشکل ذوزنقه. مکشوفه از دورا - اورویوس. برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ.



(شکل ۲۱۰) نشان طلای طاووس . منتسب بدوره اشکانی که در موزه ارمنستان نگاهداری میشود . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » یوپ .

بعلامت حرمت بالا گرفته است) مشاهده میشود . گوشواره سنگینی با
آویزهای فراوان در گوش دارد ، و چند ردیف گردن‌بند بلند و کوتاه
نیز بر روی سینه و گوش نمودارست (شکل ۲۱۱) .

.....



(شکل ۳۱۱) مجسمه پرنسس واشفاری (دختر سناتروک اشکانی - اشک دهم) . موجود در موزه بغداد .
برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .

نظیر گردن بند پرنسس واشفاری در گردن مجسمه بانوئی از دوره اشکانی بنام اوبال است (که این هر دو گردن بند شباهت بسیار نزدیکی با گردن بند مجسمه سفالی کوچک شوش در « شکل ۱۰ » و گردن بند طلای مکشوفه از امارلوی گیلان در « شکل ۱۱ » دارند . مجسمه اوبال از شهر هاترا بدست آمده و اینک در موزه بغداد نگهداری میشود . درمچ دست اوبال دستبندی با مفتول تاییده نمودارست (شکل ۲۱۲) .

دو نقاشی از کتاب دورا اوروپوس از دوره اشکانی (که بر دیوارهای معبد دورا اوروپوس نقش شده) عرضه شده است ، که زنانی را در حین اجرای مراسم دینی با روپوش یا روسری (یا چادر بزرگ) و با زیورهای معمول آنزمان نشان میدهد .

در این هر دو نقاشی ، دستهای زنان بعلاامت حرمت تا محاذی سینه بالاست و در مچ همین دستها ، انگوهائی از مهرها نمودارست ، و چندین طوق بگردن دارند ، و بعلاوه ، گردن بندهائی روی سینه آنها نمودارست (شکلهای ۲۱۳ و ۲۱۴) .

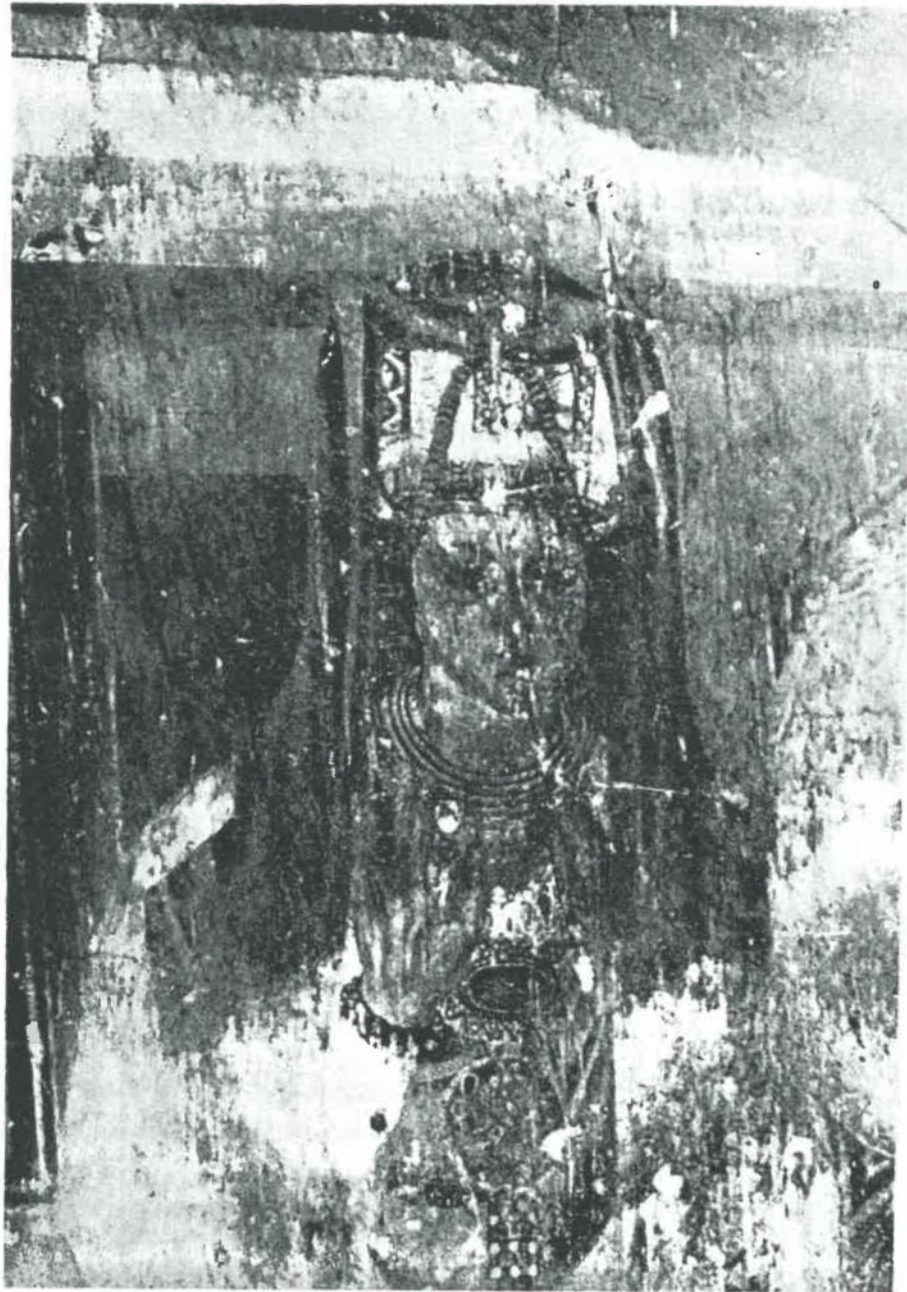
مجسمه‌ای نیز از زن دوره اشکانی از پالمیر بدست آمده است که اینک در موزه لوور نگهداری میشود . این زن که دست راستش به پهلوی گردن و صورتش برده شده ، گردن بندی بگردن و موبندی بر بالای پیشانی دارد (شکل ۲۱۵) .



(شکل ۲۱۳) مجسمه اوبال . مکشوفه از هاترا . منتسب بدوره اشکانی . برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .



(شکل ۴۱۳) نقاشی زنی از دوره اشکانی بر دیوار معبد دورا - اوروپوس . با طوق و دستبند . برداشته از کتاب « دورا - اوروپوس » .



(شکل ۲۱۴) نقاشی زنی از دوره اشکانی بردیوار معبد دورا - اوروپوس . باکلاه زیوردار و طوق و دستبند . برداشته از کتاب دورا - اوروپوس .



(شکل ۲۱۵) مجسمه زنی از دوره اشکانی از پالمیر . موجود در موزه لوور . برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .

.....
 مجسمه دیگری نیز از پالمیر متعلق بدوره اشکانی هست که زنی ،
 زیور مفصلی از همه شکل ، بگردن دارد ، و بعلاوه ، دستبندی از نوع
 دستبند شماره « ۲۰۳ » اشکانی در دست راست او نمایان است .
 (شکل ۲۱۶) .

.....
 نقش برجسته‌ای در مقبره پالمیر هست ، که زنی از دوره اشکانی را
 نشان میدهد ، که دستبندی از نوع دستبندهای شماره « ۲۱۶ و ۲۰۳ »

 از مدارك دیگری که میتوان ارائه داد . طرحی از يك مجسمه
 سفالی زنی است که بچهای بر روی سینه دارد و پوپ آنرا در مجلد اول
 کتاب خود (نظری بهنرهای ایران) عرضه کرده ، و نسبت بتعلق آن
 به اشکانی یا ساسانی با تردید و با علامت (؟) اشاره نموده است . آنچه
 روشن است اینکه کلاه این زن مربوط بشمال شرقی فلات ایران است .
 این مجسمه (که از مجموعه‌های اکرمین معرفی شده) در گوش
 گوشواره و بگردن ، گردن‌بند و بدستش النگو نمودارست (شکل ۲۱۷) .



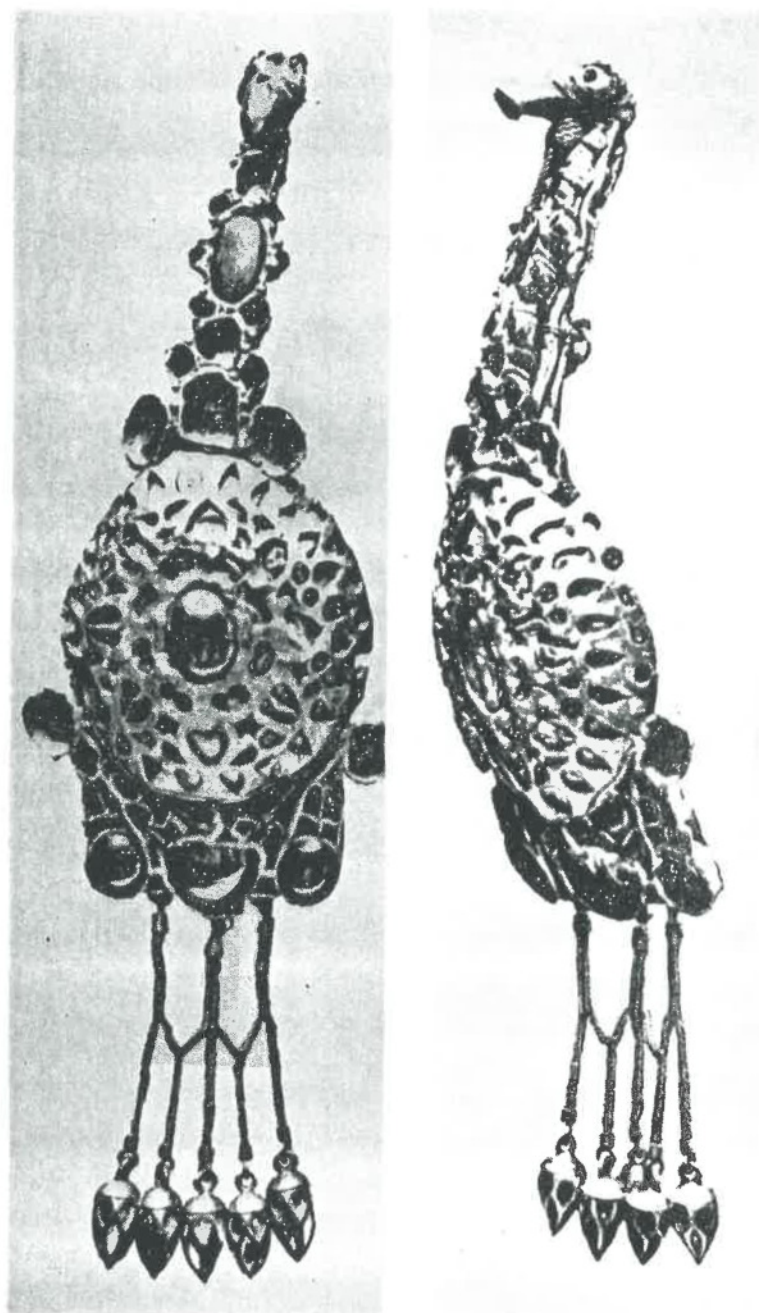
(شکل ۲۱۶) مجسمه زنی از دوره اشکانی . از پالمیر با سینه ریزها و مویند و دستبند . برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .



(شکل ۲۱۷) طرح مجسمه سفالی زنی اشکانی (?) که بچه‌ای در جلوی خود دارد . برداشته از مجلد اول کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

درباره

زیورهای منتسب به دوره ساسانی



(شکلهای ۴۱۸) یکجفت آویز بوقلمونی سنجاقدار طلای دوره ساسانی .
برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

آنچه درباره زیورهای دوره ساسانیان نوشته‌اند کم است ، و از مدارك زیر خاکی نیز بفرآوانی در اختیار نیست ، بلکه بیشتر ، نقوشی هستند که زیورها را نشان می‌دهند . این نقوش نیز معدودند . ولی زیورهای منقوش بر آنها متنوع است .

در ایران‌نامه ساسانیان (که پروفیسور عباس شوشتری تألیف نموده است) در صفحه « ۲۷ » فصل دوم آن ، تحت عنوان (فریفته شدن کنیز اردوان بر اردشیر) نوشته شده است : ارتکشر ، به اندیشه فرو رفت پس به کنیزك گفت : نخستین بگو ، با من راستی و هم پیمان میشوی ؟ کنیزك بر آن سخن همداستان شده گفت : هرچه فرمائی چنان کنم و شب دیگر پس از آنکه اردوان بخفت ، او بتنهائی برخاست و از گنج شاهی زر و جامه‌های زرین پر از گوهر و دینار و درهم ، و دیگر بسیاری از چیزهای گرانبها برداشته پیش ارتکشر خرامید .

در این باره ، شوشتری برای تأیید نوشته خود شعری را که فردوسی در این زمینه گفته ، آورده است :

چو شد روی گیتی زخورشید زرد به خم اندر آمد شب لاجورد ،
کنیزك در گنج‌ها باز کرد زهر گوهری جستن آغاز کرد ،
ز یاقوت و ز گوهر شاهوار ز دینار چندان که بودش بکار .

از ایوان بیامد بکردار تیر بیاورد گوهر بر اردشیر .

 از این داستان شوشتری و شعر فردوسی مستفاد میشود که اصولاً
 در ایندوره همه گونه زر و زیور و گوهر مورد استفاده بوده ، و میتوان
 اطمینان یافت که نسبت بااستعمال زیورآلات (مانند دوره های پیش)
 علاقمندی وجود داشته است . زیرا وقتی بسرگذشت درفش کاویانی توجه
 میکنیم بخوبی به علاقمندی ایرانیان به زیور و گوهر پی میبریم :

.
 در صفحه « ۳۵۸ » کتاب (ایران در زمان ساسانیان) نوشته
 ارتور کریستن سن A. Christensen تحت عنوان (انقراض دولت ساسانی)
 درباره درفش کاویانی نوشته شده است : ایرانیان ، این درفش را متعلق
 به ادوار باستانی تاریخ خویش میدانستند ،
 چند تن از مورخان ایران و عرب این درفش را بصورتی که
 در جنگ قادسیه بچنگ عرب افتاد وصف کرده اند . بنا بر قول طبری ،
 این درفش (که از پوست پلنگ بود) هشت ارش عرض و دوازده ارش
 طول داشت .

بلعمی گوید : ایرانیان در هر جنگ که این درفش را در پیش
 روی میداشتند و مظفر میشدند گوهری بر جواهر آن درفش می افزودند
 چندانکه غرق زر و سیم و مروارید شده بود . توصیف مسعودی نیز
 از این درفش ، شبیه طبری است . جز اینکه گوید : آنرا بر چوبهائی
 نصب کرده بودند که یکی بدیگری می پیوست . در عبارت دیگر گوید :
 این علم ، پوشیده از یاقوت و مروارید و گوهرهای گوناگون بود .

بنا بر قول خوارزمی ، این درفش از پوست خرس یا بقولی از پوست شیر ساخته شده بود و پادشاهان در جنگها به آن تیمن و تبرک می‌جستند و آنرا از زر و گوهرهای گرانبها پوشیده بودند .
 ثعالبی نیز حکایت میکند که پادشاهان ، درفش کاویان را موجب کامیابی خویش می‌شمردند و در تزئین آن بجواهر قیمتی با یکدیگر همچشمی میکردند و کمال جهد را در زیور بستن آن می‌نمودند ، چنانکه پس از مدتی در " یکتای جهان و شاهکار قرون و اعجب عجایب روزگار شد .

بنا بروایت مطهر بن طاهر المقدسی ، این درفش در آغاز از پوست بزغاله ، یا از چرم شیر بود . بعد ایرانیان آنرا از زر و پارچه زربفت ساختند .

در جنگ قادسیه ، بنا بر قول مسعودی ، این درفش گرانبها ، بدست عربی موسوم به ضراب بن الخطاب افتاد که آنرا به سی هزار دینار فروخت ولی قیمت واقعی آن یک میلیون و دو سیست هزار دینار بود .
 از طرف دیگر ثعالبی گوید که سعد بن ابی وقاص سردار عرب ، این درفش را بسایز خزائن و جواهر یزدگرد (که خداوند نصیب مسلمانان کرده بود) افزود و آنرا با تاجها و کمرها و طوقهای گوهر نشان و چیزهای دیگر برداشته بخدمت امیر المؤمنین عمر بن الخطاب برد .

در جای دیگر کتاب (ایران در زمان ساسانیان) در همین عنوان (انقراض دولت ساسانی) نوشته شده است : که افواج نگهبان ایرانی عرضه تیغ شدند و باقی سپاهیان شاهنشاهی رو بهزیمت نهادند و سعد بن ابی وقاص

با فتح و فیروزی وارد پایتخت خالی شده ، در برابر ایوان کسری اردو زد و خود داخل کاخها شد . در آنجا همه خزاین را که شاهنشاه نتوانسته بود ببرد ، یافتند . مثل سبدهای مهر شده پر از اشیاء زرینه و سیمینه ، جامه‌ها ، گوهرها ، اسلحه ، ادویه و عطریات لطیف .

فوجی از عرب در دنبال هزیمتیان تا پل نهران پیش رفت و چند رأس دواب غنیمت گرفت (که گنج‌ها و علائم بسیار گرانبهای سلطنتی را می‌بردند) . در صندوقی (که بر شتری بسته بود) چیزهای بسیار نفیس دیدند : منجمله تاج خسرو پرویز و قبای او (که از پارچه زرینت مرصع بجواهر و مزین بمروارید بود) . جامه‌های زرینت دیگر نیز در آن صندوق یافتند . در صندوقهای دیگر ، زره و خود ، و ران‌بند و بازوبند ، و شمشیر خسرو پرویز (که همه از طلا بود) بدست آمد .

در جای دیگر همین کتاب ، تحت عنوان (صناعت و تجارت و شوارع) نوشته شده است : که « هوئن تسیانگ » Hiuen Tsiang سیاح مشهور چین ، (که در آغاز قرن هفتم میلادی ، اوضاع ممالک مغرب آسیا را شرح داده است) محصولات صنعتی ایران را بطور خلاصه چنین بیان میکند : محصولات عمده این کشور ، طلا ، نقره ، مس ، بلور و مروارید نادرالوجود و مواد گرانبهائی دیگر است
از چیزهائی که چین از ایران می‌خرد ، یکی :
وسمه معروف ایرانی بود که قیمت گزاف میدادند ، و ملکه چین ، هر سال مقداری برای مصرف شخصی خود اکتیاع مینمود .

همچنین در همین کتاب (در مورد اعیاد) نوشته شده است :
 که در دو عید بزرگ سال (نوروز و مهرگان) بزرگان هدایائی تقدیم
 میکردند .

هرکس آن چیزی را که خودش بیشتر دوست میداشت هدیه
 میکرد . اغنیاء طلا و نقره پیشکش می بردند . اگر یکی از زنان شاه کنیزی
 زیبا با زینت و زیور پیشکش مینمود ، میتوانست بر سایر زنان حرم مباحثات
 کند . از طرف دیگر ، پادشاه در عوض پیشکشهای نوروز و مهرگان ،
 هدایای ذیقیمتی عطا میفرمود .

ایضاً در کتاب (ایران در زمان ساسانیان) نوشته شده است :
 شاپور دوم ، سردار ارمنی « مانوئل » را بجامه شاهانه و خلعتی از خز
 و سنجاب مفتخر فرمود ، و زیوری از طلا و نقره داد که بر کلاهخود
 نصب کند ، و دستاری بر پیشانی به بندد ، و زیورهای سینه پوش (شبیه
 آنچه پادشاهان می بندند) .

بنا بروایت « پروکوپ » Procope دستار ، یا تاج زربافته و مزین
 بمروارید ، پس از مقام سلطنت ، بزرگترین نشانه افتخار بود ، و نیز
 میگوید هیچکس حق نداشت ، انگشتری طلا و کمر بند و حلقه و غیره
 بر خویش نصب کند ، مگر کسی که از شاه آنها را گرفته باشد .

در صفحه « ۳۶۳ » در خاتمه همین کتاب ، کریستن سن
 نوشته است : ما مکرر قسمتهائی از تألیف آمین مارسلن را در این کتاب
 ذکر کرده ایم که با وجود اشتباهات و نواقصی که دارد از تعاریف دقیق
 و زنده بشمار میرود .

او نیز در توصیفی که از ایرانیان کرده ، در حقیقت مبین احوال طبقه اعلی است و گوید : همه ایرانیان تقریباً قامتی رسا و رشید ، و رنگی تیره یا پریده ، و نگاهی تند و ابروانی کمانی و ریش زیبا و موئی بلند و ژولیده دارند . بازوبند ، و طوق زرین مرصع بمروارید و جواهر می‌بندند .

به این ترتیب ، برای ما روشن شده است که در این دوره ، انواع زیورهای متداول دوره‌های پیش مورد استفاده قرار می‌گرفته است .

زیوری که با شماره « ۲۱۸ » ارائه گردید ، جفتی آویز مطالای دوره ساسانی است که از شکل بوقلمون (یا طاووس) به این منظور استفاده شده و با ظرافت تامی زمینه دانه نشانی بر روی آن فراهم کرده‌اند .

وچنانکه در عکس آن نمودار است ، آویز آن ابتدا از سر زنجیر شروع شده ، و سپس با پیوندی از یک زنجیر افقی از میان هر دو زنجیر ، زنجیری دیگری اضافه کرده‌اند که به این طریق انتهای آویز ، پنج زنجیره شده ، و سپس از حلقه انتهائی آویزها ، نیمکره‌ای توخالی آویخته‌اند که هر یک حامل یک زیور مخروطی میباشند . اندازه این آویز را پوپ « ۴۰ » سانتیمتر داده است ، و در اینصورت میتوان تصور داشت که این آویز از کلاهک‌های زنان آویخته میشده و از کنار بناگوش روی سینه آویزان میشده است ، و بهرجهت زیوری با شکوه و پرهیمه بوده است . اینگونه زیورها یادآور زیورهای بلند و با شکوه زنان ترکمن

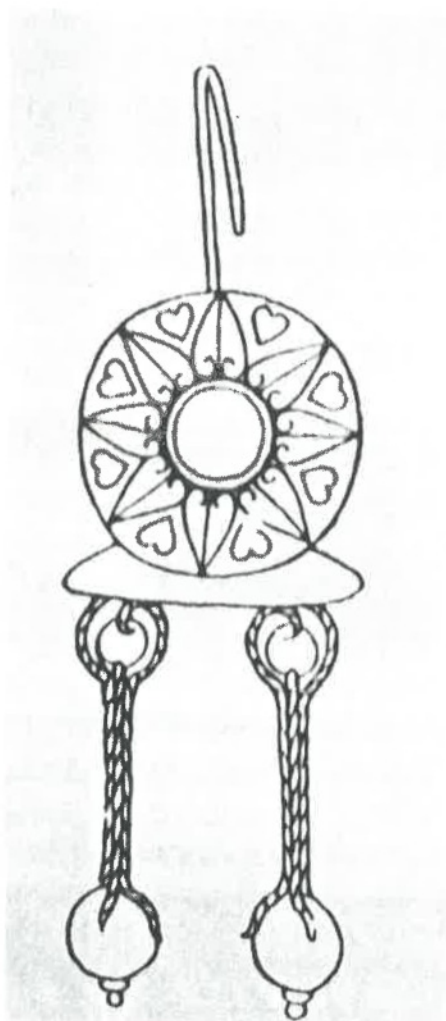
ایرانی است که نمونه آنها در موقع خود ارائه میگردد .

 یکی دیگر از آویزها (که پوپ ، آنرا در همین کتاب خود -
 مجلد هفتم) عرضه کرده ، آویزی با بلندی « ۱۶ » سانتیمتر است که
 اساس آن يك زيور گرد دانه نشان است که در وسط قرار دارد . در زیر
 این گردی محذب زائدهای هست که از دو پهلوی آن برگگی بشکل
 بنه جقه متمایل به بیرون به این گردی مرصع محذب متصل میباشد .
 دو زنجیر (که در انتهای خود در پائین حامل دو گلوله کوچک میباشد)
 بمنزله آویز ، از زائده زیر گردی مرصع محذب آویزان است .
 (شکل ۲۱۹) .

.
 علاوه بر این آویز ، طرح گوشواره طلا ، از دوره ساسانی
 در مجلد دوم کتاب (نظری بهنرهای ایران پوپ) عرضه شده است که
 از نظر شکل عمومی ، (با تفاوتی) به این آویز « ۱۶ » سانتیمتری
 (که با شماره - ۲۱۹ - ارائه گردید) شباهت دارد . پوپ نوشته است
 که گوشواره از حوالی باطوم بدست آمده است (شکل ۲۲۰) .

.
 نقش‌هایی که از ایندوره بر روی فلزات ، سنگهای قیمتی و صخره‌ها
 بجا مانده‌اند در نمایش زیورآلات زنان ایندوره ، از مدارك مهم بشمار
 می‌آیند .

طرح يك كنده‌کاری بشکل مٲهر ، زنی را نشان میدهد که
 کلاهکی مزین بر سر نهاده و بر بالای کلاهک مقداری وسیله زینتی بشکل



(شکلیهای ۴۱۹ و ۴۲۰) طرح آویز
 « ۸ » ستاره و گوشواره با دو
 زائدهٔ بتنه جفته‌ای دورهٔ ساسانی .
 برداشته از مجلد هفتم و دوم کتاب
 « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

دسته موئی (نظیر مهر دیگری که با همین گونه طرح برای همهٔ موی سر يك بانو ساخته شده) تعبیه کرده‌اند .

گیسوان زن ، تابداده و بلند بر دوشش افشان است و يك يك گیسوی تابداده در جلوی گوش او طرح‌ریزی شده که از زیر آن نیز

دسته موی بنا گوش، بر روی گونه، بصورت نیم حلقه نمایان است. گردن بندی از دانه های درشت (که شاید مروارید باشد) بر گردن دارد. پوپ در مجلد دوم کتاب خود (نظری بهنرهای ایران) نوشته است: این مهر که شکل ملکه « دناک » ساسانی *Dénak* را نشان میدهد، از مجموعه استروگانوف میباشد (شکل ۲۲۱).

بر همین زمینه طرح و شکل (چنانکه آمد) مهری از عقیق با آرایش گیسوان (شکل ۲۲۱) نیز هست. مگر که اولی کلاهاک بر سر دارد و این يك ندارد. در این مهر نیز دیده میشود که بانوی ساسانی گردن بند بگردن و مانند آن دیگری گوشواره بگوش دارد. در هر دو مهر دیده میشود که گوشواره آنان از دو گلوله بر رویهم نهاده تشکیل شده است (شکل ۲۲۲).

طرح مهر دیگری بهمراه مهر ملکه دناک در مجلد دوم پوپ عرضه شده است که زنی ساسانی، گوشواره يك گلوله ای و گردن بند بگردن دارد، و همچنین زیوری بشکل هلال بر بالای پیشانی و روی موی او دیده میشود که زیور اصلی موبندش را تشکیل میدهد. موبند نیز در این مهر بنظر میرسد که عبارت از نواری باشد که بر روی آن دو رج مروارید نشانده باشند. در پشت سرش نیز سه سنجاق سر گرد دیده میشود. (شکل ۲۲۳). این مهر در موزه تریپولزیو (میلان) . نگاهداری میشود.



(شکلهای ۲۳۱ و ۲۳۲) نقش مهرها از زنان دوره ساسانی که دارای گوشواره‌های دوگانه‌ای، گردنبند و آرایش موی بسیار عالی و موبند جواهر نشان باهلال ماه دارند.

از نوع گوشواره دو گلوله‌ای بر رویهم ساخته را ، در نقش روی بشقابی از نقره که بهرام و «سپینود» را حك کرده‌اند در گوش سپینود (که گردن‌بندی نیز بگردن و النگوهای در میچ دارد) میتوان دید (شکل ۲۲۴) .

از نوع گوشواره‌های يك گلوله‌ای ، در نقش بشقابی (که بهرام را در حال بزم نشان میدهد و زنهایی در اطرافش نوازندگی میکنند و آنکه جامی تعارف میکند یا دیگری که با بادبزن باد میزند) هر يك گوشواره‌ای از نوع يك گلوله‌ای در گوش دارند (شکل ۲۲۵) .

مردان نیز از گوشواره و دیگر زیورآلات استفاده میکردند ، چنانکه در « شکل ۲۲۴ » دیده میشود بهرام گوشواره‌ای در گوش دارد ، و در شکلهای دیگری که از این پس ارائه میشود ، نیز میتوان آنها را دید .

از انواع موبندهای زنان دوره ساسانی (که از چندتای آنها ذکر می‌ماند) دو موبند ~~کوچک~~ را میتوان ارائه داد که برای مزید آشنائی بشکل ساختمان آنها ، باشماره‌های « ۲۲۶ و ۲۲۷ » عرضه میشوند . یکی از آنها در نقش برجسته‌ای بر پیشانی زنی از دوره ساسانی بسته شده است که از کیش بدست آمده و در موزه بغداد نگهداری میشود . گیرشمن این نقش را در کتاب خود (اشکانی - ساسانی) عرضه کرده و نوشته است که متعلق بسده پنجم میلادی است ، و چنانکه



• (شکل‌های ۲۳۳ و ۲۳۴) مهری از زن دوره ساسانی و پشقاب تیره (که گوسواره دو گل‌های روییم نیاده و انگو و گردن بندها را نشان میدهند).



(شکل ۲۲۵) نقش زنان دوره ساسانی با گوشواره های يك گلوله ای بر بشقاب تقره . منتسب به بهرام گور که در موزه ارمنستان نگاهداری میشود . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

دیده میشود، موبند از دو نوار پهلوی هم تعبیه شده و در وسط آن در بالای پیشانی گلی قرار دارد .

شکل بهتر این موبند، در نقش دیگری (که بر بالای طاق بستان کرمانشاه ساخته شده) دیده میشود که با شماره « ۲۲۷ » ارائه گردید .

.....



(شکل ۲۳۶) نقش برجسته گچی دوره ساسانی . مکتوفه از کیش که موبند زنان ساسانی را نشان میدهد .
برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .



(شکل ۲۲۷) نقش برجسته فرشته بالدار بالای طاق بستان در کرمانشاه (که موبند زنان ساسانی را بهتر نشان میدهد).

نقش‌های دیگری (که از لحاظ ارائه مدارك باید مورد توجه قرار گیرند) موزائیکهائی است که در بیشاپور وجود داشته و گیرشمن اندازه و خصوصیات آنها را در کتاب خود (اشکانی - ساسانی) داده است .

سه نقش از این موزائیکها (که یکی زن باد بزن در دست ، دیگری زن چنگ‌نواز و سومی زن بافنده است) هر يك دارای النگو ، بازوبند و گوشواره هستند . شکل‌های (۲۲۸ - ۲۲۹ و ۲۳۰) .

مدارك دیگری نیز موجود است که زیورهای دیگری را ارائه میدهند مانند طرح بشقاب نقره‌ای ساسانی که اناهیت را مرغی با چنگالش گرفته در پرواز است (شکل ۲۳۱) .

چنانکه در شکل دیده میشود : اناهیت النگوهائی در میچ دست و طوقی در گردن و خلخال در پاها دارد .

در کوزه‌ای (که از کلاردشت بدست آمده است) طوقی بر گردن رقاصه منقوش نمایان است که طرح آن با طرح طوق اناهیتای بشقاب نقره شماره « ۲۳۱ » فرق دارد . بر میچ دست رقاصه ، النگوهائی نیز دیده میشود (شکل ۲۳۲) .

از میان نقاشی‌های ایندوره (که بر دیوارهای معبدکوه خواجه در سیستان وجود داشته است) زنی را در حال نی زدن نقاشی کرده بوده‌اند که طوق و گردن‌بندی برای آن ساخته بودند (شکل ۲۳۳) .



(شکل ۲۴۸) نقش زن دوره ساسانی بر موزائیک بيشاپور در حال بافتن (که الگوها و بازویندهای آندوره را نشان میدهد). برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .



(شکل ۲۳۹) نقش زن دوره ساسانی بر موزائیک بيشاپور در حال نواختن چنگ (که الگو و بازوبند دارد). برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .



(شکل ۲۳۰) نقش زن دوره ساسانی بر موزائیک بیشاپور در حال بادزدن (که دارای النگو و بازوبند است و گوشواره او نیز بخوبی نمایان است). برداشته از کتاب «اشکانی - ساسانی» گیرشمن.



(شکل ۲۳۱) طرح آناهیتا و مرغ در حال معراج . بر بشقات نقره موجود در موزه ارمیتاژ (که طوق و انگور و خلخال او را نشان میدهد) . برداشته از مجلد دوم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

یکی دیگر از سندهای معتبر (که گردن‌بند زنان دوره ساسانی را نشان میدهد نقش برجسته آناهیتا ، نزدیک تخت جمشید ، در نقش رستم است) که او را با تاجی مجلل نشان میدهد و گردن‌بندی (که شاید یک رشته مروارید است) بر دورگردنش حجاری شده است (شکل ۲۳۴) . چنانکه قبلاً اشاره شد ، که در تمام دوره‌ها زن و مرد (هر دو)



(شکل ۲۳۳) نقش رقاصه با طوق و الگو بر روی کوزه مکشوفه از کلاردشت . موجود در موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۲۳۳) نقاشی‌ئی از یک ترون دوره ساسانی در حال نی زدن .
در کوه خواجه سیستان .

از زیورآلات استفاده میکرده‌اند . در دوره ساسانیان نیز بهمین نحو عمل
میشده است ، و از روی گزارش مورخان آگاهی یافته‌ایم که شاهنشاهان
این دوره ، از آنها غافل نمانده‌اند .

نقوشی نیز موجود است که این نوشته‌ها را تأیید میکنند ،
و برای مزید آشنائی چند نمونه در اینجا ارائه میشود :

.....

در مجسمه شاپور از بیشاپور دیده میشود که گردن‌بندی چون
گردن‌بند اناهیتا بگردن دارد (شکل ۲۳۵) .



(شکل ۲۳۴) نقش برجسته آناهیتا در نقش رستم، با گردن بند مروارید .

در بشقابی نقره ، پادشاهی ساسانی نقش شده است که سوار بر اسب در حال شکار ببر است . طوق و گردن‌بندی با چند رج بگردن دارد و از گردن‌بند ، سه زیور گلابی‌شکل آویزان است (شکل ۲۳۶) .

پادشاهی ساسانی در حال شکار آهو ، سوار بر اسب ، روی بشقابی نقش شده است که دو ردیف طوق بگردن دارد و در وسط گلی به آن نصب است و دو زیور گلابی‌شکل ، آویز آنرا تشکیل داده است ، و بعلاوه ، پادشاه گوشواره‌ای بشکل آویز طوق در گوش و النگوئی در میچ دست دارد (شکل ۲۳۷) .

بر روی بشقاب نقره دیگری ، پادشاهی از دوره ساسانی در حال شکار نقش شده است که گردن‌بندی از نوع گردن‌بند اناهیتا دارد (شکل ۲۳۸) .

آنچه از مدارك برای مزید آشنائی بر اشتراك استعمال زیور در میان زن و مرد ایندوره میتوان ارائه داد ، دو سند بسیار معتبر است که زیورها را با بهترین وجهی ارائه میدهند .

۱ - مجسمه‌ایست از سنگ لاجورد که پادشاه ساسانی را با کلاهی (یا تاجی بالدار) و هلال ماه نشان میدهد و گردن‌بندی از دو رج جواهر با دو آویز بگردن دارد . در گوش او نیز گوشواره‌ای ساخته‌اند . (شکل ۲۳۹) .

۲ - مجسمه‌ایست نیم تنه منتسب بشاپور دوم که پوپ نوشته :



(شکل ۲۳۵) مجسمه شاپور در غار بیشاپور . با گردن بند . برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .



(شکل ۲۳۶) نقش پادشاه ساسانی با طوق و گردن‌بند با سه آویز بر بشقابی نقره . موجود در موزه ارمیتاژ . برداشته از مجلد هفتم کتاب « نظری بهنرهای ایران » یوپ .

با لعاب گچ و آهک ریخته شده است . در این مجسمه ، علاوه بر گوشواره دو نوع گردن‌بند مشاهده میشود . گردن‌بند اول شامل دو ردیف گردیها است (که شاید مروارید باشند) در وسط نیز زیوری گرد با دو آویز دارد . گردن‌بند بلندتر ، از سه رج زیور گرد تعبیه شده ، و زیورهای چهارگوشی نیز در میان آنها کار زده شده است ، و یک چهارگوشی بزرگ بصورت لوزی ، آویز این گردن‌بند را تشکیل میدهد (شکل ۲۴۰) . با این شکل‌های ارائه شده ، شاید بخوبی بتوان بشکلهای عمومی زیورهای (که زنان دوره ساسانی مورد استفاده قرار میداده‌اند) پی برد .



(شکل ۴۳۷) نقش پادشاه ساسانی بر بشقاب نقره (که طوق دورجه با دو آویز دارد) . برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .



(شکل ۲۳۸) نقش پادشاه ساسانی در حال شکار با گردن بند مروارید . برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .



(شکل ۲۳۹) مجسمه‌ای از سنگ لاجورد که پادشاه ساسانی را با تاج بالدار و ماه ، با گردن بند دو رجه و دو آویزه نشان میدهد . برداشته از کتاب « اشکانی - ساسانی » گیرشمن .



(شکل ۴۴۰) مجسمه نیم تنه شاپور دوم از لعاب گچ و آهک . با دو گونه گردن بند . بلندی این مجسمه « ۴۵ » سانتیمتر میباشد و در عوزه تاریخ طبیعی شیکاگو نگهداری میشود . برداشته از کتاب « شاهکارهای هنر ایران » پوپ .

درباره
زیورهای دوره اسلامی



(شکل ۳۴۱) نشان یا آویز طلای ریختگی بقطر « ۴ » سانتیمتر . از دوره آل بویه .

همچنانکه از احوال اوائل اسلامی مردم ایران آگاهی جامعی در دست نیست (مگر تذکره‌هایی که با مطالبی درهم بجای است ، و اینها نیز مبنای علمی جز ذوق تذکره‌نویس ندارد) بالطبع نباید انتظار داشت که از میان آنهمه آشوب و غوغای اوائل اسلامی در ایران ، از زیورهای زنان سخنی بمیان آورده باشند .

برای بررسی اینکار (همچون دیگر کارهای آثرمان) رنج بسیاری باید تا شاید از میان نوشته‌های مانده از آنوقت ، مطالبی را بتوان زمینه دریافت پاره‌ای حدسیات قرار داد و بچگونگی زیورهای آن زمان پی برد .

با نهایت تأسف به این نکته باید توجه داشت که از زیورهای اوائل اسلامی بندرت در اختیار است .

برخی از محققان ، منجمله دکتر محمد حسن زکی (که از محققان مصری است) روی پاره‌ای بررسی‌ها معتقدند که علت کمی زیور ایندوره ، آب‌کردن آنها (بمنظور دوباره سازی با شکل تازه) است . در صفحه « ۲۵۳ » کتاب « صنایع ایران بعد از اسلام » نوشته دکتر حسن زکی بنقل از کسائی آمده است : که صنعتگران ایران قبل از اسلام ، در ساختن انواع فلزات مهارت داشتند ، و آثار نفیسی ساخته‌اند ، و این مقام را (بعد از آنکه ایران جزء ممالک اسلامی درآمد) نیز از دست ندادند .

و بنقل از ابن فقیه همدانی (که در قرن سوم هجری میزیسته)
 نوشته است : که ایرانیان در ساختن آلات و ادوات ظریف و زیبا
 (از آهن) تفوق و استادی شایان تقدیری دارند ، و بعض از حکماء
 که بعض از اشیاء ظریف فلزی ساخت ایران را نزد بعض پادشاهان دیده‌اند ،
 میگویند خداوند عالم ، آهن را برای این ملت نرم کرده و به اختیار
 آنان درآورده است تا آنچه خواسته‌اند از آن بسازند ، و این ملت ،
 استادترین و داناترین ملل در ساختن غلو و قفل و آئینه و شمشیر و زره
 و جوشن میباشند . (کتاب البلدان ابن فقیه) .

.

همچنین ، در صفحه « ۲۶۷ » این کتاب نوشته است : که فلز کاران
 ایرانی از فلزات قیمتی مانند طلا و نقره نیز ظروف و اشیاء دیگری از
 قبیل زینت آلات و غیره میساختند . ولی این نوع آثار چون بعلت تغییر شکل
 و طرح نو یافتن ، دوباره آب میشده ، نمونه‌های خیلی کم از آنها بما
 رسیده است .

و سپس بنقل از فردریک زاره نوشته است : که از این قبیل
 آثار ، دو گوشواره طلا با تزئینات مشبک و کنده کاری در موزه دولتی
 برلن هست که دو خرگوش را روبروی هم ساخته‌اند .

و همچنین نوشته است : مجموعه‌های شخصی ، و موزه شهر
 آتن ، و انجمن فنون شهر (دیترویت) از زینت آلات ایرانی دوره
 اسلامی را (مانند انگشتری ، دستبند ، گوشواره و غیره) دارند که
 غالباً منسوب به دو قرن ششم و هفتم هجری میباشد .

.

با توجه به اظهارات دکتر زکی، (باید بدانیم که پدیده‌های هر دوره‌ای با میان آمدن دوره جدید، قاعدتاً ناپستی به سرعت از میان برود، زیرا، تغییر هر پدیده‌ای، زمان و شرایطی مناسب لازم دارد، و چنانکه پوپ در کتاب خود (شاهکارهای هنر ایران) در بخش فلزکاری بعد از ساسانیان عنوان کرده، نوشته است: که قدرت عظیم هنر فلزکاری ساسانی، در دوره اسلامی نیز باقی ماند.

این نظر او (که بی‌شک بر مبنای آثار و قرائنی است) یادآور نقوش بشقاب نقره بهرام و سپینود است که پوپ نظر دارد از کارهای اوائل اسلامی ایرانیان است که از روی موضوعات دوره ساسانیان ساخته شده است).

در صفحه « ۵۸ » کتاب شاهکارهای هنر ایران نوشته پوپ، از يك آویز طلای منحصر بفردی سخن رفته است که روی احتمال، منتسب بسده چهارم هجری و دوره آل بویه شده است، و نیز چنین نظر داده شده: که اینگونه نقش اندازی، یادگاری از دوره ساسانی و دنباله‌ای از همان علاقه خاص مردم آن زمان به نمایاندن قدرت، و شیوه ماهرانه آنانست:

موضوع نقش دو روی این نشان یا آویز، بهرام گور در بزم و شکار است. در یکروی آن، بهرام گور بر تختی نشسته است که دو شیر، مقابل هم در زیر آن لمیده‌اند، و در دو طرف بهرام نیز دو زن به ساقیگری مشغولند.

در دست بهرام جامی است و کمربندی گوهرنشان بسته است.

این روی نشان با شماره « ۲۴۱ » ارائه گردیده است .
 روی دیگر نشان ، او را سوار بر اسب نشان میدهد که بر دستی
 باز ، و دستی دیگر شاهین را نگاه داشته است (شکل ۲۴۲) .

از روی این سخنان ناکافی ، بدیهی است که نمیتوان زمینه
 زیورآلات مورد استعمال اوائل اسلامی ایرانیان را در نظر گرفت . آنچه
 اینک میتواند برای آگاهی بیشتری بما کمک کند ، نوشته‌های دیگری
 است که تذکره‌نویسان در زمینه مواد اولیه این زینت آلات (از هر یک
 از نواحی ایران که دارا بوده) بجا گذاشته‌اند . ازینرو ، برای مزید
 افاده ، مقداری از آنها را در اینجا می‌آوریم :

در کتاب « حدود العالم » که از سده « ۳۷۲ » هجری برای ما
 مانده است در جایی که از شهرها سخن رفته از معادن و گوهرهای آن
 شهرها ، ذکری آمده و چنین نوشته شده است :

صفحه « ۸۸ » سخن اندر ناحیت خراسان و شهرهای وی . . .
 . . . و این ، ناحیتی است بزرگ ، با خواسته‌های
 بسیار ، و نعمتی فراخ و نزدیک میانه آبادانی جهانست ، و اندر وی
 معدنهای زر است و سیم ، و پیروزه ، و گوهرها ، کی از کوه خیزد .
 ۱۱ - طوس - ناحیتی است و اندر وی شهرکها . . .
 و اندر کوههای وی معدن پیروزه است ، و معدن مس و سرب ، و سرمه
 و شبه .

۲۷ - کوه سیم - شهرکی است بیراکوه ، و اندر وی معدن



(شکل ۲۴۳) یک روی نشان . منتسب بدوره آل بویه (که بهرام گور را سوار بر اسب و با شاهین و باز شکاری نشان میدهد) . برداشته از کتاب « شاهکارهای هنر ایران » یوب .

سیم است ، و از بی‌هیزمی دست باز داشته‌اند .

۵۱ - مانشان - ناحیتی است بدر اندره پیوسته

و اندر کوههای وی معدن زر و سیم است ، و آهن و سرب و مس

و سنگ سرمه ، و زاگهای گوناگون .

۷۷ - اندر آب - شهر کی است و اندر میان کوههاست
 او را دو رود است ، و سیمهائی کی از معدن پنجهیر و جاریانه افتد .
 اینجا آنرا درم زنند .

۷۹ - پنجهیر و جاریانه - دو شهر است ، و اندر حدود
 هندوستان افتد .

.
 صفحه « ۱۰۱ » سخن اندر ناحیت حدود خراسان و شهرهای وی .
 ۲۴ - بدخشان - شهرست بسیار نعمت و جای بازرگانان ،
 و اندر وی معدن سیم است و زر و بیجاده و لاجورد .

.
 صفحه « ۱۰۵ » سخن اندر ناحیت ماوراء النهر و شهرهای وی .
 ۴۵ - فرغانه - ناحیتی است آبادان و بزرگ ، و با نعمتهای
 بسیار ، و اندر وی کوه بسیار و دشت و شهرها و آبهاء روان ، و در
 ترکستان است و اندر کوهها و معدن زر و سیم
 است بسیار ، و معدن مس و سرب و ملوک فرغانه اندر
 قدیم از ملوک اطراف بودندی و ایشان را دهقان خواندندی .

۴۷ - اخسیکت - قصبه فرغانه است و اندر
 کوه وی معدن سیم و زر بسیار است .

۶۳ - ایلاق - ناحیتی است بزرگ ، اندر میان کوه و صحرا
 نهاده ، و مردم بسیار ، و با کشت و برز و آبادان و مردم
 روستا پیشه ، کیش سپید جامگان دارند و اندر کوهها

وی معدن سیم و زر است ، و حدودش بفرغانه و مهتران
این ناحیت را دهقان ایلاق خوانند .

۶۵ - کهسیم - (کوه سیم) شهرکی است بیراکوه ، و اندر
کوه وی معدن سیم است .

صفحه « ۱۱۸ » سخن اندر ناحیت حدود ماوراءالنهر و شهرهای وی .

۱ - ختلان - ناحیتی است اندر میان کوهها
و اندر حدود وی از سوی تبت مردمانی اند وحشی اندر بیابانها ، و اندر
کوهها وی معدن سیم است و زر ، و از این ناحیت اسبان نیک خیزد بسیار .
۱۶ - سنگلیج (سنگلیج) - بر دامن کوه است ، و معدن بیجاده
بدخشی و لعل اندرین کوه است .

صفحه « ۱۲۶ » سخن اندر ناحیت کرمان و شهرهای وی .

کرمان ، ناحیتی است مشرق وی ، حدود سند است و جنوب
وی ، دریای اعظم است و مغرب وی ، ناحیت پارس است و شمال وی ،
بیابان سیستان است و اندر وی کوهها بسیار
است ، و اندر وی معدن زر و سیم است ، و مس و سرب و مغناطیس .

صفحه « ۱۳۰ » سخن اندر ناحیت پارس و شهرهای وی .

ناحیتی است کی مشرق وی ، ناحیت کرمان است و جنوب وی ،
دریای اعظم است و مغرب ، رود طاب است کی میان پارس و خوزستان
بگذرد ، و بعضی از حدود سپاهانست و شمال وی ، بیابان پارس است

از کرکس کوه و اندر وی کوهها و رودهاست ،
و مقر خسروان بوده است ، و مردمان این ناحیت مردمانی اند سخندان
و خردمند ، و اندر کوهها وی معدنهای زر است
و از وی هرچه بدریا نزدیکست گرمسیر است ، و هرچه به بیابان نزدیک ،
سردسیر است ، و اندر وی کوهها و معدنهای زر است ، و اندر وی
آتشکده‌ها گرانست .

۲ - اصطخر - شهری بزرگست و قدیم و مستقر خسروان بوده
است و اندر کوه وی معدن آهن است ، و اندر
نواحی وی معدن سیم است .

۴۱ - نائین شهریست آبادان و با نعمت ، و اندر کوه وی معدن
سیم است .

بدین ترتیب (از روی گزارش کتاب حدودالعالم معلوم میگردد
که بیشتر نواحی ایران بزرگ دارای امکانات طبیعی و مواد اولیه برای
تهیه زیور آلات بوده‌اند) که اگر از آنها استخراج کامل بعمل
نمی‌آورده‌اند بهر انجام ، به اندازه مصرف زینت آلات آنها را مورد
استفاده قرار میداده و رفع حاجت میکرده‌اند) .

نوشته‌هایی از تذکره نویسان روشن میکند که این مواد (بصورت
خام یا ساخته) به اطراف و اکناف عالم فرستاده میشده است .

بهر جهت ، تا اندکی دیرتر نیز ، دست ما از زینت آلات مردم
ایران (شاید تا زمان سلجوقیان) کوتاه است ، و نوشته‌هایی از
مارکوپولو Marco-polo یا ابن بطوطه ، ردی از آنها بما میدهند .

دربارهٔ
زیورهای دورهٔ سلجوقی



(شکل ۲۴۳) مجسمه گچی رنگارنگ . سده ششم - هفتم هجری که زنی از این دوره را با زیور و آرایش نشان میدهد . برداشته از کتاب « شاهکارهای هنر ایران » پوپ .

با گزارش مارکوپولو ، سیاح ونیزی نیز (که تولد او را « ۱۲۴۵ » و مرگش را « ۱۳۲۳ » میلادی داده‌اند و این ، مقارن با دوره سلجوقیان است) پی میبریم که زیورسازی و استعمال زیورآلات در برخی از شهرهای ایران (از جمله کرمان و تبریز) معمول بوده است . در صفحه « ۱۳۸ » ترجمه فارسی کتاب او بنام « جهانگردی مارکوپولو » نوشته شده است : که تبریز شهرست بسیار بزرگ و آباد و مجلل و باشکوه ، که در دامنه کوهستان در سرزمین آذربایجان بنا شده است . مردم تبریز بازرگان و صنعت‌پیشه میباشند . منسوجات ابریشم و حریر و زربفت این شهر ، شهره آفاق است . تجارت جواهر و انواع و اقسام احجار کریمه در تبریز رونقی بسزا دارد (بطوریکه قاطبه تجار فرنگستان ، بخصوص ایتالیائیها و از جمله ژاپونیاها برای انجام امور تجارتمی و خرید کالاهای پرسود گوناگون و کمیاب بیازارهای تبریز هجوم می‌آورند ، و سنگهای گرانبها را از گوهرفروشان این شهر باشکوه ، خریداری میکنند) .

در صفحه « ۱۳۹ » همین کتاب نوشته شده است : که مدخل بازارها همچون مغازه‌ها دارای درب‌های عظیمی میباشد . دالانها و معابر بیشمار (که بنوبه خود دارای درب‌های بزرگ اند) رسته‌های مختلف را بهم اتصال می‌بخشند . منسوجات حریر و کتان ، تافته و ابریشم ، و مروارید ، و در ، و لؤلؤ ، و صندل بفرآوانی در این بازار بفروشن میرسد .

— در صفحه « ۱۴۰ » نیز نوشته شده است : که مارکوپولو میتواند در تبریز ، در معاملات مروارید و لؤلؤ و در و جواهر ، امعان نظر کند (و خیلی ممکن است که پدرش مبالغی از احجار کریمه این شهر را خریداری نموده باشد) .

ایضاً در صفحه « ۱۴۲ » نوشته شده است : که در پایان روز هفتم بعد از عزیمت از یزد ، سیاحان ونیزی به کرمان (که بتازگی با دست قشون تاتار گشوده شده بود) وارد گشتند . کانهای گرانبهای زمرد کرمان شهرت جهانی داشت . ایرانیان از دیرگاهی به ارزش این گوهر گرانبها پی برده بودند . ولی عوام دربارهٔ زمرد ، عقیده دیگری داشتند : بطوریکه می گفتند استخوانهای عشاق محروم ، در دل خاک و کوه مبدل بزمرده شده است ، و بهمین جهت معتقد بودند که داشتن آن چندان خوشیمن نمی باشد .

— در صفحه « ۱۳۸ » کتاب (راهنمای صنایع اسلامی) مورس دیماندر Maurice Dimand تحت عنوان « فلزکاری دوره سلجوقی در ایران » نوشته شده است : که میناکاری در زمان سلاجقه مرسوم بود . جواهرسازی با طلا نیز در این دوره بسیار عالی بوده (که متأسفانه نمونه های زیادی از آنها باقی نمانده است) .

اغلب جواهرات سلجوقی ، گوشواره و سینه بند است . بعضی از آنها بشکل حیوانات و پرندگان ساخته شده است . موزه متروپولیتن سه نمونه از جواهر دوره سلجوقی دارد : که یکی گوشواره ایست بشکل هلال و مشبك ، و پرندگان دارد که بوسیله درخت و گل و بوته مجزا شده اند .

۱ - شاید منظور از سینه بند « آویز روی سینه (سینه ریز) باشد ؟ » مؤلف .

این گوشواره ، از لحاظ اسلوب کار ، به سینه‌بند طلائی که در موزه برلن نگاهداری میشود شباهت دارد (این دو قطعه را میتوان به نیمه اول قرن یازدهم نسبت داد) .

يك گوشواره به شکل پرنده و يك سینه‌بند^۱ بشکل شیر از قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی بدست آمده است . جزئیات صورت و پوست شیر ، با سیم تاییده طلا ساخته شده ، و در داخل حفره چشم ، احجار کریمه قرار داده شده بوده است .

این شیر ، مشبك است و شکل گل‌سرخ که دارای هفت دایره است و در برنزه‌های دوره سلجوقی (قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی) ساخت ایران دیده میشود روی آن حگ گردیده است .

گوشواره و آویز شیر دوره سلجوقی که در کتاب راهنمای صنایع اسلامی با شماره‌های « ۷۶ و ۷۷ » عرضه شده است ، در اینجا با شماره‌های « ۲۴۴ و ۲۴۵ » ارائه میگردد .

جز این دو زیور (که از کتاب موریس دیماندر عرضه شده است) در کتابهای پوپ و دایرةالمعارف هنر جهانی نیز مقداری زیور از ایندوره ارائه شده که شرح هر يك آنها خواهد آمد :

در مجلد ششم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ ، طرح

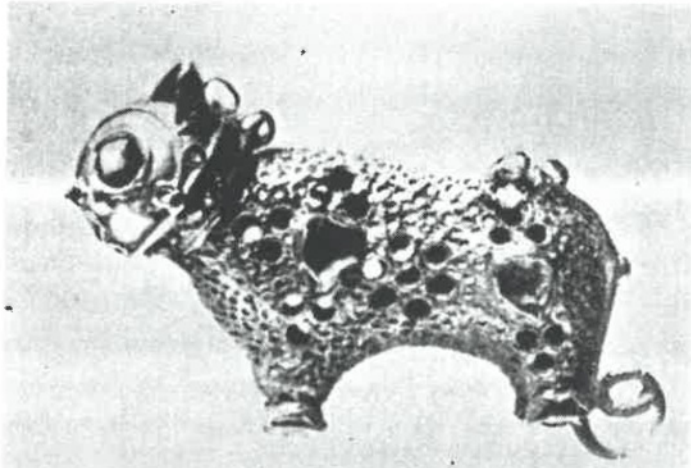
۱ - در اشاره‌ای که بشکل شیر شده و در کتاب نیز شکلا آن عرضه شده است ، بنظر رسید که آویز سینه میباشد نه سینه‌بند ، و ترجمه این کلمه به سینه‌بند اشتباه میباشد ، و ازینرو در ارائه این آویز « با شماره ۷۷ » در کتاب مزبور این اشتباه جبران شده و کلمه آویز بجای سینه‌بند ، آمده است .



۷۶ - گوشواره طلا ، ایرانی -
دوره سلجوقی (قرن ۱۱ م. / ۵ ه.)

(شکل ۲۴۴) گوشواره هلالی شکل مشبک با نقش پرندگان . از دوره سلجوقی . برداشته از کتاب « راهنمای صنایع اسلامی » دیماند .

آویزی مسطح داده شده است که بشکل ترنج است و در وسط آن دو خرگوش نیمرخ نقش است که سینه بسینه ایستاده‌اند و صورت آنها به بیرون متوجه است . میان دو دست خرگوشها را از سینه بیائین با نقش شاخه‌ای پر کرده‌اند و بقیه جا خالیها نیز بوسیله گردشهای خطوط اسلیمی پر



۷۷ - آویز طلا از ایران -
دوره سلجوقی (قرن ۱۲ م. / ۶ ه.)

(شکل ۲۴۵) آویز مشبک شیر . از دوره سلجوقی . برداشته از کتاب « راهنمای صنایع اسلامی » دیماند .

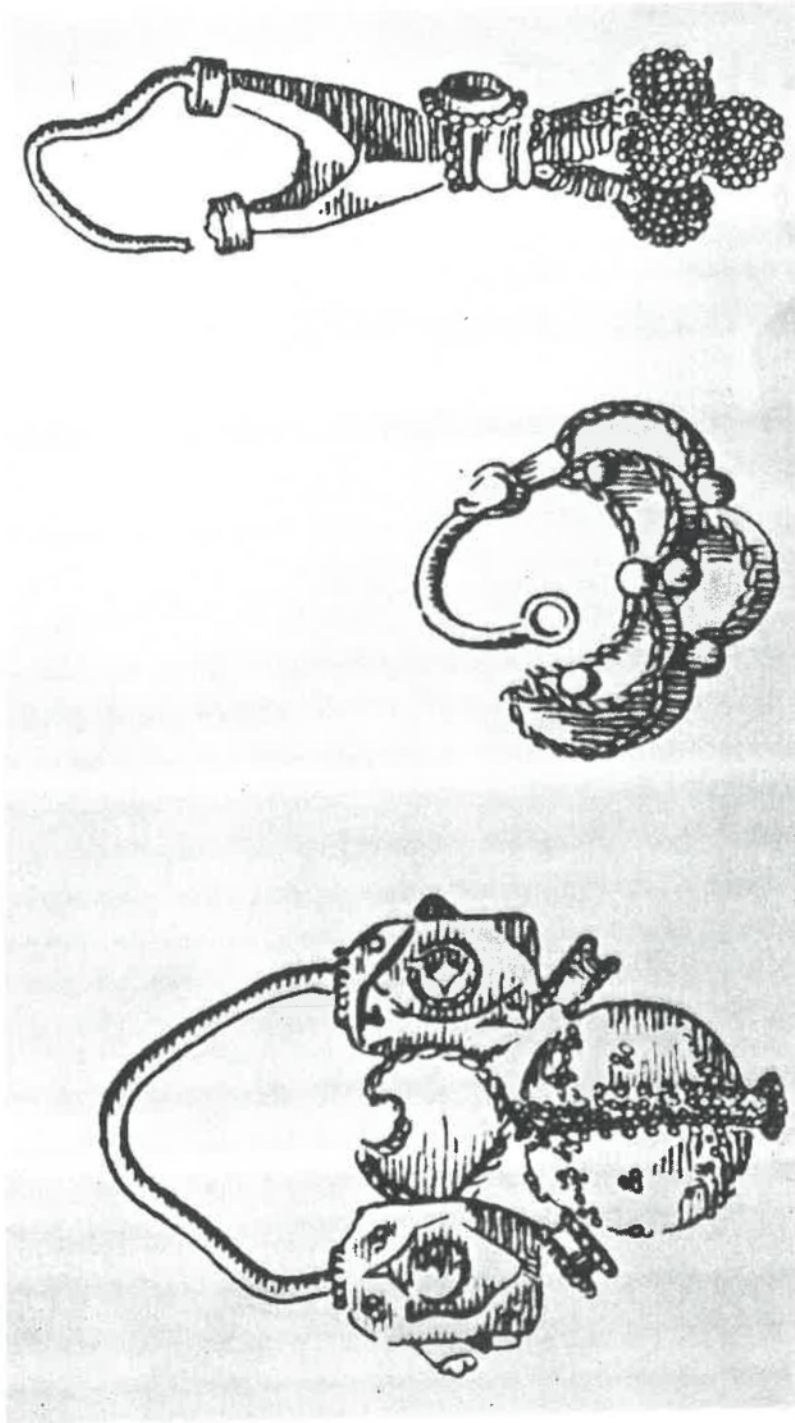
شده است . حلقه متصل به آویز ، حلقه بزرگتری دارد که برای آویختن بکار میرفته است . نقش خرگوشها در این آویز سرازیر انجام شده (یا ، که حلقه متصل به آن را معکوس جوش داده اند) . اندازه این آویز طلا را پوپ « ۷۵ » سانتیمتر داده و نوشته است که در موزه برلن نگاهداری میشود (شکل ۲۴۶) .

همچنین ، در این کتاب ، طرح سه گوشواره از طلا متعلق به ری و ساوه داده شده که منتسب به قرون (۱۱ - ۱۲) میلادی است و از مجموعه اکرمین نوشته شده است (شکل ۲۴۷) .



(شکل ۲۴۶) آویز مسطح ترنجی با نقش دو خرگوش . منتسب بدوره سلجوقی . موجود در موزه برلن . برداشته از مجلد ششم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

. در زمینه گوشواره شماره «۲۴۷» گوشواره‌ای از ایندوره متعلق به نیشابور در موزه ایران باستان تهران هست (که از لحاظ شکل عمومی یادآور یکدیگر میباشند . (شکل ۲۴۸) و چنانکه در شکل دیده میشود از سه گلوله نسبتاً دراز مشبك تشکیل شده (که هر يك ، نواری بدور خود دارند) . دوتای آنها در طرفین قرار دارند که حلقه



(شکل ۳۴۷) طرح سه گوشواره طلای منسب به ری و ساوه ، از دوره سلجوقی . برداشته از مجلد ششم کتاب « نظری پسرهای ایران » پوپ .

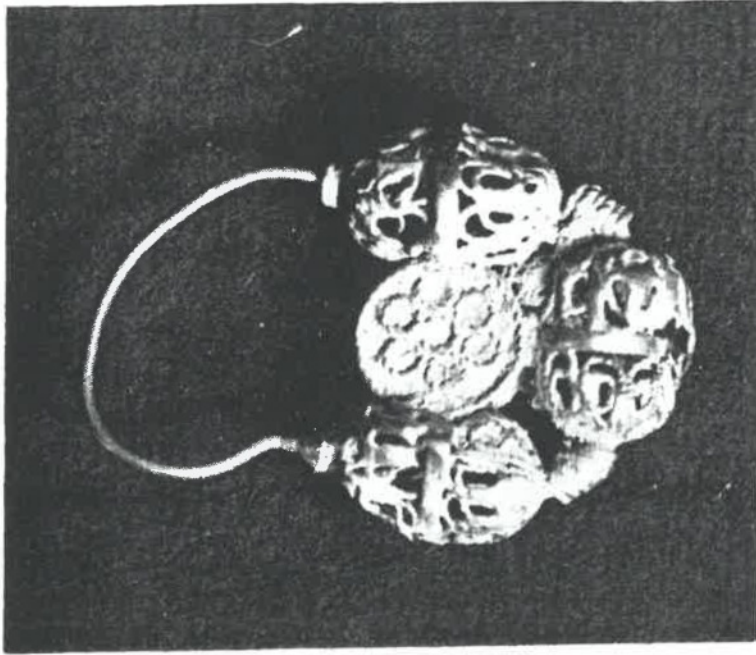
گوشواره به آنها وصل است و سومی در پائین قرار دارد ، و میان هر دو گلوله قیدی اسطوانه‌ای از میله طلائی هست که آنها را از هم جدا میسازد . در وسط این سه گلوله مشبك يك گردی مسطح هست که روی آنرا با هفت دایره از سیم تاییده جوش داده‌اند .

گوشواره مشبك و طلای دیگری از همین دوره (نیز از نیشابور) و با همین شکل (ولی بدون گردی مسطح داخلی) در موزه ایران باستان هست که با شماره « ۲۴۹ » عرضه میشود .

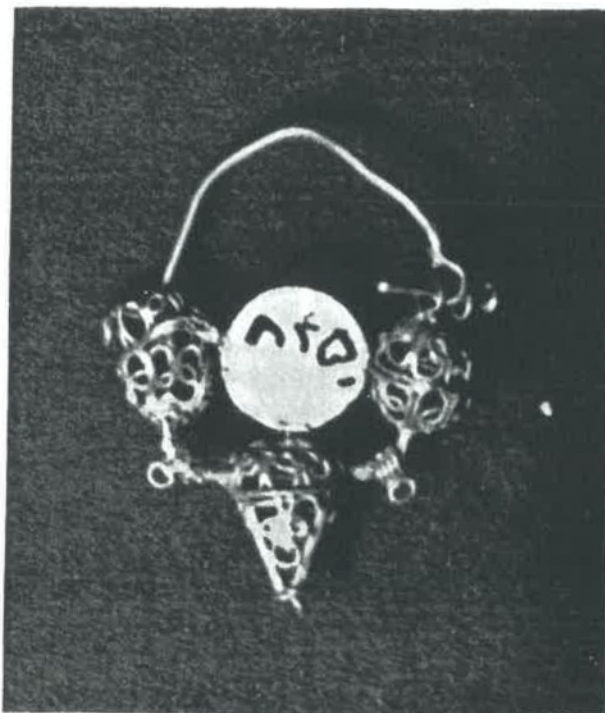
گوشواره مشبك دیگری ، باز از همین دوره و از نیشابور در موزه ایران باستان تهران هست که اندکی با گوشواره شماره « ۲۴۸ » فرق دارد .

در این يك ، در گلوله پائینی بجای نیمگردی ، يك مخروط مشبك بطور وارونه جوش داده شده است ، و مضافاً از قیدهای دوگانه میان گلوله‌ها ، حلقه‌ای وصل است که گویا از آنها زیوری آویخته میشده است (شکل ۲۵۰) .

يك نوع از گوشواره‌های بسیار جالب دوره سلجوقی ، سه لنگه گوشواره شبیه بهم از طلاست (که از گرگان بدست آمده و در موزه ایران باستان تهران نگهداری میشود) . حلقه گوشواره از یکسو به دو نوار دایره‌ای متقاطع و سوراخدار وصل است ، و از سوی دیگر به يك کاسه (که با مفتول تاییده طلا نقش‌بندی شده) متصل است ، و این دو ،



(شکل‌های ۲۴۸ و ۲۴۹) گوشواره‌های طلای مشبک دوره سلجوقی . از نیشابور موجود در موزه ایران باستان تهران .

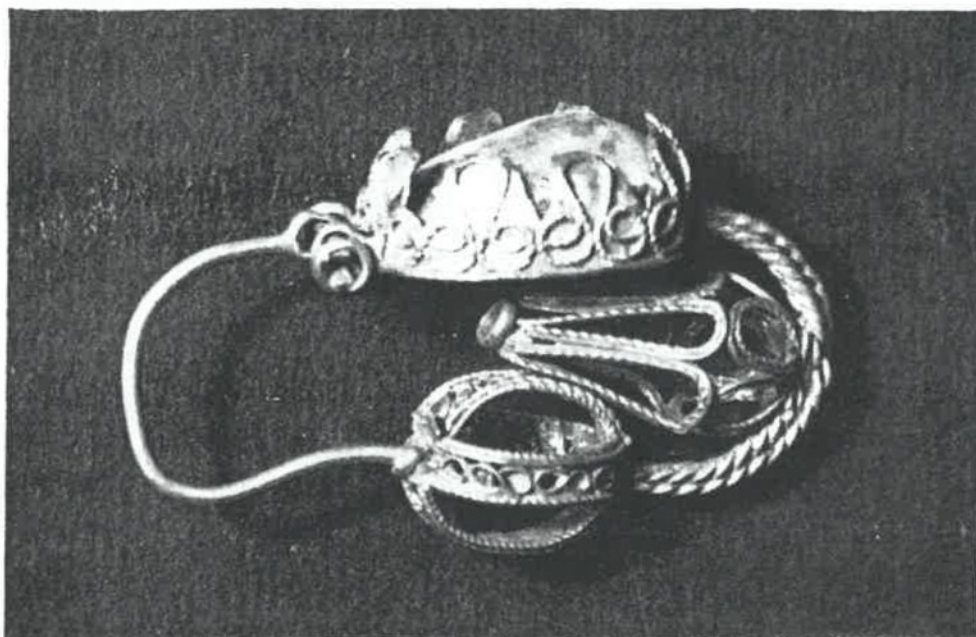


(شکل ۲۵۰) گوشواره طلای مشبك با آویز هرمی شکل دوره سلجوقی .
از نیشابور . موجود در موزه ایران باستان تهران .

در ناحیه پائین به يك مفتول سه لای تاییده و منحنی جوش داده شده اند .
بر روی این مفتول سه لا ، يك هرم مشبك (که ته آن بوسیله
چند دایره بشکل نیمکره درآمده است و بفانوس بی شباهت نیست) قرار
داده شده است . یکی از این گوشواره ها در اساس ، با آن دوتای دیگر
یکی است ولی بعلت شکستن قسمتی از مفتول منحنی سه لائی ، هرم
فانوسی شکل آنرا به دو نوار متقاطع جوش داده اند . شکل های (۲۵۱ -

۲۵۲ و ۲۵۳) .

گوشواره ای از نقره (که شکل آویز آن یادآور گوشواره های



(شکل‌های ۲۵۱ و ۲۵۲) یکجفت گوشواره طلای با نوار متقاطع و زیوری فانوسی از دوره سلجوقی .
مکشوفه از گرگان . موجود در موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۲۵۳) يك لنگه گوشواره طلای دوره سلجوقی . مكشوفه از گرگان . موجود در موزه ایران باستان .

طلای مکشوفه از گرگان است) از ایندوره در موزه ایران باستان هست که بعد از حلقه گوش ، دو بست ، يك گوی مشبك را از دو سو گرفته‌اند ، و آویزی مشبك و فانوسی‌شکل ، از بست پائین آویخته ، و حلقه‌ای نیز در پائین خود دارد (که زیوری از آن آویخته بوده است) . این گوشواره ، با شماره « ۲۵۴ » عرضه میشود .



(شکل ۲۵۴) گوشواره نقره با آویز فانوسی مشبک . مربوط بدوره سلجوقی . موجود در موزه ایران باستان تهران .

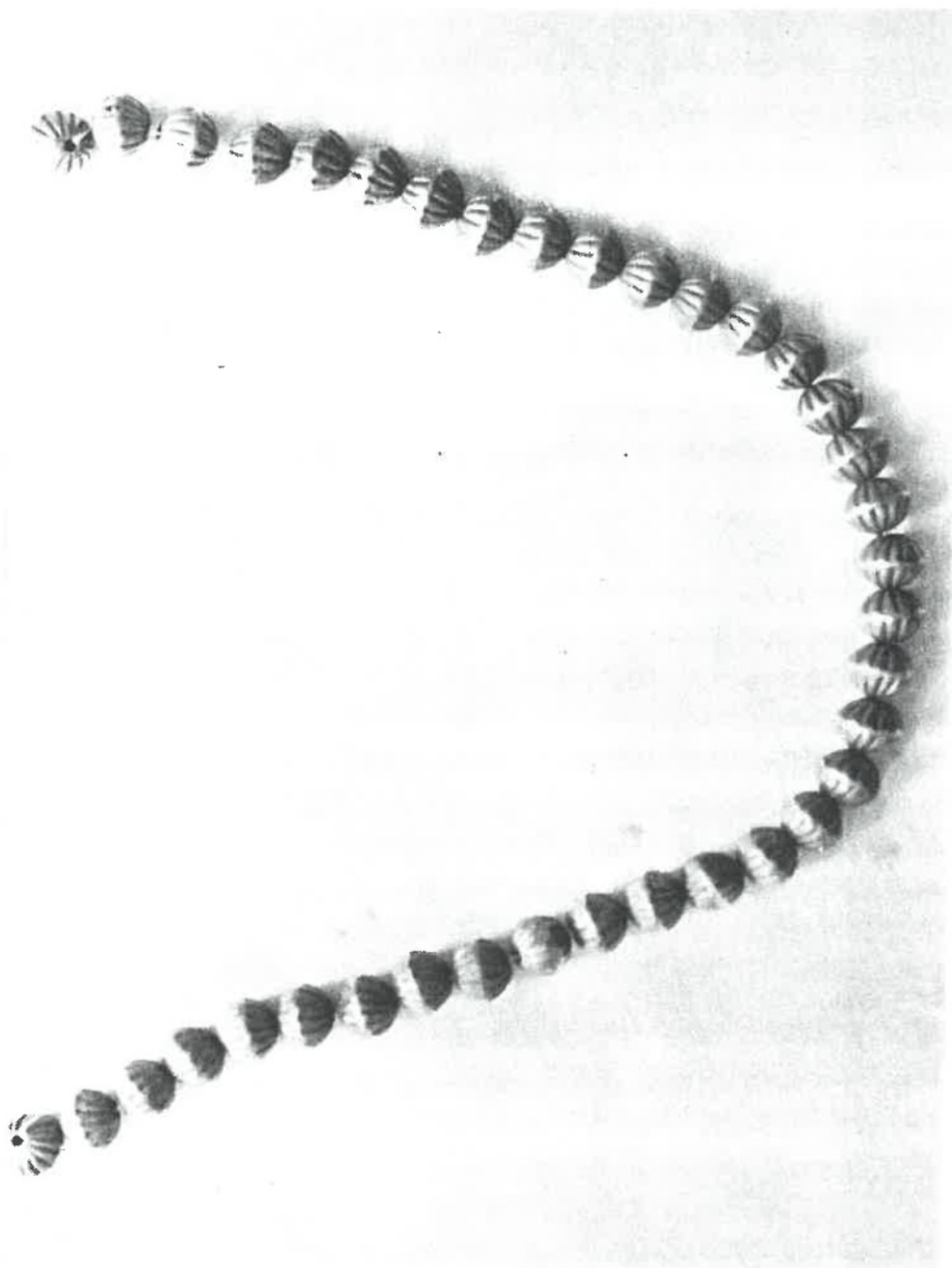
گردن‌بندی از دوره سلجوقی، با مهره‌های دومخروطه در موزه ایران باستان هست که روی مهره‌ها را از جهت سوراخهای آن، شیار دار کرده‌اند. این گردن‌بند با شماره « ۲۵۵ » عرضه میشود.

گردن‌بند دیگری در کاتالوگ منتشره در واشنگتن بنام (هفته‌زار سال هنر ایران) از دوره سلجوقی عرضه شده است که دارای قطعاتی متنوع میباشد، و بر روی سکه‌های آن، تاریخ پیش از این دوره را دارد (شکل ۲۵۶).

دستبندی از طلا، کنده‌کاری شده و مجوف، منتسب به دوره سلجوقی از ورامین بدست آمده است که در مجلد ششم دائرةالمعارف هنر جهانی عرضه شده است (شکل ۲۵۷).

دو دستبند نقره نیز در موزه ایران باستان متعلق بدوره سلجوقی هست که یکی از میله توپیر و با سر مار ساخته شده است. و دیگری با حلقه زنجیری درشت است که يك نشان با ستاره شش پر دارد. دستبند با میله توپیر، با شماره « ۲۸۵ » و زنجیری که ستاره شش پر دارد با شماره‌های « ۲۵۹ و ۲۶۰ » ارائه میشوند.

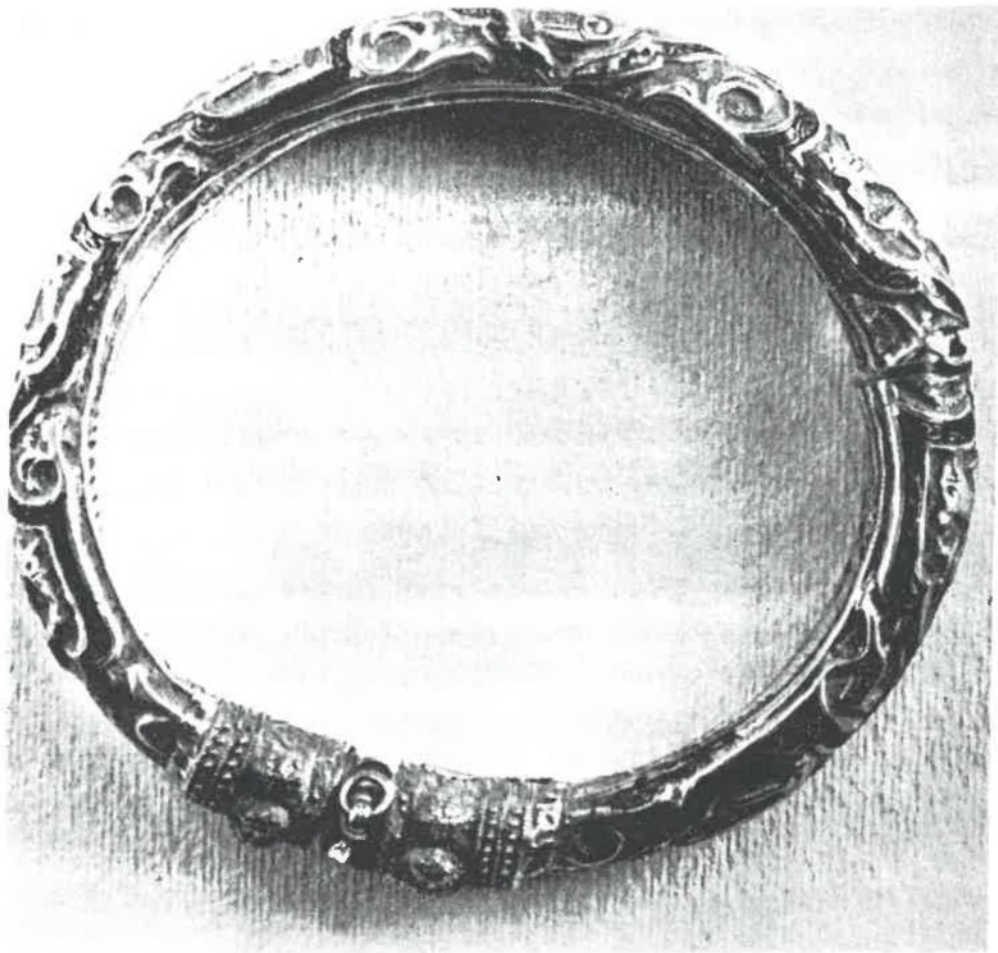
دو جفت بازوبند نقره نیز منتسب به دوره سلجوقی در موزه ایران باستان هست. جفتی از آن با لوله مجوف است که بر هر سر آن با مفتولها و نیمگردی‌ها، زینت سازی کرده‌اند (شکل ۲۶۱) که بزرگشده



(شکل ۲۵۵) گردن بند نقره با مهره های دو مخروطه . موجود در موزه ایران باستان .

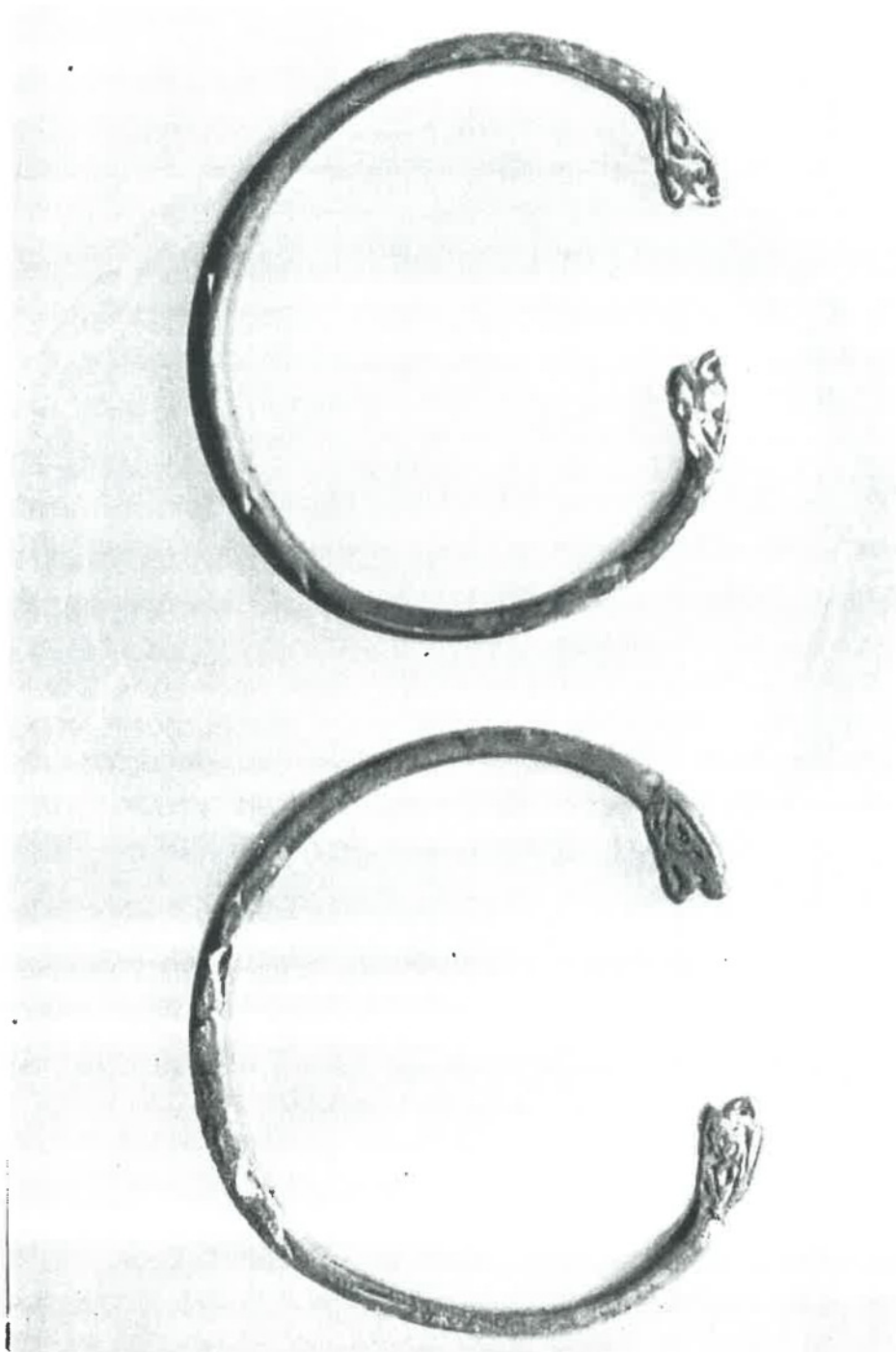


(شکل ۲۵۶) گردن بند دوره سلجوقی با زیورهای مختلف و سکه ها . برداشته از کاتالوگ منتشره در واشنگتن بنام « هفت هزار سال هنر ایران » .



(شکل ۲۵۷) دستبند کنده کاری و مجوف دوره سلجوقی . مکشوفه از ورامین . برداشته از مجلد ششم « دائرة المعارف هنر جهانی » .

آن با شماره « ۲۶۲ » ارائه میشود .
جفت دیگر ، که حلقه آن متشکل از گردیهاست و مجوف میباشد ،
سرهای با چفت و بست آن ، یکی بصورت مار است و دیگری با خطوطی
منکسر و مشبك تعبیه شده است . این جفت بازوبند با شماره‌های « ۲۶۳



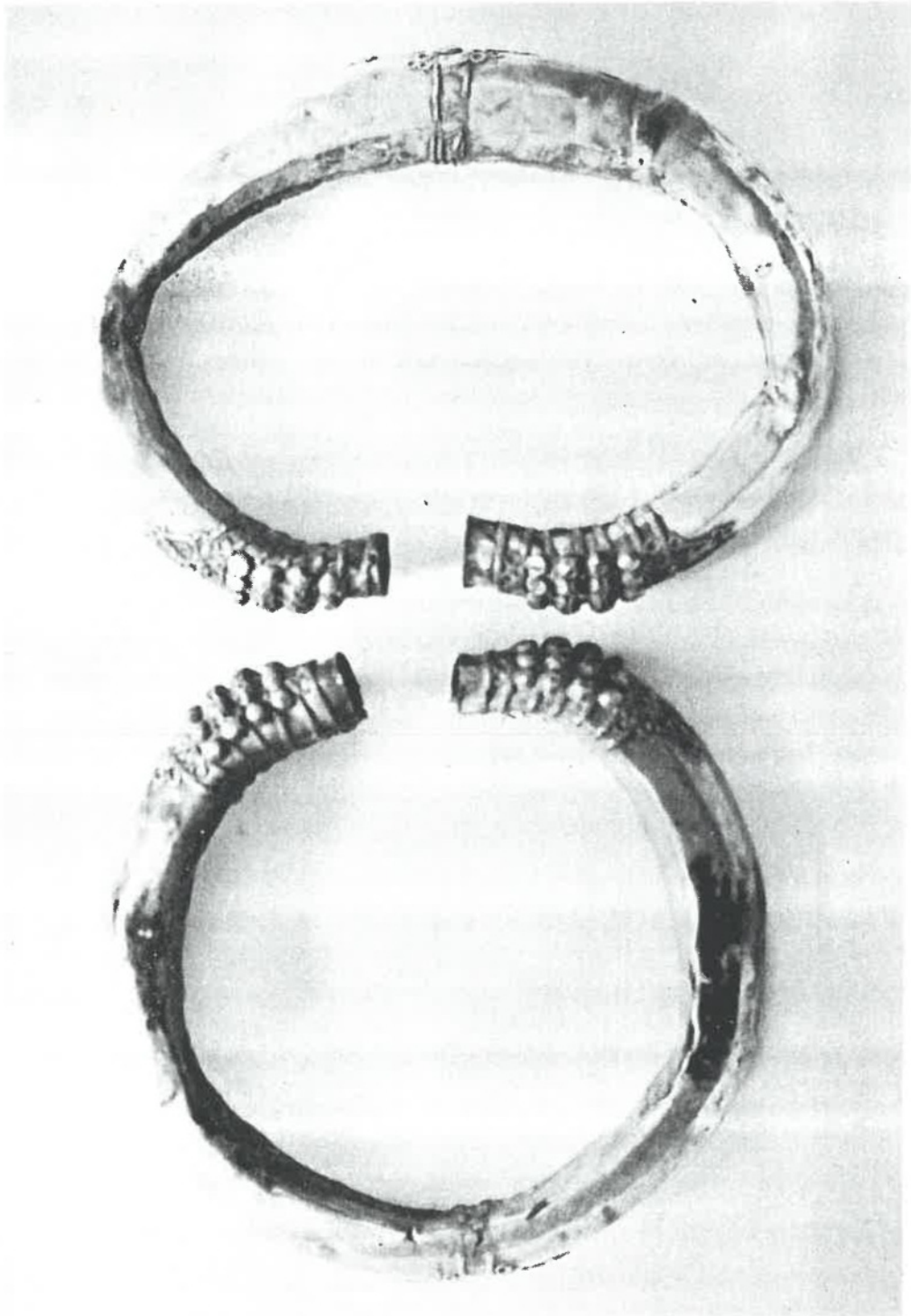
(شکل ۲۵۸) دستبند نقره دوره سلجوقی . با میله توپر و دو سر مار . موجود در موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۳۵۹) دستبند نقره زنجیری دوره سلجوقی با نشان ستاره « ۶ » پر . موجود در موزه ایران باستان .



(شکل ۳۶۰) دستبند نقره‌ای با نشان شش پر، که با شماره «۴۵۹» ارائه گردید.



(شکل ۳۶۱) بازوبند نقره دوره سلجوقی با لوله ساده توخالی و سرهای پرزینت . موجود در موزه ایران باستان .



(شکل ۳۶۴) سرهای پر نقش و نگار بازوبند نقره دوره سلجوقی که با شماره « ۳۶۱ » ارائه گردید .

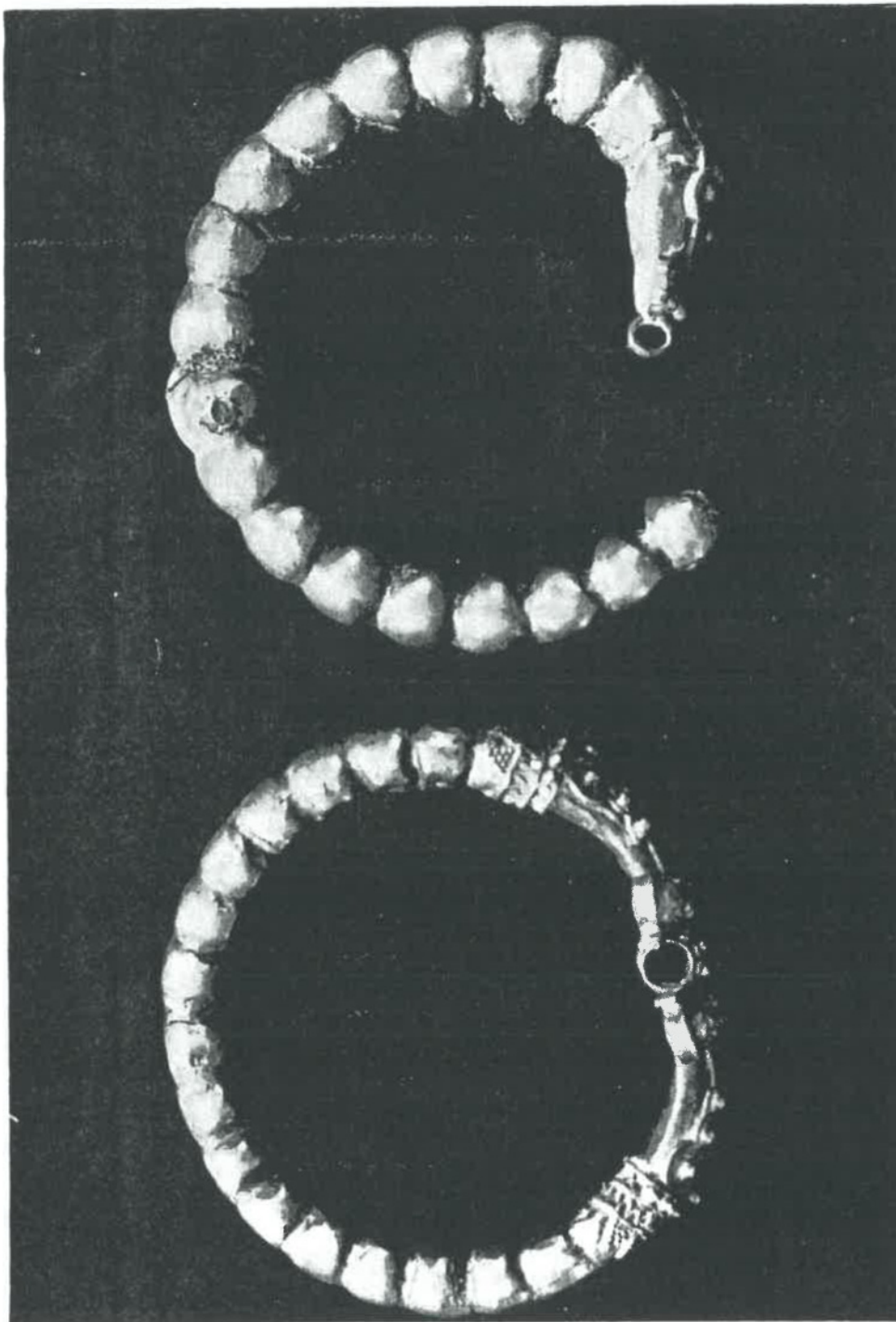
و ۲۶۴ « ارائه میشوند .

.....
 جز این مدارك (که ارائه گردید) مقداری طرح رنگی بر روی کاسه‌های لعابدار کاشان ، ری و ساوه هست که زنان ایندوره را روی آنها با زر و زیور نقش کرده‌اند (که برای مزید آشنائی ، آنها را بترتیب در اینجا ارائه می‌دهیم) :
 کاسه‌های لعابدار از

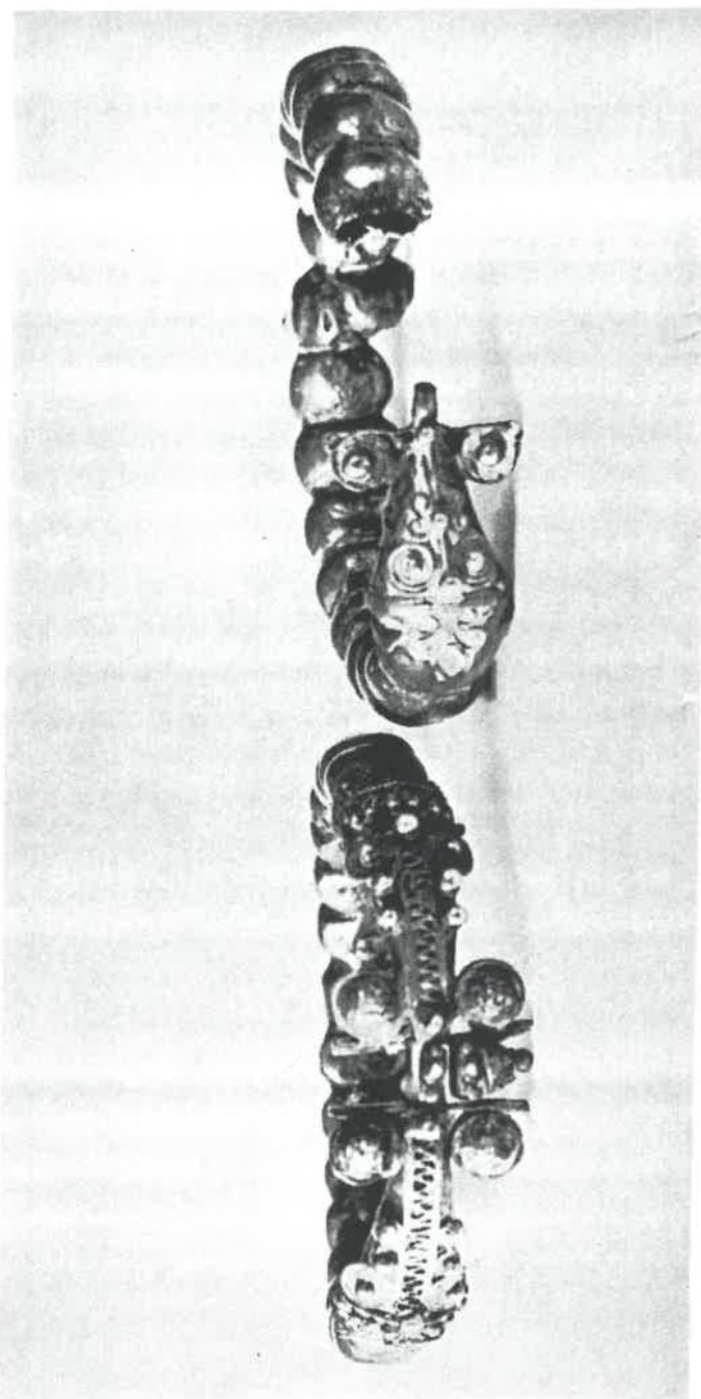
طرحی رنگی بر روی کاسه لعابدار از کاشان هست که به سده ششم هجری منتسب است . پوپ ، در مجلد دهم کتاب خود (نظری بهنرهای ایران) اندازه آنرا « ۲۳۵ » سانتیمتر داده است (شکل ۲۶۵) .

چنانکه در شکل دیده میشود گوش آویزی بلند و مجلل از پهلوی گوش زن دوره سلجوقی آویخته و مضافاً موبندی از دانه‌های درشت و گرد (که شاید مروارید باشد) با يك ترنج در وسط روی موی سرش بسته است .

.....
 کاسه‌ای لعابدار ، منتسب به ساوه ، در مجلد دهم کتاب پوپ عرضه شده است (که تاریخ آن ، ششم - هفتم هجری است) . پوپ آنرا از مجموعه مادام « پاراویچینی » معرفی نموده است . چنانکه در شکل « ۲۶۶ » دیده میشود ، زنان این نقش نیز بر گوش خود گوشواره‌هایی دارند که با نقش پیشین فرق دارد . از آن زن سمت راستی حلقه‌ایست و از آن زن سمت چپ آویز بلند ، و مضافاً زن سمت چپ موبندی ساده (ولی با يك بته جقه) دارد . پوپ اندازه این کاسه را « ۲۰ » سانتیمتر داده است .



(شکل ۴۶۳) بازوبند مجوف نقره دوره سلجوقی.. متشکل از گردیها و سرمار . موجود در موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۳۶۴) وضع دیگر بازوبند نقره‌ای بشماره « ۳۶۳ » .



(شکل ۳۶۵) نقش زن سلجوقی با گوشواره و موبند بر کاسهٔ مکشوفه از کاشان . برداشته از مجلد دهم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .



(شکل ۳۶۶) نقش دو زن دوره سلجوقی بر کاسه مکشوفه از ساوه . با گوشواره و موبند . برداشته از مجلد دهم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ . از مجموعه مادام پاراویچینی .

همچنین ، در نقش سه کاسه‌ای (که به ری نسبت داده شده است) زنی سلجوقی مشاهده میشود (که بچه‌ای در بغل دارد) و طیب از این زن خون میگیرد . از گوش او گوشواره‌ای بلند آویزان است و نیز چون شکل‌های دیگر ارائه شده ، موبندی ساده با يك جقه بدور سرش بسته است . بر دور گردنش طرح گردن‌بندی از دانه‌های گرد نمایان است (شکل ۲۶۷) .

درمجلد نهم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ ، نقش برجسته‌ای منتسب به ری ، با اندازه « ۱۸۰×۱۱۷ » سانتیمتر داده شده است که از دوره سلجوقی معرفی شده ، و زنان زیادی بر روی آن برجسته سازی شده اند .

دو زنِ وسطِ يك کثیرالاضلاع در این نقش برجسته (که هر دو نشسته و صمیمانه بهم تکیه داده‌اند) گوشواره‌های مجللی در گوش دارند و موبندهائی نیز (از همان قبیل که در کاسه‌های کاشان و ری و ساوه دیده شد) بر روی موی خود بسته‌اند (شکل ۲۶۸) .

در شرح یکی از مدارك مهم این دوره (که با شماره « ۲۴۳ » ارائه گردیده است) آنچه باید افزود اینک : مجسمه گچی مزبور ، رنگین است و اندازه آن بطوریکه پوپ در کتاب (شاهکارهای هنر ایران) خود نوشته است « ۱۱۶ » سانتیمتر میباشد و متعلق بسده ششم و هفتم هجری است و در نزد بانو کوراتیمن برنت نگاهداری میشود .



(شکل ۴۶۷) طرح زن بیمار در حال خون گرفتن . در ته کاسه منتسب به ری . با موبند و گوشواره و گردن بند . برداشته از مجلد چهارم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .



(شکل ۳۶۸) نقش دو زن دوره سلجوقی بر روی نقش برجسته گچی ری با اندازه « ۱۱۷ × ۱۸۰ » سانتیمتر . برداشته از مجلد نهم کتاب « نظری بهنهای ایران » پوپ .

درباره
زیورهای دوره تیموری و صفوی



(شکل ۳۶۹) انگشتری طلای دوره تیموری ایران .
مربوط به اوائل هشتم هجری . برداشته از کتاب
« راهنمای صنایع اسلامی » دبباند .

در صفحه « ۱۵۲ » کتاب راهنمای صنایع اسلامی دیمانند ، نوشته شده است : که جواهرات دوره مغول نسبتاً نادر است . يك نمونه موجود ، انگشتری است که تاریخ آن در حدود « ۱۴۰۰ میلادی - ۸۰۳ هجری » باید باشد ، و در موزه متروپولیتن محفوظ است . حلقه این انگشتری با شکل سر اژدها (در سبک چینی) و طرح نباتی تریئینی و کتیبه و تعبیرات مخصوص اواخر دوره مغول و اوئل عصر تیموری ساخته شده است (شکل ۲۶۹) .

این گزارش کم ، درباره زیورآلات دوره مغولی ایران ، قطعاً این مفهوم را ندارد که زنان ایرانی ، توجهی به زیورآرائی خود در این دوره نداشته‌اند . زیرا ، ابن بطوطه که این دوره را درک کرده ، در سفرنامه خود ، تحت عنوان « تبریز و بازار آن » مطلبی نوشته است که گواه بارزی بر استعمال فراوان زینت‌آلات در میان زنان ایران است (۱)

فردای آنروز از دروازه بغداد به شهر تبریز وارد شدیم و بی‌بازار بزرگی (که بازار « قازان » نامیده میشد) رسیدیم ؛ و آن ، از بهترین بازارهایی بود که من در همه شهرهای دنیا دیده‌ام . هریک از اصناف پیشه‌وران ، در این بازار محل مخصوصی دارند ، و من بی‌بازار جوهریان که رفتم ، بسکه از انواع جواهرات دیدم چشم خیره گشت .

غلامان خوشگل با جامه‌های فاخر دستمالهای ابریشمی بر کمر

بسته ، پیش خواجهگان ایستاده بودند ، و جواهرات را به زنان ترك نشان میدادند .

این زنان در خرید جواهر بر هم سبقت می‌جستند و زیاد می‌خریدند ، و من در این میان فتنه‌هایی از جمال و زیبایی دیدم که بخدا باید پناه برد . (صفحه « ۲۲۵ » سفرنامه ابن بطوطه ، گرداننده بفارسی) .

آنچه بر نظریات، دیماند و ابن بطوطه ، برای مزید آگاهی در اینجا باید افزود اینکه : « کلاویخو » در زمان تیموریان به ایران سفر کرده بود و در سفرنامه خود نوشته است : این کشتی‌ها ، مروارید به شهر هرمز می‌آورند تا در آنجا آنها را پرداخت و سوراخ کنند کاروانهایی که از سلطانیه می‌گذرند و بهرمز می‌روند ، این فاصله را شصت روزه طی میکنند مرواریدها به شهرهای سلطانیه و تبریز آورده میشوند ، و در آنجا به انگشتری و گوشواره مبدل میشوند .

با توجه به اینکه گزارشهای مذکوره جامع نیست ولی برای دریافت اینکه علاقه زنان ایران نسبت به استعمال زیورآلات هیچگاه کم نشده بوده است ، کافی بنظر میرسد . حال ، اگر مدارك کافی اینک در دست نیست شاید دیرتر کشف شود ، و اگر بدست نیاید قطعاً باید بحساب آب کردن زیورها بمنظور نوسازی و تغییر شکل یافتن آنها گذاشت ، و برای اینکه از کمترین مدارك هر دوره ، غافل نباشیم . یکی از نقاشی‌های این دوره را (که زنی را با زیور نشان میدهد با شماره « ۲۷۰ »

در اینجا می‌آوریم .

در این نقاشی که چندین نفر را در میان خیمه‌ای نشان میدهد ، زنی نیز چهار زانو نشسته که دو کف دست را درهم کرده است . این زن ، يك تورگیسو بر سر نهاده و با دستمالی (که از جلوی پیشانی به پشت سرش رفته و گره خورده) سرش را بسته است . در جلوی بنا گوش زن ، رشته مرواریدی مشاهده میشود که از زیر پیشانی بند آمده ، و بزیر چانه رفته بطرف دیگر صورت (برای پیوستن به آنسوی پیشانی بند ادامه یافته است . آیا ، زیورهای زنان ایندوره منحصر به یکرشته مروارید در حول چانه و بنا گوش بوده است ؟ با سابقه آنهمه زیورهای متنوع دلبلی برای قبول محدودیت زیور در ایندوره نداریم ، ولی همه نقاشیهای منتسب به ایندوره (که زنان را نشان میدهند) اغلب دارای این زیور میباشند ، شاید هم زیورهای دیگری مورد استفاده قرار میگرفته است زیرا ، از روی پاره‌ای مدارك معلوم میشود که علاوه بر رشته زیر چانه ، گردن بند نیز مورد استفاده قرار میگرفته است : چنانکه در يك نقاشی (که مربوط به نیمه اول سده دهم هجری است و منتسب بمکتب تبریز است) زنی نشان داده شده است که علاوه بر رشته زیر چانه ، گردن بند ، گوشواره و نیز موبند دانه نشان و تاج مجلل دارد (شکل ۲۷۱) .

چنانکه در شکل دیده میشود ، این زن که نشسته و گلی را بدست راست خود دارد ، از زیور معمول زمانهای گذشته ، چیزی جز النگو کم ندارد .

.....
از روی برخی مدارك ، بنظر میرسد که اینگونه زیورها (استعمال



(شکل ۳۷۰) زنی نقاشی شده متعلق به دوره تیموری در کتاب خاوران نامه موزه هنرهای تزئینی با پیشانی بند سفید و رشته زیرچانه .



(شکل ۴۷۱) نقاشی زنی منتسب به اوائل سدهٔ دهم هجری . با موبند ، تاج ، رشتۀ زیرچانه ، گوشواره و گردن بند . برداشته از مجلد نهم کتاب « نظری بهنرهای ایران » پوپ .

گردن‌بند ظریف در دو ردیف (تا زمانی جلوتر معمول بوده است ، زیرا دو نقاشی رضای عباسی و افضل تونی (که اولی مربوط به اوائل سده یازدهم و دومی متعلق به نیمه‌های این سده است) زنانی را نشان میدهند که از گردن‌بندهای دو ردیفه بگردن دارند (شکل‌های ۲۷۲ و ۲۷۳) . و بعلاوه ، در نقاشی رضای عباسی دیده میشود که زن ، مضافاً دستبندی از دو ردیف دانه‌ها (نظیر گردن‌بند) در میچ دست دارد ، و بر میچ پا نیز یک‌ردیف از آن بکار برده است .

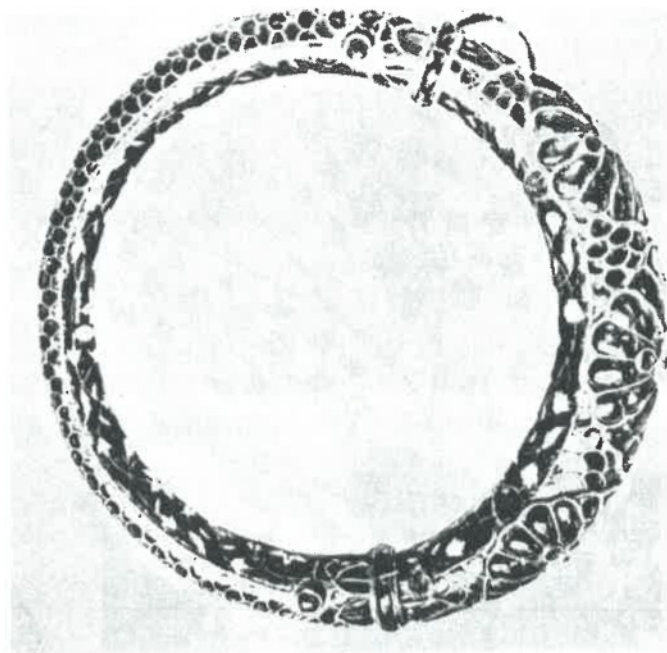
در مجلد دوازدهم کتاب (نظری بهنرهای ایران) پوپ ، دو گونه زیور سده‌های « ۱۰ و ۱۱ هجری » عرضه شده است که برای مزید آشنائی در اینجا هر دو با شماره « ۲۷۴ » ارائه میشوند ، و عبارتند از :

دو کمر بند ، با روکش طلا منتسب به سده دهم هجری موجود در موزه توپقاپوی استانبول که یکی با نام اسماعیل و دیگری با نام نورالله است .

اساس کار در هر دو ، یکی است : هر يك بفواصل دارای نشانهای مشبك است و قیدی چون نوار پهن ، نشانها را از هم جدا کرده ، و یکی از نشانها نقش سوارکاری دارد که دهنه اسب را در دست دارد . این کمر بند (که نقش سوارکار دارد) بنام اسماعیل است و بلندی نشانهایش « ۵ر۸ » سانتیمتر میباشد ، و دیگری (که نقش نشانهایش بر يك زمینه نهاده شده و به نورالله منتسب است ، بلندی نشانهایش « ۷ر۸ » سانتیمتر داده شده است .



(شکل ۲۷۲) نقاشی رضای عباسی (که زنی را با گردن بند و دستبند و زیور میج پا نشان داده است). برداشته از مجلد نهم کتاب «نظری بهنرهای ایران» پوپ.



(شکل ۳۷۵) بازوبند دانه‌نشان با الماس و لاجورد. منتسب به اواخر سده «۱۱ هجری». برداشته از مجلد دوازدهم کتاب «نظری به‌ترهای ایران» پوپ.

منجمله وضع زنان و زیورهای آنان نوشته‌اند.

این سیاحان مسلماً بر اثر وضع اجتماعی بندرت با زنان ایرانی برخورد داشته‌اند، و ازینرو، کمتر توانسته‌اند بطور مستقیم از آرایش آنان چیزی دیده باشند، و اطلاعات آنها بیشتر بر مبنای گزارش کسانی است که با آنان نزدیکی داشته‌اند. ولی از لحاظ زینت‌آلات باید گفت آنها را در بازارها میدیده و از قرار معلوم در فروش آنها مستقیماً دخالت‌هایی داشته‌اند.

تاورنیه Jean Baptiste Tavernier نیز از سیاحانی است که اوائل زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی را درك کرده و در حدود نیمه اول سده

یازدهم هجری در اصفهان بوده است، و در سیاحتنامه خود ضمن گزارش اوضاع و احوال آنزمان از راسته بازارهای این شهر مطالبی نوشته، و در مورد زیورآلات نیز نکاتی را بیان داشته است که از نظر کار ما، در این کتاب مفید می‌باشد.

در صفحه « ۳۹۰ » این سیاحتنامه (که برگردانده آن بفارسی بوسیله ابوتراب نوری « نظم الدوله » موجود است) نوشته شده است: حالا به بدنه شمال میدان می‌پردازیم. در وسط بدنه شمالی، درگاه بزرگی است که بالای آن، ساعتی را (که شاه عباس در فتح هرمز از پرتغالیها گرفته بود) نصب کرده‌اند.

در دو طرف درگاه (که ساعت روی آنست) روی پنج شش صغه، جواهر فروشها نشسته بساط خود را پهن کرده‌اند. در يك سینی، یاقوت و در سینی‌ای دیگر زمرد، لعل، مروارید و فیروزه‌های سبک و کم قیمت گسترده و تمام آنها را روی نیم تختی چیده‌اند و پارچه حریر نازکی رویشان کشیده‌اند (که هم جواهر پیدا باشد، و هم از دستبرد طاران محفوظ بماند)

و در صفحه « ۴۵۴ » نوشته شده: آخرین بار که به اصفهان وارد شدم، بیستم ماه دسامبر « ۱۶۶۴ » بود. بمحض ورود، ناظر و رئیس کل دربار، کلانتر ارامنه را با چند نفر از معتبرین آنها برای تبریک ورود نزد من فرستاد روز بعد، ناظر کل همان چهار نفر ارامنه را با چهار نفر سوار نزد من فرستاد و اعلام کرد که اعلیحضرت میل دارند امتعه و نفایس مرا ببینند ارامنه هم خواستند همراه من بیایند گفتم من ابداً همراهی

شما را لازم ندارم و اگر شما با من بیایید من نصف جواهراتم را بشاه عرضه نخواهم کرد .

همینکه آنها رفتند بخانه کشیش کاپوسن (که جواهراتم را آنجا سپرده بودم) رفتم ناظرکل ، قبل از وقت دستور داده بود همه اسبابها و امتعه را باز کرده مرتب چیده بودند . من هم جواهراتم را باز کرده همانطور بترتیب روی زمین گستردم ، و ناظر کل با دست خود آنها را در روی فرش ابریشمی زربفت مرتب کرد .

آنگاه ، ناظر کل دستور داد که همه از تالار بیرون رفتند و غیر از من و او کسی در آنجا نماند . پس از یکربع ساعت ، شاه از دری (که از عمارت او به این تالار می آید) وارد شد . فقط سیزده نفر از خواجدهسرایان (که مستحفظین او بودند) با او وارد شدند شاه ، در آنوقت يك زیر شلواری تافته پيجازی یا شطرنجی (که يك خانه سفید و يك خانه قرمز داشت و تا وسط ساق پا میرسید) پوشیده بود . پاهایش تا وسط ساق بکلی برهنه بود ، و نیم تنه کوچکی (که نصف تنش را می پوشانید) و بالاپوش بزرگی از زری (که آستینهایش بر زمین کشیده میشد ، و از پوست خز اعلا درست شده بود - خرقة زری -) بدوش داشت .

آنگاه ، ناظر کل مرا جلو برد ، کرنش کردم ، شاه مرا شناخت و بناظر کل خطاب کرد که این همان آقا فرنگی است که پنج سال قبل مقداری اشیاء قشنگ بما فروخت ؟

در اثنائیکه شاه این کلمات را ادا میکرد ، فرستادند تا (پرفائیل)

را وارد تالار کردند ناظر کل او را پیشتر برد و او
 بشاه تعظیم کرد . شاه ، اول به او گفت من از تمام اشیائیکه در اینجا
 چیده شده خوشم می آید و میل ندارم هیچ چیز آنرا پس ببرند ، بشرط
 آنکه قیمت عادلانه برای آنها معین بشود

 جواهرات را در قوطی و کیسه گذارده ،
 همه را در صندوق ریختم و ناظر کل مرا واداشت تا مهر خود را بر آن
 صندوق زدم ، و صندوق را فرستاد در یکی از اطاقهای شاه در جای امنی
 گذاردند من با پرفائیل بجلفا رفتم ، تا که فردا
 عقبم فرستادند ناظر کل ، در آنجا منتظر ما بود
 با بی صبری فرستاد صندوق جواهر را آوردند ، و مهر مرا نشان داد
 که دست نخورده بود (زیرا این اشخاص خیلی مقید به درستکاری هستند) .
 پس از آن ، صندوق را باز کرده جواهرات را بیرون آوردند .
 آنگاه میرزائی را خواست و صورت جواهرات را با قیمتی
 که میگفتم نوشت و سپس رئیس زرگرا را خواستند .
 چند نفر جواهری دیگر هم آوردند (که هر کدام در شناختن
 یکنوع سنگ بصیرت داشتند) یکی ، الماسها . یکی ، زمرد . یکی ،
 یاقوتها و دیگری ، مرواریدها را قیمت کرد .

و در صفحه « ۴۷۲ » نوشته شده است :

در میان جواهرات من (که شاه نخرید و رد کرده بود)
 یکدسته آویز الماس امرودی شکل بود که از بالا سوراخ کرده بودند .

شاه بیاد آنها افتاد و ملتفت شد که جواهرات نفیسی هستند
 من با آویزها به دربار آمدم و يك انگشتری الماس هم
 همراه داشتم . آنرا بدست ناظر دادم . آویزها و انگشتری
 را از من گرفت و پیش شاه برد . شاه هم زرگر فرانسوی خود را خواست
 و آویزها را پیاده کرده به او داد تا در اطراف جقه اش (که طرح آنرا
 خود شاه کشیده بود ، و مشغول ساختن آن بودند) نصب نماید .

شاردن نیز Jean Chardin که از سیاحان اواسط سلطنت
 شاه سلیمان است و در « ۱۶۷۰ » ایران و اصفهان را دیده است . از
 سیاحانی است که نوشته‌های او (از لحاظ روشن کردن اوضاع اجتماعی
 و خصوصیات مردم ما) دارای اهمیت بسیار است . او نیز ضمن گزارش
 جامعی از چگونگی وضع آنزمان ، درباره زیورآلات و علاقه تام مردم
 ما به آنها ، مطالبی ذکر کرده است که برای مزید آگاهی در اینجا
 می‌آوریم :

در صفحه « ۱۱۸ » مجلد سوم سیاحتنامه شاردن که بفارسی
 برگردانده شده (نوشته شده است :

بعد از خروج از دولتخانه جناب ناظر ، بملاقات زرگرباشی
 (که رئیس زرگران و جواهر فروشان کشور است و متصدی مصنوعات
 طلاکاری و نقره سازی و جواهرات مخصوص شاهنشاه میباشد) شتافتم .
 معمولاً ، تعیین قیمت این قبیل مصنوعات (که به دربار فروخته
 میشود) با اوست ، و از این بابت ، صدی دو به وی تعلق میگیرد ، و نیز

آنچه در پایتخت خرید و فروش میشود ، صدی يك مال او میباشد .
 زرگرباشی ، سینی‌ای را که جواهرات منتخب شاه در آن قرار
 داشت بجلو کشید ، و کار را از قطعات کوچک آغاز کرد ، و آهسته
 قیمت هر تکه گوهر را یکی بعد از دیگری از من سؤال میکرد . آنگاه
 آنها را نخست بجواهر فروشان مسلمان و سپس بگوهریان ارمنی و هندی
 و به هر هیئتی جداگانه نشان میداد و قیمت میکرد .

.....

و در صفحه « ۱۸۴ » میخوانیم :

در دوازدهم ، ناظر ، صبح زود مرا بحضور خویش خواست .
 من نیز بخیال اینکه احضار من بخاطر جواهرات است ، بسرعت عزیمت
 کردم ، اما دیدم که اشتباه کرده‌ام ، و مرا برای دیدن يك الماس تتراشیده
 هفتاد قیراطی (که شاهنشاه میخواهد خریداری کند) دعوت کرده‌اند .
 شاهنشاه آنرا به سه هزار و پانصد تومان نقد (معادل پنجاه هزار
 اکو) خریداری کرد ، و حال اینکه گوهر مورد بحث در اروپا صد هزار
 اکو ارزش داشت . این الماس گرانبهارترین گوهری میباشد که با چنین
 ارزانی مشاهده شده است .

.....

و در صفحه « ۱۸۶ » چنین میخوانیم :

در سیزدهم ، از نو بحضور ناظر شتافتم . او خودش دستور داده
 بود که همه روزه وی را به‌بینم ؛ چون در حقیقت هم در تمام ایام با من
 کاری داشت (گاه میخواست چند قطعه جواهری برای خود و یا دوستانش
 بخرد ، و گاه بفروشد) . او بمن پیشنهاد کرد که همه کالای خود را

با الماس و یا ابریشم مبادله کنم . من پاسخ دادم که چون مجبورم بهندوستان (معدن الماس و مرکز ابریشم) بروم ، پول نقد برایم مناسبتر است در میان الماسهاییکه مشارالیه بمن نشان داد ، يك قطعه پنجاه و شش قیراطی وجود داشت که شاهنشاه آنرا بملکه مادر اهداء کرده بود ، ولی معزی‌الیها از این سنگ قیمتی خوشش نمی‌آمد و میخواست آنرا بفروشد) . قطعه مزبور چهل هزار اکو تقویم میشد .

صفحه « ۲۹۱ » در سوم ، با بانوی مجتهد اعظم (که خواهر شاهنشاه فقید ، شادعباس ثانی است) يك معامله هزار پیستولی کردم و بمشار‌الیها جواهر فروختم .

صفحه « ۳۰۱ » شاهزاده بانوی مجتهد اعظم ، يك رشته مروارید ، يك مجموعه جواهر ، و یکجفت گوشواره بمن نشان داد که شایان توجه و در خور ثبت در این یادداشت روزانه است . این لطف مشار‌الیها ، بخاطر جواهرات مطلوب من صورت گرفت « توضیح آنکه ، شاهزاده خانم ، بهترین قسمت جواهرات مرا (که باقی مانده بود) خواسته بود ، و منهم يك گردن‌بند مروارید بسیار نفیس را (که ده هزار اکو ارزش داشت) بخدمت وی ارسال داشتم » .

او پس از ملاحظه و مشاهده این رشته گرانبها و دیگر جواهرات قیمتی ، از من تشکر بعمل آورده ، و بنوبه خود مرواریدهای خود را برای تماشا پیش من فرستاد ، من هرگز چنان گوهرهای درشت و عالی در عمر خود ندیده بودم . این گردن‌بند ، عبارت بود از سی‌وهشت قطعه مروارید شرقی (که هر قطعه آن بیست‌وسه قیراط وزن داشت ، و همه‌شان بسیار خوش‌ترکیب و خوشاب و يك نسق و يك شکل بودند) .

این رشته گوهر، برای آرایش گردن بکار نمی‌رود، بلکه به رسم ایرانیان، جهت آراستن صورت مورد استفاده قرار می‌گیرد، و گونه‌ها و زیر زنج را زینت می‌بخشد.

این تذکر شاردن درباره استعمال رشته‌های مروارید بر بنا گوش و زنجندان در دوره صفویه، یادآور و نشانه‌ایست بر اینکه: چنین آرایشی (که در دوره تیموری معمول بوده) در این زمان نیز رسم بوده است.

درباره گوشواره‌های عمه شاهنشاه، نوشته است: گوشواره‌هاییکه مشارالیها نشانم داد عبارت بود از یکجفت یاقوت گلوله‌مانند تراشیده و زمخت (که تمیز و خوشرنگ بود و هر قطعه‌اش دو گروس^۱ ونیم وزن داشت).

خواجه (پیشکار عمه شاهنشاه) برای من حکایت کرد که یک سفیر ایران (که از طرف پدر شاهزاده خانم «شاه صفی» به ترکیه اعزام شده بود) در استانبول آنها را به صدویست هزار اکو خریداری کرده است.

مجموعه این جواهرات عبارت بود از: یاقوت، الماس و آویزهای الماس. (غیرممکن است که از حیث نفاست و تمیزی و روشنی و درخشندگی، احجاری عالیتر از این‌ها پیدا شود).

جواهرات این شاهزاده خانم بالغ بر چهل هزار تومان است

۱ - گروس، یک‌هشتم اونس است و هر اونس «۳۰۵۹» گرم میباشد.

که معادل هیجده هزار لیره میباشد (یک میلیون و هشتصد هزار لیره فرانسوی - که معادل فرانک طلاست) .

خواجه ، محبت بی‌پایان عمه شاهنشاه را نسبت بمن متذکر شد ، و گفت : قسمت اعظم جواهرات شاهزاده خانم ، روی لباس و سینه پوشاک دوخته شده است ، و گرنه همه آنها را بشما نشان میداد (متأسفانه نمایش البسه زنان نیز برحسب رسم مردم کشور ممنوع است و این موضوع حقیقت دارد) .

در این مملکت ، نمایش پوشاک بانوان را فضحیت و رسوائی می‌شمارند و معتقدند که با تماشای لباس یک زن ، میتوان بقدر و قامت وی پی برد و به اینطریق او را افسون کرد .

.....
نکته بسیار جالب دیگری که از گزارش شاردن مستفاد میشود :

آرایش زیورها بر روی سینه لباسهای زنان ایندوره است .

امروزه نیز ، زنان ایرانی روی لباس خود را با زیورها و سکه‌ها آرایش میدهند ، و اینکار ، بنظر میرسد که در میان زنان ایندوره (از روی تذکر خواجه عمه شاهنشاه) باید سابقه قدیمتری داشته باشد .

.....
در مورد آرایش سروصورت زنان ایرانی (که توأم با جواهرات

مختلف بوده است) شاردن ، گزارشهای مفیدی دارد ، و در صفحه « ۲۱۸ » مجلد چهارم سیاحتنامه او نوشته شده است :

آرایش زلف زنان ، ساده میباشد ، همه گیسوان ، در پشت سر و چندین رشته بافته است . زیبائی این آرایش ، در انبوهی زلفان و بلندی

آنست که تا پیشینه پاها میرسد ، و در صورت کسری ، بافته‌های ابریشمی بر سر گیسوان اضافه میکنند تا به اینطریق به درازای آن بیفزایند .
نوك بافته‌های زلف را با مروارید ، و یا زینت‌آلات طلا و نقره ، آرایش میدهند .

سر زنان ، در منتها الیه پیشانی‌بند (تیار) (Tiare) با حجاب یا کلاهی پوشیده میشود (و تیار که نواری نازک با دنباله‌ای سه‌گوش و هلالی است و به اندازه‌ی يك شست پهنا دارد ، از نوار رنگارنگ لطیف و سبکی تهیه میشود که گاه قلابدوزی میشود ، و یا با جواهرات زینت میگردد)
دوشیزگان ، بجای تیار ، کلاهک بی‌لبه‌ای بر سر دارند ، اینان در منزل ، هرگز حجاب ندارند ، بلکه دو رشته از بافته‌های گیسوان را بر گونه‌های خویش نمایش میدهند . کلاهک دختران متشخصین ، بند مرواریدی دارد .

صفحه « ۲۲۰ » زینت‌آلات بانوان ایرانی بسیار ، و گوناگون است . جقه جواهری بر سر دارند ، و آنرا بر پیشانی‌بند (تیار) خویش تعبیه میکنند .

.
با توجه به این تذکر شاردن ، میدانیم که زنان ایرانی در دوره سلجوقی نیز چنین تیاری با این مشخصات داشته‌اند ، و نقوش بر روی کاسه‌های کاشان و ری و ساوه (که ارائه شده‌اند) آنها را مینمایانند .
.
شاردین نوشته است : که در صورت نبودن جواهر ، دسته‌گلی عادی

بر سر خویش میزنند و بطور کلی، زنان ایرانی مجموعه‌ای از گوهرهای گرانبها بر پیشانی‌بند خود می‌آویزند که بیالای ابروان شان میرسد، و رشته مروارید بالای گوشها (که زیر زنج را دور میزنند) از بالای گوشها می‌آویزند.

زنان ولایات مختلف، حلقه‌ای بر لبه یا پره چپ بینی خود نصب میکنند (که بمانند گوشواره آویزان است)^۱.

این حلقه، نازک میباشد. و در قسمت پائین آن دو قطعه مروارید وجود دارد که یاقوت گردی میان آندو، تعبیه شده است^۲.

زنان برده (کنیزان) مخصوصاً برده زادگان، تقریباً همه‌شان از این حلقه‌ها بر بینی خود دارند، و در بعضی از نواحی، قطر دایره‌شان چنان بزرگ است که شست از میان آنها میگذرد. ولی در اصفهان، زنان ایرانی‌الاصل هرگز حلقه بر بینی نمی‌کنند. در بیابان کرمان، زنان کارهای زشتتری میکنند: بالای بینی را شکافته حلقه‌ای از آن میگذرانند و جواهراتی بر روی دایره تعبیه میکنند که یک قسمت از بینی‌شان را بکلی می‌پوشاند. اینگونه زینت‌آلات، در شهر لار (مرکز ایالت لارستان) و در هرمز نیز بسیار دیده‌ام.

علاوه بر جواهراتی که زنان ایرانی بر سر خویش دارند، جواهری نیز به پهنای دو تا سه انگشت بر مچ دارند (که به سهولت

۱ - مادام دیولافوآ Mme. Dieulafoy زنانی را که حلقه به پره بینی نصب میکنند

عرب میدانند نه ایرانی.

۲ - بدیهی است که شاردن یک نوع از زیور بینی را دیده و تعریف کرده است.

تمام دور آن می‌چرخد) .

زنان متشخصه ، رشته مرواریدهایی در بازوان خویش دارند .
دوشیزگان ، معمولاً يك دستبند زرین بضخامت يك بند نازك (با يك
قطعه گوهری در محل قفل و بست) بمچ خویش می‌بندند .
بعضی نیز ، رشته زنجیری بمانند همین دستبند ، در بازوی خود
دارند . ولی اینکار چندان متداول نیست .

گردن‌بندهای زنان ایرانی عبارت از يك رشته زنجیر زرین یا
مروارید است که بگردن می‌آویزند و تا پائین سینه‌شان میریزد ، و عطردانی
بقسمت پائین آن تعبیه کرده‌اند .

اما ، درباره انگشتری ، در هیچ جای دنیا ، زنان بقدر زنان
ایرانی خاتم ندارند . بعبارت روشن‌تر ، تمام انگشتان ایشان پوشیده
از انگشتریهاست .

صفحه « ۲۲۸ - ۲۲۹ » تجملات ایرانیان در پوشاك ، وزینت‌آلات
جواهرنشان و آرایش زین و یراق اسبان نیز سخت عظیم است
. . . . اما جواهرات مردان بسیار است و تقریباً بقدر زنان خود
انگشتری در انگشت‌های خود دارند (و فقط به سه انگشت میانین خود
در هر يك ، پنج تا شش عدد انگشتری دارند) .

علاوه بر انگشتریهایی که مردان در انگشت میکنند ، اشخاص
ثروتمند کیسه‌هایی از جواهر (که تعدادش بالغ بر هفت یا هشت و یا
بیشتر است) بوسیله رشته‌ای بگردنشان آویخته است .

مضافاً متذکر میشوم که ایرانیان بگوهرهای رنگینی علاقه
مخصوصی دارند و خیلی بیشتر از مغرب‌زمینیان آنرا می‌پسندند .

در همین مجلد چهارم سیاحتنامه شاردن، مطلب جالبی در صفحه « ۲۳۱ » ذکر شده است: که عظمت تجمل ایرانیان، در حرمسرایشان تجلی میکند.

مخارج اندرون، نظر بکثرت تعداد زنان، و ریخت و پاشی که در راه عشق و محبت بعمل می‌آورند، زیاد است. لباسهای گرانبها پشت سر هم خریداری و تجدید میشود، و عطریات، سیل آسا بمصرف میرسند، و چون زنان در دریای ناز و نعمت و تجمل و تفنن بیحد و حساب پرورش یافته‌اند، سراپای وجودشان وقف اطوار تصنعی می‌گردد.

شاردن، مطلبی بنام « زرگران سرخانه » در همین مجلد خود دارد که از نظر نحوه کار زرگری در کوی و برزن، در خور توجه میباشد، و آنرا بعنوان آخرین قسمت گزارش وی درباره زیور و زرگری در اینجا می‌آوریم:

صفحه « ۲۹۸ » زرگران و نقره کاران، بهرجائی که بخواهند برای کار عزیمت میکنند، در صورتیکه نقل و انتقال وسائل آنها چندان سهل نمی‌نماید. این صنعتگران يك كوزه سفالی (که تقریباً بمانند منقل، ولی اندک بلندتر است) همراه دارند. دَمشان نیز عبارتست از يك پوست ساده بز که دو قطعه چوبی بیکسر آن (برای بستن مدخل هوا) تعبیه شده است. بر سر دیگرش، لوله کوچکی وصل است، و هنگامیکه کوره را بکار می‌برند سر آزاد لوله را در آن فرو میکنند، و با دست چپ می‌دمند.

۱ - البته خواننده توجه دارد که منظور از پوست (خيك) میباشد.

زرگران ، این دم را (که بمانند کیسه تاشده ایست) از يك توبره چرمی بیرون می آورند . این توبره بمنزله پیش دامن سوهانکاری است و ابزار کار خود را که نیز عبارت از : انبر ، قالب شمش ریزی ، مفتول کش ، سندان ، چکش ، سوهان و دیگر وسایل کوچک است ، در آن میگذارند . استاد ، توبره را حمل میکند و شاگرد ، کوره را . چنانچه بجائی دعوت شدند ، به اینطریق وارد میشوند ، و شامگاهان دکه خود را بزیر بغل زده خارج میگردند .

هنگامیکه کارگر میخواهد فلزات را آب کند ، گودیهای در زمین به اندازه لازم احداث میکند ، و در موقع کار ، دم را بکوره اتصال میدهد ، و سندان را در نزدیکی خود بزمین فرو می برد ، و روی زانوان خویش بکار می پردازد .

.....
سیاح دیگری که اواخر دوره شاه سلیمان را (در ۱۶۸۳ میلادی) درك کرده يك مبلغ مذهبی بنام « سانسون » Sanson است که در سفرنامه خود مطالبی در احوال زنان ایران و آرایش آنان آورده است .

گرچه توضیح او بی شباهت به توضیح دیگر سیاحان نیست ولی برای مزید آگاهی گزارش او را نیز در اینجا می آوریم :

در صفحه « ۱۲۲ » سفرنامه برگردانده بفارسی سانسون ، نوشته شده است : که طرز لباس پوشیدن زنها در ایران با لباس پوشیدن مردان چندان اختلافی ندارد . فقط لباس زنان زر و زیور بیشتری دارد ، و طبعاً درخشانتر است .

زنها ، هیچگونه عمامه ای مثل مردان بر سر نمی گذارند ، پیشانی

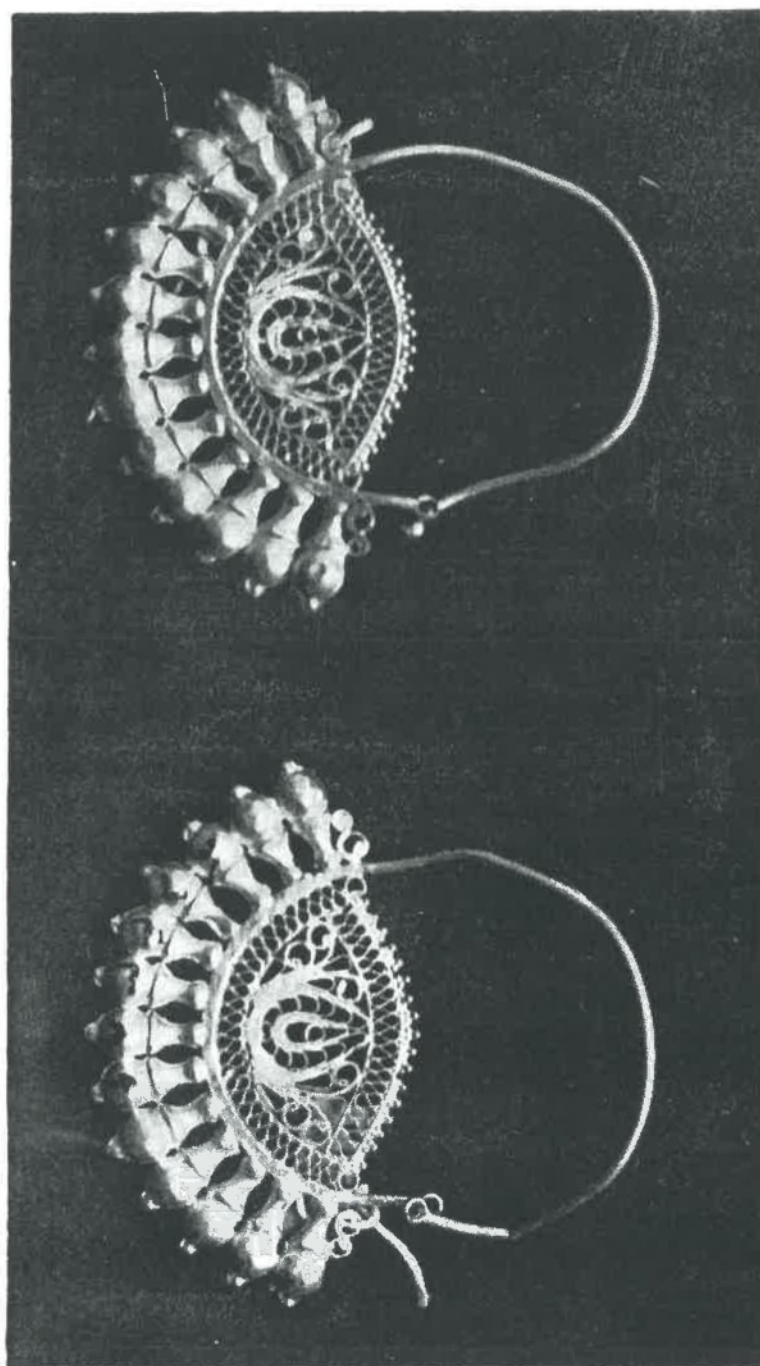
آنان از نواری (که سه انگشت پهنا دارد) پوشیده شده است. این نوار، با طلای میناکاری شده مزین است، و بر آن، یاقوت و برلیان و مروارید می‌آویزند.

زنها، کلاه پارچه‌ای ظریفی (که با طلا آنرا حاشیه دوزی میکنند) بر سر میگذارند، و شال ظریفی را (که حاشیه آن در کمال زیبایی گلدوزی میشود) به دور کلاه می‌پیچند. قسمتی از این شال به پشت سر (تاکمرشان) آویزان میشود، و در وقت راه رفتن بالا و پایین میرود و بوضع جالبی تکان میخورد. به گردنشان گردن بند های مروارید می‌آویزند، و کمربندی را (که چهار انگشت عرض آنست و از ورقه‌های طلا پوشیده شده است) بکمر می‌بندند. روی ورقه طلا، قلمزنی میکنند و اغلب اوقات، بر روی آن جواهرات قیمتی نصب میکنند. پیراهنی که در زیر می‌پوشند، زربفت است، و زمینه آن طلا یا نقره است. روی این پیراهن، یک نیم تنه زردوزی شده (که بسیار زیبا است) می‌پوشند. اکثر نیم تنه‌ها از پوست سمور است. در زمستان، نیم تنه‌های آستین‌دار، و در تابستان، نیم تنه‌های بدون آستین دارند.

زنها، هرگز جوراب نمی‌پوشند؛ زیرا شلواری که پیا میکنند بلند است، تا زیر قوزک پاهایشان را می‌پوشاند. در زمستان، پوتین‌های ساق بلندی (که لبه‌های آنرا زینت میکنند) می‌پوشند، و در منزل مانند مردان، کفش راحتی (که از چرم ساغری درست شده است) پیا میکنند. زنها، داخل دست و کف پا و سر انگشتان را با رنگ مخصوص^۱ قرمز، و چشمه‌هایشان را با (سرمه) سیاه میکنند.

۱ - قطعاً خواننده توجه دارد که منظور از رنگ مخصوص که سانسون عنوان کرده است «حنا» میباشد.

درباره
زیورهای دوره افشاریه و زندیه
(۱۲) هجری



(شکل ۴۷۶) گوشواره طلای هلالی شکل مشبک با آویزهای کوزه‌ای شکل . مربوط
بسنه دوازدهم هجری . موجود در موزه ایران باستان تهران .

از زیورهای منتسب به دو دوره افشار و زند ، مدارك زيادى
نمیتوان ارائه داد . شاید علت اساسی این کمبود ، همان تغییر شکل دادن
آنها (طی دوره های اخیر) باشد .

در موزه ایران باستان تهران ، چند نمونه منتسب به سده دوازدهم
هجری (که مقارن دوره افشار و زند است) وجود دارد که میتواند
زمینه آشنائی قرار گیرد .

گوشواره ای از طلا ، با شکل هلالی و مشبك هست که از زیر هلال
بزرگ زیورهای (که بی شباهت به شکل کوزه نیستند) ثابت جوش
داده شده اند . میان انحنای پائین ، و بالائی را (که معکوس هم قرار
دارد) با زرهای مفتولی بسیار ریز ، مشبك ساخته اند . این گوشواره
با شماره « ۲۷۶ » ارائه گردید .

جفتی گوشواره (که نیز منتسب بسده دوازدهم هجری است)
در موزه ایران باستان هست که دو سر حلقه آن در دهان دو اژدها فرو
شده است . هر دو سر اژدها دارای يك گردن واحد و منحنی میباشند
و با گردش حلقه ، یکدائره را تشکیل میدهند . از پشت گردن يك اژدها
تا به دیگری ، چهار گلوله مشبك جوش داده شده ، که هر يك ، نواری
گرد در ته خود دارند ، و با این هیئت ، شکل انار یافته اند . بر روی

انحنای گردن دو اژدها ، سر دو پرنده کوچک را پشت بهم (که از گردن وصل میباشند) نصب کرده‌اند (شکل ۲۷۷) .

يك انگشتری طلا با نگین مروارید (منتسب به سده دوازدهم هجری هست) که دانه‌های آن بوسیله چنگ‌ها حفاظت میشوند . (شکل ۲۷۸) .

یکجفت النگوی طلای مسطح و بشکل نوار نیز هست که در زمره اشیاء متعلق به سده دوازدهم معرفی شده و حاشیه دو طرف نوار آن بشکل سیم تائیده زینت دارد ، و در وسط این دو طرح ، برگ و ساقه‌ای شبیه به برگ و ساقه گندم روسازی شده است (شکل ۲۷۹) .

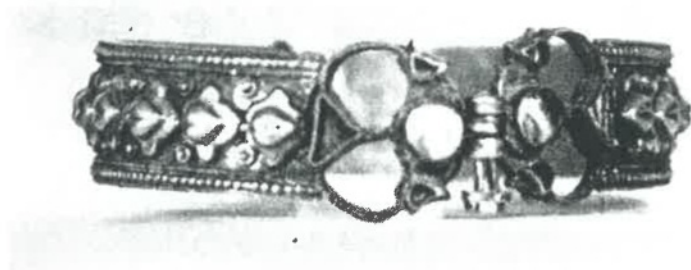
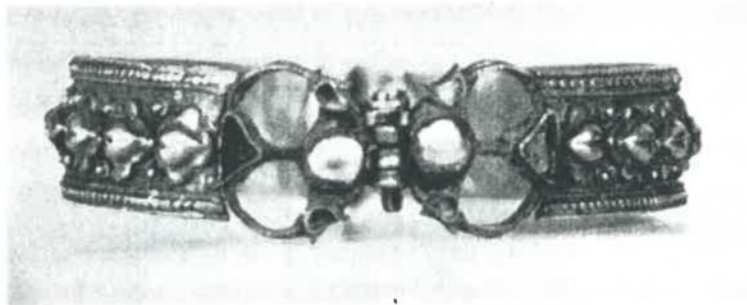
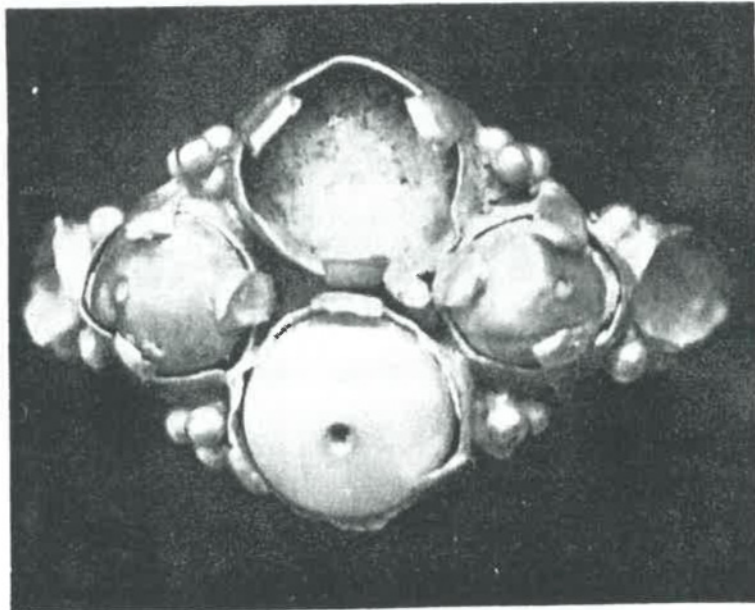
گردن‌بندی از طلا ، منتسب بسده دوازدهم هجری ، در موزه ایران باستان هست که مرکب از یکعده مهره‌های دومخروطه شیاردارست و ماهی‌هائی از طلا را (بفاصله) در میان آنها به رشته در آورده‌اند ، و آویزی بشکل از گیل مسطح دارد. که مشبك است و روی آنرا با سیمهای تائیده طلا ، نقش شاخه‌گلی انداخته‌اند (شکل ۲۸۰) .

علاوه بر این زیورها دو پرده از نقاشی‌های منتسب به دوره زندیه موجود است که هر يك ، زنان آن دوره را با زیورآلات نشان میدهند :

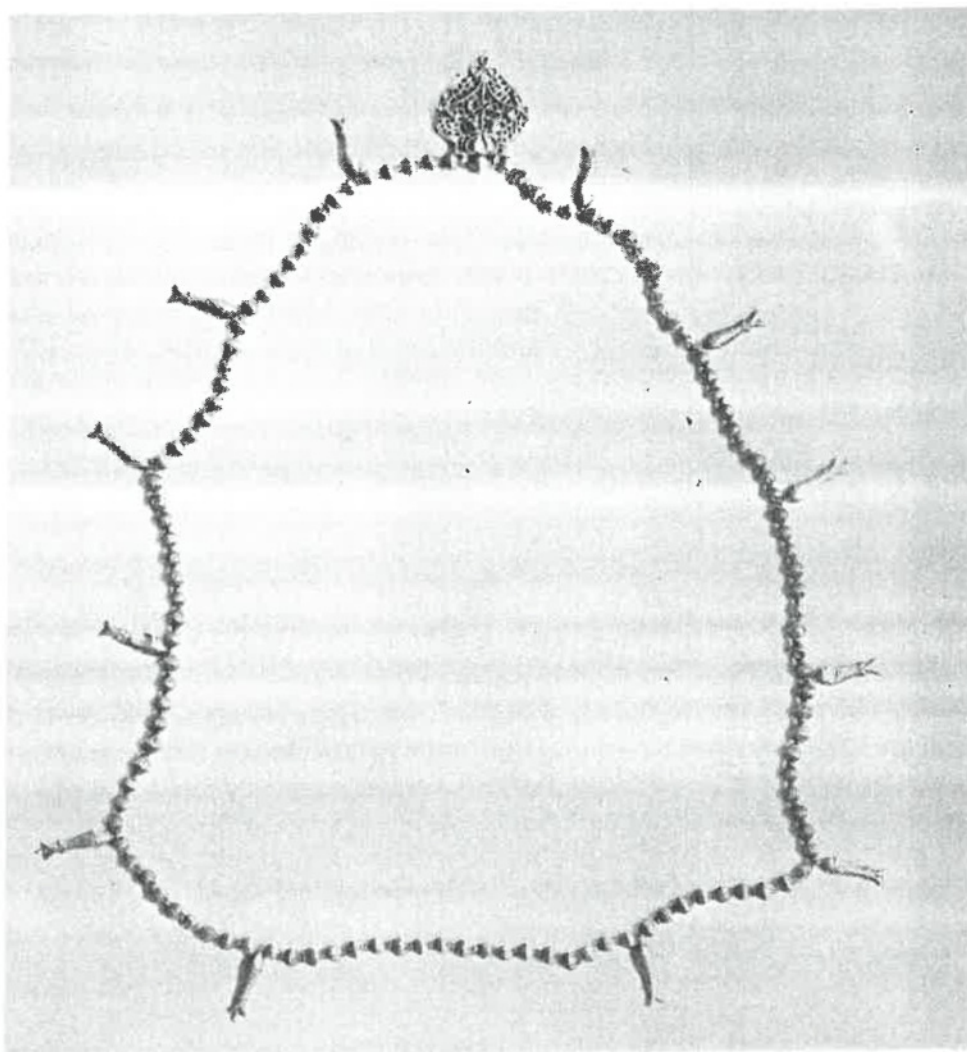
در نقاشی‌ای که با شماره « ۲۸۱ » ارائه شده ، زنی از دوره



(شکل ۳۷۷) گوشواره طلای هلالی شکل با چهارگلوله و دوسر اژدها . منتسب بسده « ۱۳ » هجری .
موجود در موزه ایران باستان تهران .



(شکلهای ۲۷۸ و ۲۷۹) انگشتری و انگوهای منتسب بسده دوازدهم هجری .
موجود در موزه ایران باستان تهران .



(شکل ۲۸۰) گردن بند طلای دو مخروطه شیاردار با ماهی و آویز از گیلی شکل مسطح . منتسب بسده دوازدهم هجری . موجود در موزه ایران باستان .

زندیه دیده میشود که ساغری در دست راست و يك شیشه در دست چپ دارد . پیراهن بسیار نازك و تن نما پوشیده ، و شلوار او طبق رسم آندوره ، نقشینه است . حاشیه دمپای شلوار ، قلابدوزی شده و کمر آن از پارچه‌ای جز پارچه شلواری است ، و خود شلوار دارای نقشهائی با گردش ساقه

و برگ میبشد. این زن، کلاهکی مجلل و قلابدوزی شده و زیور نشان بر سر نهاده، و گردن‌بندی پرکار و پر از زیور و دانه نشان دارد. این گردن‌بند، آویزی بلند و یکسره و دولا دارد که تا به پائین‌تر از نافش رسیده است، و مضافاً در فاصله میان گردن‌بند اصلی و پستانها، یک زیور چهارگوش در میانه قرار دارد. بر میچ هر دو دست او نیز الزنگو دیده میشود.

این نقاشی از مجموعه‌های موزه مردم‌شناسی تهران است.

در نقاشی دیگر، منظره معاشقه‌ای مشاهده میشود، و ندیمه پیر نیز حضور دارد. مردی جوان با کلاه پوستی، زنی را در بر گرفته، می به او تعارف میکند.

این زن (مانند زن تابلوی دیگر) پیراهنی تن‌نما و شلواری نقشینه پوشیده، کلاهکی قلابدوزی شده بر سر دارد، و یکجفت گوشواره در گوش او نمایان است. گردن‌بندی که این زن دارد نظیر همانست که در شکل قبلی ارائه گردید.

این نقاشی در موزه هنرهای تزئینی تهران نگهداری میشود.

(شکل ۲۸۲)

رنه دالمانی Henry René D'Allnagne در سفرنامه خود (از

خراسان تا بختیاری) زیوری را بنام گوشواره عرضه کرده است که از

کارهای ایران قرن « ۱۸ » میلادی معرفی کرده و نوشته است :

این گوشواره بشکل طوطی مزین بمروارید و جواهرات الوان است



(شکل ۲۸۱) نقاشی زنی ساغر بدست از دوره زندیه با کلاهک و گردن بند و دستبند. موجود در موزه مردم شناسی تهران.

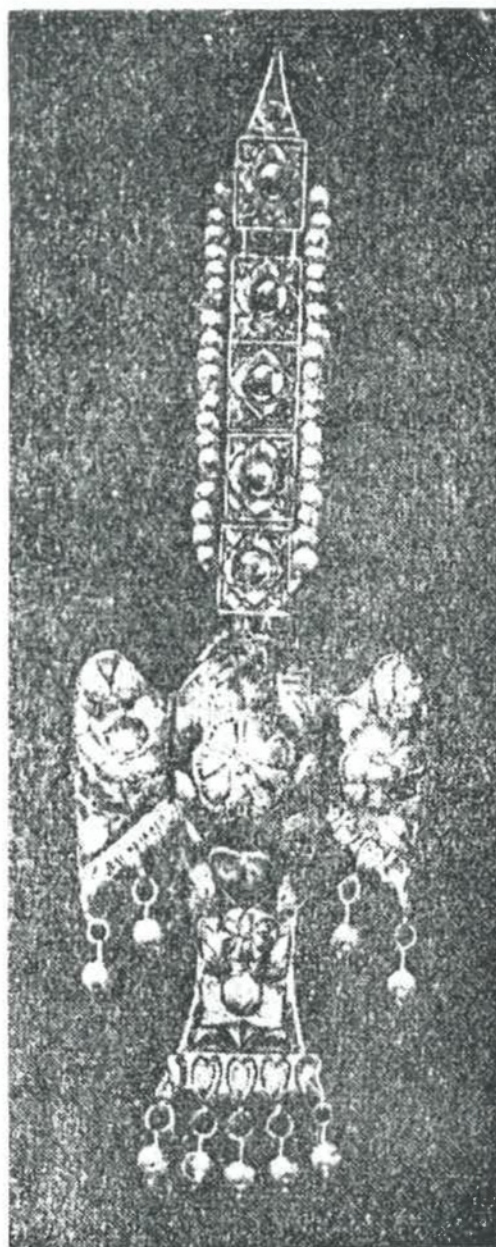


(شکل ۲۸۴) نقاشی منظره معاشقه، که زنی از دوره زندیه را با کلاهک و گردن بند نشان میدهد. موجود در موزه هنرهای تزئینی تهران.

و از مجموعه (بیزو) میباشد .

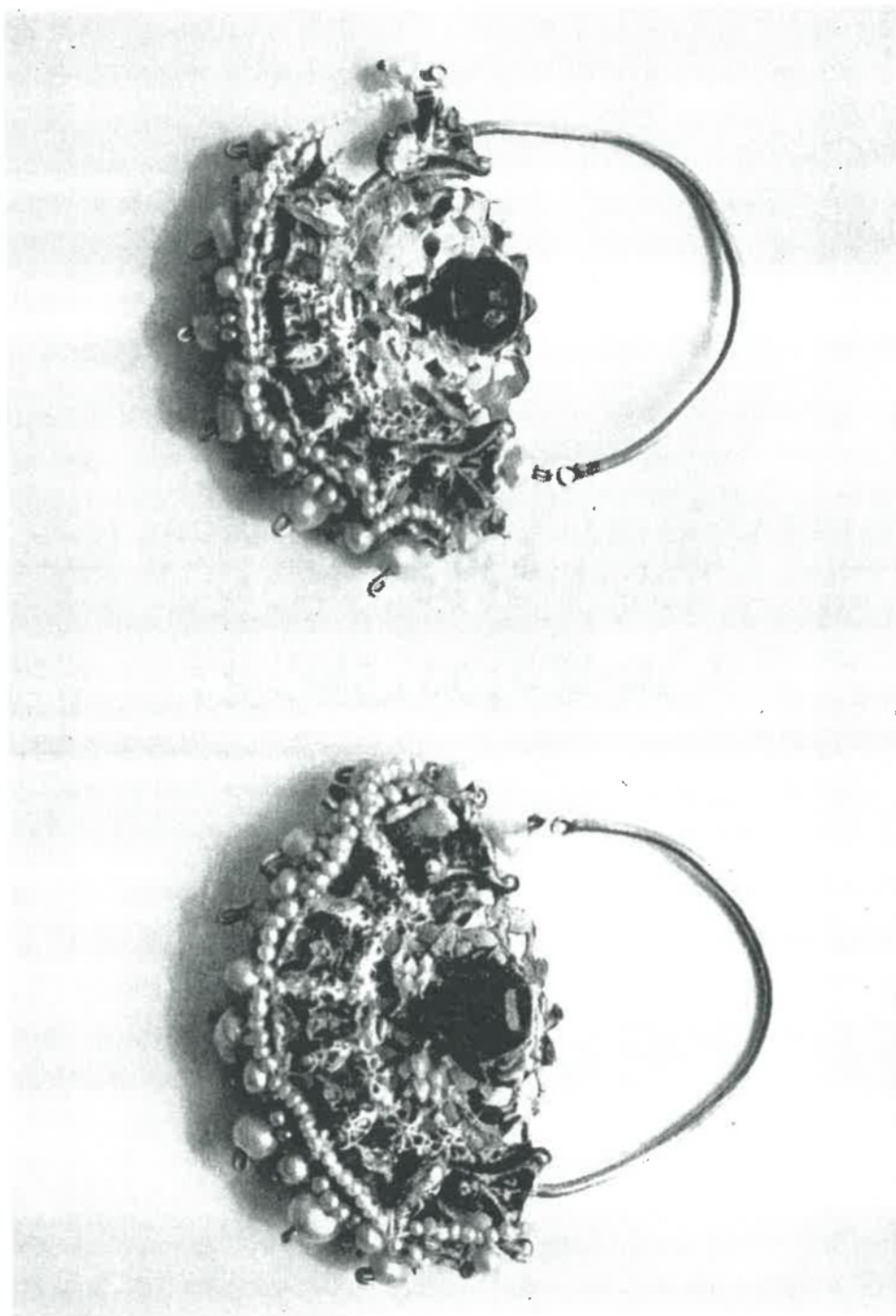
با تاریخگذاری رنه دالمانی (که به دوره افشار و زند بستگی
میابد) آشنائی بچگونگی شکل آن (گو که در نسبت تاریخی آن
اندکی پس و پیشی قابل گذشت وجود داشته باشد) از نظر کاری که
در پیش داریم قابل توجه است .

چنانکه در شکل « ۲۸۳ » مشاهده میشود ، طرح عمومی این
گوشواره بلند و مجلل (پس از حلقه آن) عبارتست از پنج چهارگوشی
مرصع ، که هر یک دارای گوهری درشت در میان خود میباشند ، و بر دو
پهلوی آنها نیز رشته‌ای از مروارید نصب است . بالهای گشاده طوطی
در زیر این پنج چهارگوشی رویهم قرار گرفته ، واقع است . بالهای طوطی ،
عمودی و بسوی پائین متوجه است ، و در زیر هر یک آنها دو گلوله با
کمک حلقه آویخته است . در انتهای دم این پرنده ، نیز پنج گلوله
بصورت آویز (نظیر همانها که در زیر بالها آویخته بوده‌اند) آویزان
است . سراسر این گوشواره ، علاوه بر گوهریها ، زینت کاری شده ،
و هیئت پرکار و مجللی بخود گرفته است .



(شکل ۲۸۳) گوشواره مرصع گوهر نشانه ، با شکل طوطی . از کارهای قرن « ۱۸ » ایران .
از مجموعه ییزو . برداشته از سفرنامه « از خراسان تا بختیاری » رنه دالمانی .

درباره
زیورهای دوره قاجاریه



(شکل ۲۸۴) گوشواره طلا و مروارید مرصع . منتسب بدوره قاجاریه . موجود در موزه ایران باستان .

درباره زیورهای دوره قاجاریه ، عده‌ای از بیگانگان که دوره‌هایی از این سلسله را دیده‌اند ، یادداشت‌هایی کرده‌اند که از این نظر و همچنین از دیگر نظرها بسیار مفید میباشند .

اگر این یادداشت‌ها نبودند شاید آگاهی ما ، درباره اوضاع و احوال زمانه‌هایی از مردم ما بسیار ناقص مینمود . گرچه ، گزارش این بیگانگان با همه بی نظری ، گاهی توأم با نظرهای تند و انتقادآمیز است باز ، از لحاظ آشنائی ما با اوضاع مردم خودمان (بیرون از پاره‌ای گذشت‌ها) بسیار با ارزش است ، و در اینمیان (روی کنجکاوی‌ایکه آنان نسبت بزنان روپوشیده ما داشتند) هر يك فراخور ذوق و علاقمندی ، خصوصیاتى از نیازمندیهای آنان (یا خصیصه عمومی آنان) را نوشته‌اند . ازینرو ، گزارش زبده‌ترین این بیگانگانی را که شم انتقاد ، و تیزهوشی (و احیاناً دستی بقلم) داشته‌اند در اینجا می‌آوریم :

.....
 سرهنگ « درو ویل » Drouville که در دوره فتحعلیشاه قاجار در ایران بوده (۱۸۱۲ - ۱۸۱۳ برابر تقریبی با ۱۲۲۸ هجری - قمری) یکی از کسانی است که سعی داشته خود را با حقایقی در ایران روبرو کند ، و دیده‌های خود را بنویسد ، ازینرو ، در دیباچه سفرنامه او (که برگردانده بفارسی آن نیز موجود است) نوشته شده است : بسیاری از این مؤلفین ، تا بشرح جزئیات آداب و رسوم ایرانیان پرداخته و گاهی

نیز رعایت دقت و امانت را نموده‌اند. ولی متأسفانه در بسیاری از موارد، روی حدس و گمان درباره مسائل مختلفه: از قبیل وضع زنان و نجبای ایران گزارش نادرست داده‌اند. زیرا، چه بسا اروپائینی که گذارشان به ایران می‌افتد و تا سالیان درازی نیز در این کشور بسر میبرند، ولی یکبار نیز چشمشان بچهره زن ایرانی نمی‌افتد.

برای دیدار رخسار جنس لطیف ایرانی، مرد اروپائی بناچار باید وسیله‌ای برانگیزد تا شاید از اینراه، راهی بسوی حرمسرا باز کند. ولی چنین موهبتی به دشواری و بسیار بندرت نصیب مغرب‌زمینی‌ها میشود.

فکر تحقیق وضع زنان ایران از راه مذاکرات و بحث و انتقاد نیز نتیجه‌ای عاید نمی‌کند، زیرا در ایران‌زمین، چیزی زنده‌تر از بحث در باره زنان نمیتوان یافت، و هر پرسشی در این زمینه، نه تنها بی‌جواب میماند، بلکه جسارت و اهانت تلقی میشود.

ازینرو، چنین بر می‌آید که مورخان نامبرده، اگر هم مطالبی در باره زنان ایران نوشته‌اند، مرجعی جز دریافته‌های شخصی نداشته‌اند (چنانکه شاردن، خود معترف است که مطالب مربوط بزنان را از زبان خواجه سرایان درباری شنیده است).

البته با اقامت سه ساله من در ایران هرگز ممکن نشد که مطالب مطمئن و دقیقی در این باره، منتشر کنم. ولی نیکبختی بزرگی بمن رویداد، چون توانستم با برخی از بزرگان متشخص ایران، مناسبات بسیار دوستانه و محرمانه پیدا کنم، و بحرمسراها، مخصوصاً حرمسرای خانواده عسکرخان (آخرین سفیر ایران در فرانسه) راه یابم. من،

قریب شش ماه ، در منزل این مرد سالمند محترم بسر بردم .

از نوشته‌های سرهنگ دروویل (در بارهٔ علاقهٔ ایرانیان به زینت آلات) در اوائل این کتاب آوردم : که او ، ایرانیان را مردمانی با تربیت خوانده ، و که میکوشند تا زنانشان لباسهای فاخر بپوشند و از تزئینات و جواهرات گرانبها استفاده کنند . (صفحهٔ ۴۲) .

همچنین مطلب دیگری از او در بارهٔ زنان آوردم که نوشته است : اشتیاق زنان ایرانی به زیورها بحدی است که گمان میرود حتی زنی در ایران نتوان یافت که فاقد آن باشد ؛ زنان متمکن راه افراط می‌پیمایند ، و علاوه بر قطعات بزرگ جواهرها ، ده‌ها بازوبند و بهر انگشتی حلقه‌ای انگشتی ، و مرواریدهای درشتی برای زینت کلاه خود دارند . (صفحهٔ ۵۶) .

در نیمه‌های پادشاهی ناصرالدینشاه قاجار ، در حدود سال « ۱۸۸۴ » میلادی (برابر تقریبی با « ۱۲۹۹ » هجری قمری) مادام « دیولافوآ » Mme. Dieulafoy (بیگانهٔ کنجکاو دیگری) یادداشتهای مفصلی دربارهٔ برخی خصوصیات ایرانیان فراهم آورد . او چون زن بود ، براحتی میتواند در میان زنان ایرانی و حرمسراها راه داشته باشد و خصوصیات زنان آندورهٔ ما را با واقع‌بینی بیشتری بررسی کند .

در صفحهٔ « ۱۳۵ » فصل هشتم سیاحتنامهٔ برگردانده بفراسی وی نوشته شده است : ۸ ژوئن ، چون شاه از من خواسته بود که عکس

بچه‌های خواهرش را بردارم ، برای این خواهش رفتم . این دو شاهزاده کوچک دو نمونه خوبی از قبیله قاجار هستند . شاه هم آنها را بسیار دوست دارد ، و با اینکه سن آنها از پنج و هفت تجاوز نمی کند ، تکبر و خودنمایی شاهزادگی دارند ، و مانند اشخاص بزرگ ، رفتارشان موقرانه است و تشخص نشان می‌دهند .

دخترک ، موسوم است به معصومه ، و ردنکتی مخملی پوشیده که با زنجیرهای طلا زردوزی شده است ، و چهارقدی از ابریشم سبز بر سر دارد . مقدار زیادی از الماسهای درشت در اطراف صورتش می‌درخشند ، و صورت بیضی شکلش را مانند قاب عکس احاطه کرده‌اند . سه سنجاق الماس درشت درخشان بر سر او تاجی را تشکیل می‌دهند . چشمانش سیاه و درشت است ، و ابروانش بهم پیوسته ، و تا زیر چهارقد امتداد دارند . در مچ دستش دستبندی است (مرکب از مرواریدهای درشت و شفاف) و چندین انگشتری پر بها نیز در انگشتان کوچک و باریک خود دارد .

.

در فصل دهم ، تحت عنوان « ورود به آوه » و در صفحه « ۱۷۹ »

نوشته است :

زن صاحب خانه (که فاطمه نام دارد) بنظر بیست و پنج ساله می‌آید . چهارقد ابریشمی سفیدی بر سر دارد که با سنجاق سر فیروزه در زیر گلویش بسته شده است . مقداری از گیسوانش مانند منگوله ابریشمی در روی پیشانی ریخته ، و بقیه (که با رشته باریکی بافته شده) در پشت سرش افتاده است .

پیراهن گاز نازکی پوشیده که در جلو چاک دارد ، و سینه و پستانش را نمایان میسازد . تنبانش ، از پارچه ابریشمی بنارسی است و تا بزانو میرسد . سایر زنان هم بهمین طریق لباس پوشیده‌اند .

از توضیح مادام دیولافوآ در باره خواهرزادگان شاه ، و فاطمه (زن صاحب خانه ، در آوه) معلوم میشود که استعمال سنجاقهای زیر گلو ، النگو : زیور دور صورت (بطریق دوره‌های تیموری و صفوی) و انگشتری ، در ایندوره معمول بوده است .

در دنباله مسافرت‌های مادام دیولافوآ و در صفحه « ۷۰ » نوشته شده است :

۱۱ - نوامبر در راه فیروزآباد . صبح زود حرکت کردیم ، و تا ظهر در میان تنگه‌ها و گردنه‌های سخت ، راه پیمودیم . در اثنای راه ، به ایلی برخوردیم که از فلاتهای فوقانی سرد ، بطرف دشت معتدل سرازیر میشد .

زنان ایلی ، روی نمی‌پوشند ، و میتوان آزادانه به سیمای قشنگ آنها نظر انداخت . پوست بدن گندمگون ، و چشمان نافذ و گیرائی دارند .

ناگهان صدائی از عقب سر شنیدم که گفت : پدرسگ میخواهی چنان بزنت که در ته دره بیفتی ، بعقب برگشتم ، و دوشیزه‌ای جوان را دیدم که با ماده گاوی لجوج در کشمکش است .

این دوشیزه ، نمونه کاملی از زیبائی زنان صحرا بود . مردمک

چشمانش سیاه و جذاب بود . بینی بسیار ظریفی داشت که در پره‌های آن دانه‌های فیروزه (مانند گوشواره) بر زیبایی او می‌افزود
 گردن‌بندی از کهر با برگردن داشت
 و دانه‌های مرجان ، در خارستان گیسوانش درخشان بود
 فیروزه‌ای که در بینی آویخته ، با مرواریدی که در گوش داشت تفاوتی نداشت . من خواستم به این لعبت دلربای بیابان گرد نزدیک شوم که مانند طاووس جوان مستی در میان صخره‌های کوه پیروز در آمد و از مقابل من فرار کرد . افسوس خوردم که احتیاط را رعایت نکردم .

صفحه « ۶۳۱ » در دزفول ، اولین ملاقات من با زن قدیمی نایب‌الحکومه صورت گرفت . بمحض ورود من ، این خانم که (بی‌بی شمس‌جو) نام داشت ، از جای خود بلند شد و بمن دست داد و بعد بعلامت حرمت دست خود را به پیشانی برده ، خیرمقدم گفت .

بی‌بی شمس‌جو ، سوراخی در بینی ندارد ، و معلوم است که ایرانی‌تژاد است و از زنان قبایل عرب نیست .

بالاخره رسیدم به اندرون سوم نایب‌الحکومه ، و از بی‌بی دردانه هم ملاقات کردم . این بی‌بی ، از زنان بسیار زیبا و طناز است . من تاکنون در دزفول زنی به این وجاهت ندیده بودم . با اینکه از لحاظ تژاد ، عرب است ، پوست سفیدی دارد ، و گیسوان آبنوسی‌رنگش در اطراف صورت و روی شانه‌هایش ریخته است . دندانهایش مانند مروارید در دهانش

میدرخشد، دهانش تنگ و لبانش مانند گل انارست و با مهارت خاص، خود را آرایش کرده است.

پیراهن تافته زمینه گلی، بر تن و کلاهی از ترمه کشمیری بر سر دارد. دستمال ابریشمی بسیار ظریفی بگردن بسته، و در پرده بینی‌اش حلقه‌های طلای جواهرنشان آویخته است. طلسمی از صدف حاشیه طلا، بگردن، و بازوبند بسیار نفیسی در بازو، و دستبندهایی از کهربا و مرجان قرمز در دست دارد. جوراب قشنگی به رنگ مروارید پوشیده که ریشه‌های یاقوت مانندش در روی پا افتاده است.

صورت بی‌بی دردانه را (که مادام لافوآ در سفرنامه خود عرضه کرده است) در اینجا برای مزید آشنائی بنحوه آرایش و زیورهای آندوره با شماره « ۲۸۵ » می‌آوریم.

.....
 مادام دیولافوآ درباره زنان ارامنه جلفای اصفهان و فریدن نیز یادداشتهایی فراهم کرده و طرز آرایش و زیورآلات آنان را ضمناً شرح داده است. بدیهی است که آشنائی با زیور زنان ارامنه (که در بسیاری موارد زیورهایشان همانهاست که زنان دیگر ایران نیز داشته‌اند، و بعلاوه، نزدیکی زیادی با زیورهای زنان ما، در دوره‌های اشکانی دارد) خالی از فایده نمی‌تواند باشد. لذا بشرح گزارش مادام دیولافوآ در این باره می‌پردازیم:

او در صفحه « ۳۳۰ » سفرنامه خود نوشته است که در « ۲۰ » اوت کشیش پاسکال بما گفت فراموش نکنید که امشب بعروسی دعوت دارید.



(شکل ۲۸۵) صورت بی‌بی دردانه دزفولی با آرایش و زیورهای محلی دوره قاجار. برداشته از سفرنامه مادام دیولافوآ.

ابتدا ، مرا نزد مادر داماد (که قیافه‌ای محترمانه داشت) بردند .
 این خانم بلباس قدیم ارمنی ملبس بود
 و کمربندی نقره بر روی آن بسته بود تقریباً سی نفر
 زن جوان ، خود را با لباسهای حریر و مخمل با رنگهای گوناگون آراسته
 بودند ، و با چهره‌های گندمگون جلوه‌گری میکردند
 لباسها ، از حریر
 دمشقی بود و از بالا چاک داشت ، و پیراهن کرپدوشین (که از طلا
 و با مهارت و هنرمندی ملیله دوزی شده بود) از میان آن پیدا بود
 کمر آنها (که از کمرست‌های مصنوعی ما خراب نشده بود ،
 و همان زیبایی و قشنگی طبیعی را داشت) کمربندی از نقره داشت که
 کمی پائین‌تر از شکم و تقریباً روی ران افتاده بود
 زن جوانی هم ، تکیه به درگاه داده بود ، و با پای خود گهواره‌ای
 را (که طفل شیرخوارش در آن خوابیده بود) تکان میداد . این زن
 یکی از اقوام داماد است که از فریدن اصفهان آمده تا در این جشن
 شرکت کند .

این زن ، همان لباس معمولی روستائی را پوشیده ، و مانند تمام
 زنان شوهردار ، قسمت پائین صورتش را با پارچه نازکی پوشانده است .
 ولی این پوشش نازک ، مانع آن نیست که او با تاج سر و مدالهای نقره
 (که به آن آویخته است) قشنگ و زیبا بنظر آید .

لباسش از تافته سبز ایتالیائی است و چندین ردیف سینه‌ریز دارد
 که با کهربا و مسکوکات طلا مخلوط شده ، و تمام سینه او را
 پوشانده است .

.....
 مادام دیولافوآ عکسی از زن ارمنی فریدنی در سیاحتنامه خود
 عرضه کرده است که در اینجا با شماره « ۲۸۶ » ارائه میشود .

.....
 عکسی دیگر از زنان ارمنی برای مزید آشنایی با زیور آنها
 با شماره « ۲۸۷ » عرضه میشود ، و چنانکه دیده میشود دختر جوان ارمنی
 زیوری مجلل بر روی سر و بالای پیشانی ، و آویزهایی بر روی سینه
 خود دارد .

.....
 هانری رنه دالمانی (که در سال ۱۹۰۷ میلادی ، برابر تقریبی
 با « ۱۳۲۲ » هجری قمری و مقارن با اواخر دوره پادشاهی مظفرالدینشاه
 است) به ایران آمده ، و یادداشتهایی نسبتاً مفصل بنام (از خراسان تا
 بختیاری) فراهم آورده است .

رنه دالمانی از بیگانگان با هوشی است که خصوصیات جالبی
 از مردم ما را گزارش کرده و در پاره زنان ما ، و آرایش و زیور آنان
 (همچنین خرافات و عقاید عوام را درباره گورهای مخصوص) نیز
 مطالبی آورده است که گذشته از پاره‌ای بی‌توجهی‌ها ، بدون شك بسیار
 مفید است .

.....
 در صفحه « ۲۴۷ » سفرنامه رنه دالمانی ، تحت عنوان (طلسمات)
 نوشته شده است : ایرانیان برای هر قسم مرضی (یا پیش‌آمد ناخوش)
 دعاهایی بر روی نواری از کاغذ می‌نویسند ، و آنرا لوله کرده در محفظه‌هایی



(شکل ۲۸۶) يك زن ارمني فریدنی (از مجال اصفهان) با آویز و گوشواره و گردن بند و سینه ریز و کمر بند. برداشته از سفرنامه مادام دیولافوآ .



(شکل ۲۸۷) يك دختر ارمني با زيورهای مجلل جلوی سر و گردن بند و سینه ریز .
عکس اهدائی خانم کلارا آبکار «هنرمند موزه مردمشناسی» .

کوچک و فلزی گذارده بیازو می بندند و یا بگردن می آویزند .
سنگهای محکوک و دانه های مروارید ، و مرجان و فیروزه
و همچنین دندان گرگ یا ببر را بشکل گردن بندی همیشه همراه دارند ،

و شاخ نورسته گوزن و سوسمار خشکیده را هم برای رفع زیان و شر
اجنه بکار میبرند

محفظه دعا (که آنرا بازوبند میگویند) باید هشت سطحی
یا لوله‌ای باشد، و از آهن درست شده باشد (زیرا آهن، دارای اثر خاصی
است که در سایر فلزات نیست) .

.

درباره خواص احجار گرانبها نزد ایرانیان، در صفحه « ۲۴۹ »
نوشته شده است: ایران دارای معادن احجار گرانبها و ممتازی است که
در سایر کشورها نظیر آنها یافت نمیشود، و دارای آب و رنگ بسیار
عالی و درخشان هستند.

ایرانیان هم، عشق و علاقه مفراطی به این سنگریزه‌های گرانبها
دارند و برای آنها خواصی قائلند.

آقای « رینو » Reynaud نوشته است: خاوریان نظر بخواصی
که برای احجار قائلند، در انتخاب آنها برای تهیه مهر یا انگشتری،
دقت بعمل می‌آورند. آنها عقیده دارند که یاقوت قلب را تقویت میکند
و انسان را از طاعون و صاعقه حفظ مینماید، و اگر آنرا در زیر زبان
نگاه دارند عطش را مرتفع میسازد.

زمرد برای علاج گزیدگی افعی، اثر مخصوص دارد، و اگر
آنرا تبدیل به گرد نمایند و با آب مخلوط کنند و بیاشامند، از هرگونه
زخم مهلکی (که بواسطه سم تولید شده باشد) رهائی می‌یابند؛ و چون
آن را به افعی نشان دهند چشمان این حیوان مودی را می‌ترکاند.

الماس را اگر در زیر شکم ببندند، قولنج و دردهای معده و امعاء

را تسکین می‌دهد، و همچنین، برای علاج مرض صرع، بسیار نافع است. فیروزه، قوه باصره را تقویت میکند، و برای درد چشم بسیار مفید است، و گزش عقرب را هم معالجه میکند.

عقیق سلیمانی یا یمنی، بر حسب رنگ، خواص نافی دارد: عقیق قرمز، آثار خشم و غضب را زایل میکند، و اگر رنگ آن، صورتی و دارای خطوط سفیدی باشد، برای رفع خونریزی مفید است (و قسم دیگری هم هست که چون گرد آنرا پای دندان بریزند، درد آنرا رفع میکند).

آهنی که رنگ آن سرخی یا قهوه‌ای مایل باشد، مرض نقرس را معالجه میکند، و عمل زایمان را آسان مینماید، و چون گرد آنرا با آب یا شیر مخلوط کنند و بخورند، برای دفع هرگونه سمی نافع است. سنگ یشم و بلور، دافع خوابهای بد و موحش است.

.

در صفحه « ۲۶۴ » سفرنامه رنه دالمانی، تحت عنوان « شب عروسی » از آرایش مخصوص زنان چنین گزارش شده است:

عروس، پارچه زربفت ریشه‌داری (که با مروارید، و جواهر زر دوزی شده) روی سر انداخته، و سر و سینه خود را با جواهر گرانبها و گل‌های مصنوعی آرایش می‌دهد. داماد در پهلوی عروس می‌نشیند، و از او تقاضا میکند که روی خود را باز کند، و جواهری هم بعنوان (رونما) به او می‌دهد.

.

در صفحه « ۲۸۵ » درباره آرایش زنان، نوشته است: . . .

بعضی هم موی جلوی سر خود را روی پیشانی انداخته و آنها را با مقراض در بالای ابروان ، بخط مستقیم می‌چینند ، و موی پشت سر را چندین رشته کرده مانند حصیر می‌بافند ، و در هر رشته ، نواری می‌بندند (که غالباً مسکوکات طلا یا دانه مرواریدی به انتهای آن آویخته است) . هر قدر این رشته‌ها طویلتر باشند مطلوبتر است ، و گاهی هم برای درازتر کردن گیسو ، ضمیمه‌ای به آن اضافه می‌کنند که به اصطلاح خودشان آنرا (سرگیسی) می‌گویند .

زنان ثروتمند معمولاً درخانه ، عرقچین گلدوزی شده جواهر نشان بر سر می‌گذارند و جیقه طلای مرصع بجواهر بر سر نصب میکنند . گاهی هم بجای جیقه ، پر طاووس یا پرهای قشنگ دیگری برای آرایش بکار می‌برند .

بعضی هم ، نوار پهن مروارید دوخته‌ای را (که با مسکوکات طلا آرایش یافته) به پیشانی می‌بندند .

.....
 (صفحه « ۲۸۸ » خانم‌های متمول ایرانی ، بغیر از آرایش خود مشغله‌ای ندارند ، و برای اینکار ، هرکس به اندازه توانائی خود طلا و جواهر بکار می‌برد .

مهمترین زیور شاهزاده خانمها ، و زنان بزرگان ، تاجی است که با گوهرهای گرانبها (مخصوصاً با الماس) زینت یافته است ؛ و چون چنین تاجی سنگین است ، و بر سر فشار وارد می‌آورد ، آنرا فقط درمواقع رسمی بر سر می‌گذارند ، و در مواقع غیررسمی ، نیم تاجی دارند که سبکتر است و با جواهر کم ، و پرهای قشنگ زینت شده است .

این تاج را در روی پیشانی و یا بر یکطرف سر قرار میدهند . خانمهای ثروتمند ، سینه‌ریزهای متعدد ، و گردن‌بندهای گرانبھائی دارند که از مرواریدهای درشت مخلوط بفیروزه و طلا و سایر جواهرات درست شده است .

زنان بی‌بضاعت ، سینه خود را با دانه‌های کهربا و صدف و مرواریدهای مصنوعی زینت میدهند . استعمال انگشتری ، و دستبند نیز در میان زنان ، شیوع دارد ، و اکنون که استعمال انگشتری در همه انگشتها در اروپا مد شده است ، ما دیگر نباید با نظر حیرت بخانمهای ایرانی نگاه کنیم .

زنان ایرانی ، چون در اندرون غالباً با پای برهنه راه میروند ، انگشتان پا را هم با طلا و احجار گرانبها زینت میدهند ، بعلاوه ، حلقه‌ای از طلا ، نقره ، یا مس هم در مچ پا دارند (که آنها را خلخال میگویند) .

در صفحه « ۶۴۰ » سفرنامه رنه دالمانی ، درباره زرگران مشهد نوشته شده است : که در شهر مشهد زرگرها انگشتری‌های درشتی درست میکنند که حلقه آن نقره و نگین آن فیروزه است ، و گاهی برای ارزانی ، نگین آنها را از بلور درست میکنند و آنها را الماس‌نما میگویند

و در صفحه « ۹۳۵ » از بازار اصفهان چنین نوشته است : که پس از عبور از این بازارها ، بازار زرگران میرسیم . در جلوی هر دکان جعبه آئینه‌ایست که در آن قلابهای روبند ، بازوبند ، و قاب قرآن دیده میشود . قلابهای روبند را با شکلهای قشنگی میسازند ، زیرا

اینها تنها زینتی هستند که زنان میتوانند در موقع به کوچه رفتن، پشت سر خود را با آنها آرایش دهند.

قابهای قرآن را هم با نقره و بشکلهای گرد و بیضی و یا هشت ضلعی میسازند، و با نقشهای برجسته (در زمینه مینائی) مزین میکنند.

.....

(از روی این گزارشهای رنه دالمانی، ما پی می‌بریم که در نیمه‌های دوم دوره قاجاریه، زیور زنان ما، عبارت بوده از: موبند و تاج و نیم‌تاج، النگو، گوشواره، گردن‌بند و سینه‌ریز، بازوبند، خلخال و انگشتری که طبق توضیح، به وفور مورد استعمال داشته‌اند.

رنه دالمانی، نمونه‌هایی از عکسهای زنان با زیور را در سفرنامه خود «از خراسان تا بختیاری» عرضه کرده که در اینجا دو نمونه را با شماره‌های «۲۸۸ و ۲۸۹» ارائه می‌دهیم. X

.....

علاوه بر گزارش سفرنامه‌های بیگانگان (که در این کتاب آورده شد) مقداری نقاشی منتسب به دوره قاجاریه موجود است که زنانی را با زیورهای فراوان آندوره نشان می‌دهند. این نقاشی‌ها (که در سال «۱۹۴۳» در مجله‌های روزگار نو منتشر شده است) در آن نوشته شده که از مجموعه ایمری میباشند. چند نمونه از آنها را برای آشنائی و مزید آگاهی در اینجا معرفی میکنیم.

.....

يك نقاشی، زن زیبائی را با ابروان پر پشت بهم پیوسته نشان میدهد



زن ایرانی با لباس خانه در حال کشیدن قلیان .

(شکل ۲۸۸) زن ایرانی نیمه‌های دوم دوره قاجاریه در حال کشیدن قلیان با زیورهای معمول آن‌دوره .
برداشته از سفرنامه « از خراسان تا بختیاری » رنه دالمانی .

که تاجی با پَر ، و دانه‌های مروارید با یک آویز پیشانی بر سر ، و گوشواره‌ای با سه مروارید در گوش دارد ، و یک رشته گردن‌بند مروارید درشت در گردن و رشته‌ای دیگر و بلندتر با زینتهائی بیضی‌شکل در وسط آنها (بمنزله سینه ریز) دارد . این سینه ریز ، علاوه بر



زیورهای یک زن کرد

(شکل ۲۸۹) یک زن کرد نیمه دوم دوره قاجاریه که فرشی بر دوش دارد با مویند و گردن بند . برداشته از سفرنامه « از خراسان تا بخنیری » رنه دالمانی .

زمینه‌هایی بیضی‌شکل ، یک گل مرصع درشت در وسط سینه (میان دو پستان) دارد .

کمر بند این زن ، مرکب از یک گل کمر و تسمه است که دور گل کمر و دو حاشیه کمر بند را با مروارید زینت کرده‌اند (شکل ۲۹۰) .



(شکل ۲۹۰) نقاشی زنی از دوره قاجاریه با تاج و گوشواره و گردن بند و سینه ریز مروارید . از مجموعه ایمری . برداشته از مجله روزگار نو .

.....

نقاشی دیگری است که در متن مجله آنرا با شماره « ۱۲ » و زیرنویس « زرین رقص . کلکسیون ایمری » ارائه داده‌اند. این نقاشی که در اینجا با شماره « ۲۹۱ » عرضه میشود، زنی را در حال رقص نشان میدهد که زیوری از یکرشته مروارید بر سر دارد . گلی مرصع در بالای پیشانی روی موهای اوست که از آن پری مانند تاج

بالا رفته ، و در پهلوی چپ سرش نیز بر روی موبند گل مرصع دیگری به رشته مروارید موبند نصب است . دستبند و بازوبند دارد ، و زیورهای سه گانه‌ای بر روی سینه‌اش نصب است ، و از همان قبیل ، يك گل مرصع نیز دو گوشه یقه پیراهن او را بهم وصل کرده است .

در مجله روزگار نو ، در شرح این نقاشی نوشته شده : که شبیه زرین رقاص است که به زیور تمام و جواهرات الوان و لباس فاخر زربفت آراسته شده است .

نقاشی دیگری از مجموعه ایمری هست که رقاصه‌ای را در حال دف زدن نشان میدهد . و چنانکه در شکل « ۲۹۲ » مشاهده میشود با شماره « ۱۱ » و با عنوان « لطیفه رقاص » کلکسیون ایمری معرفی شده است . عرقچین کوچکی بر گوشه سر دارد و مقداری از رشته‌های مروارید موی سر و گیسوهای پتر پشت او را جابجا بهم پیوسته ، سنجاقی نیز یقه پیراهنش را بهم وصل کرده ، بازوبند و دستبند دارد و حاشیه کمرش نیز مروارید دوزی شده است .

در مجله روزگار نو ، چنین شرح داده شده است : شبیه لطیفه رقاص اصفهانی است (که یکی از نقاشهای اصفهان او را بشکلی زیبا وقامتی چون سرو ، و روئی چون ماه چهارده وچشمی مثل آهو و ابروی کمانی نقاشی کرده ، و بجواهرات الوان و شده‌های مروارید درخشان از سر تا پا مزین نموده است) .

نقاشی دیگری ، نیز از مجموعه ایمری در مجله روزگار نو



(شکل ۳۹۱) نقاشی زرین رفاص . از مجموعه ایمری . برداشته از مجله روزگار نو .



(شکل ۲۹۴) نقاشی اندام لطیفه رقص در حال دف زدن . از مجموعه ایبری . برداشته از مجله روزگار نو .

منتشر شده که با شماره « ۴ » و بنام گل آرا زیرنویس شده است .

نمونه دیگری در این مجموعه هست که با شماره « ۵ » و بنام نازنین معرفی شده است .

درباره این هر دو ، در مجله روزگار نو نوشته شده : که چند نمونه از تصاویر رقاصه‌های مشهور و معروف قدیم ایران هستند . این نقاشی‌ها با شماره‌های « ۲۹۳ و ۲۹۴ » در این کتاب ارائه میشود .

(يك نقاشی دیگر از دوره قاجاریه در موزه هنرهای تزئینی تهران هست که زنی را در حین ضرب زدن و ایستاده ، نشان میدهد ، موی جلوی سرش بچهار قسمت جدا بر روی پیشانی بصورت چتری زده شده و زیوری بسیار مجلل و پرکار سمت چپ سرش را پوشانده ، گردن‌بندی مرکب از گل‌های مرصع بگردن دارد ، سردوشی پر کار و بازوبند و دستبند و کمربند و دامن لباس ، همه پرکار و مرواریدنشان است (شکل ۲۹۵) .

علاوه بر اینها ، جفتی گوشواره منتسب به دوره قاجاریه ، در موزه ایران باستان هست که هلالی شکل و مرصع است ، و در زیر هلال بزرگ این گوشواره مقداری مروارید نصب است ، و سطح گوشواره نیز مرصع و پرکار میباشد . نوشته‌اند که این گوشواره ، از ناحیه شمال ایران بدست آمده است . گوشواره مذکور با شماره « ۲۸۴ » عرضه شده است .



(شکل ۴۹۳) نقاشی اندام گل آرا با دسته گل درگلدان . از مجموعه ایمری . برداشته از مجله روزگار نو .



(شکل ۳۹۴) نقاشی اندام نازنین با یکدسته گل بدست چپ . از مجموعه ایمری . برداشته از مجله روزگار نو .



(شکل ۳۹۵) نقاشی زنی از دوره قاجاریه . در حال ضرب زدن .

رنه دالمانی ، در سفرنامه خود « از خراسان تا بختیاری » عکسی از يك زن خيوه‌ای عرضه کرده است که زیور بسیار مجلل کلاه او ، و شرابه‌های آویخته از آن ، هیمنه و شکوهی بقیافه او داده است . (شکل ۲۹۶) .

اینگونه آرایش (که در دوره قاجاریه ، در اطراف و اکناف ایران ، میان زنان معمول بوده) بنظر میرسد که پیروی رقابت‌آمیزی از گذشته بسیار دور بوده باشد .

زنان ترکمن نیز ، از قافله زنان زیور دوست خود را عقب نگذاشته با خودآرائی هرچه تمامتر با زر و زیور ، جلوه‌گری دیگری پیش گرفتند (شکل ۲۹۷) .

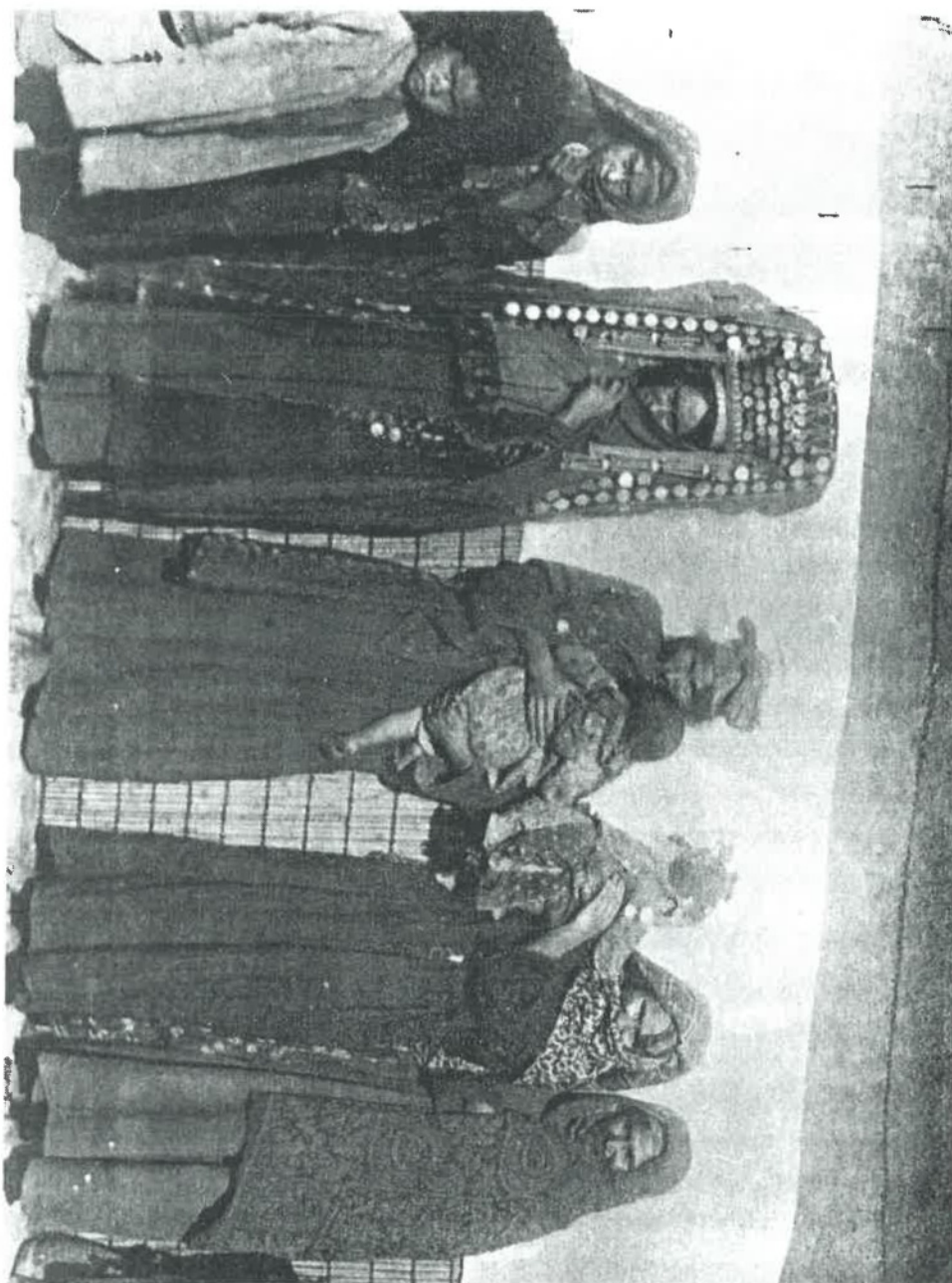
از گیسوبندهای زنان ترکمن چون شکل « ۲۹۸ » ، رو کلاه‌های پر زیور در شکل‌های « ۲۹۹ و ۳۰۰ » از سینه‌ریزها چون شکل « ۳۰۱ » و از گوشواره‌ها به شماره « ۳۰۲ » و شرابه‌ها در شکل « ۳۰۳ » از آویزها در شکل‌های « ۳۰۴ و ۳۰۵ » و گردن‌بندها در شکل‌های « ۳۰۶ و ۳۰۷ » و نشانهای مرصع بجواهر چون شکل « ۳۰۸ » که در گذشته نزدیک بکار میرفته (و اینک نیز معمول میباشد) در موزه مردم‌شناسی ما ، موجود است .

هنگامی که دیده به اینهمه زیورهای پر طنطنه می‌دوزیم (که یکزن ترکمن در آن واحد « با احتساب النگوها » آنها را روی خود حمل میکرده ، بی‌اختیار بشگفتی می‌افتیم) .

اگر ، امروزه همه آنها بکار نرود ، مقداری از آنها هنوز مورد استفاده قرار میگیرد .



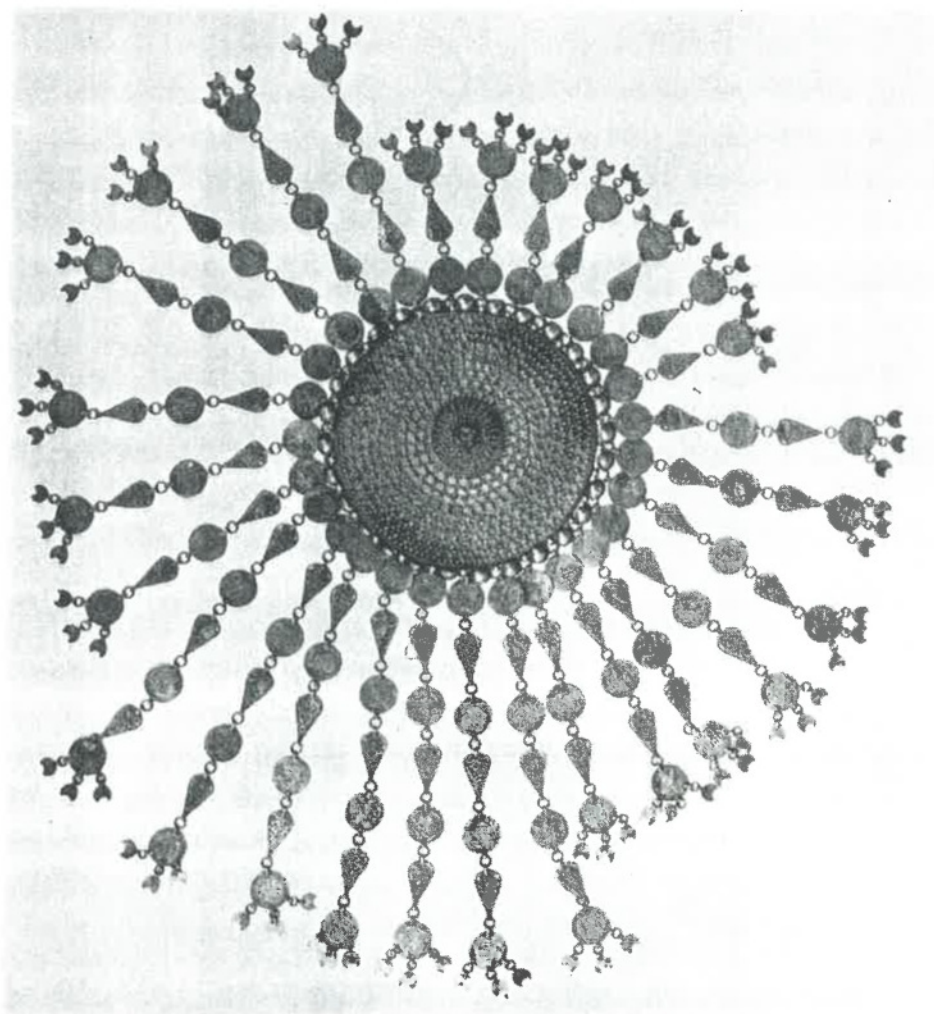
(شکل ۲۹۶) هیئت عمومی یک زن خیوه‌ای با روکلاهی و شرابه‌های نقره . برداشته از سفرنامه
(از خراسان تا بختیاری) رنه دالمانی .



(شکل ۴۹۷) هیئت عمومی يك زن ترکمنی از گذشته نزدیک . در وضع استعمال زیور . بدست آمده از عکاسخانه ای در تهران .



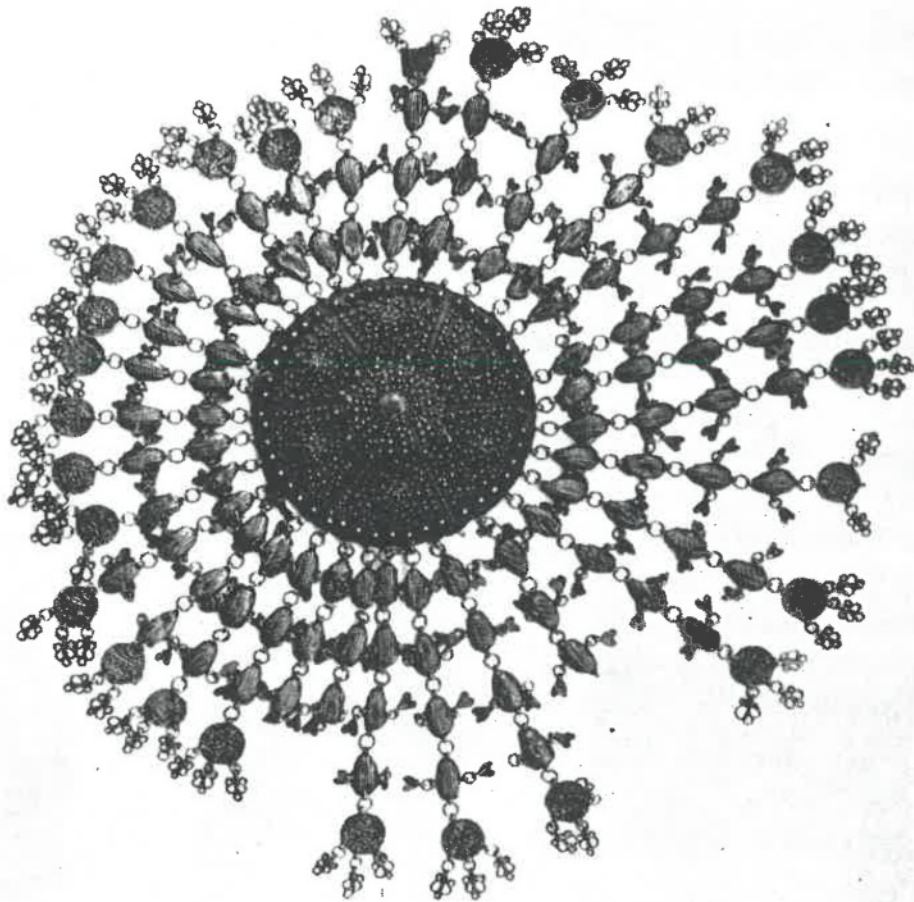
(شکل ۳۹۸) گیسو بند نقره زنان ترکمن . موجود در موزه مردم شناسی تهران .



(شکل ۲۹۹) روکلاهی پریور زنان ترکمن از نقره . موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .

در عکسی که از يك خانواده کنونی ترکمن از ناحیه اینچه‌برون
(گرگان) برداشته شده است^۱ (شکل ۳۰۹) مشاهده میشود که بانوی

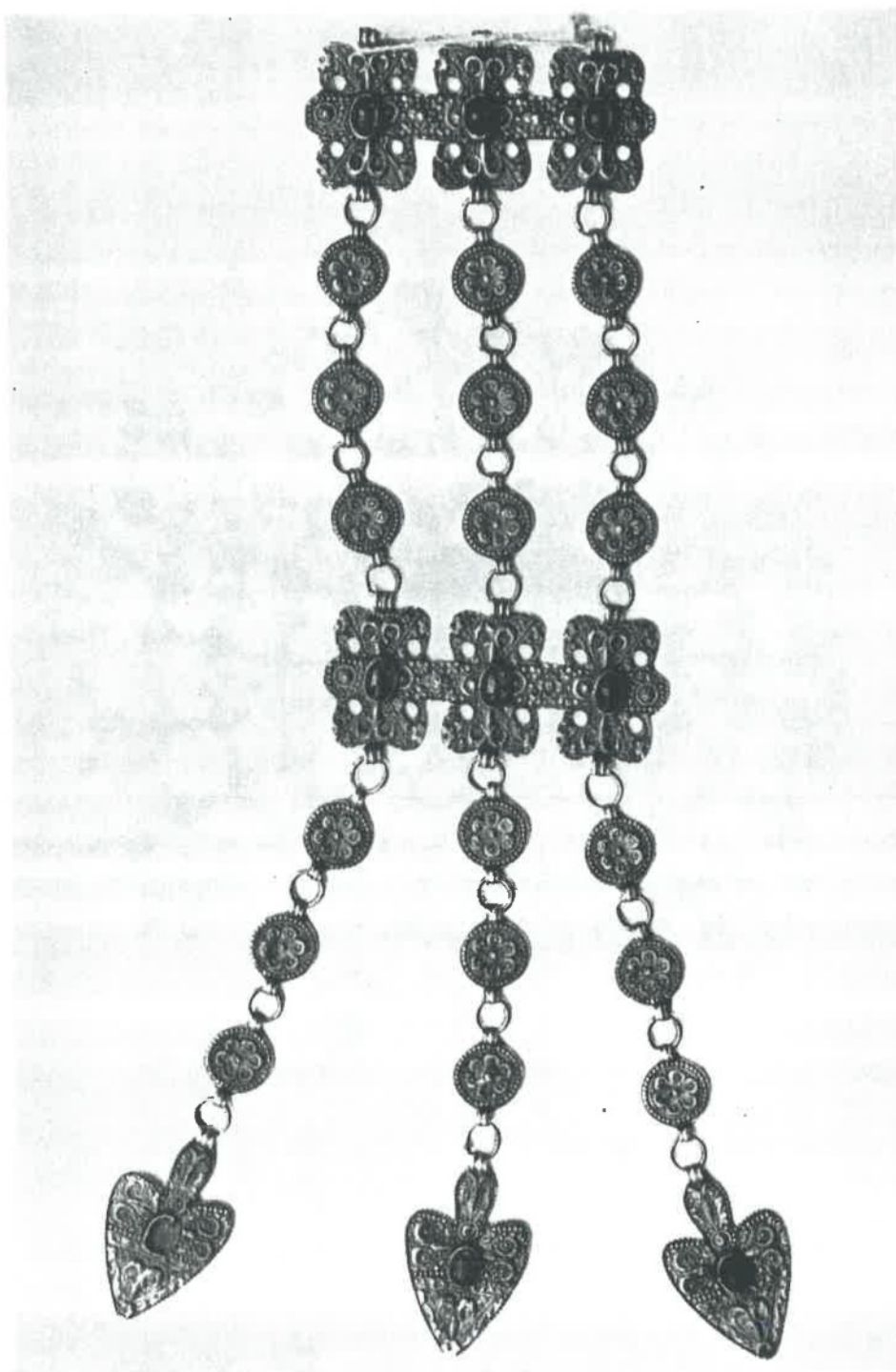
۱ - عکس‌های « ۳۰۹ و ۳۱۰ » هدیه همکار ما (آقای هوشنگ پورکریم) است .



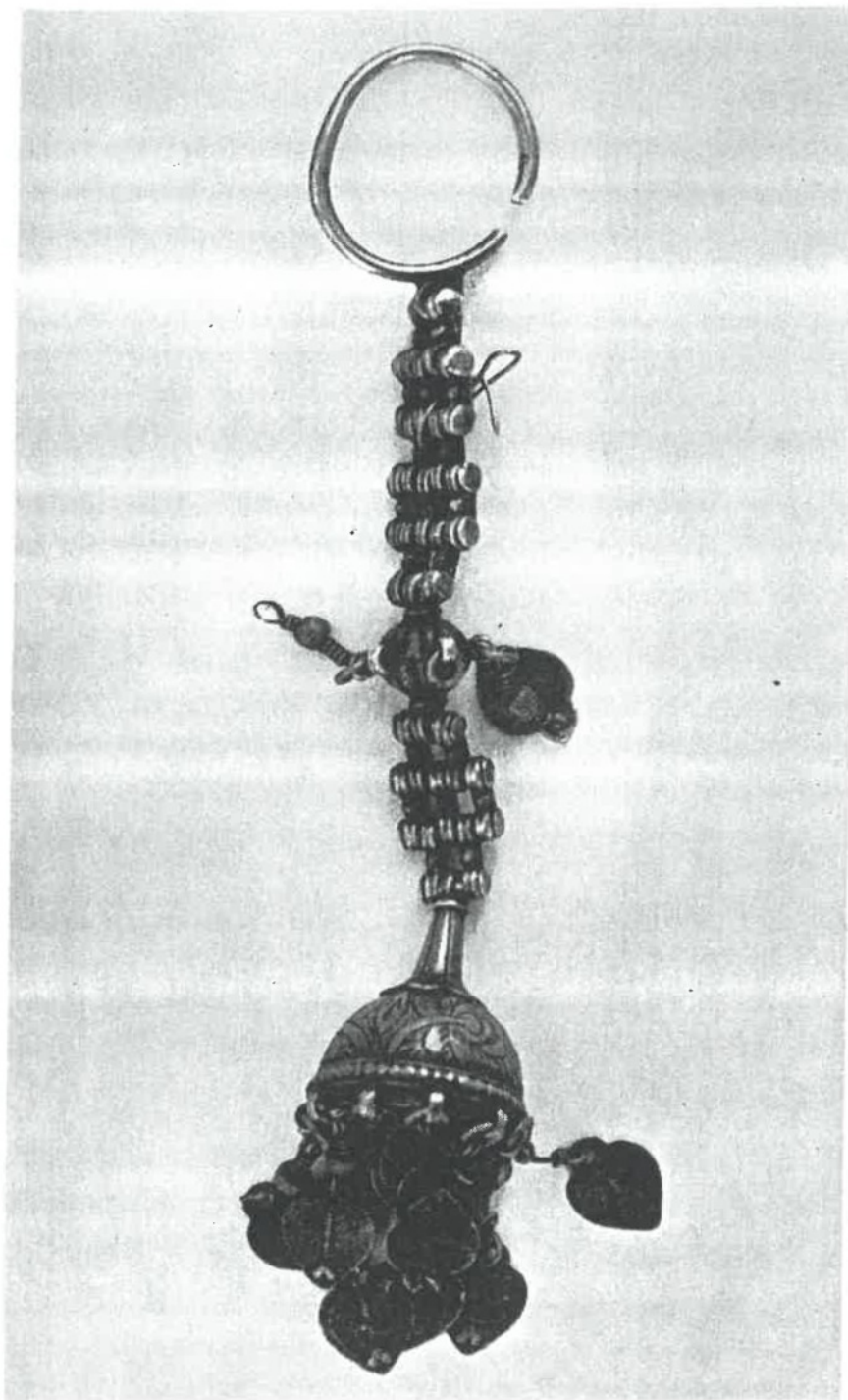
(شکل ۳۰۰) روکلاهی نقره دیگری از زنان ترکمن . موجود در موزه مردم شناسی تهران .

ترکمن با دخترانش همگی با زیورهای از سینه ریز و نشان و یا سنجاق سینه ، خود را آراسته اند .

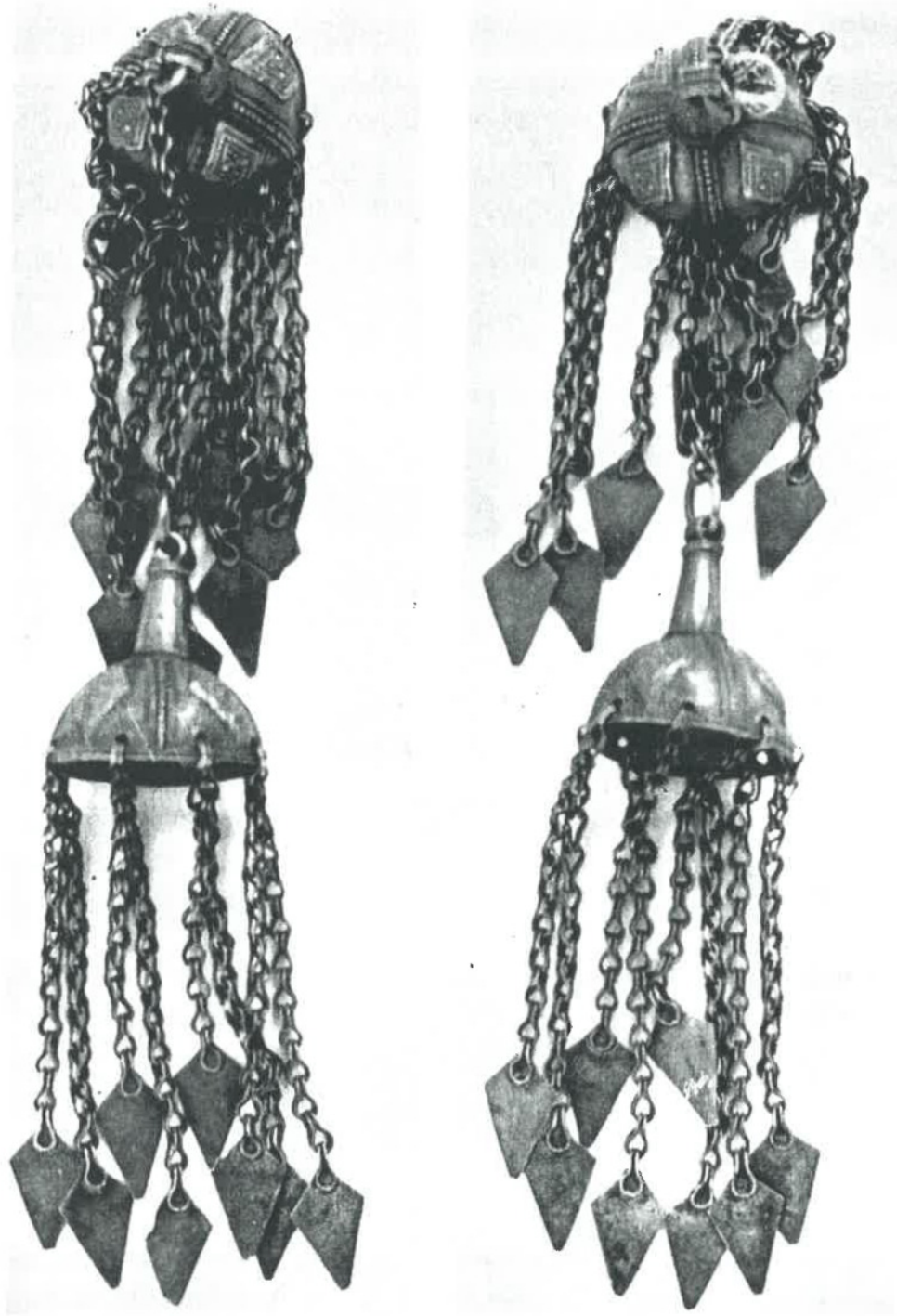
برای توجه به دختر سمت چپ عکس (که سنجاقی در بالای سینه دارد) عکسی از او به اندازه بزرگتر و با شماره « ۳۱۰ » ارائه میگردد .



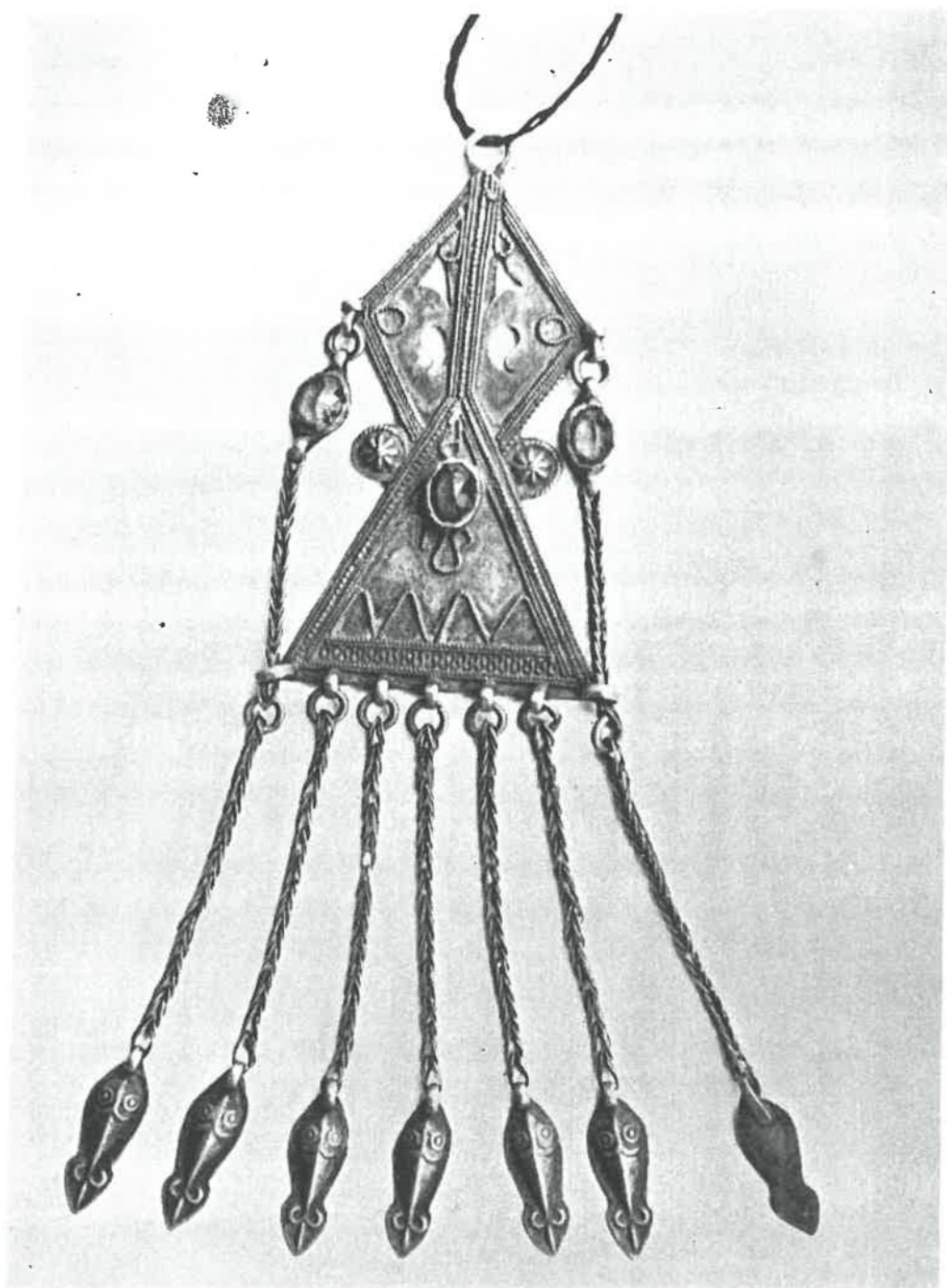
(شکل ۳۰۱) سینه ریز نقره با نشانهای گرد و سه آویز (که بشکل سر پیکان است) . متعلق بزنان ترکمن .
موجود در موزه مردم شناسی تهران .



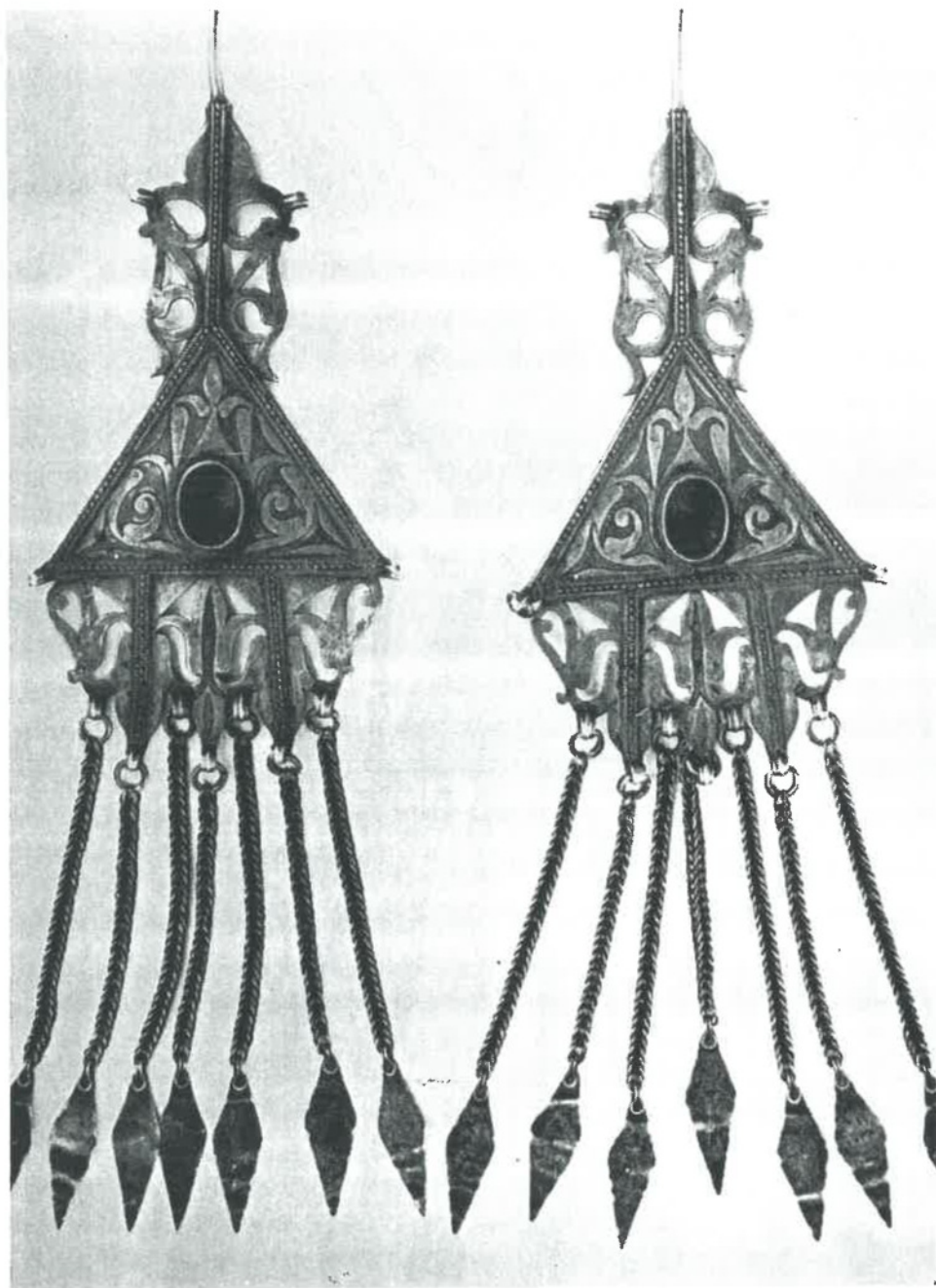
(شکل ۳۰۲) گوشواره نقره زنان ترکمن . با آویز کلاهخودی شکل . موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .



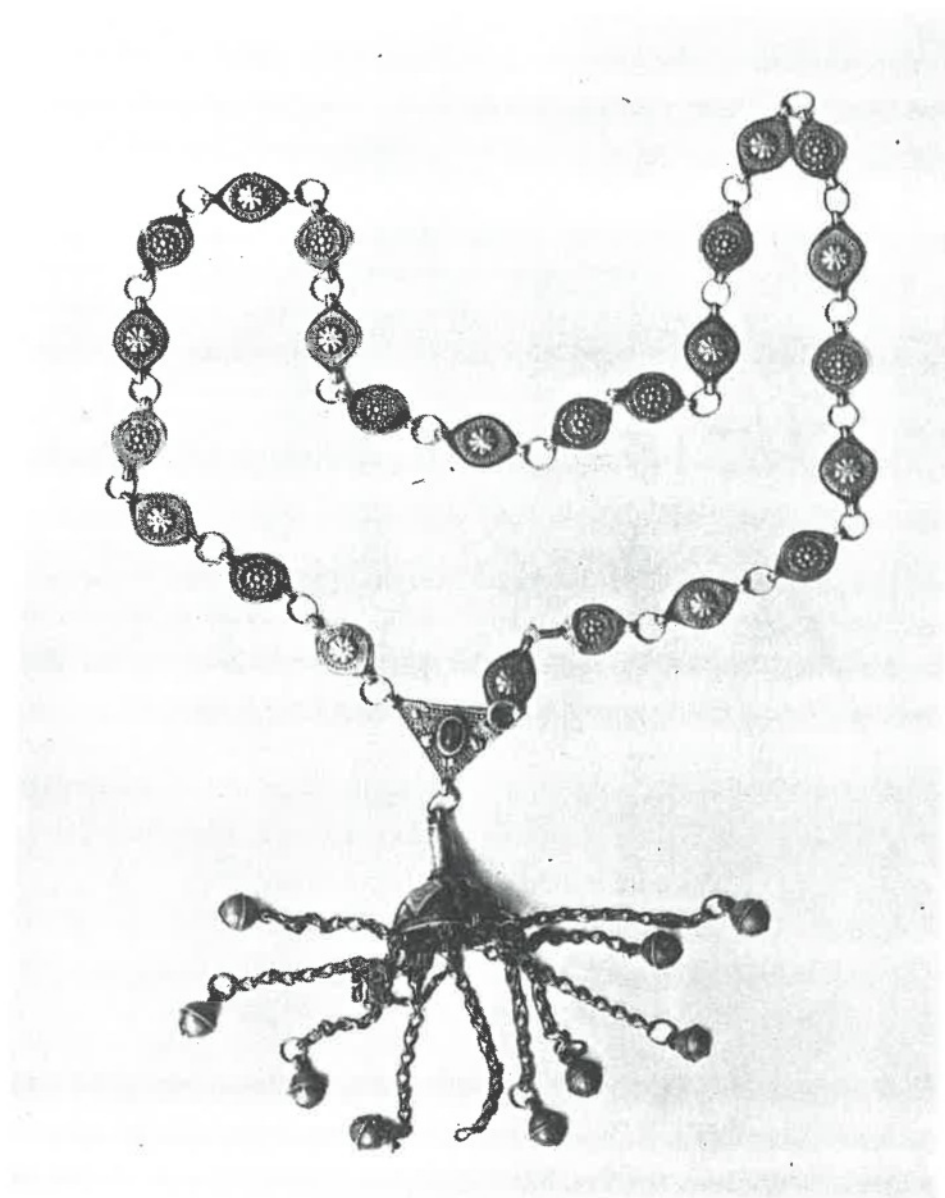
(شکل ۳۰۳) شرابه‌های نقره زنانه ترکمن . با شکل کلاهخود و آویزهای زنجیری .
موجود در موزه مردم شناسی تهران .



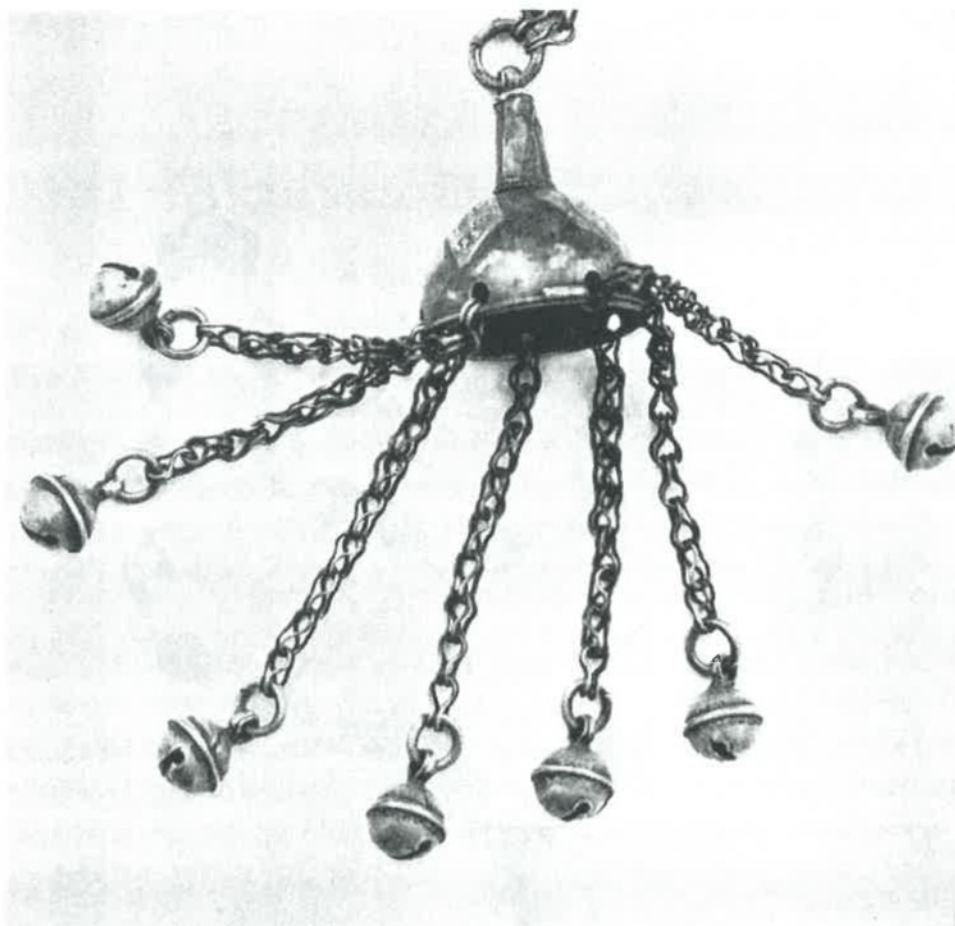
(شکل ۳۰۴) آویز کلاه زنان ترکمن با شکل لوزی و سه گوشه و آویزهای زنجیری .
موجود در موزه مردم شناسی تهران .



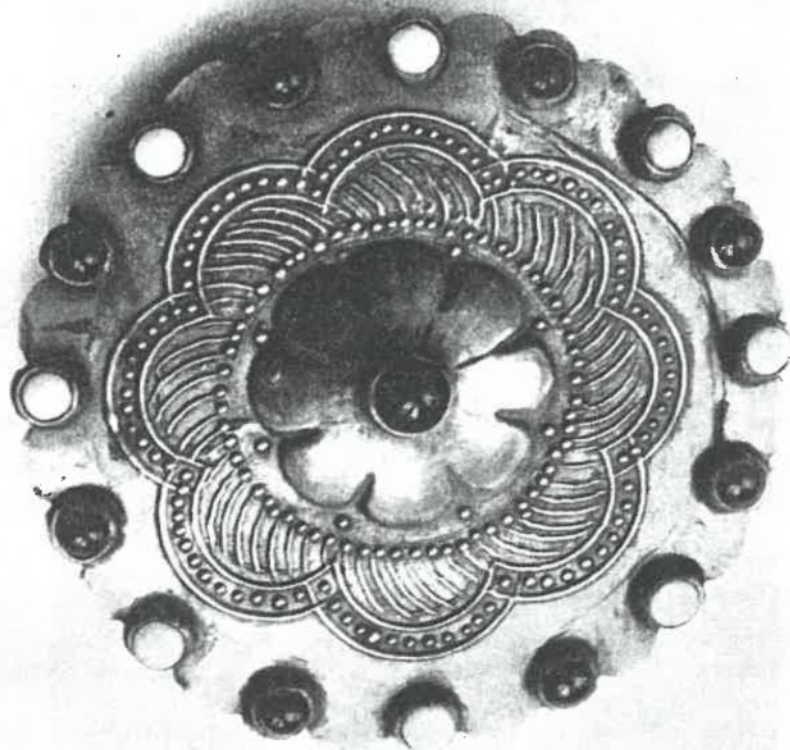
(شکل ۳۰۵) دو آویز دیگر نقره زنان ترکمن با شکل سه گوشه نگین دار و آویزهای زنجیری و زیور مسطح . موجود در موزه مردم شناسی تهران .



(شکل ۳۰۶) گردن‌بند نقره زنان ترکمن با آویز زنگوله‌ها . موجود در موزه مردم شناسی تهران .



(شکل ۳۰۷) آویز زنگوله‌ای زنان ترکمن از نقره . مربوط به گردن‌بند ارائه شده .
 موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .



(شکل ۳۰۸) نشان کارزده نگین‌دار زنان و دختران ترکمن از نقره . موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .



(شکلهای ۳۰۹ و ۳۱۰) خانواده ترکمن با زیورهایشان .

درباره

زیورهای زنان روستاها ، ایلها
و چادر نشینان در عصر حاضر



(شکل ۳۱۱) زنان کولی پیرامون مهاباد (در آذربایجان غربی)

امروزه نیز، زنان نقاط مختلفه ما) از چادر نشینان و روستائیان، تا آنها هم که در حوالی شهرستانها زندگی میکنند (خود را به زر و زیور می‌آرایند. در این میان، زنان کُرد دلبستگی بیشتری به اینکار نشان میدهند.

نمونه‌های زیادی هست که زنان ما را، آراسته به زیور نشان میدهند. مقداری از آنها را بمنظور توجه به نحوه آرایش آنها (با زیورهایی که سپس ارائه خواهد شد) در اینجا می‌آوریم.

نمونه‌هایی که از زنان کُرد میتوان ارائه داد، دختر جوانی از کردهای بجنورد است که عرفچینی مملو از سکه بر سر دارد، و آویزی نیز از عرفچینش آویخته و کناره جلیتقه او نیز سکه‌دوزی شده است (شکل ۳۱۱ مکرر).

دختر کُردی از دهکده حجیج اورامان در « شکل‌های ۳۱۲ و ۳۱۳ » دیده میشود که عرفچینی پر سکه و با آویز بر سر دارد، و مقداری سکه‌های به رشته کشیده و مهره‌ها، گردن‌بند او را تشکیل داده است، و مضافاً، يك انگشتری در انگشت دست چپ او مشاهده میشود.



(شکل ۳۱۱ مکرر) یکدختر کُرد بجنوردی با زیورهایش . عکس از مؤلف .

در شکل « ۳۱۴ » دو زن کُرد از طایفه جوانمردی (پیرامون سقز) دیده میشوند که یکی از آنها زیوری را زیر چانه بیالای سر برده است (واین ، یادآور زیور زنخدان زنان دوره تیموری و صفویه میباشد) .



(شکل ۳۱۲) دختری کُرد از دهکده حجیج اورامان (واقع در میان کرهانشاه و کردستان) با سکه‌های فراوان بر عرقچین و گردن بند.



(شکل ۳۱۳) دختر کرد دهکده حجیج با نمایش عرقچین بر سکه‌اش از پشت سر .



(شکل ۳۱۴) دوزن کرد، از طایفه جوانمردی (پیرامون سقز) با زیورهای فراوانشان .

این دو زن ، هر دو ، گردن‌بند و سینه‌ریز فراوان دارند .

در شکل « ۳۱۵ » دختر جوانی با يك دختر کوچکتر دیده میشوند (که از کردهای ایل هرکی در آذربایجان غربی هستند) و چنانکه مشاهده میشود ، این هر دو تن دارای زیور میباشند .

در شکل « ۳۱۶ » که دو زن نموده شده است زن جوان سمت چپ عکس ، گردن‌بندی از سکه‌ها بگردن دارد ، و جلیتقده او نیز پتر از سکه‌ها و زیورهای نقره است .

در (شکل ۳۱۷) زنی لثر دیده میشود که آویزهایی از نقره از روی سربندش به پهلوئی گوش او آویزان است ، و گوشواره‌ای طلا بشکل هلال در گوش دارد ، و طوقی از منجوق به رشته کشیده پهن ، و نیز گردن‌بندی مرکب از سکه‌ها بگردن دارد .

در میان زنان قشقائی ، کسانی را می‌بینیم که هریک فراخور سن و سال و وضع مالی ، خود را آراسته‌اند . در شکل « ۳۱۸ » دو زن دیده میشوند که زیوری بر سربند خود دارند که از زیر چانه‌شان رد شده است ، و بعلاوه دارای سینه‌ریز و النگو ، و انگشتری نیز میباشند .

در شکل « ۳۱۹ » زن دیگری (قشقائی) که مسن است دیده میشود که با کمک زیوری روسری‌اش را در زیر گلو بسته است ، و مضافاً ،



(شکل ۳۱۵) دختر جوانی با يك دختر بچه از ایل هرکی آذربایجان غربی با زیورهایشان .



(شکل ۳۱۶) دوزن کُرد حوالی کرند کرمانشاه . با نمایش زینت آلات زن جوان سمت چپ عکس .



(شکل ۳۱۷) زنی لُر ، با آویز و طوق منجوق و گردن بندش .



(شکل ۳۱۸) زنان قشقائی با زیورهایشان .

یکجفت النگوی باریک طلا در دست چپ و دو حلقه انگشتری در هر دو دست دارد .

در شکل « ۳۲۰ » زنان گیلک (از ناحیه قاسم آباد) دیده میشوند ، که هر یک گوشواره ، سینه ریز و انگشتری دارند .



(شکل ۳۱۹) زن قشقایی با زیورهایش . عکس از پروفسور میلو رئیس موزه مردمشناسی پاریس

در شکل « ۳۲۱ » دختری مازندرانی (از اهالی فیروزکوه) دیده میشود که يك آویز در زیر گلو ، و گردن بندی از منجوق بصورت مشبك بهم پیوسته (با آویزهایی از سکه) دارد ..



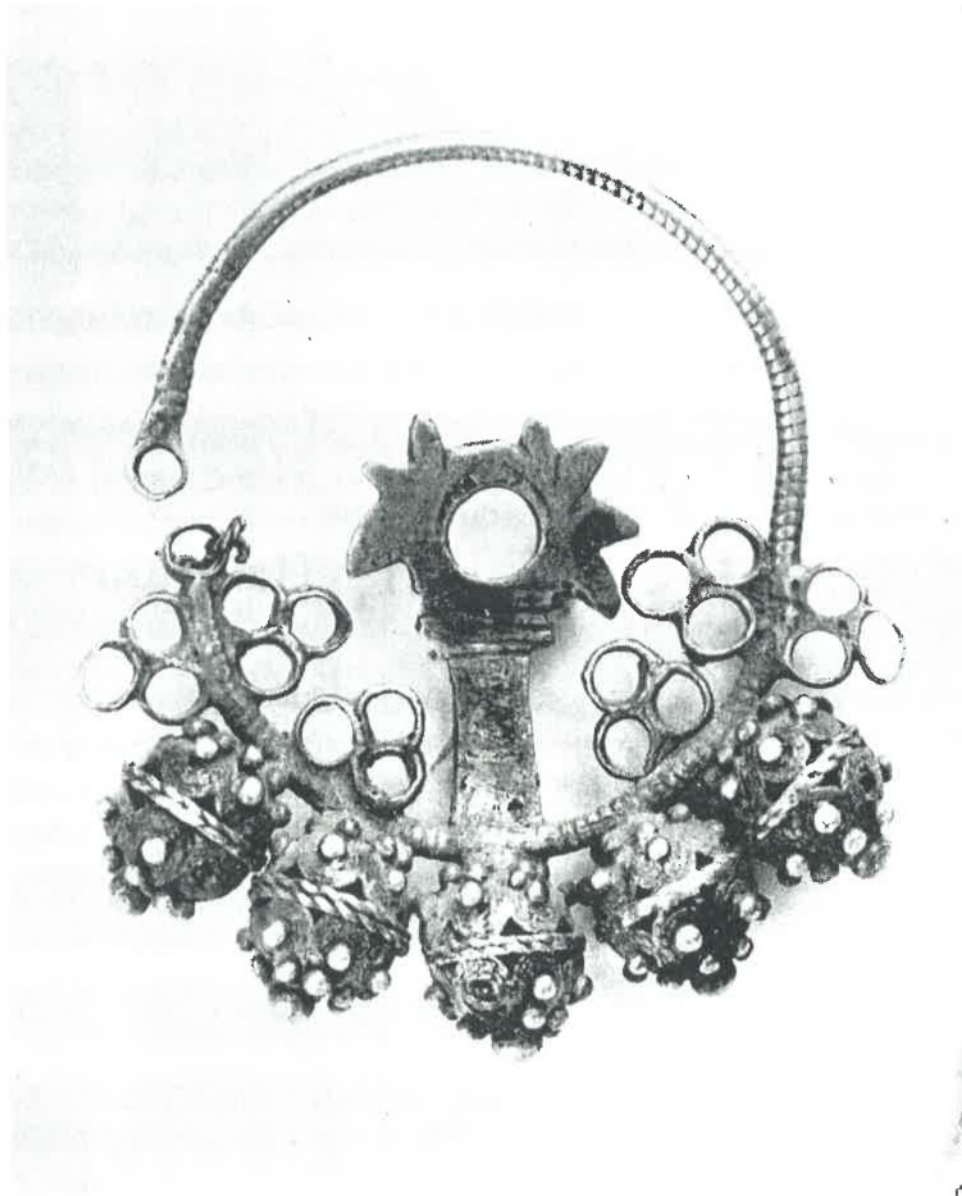
(شکل ۳۲۰) زنان گیلک با زیورهای مختصر خود در روزهای عادی .



(شکل ۳۳۱) دختر مازندرانی با زیورهایش .

این نمونه‌های کم ، نشان می‌دهند که هنوز آن عطش خودآرایی با زیورها ، در میان زنان ما ، همچنان در اوج خود باقی است ، و فقط شهرنشینانند که به زیور کم ، کفایت کرده‌اند ، و گاهی با زیورهای ساخت بیگانگان خود را می‌آریند .

نمونه‌هایی از زیورهای زنان ما در نقاط مختلف ایران



شکل ۳۳۳) گوشواره نقره زنان ساکن جنوب ایران (بلوچها) . موجود در موزه مردم شناسی تهران .

گوشواره‌ای که با شماره « ۳۲۲ » ارائه گردید (چنانکه شکل آن نشان میدهد) حلقه‌ای از مفتول تاییده دارد که مدثور (تا بحد یکدائره) گشته است .

بر روی بخش پائین این حلقه (در وسط) پایه‌ای استوار است که يك گردی دنداندار ، روی خود دارد و وسط آن سوراخ است (و مانند دسته‌گلی میباشد) .

در هر دو طرف این زینت ، دو شکل (که هر يك مرکب از سه دایره است) بر روی مفتول تاییده هلال پائین حلقه ، تعبیه شده است . در بیرون حلقه ، و در دو پهلو نیز از این زینت (که مرکب از سه حلقه است) وجود دارد . آویز گوشواره را پنج گلوله مشبك تشکیل داده (که هر يك ، دو مفتول تاییده چسبیده بهم بر وسط خود دارند) و مضافاً روی این گلوله‌های بزرگ را با گردیهای ریز جوش داده و زینت‌سازی کرده اند .

این گوشواره با چنین هیئتی (از لحاظ شکل عمومی) یادآور گوشواره دوره افشار و زند است که با شماره « ۲۷۷ » عرضه گردید .

گوشواره‌ای منتسب به زنان ترکمن در موزه مردم‌شناسی هست که شباهت بیشتری به گوشواره شماره « ۲۷۷ » متعلق به سده « ۱۲ » هجری (دوره افشار و زند) دارد (شکل ۳۲۳) .

این گوشواره ، حلقه‌ای ساده دارد و دو سر آن مانند گوشواره دوره افشار و زند داخل دهان اژدها نمیشود ، ولی آن دو سر پرنده‌ای را که پشت هم و متفقاً روی هلال پائین حلقه (در وسط) قرار داشتند دارد و مضافاً چهار گلوله بشکل چهار انار دارد که گوشواره مورد ذکر نیز آنرا داشت .

گوشواره دیگری متعلق به زنان ترکمن است (که نیز یادآور گوشواره‌های مشروحه میباشد ولی سه گلوله بصورت انار در زیر آن دارد) و با شماره « ۳۲۴ » عرضه میگردد .

يك گوشواره دیگر با شکل بسیار جالب ، نیز متعلق به زنان ترکمن است که حلقه ساده‌ای دارد . در یکطرف این حلقه ، زیوری (مرکب از مهره‌های بسته‌بندی شده) وجود دارد ، که سر دیگر حلقه مستقیماً به آن وصل میشود (شکل ۳۲۵) .

گوشواره‌ای مطلاً و مرصع ، بشکل زنگ با آویز گلابی‌شکل و مزین بمرواریدها و پرکار (منتسب به فسای فارس) در موزه مردشناسی هست که از لحاظ کار به گوشواره‌های دوره قاجاریه زیاد شباهت دارد (شکل ۳۲۶) .

این گوشواره (چنانکه در عکس ، دیده میشود) بعد از حلقه ، گلی هشت پر دارد که روی گلبرگها دانه نشانی شده ، و در وسط آن نیز جایی برای نشانیدن دانه بزرگ هست . از این گل ، حلقه‌ای آویزانست و از این حلقه نیز گوشواره اصلی آویخته است .



(شکلهای ۳۲۳ - ۳۲۴ و ۳۲۵) گوشواره های زنان ترکمن . موجود در موزه مردم شناسی تهران .

ضمن توجه به گیسوبند زنان ترکمن (در شکل ۲۹۸) که دو مخروطه ناقصی میباشد ، زنان کرد نیز گیسوبندی بشکل بشکه دارند ، و چنانکه شکل « ۳۲۷ » نشان میدهد ، دو سر این گیسوبند با مفتولهای تاییده و پهلوی هم چیده ، زینت شده اند .

نیم تاجهائی پر زیور ، با نقش های جالب ، منتسب به زنان ترکمن در موزه مردم شناسی و همچنین در موزه هنرهای تزئینی هست که با مهره های مرجان و فیروزه ها دانه نشانی شده اند . هیئت عمومی و اصلی این تاجها بشکل شاخهای باز است ، و در بخش پائین این شاخی شکلها ، حلقه هائی برای آویختن آویزهای فراوان تعبیه شده است ، و آویزها مرکب از مفتولهای تاییده و مهره هائی هستند که در آخر آویزها نیز صفحاتی از نقره (که برجسته کاری شده اند) بشکل برگها آویزانست . در چند جای بالای این تاجها نیز حلقه هائی تعبیه شده است که برای بستن زنجیر به آنها بکار میرود . این نیم تاجها (چنانکه در شرح



(شکل ۳۲۶) گوشواره مطلا و مرصع بشکل زنگک با آویز گلابی شکل و مزین به مرواریدها. منتسب به فسای فارس. موجود در موزه مردم شناسی.

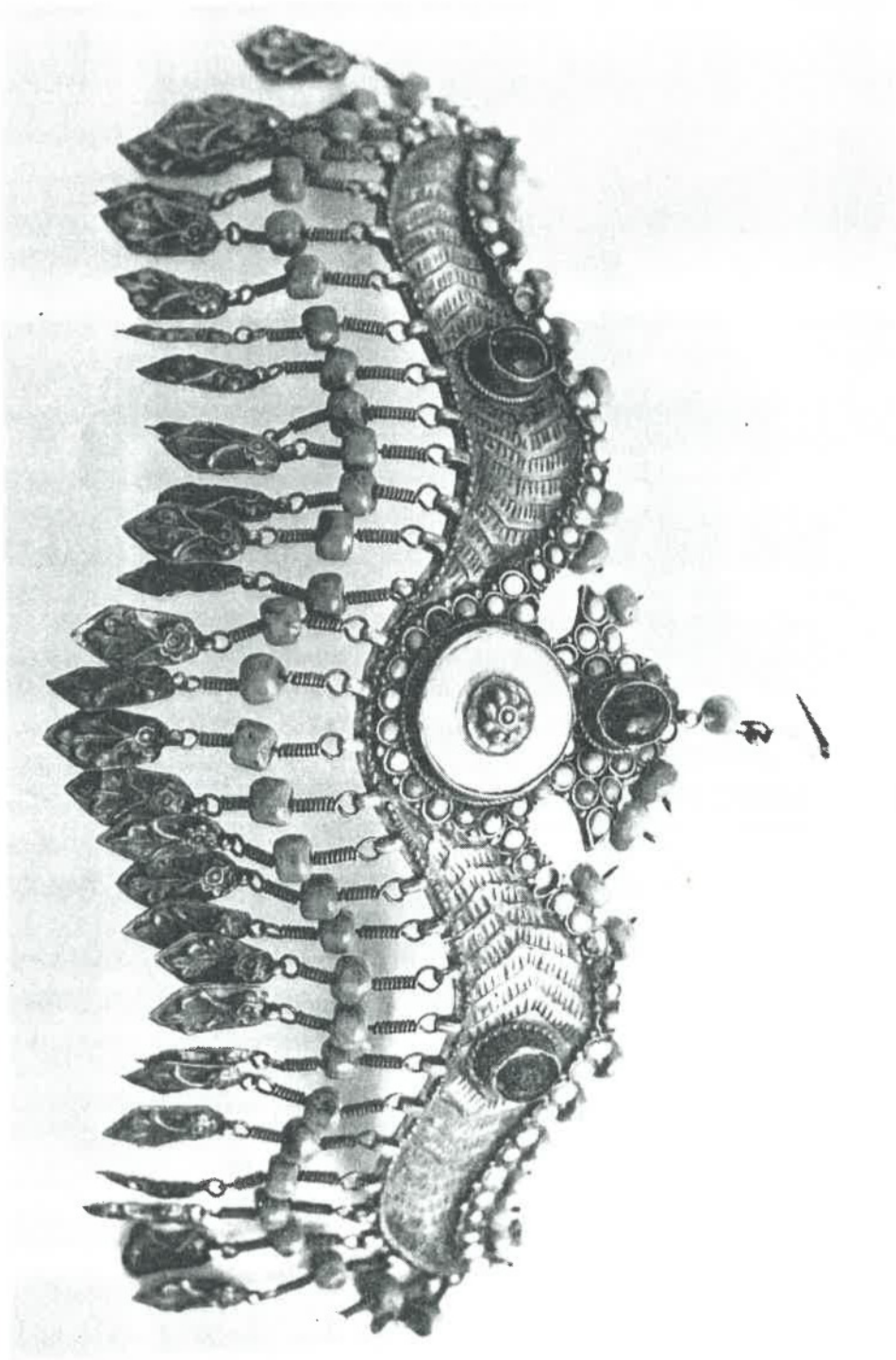


(شکل ۳۲۷) گیسو بندهای زنان کرد . از نقره . موجود در موزه مردم شناسی .

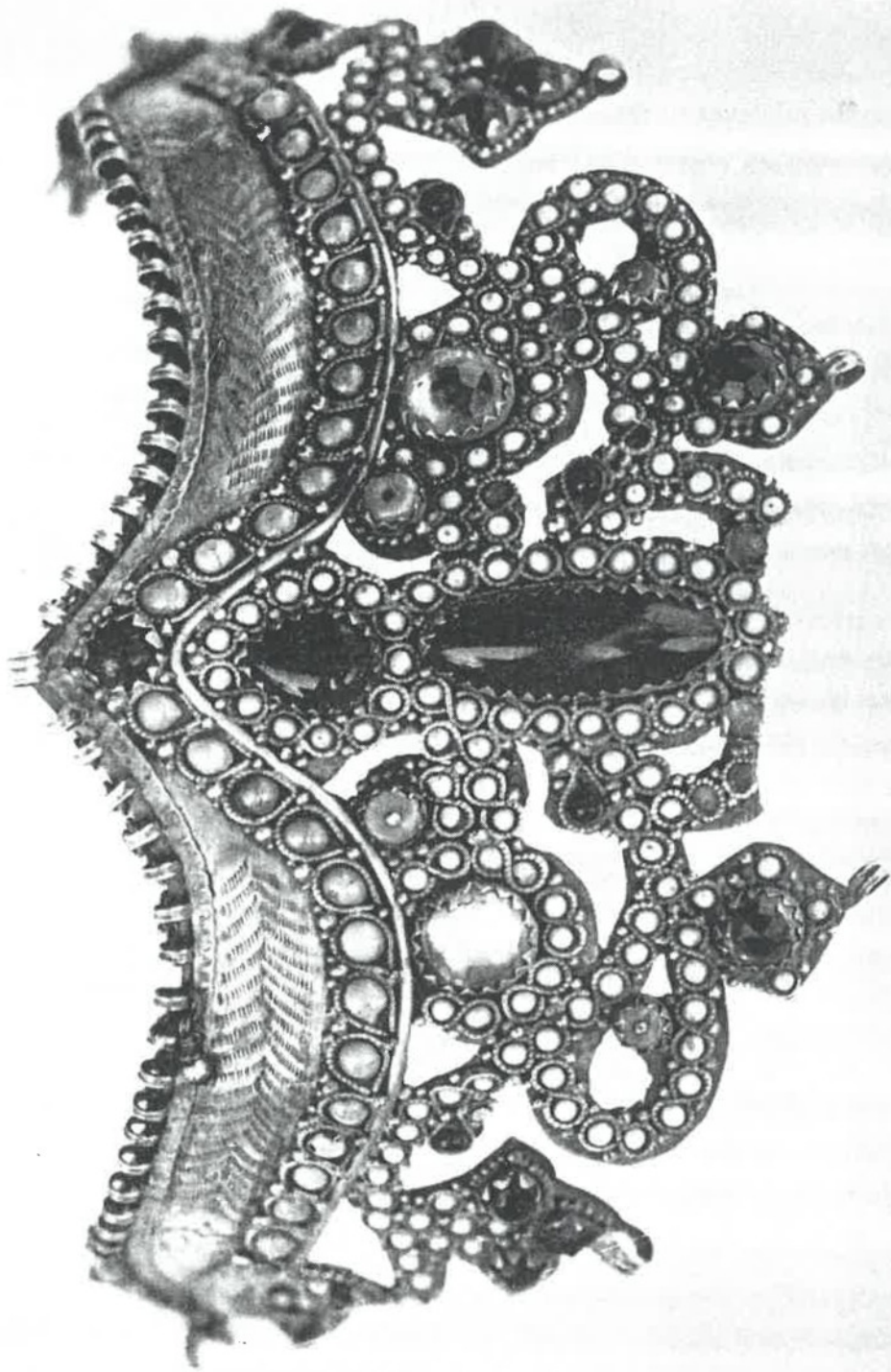
آنها آمده) در مواقع عروسی زنان بر روی سر بکار میرفته است .
(شکل های ۳۲۸ - ۳۲۹ و ۳۳۰)

.....

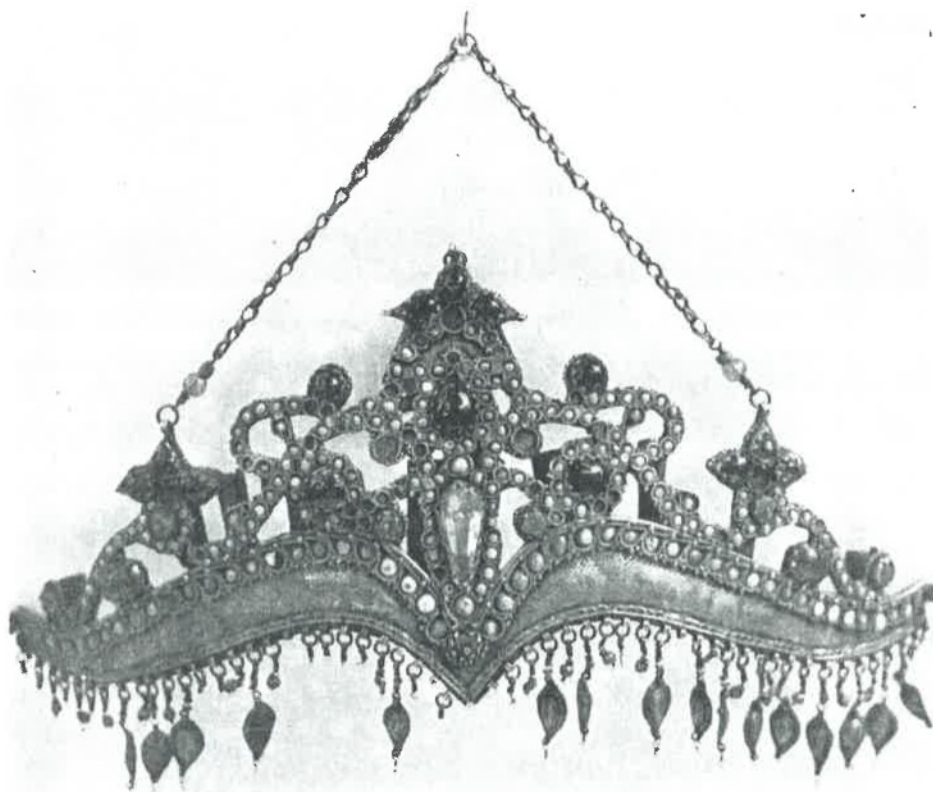
با ارائه شکل هایی از زنان نقاط مختلف ایران ، مشاهده شد که



(شکل ۳۲۸) نیم تاج زنان ترکمن با آویزهای فراوان و زیور سفید گرد و درشتی در وسط .
موجود در موزه مردم شناسی تهران .



(شکل ۳۳۹) نیم تاج زنان ترکمن با دانه های فیروزه و مرجان و زیور درشت بیضی در وسط (بدون آویز) .
موجود در موزه مردم شناسی تهران .

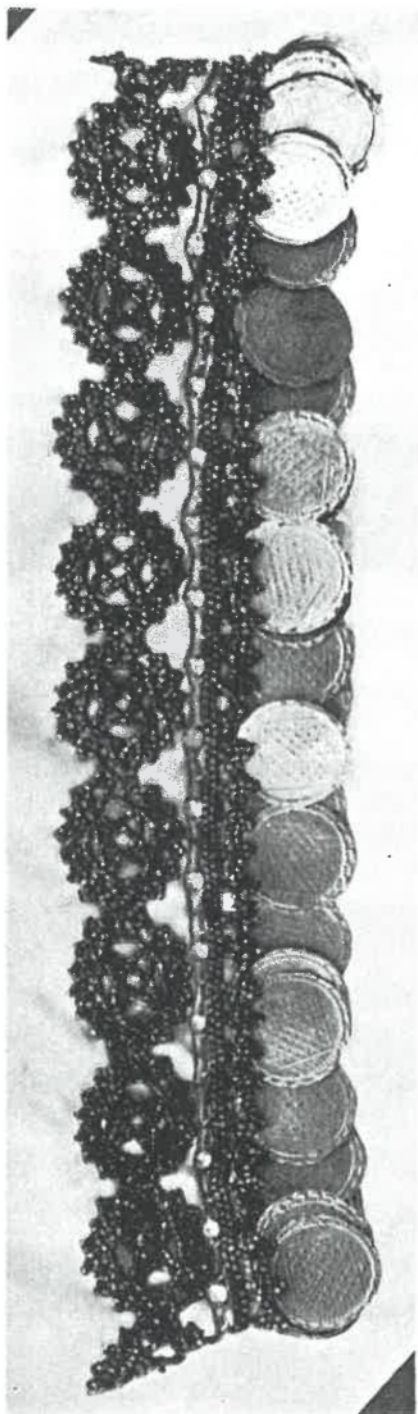


(شکل ۴۳۰) نیم تاج زنان ترکمن با آویز و زنجیر . موجود در موزه هنرهای تزئینی تهران .

بر روی عرقچین و یا کلاهک آنان زیورهای (در جلوی پیشانی) بکار رفته است .

عرقچینی از زنان بختیاری در موزه مردم شناسی هست که دارای زیورهای بشکل سکه و گلهایی از منجوقها میباشد . (شکل ۳۳۱) .

نوعی دیگر از این زیورها (که در بالای پیشانی و بر روی کلاه نصب میشود) منتسب به زنان کرد ، در موزه مردم شناسی هست که از



(شکل ۳۳۱) زیور عرقچین زنان بخشیاری (با سکه و گلپای منجوقی). موجود در موزه مردم شناسی تهران.

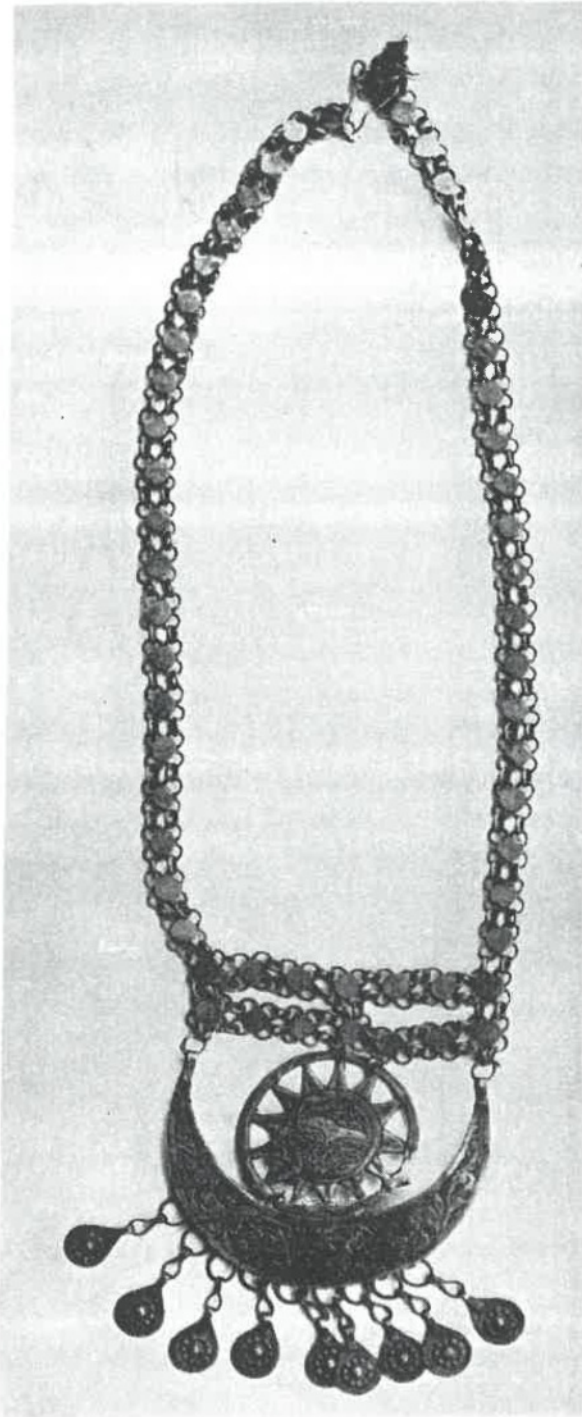
یکرشته زیور زنجیره‌دار تشکیل شده ، و در وسط ، هلال ماه و خورشید دارد ، و از زیر هلال نیز آویزه‌هایی به آن متصل است . (شکل ۳۳۲) .

چندین آویز کلاه از زنان نقاط مختلف ما ، در موزه مردم‌شناسی هست که هر یک بشکلی زیورسازی شده‌اند .

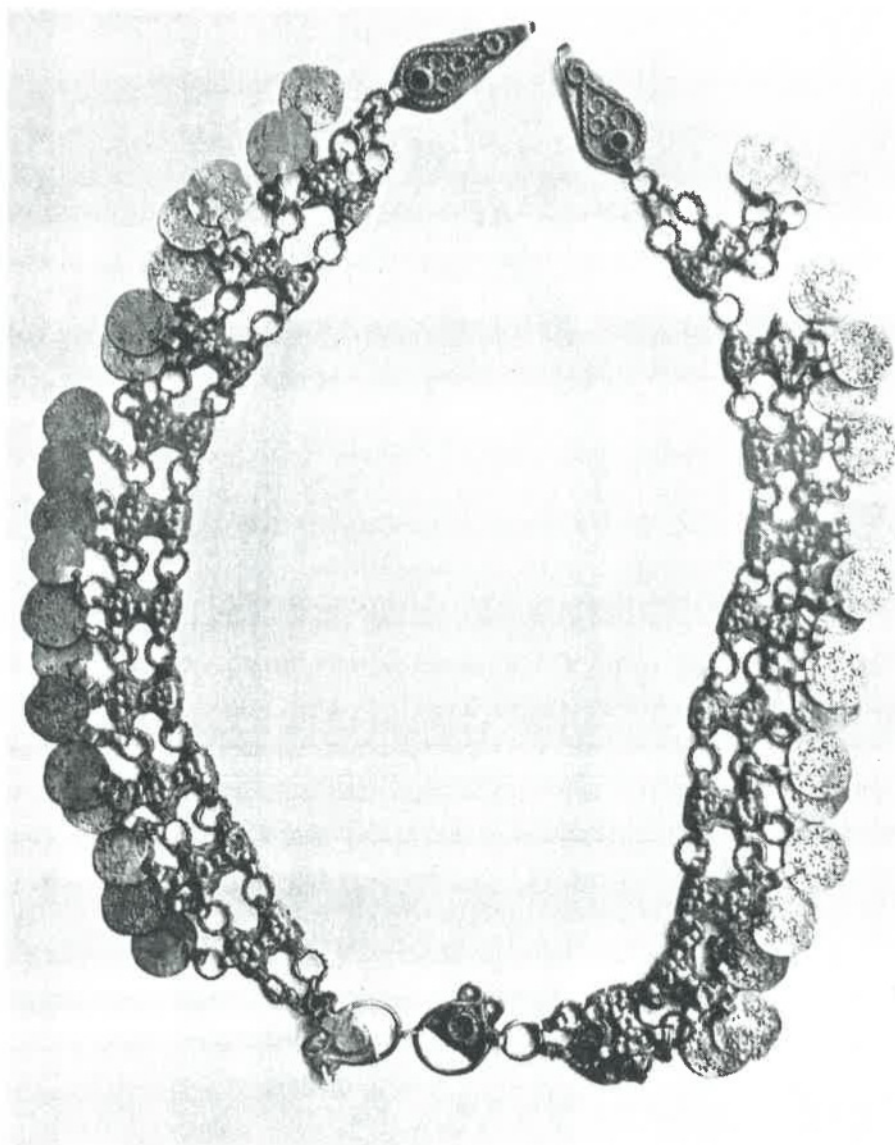
یکی از آنها ، چنگی مسطح برای آویختن دارد که روی آنرا با مفتول تاییده نقش‌اندازی کرده‌اند و بقیه ، زیور قرقره شکل (ولی مسطح) است که بوسیله حلقه‌هایی بهم پیوسته‌اند و در آخر ، زیوری بشکل قفل دارند ، و از همه این زیورهای قرقره‌ای شکل پولک‌هایی مسطح آویزان است . این آویز کلاه ، منتسب به زنان کرد است (شکل ۳۳۳) .

کلاه آویز دیگر ، عبارتست از گردی بزرگ مسطحی که با نوارهای نازک نقره ، روی آنرا ماریچ و پر کار زینت کرده‌اند ، و در وسط آن جای بزرگی برای سادانه نشانی ساخته‌اند . از نیمدایره پائین این گردی بزرگ در هر طرفش حلقه‌هایی جوش داده شده که از آن سکه‌هایی با نوشته « یا علی مدد » آویزانست ، و در پائین ، از یک حلقه دو زنجیر نسبتاً بلند آویخته است که در انتهای آنها نیز دو سکه (از همین نوع سکه‌ها) آویزان است .

در شرح این آویز ، آمده است که آویز گیسو میباشد ولی بنظر میرسد که از دو پهلوی عرقچین آویخته میشود . از هیئت عمومی این آویز معلوم است که باید مورد استفاده زنان جنوب ایران بوده باشد (شکل ۳۳۴) .

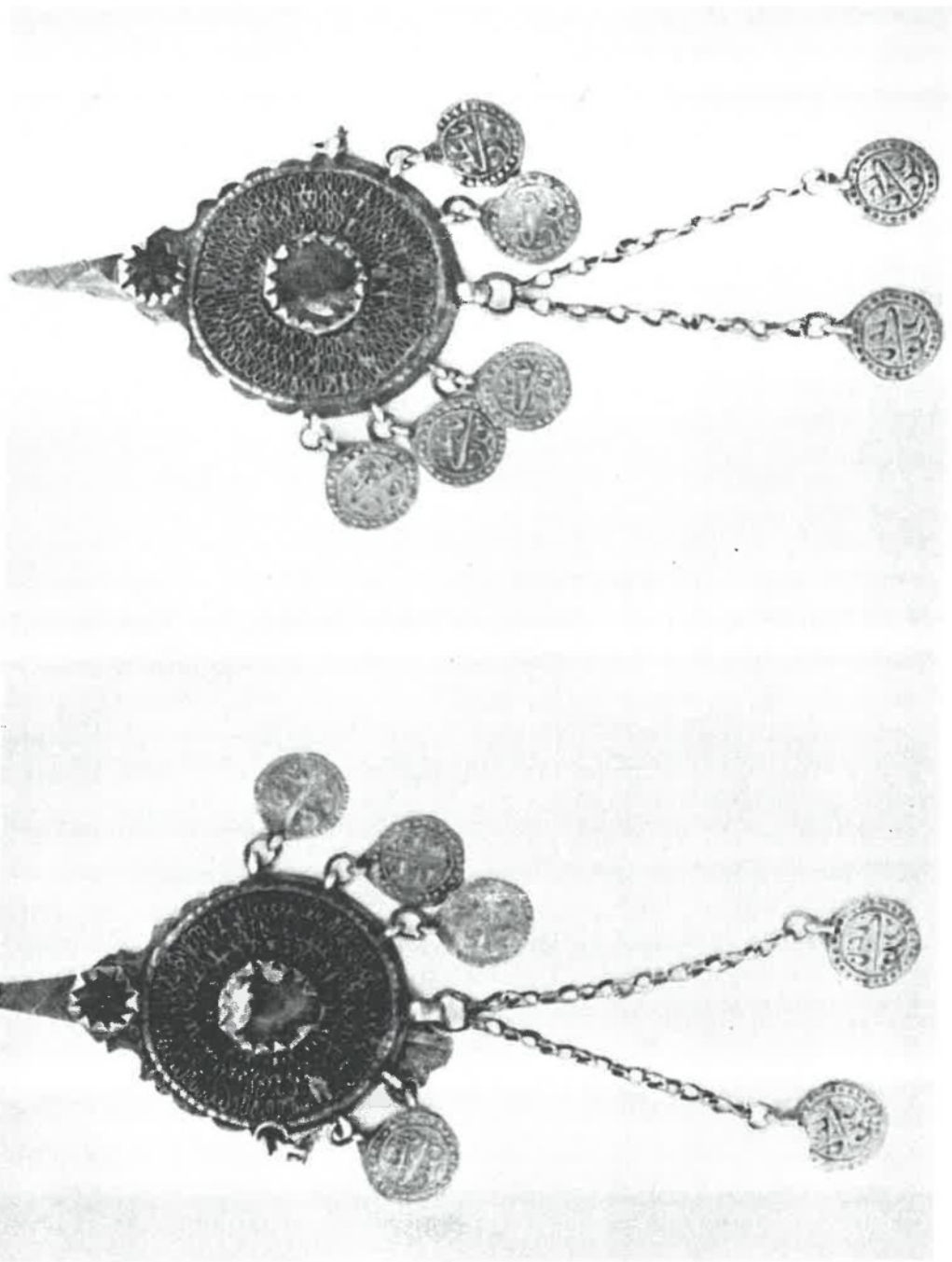


(شکل ۳۳۲) پیشانی‌بند منتسب به زنان کُرد (که به احتمال از آن زنان ترک می‌باشد) .
موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .



(شکل ۳۳۳) آویز کلاه کُردی . متشکل از زیور قرقره‌ای و پولک‌ها . موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .

کلاه آویز دیگری (سنگین‌تر) منتسب به بلوچها در موزه مردم‌شناسی هست که از يك گردی بزرگ مسطح کنگره‌دار تشکیل شده ، و در وسط آن دو دایره متحد‌المركز با مفتول تاپیده جوش داده‌اند .



(شکل ۳۳۴) آویز کلاه با یک گردی بزرگ و سکه‌ها (با نقش یاعلی مدد) و دو آویز زنجیری موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .

در داخل دایره بزرگ دایره‌های کوچکی چسبیده به آن ساخته‌اند ،
و در داخل دایره کوچک ، يك گل هفت پر (نیز با طرح دایره‌ای)
تعبیه کرده‌اند . این گردی کنگره‌دار بزرگ ، در زیر خود پنج آویز
سکه دارد (که از حلقه‌هائی آویزان میباشند) و در شرح آن آمده
است که شرابه‌ایست از نقره که زنان بلوچ در دو طرف لچکی خود آنرا
می‌آویزند (شکل ۳۳۵) .

.....

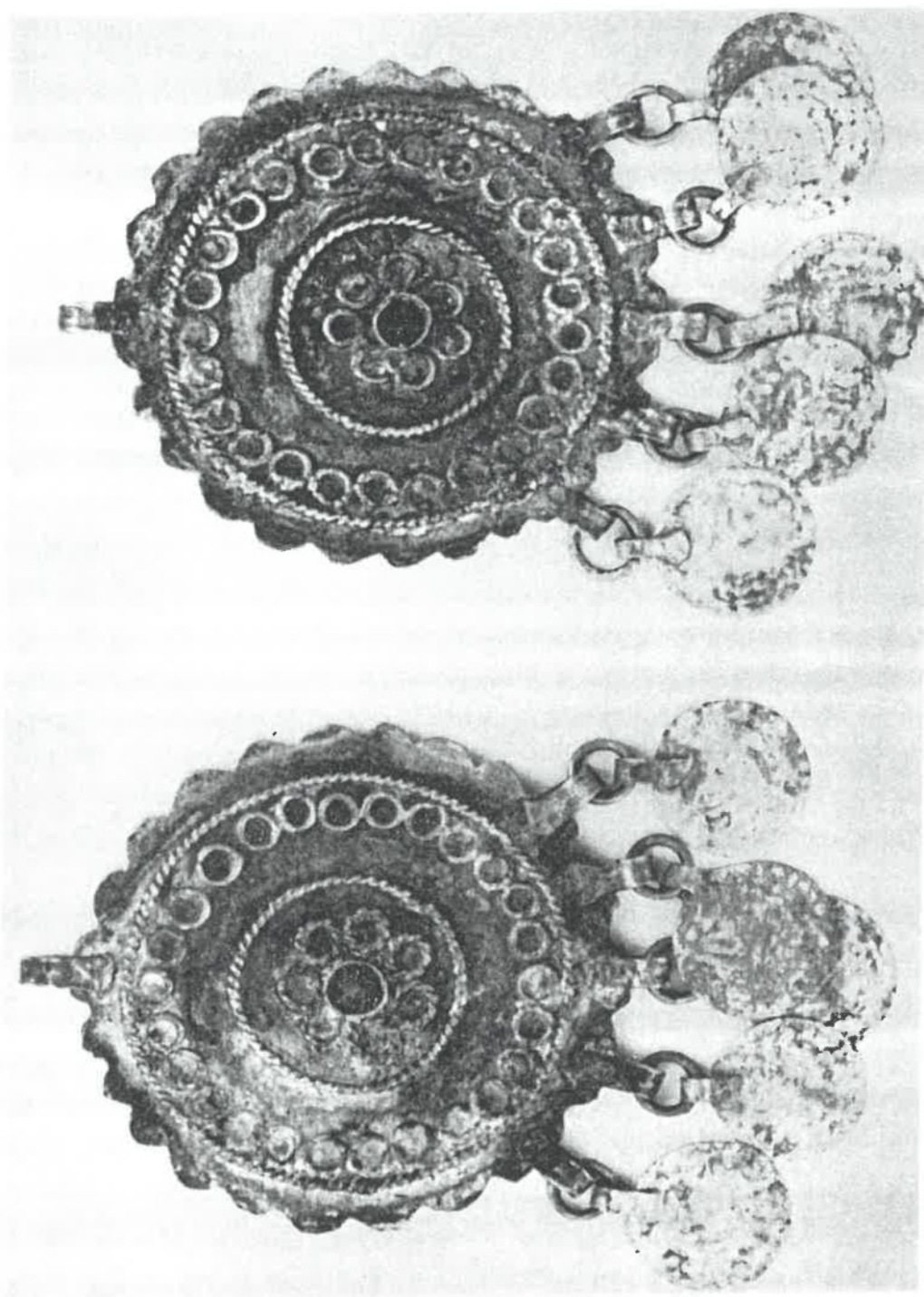
از نوع آویز کلاه (که در جلوی پیشانی) قرار میگیرد ،
زیوری است مرکب از يك زنجیر که آویزهای مسطح لوزی دارد ،
و دو سر این زنجیر ، هریک به مخروطی بلند وصل است . در زیر این
مخروط‌ها يك نیمکره هست (که حلقه‌هائی بدور خود دارد) و از
این حلقه‌ها ، آویزهای زنجیری (که نیز دارای صفحات لوزی شکل
میباشند) آویخته است (شکل ۳۳۶) .

این آویز کلاه یا پیشانی‌بند مورد استفاده دخترهای کوچک
ترکمن قرار میگیرد .

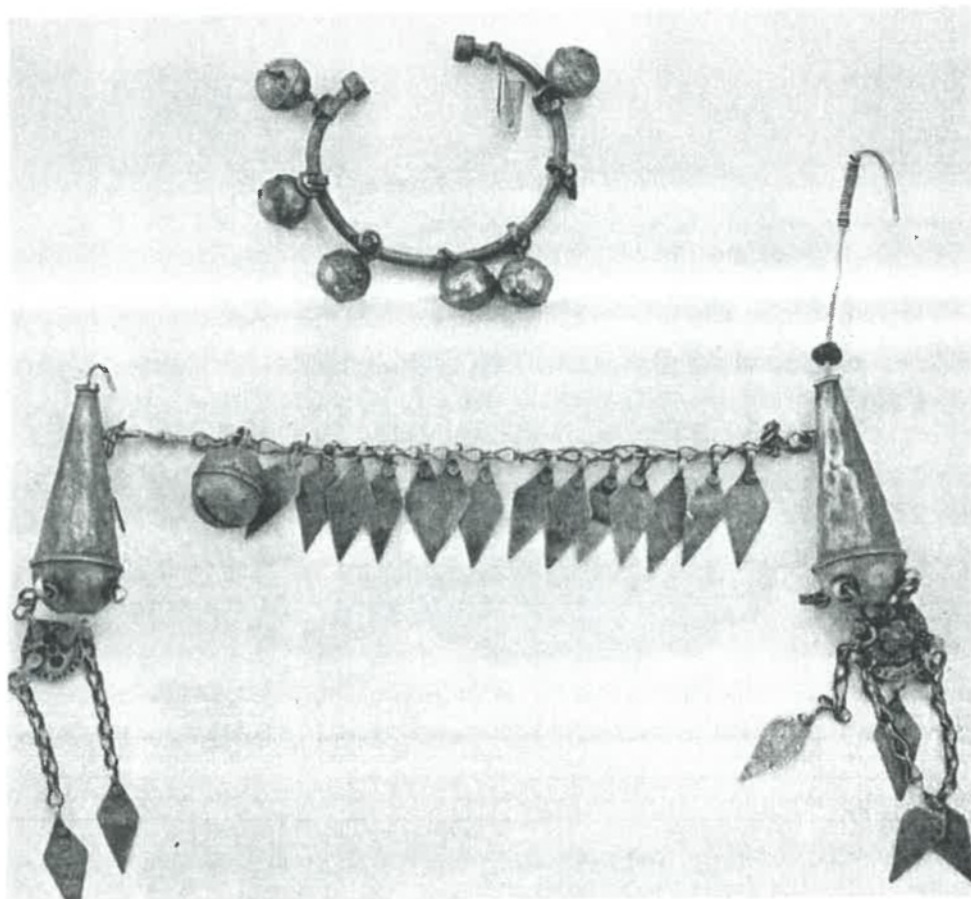
در همین شکل ، مضافاً دستبندی (شاید هم خلخال) مشاهده
میشود که دارای زنگوله میباشد ، و قطعاً در حین حرکت دست یا پا
بصدا درمی‌آیند .

.....

از خلخالها (زیوری که در مچ پا بکار می‌رود) مقداری
در موزه مردم شناسی هست که دارای شکلهای مختلف و مجوف میباشند .
نوعی از آن (که در شکل « ۳۳۷ » مشاهده میشود) کنگره‌دار

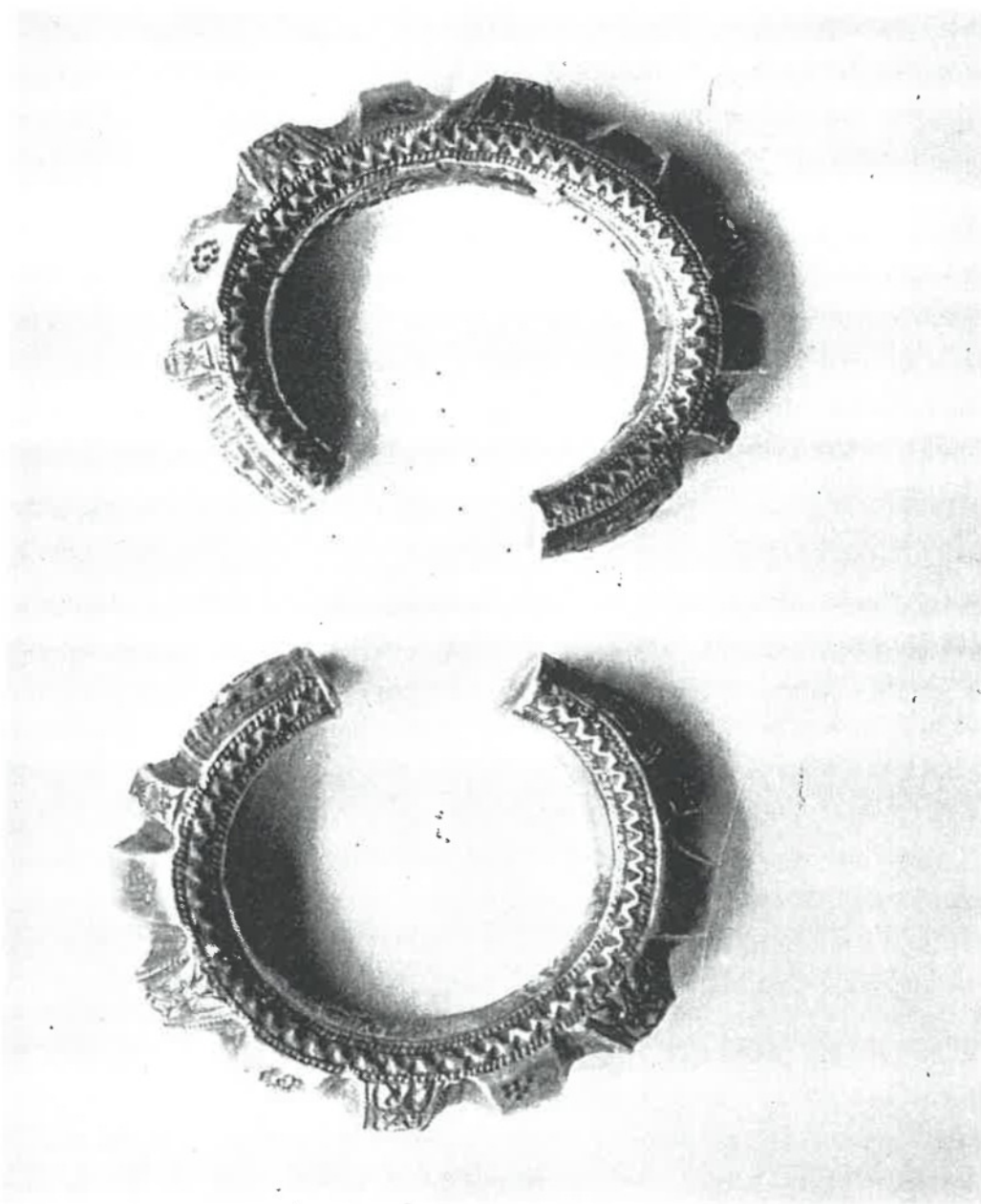


(شکل ۳۳۵) شرابه بلوچی . از جنس نقره . موجود در موزه مردمشناسی تهران .



(شکل ۳۳۶) پیشانی بند یا کلاه آویز و دستبند بچگانه ترکمنی . موجود در موزه مردم شناسی تهران .

ساخته شده است . رویه آنرا با خطوط منکسر و نقش مفتولی تاییده ،
کنده کاری و برجسته سازی کرده اند . خلخال معمولاً دهاندای باز
(برای سهولت در پا کردن) دارد . زنان جنوب ایران (بلوچها
و بندریها ، و همچنین کردها) ، از این خلخالها استفاده میکنند .



(شکل ۳۳۷) خلخال نقره کنگره دار با نقش خطوط منکسر . موجود در موزه مردم شناسی تهران .

نوع دیگر، لوله‌ای شکل و صاف می‌باشد که رویه آنرا با گلها و گردیها و خطوطی (بصورت حاشیه) کنده کاری کرده‌اند . (شکل ۳۳۸) .

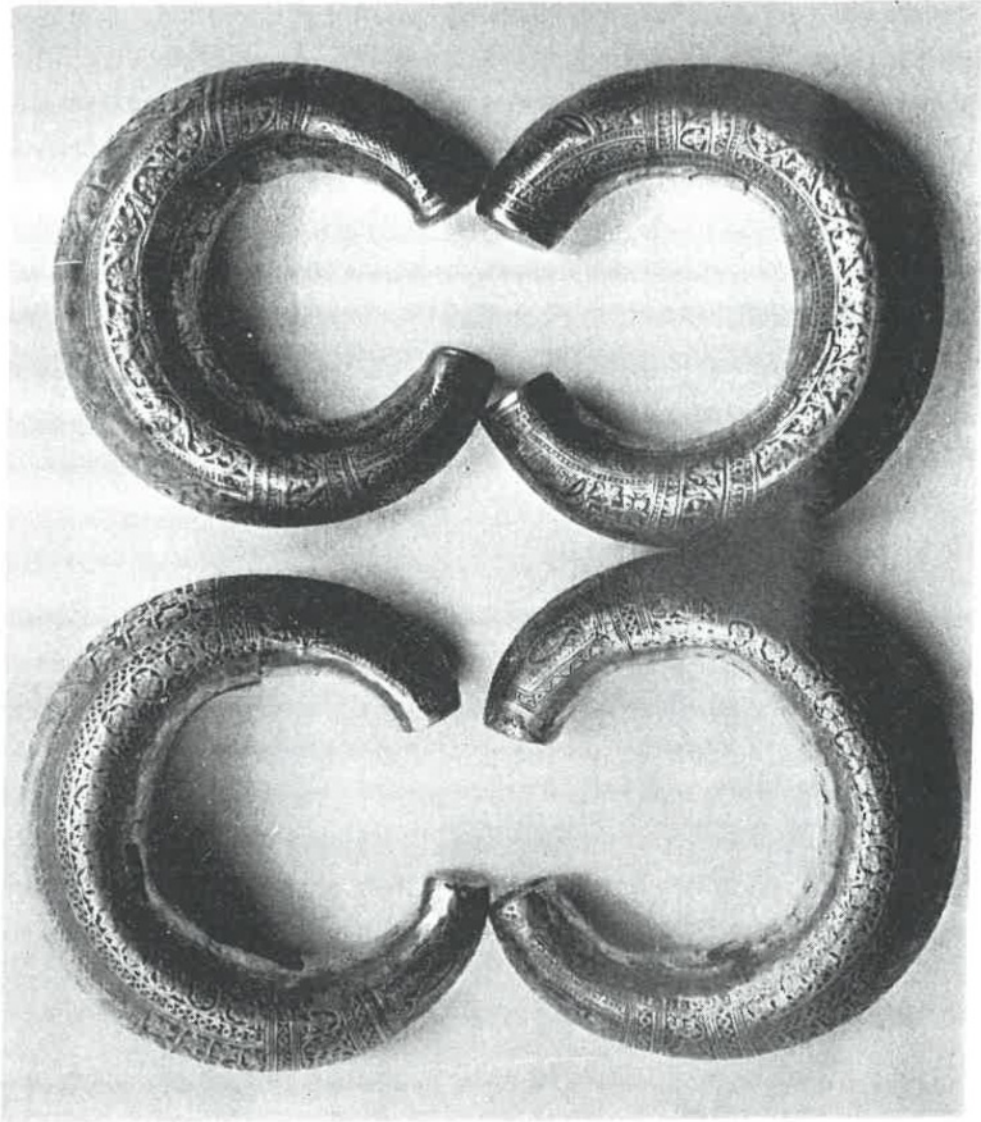
این خلخالها بیشتر مورد استفاده زنان بلوچ است ، ولی زنان خطه کناره جنوب ایران نیز آنرا مورد استفاده قرار می‌دهند .

خلخالی دیگر منتسب به دشت میشان (خوزستان) در موزه مردم شناسی هست که لوله‌ای شکل با نقش‌های برجسته است ، ولی دو سر آن (که دارای شکل هندسی کثیرالسطوح است) نقش گلی در میان یک سطح کثیرالاضلاع شش ضلعی دارد ، و گردن این خلخال با مفتولهای تائیده چسبیده بپهلوی هم مزین است (شکل ۳۳۹) .

× از زیورهایی که زنان ایران برای استفاده در زیر گلو (بمنظور بستن روسری) بکار می‌برند ، دو نوع آن در موزه مردم شناسی هست که از نقره و منجوق تعبیه شده‌اند .

نوعی از آن ، دو رشته مهره چهار گوش نقره است که یک درمیان بوسیله چهار منجوق ، از هم فاصله دارند . رنگ این منجوقها قرمز و آبی می‌باشد (شکل ۳۴۰) .

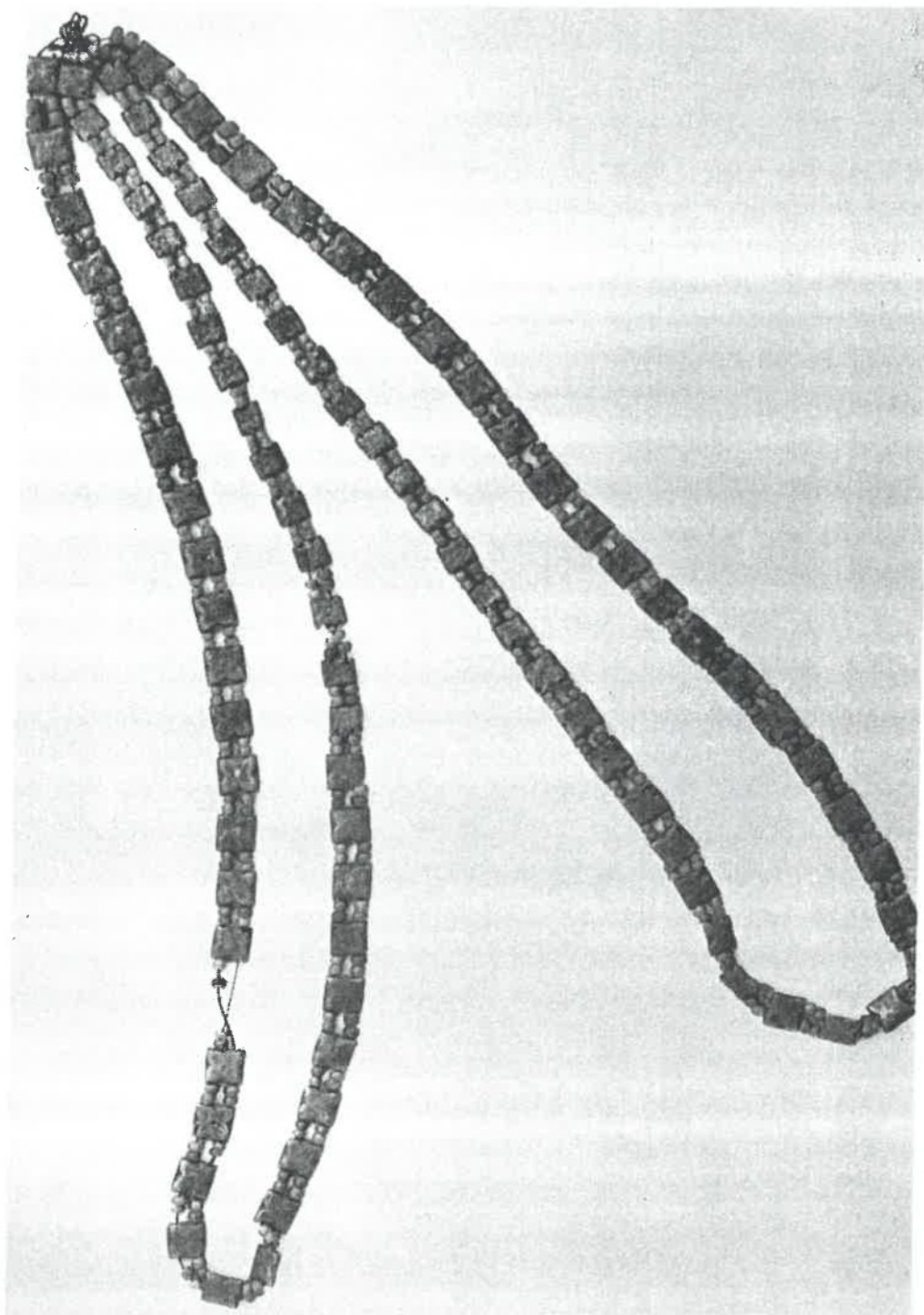
نوع دیگر ، گلوله‌های بیضی مجوف و مشبکی است که دو سر هر یک از گلوله‌ها دهانه باز دارد و نواری بدور دهانه جوش داده شده است . (شکل ۳۴۱) .



(شکل ۳۳۸) خلخال لوله‌ای شکل منقوش با گل و برگ و خطوط موازی و گردیها.



(شکل ۳۳۹) خلخال نقره با دو سر کثیرالسطوح و نقش گل . مورد استفاده زنان خوزستان .
موجود در موزه مردم شناسی تهران .



(شکل ۳۴۰) گلویند نقره مرکب از مهره‌های چهارگوش و منجوقهای آبی و قرمز .
موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .



(شکل ۳۴۱) زیور دور چانه و بناگوش . از گلوله های بیضی مجوف و مشبك .
موجود در موزه مردم شناسی تهران .

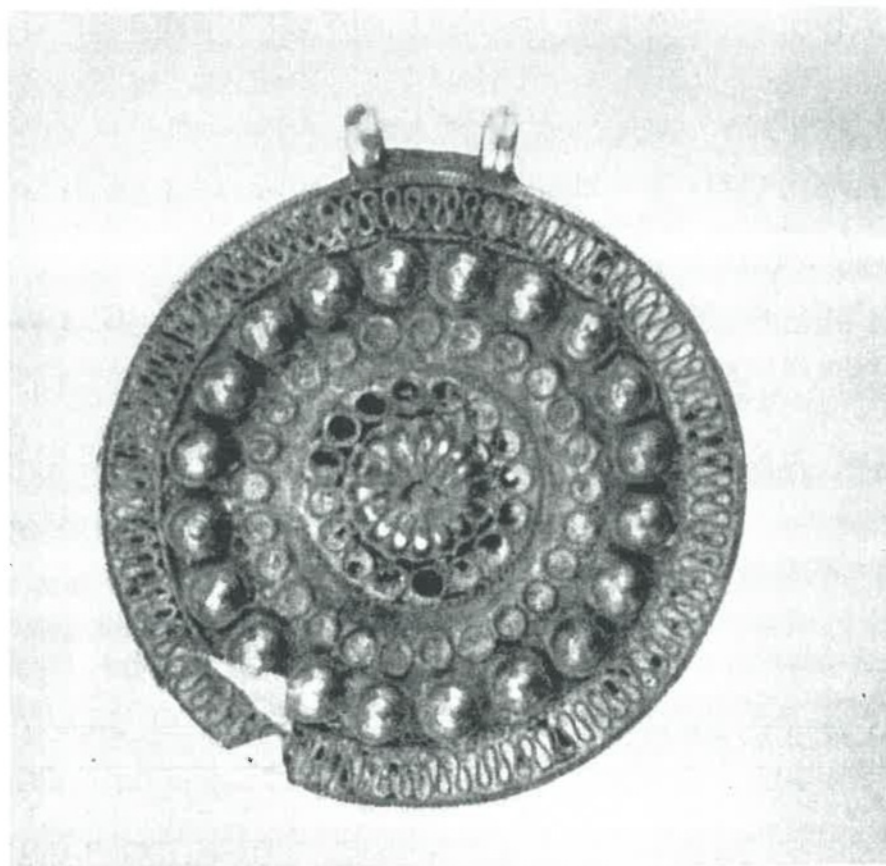
از انواع نشانها یا گل سینه (که با زنجیر بگردن آویخته میشود)
 دو نوع آن ارائه میگردد .
 نوعی از آن ، نشانی گرد و مسطح است (که دو حلقه چسبیده

بخود برای آویختن زنجیر دارد) حاشیه این گردی را با نوارهای نقره بشکل مارپیچ پر کرده‌اند، و بعد از این حاشیه در داخل، گردیهائی نیمکره جوش داده‌اند، و پس از آن (تزدیک بمرکز گردی) دایره‌هائی با مفتول کار گذاشته‌اند، و پس از ایجاد يك دایره با سیم تائیده و نصب گردیهائی بمنظور دانه نشانی، در مرکز این نشان گلی تعبیه کرده‌اند. با طرز نقش و آرایشی که این نشان دارد، میتوان آنرا بزنان جنوب شرقی ایران منسوب کرد (شکل ۳۴۲).

نوع دیگر گل سینه، قاب قرآنی مستطیل شکل است که در قسمت بالا، انحنائی بسوی پائین دارد. دو گیره (بمنظور آویختن) بر دو گوشه بالای این قاب قرآن تعبیه شده است. در بخش پائین، سه گوشیهائی پر شده از گردیها دارد. حاشیه این قاب قرآن، دورا دور با خطوط منحنی زینت شده، و حاشیه دوم با گل و برگ زینت یافته است. در وسط، ترنجی دارد که نگینی درشت در میان چنگها نشانده است. این قاب قرآن که از گرگان بدست آمده، منتسب به زنان آن سامان است (شکل ۳۴۳).

از انواع بازوبندهائی که از جنسهای مختلف درموزه مردم شناسی موجود است برای نمونه در اینجا آورده میشود:

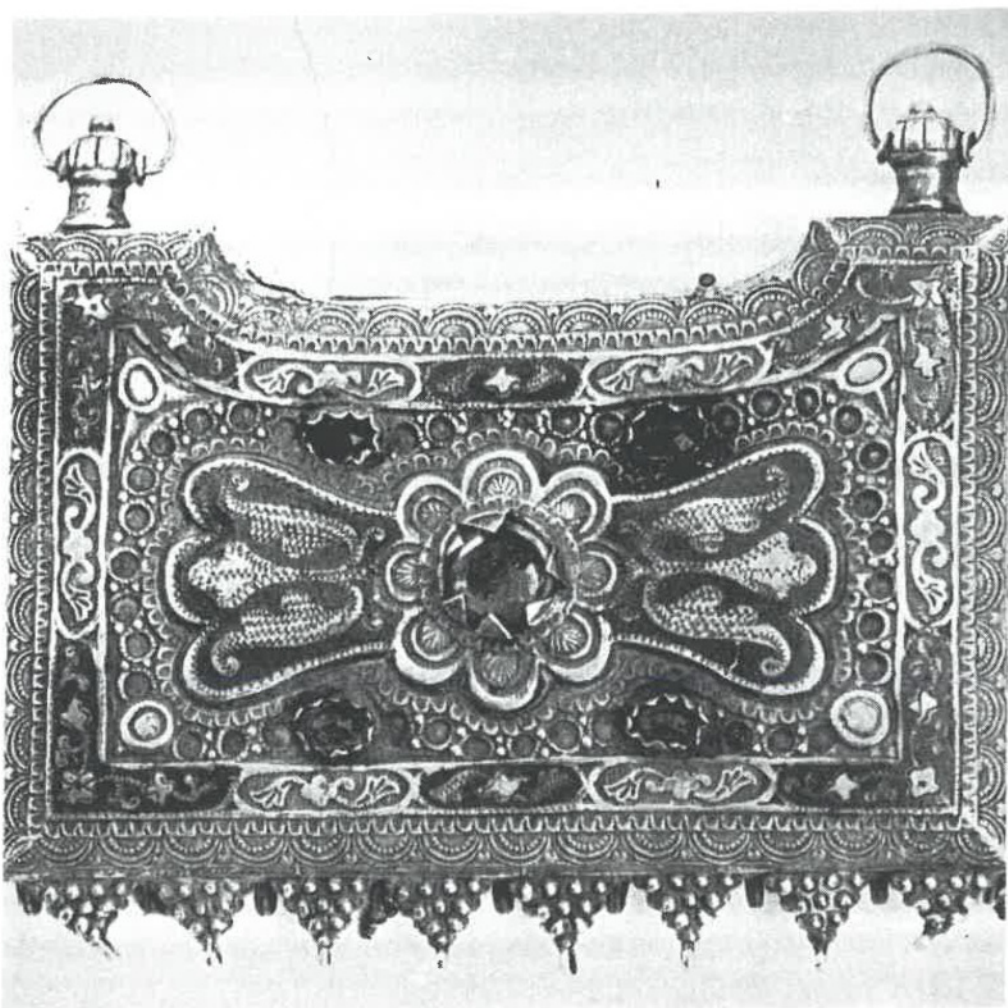
بازوبندی گرد و مسطح، و کنگره دار با خطوط هندسی هست که از نقره میباشد. در وسط این بازوبند زنانی را نقش کرده‌اند که طلسماتی بر روی بدن زن وسطی نقش، حک شده است (شکل ۳۴۴). بازوبند دیگری هست که دارای « ۹ » مهره بیضی و دو نشان



(شکل ۳۴۴) گل سینه گرد نقره ، با نقوش ماریج و نیمگردیها و گلی در وسط .
 موجود در عوزه مردم شناسی تهران .

نقره کنگره دار است که طلسماتی بر روی آنها حک شده و در وسط آن نوشته شده است « یا حافظ حفیظ » . این بازوبند بوسیله رشته‌ای فراهم آمده و دو منگوله در انتهای خود (مانند منگوله تسبیح) دارد (شکل ۳۴۵) .

بازوبند دیگری با کتیبه (و ر ا ن ی ک ا د °) هست که از سه قطعه نقره محدب بشکل بیضی نوک تیز و ترنجی با قفل و بست تشکیل شده



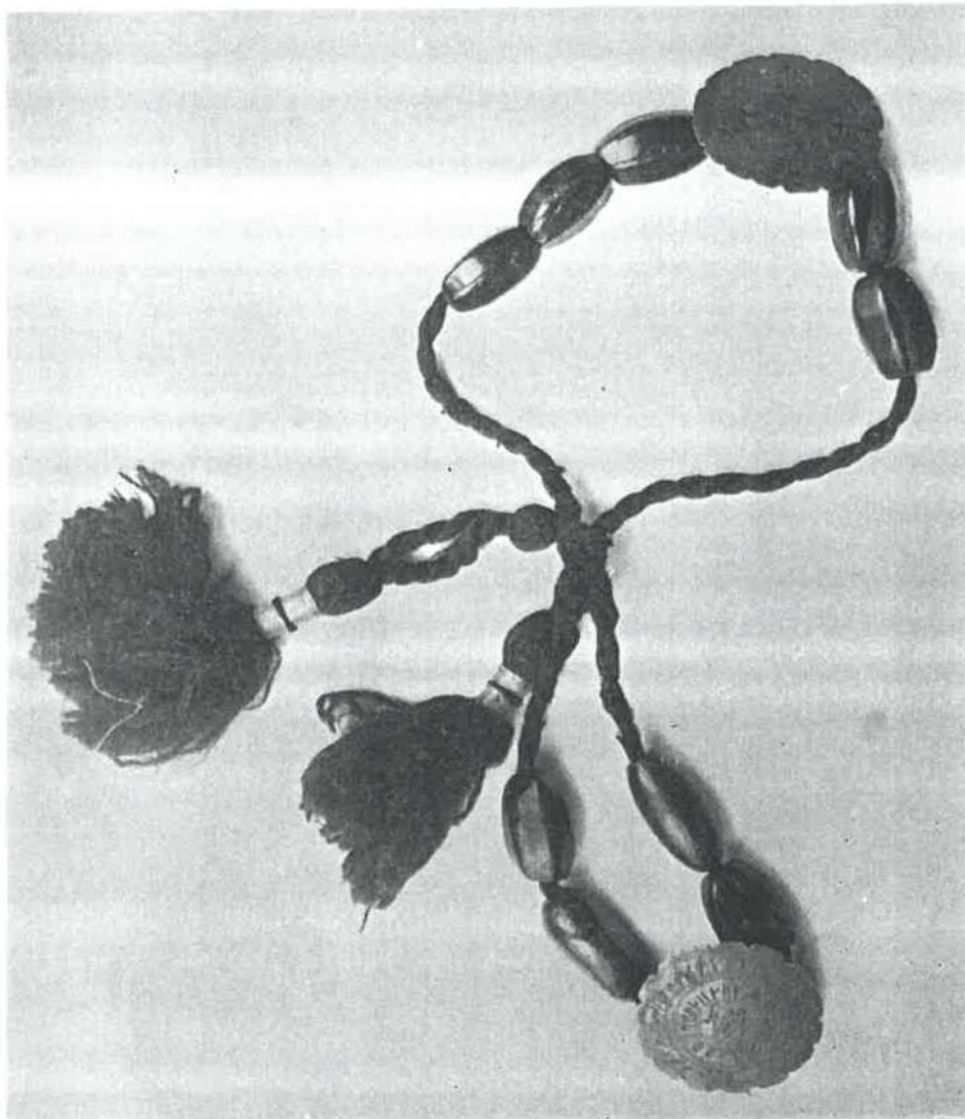
(شکل ۳۴۳) قاب قرآن یا گل سینه بشکل مستطیل . موجود در موزه مردم شناسی تهران .

است (که تکه وسطی ، قاب قرآن است (شکل ۳۴۶) .
بازوبند دیگری نیز ، از سه قطعه بهم پیوسته هست (که با سنگهای
درشت ، دانه نشانی شده) و در دو انتهای خود چفت و بست دارد
(شکل ۳۴۷) .



(شکل ۳۴۴) بازوبند گرد کنگره دار با نقش زنان . موجود در موزه مردم شناسی تهران .

بازوبند دیگری هست که از سنگهای شبّه تشکیل شده و عبارت از پنج سنگ است که دوتای باریک آن ، در هر دو طرف سنگ وسط (که بشکل کثیرالاضلاع هشت ضلعی است) قرار دارد (شکل ۳۴۸) .



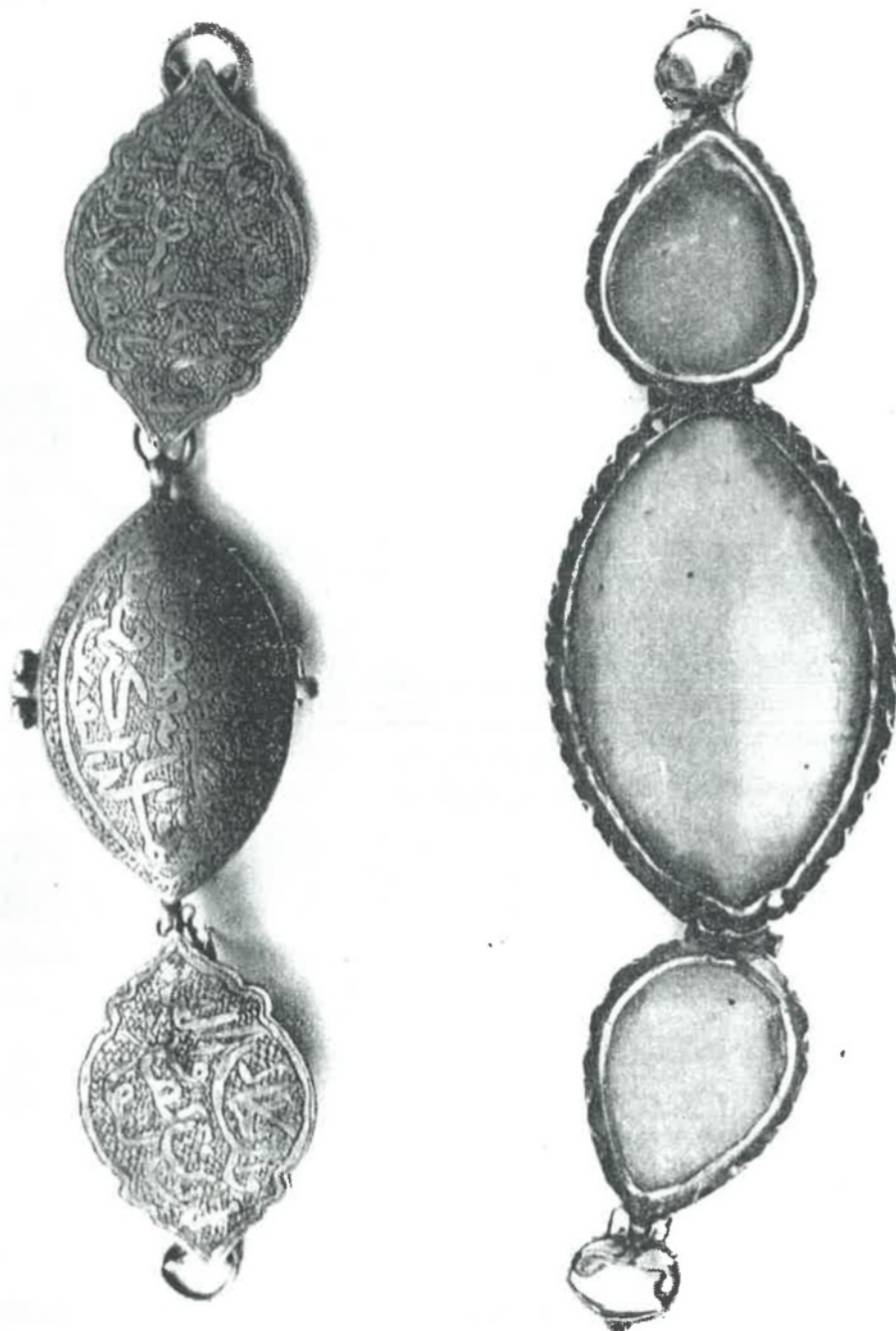
(شکل ۳۴۵) بازوبند مهره دار با منگوله و با دو نشان نقره کنگره دار طلسمی .
موجود در موزه مردم شناسی تهران .

این بازوبندهای سه گانه اخیر مخصوص بچه ها میباشند .

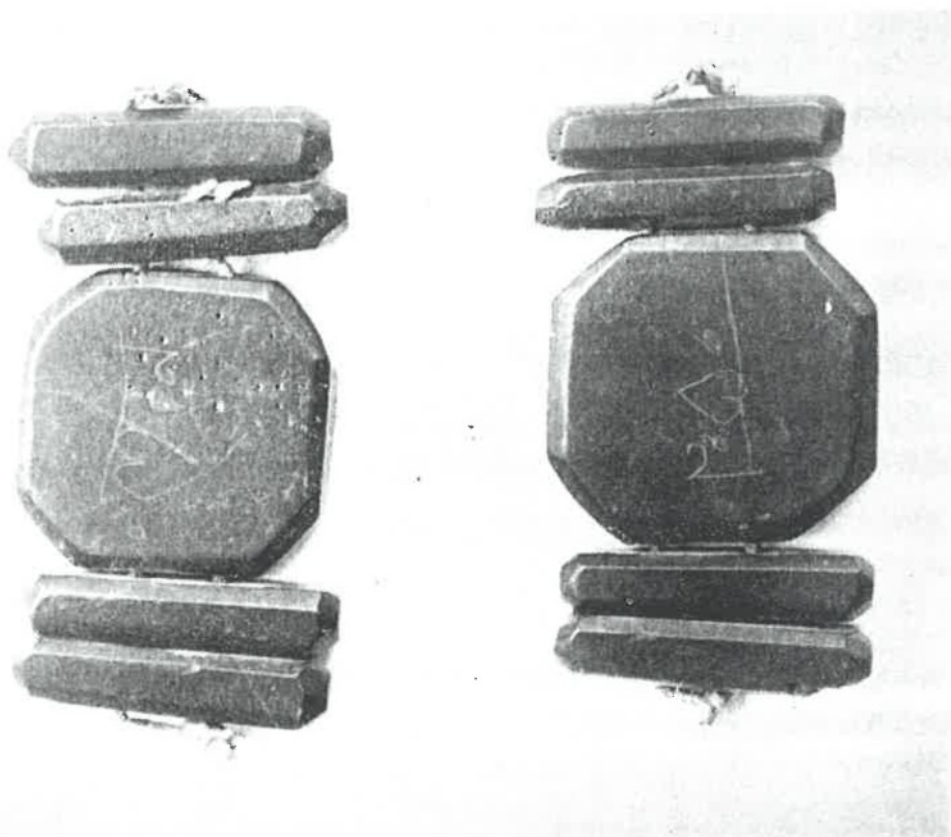
.....

از میان کمربندهای معمول زنان ، چند کمر بند و مقداری





(شکلهای ۳۴۶ و ۳۴۷) بازوبند های سه قطعه ای نقره ، و دانه نشان . موجود در موزه مردم شناسی تهران .



(شکل ۴۴۸) بازوبند از سنگ شبّه* . موجود در موزه مردمشناسی تهران .

گل کمر هست که شرح داده میشود :

کمر بندی است نقره ، با گردیهای مسطح و مشبک که در وسط آنها دانه نشانی شده و خطوطی مانند اشعه از آنها به اطراف چسبیده و صورت خورشید یافته است . این گردیها حاشیه‌ای دارند که روی آنها را با گردیهای ریزی برجسته‌سازی کرده‌اند . هر گردی بوسیله زنجیرهایی به دیگری پیوسته میباشد . چون بقلاب یا گل کمر میرسد ، شکل نیمه‌ترنجی یافته و به یک بیضی (که در وسط گل کمر است) وصل میشود . روی این

زیور را با مفتولهای نازک نقش انداخته‌اند و چند جای آنرا دانه‌نشانی کرده‌اند (شکل ۳۴۹) .

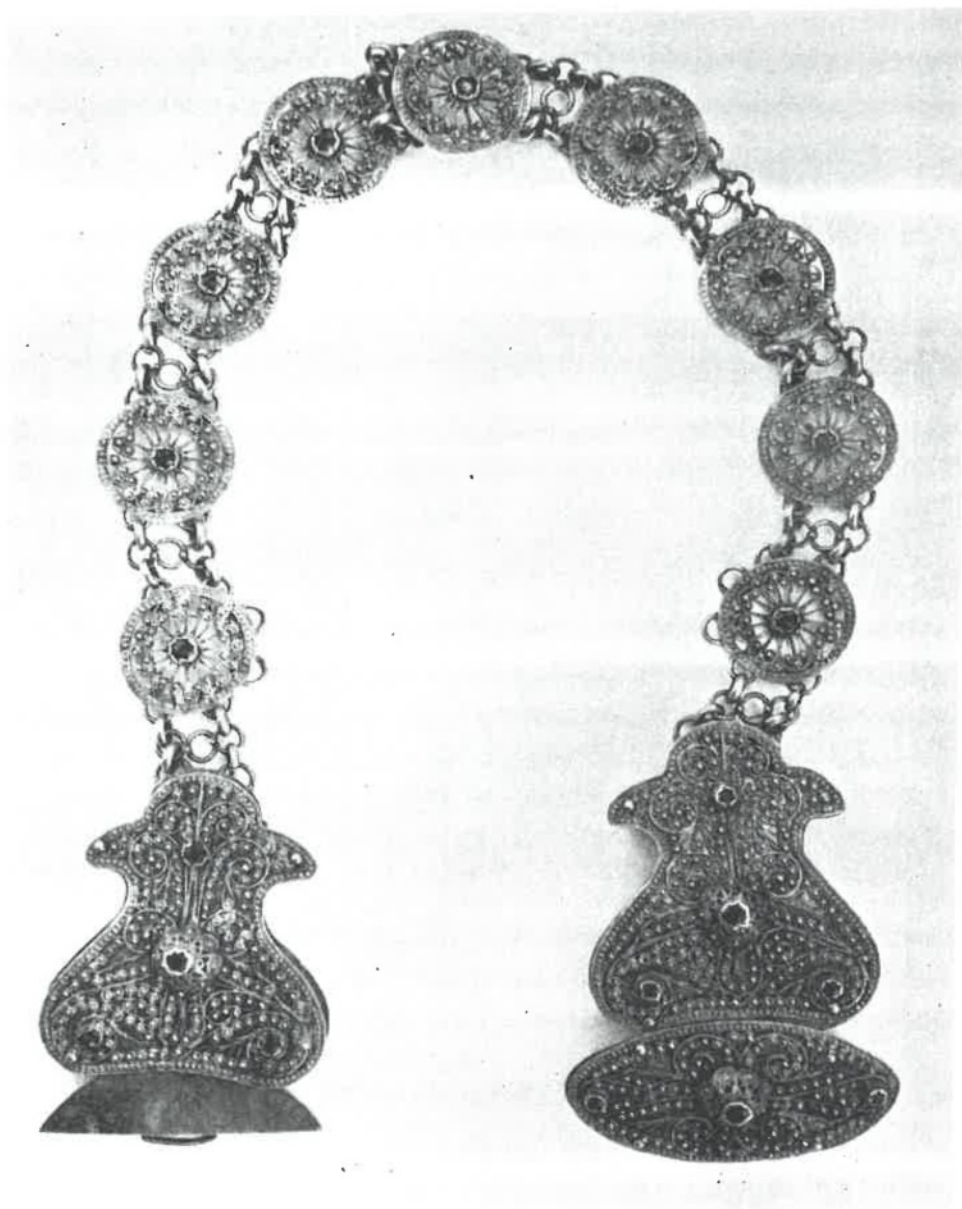
دو کمر بند دیگر در موزه مردم شناسی هست که نقره میباشند و از مستطیل‌هایی (که اندک محدب‌بند) تشکیل یافته‌اند . روی همه این مستطیلهای را نقش انداخته و با گردیهائی ریز حاشیه بندی کرده‌اند . (شکل ۳۵۰) . این دو کمر بند را زنان ارمنی مورد استفاده قرار میدهند .

از میان گل کمرها ، دو گل کمر تقریباً نظیر هم هست ، که هر دو از نقره میباشند و شکل مستطیل دارند و در وسط نیز با یک گردی مسطح بزرگ زینت شده‌اند ، و هر دو ، پرکار و با حاشیه میباشند .

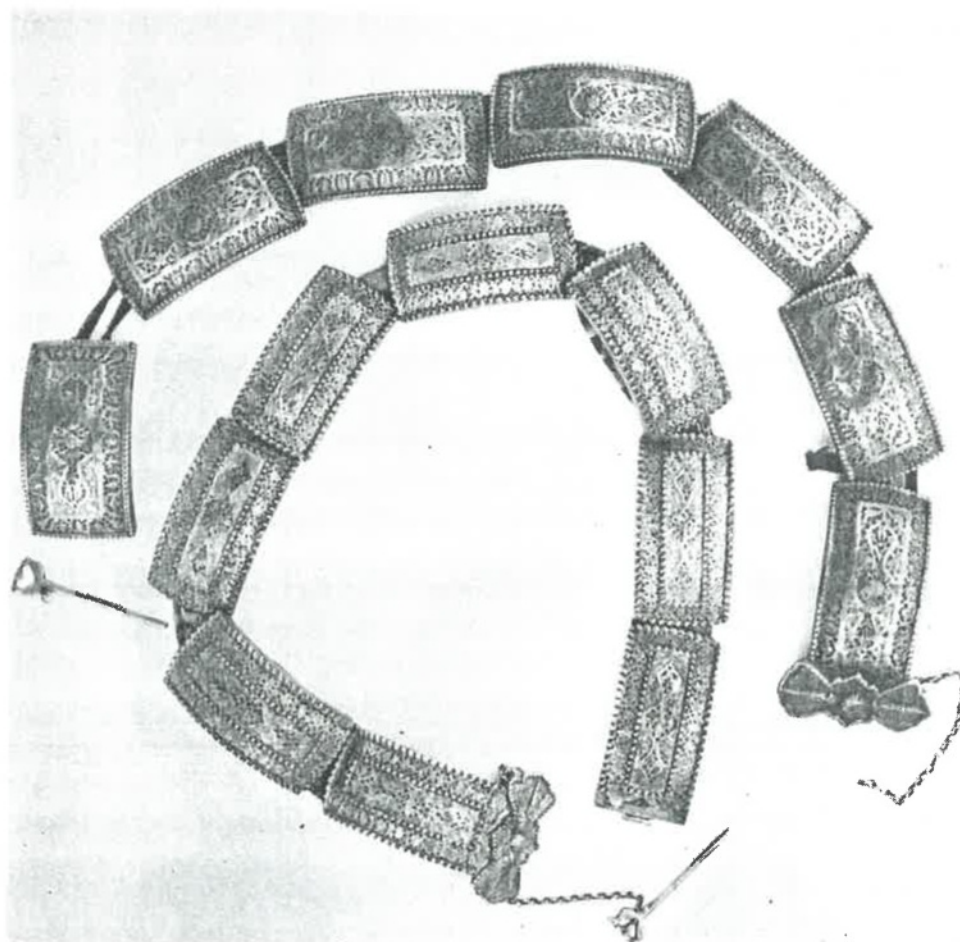
در یکی ، حاشیه‌ها مرکب از گلها ، و دیگری مرکب از نوارهای ماریچی است . نقش دایره مسطح وسط آنها نیز با هم فرق دارد . آنکه گل وسطی گل کمر با نیمدایره‌ها زینت شده است ، مضافاً دو نقش دایره شکل در دو طرف گل کمر دارد (که وسط آنها با نقش گل هشت پر) ، پر شده است .

این گل کمر ، متعلق به زنان ارمنی جلفای اصفهانست ، (شکل ۳۵۱) و دیگری (که حاشیه گلدار دارد) متعلق به زنان ترکمن در گرگان است . (شکل ۳۵۲) . این گل کمر ، چند حلقه چسبیده بخود در بالای خود دارد .

گل کمری از زنان ترکمن در موزه مردم شناسی هست که شکل

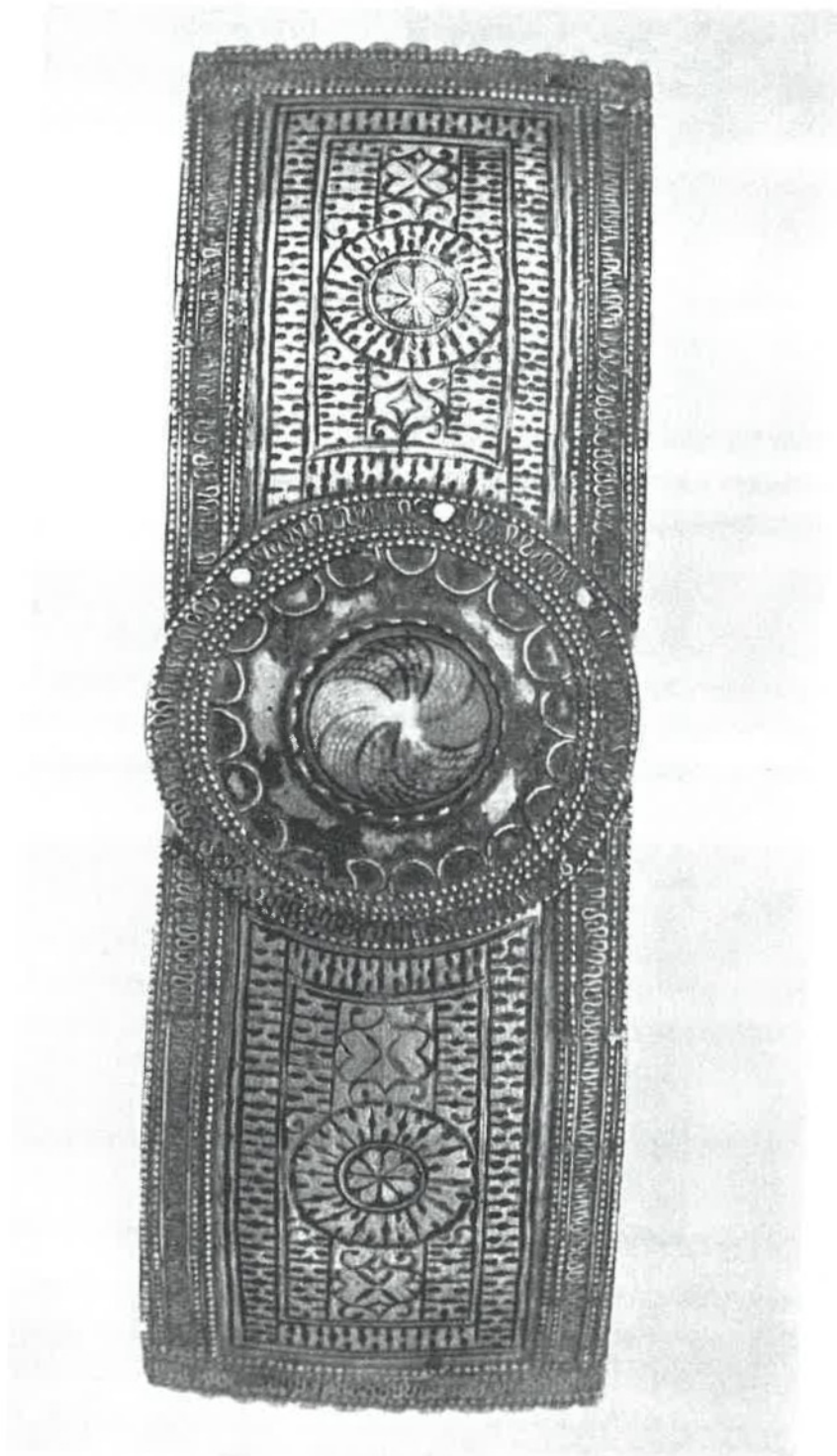


(شکل ۳۴۹) کمر بند نقره زنانه ، با پونکهای مشبک و نقش نگین دار خورشید و گل کمر بیضی دراز با نگین .
موجود در موزه مردم شناسی تهران .

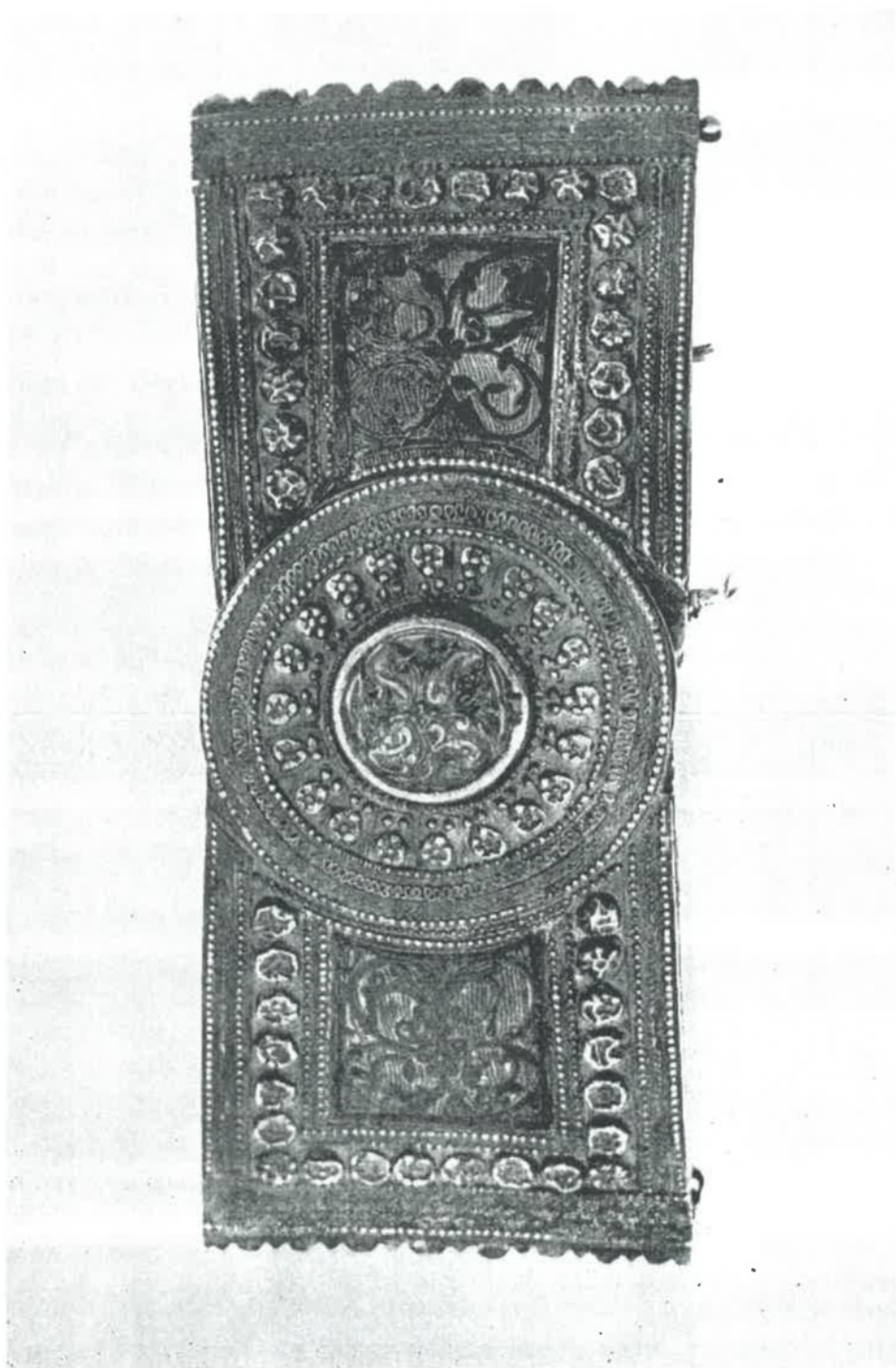


(شکل ۳۵۰) دو کمر بند نقرهٔ محدب مستطیل شکل زنان ارامنه . موجود در موزهٔ مردم شناسی تهران .

و ساخت بسیار جالب دارد ، و مرکب است از دو قطعهٔ بزرگ نقره (در طرفین گل کوچک وسطی) که بشکل برگ محدبی میتوان تصور کرد . روی این برگها را (که يك حاشیهٔ پهن نیز دارد) با خطوط مستقیم خانه بندی کرده اند و وسط خانه ها ، بالا آمده است . حاشیهٔ پهن برگ را با ساقه های شبیه ساقه های مو نقش بندی کرده اند . گل کوچک



(شکل ۳۵۱) گل کمر نقره زنان ارمنی جلفای اصفهان . موجود در موزه مردم شناسی تهران .



(شکل ۳۵۲) گل کمر نقره زنان ترکمن از گرگان . موجود در موزه مردم شناسی تهران .

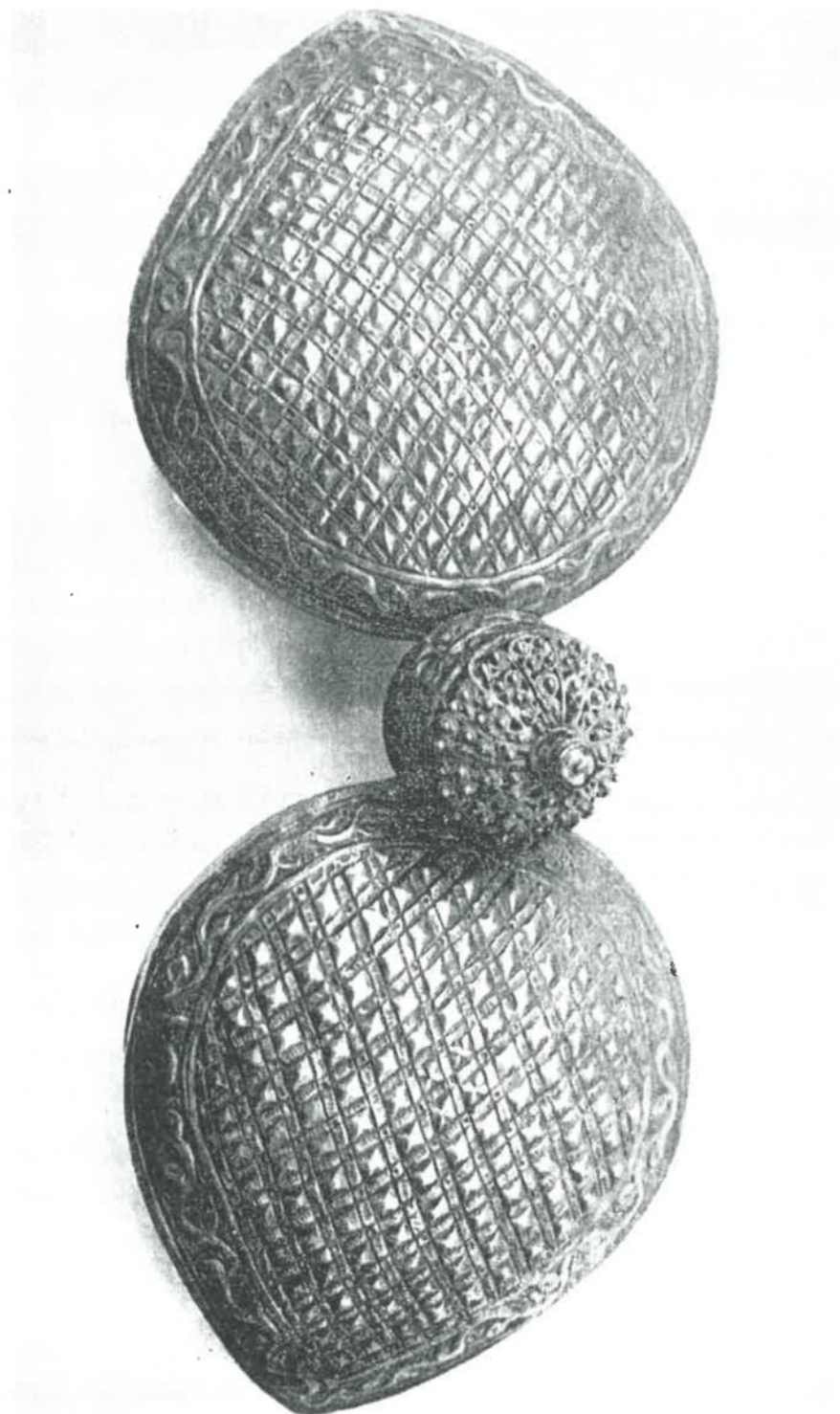
وسط این دو برگ را (که تقریباً شبیه گنبدی است و قبه‌ای نیز دارد) مشبك ساخته‌اند و دانه‌های ریزی را به آن جوش داده‌اند (شکل ۳۵۳) .

گل کمر دیگری نیز از زنان ارمنی جلفا ، در موزه مردم شناسی هست که يك بیضی دراز ، گل اصلی را تشکیل میدهد و در دو طرف آن ، بقیه گل کمر بشکل ته کوزه قلیان شروع شده به بیرون دراز و کشیده میشوند . روی همه این سه قطعه اصلی را با دانه‌های ریز نقره ، نقش اندازی کرده‌اند و بعضی جاها را دانه نشانده‌اند و ردیف بالای هر سه قطعه را نیز با مفتولهایی بصورت حلقه حلقه متصل درآورده‌اند . آنچه در این گل کمر قابل ذکر است اینکه قطعات طرفین گل اصلی کمر ، خود دو قطعه میباشند و لولائی آن دو را بهم وصل کرده است و به این طریق این گل کمر از پنج قطعه تشکیل یافته است (شکل ۳۵۴) .

X از میان النگوهای متداول میان زنان ، نوعی النگوهای شیشه‌ای (که رنگارنگ بوده) در موزه مردم شناسی هست که یکسره گرد است و قفل و بست ندارد و یا با فلزی توأمآ زینت سازی نشده است . این النگوها را با شماره « ۳۵۵ » ارائه میدهیم .

از النگوها یا دستبندهای فلزی فراوان است . چندتای آنها از موزه مردم شناسی را در اینجا ارائه میدهیم :

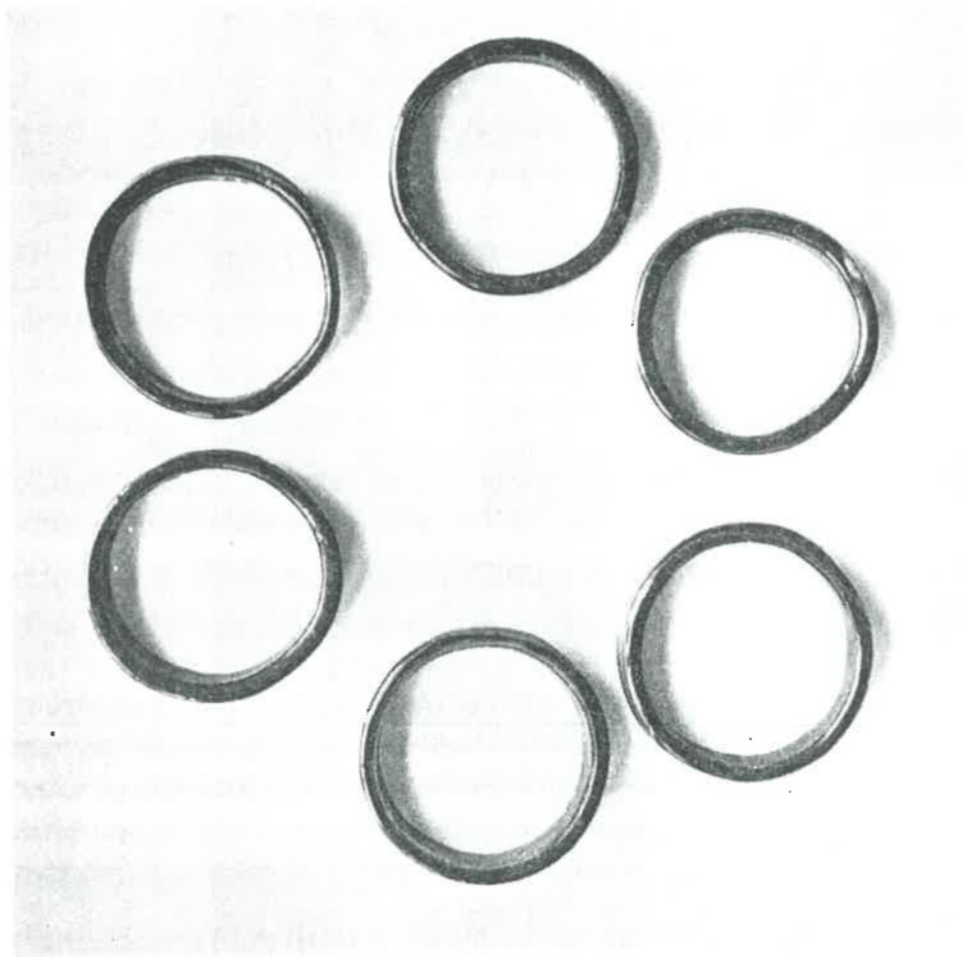
دستبندی است با چفت حلقه‌ای که در محل اتصال قبه‌ای دارد ، و نیز دو تکه میباشد و بوسیله لولا باز و بسته میشود ، روی حلقه دستبند



(شکل ۳۵۳) گل کمر نقره بشکل برگ‌های محدب و گل‌گنبذی مشابک . متعلق به زنان ترکمن .
موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .



(شکل ۳۵۴) گل کمر پنج قطعه‌ای زنان ارمنی جلنا . موجود در موزه مردم شناسی تهران .



(شکل ۳۵۵) انگوهای شیشه‌ای رنگارنگ زنان ایران . موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .

گرد است ولی زیر آن (که با میچ دست تماس دارد) مسطح میباید .
 نقش روی دستبند بصورت مفتول تاییده‌ایست و مضافاً طرحی کنده‌کاری
 از گل و برگ بر روی برآمده خود دارد ، و همچنین مانند پولک ،
 زیوری اضافه به آن الصاق شده است (شکل ۳۵۶) . این دستبند مورد
 استفاده زنان جنوب ایران است .

دستبند دیگری است مسطح ، با کناره برجسته کاری شده و با گردبهای ریز که در وسط دوره مسطح آن ، برجستگیهای کله قندی تعبیه کرده اند . این دستبند را هم زنان ترکمن ، و هم زنان بلوچ استفاده میکنند (شکل ۳۵۷) .

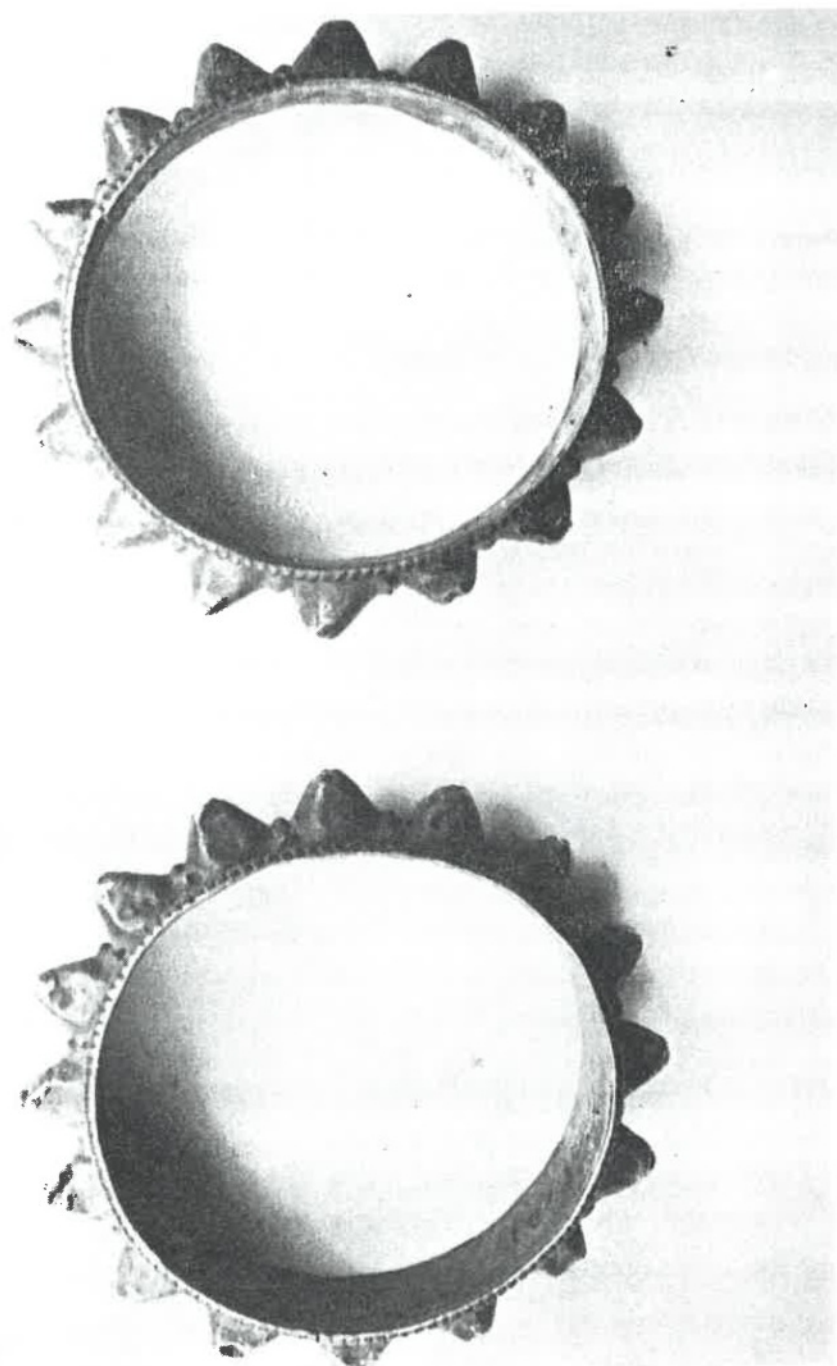
دو گونه دستبند نقره نیز با شکل دیگری در موزه مردم شناسی هست که هر دو ، منتسب به زنان بلوچ و زنان بنادر جنوب ایران است ، این دستبندها مسطح میباشند و هر یک در حدود (۶ تا ۷) سانتیمتر پهنا دارند .

یکی از آنها در لبه خود برجستگیهایی دارد و سپس حاشیههایی چون مفتول تاییده دو طرف آنرا زینت کرده ، و همچنین در میان خطوط موازی زیادی ، نقشهای منکسر کننده کاری شده است . یک نوار در وسط دستبند به پهنای « ۱۵ » سانتیمتر تعبیه کرده اند و درون آنرا با خطوطی لوزی جاسازی نموده ، و در میان آنها گلتهایی ساخته اند (شکل ۳۵۸) .

دستبند دیگر ، پهن تر است و این پهنا را جابجا با خطوط موازی ای که از مفتولهای تاییده تعبیه شده ، پر کرده اند و میان هر دو خط موازی پهن را نیز با خطوط مایل زینت سازی کرده اند . آنچه در این دستبند نمایان است دو حاشیه مشبك است که مقبولیت خاصی به آن بخشیده است . زمینه حاشیه مشبك عبارت است از برگهای بنه جقه ای (که هر یک بر روی یک گردی مسطح نشانده شده اند ، و مضافاً در بالای این برگ نیز همین گردی را کار زده اند) (شکل ۳۵۹) .



(شکل ۳۵۶) دستبند نقره زنان جنوب ایران . با يك قبه و لولا . موجود در موزه مردم شناسی تهران .



(شکل ۳۵۷) دستبند نقره دنده‌ای شکل (که دنده‌ها بشکل کله قند میباشند) .
موجود در موزه مردم‌شناسی تهران .



(شکل ۳۵۸) دستبند نقره زنان بلوچ . با لبه برجسته و نوار وسط گلدار . موجود در موزه مردم شناسی .



(شکل ۳۵۹) دستبند نقره زنان بلوچ با دو حاشیه مشبک بته جقه دار . موجود در موزه مردم شناسی تهران .

در کتاب موسوم به « بلوچستان » ذبیح‌الله ناصح ، دربارهٔ اسامی زیورها ، تحت عنوان « زینت زنان و مردان » شرحی آمده است که بسیار مورد استفاده میباشد .

توجه به اینکه ، پیدا کردن اسامی زیورآلات ایران ، خود ، کاری بسیار جالب است ، نیز میتواند زمینهٔ تحقیقات مفصلی از اینجهت باشد : که آیا هر زیوری با کدام لغت نامگذاری شده ، و در نتیجه ، از اصل بکدام قوم یا ملت متعلق میباشد .

بدیهی است که چنین کاری در خور تحقیق دامنه‌دار و شیرینی است ، و ضمناً در خور تدوین در کتاب دیگری است .

ولی ، در اینجا بعلت آشنائی اسامی زیورهای بلوچ و لطفی که در آنها از نظر کلام هست ، عجالتاً برای مزید آگاهی و آشنائی به يك قسمت از اسامی زیورها ، از زحمات مؤلف کتاب بلوچستان در این کتاب استفاده گردید .

.....

در صفحهٔ « ۱۱۹ » این کتاب نوشته شده است :

کَیْد - (قید) عبارتست از حلقهٔ طلائی که در موی سر فرو میرود و یکسزش به گوشواره می‌پیوندد .

زینت‌آلات زنان به اسامی « دُر ، نالْک ، دُرِبَجَه ، چَلْمَب ، نَک ، یاری ، وِالی » همه از جنس طلاست و بگوش آویخته میشوند

دَر - همان زینتی است که در فارسی گوشواره نامیده میشود و به اشکال مختلف ساخته میشوند .

گپکو - نیمکره‌هائی است از طلا که بر قطعه‌ای پارچه دوخته شده بگردن آویخته میشود ، و گاهی با دانه‌های یاقوت و فیروزه تزئین میگردد .

پُور° - (پروین) و گنبدو ، و هار ، هر سه با طلا ساخته شده و به گردن آویزان میکنند .

سربند - دایره‌هائی است طلائی ، مزین بفیروزه و یاقوت ، بر پارچه‌ای (که دوسر آن گلدوزی شده) دوخته شده است و بر بالای پیشانی قرار داده ، دو سر پارچه را از عقب‌گره میزنند (شبییه به نیمتاج) .
مُودِی° - عبارتست از استوانه‌های نقره‌ای که در موی بافته سر ، میکشند و بر پشت می‌اندازند .

چَلا - (انگشتر) که آنرا (مَنِدِرِیْک) نیز مینامند . از نقره و طلا (هر دو) ساخته میشود و انواع مختلف دارد .

پادیک - خلخال . از نقره درست میشود ، و در جوف آن چند سنگریزه میگذارند ، و بر مچ پا می‌بندند ، هنگام حرکت صدا میدهد .
سَنگَه° - بفارسی النگو نامند . این زینت معمولاً از نقره ساخته میشود و جوف آن نیز سنگریزه دارد تا هنگام جنبانیدن دست صدا بدهد .
مُزبیری - یا ، باهوبندی - با نقره ساخته میشود ، و داخل آن نیز سنگریزه دارد .

زباد دان - قوطی‌ایست که در داخل آن زباد و عنبر و چیزهای خوشبو جای میدهند ، و بر گریبان می‌آویزند .

دندان پاچ - آلتی است از طلا یا نقره ، که بگردن می‌آویزند و هنگام حاجت ، بجای خلال دندان بکار می‌برند .

پُلُوَه° - زینتی است که بر بینی نصب میشود و تا روی لب زیرین آویخته است . جنس آن طلا و بشکل بیضی است و فیروزه‌ای در وسط آن نصب است .

پُلَّك° - برای نصب کردن پُلَّك ، بینی را سوراخ میکنند و مروارید یا فیروزه و یاقوت روی آن نصب مینمایند .

شُمَشْکِی - که اطراف آن برگهای نازک طلا آویخته است و دائم در حال ارتعاش و لرزش میباشد ، و برزیبائی آن افزوده میشود .

.....

تَلَمَل° ، جَوَك° ، گَرُوَه° یا (گَرُوَه°) تائیت ، تائیتک ، لائتی و کَرَّی زینتهائی بوده که بین زنان و اطفال مشترک بوده ، و بندرت بکار میرفته است .

پایان

فهرست نوشته‌ها

شماره صفحات	موضوع
۳	مقدمه
۵	زیورهای زنان در گذشته دور
۲۷	درباره زیورهای ایلام - شوش
۴۳	درباره زیورهای لرستان
۶۳	درباره زیورهای زیویه
۸۱	درباره آثار زینتی تپه حسنلو در آذربایجان
۹۷	درباره زیورهای مکشوفه از گیلان
۱۴۷	درباره زیورهای مکشوفه از تپه سیلک کاشان
۱۵۷	درباره زیورهای مکشوفه از تپه حصار دامغان
۱۶۹	درباره زیورهای منتسب به دوره هخامنشی
۲۴۳	درباره زیورهای منتسب به دوره اشکانی
۲۸۹	درباره زیورهای منتسب به دوره ساسانی
۳۲۱	درباره زیورهای دوره اسلامی
۳۳۱	درباره زیورهای دوره سلجوقی

شماره صفحات	موضوع
۳۶۳	درباره زیورهای دوره تیموری و صفوی
۳۸۹	درباره زیورهای دوره افشاریه و زندیه
۴۰۱	درباره زیورهای دوره قاجاریه
۴۴۵	درباره زیورهای زنان روستاها، ایلها و چادر نشینان در عصر حاضر.
۴۶۱	نمونه‌هایی از زیورهای زنان ما، در نقاط مختلف ایران
۵۰۷	زیورهای زنان بلوچ و اسامی آنها
۵۱۱	فهرست نوشته‌ها
۵۱۳	فهرست عکس‌ها و طرح‌ها
۵۳۳	فهرست منابع و مآخذ

فهرست عکس‌ها و طرح‌ها

ردیف شکلها	شماره صفحات	موضوع
عکس زیورهای زنان فلات ایران در گذشته دور .		
۱	۱	دستکش زنجیری طلا .
۲	۱۰	مجسمه سفالی مکشوفه از شوش .
۳	۱۱	مجسمه سفالی مکشوفه از شوش .
۴	۱۲	مجسمه سفالی مکشوفه از تورنگ تپه .
۵	۱۳	مجسمه سفالی مکشوفه از شوش .
۶	۱۴	مجسمه سفالی مکشوفه از شوش .
۷	۱۵	مجسمه سفالی مکشوفه از شوش .
۸	۱۷	نقش برجسته « لی شیر - پیر عینی » .
در صخره شیخان کردستان .		
۹	۱۸	آویز طلای مکشوفه از ایلام .
۱۰	۱۹	مجسمه‌های کوچک سفالی الاهگان از شوش .
۱۱	۲۰	گردن‌بند طلای مکشوفه از امارلوی گیلان .
۱۲	۲۱	طرح نقش برجسته آنوبانی نی .

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
طرح نقش برجسته صخره بند گور سلیمانیه .	۲۲	۱۳
مجسمه برنزی زنی از پیروند کرمانشاه .	۲۵	۱۴
.		
عکس زیورهای ایلام - شوش .		
گوشواره‌های طلای منتسب به ایلام .	۲۸	۱۵
زیور روی مجسمه عاجی زنی از ایلام .	۳۰	۱۶
مجسمه برنزی « ناپیر آزو » .	۳۱	۱۷
نقش برجسته زن دوک به دست « ایلامی » .	۳۳	۱۸
نقش برجسته کاهنه « کوری ناهیتی » .	۳۴	۱۹
نقش برجسته کاهنه « کوری ناهیتی » .	۳۵	۲۰
زیورهای طلای مکشوفه از شوش .	۳۶	۲۱
انگشتریهای طلای مکشوفه از شوش .	۳۸	۲۲
		۲۳ و ۲۴
انگشتریهای مکشوفه از شوش .	۳۹	۲۵ و
گوشواره‌های طلا و نقره ایلامی .	۴۰	۲۶ و ۲۷
گردن‌بند طلا و بدل‌چینی ایلامی .	۴۱	۲۸
.		
عکس زیورهای لرستان .		
النگوی مکشوفه از لرستان .	۴۴	۲۹
مجموعه‌ای از سنجا‌های مفرغی لرستان .	۴۶	۳۰
چهار عدد از سنجا‌های مفرغی لرستان .	۴۷	۳۱

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
سرسنجاقهای مفرغی باشکل حیوانات و آدمی.	۴۸	۳۲
پیشانی‌بند با سر قوچها .	۵۰	۳۳
گوشواره‌ها ، آویزها و سنجاقهای گیره‌دار لرستان .	۵۱	۳۴
گوشوارهٔ مکشوفه از لرستان .	۵۲	۳۵
مجسمهٔ برنزی زنی از لرستان .	۵۴	۳۶
مجسمهٔ برنزی زنی با کلاه میله‌دار و کبوتر.	۵۵	۳۷
النگوهای متنوع . از لرستان .	۵۶	۳۸ و ۳۹
بازوبند و النگوی برنزی . از لرستان .	۵۸	۴۰
النگوی برنزی . از لرستان .	۵۹	۴۱
کمربند شامل صحنهٔ شکار . از لرستان .	۶۰	۴۲
بازوبند پهن با کلهٔ حیوان . از لرستان .	۶۱	۴۳
.		
عکس زیورهای زیویه .		
النگوی طلا . از زیویهٔ کردستان .	۶۴	۴۴
	۶۹ - ۷۰ -	۴۵ و ۴۶
دستبند طلا با دوسر شیر .	۷۱	۴۷ و
النگوی ساده با نقش سر مار .	۷۲	۴۸
گردن‌بند طلا با آویز چشمی شکل .	۷۳	۴۹
گردن‌بند طلا و گوشواره‌ها .	۷۴	۵۰
زنجیر و گردن‌بند .	۷۵	۵۱

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
قسمتی از يك گردن بند طلا (مركب از سر قوچها) .	۷۶	۵۲
قسمتی از كمر بند طلا (با نقش حيوانات و پرندگان) .	۷۷	۵۳ و ۵۴
آویز سينه از طلا .	۷۸	۵۵
پلاك طلا (با نقش دوشير بالدار با يك سر اشتراکی) .	۷۹	۵۶
.		
عكس زيورهاي تپه حسنلو		
گوشواره طلای خوشه‌ای شکل .	۸۲	۵۷
گوشواره طلای خوشه‌ای شکل .	۸۶	۵۸
گردن بند طلا .	۸۸	۵۹
گردن بندهای طلا .	۹۰	۶۰
النگوی مفرغی .	۹۱	۶۱
النگو و دگمه‌های طلا .	۹۲	۶۲
زيور طلای كلاه و دگمه‌های طلا .	۹۵	۶۳
.		
عكس زيورهاي گیلان .		
گوشواره طلای خوشه اناری .	۹۸	۶۴
گردن بند گچی .	۱۰۱	۶۵
گردن بند حلزونی .	۱۰۲	۶۶

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
گردن بند بدل چینی .	۱۰۳	۶۷
گردن بند بدل چینی موجدار .	۱۰۴	۶۸
گردن بند طلا و عقیق .	۱۰۶	۶۹
گردن بند بدل چینی با آویز خوشه اناری طلا .	۱۰۸	۷۰
گردن بند با آویز خوشه اناری .	۱۰۹	۷۱
گردن بند طلا با آویز گرد از طلا (بانقش گل) .	۱۱۰	۷۲
آویز طلا .	۱۱۲	۷۳
گردن بند طلای با آویز گرد و نقش خورشید .	۱۱۳	۷۴
گردن بند طلا (با پنج آویز گرد) .	۱۱۴	۷۵
گردن بند طلا (با هفت آویز گرد) .	۱۱۵	۷۶
گردن بند طلا (با مهره های دو مخروطه) .	۱۱۶	۷۷
گردن بند طلا (با آویزهای گرد نقطه چین) .	۱۱۷	۷۸
آویز طلا (با دوسر مرغ) .	۱۱۸	۷۹
آویز طلای قفسی شکل .	۱۲۰	۸۰
آویز طلای اناری شکل .	۱۲۱	۸۱
مجسمه طلای سلطانی از گیلان .	۱۲۳	۸۲
دگمه طلای زینتی	۱۲۴	۸۳
گوشواره طلا (با آویز لوزی) .	۱۲۵	۸۴
گردن بند طلا (با زنجیر ساده و آویز لوزی) .	۱۲۶	۸۵
انگشتریها .	۱۲۸	۸۶ و ۸۷
دستبندهای طلا و مفرغی .	۱۳۰	۸۸ و ۸۹

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
دستبندهای طلا و نقره .	۱۳۱	۹۰ و ۹۱
النگوی طلا با دوسر شیر .	۱۳۲	۹۲
النگوی طلا (با نقش گیسوی بافته) .	۱۳۴	۹۳
سناقهای زینتی طلا .	۱۳۵	۹۴
دستبند نقره چهار زنجیره .	۱۳۷	۹۵
زنگوله‌های مفرغی .	۱۳۷	۹۶ و ۹۷
برگ زینتی طلا .	۱۳۸	۹۸
موبند طلا .	۱۳۸	۹۹
پیشانی‌بند طلا .	۱۳۸	۱۰۰
مهره‌های طلای بشکه‌ای شکل .	۱۴۱	۱۰۱ و ۱۰۲
يك قطعه از کمر بند طلای مرصع .	۱۴۱	۱۰۳
چهارقطعه از يك کمر بند طلای مرصع .	۱۴۲	۱۰۴
گردن‌بند بامهره‌های طلا و آویز اناری شکل .	۱۴۳	۱۰۵
گردن‌بند با مهره‌های طلا و مجسمه‌های كوچك قورباغه .	۱۴۴	۱۰۶
گردن‌بند طلا با مهره‌های شیاردار .	۱۴۵	۱۰۷
.		
عكس زيورهای تپه سي يلك		
گوشواره هلالی با نقش سه گوشى .	۱۴۸	۱۰۸
زيورهای متنوع زنان ساكن تپه سي يلك .	۱۵۰	۱۰۹
گردن‌بندهای متنوع ساكن تپه سي يلك .	۱۵۱	۱۱۰

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
نشان منقوش با نوار متقاطع .	۱۵۳	۱۱۱
دگمه‌های محدب حلقه‌دار .	۱۵۴	۱۱۲
مجموعه‌ای از زیورها .	۱۵۵	۱۱۳
.		
عکس زیورهای تپه حصار		
گردن‌بندها و گوشواره‌های طلا .	۱۵۸	۱۱۴
گردن‌بندهای طلا و يك صفحه زینتی طلا .	۱۶۱	۱۱۵
گردن‌بندهای گرد و استوانه‌ای .	۱۶۳	۱۱۶ و ۱۱۷
گردن‌بندهای مهره‌دار و استوانه‌ای .	۱۶۴	۱۱۸ و ۱۱۹
گردن‌بندی از مرجان .	۱۶۵	۱۲۰
مجموعه‌ای از زیورهای مفرغی .	۱۶۶	۱۲۱
مجموعه‌ای دیگر از زیورها .	۱۶۷	۱۲۲
.		
عکس زیورهای دوره هخامنشی .		
گوشواره طلا .	۱۷۰	۱۲۳
گور برنزی مملو از زیور .	۱۸۲	۱۲۴
گوشواره طلا .	۱۸۴	۱۲۵
گوشواره مشبك از طلا (با آویز میوه کاجی) .	۱۸۵	۱۲۶
گوشواره طلای هلالی شکل .	۱۸۶	۱۲۷
گوشواره طلا با آویز قورباغه .	۱۸۷	۱۲۸
گوشواره طلا (با نقش پهلوانی در متن) .	۱۸۸	۱۲۹

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
گوشواره گلبرگی دانه نشانده .	۱۸۹	۱۳۰
گوشواره دو اسبه .	۱۹۰	۱۳۱
پنج عدد گوشواره و يك عدد حلقه بست .	۱۹۱	۱۳۲
مجسمه طلائی شاهزاده خانم .	۱۹۲	۱۳۳
نقش برجسته يك مرد پارسی با گوشواره ساده اش .	۱۹۳	۱۳۴
النگوی طلائی تاییده ، با سر غزال .	۱۹۵	۱۳۵
بزرگشده النگوی با سر غزال .	۱۹۶	۱۳۶
النگوی طلا با دوسر شیر .	۱۹۷	۱۳۷
النگوی طلائی با حلقه تاییده و دوسر شیر .	۱۹۸	۱۳۸
النگوی طلا با سر بزغاله .	۱۹۹	۱۳۹ و ۱۴۰
النگوهای طلائی تاییده و با سر سوسمار .	۲۰۱	۱۴۱ و ۱۴۲
النگوی شیشه ای رنگی با گیره طلا .	۲۰۲	۱۴۳
النگوی نقره ای با حلقه ساده و سرقوچ .	۲۰۳	۱۴۴
النگوی با دوسر غزال و حلقه منحنی .	۲۰۴	۱۴۵
نقش برجسته سغدیها در تخت جمشید .	۲۰۵	۱۴۶
نقش برجسته مادهای منقوش بر صخره دور - شاروکین (خورساباد) .	۲۰۶	۱۴۷
نقش شاهزاده خانمهای دوره هخامنشی بر روی بافتههای مکشوفه از پازیریک .	۲۰۸	۱۴۸
نقش شهبانوئی بر يك مهر .	۲۰۹	۱۴۹

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
بازوبند و دستبند طلا .	۲۱۰	۱۵۰
بازوبند طلا .	۲۱۱	۱۵۱
بازوبندی دیگر از طلا .	۲۱۳	۱۵۲
نقش برجسته مردان آشوری در تخت جمشید.	۲۱۴	۱۵۳
گردن‌بند طلا و شیشه‌ای .	۲۱۵	۱۵۴
گردن‌بند چهاررديفه طلا (باسرهای آدمی).	۲۱۶	۱۵۵
گردن‌بند طلا .	۲۱۷	۱۵۶
نشان طلا با دوشیر متقاطع .	۲۱۸	۱۵۷
گردن‌بند طلا با پنج شیر شاخدار .	۲۲۰	۱۵۸
نشان طلای کنگره‌دار .	۲۲۲	۱۵۹
نشان یا سنجاق طلا . به شکل شیر.	۲۲۳	۱۶۰
طرح شیرهای زینتی بر حاشیه دامن لباس پارسی در تخت جمشید .	۲۲۴	۱۶۱
سریک شیر از طلا .	۲۲۵	۱۶۲
سر دوشیر از طلا .	۲۲۶	۱۶۳
سنجاق گرد طلا (با نقش دوشیر با یک سر اشتراکی).	۲۲۷	۱۶۴
سنجاق گرد طلا (با دوشیر پشت بهم کرده).	۲۲۹	۱۶۵
سنجاقهای گرد طلا (باشکل سپرو نقش گل).	۲۲۹	۱۶۶ و ۱۶۷
سنجاق گرد طلا با حاشیه شیاردار و نقش شیر بالدار در وسط .	۲۳۰	۱۶۸

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
سنجاق گرد مشبك از طلا (با حاشیه شیاردار و نقش شیر بالدار در وسط).	۲۳۱	۱۶۹
سنجاق طلا با ساقه خرطومی شکل .	۲۳۳	۱۷۰
سنجاق طلای شاخه اناری .	۲۳۴	۱۷۱
سنجاقهای سر بز کوهی و مرغ شاخدار.	۲۳۵	۱۷۲ و ۱۷۳
نشان گرد طلا با حاشیه مشبك و نقش شاه به شکل «فروهر» در وسط .	۲۳۶	۱۷۴
طوق طلا با میله باریك و سر دو حیوان .	۲۳۷	۱۷۵
طوق طلای ماریچ با زیورهای متعدد .	۲۳۸	۱۷۶
نقش برجسته مردان پارسی و مادی .	۲۳۹	۱۷۷
نقش برجسته مردان پارسی و مادی .	۲۴۰	۱۷۸
زنگوله‌های طلا .	۲۴۱	۱۷۹
پیشانی‌بندهای طلا و نقره کنده کاری شده .	۲۴۲	۱۸۰ و ۱۸۱
.		
عکس زیورهای دوره اشکانی .		
گوشواره طلای متشکل از سر آدمی و پرندگان.	۲۴۴	۱۸۲
گوشواره طلای خوشه انگوری .	۲۴۹	۱۸۳
گوشواره طلا . با آویزهای گلوله‌ای (گرد).	۲۵۰	۱۸۴
گوشواره طلا با آویزهای گرد درشت .	۲۵۲	۱۸۵
گوشواره طلا با آویزهای گرد ریز و درشت.	۲۵۳	۱۸۶
گوشواره طلا با قید مفتولی و دو گوهر	۲۵۴	۱۸۷

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
درشت در طرفین .	۲۵۶ - ۲۵۷	۱۸۸ و ۱۸۹
گوشواره‌های طلای معبد اناهیتا در کنکاور .	۲۵۸	و ۱۹۰
گوشواره‌های مکشوفه از گرگان .	۲۵۹	۱۹۱
گوشواره مکشوفه از دورا - اوروپوس .	۲۶۰	۱۹۲
گوشواره‌های مکشوفه از سلوکیه .	۲۶۱	۱۹۳ و ۱۹۴
گوشواره‌های مکشوفه از سلوکیه .	۲۶۲	۱۹۵ و ۱۹۶
گوشواره چنگکی .	۲۶۳	۱۹۷
بزرگشده گوشواره چنگکی .	۲۶۵	۱۹۸
گوشواره کلاخودی .	۲۶۶	۱۹۹ و ۲۰۰
دستبند نواری مشبك با دوسر حلقه‌ای .	۲۶۸	۲۰۱
دستبند زنجیری با زیور مخروطی .	۲۶۹	۲۰۲
دستبند تاییده طلا - نقره .	۲۷۰	۲۰۳
دستبند و گردن‌بند مکشوفه از دورا - اوروپوس .	۲۷۱	۲۰۴
طرح گردن‌بند با نقش ستاره هشت‌پر .	۲۷۲	۲۰۵
گردن‌بندی از خمیر شیشه (با نقش لوییای چشم بلبلی) .	۲۷۳	۲۰۶
گردن‌بندهای مکشوفه از دیلمان و نیپور .	۲۷۴	۲۰۷
گل‌کمر مکشوفه از نهاوند .	۲۷۶	۲۰۸
پلاک دوزنقه‌ای دانه‌نشانه .	۲۷۸	۲۰۹

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
نشان طلا (بشکل طاووس).	۲۷۹	۲۱۰
مجسمه پرنسس واشفاری .	۲۸۰	۲۱۱
مجسمه اوبال .	۲۸۲	۲۱۲
نقاشی بردیوار دورا - اوروپوس .	۲۸۳	۲۱۳
نقاشی دیگری بردیوار دورا - اوروپوس .	۲۸۴	۲۱۴
مجسمه زنی ازدوره اشکانی .	۲۸۵	۲۱۵
مجسمه زنی دیگر از دوره اشکانی .	۲۸۷	۲۱۶
طرح مجسمه‌ای سفالی .	۲۸۸	۲۱۷
.		
عکس زیورهای دوره ساسانی		
یکجفت آویز بشکل بوقلمون .	۲۹۰	۲۱۸
گوشواره و طرح آویز هشت ستاره .	۲۹۸	۲۱۹ و ۲۲۰
نقش زنان دوره ساسانی بر روی مهر .	۳۰۰	۲۲۱ و ۲۲۲
مهری ازدوره ساسانی و بشقاب نقره .	۳۰۲	۲۲۳ و ۲۲۴
نقش زنان بريك بشقاب نقره .	۳۰۳	۲۲۵
نقش برجسته گچی و زن دوره ساسانی .	۳۰۴	۲۲۶
نقش برجسته فرشته بالای طاق بستان .	۳۰۵	۲۲۷
نقش موزائیکی زن بافنده .	۳۰۷	۲۲۸
نقش موزائیکی زن نوازنده .	۳۰۸	۲۲۹
نقش موزائیکی زنی در حال بادزدن بخود ;	۳۰۹	۲۳۰
طرح اناهیتا در حال معراج . روی بشقاب .	۳۱۰	۲۳۱

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
نقش رقاصه بر روی کوزه .	۳۱۱	۲۳۲
نقاشی ئی از يك زن دوره ساسانی .	۳۱۲	۲۳۳
نقش برجسته اناهیتا .	۳۱۳	۲۳۴
مجسمه شاپور .	۳۱۵	۲۳۵
نقش پادشاه سوار ساسانی در حال شکار .	۳۱۶	۲۳۶
نقش پادشاه سوار ساسانی در حال شکار .	۳۱۷	۲۳۷
نقش پادشاه سوار ساسانی در حال شکار .	۳۱۸	۲۳۸
مجسمه پادشاه ساسانی از سنگ لاجورد .	۳۱۹	۲۳۹
مجسمه نیم تنه شاپوردوم از لعاب و گچ و آهك .	۳۲۰	۲۴۰
.		
عکس زیورهای دوره اسلامی .		
نشانی از دوره آل بویه .	۳۲۲	۲۴۱
روی دیگر نشان دوره آل بویه .	۳۲۷	۲۴۲
.		
عکس زیورهای دوره سلجوقی		
مجسمه گچی زنی از دوره سلجوقی	۳۳۲	۲۴۳
گوشواره هلالی شکل مشبك .	۳۳۶	۲۴۴
آویز مشبك از شیر تمام گرد .	۳۳۷	۲۴۵
آویز کننده کاری ترنجی بانقش دو خر گوش .	۳۳۸	۲۴۶
طرح سه گوشواره طلائی .	۳۳۹	۲۴۷
گوشواره های طلائی مشبك .	۳۴۱	۲۴۹ و ۲۴۸

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
گوشواره طلای مشبك با آویز هرمی شکل .	۳۴۲	۲۵۰
گوشواره‌های طلای با نوارمقاطع و زیور فانوسی .	۳۴۳	۲۵۱ و ۲۵۲
يك لنگه گوشواره طلای دوره سلجوقی .	۳۴۴	۲۵۳
گوشواره نقره (با آویز فانوسی مشبك) .	۳۴۵	۲۵۴
گردن‌بند نقره با مهره‌های دومخروطه .	۳۴۷	۲۵۵
گردن‌بند با زیورهای مختلف .	۳۴۸	۲۵۶
دستبند مجّوف‌کنده کاری شده .	۳۴۹	۲۵۷
دستبند میله‌ای توپر با دوسر مار .	۳۵۰	۲۵۸
دستبند نقره‌ای زنجیری با نقش ستاره هشت‌پر .	۳۵۱	۲۵۹
دستبند نقره‌ای با نقش ستاره هشت‌پر .	۳۵۲	۲۶۰
بازوبند نقره با لوله ساده توخالی	۳۵۳	۲۶۱
سرهای پرنقش بازوبند نقره با لوله ساده توخالی	۳۵۴	۲۶۲
بازوبند نقره . با دوره توخالی و متشکل از گردیها و سر مار .	۳۵۶	۲۶۳
وضع دیگر بازوبند نقره متشکل از گردیها و سر مار .	۳۵۷	۲۶۴
نقش زنی بر کاسه لعابدار کاشان .	۳۵۸	۲۶۵
نقش دو زن بر کاسه لعابدار ساوه .	۳۵۹	۲۶۶
طرح زن بیمار و طبیب در حال خون‌گرفتن	۳۶۱	۲۶۷

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
از بازو .		
نقش برجسته گچی دو زن .	۳۶۲	۲۶۸
.		
عکس زیورهای دوره تیموری و صفوی .		
انگشتری طلای دوره تیموری .	۳۶۴	۲۶۹
زنی با زیورش در یک نقاشی از دوره تیموری .	۳۶۸	۲۷۰
نقاشی زنی با زیورهايش .	۳۶۹	۲۷۱
نقاشی زنی به وسیله رضای عباسی .	۳۷۱	۲۷۲
نقاشی زنی به وسیله افضل تونی .	۳۷۲	۲۷۳
کمربندهای ساخت اسماعیل و نورالله .	۳۷۳	۲۷۴
بازوبند دانه نشانده با الماس و لاجورد .	۳۷۴	۲۷۵
.		
عکس زیورهای دوره افشاریه و زندیه .		
گوشواره طلای هلالی مشبك .	۳۹۰	۲۷۶
گوشواره طلای هلالی شکل با چهار گلوله مشبك .	۳۹۳	۲۷۷
انگشتری و النگوهای منتسب به سده دوازده هجری .	۳۹۴	۲۷۸ و ۲۷۹
گردن بند طلای دومخروطه شیاردار .	۳۹۵	۲۸۰
نقاشی زنی ساغر به دست .	۳۹۷	۲۸۱
منظره معاشقه زن و مردی جوان .	۳۹۸	۲۸۲

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
گوشواره مرصع گوهرنشاندۀ (به شکل طوطی).	۴۰۰	۲۸۳
.		
عکس زیورهای دوره قاجاریه .		
گوشواره طلا و مروارید مرصع .	۴۰۲	۲۸۴
طرح صورت بی بی دردانه دزفولی .	۴۱۰	۲۸۵
طرح بالاتنه يك زن ارمنی .	۴۱۳	۲۸۶
چهره يك دختر ارمنی .	۴۱۴	۲۸۷
زنی درحال قلیان کشیدن .	۴۲۰	۲۸۸
زیورهای يك زن کرد .	۴۲۱	۲۸۹
نقاشی زنی ازدوره قاجاریه با زیورهایش .	۴۲۲	۲۹۰
نقاشی از اندام زرین رقاص .	۴۲۴	۲۹۱
نقاشی از اندام لطیفه رقاص .	۴۲۵	۲۹۲
نقاشی از اندام گل آرا (با دسته گل).	۴۲۷	۲۹۳
نقاشی از اندام نازنین .	۴۲۸	۲۹۴
نقاشی از زنی درحال ضرب گرفتن .	۴۲۹	۲۹۵
طرحی از چهره يك زن خيوه ای .	۴۳۱	۲۹۶
زنان ترکمن .	۴۳۲	۲۹۷
گیسوبند نقره ای زنان ترکمن .	۴۳۳	۲۹۸
رو کلاهی پرزیور زنان ترکمن .	۴۳۴	۲۹۹
رو کلاهی پرزیور دیگری از زنان ترکمن .	۴۳۵	۳۰۰

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
سینه ریز نقره .	۴۳۶	۳۰۱
گوشواره نقره زنان ترکمن .	۴۳۷	۳۰۲
شرابه‌های نقره .	۴۳۸	۳۰۳
آویز کلاه .	۴۳۹	۳۰۴
دو آویز کلاه .	۴۴۰	۳۰۵
گردن‌بند نقره .	۴۴۱	۳۰۶
آویز زنگوله‌ای .	۴۴۲	۳۰۷
نشان کارزده نگین‌دار .	۴۴۳	۳۰۸
خانواده‌ای ترکمن با زیورهایشان .	۴۴۴	۳۰۹ و ۳۱۰
.		
عکس زیورهای زنان روستاها ، ایلها و چادر نشینان در عصر حاضر .		
زنی کولی از پیرامون مهاباد .	۴۴۶	۳۱۱
یک دختر کُرد بجنوردی .	۴۴۸	۳۱۱ مکرر
یک دختر کُرد اورامانی .	۴۴۹	۳۱۲
دختر کُرد اورامانی با عرفچین پر زیورش از پشت سر .	۴۵۰	۳۱۳
دو زن کُرد .	۴۵۱	۳۱۴
دختری از ایل کُرد «هرکی» .	۴۵۳	۳۱۵
دو زن کُرد حوالی کردند کرمانشاه .	۴۵۴	۳۱۶
یک زن لُر .	۴۵۵	۳۱۷
زنان قشقائی .	۴۵۶	۳۱۸

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
يك زن پير قشقائي .	۴۵۷	۳۱۹
زنان گيلك .	۴۵۸	۳۲۰
يك دختر مازندراني .	۴۵۹	۳۲۱
.		
عكس نمونه‌هائي از زيورهاي زنان ما ، در نقاط مختلف ايران .		
گوشواره نقره زنان بلوچ .	۴۶۲	۳۲۲
		۳۲۳ و ۳۲۴
گوشواره‌هاي زنان تركمن .	۴۶۵	۳۲۵ و
گوشواره مطلا و مرصع .	۴۶۶	۳۲۶
گيسوبند زنان كرد .	۴۶۷	۳۲۷
نيم تاج زنان تركمن .	۴۶۸	۳۲۸
نيم تاج ديگري از زنان تركمن .	۴۶۹	۳۲۹
نيم تاج با آويز و زنجير .	۴۷۰	۳۳۰
زيور عرقچين زنان بختياري .	۴۷۱	۳۳۱
پيشاني‌بند زنان كرد .	۴۷۳	۳۳۲
آويز كلاه زنان كرد .	۴۷۴	۳۳۳
آويز كلاه .	۴۷۵	۳۳۴
شراپه بلوچي .	۴۷۷	۳۳۵
پيشاني‌بند با آويز و دستبند بچگانه .	۴۷۸	۳۳۶
خلخال نقره كنگره‌دار .	۴۷۹	۳۳۷
خلخال منقش به گل و برگ .	۴۸۱	۳۳۸

موضوع	شماره صفحات	ردیف شکلها
خلخال نقره با دوسر کثیرالسطوح .	۴۸۲	۳۳۹
گلوبند نقره .	۴۸۳	۳۴۰
زیور دور چانه و بناگوش .	۴۸۴	۳۴۱
گل سینه گرد نقره .	۴۸۶	۳۴۲
قاب قرآن یا گل سینه بشکل مستطیل .	۴۸۷	۳۴۳
بازوبند گرد مسطح و کنده کاری شده .	۴۸۸	۳۴۴
بازوبند مهره دار .	۴۸۹	۳۴۵
بازوبندهای سه قطعه‌ای نقره .	۴۹۰	۳۴۶ و ۳۴۷
بازوبند ازسنگ شبّه ° .	۴۹۱	۳۴۸
کمر بند نقره .	۴۹۳	۳۴۹
دو کمر بند نقره .	۴۹۴	۳۵۰
گل کمر نقره .	۴۹۵	۳۵۱
گل کمر دیگری از نقره .	۴۹۶	۳۵۲
گل کمر نقره به شکل برگ .	۴۹۸	۳۵۳
گل کمر پنج قطعه‌ای .	۴۹۹	۳۵۴
النگوهای شیشه‌ای .	۵۰۰	۳۵۵
دستبند نقره .	۵۰۲	۳۵۶
دستبند نقره‌ای دنده‌ای شکل .	۵۰۳	۳۵۷
دستبند نقره زنانه بلوچ .	۵۰۴	۳۵۸
دستبند نقره‌ای مشبک زنانه بلوچ .	۵۰۵	۳۵۹

فهرست منابع و مآخذ

۱ - «سفرنامهٔ مسافرت به ایران» نوشتهٔ سرهنگ گاسپار درویل
C. G. Drouville

.....

۲ - «ایران از آغاز تا اسلام» نوشتهٔ پروفیسور گیرشمن .
Ghirshman

.....

۳ - «باستانشناسی ایران قدیم» نوشتهٔ واندن برگه
Vanden Berghe

.....

۴ - «دائرةالمعارف هنر جهانی» .

.....

۵ - «نظری به هنرهای ایران» نوشتهٔ پوپ . A. Pope

.....

۶ - «خاطرات هیئت حفاری فرانسوی درشوش» .

.....

۷ - «ایلام» نوشتهٔ «پییر آمیه» Pierre Amiet

۱۸- « یشت ها » نوشته ابراهیم پورداود .

.....

۱۹- « تاریخ ایران » نوشته سرپرسی سایکس . Sir P. Sykes

.....

۲۰- « تاریخ شاهنشاهی » نوشته اومستد Olmstead

.....

۲۱- « کوروش نامه » نوشته گزنفون Xénophon

.....

۲۲- « ایران باستان » نوشته حسن پیرنیا (مشیرالدوله).

.....

۲۳- « کتاب پلوتارخ Plutarx » نوشته احمد کسروی .

.....

۲۴- « هگمتانه » نوشته محمدتقی مصطفوی .

.....

۲۵- « تاریخ ماد » نوشته ایگور دیاکونف Dyakonove

.....

۲۶- « اشکانی - ساسانی » نوشته گیرشمن .

.....

۲۷- « کتاب دورا - اوروپوس Dura - Europos »

.....

۲۸- « ایران نامه » نوشته پروفیسور عباس شوشتری .

.....

۲۹- « ایران در زمان ساسانیان » نوشته آرتور کریستنسن .

A. Christensen

۳۰- « صنایع ایران بعد از اسلام » نوشته محمدحسن زکی .

۳۱- « حدود العالم من المشرق الى المغرب » .

۳۲- « جهانگردی مارکوپولو » Marco Polo

۳۳- « راهنمای صنایع اسلامی » نوشته دیماندا Maurice Dimand

۳۴- « سفرنامه ابن بطوطه » .

۳۵- « سفرنامه کلاویخو » .

۳۶- « سفرنامه تاورنیه » Jean Baptiste Tavernier

۳۷- « سیاحتنامه شاردن » Jean Chardin

۳۸- « سفرنامه مادام دیولافوآ » Mme. Dieulafoy

۳۹- « سفرنامه سانسون » Sanson

.....
 ۴۰- « سفرنامه از خراسان تا بختیاری » نوشته رنه دالمانی .

Henry Rene D'Allmagne

.....
 ۴۱- « مجله روزگار نو » .

.....
 ۴۲- « بلوچستان » نوشته ذبیح الله ناصح .

.....
 ۴۳- « مدارك موجود در موزه ایران باستان تهران » .

.....
 ۴۴- « مدارك موجود در موزه مردم شناسی تهران » .

.....
 ۴۵- « مدارك موجود در موزه هنرهای تزئینی تهران » .

.....
 ۴۶- « مدارك تخت جمشید » .

این کتاب دارای سیصد و شصت
عکس میباشد. عکس‌ها در دایره عکاسی
اداره کل موزه‌ها به وسیله آقایان
ملک عراقی « غلامرضا » و دهبینه‌ای
« مهدی » تهیه شده است .

غلطنامه

لطفاً چند اشتباه چاپی را تصحیح فرمائید:
در سطر اول صفحه (۴۰) بجای شکل ۳۶
(۲۶) نوشته شود .
در سطر اول صفحه (۱۱۰) بجای سیمای
(سیده‌های) نوشته شود .
در سطر اول صفحه (۲۶۳) بجای هخامنشی
(اشکانی) نوشته شود .
در سطر دوم صفحه (۲۷۳) بجای لوییان
(لویبای) نوشته شود .